

سیرت حوزہ اصفہان

دفعہ پنجم

محمد حواد نور محمد

مرکز تحقیقات و پایہ امی حوزہ علمیہ اصفہان

سرشناسه	نور محمدی، محمد جواد، ۱۳۴۷ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	میراث حوزه اصفهان / به اهتمام محمد جواد نورمحمدی: [برای] مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان.
مشخصات نشر	اصفهان - مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان، ۱۳۸۷.
فروست	(مجموعه منشورات)؛ ۲
شابک	۳۰۰۰۰ ریال: ج ۱: ۹-۹۲۹۷۲-۹۶۲ ج ۲: ۴۰۲-۹۶۰۸-۹۶۲
	۳۰۰۰۰ ریال: ج ۳: ۲۹۶۲-۹۶۱۰۸۶-۳۰۰۰۰ ریال: ج ۴: ۸-۲-۹۶۵۶۷-۹۶۲-۹۷۸-۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	جلد سوم گردآوری محمد جواد نورمحمدی است.
یادداشت	جلد چهارم گردآوری محمد جواد نورمحمدی است.
یادداشت	ج ۳ و ۴ (چاپ اول: ۱۳۸۶) (فیا).
یادداشت	جلد پنجم (چاپ اول: ۱۳۸۷) (فیا).
موضوع	اسلام - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
موضوع	حدیث - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
موضوع	فقه جعفری - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
موضوع	قرآن - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
موضوع	کتبشناسی - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
شناسه افزوده	حوزه علمیه اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای.
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۶ م ۳ / س ۱۱ / BP
رده‌بندی دیوپی	۲۹۷ / ۰۳
شماره کتابشناسی ملی	۳۵۱۷۲-۸۲ م

■ میراث حوزه اصفهان / ج ۵

• به اهتمام	محمد جواد نورمحمدی
• پژوهش	بخش احیاء تراث مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه اصفهان
• ناشر	انتشارات مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان
• لیتوگرافی	گلبن
• نوبت چاپ	اول / تابستان ۱۳۸۷
• شمارگان	۱۰۰۰
• بها	۷۰۰۰ تومان

مرکز بخش: اصفهان - خیابان شهید مطهری - ابتدای خیابان اردیبهشت

مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان

E-mail: info@hozeh.org

تلفن: ۰۳۱۱-۲۳۲۳۶۱۰-۵

WWW.hozeh.org

دورنگار: ۰۳۱۱-۲۳۲۳۶۱۰

شرح خطبة البيان

مؤلف: آخوند مولانا محمد تقی مجلسی (۱۰۷۰ ق)

تحقیق و تصحیح: جویا جهانبخش

پیشگفتارِ پژوهنده

متنی که در معرض دید و داوریِ اربابِ تحقیق و نظر قرار می‌گیرد، تالیفی است نویافته از آثارِ محدثِ نامی عصرِ صفوی، آخوند ملا محمد تقی مجلسی (مجلسیِ اول / ف: ۱۰۷۰ هـ.ق.) که به آهنگِ شرحِ خطبة‌البيان نگارشِ آن را آغاز نموده و به تمهیدِ مقدماتِ درازدامن پرداخته و علی‌الظاهر تالیفِ آن را در نیمه‌راه و پیش از ختمِ مقدمات و آغازِ شرحِ نصِّ خطبة‌البيان رها کرده است. به هر روی، متنی که به دست آمده - چنان‌که ملاحظه خواهید فرمود - ناتمام است و البته به تفصیلی که این مقام را گنجایشِ آن نیست، گمان می‌رود بعهد از پیگیریِ آن عنان برتافته باشند.

خطبة‌البيان، گفتاری است با کاست و فزود و نقلهایِ ناهمسان که - به قولِ علامه مولانا محمد باقر مجلسی و شماری از دیگر حدیث‌شناسانِ امامیه - برخی از غالیان و پیروانِ ایشان^۱ به امیرِ مؤمنان علی (ع) نسبت داده‌اند و اگرچه از حیثِ لفظ و مضمون

مورد خُرده‌گیری بوده و در حدیث‌نامه‌های معتبر و مهم شیعی نیز نیامده است، در یقْمندانِه از معدودی جلب نظر کرده و سبب گردیده است أحياناً بدان استشهاد یا استناد کنند.

متن حاضر، چون: أَوَّلًا، از مؤلفات مجلسي أول است و برای اطلاع بر سیر و صیوریت علمی این دانشمند نامی به کار می‌آید؛ ثانیاً، اقدام به تألیف و بازایستادن از اتمام آن - در کنار پاره‌ای قرائن -، نمودارِ دگردیسی فکری و فرهنگی تواند بود که جامعه علمی در عصر صفوی به خود می‌دید؛ ثالثاً، سر رشته‌ای در باب نحوه ترویج روایت موسوم به «حدیث نورانیت» به دست می‌دهد؛ رابعاً، تنها بر پاره‌ای مفاهیم ناستوار یا اخبار مشکوک، اشتمال نداشته، بلکه پاره‌ای از فضائل و مناقب ممتازِ امیرمؤمنان علی - علیه السلام - و دیگر پیشوایان پاک - عليهم السلام - را نیز شامل است که دیده‌وران شیعی و سُنی بدان باورمند بوده و هستند؛ و خامساً، از روزگار تألیف تاکنون بیشتر در زاویه خُمول بوده و زین‌رو در مطالعات تاریخی و حدیثی و تُرانی در معرض نقد و بررسی نیامده است، شایندۀ تحقیق و نشر دیده شد.^۲

از برای تصحیح و تحقیق این متن دو دست‌نوشته به دست داشته‌ایم - هرچند پُسان‌تر دست‌نوشته سومی نیز از این متن شناخته‌ایم -؛ و آن دو دست‌نوشته از این قراراند:

یکی دست‌نوشته کتابخانه مَلّی مَلِک (به شماره ۱۵۷۳)، و دیگر دست‌نوشته متعلق به علامه آیه‌الله حاج سید محمدعلی روضاتی - دام‌علاه.

تصویر دست‌نوشته مَلِک را دوست ارجمند، حجة الاسلام والمسلمین علی صدرائی خونی - حفظه الله و رعا -، اِتحاف فرمود. این دست‌نوشته که به آن رمز M داده‌ایم سخت مغلوط و آلوده به تصحیفات و تحریفات فراوان است، و تنها از برای آنکه خواننده به چون و چندی آن نیک آگاه شود، رنج گزارش اختلافات آن را با نسخه دیگر بر خود هموار داشته‌ایم: اختلافاتی که اغلب پشیزی ارزش ندارند.

دسترس به تصویر دستنوشتهٔ ملکی آیه‌الله روضاتی - ادام الله ظله - به مرحمت خود ایشان حاصل شد. این دستنوشته که با رمز R از آن یاده کرده‌ایم نسبتاً صحیح و مضبوط است و مؤلف به قلم خویش در آن اصلاحاتی کرده. با وجود دستنوشتهٔ آیه‌الله روضاتی که اولاً - چنان که اشاره شد - آثار قلم مجلسی اول در آن است، و ثانیاً - انسان که از یادداشتهای پایانی آن برمی‌آید - در تملک ملا محمد جعفر فرزند مؤلف بوده، هیچ شکّی در نسبت این متن به مجلسی اول باقی نمی‌ماند.

به نظر می‌رسد که ماتبّی فقید، در مطالعهٔ دستنوشتهٔ R، نه تنها برخی سهوالقلم‌های رونویسگر را اصلاح و تدارک نموده، در عبارات و نوشتار خویش نیز بازنگری می‌کرده و به نوعی کتاب خود را بازویرانی نموده است.

گواه این گمان، عبارات مشترکی است که در دستنوشتهٔ R و M موجوداند و در R قلم زده شده یا مورد تجدید نظر قرار گرفته‌اند. بیداست بیشینهٔ این عبارات از قلم خود مجلسی یکم تراویده بوده است؛ چه، نه R از روی M استساخ گردیده و نه M از روی R، و این عبارات در مادر نسخه هر دو وجود داشته است.

یادداشتهای توضیحی و تخریجات و تعلیقات و موادی که برای این متن فراهم کرده بودیم، با مقدمه‌ای مفصل - از جمله در باب «خطبة البیان» و حدیث موسوم به «نورانیّت» و... -، بس درازدامن‌تر از آن بود که در میراث حوزهٔ اصفهان تواند گنجید. پس به نثری دیگر وانهاده شد: **(لَعَلَّ اللهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أُمراً)** ۳.

از همهٔ کسانی که در سامان یافتن این ویراست یاری کرده‌اند، از جمله بزرگوارانی که تصویر نسخه‌ها را مرحمت نمودند و نیز آقای علیرضا رحمانی سلیک آباد که در مقابله یکجند مساعدت کردند، سپاسگزارم.

والحمد لله أولاً و آخراً

کمین خادم کتاب و سنت:

جویا جهاننخش

اصفهان / ۱۳۸۶ هـ.ش.

پینوشتها

۱- این داوری از علامه مولانا محمدباقر مجلسی (مجلسی ثانی) - رضوان الله علیه - است که «خطبة البیان» جز در کتابهای غائبان و مانند ایشان نیامده است.

تفصیلی گفتگو را در باب این داوری و داوریهایی مشابه و چون و چندی «خطبة البیان»، به پژوهشنامه‌ای که در همین باره در دست تدوین است، وامی‌نهم.

از پژوهشهای چاپ شده موجود، دست کم نوشته‌های شادروان شیخ محمدجواد مغنیه و آقای سید جعفر مرتضی‌عالمی در این باره سزاوار مراجعه است.

۲- سخت مایه تأسف است که بسیاری احادیث معتبر و باورآفرین در این مجموعه با مشتی اخبار سُست و مشکوک همنشین گردیده‌اند و اگر خواننده خود در تقدیر ثراوت و دانش حدیث دیده‌ور نباشد ای بسا اخبار استوار کتاب را تحت الشعاع پاره‌ای مرویات ضعیف بنهد و از یک سنخ بپندارد.

البتّه این خلط و درآمیختن غتّ و سَمین، منحصر به این کتاب و مجلسی یکم نیست. در کثیری از مناقب‌نامه‌ها چُنین مُسامحات و برف‌انبار اخبار مشهود می‌افتد بدان‌سان که گروهی را - حَسبِویانه - به پذیرش هر رَطَب و یابس تشویق می‌کند و گروهی را به تشکیک در فقره‌های مُناقشه‌ناپذیر می‌اندازد.

بالایش، عالمانه مناقب‌نامه و زده‌بندی اعتباری اخبار مناقب، از بایسته‌های علمی روزگار ماست.

۳- قرآن کریم: س ۶۵، ی ۱.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 سُبْحَانَ مَنْ هَدَسَ جِلْدَ الْعَظَمِيِّ عَنْ أَنْ يَخْطُبَهُ إِنَّمَا
 الْعَارِفِينَ وَتَعَالَى عِظَمُهُ كِبَرِيَّةً عَنْ أَنْ تَأْتِيَهُ أَمْكَارُ
 الْوَاصِلِينَ وَتَنْتَزِعَ بِلَيْزِهِ الْأَمْوِيَّةُ عَنْ أَنْ تَذْكِرَهُ مُلُوكُ
 الْخَالِصِينَ وَالْقَلُوبُ عَلَى حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ وَفِي خَاتَمِ
 الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ مُحَمَّدٌ السَّبْعُونَ إِلَى الْإِنْسِ وَالْمَلَائِكَةِ
 وَغَيْرِهِ شُمُوسُ سَمَاءِ الدِّينِ وَبَحُورُ ظَلِكِ الْبَقِيَّةِ عَلَى
 أَرْطَابِ دُرِّيَّةِ الْمُطَهَّرِينَ صَلَوَةُ دَائِمَةٍ بِدَوَامِ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ مَحْفِيٍّ بِمَا نَدَّكَ خَوْفُ غِلْظَتِهِ بِكَ

ما ز گشت بگیتی هنرگز نسیم آنکه صفون خلق خدا را اما ایشان از آگینی نادر صحرایی
 محشر گیتی دابر توفیق نباشد چهارم هر مرتضیه که سر زده همد و بجای آید
 چندین کوششی که در بدن تو مهمبت و پند است بهم و آفر کوب و زاری
 و باضاعت بگذرنی ما آنکه پوست بر استخوان چسبند بر کوششی تاز بجای آید
 و طاعت هم و ستر ششم آنکه بدن را در مقام طاعت چنان چنانکه حاصل آید
 مصمت چنانچنین و اخبار برین مضمون:

سپا و استدین مقام کجایش

افاندار و تمام شده



بجوین الله

معالی



هست بستران چید پرستی نازده میادست و طاعت بهم رسیده
 ششم گفتند که الم طاعات پشانی چنانکه عبادت مصیبت چیست
 و جواب برین مضمون بسیارست و این تمام کنایه اش آنست که از او پس بعد ازین تمام

۱۸۵
 به خط میرزا محمد باقر
 در روز ۱۸۵



به خط میرزا محمد باقر
 در روز ۱۸۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَانَ مَنْ تَقَدَّسَ بِحُلَالِ عَظَمَتِهِ عَنْ أَنْ تُحِيطَ بِهِ أَوْهَامُ الْفَارِيقِينَ وَتَعَالَى بِعَظَمَةِ^۱
 كِبَرِيَّاتِهِ عَنْ أَنْ تُنَالَهُ^۲ أَفْكَارُ الْوَاصِلِينَ وَتَنَزَّهُ بِكِبَرِيَّاتِهِ لَا هَوْنِيَّتِهِ^۳ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ^۴ قُلُوبُ
 الْمُخْلِصِينَ^۵ وَالصَّلَاةُ عَلَى حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ وَفَصِّ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، مُحَمَّدٍ
 الْمُبْتَوَّى إِلَى الْإِنْسِ وَالْجِنِّ أَجْمَعِينَ، وَعِزَّتِهِ شُمُوسِ سَمَاءِ الدِّينِ وَنُجُومِ فَلَكِ الْيَقِينِ،
 عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَذُرِّيَّتِهِ الْمُطَهَّرِينَ، صَلَاةً دَائِمَةً بِدَوَامِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ.^۶
 اَمَّا بَعْدُ^۷

مخفی نماند که چون خطبه مبارکه موسوم به «خطبة البیان»^۸ از جمله خطب^۹
 مولای^{۱۰} مؤمنان و پیشوای متقیان و وارث علوم جمیع پیغمبران و قسمت کنندۀ خُلد
 و نپران و در وجوب متابعت شریک قرآن، برگزیده پروردگارِ عالمیان و نفس و جانِ
 پیغمبرِ آخرالزمان، لَا أَحْصِي ثَنَاءَ عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ،^{۱۱}

۱- بِعَظَمَةِ / بِعَظَمَتِهِ. ۲- تُنَالَهُ / R تناله.

۳- لَا هَوْنِيَّتِهِ / M لَا هَوْنِيَّتِهِ [كذا]. ۴- تُدْرِكَهُ / R تُدْرِكُهُ.

۵- الْمُخْلِصِينَ / R الْمُخْلِصِينَ. ۶- الْأَرْضِينَ / M الْأَرْضِينَ.

۷- اَمَّا بَعْدُ / M ندارد. ۸- خطبة البیان / M خطبة البیان.

۹- خُطْبٍ / M خطبه. ۱۰- مولای / زیر ميم از M است.

۱۱- لَا أَحْصِي ثَنَاءً... / حديث نبوی است. نگر: فرهنگِ مأثوراتِ مستونِ عرفانی، باقر ←

آنجا که کمالِ کبریایِ تو بُود عالمِ نَمی از بحرِ عطایِ تو بُود
ما را چه حدِّ حَمْد و^۱ ثنایِ تو بود هم حمد و ثنایِ تو سزایِ^۲ تو بود

مولانا و مولی الثقلین و مقتدانا و مقتدی الکوثین، کلام الله^۳ الناطق، علی بن ابی طالب
- عَلَیْهِ مِنْ الصَّلَواتِ اَرْكَاهَا وَ مِنْ التَّحِیَّاتِ اَنَمَاهَا -، خطبه‌ای^۴ بود در کمالِ اغلاق
و نهایتِ إشکال؛ و درین اوقات در عالی‌مجلسِ نَوَابِ اُشْرَفِ اَقْدَسِ اَعْلٰی، کلبِ آستانِ
علی بن ابی طالب - صَلَواتُ اللهِ وَ سَلَامُهُ عَلَیْهِ -، شاه عباس الحُسینی الموسوی الصَّفَوٰی -
خَلَّدَ اللهُ مُلْکَهُ اَبَدًا- مذکور شده بود و خواهانِ آن بودند، این فقیر بی بضاعت، محمد تقی
بنی المجلسی^۵ الاصفهانی، درخورِ فهمِ خود آن را شرحی کرد تا عالی‌مجلس شریف به
آن مزین گردد و شیعیانِ حضرتِ امیرالمؤمنین (ع) از آن بهره‌مند گردند و ثوابِ آن به
روزگار^۶ فرخنده آثارِ اُشْرَفِ اَقْدَسِ اَعْلٰی عاید گردد - وَ مِنْ اللهِ الْاِیْتِمَانُ وَ التَّوْفِیْقُ -
و چون ایضاحِ آن مبتنی بود بر ذکرِ بعضی از آیات و احادیث و کلامِ اصحابِ تحقیق
و عرفان، لاجرم مقدم بر مطلوب، شروع در آنها شد.

ای طالبِ دینِ قویم! و ای پیماینده صراطِ مستقیم! اندکی از چاءِ طبیعتِ بیرون آی،
و آنچه بر مذاقی تو درست نیاید، حمل بر قُصورِ فهمِ خود کن، نه بر غُلو^۸، زیرا که ذاتِ
مقدّسِ مُصَهَّرِ مُرْتَضَوٰی - تعالی شأنه^۹ - نه در مرتبه‌ایست^{۱۰} که امثالِ ما و تو گمگشتانِ تیه^{۱۱}
طبیعتِ پی بدان توانیم بُرد، بلکه ملائکهٔ مقربین و انبیاءِ مُرسَلین به حقیقتِ آن حضرت

→ صدری‌نیا، ص ۳۹۲. ۱- و / در M نیست.

۲- سزای / در M رضای. ۳- الله / در M نیامده است.

۴- مِنْ / M من. ۵- خطبه‌ای / M خطبه.

۶- المجلسی / R مجلسی. ۷- به روزگار / M پروردگار.

۸- غُلو / M علو. از همینجا پیداست که مشککان و منکران خطبه‌البیان را گفتاری غالیانه می‌شمرده‌اند. ۹- تعالی شأنه / چُنین است در M و R.

۱۰- مرتبه‌ایست / M مرتبه.

۱۱- تیه / «تیه» یعنی: بیابانِ خشک و بی آب و علف.

نمی‌توانند رسید چنانکه منقولست از آن پیشوای^۱ پیغمبران که: یا علی! نمی‌شناسد خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - را کسی بغیر از من و^۲ تو، و نمی‌شناسد^۳ مرا کسی بغیر از خدای عزَّ وَجَلَّ - و تو، و نمی‌شناسد تو را کسی بغیر از خدای - تَقْدَسَ وَتَعَالَى - و من.

هرچند که جانِ عارف آگاه بود کئی در حَرَمِ قُدسِ تواس راه بود
دست همه اهلِ کشف و اربابِ شهود از دامنِ اِدْرَاکِ تو کوتاه بود^۴
و دیگر احادیث که به گوشِ هوشِ تو خواهیم رسانید.

اولاً بدان که واردست^۵ در اخبار از نبی مختار و ائمه اطهار - صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمُ اَجْمَعِينَ - آنکه: ذاتِ مقدسِ الهی - جَلَّتْ عَظَمَتُهُ - در ازل الازل با کمالِ ظهور مخفی بود؛ خواست که ظاهر گردد، نورِ مقدسِ مطهرِ مصطفی و مرتضی را آفرید چنانکه در حدیثِ قدسی^۶ واردست^۷ که: کُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا فَأُحْبِبُّ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِأُعْرَفَ،^۸ یعنی: من گنجی بودم^۹ مخفی خواستم^{۱۰} که شناخته شوم آفریدم خلق را تا شناخته شوم و بنا بر حدیثِ سابق کسی را غیر از محمد و علی^{۱۱} - صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمَا - قابلیتِ معرفتِ حضرتِ حق - شیعانه و تعالی - نبود. پس مراد از خلق درین حدیث ایشان بوده باشند چنانکه مولوی معنوی بدین اشاره کرده‌اند:

۱- پیشوای / R پیش وای [کذا]. ۲- و / در M «و» آشکارا زیر دارد.

۳- نمی‌شناسد / در M سین زیر دارد.

۴- این چارانه در شمار چارانه‌های منسوب به ابوسعید ابوالخیر است.

۵- واردست / M وارد است. ۶- قدسی / M ندارد.

۷- واردست / M وارد است.

۸- لِأُعْرَفَ / در هامش M به خطی روشن نوشته شده: لِكَيْ أُعْرَفَ.

از برای این حدیثِ قدسی، نگر: فرهنگِ مأثوراتِ متونِ عرفانی، ص ۳۸۶.

۹- بودم / در M دال زیر دارد.

۱۰- خواستم / در M با هیأتِ «خواستم» کتابت کرده و در واقع معذوله بودنِ «واو» را اینگونه

خاطر نشان کرده‌اند. ۱۱- علی / M عَلَی.

أَحْمَدُ! خُود كَيْسَتْ إِسْبَاهُ^۱ زَمِينِ ماه بین بر چرخ و بشکافش جَبینِ
 كُنْتُ كَثْرًا رَحْمَةً مَخْفِيَةً فَابْتَغَيْتُ أُمَّةً مَهْدِيَةً
 تَاجٍ «كَرْمَنًا» سَتَ بَرِ فَرَقِ سَرَتِ^۲ طُوقٍ «أَعْطَيْتَاكَ» آوِيَزِ^۳ دَرَتِ
 قُفْلَهَايِ نَاكُشُودَ مانَدَه بود اَز كَفِ «إِنَّا فَتَحْنَا» بَرگُشُودِ
 صَدَهزاران آفرین بَر جانِ او بَر قُدُومِ دُورِ^۴ فَرزندانِ او
 آن خَلِيفَه زادگانِ^۵ مُقْبِلِش زاده‌اند اَز عُنْصُرِ جان و دِلِش^۶
 ما را طَلَب و نیاز دادی^۷ آغاز بَس بَر حَسَبِ طَلَبِ تو در^۸ کردی باز
 اینها هَمه چِست؟! تا کنی گنجِ نِهان بَر خَلقِ جِهانِ عِیانِ^۹ زگنجینه راز
 و دیگر حَدِیثِ أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللهُ نُورِی^{۱۰}، یعنی: أَوَّلُ چیزی که خدائی - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى -

۱- اسباه / M اسبای.

۲- سرت / در M (گویا به خطی الحاقی) دستکاری شده و به «سراست» [!] بدل گردیده.

۳- آویز / در M بالای سطر «د» افزوده شده تا «آویزد» خوانده شود.

۴- دور / چنین است در R. در M دوز. در مثنوی ی تصحیح نیکلسون (چ لاهوتی، د: ۶، ب:

۱۷۵) «و دور» آمده است. ه- خلیفه زادگان / M خلیفه زادگان.

۶- این بیتها را - به ترتیب - نگر در: مثنوی (چاپ لاهوتی)، د: ۲، ب: ۲۵۳ و ۳۶۴؛ د: ۵، ب:

۳۵۷۴؛ د: ۶، ب: ۱۶۶، ۱۷۵، ۱۷۶ - الیه با تفاوت هائی در ضبط.

۷- دادی / M داری.

۸- تو در / R ندارد. ضبط نص، موافق M است.

۹- عیان / در M عین آشکارا زیر دارد.

۱۰- نُورِی / M نُورِی.

«أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللهُ نُورِی» را به عنوان حَدِیثِ نَبَوِی نگر در: عوالی الأَئِمَّی، ۹۹/۴؛ و: الزَّراشِع

السَّماویة، ط. دارالحدیث، ص ۶۴؛ و: نورالبراهین جزائری، ۱/۱۷۹؛ و: الحاشیة علی أَصول

الکافی ی میرزا رفیعاً، ص ۴۷۳ و ۵۷۸؛ و...

آفرید^۱ نور من بود، و حدیث قدسی **يَا مُحَمَّدًا لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ**،^۲ یعنی: ای محمد! اگر تو نمی بودی من نمی آفریدم افلاک را. و آیه کریمه **(وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ)**^۳ بر اتحاد^۴ نور محمد و علی^۵ شاهدست و حدیث مشهور **أَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ** - یعنی: من و علی از یک نوریم - بدین معنی ناطق؛ و آنکه در احادیث وارد شده است که: **أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلُ**^۶ یعنی **أَوَّلُ** چیزی که خدای - **تَبَارَكَ وَ تَعَالَى** - آفرید عقل بود و مذهب جماهیر حکما آنست که **أَوَّلُ** فیضی که از مبدأ فیاض^۷ فایض^۸ شد^۹ ایجاد عقل^{۱۰}

۱- آفرید / M افزوده. ضبط نص، موافق R است.

۲- یا محمد لولاک ... / حدیث قدسی «لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ» - که تحقیق در آن محتاج مجالی فراخ تر از این است - از مشهورات فریقین است (از جمله، نگر: فرهنگ مآثورات متون عرفانی، ص ۴۴۰) لیک به صورت «یا محمد! لولاک لما خلقت الأفلاک» در مصادر و منابع نیافتم؛ پس جای فحص و تتبع همچنان باقی است.

۳- قرآن کریم: س ۳، ی ۶۱.

۴- بر اتحاد / M بر اتخاذ (که مکرر نیز نوشته).

۵- و / M آشکارا زیر دارد.

۶- **أَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ** / این عبارت به عنوان حدیث نبوی آمده است در: عوالی اللآلی، ۴/۱۲۴؛ و: **الزَّوْاْشِحُ السَّمَاوِيَّةُ**، ط. دارالحدیث، ص ۶۴؛ و: بحار الأنوار، ۳۳/۴۸ (در ضمن توضیحات مؤلف)؛ و: **الحاشیة علی أصول الکافی** ی میرزا رفیعا، ص ۵۷۸؛ و... البتة حدیث «خلقت أنا و علی من نور واحد» در متون بس کهن تر و پُر شمارتر دستیاب می شود.

۷- **الْعَقْلُ** / R **الْعَقْلُ**. ضبط نص موافق M است.

عبارت «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلُ» را به عنوان حدیث نبوی نگر در: عوالی اللآلی، ۴/۹۹؛ و: **الزَّوْاْشِحُ السَّمَاوِيَّةُ**، ط. دارالحدیث، ص ۶۴؛ و...

مزید آگاهی را همچنین نگر: بحار الأنوار، ۱/۱۰۲؛ و: فیض القدر مناوی، ط. أحمد عبدالسلام،

۴/۶۶۸؛ و... ۸- و / در از قلم افتاده است.

۹- فایض / M فایز. ۱۰- شد / M شده.

أَوَّل بود یا محمولست بر آنکه أَوَّلِیتِ اضافی باشد یعنی بعد از ایجادِ نورِ آن حضرت، أَوَّل چیزی که مخلوق شد، عَقْل بود^۱ و یا محمولست بر آنکه أَكْثَرِ مُحَقِّقین ذکر کرده اند که مراد از عقل نورِ مُقَدَّسِ مُطَهَّرِ مُصْطَفَوی و مُرْتَضَوی است^۲ که ایشان عقل کُنَد: و عَلَیْ أَمِّ حَالٍ، قبل از ایجادِ عالم و آدم به چندین هزار سال در حَظَائِرِ قُدس و^۳ مَجَامِعِ اُنس منظورِ نظَرِ اِلَهِی بودند و حضرت با آن نور عشق بازی می کرد و آن نور به تسبیح و تقدیس داد عاشقی می داد چنانکه مضمون آیه کریمه ﴿يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾^۴ برین معنی شاهد است و آیه^۵ کریمه ﴿وَشَهِدٍ وَمَشْهُودٍ﴾^۶، ازین معنی خبر می دهد:

آن دَم که ز هر دو کَوْن آثار نبود بر لوح وجود نقشی اُغیار نبود
معشوقه عشق و ما به هم می بودیم در گوشه خلوتی که دِیَار نبود
چنانکه منقولست از آن حضرت - صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - که: كُنْتُ نَبِيًّا وَادَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطَّيْنِ^۷، یعنی: پیغمبر بودم و هنوز آدم میان آب و گِل بود.
و حضرت شیخ العارِفین، عراقی^۸، بدین معنی اِشارت کرده اند^۹:

۱- بود / M ندارد.

۲- مرتضوی است / M مرتضویست.

۳- و / M در.

۴- قرآن کریم: س ۵، ی ۵۴.

۵- آیه / R ندارد.

۶- قرآن کریم: س ۸۵، ی ۳.

۷- كُنْتُ نَبِيًّا وَادَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطَّيْنِ / این حدیث که از مشهورات است، از جمله آمده است در: عَوَالِي الْأَلْفَا، ۴/ ۱۲۱؛ و: مناقب آلِ اَبی طالب - علیهم السلام -، ابن شهر آشوب، ط. دارالأنضواء، ۱/ ۲۶۶

۸- شیخ العارِفین عراقی / مراد، فخرالدین ابراهیم عراقی (ف: ۶۸۸ یا ۶۸۶ ه. ق.)، صوفی و شاعر ایرانی و نویسنده لمعات، است.

۹- بدین معنی اِشارت کرده اند / این سُروده ها را عراقی در رساله لمعات اش آورده و بالتَّبَع جامی نیز در اُشْعَةُ اللَّمَعَات گزارش کرده است.

فَإِيَّتِي وَإِنْ كُنْتُ ابْنَ آدَمَ صُورَةً

فَلِي فِيهِ مَعْنَى شَاهِدٌ بِأَبَوْتِي^۱

گفتا: به صورت ارچه ز اولاد^۲ آدم

از وی به مرتبه به همه حال برترم

چون بنگرم در آینه^۳ عکس جمال خویش

گردد همه جهان بحقیقت مَصَوَّرَم

خورشید آسمانِ ظهورم^۴، عَجَب مدار

ذراتِ کاینات اگر گشت مَظْهَرَم^۵

أرواحِ قدس چیست؟ نمودارِ معنیم

أشباحِ انس چیست؟ نگهدارِ بیکرم

بحرِ محیطِ رشحه‌ای^۶ از فیضِ فایضم

نورِ بسیط، لمعه‌ای از نورِ اَزْهَرَم

از عرش تا به فرش همه ذرّهای^۷ بود

در نورِ آفتابِ ضمیرِ مُنَوَّرَم

روشن شود ز روشنی ذاتِ من جهان

گر پرده صفاتِ خود از هم فرودَرَم

→ نگر: أَثِيَّةُ اللَّعَنَاتِ، ط. گوهری، صص ۵۹-۶۳.

۱- این بیت - چنان که جامی نیز در أَثِيَّةُ اللَّعَنَاتِ (ط. گوهری، ص ۵۹) اِشَارَت کرده - از چکامه نائی ابنِ فارض است.

۲- ز اولاد / M باولاد.

۴- ظهورم / M ظهورهم.

۶- رشحه‌ای / M. رشحه.

۳- در آینه / M باینه.

۵- مَظْهَرَم / M مظهرم.

۷- ذرّهای / M ذره.

عالم بسوزد از سبحاتِ جلالِ من
 از رویِ لطفِ گر به جهان بازنگرم
 پیش از وجودِ خلق به هفصد هزار سال
 شد عِلْمِ آخرین و نخستین مُقَرَّرَم
 بر لوحِ ممکنات، قَلَمِ آنچه ثبت کرد
 حرفی بُود همه^۱ از حواشیِ دَفْتَرَم
 بحرِ ظهور و بحرِ بطون و قِدَم به هم
 در من بین که مجمعِ بحرینِ اُکْبَرَم
 آبی که زنده گشت ازو خضرِ جاودان
 آن آب چیست؟ قطره‌ای^۲ از حوضِ کوثرَم
 آن دم کزو مسیحِ همی مُرده زنده کرد
 يك نفعده‌ایست^۳ از نَفْسِ روحِ پَرورَم
 فی الجمله مَظْهَرِ همه اَسماست ذاتِ من

بل اسمِ اعظمِ بحقیقت چو^۴ بنگرم
 و چنانکه منقولست به طُرُقِ مختلفه و اَسانیدِ متکثره از طُرُقِ عامه و خاصه از رسول
 خدا - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - که آن حضرت فرمود که: کُنْتُ أَنَا وَ عَلَيَّ نُورًا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ - تَبَارَكَ
 وَ تَعَالَى - يُسَبِّحُ اللَّهَ ذَلِكَ النُّورُ وَيَقْدِسُهُ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ أَدَمَ بِأَرْبَعَةِ عَشَرَ آلَافَ سَنَةً فَلَمَّا

۱- همه / M ندارد. ۲- قطره‌ای / M قطره.

۳- نفعده‌ایست / R نفته است. بالای آن «نفعه خ ل» نوشته شده است بدین معنا که
 نسخه‌بَدَل است. ضبطِ نصِ موافقِ M است به جز این که در M به جای هاء، خاء ضبط شده
 است. ۴- چو / M چه.

۵- الله / در R «الله» نوشته و در عین حال لامِ اَوَّل را کسره هم داده و گویا رویِ اَلِفِ يك

خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى أَدَمَ سَلَكَ ذَلِكَ التُّورُ فِي صَلْبِهِ فَلَمْ يَزَلِ اللَّهُ تَعَالَى يَنْقُلُهُ مِنْ صَلْبٍ إِلَى صَلْبٍ حَتَّى أَقَرَّهُ صَلْبٌ^۱ عَبْدُ الْمُطَّلَبِ ثُمَّ أَخْرَجَهُ مِنْ صَلْبِهِ فَقَسَمَهُ^۲ قِسْمَيْنِ قِسْمًا فِي صَلْبِ عَبْدِ اللَّهِ وَقِسْمًا فِي صَلْبِ أَبِي طَالِبٍ فَقَلْبِي مَيِّ وَأَنَا مِنْهُ لَحْمُهُ لَحْيِي وَدَمُهُ^۳ دَمِي فَمَنْ أَحَبَّهُ فَبِحُبِّي أَحَبَّهُ وَمَنْ أَبْغَضَهُ فَبِبُغْضِي أَبْغَضَهُ^۴، یعنی: بودم^۵ من و علی نوری در برابر خدای - تبارک و تعالی - و آن نور تسبیح و تقدیس الهی می‌کرد پیش از آنکه خدای - تبارک و تعالی - آدم را بیافریند^۶ به چهارده هزار سال. پس چون خدای - تبارک و تعالی - آدم را آفرید آن نور را در پُشت^۷ او جای داد. پس خدای - عزَّ وَجَلَّ - آن نور را از پشت به پشت می‌آورد^۸ تا قرار داد او را در پشتِ عبدالمطلب پس آن نور را از پشت عبدالمطلب بیرون آورد^۹ و او را دو قسمت کرد: قِسمی را در پشتِ عبدالله جای داد و قِسمی^{۱۰} را در

→ «ح (رخ)» ی کوچک به نشانه نسخه بدل بودن نهاده است. ظاهراً یعنی دو ضبط وجود دارد:

«الله» و «هه» M الله.

۱- صَلْبٍ / در M نیامده است.

۲- فَقَسَمَهُ / M فَقَسَمَهُ.

۳- دَمُهُ / M دَمُهُ.

۴- این حدیث را - ولو با تفاوت‌هایی جزئی در ضبط نص - نگر در:

نظم در السَّمِطِی زَرْدَنَدِ حَنَفِی، ص ۷۹؛ و: کشف الغمّه، ط. دارالاضواء، ۳۰۱/۱؛ و: کشف البیّن علامه حلی، ط. درگاهی، ص ۱۱ و ص ۱۲.

۱- و: مناقب علی بن ابی طالب - علیهما السلام - ابن مردویه، ط. حرزالدین، ص ۲۸۶؛ و: الخصال صدوق، ط. غفاری، ص ۶۴۰؛ و: المحتضر حسن بن سلیمان حلی، ص ۱۷۴؛ و: ینایع المودّی قندوزی، ط. أسوه، ۴۷/۱ و ۴۸؛ و: غایة المرام یحزانی، ۲۷/۱ و ۲۹؛ و: ... همچنین، تفصیل را، نگر: موسوعة الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۶۴/۸ - ۶۶.

۵- بودم / در R و M چنین است.

۶- بیافریند / M بیافرینند.

۷- پشت / «پُشت» را مرحوم مجلسی - طاب ثراه - در ترجمه «صَلْب» آورده است.

۸- می‌آورد / در M، راء، زیر دارد.

۹- تا قرار داد... آورد این بهره در M نیامده است.

۱۰- قِسمی / چنین است در M. در R.

پشتِ اَبی طالب. چون ما هردو یک نوریم، لاجَرَم علی از مَنست و مَن ازو؛ گوشتِ او گوشتِ مَنست، و خونِ او خونِ مَنست؛ پس کسی که او را دوست دارد پس به سببِ دوستی مَن^۱ او را دوست^۲ داشته است و^۳ کسی که او را دشمن دارد پس به سببِ دشمنی مَن^۴ او را دشمن داشته است.

و باز روایت کرده است احمد بن حنبل در مُسَنَدِ خود و همچنین فقیه شافعی ابنِ مُغازلی^۵ هردو به اِسنادِ^۶ خود از جابر بنِ عبداللهِ الأنصاری از رسولِ خدا - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - أَنَّهُ^۷ قَالَ ذَاتَ یَوْمٍ بِعَرَفَاتٍ وَ عَلِیُّ بْنُ جَاهِدٍ^۸ اِذْنُ^۹ مِیَّتِی یَا عَلِیُّ! خُلِقْتُ أَنَا وَ أَنْتَ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، فَأَنَا أَضْلَهَُا وَ أَنْتَ قَرَعَهَا وَ الْحَسَنُ^{۱۰} وَ الْحُسَیْنُ^{۱۱} أَغْصَانُهَا. فَمَنْ تَعَلَّقَ بِقُضْی^{۱۲} مِنْهَا أَدْخَلَهُ اللهُ الْجَنَّةَ. یعنی: آن حضرت - صَلَّوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ - روزی در عَرَفَات نشسته بود و حضرتِ امیرالمؤمنین، عَلِی بنِ اَبی طالب، در برائِ آن حضرت نشسته بود.^{۱۳} فرمود: یا عَلِی! ^{۱۴} به نَزْدِ مَن آیی! یا عَلِی! مخلوق شده ام^{۱۵} مَن و تو از یک

۱- دوستی مَن / یعنی: دوستی با مَن و مَحَبَّت به مَن.

۲- دوست / M + می دارد.

۳- و / M پس.

۴- دشمنی مَن / یعنی: دشمنی با مَن.

۵- نگر: مناقب اهل البیت - علیهم السلام -، ابن المغازلی، تحقیق محمودی، ص ۱۶۱ (با لحاظ تفاوت در ضبط).

همچنین سنج: همان، ص ۲۵۷. ۶- به اِسنادِ / M بِاِسْنَاد.

۷- أَنَّهُ / M و R. ۸- تَجَاهِدُ / M تَجَاهَدُ.

۹- اِذْنُ / M اِذْنُ. ۱۰- الْحَسَنُ / M الْحَسَنِ.

۱۱- الْحُسَیْنُ / M الْحُسَیْنِ. ۱۲- بِقُضْی / M بِقُضِی [كذا!].

۱۳- بود / M و. ۱۴- عَلِی / M عَلِی.

۱۵- مخلوق شده ام / چنین است در M و R.

درخت؛ من بیخ^۱ آن درختم^۲ و تو شاخهای^۳ بزرگی آن و حَسَن و حَسین شاخهایی^۴ که از آن شاخ جدا شده‌اند. پس هر که جنگ زَنَد به شاخی از آن شاخها، خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - او را داخل بهشت گرداند.

و روایتست از سید و مهتر و بهتر پیغمبران - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - أَنَّهُ قَالَ: كُنَّا ظِلَالًا تَحْتَ الْعَرْشِ قَبْلَ خَلْقِ الْبَشَرِ وَقَبْلَ خَلْقِ الطِّينَةِ الَّتِي مِنْهَا الْبَشَرُ أَشْبَاحًا عَالِيَةً لَا أَجْسَامًا نَائِمَةً. إِنَّ أَمْرَنَا صَعْبٌ مُسْتَضْعَبٌ لَا يَعْرِفُ كُنْهَهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ مُؤْمِنٌ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ فَإِنْ انْكَشَفَ لَكُمْ سِرٌّ أَوْ وَضَحَ لَكُمْ أَمْرٌ^۵ فَاقْبَلُوهُ وَإِلَّا فَاشْكُتُوا تَسْلَمُوا وَرُدُّوا عِلْمَهُ إِلَى اللَّهِ فَإِيُّكُمْ أَوْسَعُ مِمَّا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ^۶.

آن حضرت می‌فرمایند که: ما بودیم ارواح در زیر سایه عرش پیش از خلق آدم و پیش از مخلوق شدن طیتی که آدم را از آن آفریدند ارواحی چند بلندمقدار، نه جسمی که نَمُو کنند. بدرستی که کار ما دشوارست^۷ دشوار. «نمی‌یابد کُنْه او را مگر فرشته مقرب یا پیغمبر مرسل یا مؤمنی که آزموده باشد خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - دل او را از برای ایمان. پس اگر ظاهر شود شما را سری از اسرار ما یا روشن گردد شما را کاری از

۱- بیخ / «بیخ» یعنی ریشه.

۲- درختم / در M دال زیر دارد. خوانش «دَرخَت» - به جای «دِرَخَت» - هنوز در میان عامه مردم اصفهان متداول است.

۳- شاخهای / چنین است در R و آشنایان به هنجارهای نگارشی پیشینیان می‌دانند که این ریخت نگارشی را در دستنوشته‌های قدیم هم برای «شاخها» (جمع شاخ) و هم برای «شاخه‌ها»

(جمع شاخه) به کار می‌برده‌اند. ۴- و / در M زیر دارد.

۵- شاخهایی / M شاخهای. ۶- أَنَّهُ / R إِنَّهُ.

۷- أَمْرٌ / M أَسْرٌ.

۸- نظیر این روایت به عنوان حدیث علوی آمده است در: عوالی اللالی، ۱۲۹/۴؛ و: شرح نهج البلاغه ابنی ابی الحدید، ۱۰۵/۱۳. ۹- پیش از خلق آدم و / در M نیامده است.

۱۰- دشوارست / M دشواراست. ۱۱- دشوار / M ندارد.

کارهای ما، پس او را قبول کنید، و اگر نه خاموش^۱ شوید تا بسلامت باشید و^۲ عِلْمِ او را به خدا گذارید. پس کدامیک از شما فراخ تر از میان^۳ آسمان و زمین است^۴ ایشان را وسعت این معنی نیست. شما چه باشید که توانید به این معنی رسید؟!

روزی که مدارِ چرخِ افلاک نبود و آمیزشِ آب و آتش و خاک نبود
بر یاد تو مست بودم و باده پرست هر چند نشانِ باده و تاک نبود

دیگر منقولست از جابر بن عبدالله الأنصاری که گفت: شنیدم از رسول خدا - صلی الله علیه و آله - که آن حضرت فرمود که: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - خَلَقَنِي وَخَلَقَ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيُّمَةَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ فَقَصَرَ ذَلِكَ النُّورَ عَصْرَةً فَخَرَجَ^۵ مِنْهُ شَيْعَتُنَا^۶ فَسَبَّحْنَا^۷ فَسَبَّحُوا وَقَدَّسْنَا فَقَدَّسُوا وَهَلَّلْنَا فَهَلَّلُوا وَمَجَّدْنَا^۸ فَمَجَّدُوا^۹ وَوَحَّدْنَا فَوَحَّدُوا ثُمَّ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَخَلَقَ الْمَلَائِكَةَ^{۱۰} فَمَكَّثَتِ الْمَلَائِكَةُ يَانَّةَ عَامٍ لَا تَعْرِفُ تَسْبِيحًا وَلَا تَقْدِيرًا وَلَا تَمْجِيدًا فَسَبَّحْنَا فَسَبَّحَتْ شَيْعَتُنَا فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ لِتَسْبِيحِنَا وَقَدَّسْنَا^{۱۱} فَقَدَّسَتْ شَيْعَتُنَا فَقَدَّسَتْ^{۱۲} الْمَلَائِكَةُ لِتَقْدِيرِنَا وَمَجَّدْنَا فَمَجَّدَتْ شَيْعَتُنَا فَمَجَّدَتِ الْمَلَائِكَةُ لِتَمْجِيدِنَا وَوَحَّدْنَا فَوَحَّدَتْ^{۱۳} شَيْعَتُنَا فَوَحَّدَتِ الْمَلَائِكَةُ لِتَوْحِيدِنَا وَكَانَتِ الْمَلَائِكَةُ لَا تَعْرِفُ تَسْبِيحًا وَلَا تَقْدِيرًا مِنْ قَبْلِ تَسْبِيحِنَا وَتَسْبِيحِ شَيْعَتِنَا، فَنَحْنُ

۱- خاموش / M خاموش.

۲- و / در M زیر دارد.

۳- میان / M + آن.

۴- است / M هستند.

۵- فَخَرَجَ / M فَخَرَجَ.

۶- شَيْعَتُنَا / R شَيْعَتُنَا. ضبط نص، موافق M است.

۷- فَسَبَّحْنَا / M ندارد.

۸- مَجَّدْنَا / M عَجَّدْنَا.

۹- فَمَجَّدُوا / M فَسَجَّدُوا.

۱۰- الْمَلَائِكَةُ / R الْمَلَائِكَةُ. ضبط نص، موافق M است.

۱۱- قَدَّسْنَا / M قَدَّسْنَا.

۱۲- فَقَدَّسَتْ / M وَقَدَّسَتْ.

۱۳- فَوَحَّدَتْ / M تَوَحَّدَتْ.

الْمُوحِدُونَ حَيْثُ لَا مُوجِدَ غَيْرُنَا^۱ وَحَقِيقُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى كَمَا اخْتَصَّنا^۲ وَاخْتَصَّ شِيعَتَنَا
 أَنْ يُزَلَّنا وَشِيعَتَنَا فِي أَعْلَى عِلِّيَّينَ. إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - اصْطَفَانَا وَاصْطَفَى شِيعَتَنَا مِنْ
 قَبْلِ أَنْ نَكُونَ أَجْسَامًا فَدَعَانَا فَأَجَبْنَا^۳ فَفَقَرْنَا وَلِشِيعَتِنَا مِنْ قَبْلِ أَنْ نَسْتَغْفَرَ^۴ اللَّهُ^۵
 آن حضرت می فرمایند که:

خدای - تبارک و تعالی - آفرید مرا و آفرید علی را و فاطمه و^۶ حَسَن و حُسَین و اِمَامان
 را از یک نور. پس آن نور را افشرد^۸ پس شیعه ما از آن نور^۹ به هَم رسیدند. پس ما
 تسبیح کردیم و خدای - تبارک و تعالی - را به پاکی یاد کردیم. پس شیعه ما نیز تسبیح
 کردند. و ما تقدیس و^{۱۰} تنزیه کردیم. پس شیعه نیز تقدیس و تنزیه کردند. و ما تهلیل
 کردیم. شیعه نیز تهلیل کردند. و ما تمجید و^{۱۱} تعظیم کردیم. پس ایشان^{۱۲} نیز تمجید
 و تعظیم کردند. و^{۱۳} ما توحید کردیم و خدا را به یگانگی یاد کردیم. پس ایشان نیز
 توحید کردند. پس خدای - تبارک و تعالی - آفرید آسمانها و^{۱۴} زمینها را و فرشتگان را پس
 صد سال برآمد که فرشتگان تسبیح و^{۱۵} تقدیس و^{۱۶} تمجید نمی دانستند. پس ما تسبیح

۱- غَيْرُنَا / M غَيْرُنَا. ۲- اخْتَصَّنَا / R اخْتَصَّنَا.

۳- تَبَارَكَ / M تَبَارَكَ. ۴- فَأَجَبْنَا / M فَأَجَبْنَا.

۵- نَسْتَغْفِرُ / R نَسْتَغْفِرُ. ضبط نص، موافق M است.

۶- این روایت را با تفاوت در ضبط نگر در:

کنف الغمهي اربلي، ط. دارالأضواء، ۸۵/۲؛ و: جامع الأخای سبزواری، ط. مؤسسه آل البيت -
 عليهم السلام، ص ۴۵ و ۴۶؛ و: المحض حسن بن سليمان حلي، تحقيق سيد علي أشرف،

ص ۲۰۲. ۷- و / در M زیر دارد.

۸- افشرد / ضبط نص موافق M است. ۹- نور / M بود.

۱۰- و / در M زیر دارد. ۱۱- و / در M زیر دارد.

۱۲- ایشان / در M نون زیر دارد. ۱۳- و / در M زیر دارد.

۱۴- و / در M زیر دارد. ۱۵- و / در M زیر دارد.

۱۶- و / در M زیر دارد.

کردیم و شیعیان ما تسبیح کردند. پس ملائکه نیز تسبیح کردند از جهت تسبیح ما. و ما تقدیس کردیم. پس شیعیان ما تقدیس کردند. پس ملائکه^۱ تقدیس کردند از جهت تقدیس^۲ ما.

و ما تمجید کردیم. پس شیعیان ما تمجید کردند. پس ملائکه تمجید کردند از جهت تمجید ما. و ما توحید کردیم. پس شیعیان ما توحید کردند. پس ملائکه توحید کردند از جهت توحید ما؛ و حال آنکه فرشتگان تسبیح و تقدیس نمی‌دانستند پیش از تسبیح ما و تسبیح شیعیان ما. ما نیم توحیدکنندگان در وقتی که توحیدکننده نبود به غیر از ما و سزاوارست خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - را که همچنانکه ما را مخصوص گردانید و شیعیان ما را برگزید، که^۳ درآورد ما را و شیعیان ما را^۴ در اَعْلَى عَلَیِّین بالاترین مراتب بهشت. بدرستی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - برگزید ما را و برگزید شیعیان ما را پیش از آنکه^۵ بوده باشیم ما جسم. پس خواند ما را پس ما اجابت کردیم. پس آمرزید ما را و شیعیان ما را پیش از آنکه طلب آمرزش کنیم.

ما سالها مُقیم در یار بوده‌ایم اندر حریم محرمِ اَسرار بوده‌ایم
با یارِ خویش خرم و خندان به کامِ دل بی زحمتِ مشقَّتِ اَعْیَار بوده‌ایم
پیش از ظهورِ این قفسِ تنگِ کاینات ما عِنْدَکِیپِ گُلَشَنِ دیدار بوده‌ایم
چندین هزار سال در اوجِ فضایِ قُدس بی پَر و بال طایرِ طَیَّار بوده‌ایم
و دیگر منقولست از حضرتِ عَلِیمِ اَهلِ بیت، جَعْفَر بنِ مُحَمَّدِ الصَّادِق - صَلَوَاتُ اللّهِ وَسَلَامُهُ عَلَیْهِمْ -، که آن حضرت فرمود که:

أَنْتَ يَهُودِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فَقَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ يَحْدُ الثَّظَرُ إِلَيْهِ فَقَالَ: يَا يَهُودِي!

۱- ملائکه / R ملائکه. M ملائکه (البته حرف چهارم را مُهْمَل نهاده و بر زیر و زبر آن هیچ نقطه یا نشان نگذاشته است).
۲- تقدیس / M ندارد.

۳- که / چُنین است در R و M؛ و پیداست که از دیدگاه دستور امروز فارسی زائد می‌نماید.

۴- و شیعیان ما را / M ندارد.
۵- آنکه / M اینکه.

مَا حَاجَتُكَ؟ قَالَ: أَأَنْتَ أَفْضَلُ أَمْ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ^١ الَّذِي كَلَّمَهُ اللَّهُ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ التَّوْرَةَ^٢ وَالْعَصَى^٣ وَفَلَقَ لَهُ الْبَحْرَ وَأَظْلَهُ بِالْقَمَامِ؟ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: إِنَّهُ يُكْرَهُ لِلْعَبْدِ أَنْ يُزَكِّيَ^٤ نَفْسَهُ وَلِيَكُنِّي أَقُولُ: إِنَّ أَدَمَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - لَمَّا أَصَابَ الْخَطِيئَةَ كَانَتْ تَوْبَتُهُ أَنْ قَالَ: اللَّهُمَّ! إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي فَغَفَرَهَا اللَّهُ^٥ تَعَالَى لَهُ وَإِنَّ نُوحًا لَمَّا رَكِبَ فِي السَّفِينَةِ وَخَافَ الْغَرَقَ^٦ قَالَ: اللَّهُمَّ! إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُنَجِّسِي مِنَ الْغَرَقِ قَتْبَاءَ اللَّهِ تَعَالَى عَنْهَا^٧ وَإِنَّ إِبْرَاهِيمَ (ع) لَمَّا أُلْقِيَ فِي النَّارِ قَالَ: اللَّهُمَّ! إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُنَجِّسِي مِنْهَا فَجَعَلَهَا^٨ اللَّهُ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا وَإِنَّ^٩ مُوسَى لَمَّا أُلْقِيَ عَصَاهُ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً قَالَ: اللَّهُمَّ! إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ أَمْنَتِي مِنْهَا فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى - جَلَّ جَلَالُهُ^{١٠} - لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى. يَا يَهُودِيُّ! إِنَّ مُوسَى (ع) لَوَأْدَرَكْنِي^{١١} ثُمَّ لَمْ^{١٢} يُؤْمِنْ بِي وَبِنَبِيِّي مَا نَفَعَهُ إِيْمَانُهُ^{١٣} شَيْئًا وَلَا نَفَعَتْهُ التَّوْبَةُ. يَا يَهُودِيُّ! وَمِنْ^{١٤} ذُرِّيَّتِي الْمُهْدِي إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ لِنُصْرَتِهِ فَقَدَّمَهُ وَصَلَّى خَلْقَهُ^{١٥}.

١- موسی بن عمران / موسی ابن عمران [كذا].

٢- التَّوْرَةُ / R التَّوْرَةِ. در M بنادرست واپسین حرف را هم زیر داده اند و هم زیر.

٣- الْعَصَى / چنین است در R و M.

در رسم الخطِ امروزین «العصا» ضبط باید کرد.

٤- يُزَكِّي / M يُزَكِّي [كذا]. ه- فَعَفَرَهَا اللَّهُ / چنین است در M. و R فَعَفَرَ.

٥- تُغْفِرَ / M الْغَرَقِ. از M ضبط شد.

٦- نُوحًا / R عنها / در R زیر «عَنْهَا» «عَنْهُ ل» (به عنوان نُسخه بدل) نوشته شده است. M عَيْنًا.

٧- تُنَجِّسِي / M فَعَفَرَهَا. ١٠- إِنْ / M أَنْ.

٨- جَلَّ جَلَالُهُ / M جَلَّالُهُ.

٩- أَدْرَكْنِي / M أَدْرَكْنِي. R موافق متن است.

١٠- لَمْ يُؤْمِنْ / M كَمْ يُؤْمِنْ. ١١- إِيْمَانُهُ / M إِيْمَانُهُ.

١٢- مِنْ / R مِنْ. ١٣- بَيْنَ / M ابْنِ.

١٤- آمده است - با تفاوت در ضبط - در: الأُمَلِی صِدُوق، تحقیق مؤسسه البعثه، ص ٢٨٧

آن حضرت فرمودند که:

یهودی به نزد رسول خدا - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ - آمد^۱ و در برابر آن حضرت ایستاد و نگاهی تُند بر روی آن حضرت می کرد. پس آن حضرت فرمود که: ای یهودی! چه حاجت داری؟ گفت: تو بهتری یا موسی بن^۲ عمران - آن پیغمبری که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - با او سخن گفت و تورات و عصی^۳ به او فرستاد و دریا را برای او شکافت و ابر را بر سر او سایه بان^۴ ساخت -؟ پس رسول خدا - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ - فرمود که: ناخوش است که کسی^۵ ستایش خود کند^۶؛ ولیکن چون می پرسی بگویم: بدرستی که حضرت آدم - صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ - چون ترکِ اُولی^۷ از او واقع شد^۸، توبه اش این بود که گفت: بارخدا یا! بدرستی که^۹ از تو سؤال می کنم به حقِّ محمد و آلِ محمد که گناه مرا بیامرزی. پس خدای تعالی گناه او را آمرزید و بدرستی که نوح چون در کشتی نشست و ترسید که غرق شود گفت: بارخدا یا! بدرستی که از تو سؤال^{۱۰} می کنم به حقِّ محمد و آلِ محمد که مرا از طوفان نجات دهی.^{۱۱} پس خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - او را نجات داد و بدرستی که حضرت ابراهیم (ع) را چون در آتش انداختند گفت: بارخدا یا! بدرستی^{۱۲} که از تو

→ و ۲۸۸؛ ر: روضة الواعظین، ط: خراسان، ص ۲۷۲ و ۲۷۳؛ و: الاحتجاج طبریزی، ط: سید محمدباقر خراسان، ۵۴/۱ و ۵۵؛ و: بحار الأنوار، ۳۱۹/۲۶ و ۳۲۰؛ و: ...

۱- آمد / در M، میم، زیر دارد.

۲- بن / M این.

۳- آن / R ندارد. از M افزوده شد.

۴- عصی / چنین است در M و R.

۵- سایه بان / چنین است در M و R.

۶- علیه و آلہ / R ندارد.

۷- کسی / M کسی که.

۸- کند / M ندارد.

۹- ترکِ اُولی / این تعبیر از ترجمانِ روایت است. در نصِّ روایت از «خَطِیئَةُ» سخن رفته است.

۱۰- شد / M ندارد.

۱۱- بدرستی که / M + بارخدا یا که.

۱۲- سؤال / در M مکرّر نوشته شده است.

۱۳- دهی / زیر دال در M آشکارا نوشته شده است.

۱۴- بدرستی / M بدرستی [کذا].

سؤال می‌کنم به حقِّ محمد و آلِ محمد^۱ که مرا از آتش نجات دهی. پس خدای - تبارک و تعالی - آتش بر او سرد و سلامت گردانید و بدرستی که حضرت موسی (ع) چون عصای خود را انداخت و ازدها شد و ترسان شد، گفت: خداوند! بدرستی که از تو سؤال می‌کنم به حقِّ محمد و آلِ محمد که مرا ازین^۲ ایمن گردان. پس خدای - تبارک و تعالی - فرمود که: ای موسی! مترس که تو غالبی. ای یهودی! بدرستی که موسی (ع) اگر زمانِ مرا درمی‌یافت، یس^۳ ایمان نمی‌آورد^۴ به من و پیغمبری من، ایمان او به او هیچ نفع نمی‌رسانید و پیغمبری او به او فایده نمی‌بخشید. ای یهودی! از جمله ذرّیت من مهدیست که چون بیرون می‌آید عیسی بن^۵ مریم از آسمان به زیر می‌آید از جهت یاری او و مهدی را پیش می‌دارد و در عقب آن حضرت نماز خواهد گزارد^۶.

و باز علمای سنیان به طرق مختلفه^۷ نقل کرده‌اند از عبدالله بن عمر که گفت: سؤال کردیم ما از رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - از مرتبه و حالِ علی بن ابی طالب. پس آن حضرت^۸ فرمود که:

مَا بَالُ^۹ أَقْوَامٍ^{۱۰} يَذْكُرُونَ مَنْ لَهُ مَنَزِلَةٌ عِنْدَ اللَّهِ كَمَنْزِلَتِي وَمَقَامٌ^{۱۱} كَمَقَامِي إِلَّا النُّبُوَّةَ^{۱۲}.

۱- محمد / M ندارد.

۲- ازین / M از این. ضبط نص موافق R است.

۳- پس / امروز در این مقام مثلاً می‌گوئیم: «و آنگاه» یا «و آنگاه اگر». خلاصه، این جمله، هنوز در مقام بیان شرط است، نه جزای شرط. با نصِّ عربی مقایسه فرمائید.

۴- نمی‌آورد / M نمی‌یافت (بدون نقطه‌های یاء).

۵- بن / M این. ۶- گزارد / M کذارَد.

۷- مختلفه / M مختلفه. ۸- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۹- پس آن حضرت / M ندارد. ۱۰- بَالُ / M بَال.

۱۱- أَقْوَامُ / M و R أَقْوَامُ.

۱۲- مَقَامٌ / M مقامی (گویا به قصدِ اصلاح، بالای «می» يك «م» نوشته‌اند).

۱۳- النُّبُوَّةُ / در M حرکتگذاری مخدوش است و مضطرب.

أَلَا^۱ وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَحَبَّنِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَمَنْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَفَاهُ^۲
 بِالْجَنَّةِ. أَلَا^۳ وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَعْطَاهُ اللَّهُ كِتَابَهُ بِسَمِيحِهِ وَحَاسَبَهُ حِسَابَ الْأَنْبِيَاءِ. أَلَا^۴
 وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَشْرَبَ^۵ مِنَ الْكُوْثِرِ وَيَأْكُلَ مِنْ شَجَرَةِ طُوبَى
 وَيَرَى مَكَانَهُ مِنَ الْجَنَّةِ. أَلَا^۶ وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا هَوَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْعَوْتِ وَجَعَلَ قَبْرَهُ^۷
 رَوْضَةً^۸ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ. أَلَا^۹ وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْجَنَّةِ بِكُلِّ عِزِّي فِي
 بَدَنِهِ حَوْرَاءَ وَشَفْعَهُ فِي ثَمَانِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَلَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى بَدَنِهِ مَدِينَةٌ فِي الْجَنَّةِ.
 أَلَا^{۱۰} وَمَنْ عَرَفَ^{۱۱} عَلِيًّا وَأَحَبَّهُ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكَ الْعَوْتِ^{۱۲} كَمَا بَعَثَ اللَّهُ^{۱۳} إِلَى الْأَنْبِيَاءِ
 وَدَفَعَ عَنْهُ أَهْوَالَ مُنْكَرٍ^{۱۴} وَنُورَ^{۱۵} قَبْرِهِ وَفَسَّحَهُ مَسِيرَةَ سَبْعِينَ عَامًا وَبَيَّضَ وَجْهَهُ
 يَوْمَ الْقِيَمَةِ. أَلَا^{۱۶} وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَظْلَلَهُ^{۱۷} اللَّهُ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ مَعَ الصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ
 وَالصَّالِحِينَ وَآمَنَهُ مِنَ الْفَرَقِ الْأَكْبَرِ وَأَهْوَالَ الصَّاحَةِ. أَلَا^{۱۸} وَمَنْ أَحَبَّ^{۱۹} عَلِيًّا تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ
 حَسَنَاتِهِ وَتَجَاوَزَ عَنْ سَيِّئَاتِهِ وَكَانَ فِي الْجَنَّةِ رَفِيقُ حَمْرَةٍ^{۲۰} سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ. أَلَا^{۲۱} وَمَنْ أَحَبَّ
 عَلِيًّا أَثَبَّتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَأَجْرَى عَلَى لِسَانِهِ الصَّوَابَ وَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَبْوَابَ الرَّحْمَةِ.

۱- أَلَا / M / إِلَّا.

۳- أَلَا / M / إِلَّا.

۵- أَلَا / M / إِلَّا.

۷- قَبْرَهُ / در M راه هم زیر دارد و هم زیر.

۸- رَوْضَةً / M / رَوْضَةً.

۱۰- أَلَا / M / إِلَّا.

۱۲- مَلَكَ الْعَوْتِ / M / مَلِكُ الْعَوْتِ.

۱۴- مُنْكَرٍ / M / مُنْكَو.

۱۶- أَلَا / M / نَدَارِد.

۱۸- أَلَا / M / إِلَّا.

۲۰- حَمْرَةٍ / چُنین است در M و R.

۲- كَفَاهُ / M / كَانَاهُ.

۴- يَشْرُبُ / M / (يَا؛ يَشْرُبُ).

۶- سَكَرَاتِ / M / وَ سَكَرَ.

۹- أَلَا / M / إِلَّا.

۱۱- عَرَفَ / M / عَرَفَ.

۱۳- اللَّهُ / M / نَدَارِد.

۱۵- نُورَ / M / نُورَ.

۱۷- أَظْلَلَهُ / M / أَظْلَلَهُ.

۱۹- أَحَبَّ / M / أَحَبَّ.

أَلَا! وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا سُمِّيَ أَسِيرًا^۱ اللهُ فِي أَرْضِهِ وَبَاهَى اللهُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ وَحَمَلَةً^۲ عَرْشِهِ.
 أَلَا!^۳ وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا نَادَاهُ مَلَكٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ أَنْ: يَا عَبْدَ اللهِ! إِشْتَابِ الْعَمَلَ فَقَدْ غَفَرَ
 اللهُ لَكَ الذُّنُوبَ كُلَّهَا. أَلَا! وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَوَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةً ابْتَدَرَ أَلَا!
 وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا^۴ وَضَعَ اللهُ عَلَى رَأْسِهِ تاجَ الْكَرَامَةِ وَالْبَسَهُ حُلَّةَ الْعِزَّةِ. أَلَا!^۵ وَمَنْ أَحَبَّ
 عَلِيًّا مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ كَالْتَبْرِ الْخَاطِفِ وَلَمْ يَرْصُوبَةَ الْمُرُورِ. أَلَا!^۶ وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا كَتَبَ
 اللهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَبَرَاءَةً مِنَ الْإِثْقَالِ وَجَوَازًا عَلَى الصِّرَاطِ وَأَمَانًا مِنَ الْعَذَابِ. أَلَا! وَمَنْ
 أَحَبَّ عَلِيًّا لَا يُنْشَرُ^۷ لَهُ دِيْوَانٌ وَلَا يُنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ وَقِيلَ لَهُ: أُدْخِلِ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ.
 أَلَا! وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَمِنَ مِنَ الْحِسَابِ وَالْمِيزَانِ وَالصِّرَاطِ. أَلَا! وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ
 مُحَمَّدٍ صَافَحَتْهُ^۸ الْمَلَائِكَةُ وَزَارَتْهُ أَرْوَاحُ الْأَنْبِيَاءِ وَقَضَى اللهُ لَهُ كُلَّ حَاجَةٍ كَانَتْ لَهُ عِنْدَ
 اللهِ. أَلَا! وَمَنْ^۹ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِرًا. أَلَا! وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ
 مَاتَ عَلَى الْإِيمَانِ وَكُنْتُ أَنَا كَفِيلُهُ بِالْجَنَّةِ.^{۱۰}

آن حضرت می فرمایند که:

چه برین^{۱۱} داشته است جماعتی را که یاد می کنند کسی را که منزلت او و^{۱۲} مرتبت او
 نزد خدای - تبارک و تعالی - مثل منزله^{۱۳} و مرتبه من است و پایه او مثل پایه

۱- أسیر/ R أسیر. ضبط نص، موافق M است.

۲- حَمَلَةً / M حَمَلَةً.

۳- أَلَا / در M مخدوش شده (گویا دستنویست پارگی دارد).

۴- كَاتَمَر... عَلِيًّا / M ندارد.

۵- أَلَا / M إِلَّا.

۶- أَلَا / M إِلَّا.

۷- يُنْشَرُ / M يُنْشَرُ.

۸- صَافَحَتْهُ / M صَافَحَتْهُ.

۹- مِنْ / M +.

۱۰- نگر: مائة منقبه ي ابن شاذان، ط. أبطحي، صص ۶۴-۶۷ (منقبه ۳۷)؛ و: بشاره المصطفى -

صلی الله علیه و آله -، صص ۷۰-۷۲. ۱۱- برین / M بر این.

۱۲- و/ «و» در M زیر دارد. ۱۳- منزله / چنين است در M R منزله.

مَنَسْت^۱ مگر پیغمبری. بدان و^۲ آگاه باش که هر که علی را دوست دارد، پس بتحقیق^۳ که مرا دوست داشته است، و هر که مرا دوست^۴ دارد خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - ازو خُشَنود^۵ است، و هر که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - از وی خُشَنود گشت^۶ پس مکافات می دهد او را به^۷ بهشت.^۸ بدرستی که هر که علی را دوست دارد خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - فردای روز قیامت نامه عَمَل او را به دست راست^۹ او دهد و حساب کند او را مانند حساب پیغمبران.^{۱۰} بدان و آگاه باش که هر که علی را دوست دارد از دنیا بیرون نرود تا او را از حوض^{۱۱} کوثر آب دهند و از درخت طوبی طعام دهند^{۱۲} و^{۱۳} ببیند جایگاه خود را در بهشت بدرستی و^{۱۴} راستی که هر که علی را دوست دارد آسان گرداند خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - بروی^{۱۵} سكرات مرگ را و بگرداند قبر او را روضه ای^{۱۶} از روضه های بهشت. بدرستی که هر که علی را دوست دارد خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - بدهد^{۱۷} او را به عَدَدِ هر رگی که در بدن اوست حوری در بهشت و شفیع گرداند او را در هشتاد کس از اهل بیت^{۱۸} او و بوده باشد او را به عَدَدِ هرمویی^{۱۹} که در بدن اوست شهری در بهشت. بدان و^{۲۰} آگاه باش که هر که علی را

- ۱- مَنَسْت / M مَن است.
- ۲- و / در M زیر دارد.
- ۳- بتحقیق / M بحقیقت.
- ۴- دوست / در M سین زیر دارد (!!).
- ۵- خُشَنود / M خوشنود.
- ۶- گشت / M گشت [!].
- ۷- به / R ندارد ولی در M هست.
- ۸- بهشت / M بهشت.
- ۹- راست / در M سین زیر دارد (!!!).
- ۱۰- پیغمبران / M پیغمبری.
- ۱۱- حوض / M حَوْض [!].
- ۱۲- دهند / در M هاء زیر دارد!
- ۱۳- و / در M زیر دارد.
- ۱۴- و / در M زیر دارد.
- ۱۵- بروی / M ندارد.
- ۱۶- روضه ای / M روضه.
- ۱۷- بدهد / M می دهد.
- ۱۸- اهل بیت / M اهل بیت (پیداست که بی انضباطی در حرکتگذاری است).
- ۱۹- مویی / M موئی. ضبط نص، از R است.
- ۲۰- و / در M زیر دارد.

بشناسد و او را دوست دارد خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - مَلِكِ الْمَوْت را به سویی او فرستد چنانکه به سویی پیغمبران می فرستد و دفع کند از وی هَوَل^۱ و بیم و ترس منکر و نکیر را و مُتَوَّر و روشن گرداند قبر او را و فراخ گرداند قبر او را هفتادساله راه^۲ و سفید گرداند روی او را در قیامت. آیا نه چنین است که هرکه علی را دوست دارد خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - او را در سایه عرش خود درآورد با صدیقان و شهیدان و صالحان^۳ روزی که سایه ای^۴ نباشد مگر سایه عرش الهی^۵، و ایمن^۶ گرداند او را خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - از ترس عظیم روز قیامت و از هولهای^۷ آن روز؟ آیا نه چنین است که هرکه علی را دوست دارد قبول کند خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - از وی حَسَنَاتِ او را و درگذرد از گناهان او و بوده باشد در بهشت رفیق حمزه سیدالشهداء^۸؟ بدرستی و راستی که هرکه علی را دوست^۹ دارد خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - عِلْم و حکمت را در دل او جای دهد و جاری گرداند بر زبان او سخنان نیکو و بگشاید خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بر او درهای رحمت را. بدرستی که هرکه علی را دوست دارد او را می نامند به اُسَیرِ خدا در زمین و مباهات می کند خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - به او با فرشتگان و حاملان عرش که مرا چنین بندگان در زمین هست. بدرستی که هرکه علی را دوست دارد ندا کند او را فرشته ای^{۱۰} از زیر عرش که: ای بنده خدا! عَمَل

۱- هَوَل / زیرِ هاء در M آشکارا کتابت شده است.

۲- هفتادساله راه / M هفتاد سال راه. ۳- صالحان / در M «ن» زیر دارد.

۴- سایه ای / R و M سایه.

۵- الهی / M + را. در R، پس از این، پَره یِ یک «را» یِ کمرنگ دیده می شود. گویا تراشیده باشندش. ۶- ایمن / در M «م» آشکارا زیر دارد.

۷- قولهای / زیرِ هاء در M آشکارا کتابت شده است.

۸- تَبَارَكَ وَتَعَالَى / M تعالی.

۹- سَید الشهداء / زیرِ سین در M آشکارا کتابت گردیده است.

۱۰- دوست / در M یک زیر سرگردان بالای «و» یا «س» هست!!

۱۱- فرشته ای / M فرشته.

را از سر گیر که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - جَمِیع گناهانِ تو را آمرزید.^۱ بدرستی که هر که علی را دوست دارد فردای^۲ روزِ قیامت در صحرائِ محشر حاضر گردد و روی او مِثْلِ ماهِ شِب^۳ چهارده باشد. بدرستی که هر که علی را دوست دارد خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بر سر او نهد تاجِ کرامت را و^۴ پیوشاند^۵ او را حُلَّه^۶ عزت. بدرستی که هر که علی را دوست دارد بگذرد^۷ بر صراط^۸ مِثْلِ برقی جهنده و نبیند سختی گذشتن بر^۹ صراط را. بدرستی که هر که علی را دوست دارد بنویسد خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - از برای او براتی^{۱۰} از آتشِ جَهَنَّم و^{۱۱} براتی از نفاق و گذشتن بر^{۱۲} صراط و ایمن^{۱۳} بودن از عذاب را^{۱۴}. بدرستی که هر که علی را دوست دارد باز نمی‌کنند^{۱۵} در روزِ قیامت دیوانِ عَمَلِ او را و به پای نمی‌دارند ترازویی^{۱۶} از جَهَّتِ کردارِ او و می‌گویند او را که: داخلِ بهشت شوی حساب^{۱۷}. پس

۱- آمرزید / M آمرزیدم.

۲- فردای / در M روی یاء نشانِ جزم نهاده؛ لیک در این دستنوشته جزم‌های سرگردان بسیار است و قابل اعتماد نیست؛ کما این که در «صحرائِ» در همین سطر روی یاء همان جزم را نهاده!!

۳- شب / در M یکی از آن جزم‌های سرگردان روی «ب» نهاده شده!

۴- و / در M زیر دارد.

۵- پیوشاند / در M زیرِ بَاء آشکارا کتابت شده است.

۶- حُلَّه / در M حاء زیر دارد. ۷- بگذرد / در M بَاء آشکارا زیر دارد.

۸- صراط / در M «ط» آشکارا زیر دارد!!

۹- بر / M پل.

۱۰- براتی / R بر آتی. ضبط نص. موافق M است.

۱۱- و / در M زیر دارد.

۱۲- بر / M ندارد ولی کاتب، بالای سطر «از» افزوده است.

۱۳- ایمن / در M «م» آشکارا زیر دارد. ۱۴- را / M ندارد.

۱۵- نمی‌کنند / M نمی‌کند. ۱۶- ترازویی / M ترازوی.

۱۷- بی حساب / R بی حساب. ضبط نص. موافق M است.

بدرستی که هر که علی را دوست دارد ایمن گردد از حساب و میزان^۱ و صراط^۲.
 آیا نه چنین است که هر که بر دوستی آل محمد بمیرد مصافحه^۳ می کنند او را
 فرشتگان و زیارت می کنند او را ارواح پیغمبران و خدای - تبارک و تعالی - برمی آورد هر
 حاجتی که او دارد به نزد او؟ آیا نه^۴ چنین است که هر که بر دشمنی آل محمد بمیرد^۵
 کافر^۶ مرده است؟ آیا نه چنین است^۷ که هر که بر دوستی آل محمد بمیرد با ایمان از
 دنیا رفته است و من ضامن^۸ اویم که به بهشت رود.

دیگر منقولست از سید^۹ کانیات و^{۱۰} خلاصه پیغمبران که آن حضرت روایت کرد از
 جبرئیل و او از میکائیل و^{۱۱} او از اسرافیل و او از لوح و او از قلم و او از خدای - تبارک
 و تعالی - عزّ شانه - که: بادشاه عالمیان فرمود: **أَنَا اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا خَلَقْتُ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِي
 وَاخْتَرْتُ^{۱۲} مِنْهُمْ أَنْبِيَاءَ وَاصْطَفَيْتُ^{۱۳} مِنَ الْكُلِّ مُحَمَّدًا^{۱۴} وَجَعَلْتُهُ^{۱۵} أَمِينِي وَخَلِيفَتِي وَوَلِيَّيَ
 عَلَى عِبَادِي يَسِّرْ لَهُمْ كِتَابِي وَيُسِّرْ لَهُمْ بِحُكْمِي وَجَعَلْتُهُ^{۱۶} الْعَلَمَ الْهَادِي مِنَ الضَّلَالَةِ وَبَابِي^{۱۷}
 الَّذِي يُؤْتَى^{۱۸} مِنْهُ^{۱۹} وَيُسَبِّحُ^{۲۰} الَّذِي^{۲۱} مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَحِصْنِي الَّذِي مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ**

۱- میزان / تیران (/ یا: تیران). ضبط نص، موافق M است.

۲- صراط / در M «ط» زیر دارد!!

۳- مصافحه / در M «ح» زیر دارد.

۴- نه / زیر نون در M صریح است.

۵- بمیرد / R بمیر.

۶- کافر / زیر فاء در M صریح است.

۷- چنین است / M چنینست.

۸- ضامن / در M «م» زیر دارد!!

۹- سید / زیر سین در M صریح است.

۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- و / در M «ط» زیر دارد!!

۱۲- اخترت / M اخترت.

۱۳- اصطفتی / M اصطفتی [؟].

۱۴- جعلته / M جعلته [كذا].

۱۵- جعلته / M جعلته [كذا].

۱۶- جعلته / M جعلته [كذا].

۱۷- بابی / M بابی.

۱۸- یوتی / M یوتی [كذا].

۱۹- منه / M منه [كذا].

۲۰- یسبّح / M یسبّح.

۲۱- الَّذِي / M الَّذِي [كذا].

حَصَنَّتُهُ^۱ مِنْ مَّكَرُوهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَوَجَّهِيَ الَّذِي^۲ مَنْ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ لَمْ أَصْرِفْ عَنْهُ وَجْهِي
وَحُجَّتِي عَلَى أَهْلِ سَمَوَاتِي وَأَرْضِي وَعَلَى جَمِيعِ مَنْ رَضِيتُهُ^۳ مِنْ خَلْقِي فَلَا
أَقْبِلُ^۴ عَمَلَ عَامِلٍ إِلَّا مَعَ الْإِثْرَارِ بِوَلَايَتِهِ وَبُيُوتِهِ أَهْمَدُ^۵ رُسُولِي، وَبِإِدْيِ الْمَسْبُوطَةِ^۶ فِي
عِبَادِي فَيُعِزِّي حَلَفْتُ^۷ وَبِجَلَالِي أَقْسَمْتُ أَنَّهُ لَا يُؤَالِي عَلَيًّا عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي إِلَّا أَخْرَجْتُهُ
عَنْ نَارِي وَأَدْخَلْتُهُ^۸ جَنَّتِي وَلَا يَعْدِلُ^۹ عَنْ وَلَايَتِهِ^{۱۰} إِلَّا مَنْ أَبْغَضْتُهُ وَأَدْخَلْتُهُ نَارِي فَمَنْ
زُحْرِحَ عَنِ النَّارِ^{۱۱} الَّتِي هِيَ^{۱۲} بَغْضُ عَلِيٍّ وَأَدْخِلَ الْجَنَّةَ الَّتِي هِيَ حُبُّهُ فَقَدْ قَارَ^{۱۳}

خدای - بَارَكَ وَتَعَالَى: جَلَّ جَلَالُهُ - می فرماید که: منم آن خدایی^{۱۴} که بجز من خداوندی
نیست. آفریدم خلق را به قدرتِ خود و برگزیدم از ایشان^{۱۵} پیغمبران را و گزیدم از همه
پیغمبران محمد را و گردانیدم او را پیغمبر و برگزیده و از او^{۱۶} خشنود^{۱۷} گشتم و فرستادم او
را به خَلْقِ به پیغمبری و برگزیدم از برای او علی را و مؤید ساختم او را به علی
و^{۱۸} گردانیدم علی را امینِ خودم و خلیفه خودم و ولی خودم بر بندگانِ خود که بیان کند
از برای ایشان کتابِ مرا و مُشَرَّف سازد بندگانِ مرا به حُکْمِ من و^{۱۹} گردانیدم او را

۱- حَصَنَّتُهُ / M حَصَنَّتُهُ.

۲- وَوَجَّهِيَ الَّذِي / در M مکرر نوشته شده است.

۳- رَضِيتُهُ / M رَضِيتُهُ {}.

۴- أَقْبِلُ / M + وَ.

۵- أَهْمَدُ / M أَحْمَدُ.

۶- بِإِدْيِ الْمَسْبُوطَةِ / چنین است حرکتگذاری در M و R.

۷- حَلَفْتُ / M خَلَفْتُ.

۸- أَدْخَلْتُهُ / M أَدْخَلْتُهُ عَنْ.

۹- يَعْدِلُ / M يَعْدُلُ.

۱۰- وَلَايَتِهِ / M وَلَايَتِهِ.

۱۱- النَّارِ / M ندارد.

۱۲- هِيَ / M ندارد.

۱۳- قَارَ: مشارق أنوار الیقین، ط. سید علی عاشور، ص ۱۸۰.

۱۴- خدایی / M خدای.

۱۵- از ایشان / M از ایشان.

۱۶- از او / M از او.

۱۷- خشنود / M خوشنود.

۱۸- گردانیدم او را / M زیر دارد.

۱۹- و / M در M زیر دارد.

علامتی^۱ راه‌نماینده خلق از ضلالت به هدایت و گردانیدم او را خانه خود به منزله خانه کعبه^۲ که هرکه داخل آن خانه شود یعنی دست در دامن ولای او زند ایمن باشد از عذاب و گردانیدم او را حصار خود که هرکه پناه به او برد او را نگاه دارم از مکروه دنیا و آخرت و گردانیدم او را روی خود که هرکه^۳ توجه به او کند و پیروی او کند روی احسان خود و لطف از وی نگردانم و گردانیدم او را حجت خود بر اهل آسمانها و زمین و هرکه من ازو خوشنودم^۴ از خلق خودم پس قبول نمی‌کنم عمل کسی را مگر با اقرار^۵ به ولایت آن حضرت و نبوت احمد رسول من، و گردانیدم او را دست احسان و انعام و قهر و غضب خود که باز کرده‌ام در میان بندگان خود. پس به عزت خودم قسم می‌خورم و به بزرگواری خود^۶ سوگند^۷ یاد می‌کنم که دوست ندارد^۸ علی را بنده‌ای^۹ از بندگان من مگر آنکه بیرون می‌آورم او را از آتش جهنم و داخل می‌گردانم او را به^{۱۰} بهشت و رونمی‌گرداند^{۱۱} از دوستی او مگر کسی که من او را دشمن دارم و داخل کنم او را در جهنم. پس کسی که دور گردانیده شد^{۱۲} از آتشی که دشمنی علی است^{۱۳} و داخل شد در بهشتی که دوستی علی است پس بتحقیق که رستگار شد.

۱- علامتی / چنین است در M. R. علمتی.

۲- کعبه / در M یک زبر بالایی عین یا باء نهاده شده است.

۳- هرکه / M + کا. ۴- خوشنودم / M خوشنودم.

۵- با اقرار / M اقرار.

۶- خود / M خودم [کذا]. ضبط نص، موافق R است.

۷- سوگند / در M سین زیر دارد. ۸- ندارد / در M نیست.

۹- بنده‌ای / M بنده.

۱۰- به / در M «از» بوده ولی خط زده شده و یک «به» اضافه گردیده است.

۱۱- نمی‌گرداند / در M «نمی‌گردانم» بوده ولی بالایی ألف یک «ند» افزوده‌اند.

۱۲- شد / M شده. ۱۳- علی است / M علیست.

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَوْصِنِي^۱. فَقَالَ: عَلَيْكَ بِحُبِّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَوْصِنِي^۲. قَالَ: عَلَيْكَ بِمَوَدَّةِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع). وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ^۳ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ مِنْ عَبْدٍ حَسَنَةً حَتَّى يَسْأَلَ^۴ عَنْ حُبِّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَهُوَ أَعْلَمُ. فَإِنْ جَاءَهُ يَوْلَايَتِي قَبْلَ عَمَلِهِ عَلَى مَا فِيهِ^۵. وَإِنْ لَمْ يَأْتِ يَوْلَايَتِي لَمْ يَقْبَلْهُ وَأَمْرِي بِهِ إِلَى النَّارِ. يَابْنَ عَبَّاسٍ! وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ اللَّهَ لَا تُسَدُّ غَضَبًا عَلَى مُبْغِضٍ^۶ عَلَيَّ^۷ مِمَّنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ وَلَدًا. يَابْنَ عَبَّاسٍ! لَوْ أَنَّ الْمَلَائِكَةَ^۸ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءَ^۹ الْمُرْسَلِينَ أَجْمَعُوا عَلَى بُغْضِهِ وَلَمْ^{۱۰} يَفْعَلُوا لَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ^{۱۱} بِالنَّارِ.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ!^{۱۲} وَهَلْ يَبْغِضُهُ أَحَدٌ؟ فَقَالَ: نَعَمْ^{۱۳}. يَبْغِضُهُ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ أَنَّهُمْ مِنْ أُمَّتِي لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُمْ فِي الْإِسْلَامِ نَصِيًّا. يَابْنَ عَبَّاسٍ! إِنَّ مِنْ عِلَامَةِ^{۱۴} بُغْضِهِمْ^{۱۵} لَهُ^{۱۶} تَفْضِيلُهُمْ^{۱۷} عَلَيْهِ مِنْ هُوَ دُونَهُ. وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا^{۱۸} مَا خَلَقَ اللَّهُ نَبِيًّا أَكْرَمَ مِنِّي وَلَا

۱- اَوْصِنِي / در R «اَوْصِنِي» بوده و سپس روی نقطه های یاء خط زده شده است.

۲- اَوْصِنِي / در R «اَوْصِنِي» بوده و سپس روی نقطه های یاء خط زده شده است.

۳- إِنَّ / چنین است در M. در R حرف یکم حرکت ندارد.

۴- حَتَّى يَسْأَلَ / M تَسْأَلَ اللَّهَ.

۵- عَلَى مَا فِيهِ / در M مکرر نوشته شده است.

۶- مُبْغِضٍ / M + وَخَلَقْتَنِي.

۷- عَلَيَّ / M عَلَيَّ.

۸- الْمَلَائِكَةُ / M لَا لِلْمَلَائِكَةِ.

۹- الْأَنْبِيَاءَ / M الْأَنْبِيَاءَ.

۱۰- وَلَمْ / M قَلَمَ. ضبط نص بنابر R است.

۱۱- اللَّهُ / M ندارد.

۱۲- يَا رَسُولَ اللَّهِ / R + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. این افزوده در M نیست.

۱۳- نَعَمْ / M نَعَمْ.

۱۴- عِلَامَةِ / M عِلَامَةِ.

۱۵- بَغْضِهِمْ / M بَغْضِهِمْ.

۱۶- تَفْضِيلُهُمْ / R و M تَفْضِيلُهُمْ.

۱۷- نَبِيًّا / M ندارد.

وَصِيًّا أَكْرَمَ^۱ مِنْ وَصِيِّي عَلِيٍّ^۲.

روایتست^۵ از ابن عباس که او گفت: که گفتم: یا رسول الله! مرا وصیّی فرمای. پس حضرت فرمود که: بر تو باد به دوستی عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. گفتم: یا رسول الله! مرا وصیّی فرمای. پس حضرت فرمود که: بر تو باد به دوستی عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. به حَقِّ آن خدایی^۶ که مرا براستی به خَلْقِ فرستاد که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قبول نمی‌کند از بنده که حَسَنه دارد یا نه ولیکن^۷ می‌پرسد^۸ از برای اِتمامِ حَجَّتِ پس اگر محَبَّتِ آن حضرت را با خود آورده است، عَمَلِ او را قبول^۹ می‌کند، هرچه باشد، و اگر ولایتِ آن حضرت با خود نیاورده است، قبول نمی‌کند از او عَمَلِ او را و می‌فرماید که او را به^{۱۰} آتش اندازند یابن^{۱۱} عَبَّاس^{۱۲}! به حَقِّ آن^{۱۳} خداوندی که مرا براستی به خَلْقِ فرستاد^{۱۴} و پیغمبر^{۱۵} گردانید که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - غضبش بر دشمنانِ علی بیشتر از آنهاست^{۱۶} که از برای

۱- أَكْرَمَ / M اَكْرَمُ. ۲- وَصِيِّي / M وَصِيَّتِي.

۳- دست‌نوشته R در هامش در اینجا حاشیه‌ای دارد که مَعَ الْأَسْفِ بخشی از آن در بُرْشِ کنار صفحه واقع شده و جُزْ حروفی از آن دیده نمی‌شود (و ما به جای این بخشی ناخوانا نقطه‌چین گذاشتیم): «أَفْضَلِيَّتِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بِرِ جَمِيعِ پِيغمبران، چون اَوْصِيَاءِ پِيغمبران پِيغمبر بوده‌اند و هريك وصي ديگري بوده‌اند.....».

۴- نگر: الفضائلُ شاذان بن جبرئیل، ص ۶. ۵- روایتست / M روایت است

۶- خدایی / M خدائی. ۷- ولیکن / در M حرفِ یکم زیر دارد.

۸- می‌پرسد / M می‌پرسد. ۹- قبول / M ندارد.

۱۰- به / M ندارد. ۱۱- یابن / M یابن.

۱۲- عَبَّاس / «س» در M زیر دارد.

۱۳- آن / چُنین است در M و R لیک به نظر می‌رسد در R دو خطِ تَرَقِین بر روی آن کشیده‌اند.

۱۴- فرستاد / M ندارد. ۱۵- پیغمبر / M پیغمبری.

۱۶- آنهاست / M آنها نیست.

خدا^۱ فرزند قرار می‌دهند. یابن عباس^۲! اگر آنکه فرشتگانِ مُقَرَّب^۳ و پیغمبرانِ مُرْسَل جمع می‌شدند بر دشمنی آن حضرت و حال آنکه جَمْع نشدند و^۴ مُحَالست که جمع شوند ولیکن بر سَبیلِ تقدیر و فرض اگر جمع می‌شدند هر آینه خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - ایشان را معذَّب می‌گردانید به آتشِ جهنّم.

ابن عباس گفت که: گفتم: یا رسول الله - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ - آیا دشمن دارد کسی او را و چگونه کسی او را دشمن دارد؟^۵ پس حضرت فرمود^۶ که: بلی دشمن دارند او را جماعتی که یاد کنند که ایشان از اُمّتِ مَنّند و خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - ایشان را در اسلام^۷ نصیبی و بهره^۸ مقرر نکرده است. یابن عباس^۹! از عَلَامَتِ دشمنی ایشان آن حضرت را آنست که غیر او را بر او تَفْضیل دهند.^{۱۰} به حَقِّ آن خدایی^{۱۱} که مرا براستی به خَلْقِ فرستاد که خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - نیافریده است پیغمبری گرمی تر از من و نه وصیتی گرمی تر از علی.^{۱۲}

دیگر روایتست^{۱۳} از سَیِّدِ پیغمبران و شَفِیعِ اِنْس و^{۱۴} جان که آن حضرت فرمود که: لَمَّا اَنْ خَلَقَ اللهُ تَعَالٰی اَدَمَ وَ نَفَخَ فِيْهِ مِنْ رُّوْحِهِ عَطَسَ اَدَمُ فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلّٰهِ، فَاَوْحَى اللهُ تَعَالٰی

۱- خدا / M خداوند.

۲- عباس / در M «س» زیر دارد.

۳- مُقَرَّب / در متن M از قلم افتاده است ولی چون کاتب در رکابهُ صفحه پیش آورده پیداست که در نسخه میناش بوده است.

۴- و / M + جَمْع.

۵- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / چنین است در M. R. ص.

۶- کسی او را و چگونه کسی او را دشمن دارد / M ندارد.

۷- فرمود / M فرمودند.

۸- اسلام / در M «م» زیر دارد.

۹- بهره / M بهره.

۱۰- عباس / در M «س» زیر دارد.

۱۱- دهند / M دهند.

۱۲- خدایی / M خداوندی.

۱۳- علی / M علی.

۱۴- روایتست / M روایت است.

۱۵- و / در M زیر دارد.

إِلَيْهِ حَمْدِي وَعِزِّي وَجَلَالِي لَوْلَا عَبْدَانِ أَرِيدُ أَنْ أَخْلُقَهُمَا^۱ فِي^۲ دَارِ الدُّنْيَا مَا خَلَقْتُكَ. قَالَ: إِلَهِي! قَتِكُونَانِي مَنِي؟ قَالَ: نَعَمْ، يَا آدَمُ! اِرْزُقْ رَأْسَكَ وَانْظُرْ فَرْقَ رَأْسِهِ قَبَادًا مَكْتُوبٌ عَلَى الثَّرَسِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ نَبِيُّ الرَّحْمَةِ وَ عَلِيٌّ مُقِيمُ الْحُجَّةِ. مَنْ عَرَفَ^۳ حَقَّ عَلِيٍّ زَكَى وَطَابَ وَ مَنْ أَنْكَرَ حَقَّهُ لَعِنَ وَ خَابَ. أَقْسَمْتُ بِعِزِّي أَنْ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ مَنْ أَطَاعَهُ وَإِنْ عَصَانِي وَأَقْسَمْتُ بِعِزِّي أَنْ أُدْخِلَ^۴ النَّارَ مَنْ عَصَاهُ وَإِنْ أَطَاعَنِي^۵.

یعنی:

چون خدای - تبارک و تعالی - آدم را آفرید و روح در قالب او دمید عطسه کرد و گفت: الْحَمْدُ لِلَّهِ. پس خدای - تبارک و تعالی - وحی کرد به او که بنده من حمد کرد مرا. قسم به عزت من و جلال من که اگر نه دو بنده بودند که می خواستم که بیا فریم ایشان را در دنیا تو را نمی آفریدم. گفت: إِلَهِي! این هر دو فرزندان من باشند؟ حضرت رَبِّ الْعِزَّة فرمود که: بَلَى ای آدَم! سر بالا کن و نظر کن. پس سر بالا کرد. دید که نوشته است بر عرش^۷: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ^۸ تا به آخر^۹، یعنی: نیست خدایی^{۱۰} بجز معبود برحق و خداوند مطلق. محمد پیغمبر رحمتست و رحمت عالمیانست و علی اقامت کنندۀ حجت و حجّت عالمیانست. هر که حق علی را شناخت طینت او پاکست^{۱۱} و اعمال او^{۱۲} پاکیزه و هر که انکار کرد حق او را^{۱۳} ملعونست و^{۱۴} زیانکار. سوگند^{۱۵} یاد می کنم به عزت خود که داخل بهشت گردانم

۱- أَخْلُقُهُمَا / M أَخْلُقَهُمَا. ۲- فِي / در R مکرر نوشته شده است.

۳- عَرَفَ / M عَرَفَ. ۴- أُدْخِلَ / M أُدْخِلَ.

۵- نگر: مائة متقی ابن شاذان، ط. أطحی، ص ۸۳.

۶- تَبَارَكَ وَ تَعَالَى / چنین است در R. M تَعَالَى جَلَّ وَ جَلَّاه.

۷- بر عرش / M ندارد. ۸- اللَّهُ / R الله.

۹- آخر / در M خاء زیر دارد. ۱۰- خدایی / M خدا.

۱۱- و / در M زیر دارد. ۱۲- او / M ان.

۱۳- را / M. ۱۴- و / در M زیر دارد.

۱۵- سوگند / در M «س» زیر دارد.

هرکه او را اطاعت کند و^۱ اگرچه عصیان من کرده باشد، و قسم می خورم به عزت خود که داخل جهنم گردانم هرکه عصیان او کرده باشد و اگرچه اطاعت من کرده باشد.

و دیگر وارد^۲ است از طُرُقِ شیعیان^۳ و سنیان^۴ از رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - که: حُبُّ عَلِيٍّ حَسَنَةٌ لَا يَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ وَبُغْضُهُ سَيِّئَةٌ لَا يَنْفَعُ مَعَهَا حَسَنَةٌ^۵، یعنی: دوستی علی بن^۶ ابی طالب - صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ - حَسَنه است و^۷ عَمَلِ خَیْرِست^۸ که ضرر نمی کند با او گناهی و دشمنی آن حضرت گناهی است که نفع نمی کند با آن عَمَلِ خیری.

و دیگر در خَبَر است از آن حضرت از طُرُقِ عامه^۹ و خاصه^{۱۰} که: لَوْ اتَّفَقَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ بِنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمَّا^{۱۱} خَلَقَ اللهُ النَّارَ، یعنی: اگر مردمان جمع می شدند بر دوستی حضرت علی بن ابی طالب هرآینه خدای تعالی آتش جهنم را نمی آفرید.

و ازین^{۱۲} باب أَحَادِث^{۱۳} زیاده از حد و حصر است و این مقام گنجایش ذکر آنها ندارد.

فصل ۱۲

بدان که حضرت شیخ مفید - رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ^{۱۵} - در حدیث سابق برین حدیث پنج وجه ذکر کرده است:^{۱۶}

- ۱- و / M ندارد.
- ۲- وارد / M روایت.
- ۳- شیعیان / M سنیان.
- ۴- سنیان / M شیعیان.
- ۵- نگر: الْأَرْبَعُونَ حَدِيثًا، مُتَجَبِّ الدِّين، ص ۴۴ و ۴۵.
- ۶- بن / M ابن.
- ۷- و / در M زیر دارد.
- ۸- خَيْرِست / زیر خاء و سکونِ یاء از خود R است.
- ۹- عامه / M عام.
- ۱۰- خاصه / M خاص.
- ۱۱- لَمَّا / M لَمَّا.
- ۱۲- ازین / M از این.
- ۱۳- أَحَادِث / M + بسیار.
- ۱۴- فصل / M ندارد.
- ۱۵- رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ / M ره.
- ۱۶- مصدرِ نقلی قول را نیافتم.

أَوَّلَ آن که^۱ دوستان و موالیانِ آن حضرت هرگاه معصیتی از ایشان صادر شود، محبتِ آن حضرت نمی‌گذارد که آن شخص از دنیا بدر رود مگر با توبه و^۲ انابتی که از عقوبتِ آن گناهان خلاص شود یا مبتلا شود در جان یا در مال یا به غمی و اندوهی. پس اگر اینها نشود جان‌کندن بر او دشوار شود تا چون از دارِ دنیا بیرون رود او را گناهی نمانده باشد و بدین مضمون نیز اخبار از ائمه اطهار واقع شده است.

دویم،^۳ آنکه مراد از عَدَمِ ضَرَر، ضرری است^۴ که صاحبِ آن سیئه را به جَهَنَّم بَرَد یعنی با دوستی آن حضرت گناه سَبَبِ دُخُولِ جَهَنَّم نمی‌شود هرچند^۵ عقوباتِ دیگر بکشد مثلی عذابِ قَبَر و قیامت و أهوالِ آن ولیکن داخلِ جَهَنَّم نمی‌شود زیرا که خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - حرام گردانیده است بر آتش گوشتِ دوستانِ^۶ حضرت امیرالمؤمنین^۷ را - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - و بدین مضمون نیز اخبار وارد شده است از اهل بیت^۸ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.

سیم^۹، آن که مراد از این^{۱۰} گناهی که ضَرَر ندارد، گناهانِ صغیره است، زیرا که هرگاه^{۱۱} بنده^{۱۲} از گناهانِ کبیره اجتناب نماید، خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - به فضلِ عمیمِ خود از گناهانِ صغیره درمی‌گذرد، و این معنی دوستانِ آن حضرت راست، زیرا که غیرِ دوستانِ آن حضرت از سلسله مؤمنان بیرون‌اند.

چهارم، آن که محبتِ هرگاه با شرایط باشد گناه ازین کس صادر نمی‌گردد^{۱۳} چنانکه

۱- آن که / M ندارد. ۲- و / در M زیر دارد.

۳- دویم / M دویم. ۴- ضرری است / M ضررپست.

۵- هرچند / M چند. ۶- دوستانِ / M دوستان.

۷- امیرالمؤمنین / M + ع. ۸- صلوات الله علیه / M ندارد.

۹- بیت / M بیت [کذا]. ۱۰- صَلَوَاتُ / M صلوة.

۱۱- سیم / M سیم. ۱۲- ازین / M از این.

۱۳- گناه / M گناه. ۱۴- بنده / M ندارد.

۱۵- نمی‌گردد / R + و. نیک به نظر می‌رسد روی آن دو خط زده شده است.

در اخبار از آنکه اُطهار وارد شده است که: دوستِ ما کسیست که پیرو ما باشد. از آن جمله منقولست که شبی حضرتِ امیرالمؤمنین و امامِ المتقین، عَلَی بنِ اَبی طالب - صَلَوَاتُ الله عَلَیْهِ - از کوفه بیرون آمده بود و متوجّه نجف بود و جماعتی از عقبِ آن حضرت بیرون آمده بودند. حضرت فرمود^۱ که: شما کیستید؟ ایشان گفتند که: ما شیعه توایم یا امیرالمؤمنین! حضرت فرمود که: چرا من در شما نمی بینم سیماء^۲ شیعه را؟^۳ ایشان گفتند: یا حضرت! سیماء^۴ شیعه کدامست؟ حضرت فرمود^۵ که: آنست^۶ که رویهای ایشان زرد باشد از بیداری شب؛ چشمهای ایشان^۷ کور و زش باشد از گریه بسیار^۸، و لبهای ایشان خشک باشد از بسیاری دعا و شکمهای ایشان خالی باشد به سبب روزه، و پُشتهای^۹ ایشان کج شده باشد از بسیاری عبادت و بریشان^{۱۰} باشد عبرت^{۱۱} خاشعان. و چنانکه شخصی به حضرتِ امام^{۱۲} مجتبیٰ حسن بن مرتضی - صَلَوَاتُ الله عَلَیْهِمَا - گفت که: من از شیعیانِ شما^{۱۳}م. حضرت فرمود که: اگر اَوا میر و نواهی ما را مطیع، راست می گویی.^{۱۴} و^{۱۵} چنانکه منقولست از امام به حق ناطق، جعفر بن محمد الصادق - صَلَوَاتُ الله عَلَیْهِمَا - که آن حضرت فرمود که دوست نمی دارد خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - را

-
- ۱- فرمود / فرمودند. ۲- سیماء / M سیمای.
 ۳- را / در R نیامده است. از M ضبط شد. ۴- یا حضرت / M ندارد.
 ۵- سیماء / M سیمای. ۶- کدامست / M کدام است.
 ۷- فرمود / فرمودند. ۸- آنست / M آن است.
 ۹- چشمهای ایشان / M ندازد. M + و. ۱۰- گریه بسیار / M بسیاری کرینه.
 ۱۱- و پُشتهای / M پُشتهای. ۱۲- بریشان / M بریشان.
 ۱۳- عبرت / چُنین است در M و R. ظاهرًا «عبرت» باید باشد. سنج: اُمّالی طوسی، ط.
 الیعنة، ص ۲۱۶. ۱۴- امام / زیر «م» از خود M است
 ۱۵- شما^{۱۶}م / M شما^{۱۷}یم. ۱۶- می گویی / M میگوئی.
 ۱۷- و / M ندارد.

کسی^۱ که عصیانِ او می‌کند. پس حضرت این شعر را خواندند^۲ که:

تَقْصِي^۳ الْإِلَهَ وَأَنْتَ تُظْهِرُ حُبَّهُ هَذَا لَعْمَرِي فِي الْفِعَالِ بَدِيعُ^۴
لَوْ كَانَ حُبُّكَ صَادِقًا لَأَطَعْتَهُ إِنَّ الْمُحِبَّ لِمَنْ يُحِبُّ مُطِيعُ^۵

یعنی:

عصیانِ پروردگار می‌کنی و ظاهر می‌گردانی دوستیِ او را. به جانِ خودم قسم که این در کردارها غریب و بدیع است. اگر دوستیِ تو صادق می‌بود هر آینه^۶ اطاعت می‌کردی پروردگارِ خود را بدرستی^۷ که هر که دوست کسی است محبوبِ خود را مطیع است.

و مؤیدِ این معنی است که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - می‌فرماید که: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾^۸ یعنی: بگو - یا مُحَمَّد! - که اگر شما دوست می‌دارید خدا را پس متابعت من کنید تا خدای تعالی شما را دوست دارد.

پنجم، آنچه روایت شده است از باقرِ علومِ اولین و آخرین^۹، مُحَمَّد بنِ عَلی بنِ الْحُسَین - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - در وقتی که از معنیِ این حدیث از آن حضرت پرسیدند حضرت فرمود که: معنیِ اش آنست که هر که^{۱۰} حضرت عَلی را - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - دوست دارد و اَعْمَالِ طَاعَت و عبادات بکند، خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - از او^{۱۱} قبول کند. پس اگر گناه کند گناه او بر هم نمی‌زند عباداتِ او را و ثوابِ طاعات^{۱۲} او از برای او ذخیره است

۱- را کسی / M کسی را. ۲- خواندند / M خواند.

۳- تَقْصِي / M تَقْصِي. ۴- بَدِيعُ / M بَدِيعُ.

۵- مُطِيعُ / M و R مُطِيعُ. این دو بیت - با تفاوت در ضبط - در مناقب ابن شهر آشوب (ط. دارالاضواء، ۲۹۷/۴) به نقل از امام صادق - علیه السلام - آمده است.

۶- هر آینه / M هراینه. ۷- بدرستی / M ندارد.

۸- قرآن کریم: س ۳، ی ۳۱. ۹- آخرین / در M خاء زیر دارد.

۱۰- بن / M ابن. ۱۱- بن / M ابن.

۱۲- هر که / M ندارد. ۱۳- از او / M از او.

۱۴- طاعات / M طاعت.

و عقابِ معصیتِ او موقوفست به مشیتِ الله - سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى - و هر که حضرتِ علی را - صَلَوَاتُ اللهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ - دشمن دارد با آن دشمنیِ حَسَنَه از برای او نمی‌نویسند و هر عملِ خیری که بکند این بُغض همه را ضایع می‌گرداند.^۱ پس کسی که دوستِ ولیّ خداست، حَسَنَاتِ او مقبولست و سَيِّئَاتِ او به او ضرر نمی‌کند، و دشمنِ ولیّ خدا را حَسَنه نیست از جهتِ ^۲ جُرمِ عظیم و بُغضی ^۳ که به آن حضرت دارد و ^۴ شگسی که در خلافتِ آن حضرت ^۵ او را هست و اینست که خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - می‌فرماید که: می‌آوریم اُعمالی ^۶ که کرده‌اند و همه را هَبَاءً مَثُورًا می‌کنم. از اَهْلِ بَیْتِ آن حضرت پرسیدند که: اُعمالِ کیست این اُعمال که چنین خواهند کرد؟ ایشان فرمودند که: این اُعمالِ دشمنانِ ما و ^۷ دشمنانِ شیعیانِ ماست.^۸

وَعَنْ أَبِي خَالِدٍ ^{۱۰} الْكَابِلِيِّ قَالَ: ^{۱۱} سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ -: (فَأَمِنُوا ^{۱۲} بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النَّورِ الَّذِي أُنْزِلَنَا) فَقَالَ: ^{۱۳} يَا أَبَا خَالِدٍ ^{۱۴} النَّورُ وَ اللَّهُ ^{۱۵} الْأَيُّمَةُ مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - إِلَى ^{۱۶} يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَ هُمْ وَ اللَّهُ ^{۱۷} نُورُ اللَّهِ الَّذِي أُنْزِلَ وَ هُمْ وَ اللَّهُ ^{۱۸} نُورُ اللَّهِ فِي السَّمَوَاتِ وَ فِي الْأَرْضِ. وَ اللَّهُ ^{۱۹} - يَا أَبَا خَالِدٍ ^{۲۰} - لَنُورُ ^{۲۱} الْإِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنُورُ مِنْ

- | | |
|------------------------------------|--|
| ۱- می‌گرداند / M می‌کند. | ۲- از جهت / M به جهت. |
| ۳- بُغضی / M بغضی. | ۴- و / در M زیر دارد. |
| ۵- آن حضرت / M ندارد. | ۶- اُعمالی / M اُعمال. |
| ۷- بیت / در M باء آشکارا زیر دارد. | ۸- دشمنانِ ما و / M ندارد. |
| ۹- ماست / M ما است. | ۱۰- أَبِي خَالِدٍ / M و أَبِي خَالِدٍ. |
| ۱۱- قَالَ / M قُل. | ۱۲- فَأَمِنُوا / M فَأَمُونُوا [۱]. |
| ۱۳- فَقَالَ / M وَ قَالَ. | ۱۴- خَالِدٍ / M خَالِدٍ. |
| ۱۵- وَاللَّهُ / M وَ اللَّهُ. | ۱۶- صَلَوَاتُ اللَّهِ / M صَلَوَاتُ. |
| ۱۷- إِلَى / M ندارد. | ۱۸- اللَّهُ / M اللَّهُ. |
| ۱۹- وَاللَّهُ / M و R وَ اللَّهُ. | ۲۰- وَ اللَّهُ / M وَ اللَّهُ. |
| ۲۱- خَالِدٍ / M خَالِدٍ. | ۲۲- لَنُورُ / M لِنُورٍ. |

النَّسَسِ الْمُضَيَّعَةِ بِالنَّهَارِ وَهُمْ وَاللَّهُ^۱ يُنَوِّرُونَ^۲ قُلُوبَ^۳ الْمُؤْمِنِينَ وَيَحْجُبُ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - نُورَهُمْ عَنْ^۴ يَسَاءٍ فَتَطْلُمُ قُلُوبُهُمْ. وَاللَّهُ - يَا أَبَا خَالِدٍ^۵ - لَا يُحِبُّ عَبْدٌ وَلَا يَتَوَلَّأُنَا حَتَّى يُطَهِّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَلَا يُطَهِّرَ^۶ اللَّهُ^۷ قَلْبَ عَبْدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا وَيَكُونَ سَلَامًا لَنَا^۸ فَإِذَا كَانَ سَلَامًا لَنَا سَلَّمَ اللَّهُ^۹ مِنْ شَدِيدِ الْحِسَابِ وَأَمَنَهُ مِنْ فَرَعٍ^{۱۰} يَوْمَ^{۱۱} الْقِيَامَةِ الْأَكْبَرِ^{۱۲}.

روایتست^{۱۳} از ابی خالد کابلی^{۱۴} که گفت: سؤال کردم از حضرت امام محمد باقر - صَلَوَاتُ اللَّهِ^{۱۵} وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - از تفسیر قولِ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - که می فرماید که: ایمان آورید به خدا^{۱۶} و به رسولِ او و^{۱۷} به نوری^{۱۸} که فرستادیم او را؛ مراد از این نور چیست؟ حضرت فرمودند که: ای اباخالد! والله که مراد از نور درین آیه اُتَمُّهُ معصومین اند از آلِ محمد - صَلَوَاتُ اللَّهِ^{۱۹} عَلَيْهِ - تا روزِ قیامت؛ و ایشانند و الله نورِ الهی که نازل شده است از جانبِ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - و الله که ایشانند نورِ الهی در آسمانها و^{۲۰} در زمین. والله - ای اباخالد! - که نورِ امام در دلهای مؤمنان روشن تر از آفتابِ روشنی دهنده است در روز. والله که ایشان مُنَوَّر می گردانند دلهای مؤمنان را و محبوب می گرداند^{۲۱} خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - نورِ ایشان را از هر که می خواهد. پس تاریک می گردد

- | | |
|----------------------------------|--------------------------------------|
| ۱- وَاللَّهُ / M و R وَاللَّهُ. | ۲- يُنَوِّرُونَ / M يُنَوِّرُونَ. |
| ۳- قُلُوبَ / M قُلُوبُ. | ۴- عَنْ / M + سَأَلَتْ. |
| ۵- خَالِدٍ / M خَالِدٍ. | ۶- يُطَهِّرُ / M يُطَهِّرُ. |
| ۷- اللَّهُ / M ندارد. | ۸- لَنَا / M ندارد. |
| ۹- اللَّهُ / M ندارد. | ۱۰- فَرَعٍ / M فَرَعٍ. |
| ۱۱- يَوْمَ / M يَوْمَ. | ۱۲- نَكْر: الكافي، ط. غفاری، ۱/ ۱۹۴. |
| ۱۳- رَوَايَتُست / M رَوَايَتُست. | ۱۴- کابلی / M کابلی. |
| ۱۵- اللَّهُ / M ندارد. | ۱۶- خدا / M خدای. |
| ۱۷- و / «و» در R و M نبود. | ۱۸- به نوری / M ندارد. |
| ۱۹- صَلَوَاتُ / M صلو [!؟]. | ۲۰- و / در M زیر دارد. |
| ۲۱- می گرداند / M میگردانند. | |

دلهاي آن جماعت. والله - ای ابا خالد! - هیچ بنده ما را دوست نمی‌دارد و به ما سَوَلَا نمی‌کند تا آنکه خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - دل او را^۱ مُطَهَّر گرداند^۲ و خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - مُطَهَّر نمی‌گرداند^۳ دل^۴ بنده را تا آنکه مُنْقَاد و^۵ مطیع ما نشود.^۶ پس چون مُنْقَاد ما^۷ می‌گردد^۸ خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - سالم می‌گرداند او را از سختیهای حساب و ایمن می‌گرداند او را از ترس عظیم تر^۹ روز قیامت.

وَعَنِ الْإِمَامِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمَا - أَنَّهُ قَالَ: مَا جَاءَ بِهِ عَلِيُّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - أُجِذَ بِهِ وَ مَا نَهَى عَنْهُ انْتَهَى^{۱۰} عَنْهُ^{۱۱}. جَزَى لَهُ مِنَ الْفَضْلِ مَا جَزَى لِمُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۱۲} - وَ لِمُحَمَّدٍ (ص)^{۱۳} الْفَضْلُ عَلَى جَمِيعٍ مَنِ خَلَقَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - الْمُتَعَقِّبُ عَلَيْهِ فِي شَيْءٍ مِنْ أَحْكَامِهِ كَالْمُتَعَقِّبِ^{۱۴} عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ وَ الرَّأْدُ عَلَيْهِ فِي صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ عَلَى حَدِّ الشِّرْكِ بِاللَّهِ. كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا^{۱۵} يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ وَ سَبِيلُهُ الَّذِي مَنْ سَلَكَ بِغَيْرِهِ يَهْلِكُ. وَ كَذَلِكَ يَجْرِي لِأَيَّةٍ^{۱۶} الْهُدَى وَ وَاحِدٍ^{۱۷} بَعْدَ وَاحِدٍ. جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَسِيدَ^{۱۸} بِأَهْلِهَا وَ حُجَّتُهُ الْبَالِغَةُ^{۱۹} عَلَى مَنْ

۱- دل او را / M ندارد. ۲- گرداند / M می‌گرداند.

۳- و خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - مُطَهَّر نمی‌گرداند / M ندارد.

۴- دل / M + ان. ۵- و / در M زیر دارد.

۶- نشود / M شود. ۷- مُنْقَاد ما / M مُنْقَاد [کذا].

۸- می‌گردد / M کردد. ۹- عظیم تر / M عظیم.

۱۰- بن / M ابن. ۱۱- انتهی / M انتهی.

۱۲- عَنَّهُ / M ندارد. ۱۳- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۱۴- ص / M ندارد. ۱۵- كَالْمُتَعَقِّبِ / در M باء پیش دارد.

۱۶- الَّذِي لَا / M لَا الَّذِي.

۱۷- لِلْأَيَّةِ / M الْأَيَّةِ (بدون «ه» بر کرسی حرف چهارم).

۱۸- واحد / M واحدًا. ۱۹- تَمِيدَ / M تَمِيدَ.

۲۰- الْبَالِغَةُ / M الْبَالِغَةُ.

فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى. وَكَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - كَثِيرًا مَا يَقُولُ: ^{۱۲}أَنَا قَسِيمُ اللَّهِ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَأَنَا الْقَارُوقُ الْأَكْبَرُ، وَأَنَا صَاحِبُ الْقَصَا وَالْيَسَمِ وَلَقَدْ أَقْرَبْتُ لِي جَمِيعَ الْمَلَائِكَةِ ^{۱۳}وَالرُّوحَ ^{۱۴}وَالرُّسُلَ بِمِثْلِ مَا أَقْرَبُوا بِهِ لِمُحَمَّدٍ - ص - وَلَقَدْ حُمِلْتُ ^{۱۵}عَلَى مِثْلِ حُمُولَتِهِ ^{۱۶}وَهِيَ حَمُولَةُ الرَّبِّ؛ وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ - ص - يُدْعَا فَيُكْسَا ^{۱۷}وَأُدْعَا فَأُكْسَا وَيُسْتَنْطَقُ ^{۱۸}فَأُسْتَنْطَقُ ^{۱۹}، فَأَنْطِقُ عَلَى حَدِّ مَنْطِقِهِ وَلَقَدْ أُعْطِيتُ ^{۲۰}خِصَالًا مَا سَبَقَنِي إِلَيْهَا ^{۲۱}أَحَدٌ قَبْلِي عِلْمْتُ عِلْمَ الْمَنَائَا وَالْبَلَايَا وَالْأَنْسَابِ ^{۲۲}وَفَضَلَ ^{۲۳}الْخُطَابِ ^{۲۴}فَلَمْ يَغْتَنِي مَا سَبَقَنِي وَلَمْ يَغْرُبْ ^{۲۵}عَنِّي مَا غَابَ عَنِّي؛ أُبَشِّرُ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُؤَدِّي عَنْهُ كُلَّ ذَلِكَ مِنَ اللَّهِ مَكْنَنِي فِيهِ يَعْلَمُهُ. ^{۲۶}

منقولست به طُرُقِ مختلفه از إمام به حق ناطق، جعفر بن مُحَمَّد الصَّادق - عَلَيْهِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ التَّالِيَةِ الْأَكْبَرِ - که آن حضرت فرمود که: هر چه را حضرتِ أمير المؤمنين - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - امر کند واجبست که به آن عَمَل کنند و هر چه را نهی کند واجبست که از آن

۱- فَوْقَ / R فوقی، ضبط نص، موافق M است.

۲- يَقُولُ / M نقول.

۳- الْمَلَائِكَةُ / M الملائکة.

۴- الرُّوحُ / M الروح.

۵- حُمُولَتِهِ / M به پیش یکم است!

۶- حَمُولَةُ / در M حرف یکم پیش دارد و حرف واپسین زیر.

۷- ص / M ندارد.

۸- فَيُكْسَا / M ندارد.

۹- أُعْطِيتُ / M أعطيت.

۱۰- أُعْطِيتُ / M أعطيت.

۱۱- فَيُكْسَا / M و R فصل.

۱۲- الْخُطَابِ / M الخطاب.

۱۳- لَمْ يَغْرُبْ / R لم يَغْرُبْ، ضبط نص، موافق M است.

۱۴- نَغَر: الكافي، ط. غفاری، ۱/ ۱۹۶ و ۱۹۷.

۱۵- عَلَيْهِ / M ندارد.

بازایستند.^۱ ثابتست^۲ آن حضرت را از فضیلت آنچه ثابتست^۳ رسول خدا را - ص -
 و حضرت محمد راست - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فضیلت بر هر که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى -
 آفریده است و کسی که مخالفت کند بر آن حضرت در چیزی از احکام آن حضرت مثل
 کیست که مخالفت کرده باشد خدا و رسول او را و کسی که رد کند بر آن حضرت، خواه
 کوچک^۴ و خواه بزرگ را، بر حدّ شِرْکست به خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - و^۵ کافر است.
 و حضرت امیرالمؤمنین - صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - باب الله بود یعنی دریست که به خدا
 نمی توان رسید مگر از آن در و آن حضرت را و خدا بود که هر که از غیر آن راه برود هلاک
 می شود و همچنین اند^۶ آن^۷ معصومین - صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ - هر یک بعد از دیگری و خدای -
 تَبَارَكَ وَتَعَالَى - ایشان را رُکنهای زمین گردانیده است که به وجود ایشان دنیا باقی است
 و اگر ایشان نباشند زمین در می گردد همان ساعت و ایشانند حجت کامله الهی بر هر که بر
 روی زمین آند از آدمیان و بر هر که در زیر زمین است از جنیان و^۸ حضرت امیرالمؤمنین
 - صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ - بسیار می فرمود که: من قسمت کننده ام^۹ به امر الهی میان بهشت و دوزخ؛
 منم^{۱۰} فاروقی اکبر که جدا کننده ام حق را از باطل؛ منم صاحب عصا و داغ - چنانکه
 منقولست از رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -^{۱۱} که آن حضرت فرمود که: دَابَّةُ الْأَرْضِ^{۱۲}
 درازی او^{۱۳} شصت گز است و^{۱۴} کسی از او^{۱۵} نمی تواند گریخت و داغ^{۱۶} می کند مؤمن را

۱- بازایستند / M بارایستند.

۲- ثابتست / M ثابت است.

۳- ثابتست / M ثابت است.

۴- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ع.

۵- کوچک / M ندارد.

۶- و / در M زیر دارد.

۷- أَنَّهُ / زیر «م» در M صریح است.

۸- و / در M زیر دارد.

۹- کننده / در M مکرر نوشته شده است.

۱۰- منم / در M از قلم افتاده است.

۱۱- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۱۲- دَابَّةُ الْأَرْضِ / در M «ض» زیر دارد.

۱۳- او / M و.

۱۴- و / در M زیر دارد.

۱۵- از او / M از او.

۱۶- و داغ / M و داغ.

در میان چشمهای او و با او خواهد بود عصای موسی و خاتم سلیمان.^۱ پس مُنَوَّر می‌گرداند رویِ مؤمن را^۲ به عصا و مهار می‌کند بینیِ کافر^۳ را به خاتم تا^۴ آنکه می‌گویند: ای مؤمن و ای کافر!^۵ و منقولست از حضرتِ اَمیرِ الْمُؤْمِنین - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - که از آن حضرت پرسیدند^۶ از دَابَّةِ الْأَرْض؛ حضرت فرمود که: والله که او را دُم^۸ نیست و او را ریش است. و این اشاره است^۹ که دَابَّةِ الْأَرْض، از انس باشد. و این حدیث با احادیثِ دیگر دلالت دارد که آن حضرت باشد یا مثلِ آن کلمات باشد که فرمود: مِنْ أَدَمَ وَ نوحَ؛ اللَّهُ أَعْلَمُ.^{۱۰}

و بتحقیق که اِقرار کردند به اِمَامَتِ من جمیع فرشتگان و روح و پیغمبران چنانکه اِقرار^{۱۱} کردند به بُبُوتِ مُحَمَّد رسولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - و بر دوشِ من گذاشته‌اند آنچه بر دوشِ رسولِ خدا - ص - گذاشته بودند و آن خلافتِ اِلَهِی است و بدرستی که فردایِ روزِ قیامتِ اَوَّل کسی را که بخوانند حضرتِ رسالتِ پناه^{۱۲} مُحَمَّدی است - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - پس چون آن حضرت سَر از خاكِ بیرون آورد آن حضرت را لباسِ عَزّت و کرامتِ بیوشانند^{۱۳} و بعد از آن مرا بخوانند و لباسِ عَزّت و کرامت در من پوشانند؛ و آن حضرت را به سخن درآورند: دیگر مرا به سخن درآورند؛ و خواهم گفت آنچه آن حضرت خواهد فرمود که آن شَفَاعَتِ اُمّت باشد. و بتحقیق که به من داده‌اند صفاتی چند که به

۱- سلیمان / در M «ن» زیر دارد. ۲- را / در R نیامده است. از M ضبط شد.

۳- کافر / M کافران. ۴- تا / M یا.

۵- کافر / زیر فاء در M صریح است.

۶- سنخ: بحار الأنوار، ۳۰۰/۶ و ۳۴۵/۳۹ و ۱۲۵/۵۳.

۷- پرسیدند / M + که. ۸- دُم / M دم.

۹- است / M ایست. ۱۰- اَعْلَمُ / M ادم.

۱۱- اِقرار / در M حرف واپسین زیر دارد!

۱۲- رسالتِ پناه / M رسالتِ پناهی. ۱۳- بیوشانند / M بیوشاند.

کسی^۱ پیش از من نداده‌اند. می‌دانم عِلْمِ منایا را - و آن علمی است که چون کسی را می‌بینند^۲ قدرِ حیاتِ او و مدتِ بقایِ او و زمانِ مرگِ او دانسته می‌شود - و می‌دانم عِلْمِ بلایا را - که هر بلایی در چه وقت می‌آید^۳ و^۴ به که می‌آید و هرکس به چه بلا^۵ مبتلا^۶ می‌گردند و آن حضرت این دو عِلْم را به بعضی از خواصِ خود تعلیم کرده بود مثل سلمان و رشید^۷ هجری و میثم^۸ تقار و حبیب بن مظاهر^۹ اَسَدی، عَلَمَدار^۹ حضرت سیدالشهدا^{۱۰} - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ^{۱۱} - چنانکه بعضی از آن بتفصیل خواهد آمد.

منم صاحب^{۱۲} عِلْمِ فَصْلِ الْخُطَاب^{۱۳} - که حکم می‌کنم میانِ هر دو کس به عِلْمِ لَدُنَّی که حق ظاهر می‌گردد^{۱۴}؛ چنانکه خواهد آمد - پس فوت نشد^{۱۵} از من آنچه غایب^{۱۶} است از من. بشارت می‌دهم به اِذْنِ خدا و^{۱۷} ادا می‌کنم از خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - همه^{۱۸} اینها از جانبِ خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - است که مرا بر اینها استوار گردانیده است به اِذْنِ خود.

وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - أَنَّهُ قَالَ: نَحْنُ وَلَاةُ^{۱۹} أَمْرِ اللَّهِ وَ خَزَنَةُ عِلْمِ اللَّهِ وَ عَيْتُهُ وَ حَيِّ اللَّه^{۲۰}.

-
- ۱- چند که به کسی / در M مکرر است. ۲- می‌بینند / M می‌بیند.
 - ۳- می‌آید / M می‌گویند [۱]. ۴- و / در M زیر دارد.
 - ۵- بلا / M بهلا. ۶- مبتلا / M مبتلاء.
 - ۷- رشید / در M «و» زیر دارد. ۸- میثم / M میثم.
 - ۹- عَلَمَدار / M عِلْم دار [۱].
 - ۱۰- سید الشهدا / M سید الشهداء [کذا بسکون الیاء!].
 - ۱۱- الله / M + وَسَلَامُهُ. ۱۲- صاحب / در M جاء زیر دارد.
 - ۱۳- فصل الخطاب / M فَصْلُ الْخُطَاب [۱].
 - ۱۴- می‌گردد / M می‌گرداند. ۱۵- نشد / در M شین زیر دارد؛ فتأمل.
 - ۱۶- غایب است / M غایب است. ۱۷- و / در M زیر دارد.
 - ۱۸- همه / در M «م» زیر دارد.
 - ۱۹- وَلَاة / هم در R و هم به ریختِ «وَلَاتُ» کتابت گردیده است.
 - ۲۰- نگر: الکافی، ط. غفاری، ۱/ ۱۹۲.

منقولست از آن حضرت که فرمود: ما والیانِ امرِ خدائیم و^۱ ما خازنانِ عِلْمِ خدائیم و ما محلّ اَسرارِ علومِ خدائیم.

و عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ^۲ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - أَنَّهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - خَلَقَنَا^۵ فَأَحْسَنَ خَلْقَنَا^۶ وَ صَوَّرَنَا فَأَحْسَنَ صُورَنَا وَ جَعَلَنَا خُرَّائِهِ فِي سَمَائِهِ وَ أَرْضِهِ، وَ لَنَا نَطَقَتِ الشَّجَرَةُ^۸ وَ يَعْبَادَتُنَا عَبْدُ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - وَ لَوْلَا مَا عَمِدَ اللَّهُ^۹ منقولست از آن حضرت که فرمود که:

خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - آفرید ما را پس نیکو گردانید خَلَقَ ما را به آنکه طیبَتِ ما را از اَعْلَى عَلَیِّین^{۱۰} گردانید و روحِ ما را از^{۱۱} نورِ خود آفرید و صورت داد پس نیکو گردانید^{۱۲} صورتِ ما را - یعنی: ما را موصوف به صفاتِ خود گردانید - و گردانید ما را از خَزِینَه داران^{۱۳} خود در^{۱۴} آسمان و زمین و ما را مظهرِ علومِ خود گردانید و از برای ما به^{۱۵} سخن می آید درخت هرگاه که خواهیم و به سببِ عبادتِ ما بندگی کرده شد^{۱۶}

۱- و / در M زیر دارد. ۲- بنی / M ابنی.

۳- جَعْفَرٍ / M جَعْفَرٍ. ۴- ع / M ندارد.

۵- خَلَقْنَا / M خَلَقْنَا.

۶- خَلَقْنَا / M خَلَقْنَا. ضبط نص، موافق R است.

۷- و / در M نیست ولی در R هست. ۸- نَطَقَتْ / M نَطَقَتْ.

۹- ... اللَّهُ / M + عَزَّ وَجَلَّ.

نگر: الکافی، ط. غفاری، ۱/ ۱۹۳. ۱۰- اَعْلَى عَلَیِّین / M اَعْلَى عَلَیِّین [؟].

۱۱- از / M ز.

۱۲- صورت داد پس نیکو گردانید / M ندارد.

۱۳- خَزِینَه داران / در M خاء و نون زیر دارد.

۱۴- در / M و در. ۱۵- به / در M زیر دارد.

۱۶- شد / M شده.

خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى^۱ - زیرا که آنچه شرط عبادت بود بر وجه کمال ایشان می دانستند^۲ و بر وجه کمال به جای^۳ می آوردند؛ و اگر ما نمی بودیم کسی عبادت خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - نمی کرد.^۴

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا -، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ^۵ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - يَقُولُ: مَعَاشِرَ النَّاسِ! اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ^۶ تَبَّأًا مَنْ دَخَلَهُ أَمِنْ مِنَ النَّارِ وَمِنَ الْقَرْعِ الْأَكْبَرِ. فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ^۷ - فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! اهْدِنَا إِلَى هَذَا الْبَابِ حَتَّى نَعْرِفَهُ. قَالَ: هُوَ عَلَيَّ بْنُ^۸ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَآمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَأَخُو رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَخَلِيفَةُ اللَّهِ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ. يَا مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَسْتَشْكِكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى الَّتِي^۹ لَا انْقِصَامَ لَهَا فَلْيَسْتَمْسِكْ^{۱۰} يُولَايَةَ^{۱۱} عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بَعْدِي فَإِنَّ وَلَايَتَهُ وَلَايَتِي^{۱۲} وَطَاعَتَهُ طَاعَتِي. يَا مَعَاشِرَ^{۱۳} النَّاسِ! مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَقْتَدِيَ بِي^{۱۴} فَعَلَيْهِ أَنْ يَتَوَلَّى يُولَايَةَ^{۱۵} عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بَعْدِي وَالْأَيْمَةَ^{۱۶} مِنْ ذُرِّيَّتِي فَإِنَّهُمْ خَزَائِنُ^{۱۷} عِلْمِي. فَقَامَ جَابِرُ^{۱۸} بْنُ^{۱۹} عَبْدِ اللَّهِ^{۲۰}

۱- و تَعَالَى / M ندارد. ۲- می دانستند / M + و.

۳- به جای / M ندارد. ۴- نمی کرد / در M «ن» زیر دارد.

۵- رَسُول / M رَسُول. ۶- اللَّهُ / M الله.

۷- عَنْهُ / M عَنْهُمَا. ۸- بْنُ / M ابْنِ.

۹- الَّتِي / در R به خط ریز به سطر إقحام گردیده است. در M نیست.

۱۰- فَلْيَسْتَمْسِكْ / در M حرف واپسین زیر دارد.

۱۱- يُولَايَةَ / M يُولَايَت. ۱۲- وَلَايَتِي / در M حرف یکم زیر دارد.

۱۳- مَعَاشِرَ / در M واپسین حرف هم زیر دارد و هم زیر!

۱۴- يَقْتَدِيَ بِي / M يَقْتَدِي. ۱۵- يُولَايَةَ / در M «و» زیر دارد.

۱۶- الْأَيْمَةَ / در M واپسین حرف پیش دارد.

۱۷- خَزَائِنُ / M خَزَانُ. ۱۸- جَابِرُ / M جَابِر.

۱۹- بْنُ / M ابْنِ. ۲۰- عَبْدِ اللَّهِ / M عَبْدَ اللَّهِ.

الْأَنْصَارِيَّ وَقَالَ: ١ كَمْ عِدَّتُهُمْ؟ ٢ قَالَ: يَا جَابِرُ! سَأَلْتَنِي - رَحِمَكَ اللَّهُ! ٣ - عَنِ الْإِسْلَامِ بِأَجْمَعِهِ. عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الشُّهُورِ وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ اِثْنَيْ عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ ٤ وَعِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الْعُمُورِ الَّتِي انْفَجَرَتْ لِمُوسَى بْنِ عِزْرَانَ حِينَ ضَرَبَ بِعَصَاهُ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ ٥ عَيْنًا وَعِدَّتُهُمْ عِدَّةُ ٦ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (وَلَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا) ٧ قَالَ لَيْمَةُ - يَا جَابِرُ! اِثْنَيْ عَشَرَ إِمَامًا أَوْ لَهُمْ ٨ عَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمْ ٩ الْقَائِمُ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ. ١٠

منقولست از ابن عباس - رضی الله عنهم - که گفت: شنیدم از رسول خدا - صلی الله علیه و آله - که می فرمود که: ای گروه مردمان! بدانید که خدای - تبارک و تعالی - را دری است که هر که داخل شد به آن در، ایمن شد از عذاب جهنم و از ترس عظیم روز قیامت. پس ابوسعید خدری - رضی الله عنه - برخاست ١٥ و ١٦ گفت: یا رسول الله! ١٧ ما را راه نما به آن در تا ما ١٨ بشناسیم او را. حضرت رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود که: او علی بن

١- وَقَالَ / M قَال. ٢- عِدَّتُهُمْ / M عِدَّةُ الْإِيمَةِ مِنْ دُرِّيكَ [كذا].

٣- قَالَ / M وَقَالَ. ٤- الله / M ندارد.

٥- الْأَرْضُ / M الْأَرْضِ.

٦- انْفَجَرَتْ / R انْفَجَرَتْ. ضبط نص، موافق M است.

٧- بَنِي / M ابْنِ. ٨- اثْنَتَا عَشْرَةَ / M اثْنَتَيْ عَشْرَةَ.

٩- عِدَّةُ / M ندارد. ١٠- اِثْنَيْ عَشَرَ / M اِثْنَيْ عَشَرَ.

١١- قرآن کریم: س ٥، ی ١٢. ١٢- أُولَهُمْ / R و M أُولَهُمْ.

١٣- آخِرُهُمْ / در M راه زبر دارد.

١٤- نگر: البیِّن ابن طاوس، تحقیق أنصاری، ص ٢٤٤ و ٢٢٥.

١٥- برخاست / R برخواست؛ M یَرْخَواست [!].

١٦- و / در M زبر دارد. ١٧- رسول الله / M + ص.

١٨- ما / M ندارد. ١٩- صَلَّى الله عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

أبی طالب است^۱ بهترین اوصیاء پیغمبران و^۲ پادشاه مؤمنان و برادرِ رسولِ پروردگارِ عالمیان و خلیفهٔ خدا بر جمیع مردمان. ای گروهِ مردمان! هر که خواهد که چنگ زند به رشتهٔ محکمی که گسستن و شکستن نداشته باشد، پس باید که چنگ زند به ولایتِ علی بنِ اَبی طالب بعد از من و او را اِمَامِ خود داند. پس بدرستی که ولایتِ آن حضرت ولایتِ من است،^۳ و اطاعتِ او^۴ اطاعتِ من. ای گروهِ مردمان! هر که خوش می آید که متابعتِ^۵ من کند، پس بر اوست که تولا کند به ولایتِ علی بنِ اَبی طالب بعد از من و اِمَامان از ذرّیّتِ من و ایشان را اِمَامِ خود داند. پس بدرستی^۶ که ایشان خزینه های علمِ من اند.^۸

پس جابر بنِ عبدالله الأنصاری برخاست^{۱۰} و گفت: یا رسول الله!^{۱۱} عددِ ایشان چند است؟ پس حضرت فرمود که:^{۱۲} ای جابر! خدای - تبارک و تعالی - تو را ببخشد که مرا سؤال کردی از همهٔ^{۱۳} اسلام - یعنی: اسلام^{۱۴} همه^{۱۵} اینست، زیرا که هر که اِمَامِ زمانِ خود را نداند و بمیرد کافر مرده است.

پس حضرت فرمود که: عددِ ایشان عددِ ماههاست^{۱۶} و آن نزدِ خدای - تبارک و تعالی - دوازده ماه است^{۱۷} در کتابِ خدا^{۱۸} روزی که^{۱۹} آفرید آسمانها و^{۲۰} زمین را.

- | | |
|--------------------------------|-----------------------------|
| ۱- ست / M است. | ۲- و / در M زیر دارد. |
| ۳- من است / M منست. | ۴- او / M ندارد. |
| ۵- متابعت / M اطاعت. | ۶- و / در M زیر دارد. |
| ۷- بدرستی / در M «ر» زیر دارد. | ۸- من اند / M منند. |
| ۹- بن / M ابن. | ۱۰- برخاست / M و R برخاست. |
| ۱۱- الله / M ندارد. | ۱۲- که / M ندارد. |
| ۱۳- همه / در M میم زیر دارد. | ۱۴- اسلام / M اِسلام [کذا]. |
| ۱۵- همه / در M میم زیر دارد. | ۱۶- ماههاست / M ماهاً است. |
| ۱۷- ست / M است. | ۱۸- خدا / M خدای تع. |
| ۱۹- که / M ندارد. | ۲۰- و / در M زیر دارد. |

و^۱ عَدَدِ ایشان عَدَدِ چشمه‌هایی^۲ است که شکافته شد از جهتِ حضرتِ موسی بن^۳ عمران وقتی که عصای خود را بر سنگ زد و ازو^۴ گشوده شد دوازده چشمه^۵، و عَدَدِ ایشان عَدَدِ نُقَبای^۶ بنی‌اسرائیل است چنانکه خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - می‌فرماید: بتحقیق که ما عَهْد و بیمان بنی‌اسرائیل را^۷ گرفتیم^۸ و مبعوث^۹ گردانیدیم از ایشان دوازده^{۱۰} نقیب. پس اُتَمّه - ای جابر! - دوازده اِمَامند، اَوَّلِ ایشان علی بن ابی طالب و آخر^{۱۱} ایشان مهدی^{۱۲} - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ^{۱۳} قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: عَلِيُّ بْنُ^{۱۴} أَبِي طَالِبٍ أَفْضَلُ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى غَيْرِي وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا^{۱۵} شَبَابٍ^{۱۶} أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ أَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا وَ إِنَّ^{۱۷} لِفَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِنَّ^{۱۸} عَلِيًّا خَيْرٌ لَوْ وَ جَدْتُ لِفَاطِمَةَ^{۱۹} خَيْرًا مِنْ عَلِيٍّ لَمْ أَرَوْ جَهَانِمَهُ.^{۲۰}

۱- و / M ندارد. ۲- چشمه‌هایی / M چشمهائی.

۳- بن / M ابن. ۴- ازو / M ندارد.

۵- چشمه / M چشمه. ۶- نُقَبای / M + اَمَت.

۷- را / در M نیامده ولی در R هست.

۸- گرفتیم / M کَرَفَم [کذا]. ضبط نص، موافق R است.

۹- مبعوث / M + و. ۱۰- دوازده / M درازده [!].

۱۱- آخر / در M خاء زیر دارد. ۱۲- مهدی / M ندارد.

۱۳- ابنِ عَبَّاسٍ / R ابْنِ عَبَّاسٍ: [کذا].

۱۴- ابْنُ / M ابْنُ. ۱۵- سَيِّدَا / M سَيِّدُ.

۱۶- شَبَابٍ / R شَبَابٍ. ضبط نص، موافق M است.

۱۷- ابْنُ / R ابْنُ. ضبط نص، موافق M است.

۱۸- ابْنُ / R ابْنُ. ضبط نص، موافق M است.

۱۹- لِفَاطِمَةَ / M لِفَاطِمَةَ.

۲۰- نگر: مائة منبهی ابن شاذان، ط. أبطحي، صص ۱۹ - ۲۱ (منقبت ۲).

روایتست از عبدالله بن عباس^۱ - رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا - که گفت که: رسول خدا - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ - فرمود که: علی بن ابی طالب بهترین خلقی خداست غیر از من، و حسن و حسین بهترین جوانانِ اهل بهشت اند^۲، و بدر ایشان بهتر از ایشانست^۳، و بدرستی که فاطمه بهترین زنانِ عالمیاست، و بدرستی^۴ که علی دامادِ منست، و اگر می یافتیم از برای فاطمه شوهری بهتر از علی بن ابی طالب - صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ - من به علی نمی دادم او را.

و دیگر: رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَصَاةٍ^۵ أَنَّهُ^۶ قَالَ سَأَلَ^۷ أَبُو ذَرٍّ^۸ الْغِفَارِيَّ^۹ سَلَّمَ^{۱۰} سَلَّمَ^{۱۱} سَلَّمَ^{۱۲} الْفَارِسِيَّ - رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا - : يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! مَا مَعْرِفَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ - بِالنُّورَانِيَّةِ. قَالَ: يَا جُنْدَبُ! قَامُضٌ بِنَا حَتَّى نَسَّأَلَهُ^{۱۳} عَنْ ذَلِكَ. قَالَ: فَأَتَيْنَاهُ^{۱۴} قَلَمٌ نَجْدٌ. قَالَ: فَانْتَظَرْنَاهُ حَتَّى جَاءَ فَقَالَ - صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ - : مَا جَاءَ بِكُمْ؟ قَالَا: جِئْنَاكَ - يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! - نَسْأَلُكَ عَنْ مَعْرِفَتِكَ بِالنُّورَانِيَّةِ. قَالَ - صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ - : مَرْحَبًا بِكُمَا مِنْ وَلِيِّينَ لِلَّهِ مُتَّاهِدِينَ لِوَلِيِّهِ لَيْسَا بِمُقَصِّرِينَ^{۱۵} لَكُمْ فِي ذَلِكَ لَوَاجِبٌ عَلَيَّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ.

۱- عباس / در M «س» زیر دارد!

۲- ایشانست / ایشانند.

۳- بدرستی / در M «ر» زیر دارد!

۴- فاطمه / فاطمه.

۵- صدقة / صدقة.

۶- أَنَّهُ / أَنَّهُ.

۷- سَأَلَ / سَأَلَ.

۸- أَبُو ذَرٍّ / أَبُو ذَرٍّ.

۹- الْغِفَارِيَّ / الْغِفَارِيَّ.

۱۰- سَلَّمَ / سَلَّمَ.

۱۱- سَلَّمَ / سَلَّمَ.

۱۲- سَلَّمَ / سَلَّمَ.

۱۳- نَسَّأَلَهُ / نَسَّأَلَهُ.

۱۴- فَأَتَيْنَاهُ / فَأَتَيْنَاهُ.

۱۵- مُقَصِّرِينَ / مُقَصِّرِينَ [كذا].

۱۶- قَامُضٌ / قَامُضٌ.

۱۷- لَكُمْ / لَكُمْ.

۱۸- مُؤْمِنَةٍ / مُؤْمِنَةٍ.

ثُمَّ قَالَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - يَا سَلْمَانَ وَ يَا جُنْدَبُ! ^۱ قَالَ: كَلَيْكَ ^۲ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! قَالَ -
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - إِنَّهُ لَا يَسْتَكْمِلُ أَحَدُ الْإِيمَانِ ^۳ حَتَّى يَعْرِفَنِي ^۴ كُنْتُ مَعْرِفَتِي بِالتَّوَرَانِيَّةِ، فَإِذَا
 عَرَفَنِي بِهَذِهِ الْمَعْرِفَةِ فَقَدْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ وَ شَرَحَ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَ صَارَ عَارِفًا
 مُسْتَبْصِرًا وَ مَنْ قَصَّرَ عَنْ مَعْرِفَةِ ذَلِكَ فَهُوَ شَاكٌ ^۵ مُرْتَابٌ. يَا سَلْمَانُ وَ يَا جُنْدَبُ! ^۶ قَالَ: كَلَيْكَ
 يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! قَالَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ - : مَعْرِفَتِي بِالتَّوَرَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - : مَعْرِفَتِي
 بِالتَّوَرَانِيَّةِ هُوَ الدِّينُ الْخَالِصُ الَّذِي قَالَ اللَّهُ ^۷ تَعَالَى: وَ مَا أَمُرُوا إِلَّا لِتُعْبَدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ
 الدِّينَ حُنَفَاءَ اللَّهِ ^۸ وَ يُقِيمُوا الصَّلَاةَ ^۹ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ ^{۱۰} ۱۱ يَقُولُ: مَا أَمُرُوا إِلَّا
 بِنُبُوَّةٍ ^{۱۲} مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - وَ هُوَ دِينٌ ^{۱۳} الْخَنِيفَةِ ^{۱۴} الْمُحَمَّدِيَّةِ ^{۱۵} السَّامِيَّةِ ^{۱۶} وَ قَوْلُهُ:
 ﴿وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾ ^{۱۷} وَ إِقَامٌ وَ لَا يَنِي صَعْبٌ مُسْتَضَعَبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ
 مُرْسَلٌ أَوْ مُؤْمِنٌ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ فَالْمَلَكُ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُقَرَّبًا لَمْ يَحْتَمِلْهُ وَ النَّبِيُّ ^{۱۸} إِذَا لَمْ
 يَكُنْ مُرْسَلًا لَمْ يَحْتَمِلْهُ وَ الْمُؤْمِنُ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُمْتَحِنًا ^{۱۹} لَمْ يَحْتَمِلْهُ. قُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ!
 مِنَ الْمُؤْمِنِ ^{۲۰} وَ مَا نَهَايْتَهُ ^{۲۱} وَ مَا حَدَّهُ حَتَّى أَعْرِفَهُ؟ قَالَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - :

۱- جُنْدَبُ / R جُنْدَبُ؛ M جُنْدَبُ. ۲- كَلَيْكَ / M كَلَيْكَ [كذا].

۳- الْإِيمَانُ / در M واپسین حرف پیش دارد.

۴- يَعْرِفَنِي / M يَعْرِفَنِي. ۵- شَاكٌ / M شَاكٌ.

۶- جُنْدَبُ / M و R جُنْدَبُ. ۷- قَالَ اللَّهُ / در M مکرر نوشته شده است.

۸- حُنَفَاءَ / M حُنَفَاءَ. ۹- الصَّلَاةَ / M الصَّلَاةَ.

۱۰- الْقِيَمَةِ / در M حرف واپسین پیش دارد.

۱۱- مقایسه کنید با قرآن کریم (س ۹۸، ی ۵).

۱۲- نُبُوَّةٍ / M نُبُوَّةٍ. ۱۳- دین / چنین است در M. R الدین.

۱۴- الْخَنِيفَةِ / R الْخَنِيفَةِ. ۱۵- الْمُحَمَّدِيَّةِ / R الْمُحَمَّدِيَّةِ؛ M الْمُحَمَّدِيَّةِ.

۱۶- السَّامِيَّةِ / R السَّامِيَّةِ؛ M السَّامِيَّةِ. ۱۷- قرآن کریم: س ۱۴، ی ۳۱.

۱۸- النَّبِيُّ / M النَّبِيُّ [كذا]. ۱۹- مُمْتَحِنًا / چنین است در R. و M مُمْتَحِنًا.

۲۰- مِنَ الْمُؤْمِنِ / M مِنَ الْمُؤْمِنِ [؟].

۲۱- نَهَايْتَهُ / در M حرف یکم زیر دارد و در R هیچ حرکتی ندارد.

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! قُلْتُ: لَبَّيْكَ! يَا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ! قَالَ: الْمُؤْمِنُ الْمُتَعَنُّ هُوَ الَّذِي لَا يَرِدُ مِنْ أَمْرِنَا عَلَيْهِ شَيْءٌ إِلَّا شَرَحَ^۲ صَدْرُهُ لِقَبُولِهِ وَلَمْ يَشْكُ^۳ وَلَمْ يَزْتَبْ. اعْلَمْ - يَا أَبَا ذَرٍّ - إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - وَخَلِيقَتُهُ عَلَى عِبَادِهِ. لَا تَجْعَلُونَا أَرْبَابًا وَقُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ فَإِنَّكُمْ لَا تَبْلُغُونَ كُنْهَ مَا فِيْنَا وَلَا نِهَائَتَهُ^۴ فَإِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - قَدْ أَعْطَانَا^۵ أَكْبَرَ وَأَعْظَمَ مِمَّا يَصِفُهُ^۶ وَاصِفُكُمْ^۷ أَوْ يَخْطُرُ عَلَى قَلْبِ^۸ أَحَدِكُمْ فَإِذَا عَرَفْتُمُونَا هَكَذَا فَأَنْتُمْ الْمُؤْمِنُونَ. قَالَ سَلْمَانُ: ^۹ قُلْتُ: يَا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ! وَمَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ أَقَامَ وَلَا يَتَكَ^{۱۱} قَالَ: نَعَمْ^{۱۲} يَا سَلْمَانُ! تُصَدِّقُ ذَلِكَ قَوْلَهُ^{۱۳} تَعَالَى فِي الْكِتَابِ الْعَزِيزِ: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾^{۱۴} فَالصَّبْرُ رَسُولُ اللَّهِ (ص)^{۱۵} وَالصَّلَاةُ^{۱۶} إِقَامَتُهُ^{۱۷} وَلَا يَتِي^{۱۸}. فَبَيْنَهَا قَالَ اللَّهُ - تَعَالَى -: ﴿وَأَنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾^{۲۱} وَلَمْ يَقُلْ: وَإِنَّهُمَا^{۲۳} لَكَبِيرَةٌ^{۲۴} لِأَنَّ^{۲۵} الْوَلَايَةَ^{۲۶} كَبِيرَةٌ حَتَّىٰ هَلَّا^{۲۷} عَلَى الْخَاشِعِينَ^{۲۸} وَالْخَاشِعُونَ^{۲۸} هُمْ السَّيِّعَةُ

۱- رسول الله / R + ص. این افزونه در M نیست.

۲- شَرَحَ / M شرح.

۳- لَمْ يَشْكُ / R لَمْ يَشْكُ؛ M لَمْ يَشْكُ.

۴- نِهَائَتَهُ / در M و R حرف یکم زیر دارد.

۵- أَعْطَانَا / M أَعْطَا.

۶- يَصِفُهُ / M يَصِفُهُ.

۷- وَاصِفُكُمْ / M وَاصِفُكُمْ.

۸- قَلْبِ / M قَلْبِ.

۹- سَلْمَانُ / M سَلْمَانُ.

۱۰- رَسُولِ اللَّهِ / R + ص.

۱۱- وَلَا يَتَكَ / M وَلَا يَتَكَ.

۱۲- نَعَمْ / M نَعَمْ.

۱۳- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ.

۱۴- إِلَّا عَلَى / در M از قلم افتاده است.

۱۵- قرآن کریم: س ۲، ی ۴۵.

۱۶- وَالصَّلَاةُ / M ندارد.

۱۷- وَلَا يَتِي / در M حرف یکم زیر دارد.

۱۸- إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ / R ندارد.

۱۹- إِنَّهُمَا / M إِنَّهَا.

۲۰- لَكَبِيرَةٌ / M ندارد.

۲۱- لَكَبِيرَةٌ / M لَكَبِيرَةٌ.

۲۲- لَكَبِيرَةٌ / M لَكَبِيرَةٌ.

۲۳- لَكَبِيرَةٌ / M لَكَبِيرَةٌ.

۲۴- لَكَبِيرَةٌ / M لَكَبِيرَةٌ.

۲۵- لَكَبِيرَةٌ / M لَكَبِيرَةٌ.

۲۶- لَكَبِيرَةٌ / M لَكَبِيرَةٌ.

۲۷- لَكَبِيرَةٌ / M لَكَبِيرَةٌ.

۲۸- لَكَبِيرَةٌ / M لَكَبِيرَةٌ.

الْمُسْتَبْصِرُونَ^۱ وَذَلِكَ أَنَّ أَهْلَ^۲ الْأَقَاوِيلِ^۳ مِنَ الْمُرْجِنَةِ^۴ وَالْقَدَرِيَّةِ وَالْخَوَارِجِ وَغَيْرِهِمْ^۵ مِنَ النَّاصِبِيَّةِ^۶ يُعَرِّونَ^۷ لِمُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۸ - بِالنَّبُوءَةِ لَيْسَ بَيْنَهُمْ خِلَافٌ^۹ وَهُمْ مُخْتَلِفُونَ فِي وَلَايَتِي^{۱۰} مُتَكِبُونَ لِذَلِكَ جَاحِدُونَ لَهَا إِلَّا الْقَلِيلُ^{۱۱} وَهُمْ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ الْغَرِيزِ فِي بُرُوءِ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۱۲} - وَفِي وَلَايَتِي^{۱۳} فَقَالَ - عَزَّ وَجَلَّ -: ﴿وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ﴾^{۱۴} فَالْقَصْرُ^{۱۵} مُحَمَّدٌ^{۱۶} (ص) وَابِئْرُ الْمُعَطَّلَةِ وَلَايَتِي^{۱۷} عَطَّلُوهَا وَجَحَدُوهَا وَمَنْ لَمْ يُعَرِّ^{۱۸} يُولَايَتِي لَمْ يَنْفَعَهُ الْإِقْرَارُ بِنُبُوءَةِ^{۱۹} مُحَمَّدٍ (ص)^{۲۰} أَلَا إِنَّهُمَا^{۲۱} مَقْرُونَانِ وَذَلِكَ أَنَّ النَّبِيَّ^{۲۲} مُحَمَّدًا^{۲۳} - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۲۴} - نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَهُوَ إِمَامُ الْخَلْقِ وَعَلِيٌّ مِنْ بَعْدِهِ إِمَامُ الْخَلْقِ وَوَصِيٌّ مُحَمَّدٍ (ص)^{۲۵} كَمَا قَالَ لَهُ النَّبِيُّ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ

۱- الْمُسْتَبْصِرُونَ / M + جُنْ. ۲- أَهْلُ / M + الْإِيمَانِ.

۳- الْأَقَاوِيلِ / در M واپسین حرف زبر دارد.

۴- الْمُرْجِنَةِ / در M میم زبر دارد. ۵- وَغَيْرِهِمْ / M غَيْرُهُمْ.

۶- مِنَ النَّاصِبِيَّةِ / M ناصبیه. ۷- يُعَرِّونَ / M يُعَرِّونَ.

۸- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ۹- خِلَافٌ / R خِلَافٌ. M ندارد.

۱۰- وَلَايَتِي / در M حرف یکم زبر دارد. ۱۱- الْقَلِيلُ / M قَلِيلٌ. R الْقَلِيلُ.

۱۲- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۱۳- وَلَايَتِي / ضبط نص، موافق R است. در M حرف یکم حرکتی ندارد.

۱۴- قرآن کریم: س ۲۲، ی ۲۵. ۱۵- فَالْقَصْرُ / M وَالْقَصْرُ.

۱۶- مُحَمَّدٌ / M مُحَمَّدٌ.

۱۷- وَلَايَتِي / چنین است در R و M به زیر یکم.

۱۸- يُعَرِّ / M يُعَرِّ.

۱۹- بِنُبُوءَةِ / در M دندان و نقطه باء دوم از قلم افتاده ولی حَرَکتش را گذاشته اند!

۲۰- ص / M ندارد. ۲۱- إِنَّهُمَا / M إِنَّهُمَا.

۲۲- النَّبِيُّ / در M واپسین حرف پیش دارد!

۲۳- مُحَمَّدًا / M مُحَمَّدٌ. ۲۴- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۲۵- ص / M ندارد.

مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَأَوَّلُنَا مُحَمَّدٌ وَأَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ^۲ وَآخِرُنَا مُحَمَّدٌ -
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ :- فَمَنْ اسْتَكْمَلَ مَعْرِفَتِي فَهُوَ عَلَى الدِّينِ الْقِيمِ كَمَا قَالَ اللَّهُ
 تَعَالَى: ﴿وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾^۵ وَ سَأَيُّنُ ذَلِكَ يَقُونِ اللَّهُ وَ تَوْفِيقِهِ يَا سَلْمَانُ وَ يَا جُنْدَبُ^۶
 قَالَا: لَبَّيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! قَالَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ^۷ عَلَيْهِ :- كُنْتُ^۸ أَنَا وَ مُحَمَّدٌ نُورًا وَاحِدًا مِنْ نُورِ
 اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - فَأَمَرَ اللَّهُ^۹ - تَبَارَكَ^{۱۰} وَ تَعَالَى - ذَلِكَ النُّورَ أَنْ يَنْشَقَّ فَقَالَ لِلنَّصِيفِ: كُنْ مُحَمَّدًا^{۱۱}،
 وَ قَالَ لِلنَّصِيفِ: كُنْ عَلِيًّا، فَعَمَتْهَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ :- عَلِيٌّ بَيْنِي وَ أَنَا مِنْهُ وَ لَا
 يُؤَدِّي^{۱۲} عَنِّي إِلَّا عَلِيٌّ وَ قَدْ وَجَّهَ أَبَا بَكْرٍ^{۱۳} بِرَاءَةً إِلَى مَكَّةَ^{۱۴} فَتَزَلَّ جَبْرِئِيلُ (ع) فَقَالَ: يَا
 مُحَمَّدُ! قَالَ: لَبَّيْكَ! قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تُؤَدِّيَهَا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِنْكَ فَوَجَّهَنِي فِي اسْتِزْدَادِ
 أَبِي بَكْرٍ^{۱۵} فَزَدَدْتُهُ فَوَجَدَ^{۱۶} فِي نَفْسِهِ وَ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَنْزِلْ فِي الْقُرْآنِ^{۱۷}؟ قَالَ: لَا،
 وَلَكِنْ لَا يُؤَدِّي إِلَّا أَنَا أَوْ عَلِيٌّ. يَا سَلْمَانُ وَ يَا جُنْدَبُ^{۱۸}! قَالَا: لَبَّيْكَ^{۱۹} يَا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ! -
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ^{۲۰} - قَالَ عَلِيٌّ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ :- مَنْ لَا يَصْلُحُ^{۲۱} لِحَمَلِ^{۲۲} صَحِيفَةِ

۱- إِلَّا / M / آلا. ۲- أَوَّلُنَا / M / أَوَّلُنَا.

۳- وَ أَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ / M / ندارد. ۴- آخِرُنَا / M / آخِرُنَا.

۵- دِينَ / M / دین. ۶- عَمَدِ قُرْآنِ کَرِیم: س ۹۸، ی ۵.

۷- جُنْدَبُ / R / جُنْدَبُ؛ M / جُنْدَبُ. ۸- اللَّهِ / M / ندارد.

۹- كُنْتُ / M / كُنْتُ. ۱۰- تَبَارَكَ / M / تَبَارَكَ.

۱۱- مُحَمَّدًا / M / مُحَمَّدٌ. ۱۲- يُؤَدِّي / M / يُؤَدِّي [كذا].

۱۳- أَبَا بَكْرٍ / M / أَبَا بَكْرٍ [كذا]. ۱۴- مَكَّةَ / M / مَكَّةَ [كذا].

۱۵- أَبِي بَكْرٍ / M / أَبِي بَكْرٍ [كذا]. ۱۶- فَوَجَدَ / M / فَوَجَدَ.

۱۷- فِي الْقُرْآنِ / M / فِي الْقُرْآنِ. ۱۸- جُنْدَبُ / M / وَ R جُنْدَبُ.

۱۹- لَبَّيْكَ / M / لَبَّيْكَ. ۲۰- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ / M / ص.

۲۱- يَصْلُحُ / R / يَصْلُحُ، ضَبَطُ نَص، مُوَافِقُ M است.

۲۲- لِحَمَلِ / M / لِحَمَلِ.

يُؤَدِّيَهَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^١ - كَيْفَ يَصْلُحُ^٢ لِلْإِمَامَةِ؟ يَا سَلْمَانَ وَيَا جُنْدَبَ^٣ فَأَنَا وَرَسُولُ اللَّهِ نُورٌ وَاحِدٌ؛ صَارَ رَسُولُ اللَّهِ (ص)^٤ مُحَمَّدٌ مُصْطَفَى وَصِرْتُ أَنَا وَصِيَّهُ الْمُرْتَضَى وَصَارَ مُحَمَّدٌ النَّاطِقُ^٥ وَصِرْتُ أَنَا الصَّامِتُ^٦ فَإِنَّهُ لَا يَبْدُ فِي كُلِّ عَصْرِ مِنَ الْأَعْصَارِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ نَاطِقٌ وَصَامِتٌ. يَا سَلْمَانَ! صَارَ مُحَمَّدٌ الْمُنْذِرُ^٧ وَصِرْتُ أَنَا الْهَادِي وَذَلِكَ قَوْلُهُ^٨ - عَزَّ وَجَلَّ -: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^٩ قَرَسُودُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُنْذِرُ وَأَنَا الْهَادِي. اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْتَى^{١٠} وَمَا تَفِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ^{١١} عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ^{١٢} سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَ الْقَوْلَ^{١٣} وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ^{١٤} مِنْ أَمْرِ اللَّهِ. قَالَ: قَالَ: فَضَرَبَ يَدَيْهِ عَلَى الْأُخْرَى وَقَالَ: صَارَ مُحَمَّدٌ صَاحِبَ الْجَمْعِ وَصِرْتُ أَنَا صَاحِبَ النَّشْرِ وَصَارَ مُحَمَّدٌ صَاحِبَ الْجَنَّةِ وَصِرْتُ أَنَا صَاحِبَ النَّارِ؛ أَقُولُ لَهَا: خُذِي هَذَا وَذَرِي هَذَا وَصَارَ مُحَمَّدٌ صَاحِبَ الرَّجْفَةِ^{١٥} وَصِرْتُ أَنَا صَاحِبَ الْقَدِيدِ

١- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ٢- يَصْلُحُ / M يَصْلُحُ R يَصْلُحُ.

٣- جُنْدَبُ / M و R جُنْدَبُ. ٤- ص / M ندارد.

٥- وَصِيَّهُ / R وَصِيَّهُ. M موافقِ متنِ ماست.

٦- مُحَمَّدٌ / M مُحَمَّدٌ.

٧- النَّاطِقُ / R النَّاطِقُ. در M واپسین حرف حرکتی ندارد.

٨- الصَّامِتُ / R الصَّامِتُ؛ M الصَّامِتُ. ٩- سَلْمَانَ / M سَلْمَانَ.

١٠- أُنْتَى / M و R الْمُنْذِرُ. ١١- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ.

١٢- قَرَسُودُ اللَّهِ / M صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. ١٣- قَرَسُودُ اللَّهِ / M صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

١٤- يَحْفَظُونَهُ / M يَحْفَظُونَهُ. ١٥- يَحْفَظُونَهُ / M يَحْفَظُونَهُ.

١٦- الْقَوْلُ / در M واپسین حرف زیر دارد. ١٧- الْقَوْلُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

١٨- يَحْفَظُونَهُ / M يَحْفَظُونَهُ.

١٩- صَاحِبَ النَّشْرِ ... الْجَنَّةِ وَصِرْتُ أَنَا / M ندارد.

٢٠- الرَّجْفَةِ / M الرَّجْفَةِ.

وَأَنَا صَاحِبُ^۱ اللُّوحِ الْمُحْفُوظِ أَلْهَمَنِي اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - عَلِمَ مَا فِيهِ نَعَمٌ يَا سَلْمَانُ وَيَا جُنْدَبُ!^۲ صَارَ مُحَمَّدٌ نَسْ وَالْقُرْآنُ الْحَكِيمُ^۳ وَ صَارَ مُحَمَّدٌ نَ وَالْقَلَمُ^۴ وَ صَارَ مُحَمَّدٌ طَه مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى وَ صَارَ مُحَمَّدٌ صَاحِبُ الدَّلَالَاتِ وَ صِرْتُ أَنَا صَاحِبُ^۵ الْآيَاتِ وَ صَارَ مُحَمَّدٌ^۶ خَاتَمُ^۷ النَّبِيِّينَ وَ صِرْتُ أَنَا خَاتَمُ^۸ الْوَصِيِّينَ وَ أَنَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَ أَنَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي^{۱۰} هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَ لَا أَحَدٌ اخْتَلَفَ إِلَّا فِي وَلَايَتِي وَ صَارَ مُحَمَّدٌ صَاحِبُ الدَّعْوَةِ وَ صِرْتُ أَنَا صَاحِبُ السَّيْفِ وَ صَارَ مُحَمَّدٌ نَبِيًّا مُرْسَلًا وَ صِرْتُ أَنَا صَاحِبُ^{۱۱} أَمْرِ^{۱۲} النَّبِيِّ (ص)^{۱۳}. قَالَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - (يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ)^{۱۴} هُوَ رُوحُ اللَّهِ لَا يُعْطِيهِ وَ لَا يُلْقِي هَذَا الرُّوحَ^{۱۵} إِلَّا عَلَى مَلَكٍ^{۱۶} مُقَرَّبٍ أَوْ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ أَوْ وَصِيٍّ مُتَّجِبٍ^{۱۷} فَمَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ هَذَا الرُّوحَ^{۱۸} فَقَدْ أَبَانَهُ مِنَ النَّاسِ وَ فَوَّضَ^{۱۹} إِلَيْهِ^{۲۰} الْقُدْرَةَ^{۲۱} وَ إِحْيَاءَ^{۲۲} الْمَوْتَى وَ عَلِمَ بِهَا مَا^{۲۳} كَانَ وَ مَا يَكُونُ وَ سَارَ^{۲۴} مِنْ

- ۱- صَاحِبُ / M صاحب.
- ۲- جُنْدَبُ / R جُنْدَبُ؛ M جُنْدَبُ.
- ۳- الْحَكِيمُ / M الْحَكِيمُ.
- ۴- الْقَلَمُ / M الْقَلَمُ [۱].
- ۵- صَاحِبُ / در M واپسین حرف پیش است.
- ۶- مُحَمَّدٌ / M مُحَمَّدٌ.
- ۷- خَاتَمُ / M خَاتَمُ.
- ۸- خَاتَمُ / M خَاتَمُ الْمُرْسَلِينَ.
- ۹- النَّبَأُ / M النَّبَأُ.
- ۱۰- الَّذِي / M ندارد.
- ۱۱- السَّيْفُ... صَاحِبُ / M ندارد. ضبط نص موافق R است مگر در «نَبِيًّا مُرْسَلًا» که در R «نَبِيٍّ مُرْسَلٍ» است!
- ۱۲- أَمْرٍ / M امر.
- ۱۳- ص / M ندارد.
- ۱۴- قرآن کریم: س ۴۰، ی ۱۵.
- ۱۵- الرُّوحُ / در M واپسین حرف زیر دارد.
- ۱۶- مَلَكٍ / M مَلَكٍ.
- ۱۷- أَوْ وَصِيٍّ مُتَّجِبٍ / M ندارد.
- ۱۸- الرُّوحُ / در M واپسین حرف زیر دارد.
- ۱۹- فَوَّضَ / M فَوَّضَ.
- ۲۰- إِلَيْهِ / M ندارد.
- ۲۱- الْقُدْرَةُ / M الْقُدْرَةُ.
- ۲۲- إِحْيَاءَ / در M حرف یکم زیر دارد.
- ۲۳- مَا / M مَنْ.
- ۲۴- سَارَ / M سَارَ.

الشَّرْقِ ١ إِلَى ٢ الْغَرْبِ وَمِنْ الْغَرْبِ إِلَى الشَّرْقِ ٣ فِي ٤ لَحْظَةٍ عَيْنٍ وَعِلْمٍ مَا فِي الصَّمَائِرِ ٥
وَالْقُلُوبِ وَعِلْمٍ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا سَلْمَانَ يَا جُنْدَبُ ٦ صَارَ مُحَمَّدٌ الذِّكْرُ
الَّذِي قَالَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ -: إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِي أَفَلَا تَتَّقُونَ ٧.
إِنِّي أُعْطِيتُ ٨ عِلْمَ الْمَنَائِمِ وَالْبَلَايَا وَقُضِيَ ٩ الْخِطَابُ وَاسْتُودِعْتُ ١٠ عِلْمَ الْقُرْآنِ وَمَا هُوَ
كَأَنَّ إِلَى يَوْمِ الْفَيْتَةِ وَمُحَمَّدٌ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ١١ - أَقَامَ الْحُجَّةَ ١٢ عَلَى النَّاسِ وَصِرْتُ أَنَا
حُجَّةَ ١٣ اللَّهِ جَعَلَ اللَّهُ لِي ١٤ مَا لَمْ ١٥ يَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ١٦ لَا لِنَبِيِّ ١٧ مُرْسَلٍ
وَلَا لِمَلِكٍ مُقَرَّبٍ. يَا سَلْمَانَ ١٨ وَيَا جُنْدَبُ ١٩ قَالَا: كَيْتَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! قَالَ - صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ ٢٠ -: أَنَا الَّذِي حَمَلْتُ نُوحًا فِي السَّفِينَةِ بِأَمْرِ رَبِّي، وَأَنَا الَّذِي أَخْرَجْتُ ٢١ يُونُسَ مِنْ
بَطْنِ ٢٢ الْحُوتِ بِإِذْنِ رَبِّي، وَأَنَا الَّذِي جَاوَزْتُ بِمُوسَى ٢٣ بَنِ ٢٤ عِمْرَانَ الْبَحْرَ ٢٥ بِأَمْرِ رَبِّي،
وَأَنَا الَّذِي أَخْرَجْتُ إِبْرَاهِيمَ مِنَ النَّارِ بِإِذْنِ رَبِّي، ٢٦ وَأَنَا الَّذِي أَجْرَيْتُ أَنْهَارَهَا

١- الشَّرْقِ / M الشَّرْقِ. ٢- إِلَى / M وَ.

٣- وَمِنْ الْغَرْبِ إِلَى الشَّرْقِ / M ندارد. ٤- فِي / M قَى [؟].

٥- الصَّمَائِرِ / M الصَّمَائِرِ. ٦- جُنْدَبُ / M و R جُنْدَبُ.

٧- مَقَايِسُهُ كَنِيدًا: قُرْآنِ كَرِيم: س ٦٥، ي ١٠ و ١١.

٨- أُعْطِيتُ / M أُعْطِيتُ عَلَى. ٩- قُضِيَ / M قُضِيَ [!].

١٠- اسْتُودِعْتُ / در M تَایِ نَخَسْتِ پِیش دارد.

١١- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ١٢- الْحُجَّةُ / در M حَرْفِ وَاپسین زیر دارد!

١٣- حُجَّةُ / در M حَرْفِ وَاپسین زیر دارد.

١٤- لِي / M ندارد. ١٥- لَمْ / M ندارد.

١٦- الْآخِرِينَ / در M خاء زیر دارد. ١٧- لِنَبِيِّ / M نَبِيِّ.

١٨- سَلْمَانَ / M سَلْمَانَ. ١٩- جُنْدَبُ / R جُنْدَبُ؛ M جُنْدَبُ.

٢٠- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ٢١- أَخْرَجْتُ / M خَرَجْتُ.

٢٢- بَطْنِ / M بَطْنِ. ٢٣- بِمُوسَى / M بِمُوسَى.

٢٤- بَنِ / M ابْنِ. ٢٥- الْبَحْرُ / در M وَاپسین حَرْفِ زیر دارد.

٢٦- وَأَنَا الَّذِي أَخْرَجْتُ... رَبِّي / M ندارد.

وَفَجَّرْتُ^۱ عُيُونَهَا وَغَرَسْتُ أَشْجَارَهَا بِأَذْنِ رَبِّي، وَأَنَا عَذَابُ يَوْمٍ^۲ الظَّلَّةِ وَأَنَا الْمُنَادِي مِنْ
مَكَانٍ قَرِيبٍ قَدْ سَمِعَهُ الثَّقَلَانِ الْجَنُّ وَالْإِنْسُ^۳ وَفَهِمَهُ^۴ قَوْمٌ إِنِّي لَأَسْمِعُ^۵ كُلَّ قَوْمٍ
الْجَبَّارِينَ^۶ وَالتَّمَنَّا فَيَقِينُ بِلُغَاتِهِمْ وَأَنَا الْخِضْرُ عَالِمُ مُوسَى وَأَنَا مُعَلِّمُ سُلَيْمَانَ^۸ وَدَاوُدَ^۹ وَأَنَا
ذُو الْقُرْنَيْنِ وَأَنَا قُدْرَةُ^{۱۰} اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ. يَا سَلْمَانَ^{۱۱} يَا جُنْدَبُ^{۱۲} أَنَا مُحَمَّدٌ وَمُحَمَّدٌ أَنَا وَأَنَا
مِنْ مُحَمَّدٍ وَمُحَمَّدٌ^{۱۳} مِنِّي. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿سَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَمِثَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخُ
لَا يَبْتَغِيَانِ﴾^{۱۴} يَا سَلْمَانَ وَيَا جُنْدَبُ^{۱۵} قَالَ: لَبَّيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! قَالَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ -:
إِنَّ مِثْنًا^{۱۶} لَمْ يَمُتْ وَغَائِبَتَا^{۱۷} لَمْ يَغِبْ وَإِنْ^{۱۸} قَتَلْنَا^{۱۹} لَنْ يَقْتُلُوا^{۲۰}. يَا سَلْمَانَ^{۲۱} وَيَا
جُنْدَبُ^{۲۲} قَالَ: لَبَّيْكَ^{۲۳} يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: أَنَا أَمِيرُ كُلِّ^{۲۴} مُؤْمِنٍ
وَمُؤْمِنَةٍ مِنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ^{۲۵} وَأُيُتُّ^{۲۶} بِرُوحِ الْعَظَمَةِ وَأَنَا تَكَلَّمْتُ عَلَى لِسَانِ عِيسَى بْنِ

- ۱- فَجَّرْتُ / + مَ + أَنَهَا.
۲- يَوْمٍ / مَ + يَوْمٌ.
۳- الْإِنْسُ / مَ + الْإِنْسِي.
۴- فَهِمَهُ / مَ + فَهَمُهُ.
۵- لَأَسْمِعُ / مَ + لَأَسْمَعُ.
۶- الْجَبَّارِينَ / مَ + جَبَّارِينَ.
۷- سُلَيْمَانَ / مَ + ندارد.
۸- قُدْرَةُ / در M واپسین حرف زیر دارد.
۹- سَلْمَانَ / مَ + سَلْمَانَ.
۱۰- جُنْدَبُ / در M واپسین حرف زیر دارد.
۱۱- جُنْدَبُ / M و R جُنْدَبُ؛ M جُنْدَبُ.
۱۲- مِثْنًا / مَ + مِثْنًا [!].
۱۳- غَائِبَتَا / M و R غَائِبَتَا.
۱۴- قَتَلْنَا / مَ + قَتَلْنَا.
۱۵- لَمْ يَمُتْ وَغَائِبَتَا لَمْ يَغِبْ وَإِنْ قَتَلْنَا لَنْ يَقْتُلُوا.
۱۶- سَلْمَانَ / در M واپسین حرف هم پیش دارد و هم زیر.
۱۷- جُنْدَبُ / M و R جُنْدَبُ.
۱۸- لَبَّيْكَ / M + لَبَّيْكَ.
۱۹- کُلِّ / M + کُلِّ.
۲۰- أُيُتُّ / M + أُيُتُّ.

مَزَيْمٍ فِي التَّهْدِي وَأَنَا أَدَمُ^١ وَأَنَا نُوحُ^٢ وَأَنَا إِبْرَاهِيمُ وَأَنَا مُوسَى^٣ وَأَنَا عِيسَى^٤ وَأَنَا مُحَمَّدٌ
 أَتَقَلَّبُ^٥ فِي الصُّورِ كَيْفَ أَشَاءُ. ^٦مَنْ رَأَانِي فَقَدْ رَأَاهُمْ وَمَنْ رَأَاهُمْ فَقَدْ رَأَانِي، وَلَوْ
 ظَهَرْتُ^٨ لِلنَّاسِ فِي صُورَةٍ^٩ وَاحِدَةٍ لَهْلَكَ^{١٠} فِي النَّاسِ^{١١} وَقَالُوا: هُوَ لَا يَزُولُ^{١٢} وَلَا يَتَغَيَّرُ^{١٣} إِنَّمَا
 أَنَا عَبْدٌ مِنْ عِبَادِ^{١٤} اللَّهِ تَعَالَى لَا تُسْمُونَا^{١٥} أَرْبَابًا وَقُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ فَإِنَّكُمْ لَمْ تَبْلُغُوا مِنْ
 فَضْلِنَا^{١٦} كُنْهَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ لَنَا وَلَا مِغْشَارَ الْعَشْرِ لِأَنَّا آيَاتُ اللَّهِ وَدَلَالُهُ^{١٧} وَحُجَجُ اللَّهِ وَخُلَفَاؤُهُ
 وَأُمَنَاءُ اللَّهِ^{١٨} وَأَيْمَنُهُ^{١٩} وَوَجْهَ اللَّهِ وَعَيْنُ اللَّهِ^{٢٠} وَلِسَانُ اللَّهِ: يَتَأَذَّبُ^{٢١} اللَّهُ عِبَادَهُ وَيَتَأَنَّبُ^{٢٢}
 وَمِنْ بَيْنِ خَلْقِهِ طَهَرْنَا وَاخْتَارْنَا^{٢٣} وَاصْطَفَيْنَا وَلَوْ قَالَ قَائِلٌ: لِمَ وَكَيْفَ وَفِيمَ لَكَفَرُوا وَأَشْرَكَ
 لِأَنَّهُ لَا يَسْتَقِلُّ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ^{٢٤}. يَا سَلْمَانَ يَا جُنْدَبُ^{٢٥}! قَالَا: لَبَّيْكَ^{٢٦} يَا
 أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! قَالَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{٢٧} -: مَنْ آمَنَ بِمَا قُلْتُ^{٢٨} وَصَدَّقَ^{٢٩} بِمَا بَيَّيْتُ^{٣٠}

١- أَدَمُ / M أَدَمَ. ٢- نُوحُ / M نُوحُ.

٣- مُوسَى / M عِيسَى. ٤- عِيسَى / M مُوسَى.

٥- أَتَقَلَّبُ / M يَتَقَلَّبُ (بدون نقطه هاي حرف يكم).

٦- أَشَاءُ / M أَشَاءَ. ٧- رَأَانِي / M دَانِي.

٨- ظَهَرْتُ / M ظَهَرْتُ. ٩- صُورَةٍ / M صُورَةٍ.

١٠- لَهْلَكَ / M يَهْلِكُ. ١١- فِي النَّاسِ / M فِي النَّاسِ.

١٢- هُوَ لَا يَزُولُ / M أَهْوَلَاءُ. ١٣- عِبَادُ / M عَبْدُ [!].

١٤- تُسْمُونَا / M تُسْمُونَ. ١٥- مَا شِئْتُمْ... فَضْلِنَا / M نَدَارِد.

١٦- دَلَالَتُهُ / M دَلَالَتُهُ. ١٧- أُمَنَاءُ اللَّهِ / M أُمَنَاءُ.

١٨- أَيْمَنُهُ / M أَيْمَنُهُ. ١٩- اللَّهُ / M نَدَارِد.

٢٠- يُعَذِّبُ / M يُعَذِّبُ. ٢١- يُنَبِّئُ / M يُنَبِّئُ.

٢٢- اخْتَارْنَا / M اخْتَارْنَا. ٢٣- قَائِلٌ / M قَائِلٌ.

٢٤- يُسْأَلُونَ / M يُسْأَلُونَ. ٢٥- جُنْدَبُ / R جُنْدَبُ؛ M جُنْدَبُ.

٢٦- لَبَّيْكَ / M لَبَّيْكَ. ٢٧- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

٢٨- قُلْتُ / M قُلْتُ. ٢٩- صَدَّقَ / M صَدَّقَ.

٣٠- بَيَّيْتُ / M بَيَّيْتُ.

وَفَسَّرْتُ وَ شَرَحْتُ وَأَوْضَحْتُ وَ تَوَزَّيْتُ^۱ وَ بَرَّهْتُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ مُتَحَنِّنٌ^۲ اَمْتَحَنَ اللهُ قَلْبَهُ
 لِلْإِيمَانِ وَ شَرَحَ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ^۳ وَ هُوَ عَارِفٌ مُسْتَبْصِرٌ قَدِ انْتَهَى وَ بَلَغَ^۴ وَ كَمَلَ^۵ وَ مَنْ
 شَكَ وَ عَتَدَ وَ جَحَدَ وَ وَقَفَ^۶ وَ تَحَيَّرَ وَ ارْتَابَ فَهُوَ مُقَصِّرٌ^۷ وَ نَاصِبٌ^۸ يَا سَلْمَانَ^۹ وَ يَا
 جُنْدَبَ^{۱۰} قَالَ^{۱۱}: لَبَّيْكَ! يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! قَالَ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۱۲} - : أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ
 بِإِذْنِ رَبِّي وَ أَنَا أَنْتِمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدْخِرُونَ^{۱۳} فِي بُيُوتِكُمْ بِإِذْنِ رَبِّي وَ أَنَا عَالِمٌ
 بِضَمَائِرِ^{۱۴} قُلُوبِكُمْ وَ الْآيَةُ^{۱۵} مِنْ أَوْلَادِي - عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - يَعْلَمُونَ وَ يَقْعَلُونَ هَذَا إِذَا أَحْبَبُوا
 وَ أَرَادُوا لِأَنَّا كُلُّنَا^{۱۶} وَاحِدٌ أَوْ لَنَا مُحَمَّدٌ^{۱۷} وَ آخِرُنَا مُحَمَّدٌ^{۱۸} وَ أَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ^{۱۹} وَ كُلُّنَا
 مُحَمَّدٌ^{۲۰} فَلَا تَفَرَّقُوا^{۲۱} بَيْنَنَا فَإِنَّا نَظْهَرُ^{۲۲} فِي كُلِّ رَمَانٍ وَ وَقْتٍ وَ أَوَانٍ، فِي أَيِّ صُورَةٍ شِئْنَا^{۲۳}
 بِإِذْنِ اللهِ - عَزَّ وَجَلَّ - كُنَّا وَ نَحْنُ إِذَا شِئْنَا شَاءَ اللهُ وَ إِذَا كَرِهْنَا كَرِهَ اللهُ. الْوَيْلُ كُلُّهُ^{۲۴} الْوَيْلُ لِمَنْ

- ۱- وَ تَوَزَّيْتُ / M ندارد.
 ۲- مُتَحَنِّنٌ / M ندارد.
 ۳- لِلْإِسْلَامِ / M لِلْإِسْلَامِ.
 ۴- بَلَغَ / M بَلَغَ.
 ۵- كَمَلَ / M كَمَلَ.
 ۶- وَقَفَ / M ندارد.
 ۷- مُقَصِّرٌ / M مُقَصِّرٌ.
 ۸- سَلْمَانُ / M سَلْمَانُ.
 ۹- جُنْدَبُ / M وَ R جُنْدَبُ.
 ۱۰- قَالَ / M قَالَ.
 ۱۱- لَبَّيْكَ / در M حرفِ یکم هم زیر دارد و هم زیر!
 ۱۲- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / چُنین است در M و R. M + و.
 ۱۳- تَدْخِرُونَ / در M خاء هم زیر دارد و هم زیر.
 ۱۴- بِضَمَائِرِ / M بِضَمَائِرِ.
 ۱۵- الْآيَةُ / در M واپسین حرف زیر دارد.
 ۱۶- لِأَنَّا كُلُّنَا / R لِأَنَّا كُلُّنَا. ضبط نص، موافق M است.
 ۱۷- مُحَمَّدٌ / M مُحَمَّدٌ.
 ۱۸- مُحَمَّدٌ / M مُحَمَّدٌ.
 ۱۹- مُحَمَّدٌ / M مُحَمَّدٌ.
 ۲۰- مُحَمَّدٌ / M ندارد.
 ۲۱- تَفَرَّقُوا / M تَفَرَّقُوا.
 ۲۲- نَظْهَرُ / M نَظْهَرُ.
 ۲۳- شِئْنَا / M شِئْنَا.
 ۲۴- كُلُّ / در M چُنین است. R كُلُّ.

أُنْكِرَ فَضْلَنَا^۱ وَ خُصُوصِيَّتَنَا^۲ وَ مَا أَعْطَانَا اللَّهُ رَبُّنَا^۳، لِأَنَّ مَنْ أُنْكِرَ شَيْئًا مِمَّا أَعْطَانَا اللَّهُ فَقَدْ أُنْكِرَ قُدْرَةَ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - وَ مَشِيئَتَهُ فِينَا. يَا سَلْمَانَ^۴ وَ يَا جُنْدَبَ^۵! قَالَا: لَبَّيْكَ! يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! قَالَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ -: لَقَدْ أَعْطَانَا^۶ اللَّهُ رَبُّنَا^۷ مَا هُوَ أَجَلُ^۸ وَ أَعْظَمُ وَ أَعْلَى وَ أَكْثَرُ مِنْ^۹ هَذَا كُلِّهِ^{۱۰}. قُلْنَا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! أَيُّ شَيْءٍ أَعْطَاكُمْ^{۱۱} اللَّهُ أَعْظَمُ وَ أَكْثَرُ مِنْ هَذَا كُلِّهِ. قَالَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ -: قَدْ أَعْطَانَا رَبُّنَا - عَزَّ وَ جَلَّ - عَلَمَنَا لِلْإِسْمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي لَوْ شِئْنَا^{۱۲} خَرَقْنَا^{۱۳} السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ^{۱۴} وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ نَعْرُجُ بِهِ السَّمَاءَ وَ نَهْبِطُ بِهِ الْأَرْضَ وَ نَقْرِبُ وَ نُشْرِقُ وَ نُنْتَهِي بِهِ إِلَى^{۱۵} الْعَرْشِ فَتَجْلِسُ عَلَيْهِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - وَ يُطِيعُنَا كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ الْجُومُ وَ الْجِبَالُ وَ الشَّجَرُ وَ الدَّوَابُّ وَ الْبِحَارُ وَ الْجَنَّةُ وَ النَّارُ^{۱۶} أَعْطَانَا اللَّهُ ذَلِكَ كُلَّهُ^{۱۷} بِالْإِسْمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي عَلَّمَنَا^{۱۸} وَ خَصَّنَا بِهِ وَ مَعَ هَذَا^{۱۹} كُلِّهِ نَأْكُلُ وَ نَشْرَبُ^{۲۰} وَ نَمشي فِي الْأَسْوَاقِ وَ نَعْمَلُ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ بِأَمْرِ رَبِّنَا

۱- فضّلنا / M ندارد. ۲- خُصُوصِيَّتَنَا / در M ناء زیر دارد.

۳- رَبُّنَا / در M نیست. ۴- سَلْمَانُ / M سَلْمَانُ.

۵- جُنْدَبُ / R جُنْدَبُ؛ M جُنْدَبُ. ۶- أَعْطَانَا / M أَعْطَيْنَا.

۷- رَبُّنَا / M رَبِّنَا. ۸- أَجَلُ / M أَجَلُ.

۹- مِنْ / M مِنْ؟! ۱۰- كُلِّهِ / M كُلُّهُ.

۱۱- أَعْطَاكُمْ / M أَعْطَيْكُمْ (بدون نقطه هاي حرف چهارم).

۱۲- صَلَوَاتُ / در M حرف واپسين هم زیر دارد و هم پیش.

۱۳- شِئْنَا / M شَيْنَا. ۱۴- خَرَقْنَا / M خَرَقْنَاهُ.

۱۵- الْأَرْضَ / در M حرف واپسين زیر دارد.

۱۶- إِلَى / در M نیامده است.

۱۷- السَّمَوَاتُ وَ... وَ النَّارُ / همه اين معطوفهاي مرفوع در R به همينسان اند. در تمام اين

معطوفهاي مرفوع در M تنها تاي «السَّمَوَاتُ» زیر دارد و ضايف «الأرض» زیر. الباقی به

همينسان مرفوع اند. ۱۸- كُلُّهُ / M كُلُّهُ.

۱۹- بِالْإِسْمِ / M بِالْأَسْمِ. ۲۰- عَلَّمَنَا / M عَلَّمْنَا.

۲۱- هَذَا / M ندارد. ۲۲- نَشْرَبُ / M نَشْرَبُ.

وَنَحْنُ عِبَادُ اللَّهِ الْمُكْرَمُونَ الَّذِينَ لَا يَسْتَقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَجَعَلْنَا^۲
مَعْصُومِينَ مُطَهَّرِينَ^۳ وَفَضَّلْنَا^۴ عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ فَتَحْنُ نَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا يَنْتَهِدِي لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ وَحَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ أَغْنِي
الْجَاهِدِينَ بِكُلِّ مَا أَعْطَانَا اللَّهُ مِنَ الْفَضْلِ وَالْإِحْسَانِ. يَا سَلْمَانَ^۵ وَيَا جُنْدَبَ^۶ هَذَا مَعْرِفَتِي
بِالنُّورَانِيَّةِ فَتَمَسَّكَ بِهَا رَاشِدًا فَإِنَّهُ لَا يَبْلُغُ أَحَدٌ مِنْ شِيعَتِنَا حَدَّ الْإِسْتِصَارِ حَتَّى يَعْرِفَنِي
بِالنُّورَانِيَّةِ^۷ فَإِذَا عَرَفَنِي^۸ بِهَا كَانَ مُسْتَبْصِرًا بِالْعِلْمِ كَامِلًا قَدْ خَاضَ بَحْرًا مِنَ الْعِلْمِ وَارْتَقَى
دَرَجَتَهُ مِنَ الْفَضْلِ وَاطَّلَعَ سِرًّا مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَكَتُبُونِ خَرَائِيهَ^۹.

و^{۱۰} دیگر از آنچه وارد شده است در اخبار، حدیث معرفت نورانیّه است و اکثر
فقره‌های^{۱۱} این حدیث از بابت^{۱۲} خطبه البیان است و بعضی مانند شرح او. هرچه مخفی
ماند در ضمن شرح خطبه - این شاء الله - مُبَيَّن خواهد شد.
منقولست که:

روزی أَبُو ذَرٍّ^{۱۳} غفاری - که نام او جندب^{۱۴} است - از سلمان فارسی پرسید که: ای

۱- عِبَادُ / M عِبَادُ. ۲- جَعَلْنَا / M جَعَلْنَا.

۳- مُطَهَّرِينَ / R مُطَهَّرِينَ. ضبط نص، موافق M است.

۴- فَضَّلْنَا / M فَضَّلْنَا. ۵- سَلْمَانَ / M سَلْمَانَ.

۶- جُنْدَبَ / R جُنْدَبَ؛ M جُنْدَبَ. ۷- فَتَمَسَّكَ... بِالنُّورَانِيَّةِ / M ندارد.

۸- عَرَفَنِي / M عَرَفَنِي.

۹- مقایسه کنید با بحار الأنوار (۲۶ / ۱ - ۷). همچنین تردید مجلسی ثانی را درباره آن نگر در:
همان، ۲۶ / ۱۷.

۱۰- فقره‌های / M فقره‌ها. ۱۱- بابت / حرف واپسین در M زیر دارد.

۱۲- أَبُو ذَرٍّ / تشدیدِ راء در خو و R بروشنی کتاب گردیده است. در M روی راء جزم نهاده
شده است.

۱۳- جندب است / در M نخست «جندب الله» نوشته شده و سپس (گویا) بر «الله» خطی ←

سلمان! به من خَبَرِ دِهٖ شناختِ حضرتِ امیرالمؤمنین را به نورانیت^۱ گفت: ای جندب^۲! بیا تا برویم و از آن حضرت سؤال کنیم. سلمان می‌گوید که: چون آمدیم آن حضرت حاضر نبود. انتظار کشیدیم^۳ تا آمد. پس - حضرت صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ^۴ - فرمود که: به چه کار^۵ آمده‌اید؟ گفتند که: ^۶یا امیرالمؤمنین! آمده‌ایم که از شما سؤال کنیم از معرفتِ شما به نورانیت.

حضرت فرمود که: خوش آمدید! ای دو دوستِ خدایِ رعایت‌کنندهٔ دینِ خدا که تقصیر نمی‌کنید در آنچه شما را در کار است! به جانِ خودم قسم که این معرفت واجبست^۸ بر هر مؤمن و^۹ مؤمنه. پس آن حضرت - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ - فرمود که: هیچکس ایمانِ خود را کامل نمی‌گرداند تا مرا بشناسد چنانکه می‌باید شناخت به نورانیت. پس چون مرا به این معرفت شناخت^{۱۰}، یس او از کسانیست که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - دلِ او را به ایمان جای داده است و سینهٔ او را روشن^{۱۱} گردانیده است^{۱۲} به اسلام^{۱۳} و گردیده^{۱۴} است عارف و^{۱۵} بینا، و کسی که این معرفت ندارد، او صاحبِ شک و رَیْب^{۱۶} است. ای سلمان و ای جندب! گفتند: لَبَّيْكَ! یا امیرالمؤمنین! حضرت فرمود

→ کشیده شده است و یک «ست» در کنار آن اضافه کرده‌اند (به خطِ کاتب متن).

۱- نورانیت / M نورانیه.

۲- جندب / در M باء زیر دارد!

۳- کشیدیم / M کشیدم.

۴- صَلَوَاتُ / در M واپسین حرف زیر دارد!

۵- علیهِ / در R نیامده است. از M ضبط شد.

۶- کار / در M راء زیر دارد.

۷- که / در M ندارد.

۸- واجبست / M واجب است.

۹- و / در M زیر دارد.

۱۰- شناخت / در M تاء زیر دارد!

۱۱- روشن / در M روشن!.

۱۲- است / در M تاء زیر دارد!

۱۳- اسلام / در M میم زیر دارد!

۱۴- گردیده / M کرده.

۱۵- و / در M زیر دارد.

۱۶- رَیْب / زیر راء در M بروشنی کتابت گردیده است.

۱۷- جندب / در M باء زیر دارد.

که: از جمله شناخت^۱ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - معرفت^۲ منست^۳ به نورانیت^۴؛ و اینست^۵ دینِ خالصی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فرموده است که: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾^۶.

ترجمه^۹ این آیت آنست^{۱۰} که مأمور نشده‌اند مگر به آنکه عبادت کنند پروردگار خود را و خالص گردانند دین را از برای او و میل کنند از دینهای باطل به دین حق و به پای دارند نماز را و بدهند زکات مال را و اینست^{۱۱} دین درست. حضرت می‌فرماید^{۱۲} که: معنی این آیه آنست که خلاق مأمور نشده‌اند مگر به نبوت محمد رسول الله^{۱۳} - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - و این دین حنیفیه^{۱۵} محمدیه سَهْلَه^{۱۶} خوش آیند^{۱۷} آسانست^{۱۸} و^{۱۹} آنکه خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - می‌فرماید که: ﴿وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾^{۲۰} پس هر که إقامت^{۲۱} کند ولایت^{۲۲} مرا و مرا امام خود داند و مرتبت مرا بداند و به شرایط آن عمل کند، پس او به پای داشته‌است نماز را و به پای داشتن ولایت^{۲۳} من کاریست دشوار

۱- شناخت / در M تاء زیر دارد؛ ۲- معرفت / M شناخت.

۳- منست / M من است. ۴- اینست / M این است.

۵- لِيَعْبُدُوا / در M حرف یکم زیر دارد؛ همچنین در M اَلْفِ پایانی هم از قلم افتاده است.

۶- يَقِيمُوا / R يَقِيمُوا. ضبط نص، موافق M است.

۷- الْقَيِّمَةِ / در M حرف واپسین پیش دارد.

۸- قرآن کریم: س ۹۸، ی ۵. ۹- ترجمه / در M جیم پیش دارد.

۱۰- آنست / M این است. ۱۱- اینست / M این است.

۱۲- می‌فرماید / M فرمود. ۱۳- رسول الله / M ندارد.

۱۴- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ۱۵- حَنِيفِيَه / M حنیفیه.

۱۶- سَهْلَه / در M لام زیر دارد. ۱۷- خوش آیند / M خوش آینده.

۱۸- آسانست / M انسان است. ۱۹- و / در M زیر دارد.

۲۰- قرآن کریم: س ۲، ی ۳. ۲۱- إقامت / در M تاء زیر دارد.

۲۲- ولایت / در M تاء زیر دارد. ۲۳- ولایت / در M حرف یکم زیر دارد.

بس^۱ دشوار^۲ نمی تواند این بار را برداشتن^۳ مگر فرشته ای [مُقَرَّب یا پیغمبری مُرْسَل یا مؤمنی که خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - ایمان را در دل او جای داده باشد. پس فرشته هرگاه مُقَرَّب نباشد این بار^۴ بر نمی دارد و پیغمبر هرگاه مُرْسَل نباشد به این نمی تواند رسید و مؤمن هرگاه مُمْتَحَن نباشد این بار^۵ نمی تواند کشید. سلمان گوید: گفتیم: یا امیرالمؤمنین! کیست این مؤمن و چیست نهایت او^۶ و حد او تا^۷ ما او را بشناسیم؟ پس حضرت - صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ - فرمود که: ای سلمان! گفتیم: لَیْسَ! ای برادرِ رسولِ خدا! فرمود که: مؤمن ممتحن آنست که هرچیز از کارهای ما و صفات ما و بزرگی ما که به او رسد سینه اش روشن شود^۸ و گنجایش قبول او داشته باشد^۹ و قبول کند^{۱۰} و^{۱۱} شک و رِیْبی^{۱۲} او را حاصل نشود. بدان - ای اَبُو ذَرٍّ! - که من بنده خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - ام و خلیفه خدام بر بندگان او. ما را خدا مدانید و^{۱۳} بگویید^{۱۴} در فضیلت ما هرچه خواهید: که شما به کُتِّهِ ما نمی رسید و وصف ما را نهایت نیست. پس بدرستی که خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - به ما داده است^{۱۵} مرتبه ای [عَظِیم تَر و بالاتر از آنکه شما توانید صَفَتِ ما را بیان کرد یا در خاطر شما تواند گذشت^{۱۶} که ما در چه مرتبه ایم. ^{۱۷} وقتی که ما را چنین

-
- ۱- بس / در R این کلمه سه نقطه زیر سین دارد و دیگر هیچ. M پس.
 ۲- دشوار / M ندارد.
 ۳- برداشتن / در M باء زیر دارد.
 ۴- بار / M + را.
 ۵- بار / M + را.
 ۶- او / M آن.
 ۷- حد او تا / M چون.
 ۸- صَلَوَاتُ / M صَلَوة.
 ۹- شود / M کردد.
 ۱۰- باشد / در M شین زیر دارد.
 ۱۱- و قبول کند / M ندارد.
 ۱۲- و / در M زیر دارد.
 ۱۳- رِیْبی / زیر راء در M صریح است.
 ۱۴- و / در M زیر دارد.
 ۱۵- بگویید / M بگوئید. ضبط نص، موافق R است.
 ۱۶- است / در M سین زیر دارد!
 ۱۷- گذشت / در M شین زیر دارد!
 ۱۸- ایم / M ندارد.

دانستید شما مؤمنید. سلمان گفت که: گفتم: ای برادرِ رسولِ خدا!^۱ مراد^۲ از این اقامتِ صَلَوة^۳، اقامتِ ولایتست؟ حضرت فرمود که: بلی ای سلمان! و تصدیقِ این می‌کند قولِ خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - در قرآنِ مجید که: ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾^۴ یعنی: یاری جوید^۵ به صبر و صَلَوة^۶ و^۷ بدرستی که صَلَوة^۸ بزرگست و گرانست مگر بر خاشعان^۹. پس صبر درین آیت مراد از آن رسولِ خداست - صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - و صَلَوة^{۱۰} اقامتِ^{۱۱} ولایتِ^{۱۲} من است ازین^{۱۳} جهت است که خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - را گفت که گرانست: نفرمود که «صبر» و «صَلَاة» هر دو گرانست زیرا که ولایتِ^{۱۴} امری است^{۱۵} عظیم و باریست که گرانست برداشتنِ او^{۱۶} مگر بر خاشعان^{۱۷} و مراد از خاشعان^{۱۸} شیعیانی اند که بینا شده‌اند به معرفتِ ما زیرا که اهلِ

۱- رسولِ خدا / R + ص. این افزونه در M نیست.

۲- مراد / M مرا.

۳- صَلَوة / R صلوة. ضبطِ نص، موافقِ M است.

۴- ولایتست / M ولایة است.

۵- قول / زیرِ فاف در M صریح است.

۶- تَبَارَكَ وَ / M ندارد.

۷- لَكَبِيرَةٌ / M لَكَبِيرَةٌ.

۸- قرآنِ کریم: س ۲، ی ۴۵.

۹- جوید / M جوئید. ضبطِ نص، موافقِ R است.

۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- صَلَوة / R صلوة. ضبطِ نص، موافقِ M است.

۱۲- و / در M زیر دارد.

۱۳- صَلَوة / R صلوة.

۱۴- خاشعان / M خاشعین.

۱۵- صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ آلِهِ / M ص.

۱۶- صَلَوة / R صلوة.

۱۷- اقامت / M اقامه.

۱۸- ازین / M از این.

۱۹- امری است / M امریست.

۲۰- او / M ان.

۲۱- خاشعان / در M «ن» نیز زیر دارد!

۲۲- خاشعان / در M «ن» نیز زیر دارد!

مذاهب^۱ فاسده چون مُرجئه^۲ و قَدَرِیّه و خوارج^۳ و غیرِ ایشان^۴ از سُنّیان^۵ اقرار می‌کنند^۶ به نبوّتِ مُحَمَّد - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ - و میانِ ایشان^۸ خلافتی نیست و ایشان مخالفت کرده‌اند در ولایتِ من و مُنْکِرِ آنند و اقرار به آن ندارند مگر اندکی و^۹ آنها اند که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - وَصَف کرده است ایشان را به خُشُوع و^{۱۰} خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - در جای دیگر در کتابِ خود یاد کرده است در نبوّتِ مُحَمَّد - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ - و ولایتِ من و فرموده است که: ﴿وَبَشِّرِ الْمُغْطَلَةَ وَ قَصْرٍ مَّشِيدٍ﴾^{۱۲} مراد ازین^{۱۳} چاه تعطیل کرده شده ولایتِ مَنْ است که سببِ حیاتِ اَبَدیِ ایشان بود؛ آن را مُعْطَل ساختند و انکارِ آن کردند^{۱۴} و^{۱۵} کسی که اقرار نکند به ولایتِ من نفع نمی‌کند او را اِیمان به مُحَمَّد - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ - بدرستی^{۱۶} که این هر دو قرینِ یکدیگرند^{۱۷} زیرا که مُحَمَّد (ص) پیغمبرِ مُرْسَل بود^{۱۸} و او^{۱۹} پیشوایِ خَلْق بود و حضرتِ علی بعد از آن حضرت پیشوایِ خلق است و وصیِ مُحَمَّد است (ص)^{۲۰} چنانکه پیغمبر - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ - به او گفت که:

- ۱- مذاهب / M مذاهب.
 ۲- مُرجئه / R مرجئه. M مرجئه.
 ۳- و / در M. زیر دارد.
 ۴- ایشان / «ن» در M زیر دارد!
 ۵- سُنّیان / M سُنّیان.
 ۶- می‌کنند / M می‌کنند.
 ۷- صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ / ص.
 ۸- ایشان / در M «ن» زیر دارد!
 ۹- و / در M زیر دارد.
 ۱۰- و / در M زیر دارد.
 ۱۱- صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ / M ص.
 ۱۲- قرآنِ کریم: س ۲۲، ی ۴۵.
 زیر «قَصْرٍ مَّشِيدٍ» در R به خطّی ریز نوشته شده است: کوشک استوار.
 ۱۳- ازین / M از این.
 ۱۴- کردند / M کرده‌اند.
 ۱۵- و / در M زیر دارد.
 ۱۶- بدرستی / در M سین زیر دارد!
 ۱۷- یکدیگرند / M یکدیگر آند.
 ۱۸- بود / M پوّد.
 ۱۹- و او / M و.
 ۲۰- ص / M ندارد.

یا علی! تو از من به منزله هارونی از موسی، غیر از آنکه بعد از من پیغمبری نخواهد بود،^۱ و اگر نه تو پیغمبر می‌بودی. و **أَوَّلُ** ما مُحَمَّد است^۲ و میان ما مُحَمَّد است^۳ و آخر ما مُحَمَّد است - **صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ**. پس کسی که کمال کند معرفت مرا پس او بر دین ثابت و مستقیم است چنانکه خدای - **تَبَارَكَ وَتَعَالَى** - فرموده است که: اینست دین قَیِّم و راست و **دُرُست** و من بیان کنم به یاری خدا و توفیقِ خدا. ای سلمان و ای جندب! گفتند: **لَبَّيْكَ! یا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ!** حضرت - **صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ** - فرمود که: بودم^۴ من و مُحَمَّد یک نور از نور خدای - **تَبَارَكَ وَتَعَالَى**! پس خدای - **تَبَارَكَ وَتَعَالَى** - آن نور را^۵ دو قسمت کرد، به نصفی از آن گفت^۶ که: باش مُحَمَّد، و به نصفی دیگر فرمود که: باش علی. پس ازین^۷ جهت است که پیغمبر - **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** - فرمود که: علی از منست و من از علی‌ام^۸ و ادا نمی‌کند به نیابت من رسالت را مگر علی و^۹ بتحقیق که ابوبکر^{۱۰} را سوره برائت داد و به جانب مکه روانه ساخت^{۱۱}. پس جبرئیل آمد^{۱۲} و گفت: یا مُحَمَّد! حضرت فرمود که: **لَبَّيْكَ!** حضرت جبرئیل فرمود که: خدای - **تَبَارَكَ وَتَعَالَى** - می‌فرماید که: این سوره را تو برسانی^{۱۳} یا مردی که از تو باشد. پس مرا فرستاد^{۱۴} تا ابوبکر را بازگردانیدم^{۱۵} و ابوبکر را بد آمد^{۱۶} و گفت: یا رسول الله! - **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** - آیا در شان من چیزی نازل شد؟

۱- بود / M بود.

۲- است / M + ص.

۳- است / M + ص.

۴- و / در M زیر دارد.

۵- بودم / چنین است در R و M.

۶- نور را / M نورا.

۷- گفت / در M تاء زیر دارد.

۸- ازین / M از این.

۹- **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** / M ص.

۱۰- علی‌ام / M علیم.

۱۱- و / در M زیر دارد.

۱۲- ابوبکر / M ابوبکر.

۱۳- ساخت / M ساخت.

۱۴- آمد / در M میم زیر دارد.

۱۵- برسانی / M برسان.

۱۶- فرستاد / در M دال زیر دارد.

۱۷- بازگردانیدم / M بازگردانیدم.

۱۸- و / در M زیر دارد.

۱۹- **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ** / M ص.

حضرت فرمود که: نه، ولیکن خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - می خواهد که ادای رسالت را نکند به غیر از من و ^۱علی. ای سلمان و ای جندب! ^۲گفتند: لَیْسَ بِكَ اِی برادرِ رسولِ خدا! ^۳حضرت فرمود که: شخصی که قابلیت نداشته باشد که نامہ [ای] را ادا کند از رسولِ خدا - صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم - چگونه صلاحیتِ امامت ^۴داشته باشد؟ ای سلمان و ای جندب! بدرستی که من و رسولِ خدا یک نوریم، رسولِ خدا محمد ^۵مصطفی - صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم - و ^۶برگزیده ^۷حضرت ^۸إِلَہ است ^۹۱۱ و ^{۱۰}۱۲ مَن وَصَّیْیَ آن حضرت و مرتضی و پسندیده پروردگارم و محمد - صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم - ناطق بود و من خاموش ^{۱۳}بودم زیرا که در هر عصری می باید یک معصوم گویا باشد و ^{۱۴}یک معصوم خاموش ^{۱۵}۱۶. ای سلمان! محمد مُنْذِر و بیم کننده است و ^{۱۷}۱۸ مَن هَادَی و راهنماینده ام چنانکه خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - می فرماید: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ ^{۱۹}یعنی: یا محمد! تو بیم کننده ای ^{۲۰}و ترساننده بندگان مرا از عذابِ مَن و هر قومی را هدایت کننده مُقَرَّر کرده ام. پس رسولِ خدا - صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم - مُنْذِر بود و من هادیم و بعد از آن حضرت اولاد ^{۲۱}۲۲ اُمّجاد

۱- و / در M زیر دارد. ۲- جندب / در M باء زیر دارد.

۳- رسولِ خدا / R + ص. ۴- صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم / M ص.

۵- امامت / M امامیت. ۶- محمد / M و حضرت.

۷- عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم / R ندارد. از M ضبط شد. ۸- و / در M زیر دارد.

۹- برگزیده / M حرفِ یکم در M هم زیر دارد و هم زیر.

۱۰- حضرت / M ندارد. ۱۱- است / M اِشْت [ا].

۱۲- و / در M زیر دارد. ۱۳- صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم / M ص.

۱۴- خاموش / M خاموش. ۱۵- و / در M زیر دارد.

۱۶- خاموش / M خاموش. ۱۷- و / در M زیر دارد.

۱۸- قرآنِ کریم: س ۱۳، ی ۷. ۱۹- بیم کننده ای / M بیم کننده.

۲۰- صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم / M ص. ۲۱- اولاد / M + و.

آن حضرت. پس فرمود که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - می‌فرماید از عَقَبِ^۱ این آیه که: ﴿اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ^۲ كُلُّ أَنْثَىٰ وَ مَا تَقِيضُ الْأَرْحَامُ وَ مَا تَزَادُ وَ كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ^۳ سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَ الْقَوْلَ وَ مَنْ جَهَرَ بِهِ وَ مَنْ هُوَ مُتَخَفٍ بِاللَّيْلِ وَ سَارِبٌ بِالنَّهَارِ لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ^۴ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ﴾^۵ ترجمه آیه کریمه اینست که: خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - می‌داند آنچه بار برمی‌دارد هر ماده به آنکه نر است یا ماده، صحیح است یا معیوب، سعید است یا شقی، عُمَرِ او کوتاه^۶ خواهد بود یا دراز،^۷ و^۸ به کجا خواهد مدفون^۹ شد، و می‌داند کمی و زیادتِ رحم را از عَدَدِ فرزند که یکی است یا زیاده تا چهار^{۱۰} واقع شده است، و^{۱۱} از کمی اندام و زیادتِ آن، و^{۱۲} از مدتِ ولادت که کمتر از نه ماه است^{۱۳} یا زیاده، و^{۱۴} هر چیزی نزد او به قدری و اندازه‌ایست که از آن در نمی‌گذرد و از آن کمتر نمی‌باشد. خداوندیست که دانای پنهان و آشکارست^{۱۵} و بزرگوارست به حسب^{۱۶} مرتبه و بلندست بر هر چیزی به قدرت یا بزرگوارست از آنکه او را صفتی باشد مثل صفاتِ مخلوقات و^{۱۷} مُتَعَالِیست^{۱۸}

۱- عَقَبِ / M عَقَبِ.

۲- تَحْمِلُ / در R حرفِ یکم هم دو نقطه بر زیر دارد و هم در زیر. M یَحْمِلُ.

۳- مَا / M و R ندارد. ۴- الْمُتَعَالِ / M لام هم زیر دارد و هم پیش.

۵- یَحْفَظُونَهُ / در M فاء زیر دارد. ۶- قرآن کریم: س ۱۳، ی ۸ - ۱۱.

۷- کوتاه / M دراز. ۸- خواهد / در M هاء زیر دارد.

۹- دراز / M کوتاه. ۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- خواهد مدفون / M مدفون خواهد. ۱۲- چهار / M چهار.

۱۳- و / در M زیر دارد. ۱۴- و / در M زیر دارد.

۱۵- ست / M است. ۱۶- و / در M زیر دارد.

۱۷- ست / M است. ۱۸- به حسب / M بحسب.

۱۹- و / در M زیر دارد. ۲۰- مُتَعَالِیست / M متعالی است.

از آن و مساوی است از شما نسبت به او هر که آهسته سخن گوید و یا بلند گوید و کسی که پنهان باشد در ظلمت شب یا روان باشد در ضیاء روز، مر او را جمعی از فرشتگان^۲ هست از پیش روی آن کس و از پس سر او که حفظ می کنند^۳ او را به فرمودهٔ الهی یا از عذاب الهی به دعا^۴ هرگاه بندگان گناه می کنند پس پروردگاری که چنین عالم است^۵ به احوال بندگان خود چنین مُشْفِق است به ایشان^۶ از برای هر قومی در هر زمانی هادی مُقَرَّر گردانیده که معصوم باشد و خلق را از ضلالت به هدایت آورند^۷ و از معصیت به طاعت^۸ و از کفر به ایمان. پس آن حضرت دستی بر^۹ دست دیگر زد و فرمود^{۱۰}: که: گردید محمد صاحب^{۱۱} جمع و^{۱۲} گردیدم من صاحب^{۱۳} نشر. معنی اش^{۱۴} آنست - اللهُ أَكْبَرُ - که: فردای قیامت اُمّت آن حضرت جمع خواهند شد هشتاد هزار صف و لیکن علی بن ابی طالب همه^{۱۵} را پراکنده خواهد ساخت به آنکه شیعیان خود را در بهشت درآورد و^{۱۶} دشمنان^{۱۷} خود را در دوزخ^{۱۸}. و گردید محمد صاحب بهشت و گردیدم من صاحب دوزخ زیرا که از اُمّت آن حضرت دشمنان علی بن^{۱۹} ابی طالب و ستمکاران بر آن حضرت و اولاد آن حضرت و مخالفان او داخل جهنم خواهند شد؛ می گویم به جهنم

۱- و / در M زیر دارد. ۲- فرشتگان / در M «ن» زیر دارد.

۳- می کنند / M می کند. ۴- دعا / M دعاء.

۵- است / M است. ۶- ایشان / در M «ن» زیر دارد.

۷- آورند / زیر «و» در M صریح است. ۸- طاعت / M طاعت.

۹- بر / M بر. ۱۰- و فرمود / M و گفت.

۱۱- صاحب / در M باء زیر دارد. ۱۲- و / در M زیر دارد.

۱۳- صاحب / در M حاء زیر دارد. ۱۴- اش / M است.

۱۵- همه / زیر میم در M صریح است. ۱۶- و / در M زیر دارد.

۱۷- دشمنان / در M حرف یکم زیر دارد. ۱۸- و / در M زیر دارد.

۱۹- بن / M ابن.

که: نگاه دار این دشمن مرا، و^۱ بگذار این دوست مرا. و گردید محمد - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - صاحب زلزله قیامت، و^۲ گردیدم من صاحب^۳ شمارِ اهلِ مَحْشَر. منم صاحب^۴ لوح محفوظ که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - اِلهام کرده است مرا آنچه در لوح^۵ است. بلی ای سلمان^۶ و ای جنبد! گردید محمد، یَسَّ وَالْقُرْآنُ الْحَکِیم، اَشْهَر در تفسیر او آنست که: ای سَید! به حَقِّ قرآن با حکمت که از تو جمله پیغمبرانِ مُرْسَلی. و بعضی گفتند که: یَسَّ اسمِ آن حضرت است^۸ و از این^۹ جهت است که اهلِ بَیت^{۱۰} را «آل یَسَّ» می نامند و گردید محمد،^{۱۱} «نَ وَالْقَلَمَ أَظْهَرَ» در تفسیر او آنست که «ن»^{۱۲} عبارت از دواتست چنانکه منقولست از حضرت امیرالمومنین - صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ - که: رسولِ خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرمود که: اَوَّل چیزی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - آفرید قَلَم بود. پس نون را بیافرید و قلم از آن دوات^{۱۴} نوشت آنچه بوده و هست و خواهد بود.^{۱۵} و چون پیشتر گذشت که اَوَّل چیزی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - آفرید ذات مقدسِ مُظْهَر^{۱۶} مصطفوی^{۱۷} و مرتضوی بود، پس نون و^{۱۸} قَلَم^{۱۹} که مظهرِ علومِ اِلهی اند کنایت از ایشان باشد.

و گردید محمد - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -، (طَه مَا أُنْزِلْنَا عَلَيْكَ الْفُرْقَانِ لِنَشَقِّی) ^{۲۱}. در

- ۱- و / در M زیر دارد.
 ۲- و / در M زیر دارد.
 ۳- صاحب / در M باء زیر دارد.
 ۴- صاحب / در M باء زیر دارد.
 ۵- لوح / M + محفوظ.
 ۶- سلمان / در M «ن» زیر دارد.
 ۷- سَید / زیر سین در M صریح است.
 ۸- حضرت تست / M حضرت است.
 ۹- از این / M ان.
 ۱۰- بَیت / زیر باء در M صریح است.
 ۱۱- محمد / M + ص.
 ۱۲- أَظْهَرَ / M اظْهَرَ.
 ۱۳- نَ / M ان.
 ۱۴- دوات / در M تاء زیر دارد.
 ۱۵- سنج: بحار الأنوار ۳۷۲/۵۴.
 ۱۶- مُظْهَر / M ندارد.
 ۱۷- مصطفوی / M مصطوی [۱].
 ۱۸- و / در M زیر دارد.
 ۱۹- قلم / چنین است در M. R القلم.
 ۲۰- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.
 ۲۱- قرآن کریم: س ۲۰، ی ۱ - ۲.

تفسیر «طه» اختلافِ بسیاری واقع شده است^۱ میان مُفسِّران. اُمّا جمعی کثیر از ایشان^۲ برآنند که از جمله هفت نام رسالت پناه محمّدی است - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۳ - که در قرآن واقع شده است چنانکه از ابنِ عباس مرویست که او از رسولِ خدا (ص)^۴ روایت کرد که: آن حضرت فرمود که: خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - مرا در قرآن به هفت نام خواند: مُحَمَّدٌ وَأَحْمَدٌ وَطَهٌ وَیَسٌ وَمُرَّیْلٌ وَمُدَّتِرٌ وَعَبْدُالله. ^۵ پس برین^۶ تقدیر مُنادی^۷ باشد که حرفِ ندا از و^۸ حذف شده است. یعنی: ای محمّد! ما قرآن را نفرستادیم به سویی تو که تو تعب^۹ بکسی چنانکه منقولست که^{۱۰} آن حضرت - صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ - در ابتدای رسالت به قیام شب اقدام نمودی و بر یک پای ایستادی تا پشتِ پایِ او ورم کردی: این سوره نازل شد.^{۱۲} و از حضرتِ امام به حق ناطق، جعفر بن^{۱۳} محمّد الصادق^{۱۴} - صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ^{۱۵} عَلَيْهِمَا - منقولست که: طه سوگند است به طهارتِ أَهْلِ بَيْتِ^{۱۶} رسولِ خدا (ص) که: ﴿وَيُطَهِّرُكُمْ^{۱۷} تَطْهِيرًا﴾^{۱۸} و آنچه این بی‌بضاعت^{۱۹} را به خاطر رسیده است - وَ^{۲۰} اللهُ أَغْنَمَ - آنست که طا به حسابِ جُمْلُ نُهْ^{۲۱} است و^{۲۱} ها پنج. مجموع، چهارده می‌شود. ممکن

۱- شده است / M ندارد.

۲- از ایشان / M از ایشان.

۳- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۴- ص / M ندارد.

۵- عبدالله / در M حرفِ پایانی زیر دارد.

۶- برین / M بر این.

۷- مُنادی / در M مکرر نوشته شده است.

۸- از و / M از او.

۹- تَعَب / M تعب [!].

۱۰- که / M از.

۱۱- صلوات / M و R صلوات.

۱۲-... نازل شد / «شد» در M نیست.

۱۳- بن / M ابن.

۱۴- الصادق / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۵- سَلَامُهُ / در M میم زیر دارد.

۱۶- بَيْت / زیرِ باء در M صریح است.

۱۷- يُطَهِّرُكُمْ / در M راه زیر دارد.

۱۸- قرآنِ کریم: س ۳۳، ی ۳۳.

۱۹- بی‌بضاعت / در M تاء زیر دارد!

۲۰- و / در R نیامده ولی در M هست.

۲۱- و / در M زیر دارد.

است که قَسَم باشد به چهارده معصوم^۱ که خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - عالم را از برای وجود ایشان ایجاد کرده - وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِحَقَائِقِ الْأُمُورِ^۴.

و دیگر حضرت می فرماید که: گردید محمد صاحب^۵ دلالات^۶ و معجزات^۷ و گردیدم من نیز صاحب^۹ آیات و علامات و معجزات؛ و^{۱۱} گردید محمد خاتم^{۱۲} پیغمبران و گردیدم^{۱۳} من خاتم اوصیاء پیغمبران^{۱۴}؛ منم راه راستی که خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - امر کرده است به پیروی^{۱۵} آن راه؛ منم آن خبر عظیمی که مردمان در آن اختلاف کردند و^{۱۶} کسی اختلاف نکرد مگر در ولایت من و گردید محمد - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ - صاحب^{۱۸} دعوت که خلق را به زبان به خدا می خواند و گردیدم من صاحب شمشیر محمد (ص)^{۱۹} که مردم را به شمشیر به راه آوردم. گردید محمد پیغمبر مُرْسَل و گردیدم من صاحب امر پیغمبر - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ^{۲۰} - که خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - فرموده است که: (يَلْقَى الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ)^{۲۱} یعنی إلقا می کند خدای^{۲۲} - تَبَارَكَ

۱- معصوم / واپسین حرف در M زیر دارد.

۲- اَعْلَمُ / M یعلم.

۳- بِحَقَائِقِ / M بحقایق.

۴- الْأُمُور / M ندارد.

۵- صاحب / در M واپسین حرف زیر دارد!

۶- دِلَالَات / در M واپسین حرف زیر دارد!

۷- و / در M زیر دارد.

۸- و / در M زیر دارد.

۹- صاحب / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- و / در R نیامده ولی در M هست.

۱۲- خاتم / در M هر دو حرف واپسین زیر دارند.

۱۳- و گردیدم / M ندارد.

۱۴- پیغمبران / در M «ن» زیر دارد!

۱۵- پیروی / R بی روی.

۱۶- و / در M زیر دارد.

۱۷- صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ / M ص.

۱۸- صاحب / در M باء زیر دارد.

۱۹- ص / M ندارد.

۲۰- صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ / M ص.

۲۱- قرآن کریم: س ۴۰، ی ۱۵.

۲۲- خدای / R خدایی. ضبط نص، موافق M است.

و تَعَالَى - روح را از امر خود بر هر که می خواهد از بندگان خود و این روح برگزیده خداست که عطا نمی کند و^۱ اِلْقَانِیْ کُنْدَ اِیْنِ رُوحِ رَا مَکْرَ بَرِ فَرِشْتَهٗ مُسْتَرْبِ یَا پِیغمَبَرِ مُرْسَلِ یَا وَصِیِّ پِیغمَبَرِ بَرگزیده. پس کسی که خدای - تَبَارَکَ وَتَعَالَى - او را این روح کرامت کند، او را از سایر مردمان ممتاز می گرداند و او را قادر می گرداند به قدرت خود و می دهد او را زنده^۲ اَکْردانیدنِ مردگان^۳ و می داند به سَبَبِ اِیْنِ رُوحِ اَنچه بوده است^۴ و آنچه خواهد بود و می تواند که برود^۵ از مشرق به مغرب و از مغرب به مشرق^۶ در یک چشم بَرَهْمَ زَدَن و می داند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و می داند آنچه^۷ در خاطرِ خطور می کند و آنچه در دلها می گذرد.

ای سلمان و ای جندب! گردید محمد آن ذکری که خدای - تَبَارَکَ وَتَعَالَى - می فرماید که: بدرستی که فرستادیم^۹ به سویی شما ذکری را یعنی یادآورنده خدای - تَبَارَکَ وَتَعَالَى - و ثواب و^{۱۰} عقاب او که آن پیغمبری است که تلاوت می کند بر شما آیات مرا. آیا عقل خود را به کار نمی فرمایید؟^{۱۱} بدرستی که به من داده اند عِلْمِ مَرگها که می دانم که هر کس در چه وقت می میرد و به چه مرگ می میرد و به من داده اند عِلْمِ بَلاهای^{۱۲} که نازل می شود که چه بلا نازل می گردد^{۱۳} و در چه وقت می آید و به من داده اند عِلْمِ جدایی^{۱۴} میانِ خَصْمها که هر دو کس را می دانم که در میانِ ایشان چه نَحْوِ حُکْم می باید کرد و به من اَمَانَت داده اند^{۱۵} عِلْمِ قُرْآن را و آنچه واقع خواهد شد تا روزِ قِیَامَت و محمد - صَلَّی اللّٰهُ

۱- و / در M زیر دارد. ۲- زنده / در M دال زیر دارد.

۳- مردگان / در M «ن» زیر دارد! ۴- است / M اِشْت.

۵- برود / M ندارد. ۶- مشرق / در M واپسین حرف زیر دارد.

۷- آنچه / M + را. ۸- جندب / M جَنْدَب.

۹- فرستادیم / M فرستاده ایم. ۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- نمی فرمایید / M نمی فرماید. ۱۲- بلاهای / M بلاهای.

۱۳- می گردد / M می آید گردد. ۱۴- جدایی / M جدائی.

۱۵- داده اند / M داده نند.

عَلَيْهِ وَآلِهِ^۱ - إِقَامَتِ حَجَّتِ كَرْد بر خَلْق و تَبْلِيغِ رسالت كَرْد و از آن جمله امامت و ولایت مرا واضح گردانید و^۲ گردیدم من حُجَّتِ خدا بر خَلْقِ خدای - تَبَاَرَك و تَعَالَى. داده است به من آنچه نداده است به کسی دیگر، نه از پیشینیان و نه از پسینیان،^۳ نه^۴ پیغمبر مُرْسَل را^۵ و نه^۶ فرشته مُقَرَّب را. ای سلمان و^۷ ای جَنْدَب! گفتند: نَبِیک! یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ! حضرت - صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَیْهِ^۸ - فرمود که: منم آن کس^۹ که برداشتم نوح را در کشتی به اَمْرِ پروردگارِ خود. منم آن کسی^{۱۰} که^{۱۱} بیرون آوردم یونس را از شکم ماهی به اِذْنِ پروردگار. منم آن کسی^{۱۲} که گذرانیدم موسی بن عمران را از دریا به اَمْرِ پروردگار. منم آن کسی^{۱۳} که بیرون آوردم ابراهیم را از آتش به اَمْرِ پروردگار. منم آن کس که جاری^{۱۴} گردانیدم نهرها را در آن آتش و شکافتم چشمه‌های او را و کِشتم درختهای او را به اِذْنِ پروردگار. مَنَّم عَذَابِ رَوْحِ ظِلِّ و آن ابری بود که قوم شَعِیْب را فرا گرفت^{۱۵} و ایشان^{۱۶} از سختی گرما پناه به او بُرُودند؛ پس همه^{۱۷} را فرا گرفت و^{۱۸} هَلَاک کرد. مَنَّم نَادَاکُنْدَه در تَفْخِ

۱- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M ص. ۲- و / در M زیر دارد.

۳- پسینیان / در M حرف واپسین زیر دارد! M + و.

۴- نه / M + اَر [ظ: از]. ۵- را / M ندارد.

۶- نه / M + از. ۷- و / در M زیر دارد.

۸- أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ / M + ع. ۹- صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَیْهِ / M ندارد.

۱۰- آن کس / R آنکسی (که البته به نظر می‌رسد خطِ خُرَدی روی یاء کشیده شده است).

ضبطِ نص، موافق M است. ۱۱- آن کسی / M آنکس.

۱۲- که / M + یونس را. ۱۳- آن کسی / M ندارد.

۱۴- پروردگار / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۵- آن کسی / M آنکس.

۱۶- پروردگار / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۷- جاری / M ندارد. ۱۸- گرفت / در M تاء زیر دارد

۱۹- ایشان / M + را. ۲۰- همه / در M «م» زیر دارد.

۲۱- و / در M زیر دارد.

صور از جایی^۱ نزدیک که بشنوند او را چن و^۲ اِئس و جماعتی چنین فهمند که من به همه^۳ کس می توانم فهمانید و^۴ شنواید از ستمکاران و^۵ منافقان به زبانهای ایشان.^۶ مَنم^۷ خضر عالم موسی. مَنم یاددهنده سلیمان^۸ و داود. مَنم ذوالقرنین. مَنم قدرتِ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى.

ای سلمان و^۹ ای جندب! منم محمد و محمد منست.^{۱۰} و منم از^{۱۱} محمد و محمد از من.^{۱۲} خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - می فرماید: ﴿مَرْجَ^{۱۳} الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخُ^{۱۴} لَا يُبْقِيَانِ﴾^{۱۵} در تفسیر اهل بیت^{۱۶} وارد شده^{۱۷} است که مراد از این^{۱۸} آیه آنست که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - در آمیخت دو دریا را تا آمیخته شوند^{۱۹} و مراد از این^{۲۰} دو دریا حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه زهراست - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا - که یکی دریای علم بود و^{۲۱} یکی دریای^{۲۲} جلم: جلم: یکی دریای^{۲۳} شجاعت و یکی دریای سخاوت، و در میان حایلی هست تا با هم آمیخته نشوند و آن رسول خداست^{۲۴} (ص)^{۲۵} و بیرون می آید

- ۱- جایی / M جای.
- ۲- و / در M زیر دارد.
- ۳- همه / در M «م» زیر دارد.
- ۴- و / در M زیر دارد.
- ۵- و / M + منقا.
- ۶- ایشان / در M «ن» زیر دارد.
- ۷- مَنم / M ندارد.
- ۸- سلیمان / زیر لام در M صریح است.
- ۹- و / در M زیر دارد.
- ۱۰- منست / M مَن است.
- ۱۱- از / در M روی آن (ظ) خطی کشیده شده.
- ۱۲- محمد از من / M مَن محمد.
- ۱۳- مَرْجَ / M مَرْجُ.
- ۱۴- بَرْزَخُ / M بَرْزَخُ.
- ۱۵- قرآن کریم: س ۵۵، ی ۱۹.
- ۱۶- بیت / زیر باء در M صریح است.
- ۱۷- شده / در M دال زیر دارد.
- ۱۸- ازین / M از این.
- ۱۹- شوند / M نشوند.
- ۲۰- ازین / M از این.
- ۲۱- و / در M زیر دارد.
- ۲۲- دریای / در R دریاء. ضبط نص، موافق M است.
- ۲۳- جلم / M حُکَم.
- ۲۴- دریای / در R دریاء. M دریای.
- ۲۵- ست / M است.
- ۲۶- ص / M ندارد.

ازین^۱ دو دریا مروارید و مرجان که حَسَن و حُسَین باشند - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمَا. ای سلمان و ای جندب^۲! كَيْفَ! یا اَمیرالمؤمنین! حضرت فرمود که: ^۳بدرستی که مرده ما نمی میرد و غایب ما غایب نمی گردد و کشته ما کشته نمی شود^۴ هرگز. ای سلمان و ای جندب! گفتند: كَيْفَ! یا اَمیرالمؤمنین! حضرت فرمود که: مَنَّم پادشاه هر مؤمن و مؤمنه از هر که گذشته است و هر که می آید و مؤید ساخته اند مرا به روح عظمت و من حرف زدَم بَرِ زبَانِ عِیْسَى بْنِ مَرْیَمَ در گهواره. مَنَّم آدَم. مَنَّم نُوح. مَنَّم اِبْرَاهِیم. مَنَّم مُوسَى. مَنَّم عِیْسَى^۵. مَنَّم به هر صورتی که می خواهم می گردم. هر که مرا ببیند ایشان را دیده است و اگر ظاهر شوم بر مَرْدَم در یک صورت هر آینه همه^۶ هلاک شوند^۷ در من و گویند که: او را زوال و تغیر^۸ نیست و کافر شوند.^۹ و بدرستی که نیستم من مگر بنده ای^{۱۰} از بندگانِ خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى. ما را خدا مدانید و در فضیلت ما هر چه خواهید بگوئید: که هر چه بگوئید نرسیده است به حقیقت آنچه مَقَرَّر ساخته است^{۱۱} خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى. از برای ما بلکه به صد یک او نمی رسید زیرا که ما آیات و علامات پروردگاریم و دلایل

۱- ازین / M از این ۲- جندب / در M واپسین حرف زیر دارد.

۳- که / M و R + مَنَّم پادشاه ولی در R روی آن خط زده شده است.

۴- نمی شود / R نمی شوند. ضبط نص، موافق M است.

۵- مَنَّم عِیْسَى / در M پیش از «مَنَّم موسی» آمده است.

۶- همه / در M «م» زیر دارد.

۷- شوند / M می شوند. ضبط نص، موافق R است.

۸- تَغْیِیر / R و M تغیر. در R پس از «تغیر» لفظی شبیه «باشد» نوشته شده و البته خط زده شده است.

۹- و کافر شوند / در R به خطی ریز بالای سطر نوشته شده است. M به جای «و»، «همه» دارد.

۱۰- بنده ای / M بنده.

۱۱- تَبَارَكَ وَ / M ندارد. ۱۲- ساخته است / M گردانیده.

و^۱ بَيِّنَاتٍ اَوْنِیم و حَجَّتْهَايِ خَدَانِیم بِر خَلْق و خلیفه های اَوْنِیم و اَمِینَانِ حَضْرَتِ اِلَهِیم و اِیْمَانِ اَوْنِیم. مَانِیم وَجْهَ الله و^۲ عَیْنِ الله و^۳ لِسَانُ الله - و تفسیرِ اَکْثَرِ اینها خواهد آمد در ضَمَنِ شَرْح: اِنْ شَاءَ الله.

به سَبَبِ دشمنی ما خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بندگانِ خود را عذاب می کند و به سَبَبِ دوستی و متابعتِ ما ثواب می دهد و از میانِ خَلْقِ خود ما را مَعْصُوم و مُطَهَّر گردانید و ما را برگزید و اگر کسی بگوید که: چرا؟ و چگونه؟^۴ و در کجا؟^۵ هر آینه کافر می گردد و مشرک، زیرا که نمی رسد کسی را که از او سؤال کند از آنچه او می کند چه هرچه می کند همه بر وفقِ حکمت می کند^۶ و او را می رسد که از همه سؤال کند از هرچه می کنند. ای سلمان و ای جنبد!

گفتند: لَبَّيْكَ! یا اَمِیرَ الْمُؤْمِنِین!

حضرت^۷ - صَلَوَاتُ الله عَلَیْهِ - فرمود که: هر که^۸ اِیْمَانِ بیاورد به آنچه گفتَم و تصدیق کند به آنچه بیان کردم و تفسیر کردم و شرح کردم^۹ و واضح گردانیدَم و روشن ساختم و مُبَرِّهَن ساختم، پس او مُؤْمِنِست مُتَّحِن که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - اِیْمَانِ را در دلِ او جای داده است و سینه او را باز کرده و روشن ساخته است از برایِ اِسلام و او عارفی است بینا که به نهایتِ عرفان رسیده است^{۱۰} و تمام و کامل شده است؛ و هر که شک کند

۱- و / M ندارد. ۲- و / در M زیر دارد.

۳- و / در M زیر دارد. ۴- و چگونه / در M «و» یا «چه» زیر دارد.

۵- کجا / M + و.

۶- آنچه او... حکمت می کند / M. هرچه می کنند.

۷- حضرت / در M روی و پسین حرف دو زیر نهاده شده است!!

۸- هر که / در R مکرر نوشته شده است. ۹- و شرح کردم / M ندارد.

۱۰- رسیده است / M رسید است.

و^۱ عناد ورزد و توقف کند و حیران شود و صاحب^۲ شك شود، پس او تقصیر کرده است و دشمن ماست.^۳ ای سلمان و جندب! گفتند: یَبْنِیْکَ! یا امیرالمؤمنین!

حضرت فرمود که: من میراثم و من^۴ زنده می گردانم به اِذْنِ پروردگار خود، و من خبر می دهم شما را به آنچه می خورید و آنچه ذخیره می سازید در خانه های^۵ خود به اِذْنِ پروردگار، و مَنَّم دانا به پنهان دلهای^۶ شما و اِمامان از فرزندان من نیز می دانند^۷ و هرچه خواهند می توانند کرد، زیرا که ما همه^۸ یکی ایم^۹، اَوَّلِ ما محمد است و آخرِ ما محمد است و همه ما محمدیم. پس جدایی میندازید^{۱۰} میانِ ما. پس بدروستی که ما ظاهر می شویم در هر زمانی و در هر وقتی در هر دوری^{۱۱} در هر صورتی که خواهیم به اِذْنِ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - و خواهش ما خواهش خداست و هرگاه ما نخواهیم^{۱۲} خدا نمی خواهد. وای همه وای بر کسی که اِنکار کند فضیلتِ ما را و برگزیدگیِ ما را و آنچه پروردگار ما به ما داده است، زیرا که هر که اِنکار کند چیزی از آن چیزهایی^{۱۳} که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - به ما ارزانی داشته است^{۱۴}، پس بتحقیق که اِنکارِ قدرتِ اِلَهِی و خواهش

۱- و / در M زیر دارد.

۲- صاحب / در M واپسین حرف زیر دارد!

۳- ماست / M ندارد.

۴- من / M ندارد.

۵- خانه های / M و R خانهای.

آشنایان به هنجارهای رسم الخطی پیشینیان می دانند که «خانهای» هم جمع «خان» تواند بود

و هم جمع «خانه».

۶- دلهای / در M حرف یکم زیر دارد.

۷- می دانند / M می داند.

۸- همه / در M «م» زیر دارد.

۹- یکی ایم / R یکی ام. ضبط نص، موافق M است.

۱۰- میندازید / M می نازید.

۱۱- دوری / M دوری و.

۱۲- نخواهیم / M نمی خواهیم.

۱۳- چیزهایی / M چیزهای.

۱۴- است / M ندارد.

إلهی کرده است^۱ در حقّ ما. ای سلمان و ای جندب!

گفتند: لَبَّيْكَ! یا امیرالمؤمنین!

حضرت فرمود که: بتحقیق که پروردگار ما به ما عطا کرده است آنچه بزرگتر و عظیم‌تر و بالاتر و بزرگوارتر ازینهاست.^۲

همه گفتیم: یا امیرالمؤمنین! چه چیز است آنچه عطا کرده است شما را پروردگار شما که ازینها همه^۳ عظیم‌تر^۴ و بزرگ‌تر^۵ است؟

حضرت - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - فرمود که: به ما داده است پروردگار ما اسمِ أَعْظَمٍ خود را که اگر خواهیم بدریم و^۶ پاره کنیم^۸ آسمانها و^۹ زمینها و بهشت و دوزخ را، و^{۱۰} به سبب آن به آسمان بالا رویم یا به^{۱۱} زمین به زیر رویم و به مغرب رویم و به مشرق رویم و به^{۱۲} عرش رویم^{۱۳} و بر عرش نشینیم و با خدا سخن گوئیم^{۱۴} و اطاعت می‌کنند ما را هر چیز حتّی آسمانها و زمین و آفتاب و ماه و ستارگان و^{۱۵} کوهها و درختان و چهارپایان و دریاها و بهشت^{۱۶} و دوزخ. اینها همه را خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - به ما داده است به بَرکَتِ^{۱۷} اسمِ أَعْظَمی که به ما یاد داده است و ما را به آن مخصوص گردانیده است. و با

۱- و خواهشِ إلهی کرده است R / در ادامه افزوده است: «و خواهشِ إلهی» آنگاه روی دو لفظ «خواهش» و «إلهی» را در این افزونه خط زده‌اند.

۲- ازینهاست M / از اینها است. [کذا]. ۳- همه / در M زیر دارد.

۴- عظیم‌تر M / عظیم. ۵- بزرگ‌تر M / بزرگوارتر.

۶- و / در M زیر دارد. ۷- عِ صَلَوَاتُ / M صلوة.

۸- کنیم / در M «ن» زیر دارد! ۹- و / در M زیر دارد.

۱۰- و / در M زیر دارد. ۱۱- به / M بر.

۱۲- به / M با. ۱۳- رویم M / ندارد.

۱۴- گوئیم / M گوئیم [!]. ۱۵- و / در M زیر دارد.

۱۶- بهشت / M بهشتها (ولی روی «سها» - ظ. به نشانه حذف نقطه چین شده است).

۱۷- بَرکَت / در M حرفِ واپسین زیر دارد!

اینها همه، چیزی می‌خوریم و می‌آشامیم و در بازارها راه می‌رویم و این کارها^۱ می‌کنیم به امر پروردگار، و ما بندگانِ خاصِ پروردگاریم که سبقت بر وی نمی‌گیریم به سخن و به امر او کار^۲ می‌کنیم و ما را^۳ گردانید همه معصوم و مظهر و زیادتى داد بر بسیاری از بندگانِ مؤمن خود. پس ما می‌گوئیم که: حمد و سپاس و ستایش آن پروردگاری را که هدایت کرد ما را به این مرتبه و ما نبودیم که هدایت یابیم اگر خدای - تبارک و تعالی - ما را هدایت نمی‌کرد، و تمام است^۴ کلمه عذاب بر کافران یعنی آنهائی^۵ که انکار می‌کنند آنچه خدای - تبارک و تعالی - ما را داده است از فضل و احسان. ای سلمان و^۶ ای جندب! این معرفتِ منست^۷ به نورانیت. پس به این دست زنید تا راه یابید. پس بدرستی که هیچ‌یک از شیعیان ما به حدِ بینایی^۸ نمی‌رسند تا مرا به نورانیت نشناسند. پس چون مرا به نورانیت^۹ شناختند بیناوند و به تمام و کمال خود رسیده‌اند و به دریای^{۱۱} علم فرو رفته‌اند و به مرتبه فضل خود رسیده‌اند و مطلق شده‌اند^{۱۲} بر سیرى از اسرارِ الهی و پنهانِ خزینه‌های او.

وَرَوَى نَفَقَةُ الْإِسْلَامِ فِي الْكَافِي، عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: كُنَّا مَعَ الرِّضَا - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - يَمْزُو^{۱۳} - يَمْزُو^{۱۴} فَاجْتَمَعْنَا فِي الْجَامِعِ يَوْمَ^{۱۵} الْجُمُعَةِ فِي بَدْءِ مَقْدِمَتِنَا فَأَذَارُوا^{۱۶} أَمْرَ

-
- ۱- کارها / M کارها [کذا].
 ۲- کار / در M مکرر نوشته شده است.
 ۳- را / M. ر.
 ۴- تمام است / M تمامت.
 ۵- آنهائی / M آنهائی.
 ۶- و / در M زیر دارد.
 ۷- جندب / واپسین حرف در M زیر دارد.
 ۸- منست / M من است.
 ۹- بینایی / M بینائی.
 ۱۰- نشناسند... نورانیت / M ندارد.
 ۱۱- و به دریای / M دریائی.
 ۱۲- شده‌اند / R شدند، M ندارد.
 ۱۳- یَمْزُو / M یَمْزُو. R؟
 ۱۴- یَمْزُو / M یَمْزُو. R؟
 ۱۵- یَوْمَ / M یَوْمُ.
 ۱۶- فَاذَارُوا / M فَأَذَارُوا.

الْإِمَامَةِ وَذَكَرُوا خَوْضَ النَّاسِ فِيهَا فَدَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي - عَلَيْهِ السَّلَامُ^۱ - فَأَعْلَمْتُهُ خَوْضَ النَّاسِ فِيهِ، فَتَبَسَّمَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - ثُمَّ قَالَ: يَا عَبْدَ الْقَرِيزِ! جَهْلَ الْقَوْمُ^۲ وَخُدِعُوا عَنْ أَرَانِهِمْ^۳ إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - لَمْ يَمِضْ نَبِيَّهُ^۴ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - حَتَّى أَكْمَلَ لَهُ الدِّينَ وَانْزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ^۵ فِيهِ تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ بَيِّنٍ فِيهِ الْحَلَالُ وَالْحَرَامُ وَالْحُدُودُ وَالْأَحْكَامُ وَجَمِيعُ مَا يَخْتَجُ^۶ إِلَيْهِ النَّاسُ^۸ كَمَلًا^۹. فَقَالَ - عَزَّ وَجَلَّ -: ﴿مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾^{۱۰} وَانْزَلَ فِي حَجَّتِهِ^{۱۱} الْوِدَاعَ وَهِيَ آخِرُ عُمْرِهِ^{۱۲} - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۱۳} - ﴿النَّبِيُّمُ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ^{۱۴} وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ^{۱۵} لَكُمْ الْإِسْلَامَ^{۱۶} دِينًا^{۱۷}﴾^{۱۸} وَأَمَرَ الْإِمَامَةَ مِنْ تَمَامِ الدِّينِ وَلَمْ يَمِضْ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۱۹} - حَتَّى يَبَيَّنَ لِأُمَّتِهِ مَعَالِمَ^{۲۰} دِينِهِمْ^{۲۱} وَأَوْضَحَ لَهُمْ سَبِيلَهُمْ وَتَرَكَهُمْ عَلَى قَصْدٍ^{۲۲} سَبِيلِ الْحَقِّ وَأَقَامَ لَهُمْ عَلِيًّا - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ^{۲۳} - عَلَمًا^{۲۴} وَإِمَامًا وَمَا تَرَكَ

۱- عَلَيْهِ السَّلَامُ / M ع.

۲- الْقَوْمُ / M الْقَوْمُ.

۳- أَرَانِهِمْ / در M حرف یکم زیر دارد.

۴- نَبِيَّهُ / در M یاء پیش دارد.

۵- الْقُرْآنَ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۶- يَخْتَجُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۸- النَّاسُ / R النَّاسُ. در M واپسین حرف نشانِ جَزَم دارد.

۹- كَمَلًا / M كَمَلًا.

۱۰- قرآن کریم: س ۶، ی ۳۸.

۱۱- حَجَّتِهِ / M حَجَّتِهِ.

۱۲- عُمْرِهِ / M عُمْرِهِ.

۱۳- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۱۴- لَكُمْ دِينَكُمْ / در M از قلم افتاده است.

۱۵- رَضِيتُ / M رَضِيتُ.

۱۶- الْإِسْلَامَ / در M واپسین حرف پیش دارد.

۱۷- دِينًا / M + قِيمًا. گویا خودِ کاتب یا دیگر که زائد بودنی این افزونه را دریافته آن را نشاندار کرده است.

۱۸- قرآن کریم: س ۵، ی ۳.

۱۹- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۲۰- مَعَالِمَ / در M واپسین حرف پیش دارد.

۲۱- دِينِهِمْ / M دِينِهِمْ.

۲۲- عَلَى قَصْدٍ / M حَتَّى قَصَدَ.

۲۳- صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ / M ص.

۲۴- عَلَمًا / M عَلَمًا.

لَهُمْ شَيْئًا يَخْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا بَيْنَهُ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - لَمْ يُكْمِلْ^۱ دِينَهُ^۲ فَقَدْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ وَ مَنْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ^۳ فَهُوَ كَافِرٌ. هَلْ يَعْرِفُونَ^۴ قَدْرَ الْإِمَامَةِ وَمَحَلَّهَا^۵ مِنَ الْأُمَّةِ فَيَجُوزُ^۶ فِيهَا اخْتِيَارُهُمْ؟^۷ إِنَّ الْإِمَامَةَ^۸ أَجَلٌ قَدَرًا وَأَعْظَمُ شَأْنًا^۹ وَأَعْلَى مَكَانًا وَأَمْنَعُ^{۱۰} جَانِبًا وَأَبْنَعُ غَوْرًا^{۱۱} مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِمَعْمُولِهِمْ أَوْ يَتَأَلَّوْهَا بِأَزَانِهِمْ^{۱۲} أَوْ يُقِيمُوا إِمَامًا بِاخْتِيَارِهِمْ^{۱۳} إِنَّ الْإِمَامَةَ^{۱۴} خَصَّ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - بِهَا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ^{۱۵} - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ^{۱۶} - بَعْدَ النَّبِيِّ وَالْخَلَّةِ^{۱۷} مَرَّتَبَةً ثَالِثَةً وَفَضِيلَةً شَرْفَةً بِهَا وَأَسَادَ^{۱۸} بِهَا ذِكْرُهُ فَقَالَ: ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾^{۱۹} فَقَالَ الْخَلِيلُ (ع) سُرُورًا بِهَا: ﴿وَمِنْ ذُرِّيَّتِي﴾ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ﴿لَا يَتَأَلَّ عَهْدِي^{۲۰} الظَّالِمِينَ﴾ فَأَبْطَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ إِمَامَةَ كُلِّ ظَالِمٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَصَارَتْ فِي الصَّفْوَةِ ثُمَّ أَكْرَمَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِأَنْ جَعَلَهَا فِي ذُرِّيَّتِهِ أَهْلٍ^{۲۱} الصَّفْوَةِ وَالطَّهَارَةِ.

۱- يُكْمِلُ / M يكْمِلُ. ۲- دِينُهُ / M دینِ [کذا].

۳- وَ مَنْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ / M ندارد.

۴- يَعْرِفُونَ / در R حرفِ یکم هم دو نقطه بر فراز دارد و هم دو نقطه بر فرود. M تعْرِفُونَ.

۵- مَحَلَّهَا / در M لامِ مُشَدَّد زبر دارد.

۶- فَيَجُوزُ / چُنین است در R و M به پیشِ زای.

۷- اخْتِيَارُهُمْ / در M راءِ زبر دارد. ۸- الْإِمَامَةُ / در M واپسین حرفِ پیشِ دارد.

۹- شَأْنًا / M شَأْنًا. ضبطِ نصِ موافقِ R است.

۱۰- أَمْنَعُ / در M واپسین حرفِ زبر دارد. ۱۱- غَوْرًا / در M حرفِ یکم پیشِ دارد.

۱۲- بِأَزَانِهِمْ / در M حرفِ دوم زبر دارد. ۱۳- إِنَّ / M أَنْ.

۱۴- الْإِمَامَةُ / در M واپسین حرفِ زبر دارد.

۱۵- الْخَلِيلُ / در M واپسین حرفِ زبر دارد.

۱۶- صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ / M ص.

۱۷- الْخَلَّةُ / در M و R به زبرِ خاءِ کتابت شده است.

۱۸- أَسَادَ / M أَشَارَ. ۱۹- قرآنِ کریم: س ۲، ی ۱۲۴.

۲۰- عَهْدِي / R عَهْدِي. M سازگار با ضبطِ ماست.

۲۱- أَهْلٍ / M أَهْلُ.

فَقَالَ: ﴿وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ
بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا تَنَاجِيينَ﴾^۲
قَلَمُ تَزَلْ^۳ فِي ذُرِّيَّتِهِ يَرْتَهَا بَعْضُ^۴ عَنْ بَعْضٍ قَرَنًا قَرَنًا حَتَّى وَرَثَتَهَا^۵ اللهُ - عَزَّ وَجَلَّ - النَّبِيُّ^۶ -
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۷ - فَقَالَ - جَلَّ وَتَعَالَى -: ﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ^۸ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا
النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۹ فَكَانَتْ لَهُ خَاصَّةٌ^{۱۰} فَقَلَدَهَا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۱۱} -
- عَلِيًّا - صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ^{۱۲} - بِأَمْرِ اللهِ - عَزَّ وَجَلَّ - عَلَى رَسْمِ^{۱۳} مَا فَرَضَ اللهُ فَصَارَتْ فِي
ذُرِّيَّتِهِ الْأَصْفِيَاءَ^{۱۴} الَّذِينَ مَاتَاهُمُ اللهُ الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ بِقَوْلِهِ - جَلَّ وَعَلَا^{۱۵} -: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا
الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ﴾^{۱۶} فَهِيَ فِي وَلَدِ عَلِيٍّ (ع) خَاصَّةٌ إِلَى
يَوْمِ الْقِيَمَةِ إِذْ لَا نَبِيَّ بَعْدَ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۱۷} - فَمِنْ أَيْنَ يَخْتَارُ هَؤُلَاءِ الْجُهَالُ^{۱۸}؟!
إِنَّ الْإِمَامَةَ هِيَ مَسْرُورَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَإِثْرُ^{۱۹} الْأَوْصِيَاءِ. إِنَّ الْإِمَامَةَ^{۲۰} خِلَافَةُ^{۲۱} اللهِ^{۲۲}

۱- لَنَا / M لها. ۲- قرآن کریم: س ۱۰.

۳- تَزَلْ / M يَزَلْ. ۴- بَعْضُ / R بَعْضُ.

۵- وَرَثَتَهَا / M وَرَثَتُهُ. ۶- اللهُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۷- النَّبِيُّ / در M واپسین حرف پیش دارد.

۸- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ۹- لِلَّذِينَ / M لِلَّذِينَ.

۱۰- خَاصَّةٌ / M خَاصَّةٌ. ۱۱- قرآن کریم: س ۳، ی ۶۸.

۱۲- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ضبط نص، بنابر R است.

۱۳- صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ / M ع. ۱۴- رَسْمِ / M رَسْمِ.

۱۵- الْأَوْصِيَاءَ / در R واپسین حرف پیش دارد. ضبط نص، موافق M است.

۱۶- عَلَا / M عَلَى. ۱۷- قرآن کریم: س ۳۰، ی ۵۶.

۱۸- الْجُهَالُ / در M واپسین حرف زیر دارد. ۱۹- الْإِمَامَةَ / در M از قلم افتاده است.

۲۰- وَإِثْرُ / M وَإِثْرُ. ۲۱- خِلَافَةُ / در R و M به زیر خاء کتابت گردیده است.

۲۲- اللهُ / در M از قلم افتاده است. ۲۳- زیر نیز دارد.

وَ خِلَافَةُ^۱ الرَّسُولِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۲ - وَ مَقَامُ^۳ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ^۴ - وَ مِيرَاثُ
 الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ - صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمَا. إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ صَلَاحُ
 الدُّنْيَا وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ. إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي^۵ وَ فَرْعُهُ الشَّايِي بِالْإِمَامِ تِمَامُ الصَّلَاةِ
 وَ الزَّكَاةِ وَ الْحَجِّ وَ الصِّيَامِ وَ الْجِهَادِ وَ تَوْفِيرُ الْفَقْرِ وَ إِمْنَاءُ الْحُدُودِ وَ الْأَحْكَامِ
 وَ مَنَعُ الثُّغُورِ وَ الْأَطْرَافِ. الْإِمَامُ يُحِلُّ حَلَالَ اللهِ وَ يُحَرِّمُ^۶ حَرَامَ اللهِ وَ يُقِيمُ حُدُودَ^۷ اللهِ
 وَ يَذُبُّ^۸ عَنْ دِينِ اللهِ وَ يَدْعُو^۹ إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ.
 الْإِمَامُ كَالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ الْمُجَلَّلَةِ^{۱۰} يَنْوِرُهَا لِلْعَالَمِ وَ هِيَ فِي الْأَفْقِ يَحِثُّ لَاتَتَّأَلُهَا^{۱۱} الْأَيْدِي
 وَ الْأَبْصَارُ^{۱۲}. الْإِمَامُ الْبَدْرُ الْغَنِيُّ وَ السِّرَاجُ الزَّاهِرُ وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ النَّجْمُ الْهَادِي فِي
 غِيَاهِ^{۱۳} اللَّجْنِ وَ أَجْوَاثِ الْبُلْدَانِ الْفَقَارِ وَ لُجَجِ^{۱۴} الْبَحَارِ. الْإِمَامُ الْمَاءُ الْعَذْبُ عَلَى الظَّمَاءِ
 وَ الدَّلَالُ عَلَى الْهُدَى وَ الْمُنْجِي^{۱۵} مِنَ الرَّدَى. الْإِمَامُ النَّارُ عَلَى الْيَتَاقِ الْحَارِّ لَمَنِ اضْطَلَّ بِه
 وَ الدَّلِيلُ فِي الظُّلُمَاتِ؛ مَنْ فَارَقَهُ^{۱۶} فَهَالِكٌ. الْإِمَامُ السَّحَابُ الْمَطِيرُ وَ الْغَيْثُ الْمَهَاطِلُ
 وَ الشُّسُ الْمُضِيئَةُ وَ السَّمَاءُ الطَّلِيلَةُ وَ الْأَرْضُ الْبَسِيطَةُ وَ الْقَيْنُ الْقَزِيرَةُ وَ الْغَدِيرُ وَ الرِّوَضَةُ.

۱- خِلَافَةُ / در R و M به زیر خاء کتابت گردیده است. در M واپسین حرف زیر دارد.

۲- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M. ص. M + فَمَنْ أَيْنَ يَخْتَارُ.

۳- مَقَامُ / در M واپسین حرف زیر دارد. ۴- عَلَيْهِ السَّلَامُ / M. ع.

۵- النَّامِي / M اَلْتَّاهِي [كذا]. ۶- الْأَطْرَافِ / M + وَ.

۷- حُدُودُ / در M واپسین حرف زیر دارد. ۸- يُحَرِّمُ / M يُحَرِّمُ.

۹- يَذُبُّ / در R به پیش حرف یکم کتابت گردیده است. M يَذُبُّ.

۱۰- يَدْعُو / M يدعو. ۱۱- الْمُجَلَّلَةِ / M الْمُجَلَّلَةِ.

۱۲- تَتَّأَلُهَا / در M لام زیر دارد. ۱۳- الْأَبْصَارُ / در M باء زیر دارد. M + وَ.

۱۴- غِيَاهِ / در R به زیر هاء کتابت شده است.

۱۵- لُجَجُ / M يُجَجُّ. ۱۶- الْمُنْجِي / M الْمُنْجِي.

۱۷- فَارَقَهُ / M ندارد.

الإمام الأئیس الرفیق^۱ والوالد الشفیق^۲ والأُم البَرَّةُ بِالْوَلَدِ^۳ الصَّغیرِ^۴
وَمَفْرَعُ الْعِبَادِ^۵ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ^۶ الإمامُ أَمینُ اللَّهِ^۷ فِي خَلْقِهِ وَحُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَخَلِيفَتُهُ
فِي بِلَادِهِ وَالدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَالذَّابُّ عَنْ حَرَمِ اللَّهِ. الإمامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْمُبْرَأُ^۸ مِنَ
الْعُيُوبِ، الْمُخْصُوصُ بِالْعِلْمِ، الْمَوْسُومُ بِالْحِلْمِ، نِظَامُ الدِّينِ وَعِزُّ^۹ الْمُسْلِمِينَ وَغَيْظُ
الْمُنَافِقِينَ وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ. الإمامُ وَاحِدٌ دَهْرُهُ لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ وَلَا يُعَادِلُهُ^{۱۰} عَالِمٌ^{۱۱} وَلَا يُوجَدُ
مِنْهُ بَدَلٌ وَلَا لَهُ مِثْلٌ وَلَا نَظِيرٌ مُخْصُوصٌ بِالْفَضْلِ كُلِّهِ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَلَا اكْتِسَابٍ بَلِ
اخْتِصَاصٌ^{۱۲} مِنَ الْمُفْضَلِ الْوَهَّابِ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَتْلُغُ مَعْرِفَةَ^{۱۳} الإمامِ أَوْ يُمَكِّنُهُ اخْتِيَارَهُ^{۱۴}؟!
هَيْهَاتَ^{۱۵} هَيْهَاتَ! صَلَّتِ الْعُقُولُ^{۱۶} وَتَاهَتِ^{۱۷} الْحُلُومُ وَحَارَتِ^{۱۸} الْأَلْبَابُ وَخَسِئَتْ^{۱۹}
الْعُيُونُ وَتَصَاعَرَتِ الْعُظْمَاءُ^{۲۰} وَتَحَيَّرَتِ^{۲۱} الْحُكْمَاءُ وَتَقَاصَرَتِ الْحُلَمَاءُ^{۲۲} وَحَصَرَتِ

۱- M / و / نداد. ۲- الشفیق / M الشفیق [كذا].

۳- بِالْوَلَدِ / M بِالْوَلَدِ. ۴- الصَّغیرِ / M الصَّغیرِ.

۵- الْعِبَادِ / M الْعِبَادِ. ۶- النَّادِ / M النَّادِ.

۷- اللَّهِ / M اللَّهِ. ۸- الْمُبْرَأُ / M الْمُبْرَأِ.

۹- عِزُّ / M عِزِّ. ۱۰- يُعَادِلُهُ / M يُعَادِلُهُ.

۱۱- عَالِمٌ / در R حرف سوم هم زیر دارد و هم زیر.

۱۲- اخْتِصَاصٌ / M اخْتِصَاصٍ. ۱۳- مَعْرِفَةَ / M مَعْرِفَةٍ.

۱۴- اخْتِيَارَهُ / در M راء زیر دارد.

۱۵- هَيْهَاتَ / در M واپسین حرف حرکت ندارد.

۱۶- هَيْهَاتَ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۷- الْعُقُولُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۸- تَاهَتِ / M تَاهَتِ. ۱۹- حَارَتِ / M حَارَتِ.

۲۰- خَسِئَتْ / در R حرف سوم دو نقطه در زیر نیز دارد. ضبط نص، موافق M است.

۲۱- الْعُظْمَاءُ / M الْعُظْمَاءِ. ۲۲- تَحَيَّرَتِ / M + الْعُظْمَاءُ [كذا].

۲۳- الْحُلَمَاءُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

الْخُطْبَاءُ^۱ وَجَهَلَتِ الْإِيَّاءُ وَكَلَّتِ الشُّعْرَاءُ وَعَجَزَتِ^۲ الْأَدْبَاءُ وَعَيَّيَتِ الْبُلَغَاءُ عَنْ وَصْفِ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِهِ أَوْ فَصِيلَةٍ مِنْ فَصَائِلِهِ وَأَقْرَبَتْ بِالْعَجْزِ وَالتَّعْصِيرِ وَكَيْفَ يُوصَفُ بِكُلِّهِ أَوْ يُنْعَتُ بِكُنْهِهِ أَوْ يُفْهَمُ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِهِ أَوْ يُوجَدُ مَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ^۳ وَيُعْنِي غِنَاهُ لَا كَيْفَ وَأَنْتَى؟ وَهُوَ بِحَيْثُ النَّجْمِ^۴ مِنْ يَدِ الْمُتَنَوِّلِينَ وَوَصْفِ الْوَاصِفِينَ. فَأَيْنَ الْإِخْتِيَارُ مِنْ^۵ هَذَا أَوْ أَيْنَ^۶ الْعُقُولُ عَنْ هَذَا وَأَيْنَ^۷ يُوجَدُ مِثْلُ هَذَا؟ أَتَظُنُّونَ أَنَّ ذَلِكَ يُوجَدُ فِي غَيْرِ الْرَّسُولِ مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ -؟ كَذَّبْتَهُمْ^۸ وَاللَّهُ^۹ أَنْفُسَهُمْ^{۱۰} وَمَنْتَهُمُ الْآبَاطِيلُ فَارْتَقُوا^{۱۱} مُرْتَقًا^{۱۲} صَعْبًا دَحِضًا نَزَلَ عَنْهُ إِلَى الْخَضِيضِ أَقْدَامُهُمْ رَامُوا إِقَامَةَ الْإِمَامِ بِعُقُولِ حَائِزَةِ بَايَرَةِ نَاقِصَةٍ وَأَرَاءِ مُضِلَّةٍ فَلَمْ يَزِدْ دَاوِمَتَهُ إِلَّا بُعْدًا قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنْتَى يُوفُكُونَ لَقَدْ رَامُوا صَعْبًا^{۱۳} وَقَالُوا إِنْكَأَ وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا وَقَفُّوا فِي الْحَيْرَةِ إِذْ تَرَكُوا الْإِمَامَ عَنْ بَصِيرَةٍ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ رَغِبُوا^{۱۴} عَنْ اخْتِيَارِ^{۱۵} اللَّهِ وَاخْتِيَارِ رَسُولِهِ^{۱۶} - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۱۷} - وَ أَهْلِ بَيْتِهِ إِلَى اخْتِيَارِهِمْ وَالْقُرْآنُ يُنَادِيهِمْ: ﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ^{۱۸} وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾^{۱۹} وَقَالَ - عَزَّ وَجَلَّ -: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ^{۲۰} أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ

۱- وَ حَصَرَتْ الْخُطْبَاءُ / M ندارد. ۲- عَجَزَتْ / در M جیم زیر دارد.

۳- مَقَامَهُ / R و M مقامه.

۴- النُّجْمُ / R النُّجْمُ. ضبط نص، موافق M است.

۵- مِنْ / M من. ۶- أَيْنَ / M أين.

۷- أَيْنَ / M أين. ۸- كَذَّبْتَهُمْ / M كَذَّبْتَهُمْ.

۹- اللَّهُ / در M واپسین حرف پیش دارد. ۱۰- أَنْفُسَهُمْ / M أَنْفُسَهُمْ.

۱۱- فَارْتَقُوا / M فَارْتَقُوا. ۱۲- مُرْتَقًا / M مُرْتَقًا. R مُرْتَقًا.

۱۳- دَحِضًا... صَعْبًا / M ندارد. ۱۴- رَغِبُوا / M رَغِبُوا.

۱۵- اخْتِيَارِ / در M راء زیر دارد. ۱۶- رَسُولِهِ / M رَسُولِ اللَّهِ.

۱۷- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ۱۸- سُبْحَانَ اللَّهِ. ۱۹- تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ. ۲۰- رَسُولُهُ / در M لام زیر دارد.

۱۹- قرآن کریم: س ۲۸، ی ۶۸

الْخَيْرَةُ^۱ الْآيَةُ. وَقَالَ: ﴿مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ إِنْ لَكُمْ فِيهِ لَمَّا تَخِيرُونَ أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَالِغَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنْ لَكُمْ نَمَّا تَحْكُمُونَ^۲ سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ رَعِيمٌ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ^۳﴾ وَقَالَ - عَزَّ وَجَلَّ -: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ^۴ الْفَرَّانَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا^۵﴾ أَمْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ^۶ أَمْ ﴿قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ إِنْ شَرَّ الدَّوَابِّ^۷ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَقُولُونَ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ^۸﴾ أَمْ ﴿قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا^۹﴾ بَلْ هُوَ ﴿فَضَّلَ اللَّهُ يَوْمَئِذٍ مَنِيشَاءَ وَهُوَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ^{۱۰}﴾ فَكَيْفَ لَهُمْ بِاخْتِيَارِ الْإِمَامِ وَالْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ^{۱۱} لَا يَجْهَلُ رَاعٍ لَا يَنْكُلُ مَعْدِنُ^{۱۲} الْقُدْسِ وَالطَّهَارَةِ وَالنُّسْكِ وَالزَّهَادَةِ وَالْعِلْمِ وَالْعِبَادَةِ مَخْصُوصٌ بِدَعْوَةِ الرَّسُولِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَنَسْلِ الْمُطَهَّرَةِ النَّبُولِ لَا مَغْفَرَ فِيهِ فِي نَسَبٍ وَلَا يُدَانِيهِ ذُو حَسَبٍ فِي أُنْبُوتٍ مِنْ قُرَيْشٍ وَالذَّرْوَةِ مِنْ هَاشِمٍ وَالْعِتْرَةِ^{۱۳} مِنَ الرَّسُولِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَالرِّضَا مِنَ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - شَرَفُ الْأَشْرَافِ وَالْفَرْعُ مِنْ عَبْدِ مَنَافٍ نَامِي الْعِلْمِ كَامِلِ الْجِلْمِ مُضْطَلِعٌ بِالْإِمَامَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالسِّيَاسَةِ مَفْرُوضُ الطَّاعَةِ قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ^{۱۴} - نَاصِحٌ لِعِبَادِ اللَّهِ حَافِظٌ لِدِينِ اللَّهِ. إِنْ الْأَنْبِيَاءَ^{۱۵} وَالْأَنْبِيَاءَ^{۱۶} وَالْأَنْبِيَاءَ^{۱۷}

۱- قرآن کریم: س ۳۳، ی ۳۶. ۲- ما / در M از قلم افتاده است.

۳- أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ... تَحْكُمُونَ / M ندارد. ۴- قرآن کریم: س ۴۸، ی ۳۸.

۵- يَتَذَكَّرُونَ / R يَتَذَكَّرُونَ. ۶- قرآن کریم: س ۲۷، ی ۲۴.

۷- مقایسه کنید با قرآن: س ۹، ی ۹۳. ۸- الدَّوَابِّ / در M بَاءٌ مُشَدَّدٌ پیش دارد.

۹- قرآن کریم: س ۸، ی ۲۱-۲۳. ۱۰- قرآن کریم: س ۲، ی ۹۳.

۱۱- قرآن کریم: س ۲۱، ی ۵۷. ۱۲- عَلِيمٌ / M + وَ.

۱۳- مَعْدِنٌ / M الْعِتْرَةُ. ۱۴- الْعِتْرَةُ / M الْعِتْرَةُ.

۱۵- شَرَفُ الْأَشْرَافِ... عَزَّ وَجَلَّ / M ندارد.

۱۶- الْأَنْبِيَاءَ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۷- الْأَنْبِيَاءَ / در M واپسین حرف زیر دارد.

- صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - يُؤَفِّقُهُمُ اللَّهُ وَ يُؤْتِيهِمْ مِنْ مَخْرُوفٍ^۱ عَلَيْهِمْ وَ حُكْمِهِ مَا لَا يُؤْتِيهِ^۲ غَيْرُهُمْ
فَيَكُونُ عِلْمُهُمْ فَوْقَ^۳ عِلْمِ^۴ أَهْلِ^۵ زَمَانِهِمْ فِي قَوْلِهِ - جَلَّ وَ تَعَالَى - : ﴿أَقَمْنِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ
أَحَقُّ أَنْ يُسَبِّحَ^۶ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ^۷ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾^۸ وَ قَوْلُهُ - تَبَارَكَ^۹
وَ تَعَالَى - : ﴿وَمَنْ يُؤْتَ^{۱۰} الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾^{۱۱} وَ قَوْلُهُ تَعَالَى فِي طَالُوتَ^{۱۲} : ﴿إِنَّ
اللَّهَ ابْتَطَفَهُ عَلَى كُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ
عَلِيمٌ﴾^{۱۳} وَ قَالَ لِنَبِيِّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - : ﴿أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ^{۱۵} وَ الْحِكْمَةَ^{۱۶} وَ عَلَّمَكَ مَا
لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَ كَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا﴾^{۱۷} وَ قَالَ فِي الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ وَ عِثْرَتِهِ
وَ دُرِّيَّتِهِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - : ﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ
إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ^{۱۸} وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا^{۱۹} فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ

۱- مَخْرُوفٍ / M مَخْرُوفٍ. ۲- يُؤْتِيهِ / M يُؤْتِيهِمْ.

۳- فَوْقَ / چنين است در M. R فَوْقَ. ۴- عِلْمِ / M عِلْمٍ.

۵- أَهْلِ / M أَهْلٍ. ۶- يُسَبِّحَ / M يُسَبِّحُ.

۷- إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ / M ندارد. ۸- قرآن کریم: س ۱۰، ی ۲۵.

۹- تَبَارَكَ / M تَبَارَكَ [كذا].

۱۰- يُؤْتَ / M وَ R يُؤْتِي (در R حرف يكم نقطه ندارد).

۱۱- الْحِكْمَةَ / واپسين حرف در M پيش دارد.

۱۲- قرآن کریم: س ۲، ی ۲۶۹.

۱۳- طَالُوتَ / در M واپسين حرف هم زير دارد و هم زير.

۱۴- قرآن کریم: س ۲، ی ۲۴۷.

۱۵- الْكِتَابَ / در M واپسين حرف پيش دارد.

۱۶- الْحِكْمَةَ / در M واپسين حرف پيش دارد.

۱۷- قرآن کریم: س ۴، ی ۱۱۳.

۱۸- وَ قَالَ فِي... الْحِكْمَةَ / همه اين بخش که درون قلاب نهاده ايم، نه در M هست و نه در R؛
ليک پيدا است که از قلم افتاده، چه مانن، ما به إزای آن را در ترجمه آورده است. ما اين بخش
را نقل کرديم از: الکافي، تحقيق غفاری، ۲۰۲/۱.

وَكَلَّمَنِي بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا^۱ وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - لِأُمُورٍ^۲ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ
 لِذَلِكَ وَأَوْدَعَ قَلْبَهُ يَتَابِعُ^۳ الْحِكْمَةَ^۴ وَالْهَمَّةُ^۵ الْعِلْمُ الْإِهَامًا فَلَمْ يَمْنَعْ بَعْدَهُ بِجَوَابٍ وَلَا
 يَجِيرُ فِيهِ عَنِ الصَّوَابِ فَهُوَ مَفْضُومٌ مُؤَيَّدٌ مُوَفَّقٌ مُسَدَّدٌ قَدْ أَمِنَ^۶ مِنَ الْخَطَايَا وَالرُّذَالِ وَالْعِنَارِ
 يَخْصُهُ اللَّهُ بِذَلِكَ لِيَكُونَ^۷ حُجَّةً^۸ عَلَى عِبَادِهِ وَشَاهِدَةً عَلَى خَلْقِهِ وَذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ
 يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ^۹ فَهَلْ يَقْدِرُونَ عَلَى مِثْلِ هَذَا فَيَخْتَارُونَهُ أَوْ يَكُونُ
 مُخْتَارَهُمْ بِهَذِهِ الصِّفَةِ فَيَقْدِمُونَهُ تَعْدُوا^{۱۰} - وَبَيَّنَّ^{۱۱} اللَّهُ - الْحَقَّ وَتَبَدُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَرَأَى
 ظُهُورَهُمْ^{۱۲} كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ وَفِي كِتَابِ اللَّهِ الْهُدَى وَالْإِشْقَاءُ فَيَتَذَوُّهُ^{۱۳} وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ
 قَدَمَهُمْ^{۱۴} اللَّهُ وَمَقْتَنَهُمْ^{۱۵} وَأَنْعَسَهُمْ^{۱۶} فَقَالَ - جَلَّ وَعَلَا -: (وَمَنْ أَضَلُّ^{۱۷} مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ
 هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) وَقَالَ: (فَتَنَسَّ لَهُمْ^{۱۸} وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ
 كَيْزٌ^{۱۹} مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ^{۲۰} اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ وَصَلَّى
 اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّم^{۲۱} تَسْلِيمًا.

- ۱۹ - وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ مُتَكَبِّرِينَ عَظِيمًا / M ندارد. ۱ - قرآن کریم: س ۴، ی ۵۴ و ۵۵.
- ۲ - لِأُمُورٍ / M الْأُمُور. ۲ - يَتَابِعُ / در M واپسین حرف پیش دارد.
- ۳ - الْحِكْمَةَ / در M واپسین حرف زیر دارد. ۴ - الْهَمَّةُ / R الْهَمَّةُ.
- ۵ - لِيَكُونَ / M لِيَكُونَ. ۶ - أَمِنَ / M أَمِنَ.
- ۷ - حُجَّةً / M حُجَّةً. ۸ - الْعَظِيمِ / در M واپسین حرف پیش دارد. ۹ - اللَّهُ / در M از قلم افتاده است.
- ۱۰ - تَعْدُوا / M تَعْدُوا. ۱۱ - بَيَّنَّ / M بَيَّنَّ.
- ۱۲ - ظُهُورَهُمْ / M ظُهُورَهُمْ. ۱۳ - قَدَمَهُمْ / M قَدَمَهُمْ.
- ۱۴ - مَقْتَنَهُمْ / M مَقْتَنَهُمْ. ۱۵ - أَنْعَسَهُمْ / ضبط نص موافق R است. M تَغَسَّسَهُمْ.
- ۱۶ - أَضَلُّ / M أَضَلُّ. ۱۷ - كَيْزٌ / M كَيْزٌ.
- ۱۸ - يَطْبَعُ / M يَطْبَعُ. ۱۹ - سَلَّمَ / M سَلَّمَ.
- ۲۰ - نگر: الکافی، تحقیق غفاری، ۱/ ۱۹۸ - ۲۰۳؛ و: أصول کافی، با ترجمه و شرح مرحوم آیه الله کمره ای، ط. آسوه، ۲/ ۱۱۶ - ۱۳۰.

روایت کرده است^۱ محمد بن یعقوب کلینی در کتاب کلینی به اسناد او از عبد العزیز بن مسلم که ما با حضرت امام ناین، علی بن موسی الرضا - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - بودیم در مرو. پس ما جمعی از موالیان آن حضرت در روز جمعه^۲ در مسجد جامع جمع شدیم در ابتدای دخول ما به آن شهر. پس در میان انداختند جمعی امر امامت را و نقل کردند^۳ که مردم بسیار در آن متفکر اند^۴ و در تبیین^۵ آن می کوشند. پس من داخل شدم بر آن حضرت - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - و اعلام کردم آن حضرت را که مردمان^۶ بسیار در امامت سخن می گویند. پس آن حضرت تبسم^۷ فرمود و^۸ فرمود که: ای عبد العزیز! این قوم همه جاهل و نادانند و ایشان فریب خورده اند^۹ از رای و^{۱۰} تدبیر و فکرشان. بدرستی که خدای - عَزَّ وَجَلَّ - رسول خود را - صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - از دنیا نبرد^{۱۱} تا آنکه دین را از برای او کامل نگردانید^{۱۲} و قرآنی به سوی او فرستاد که در اوست بیان هر چیز و مبین است^{۱۳} در او حلال و حرام و حدود و احکام^{۱۴} و هر چه مردمان به آن^{۱۵} احتیاج دارند بالتمام والکمال. پس خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فرمود که: ما تقصیر نکردیم در قرآن هیچ تقصیر. و در حجة الوداع که آخر عمر آن حضرت بود (ص)^{۱۷} این آیه را فرستاد^{۱۸} که

- ۱- کرده / در M دال زیر دارد.
- ۲- جمعه / در M عین زیر دارد.
- ۳- کردند / M کردم.
- ۴- متفکراند / M متفکرند.
- ۵- تبیین / M تبین.
- ۶- مردمان / M مردم.
- ۷- تبسم / M تبسم.
- ۸- و / در M زیر دارد.
- ۹- خورده اند / در M دال پس از راء زیر دارد.
- ۱۰- و / در M زیر دارد.
- ۱۱- نبرد / M نیزد.
- ۱۲- نگردانید / M گردانید.
- ۱۳- است / M ندارد.
- ۱۴- احکام / M احکام.
- ۱۵- آن / M او.
- ۱۶- بالتمام والکمال / M بالتمام والکمال.
- ۱۷- ص / M ندارد.
- ۱۸- فرستاد / M فرستاد [کذا].

ترجمه‌اش^۱ اینست: امروز کامل گردانیدم از برای شما دین شما را و تمام گردانیدم بر شما نعمت خود را و خوشنود^۲ گردیدم^۳ از برای شما دین اسلام را و امرِ امامت از تمامی^۴ دین است و آن حضرت - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ - از دنیا نرفت تا آنکه بیان کرد از برای اُمّت خود چیزهایی^۵ که سبب دانش دین ایشان بود و روشن گردانید از برای ایشان^۶ را و ایشان را و^۷ ایشان را گذاشت بر آنکه به او حق می‌رفتند و اقامت کرد از برای ایشان حضرت^۸ امیرالمؤمنین عَلَیْ بِنِ ابی طالب را - صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ - که راهنما و امام و پیشوای^۹ ایشان باشد و نگذاشت^{۱۰} از برای ایشان چیزی که اُمّت به آن احتیاج داشته باشند مگر آن که بیان کرد. پس کسی که گمان کند که خدای - تبارک و تعالی - دین خود را کامل^{۱۱} نکرد. پس بتحقیق که زده^{۱۲} است کتاب خدا را و هر که زد کند کتاب خدا را پس او کافر است. آیا می‌دانید شما قدرِ امامت را و مرتبه او را و نسبت او را^{۱۳} به اُمّت تا آنکه جایز باشد در آن اختیارِ اُمّت؟ بدرستی که قدرش^{۱۴} از آن بزرگترست و شأنش از آن عظیم‌تر و مرتبه‌اش از آن بلندتر و^{۱۵} جانبش از آن مانع‌تر و غورش از آن دورتر است که مردمان به آن توانند رسید به عقول خودشان^{۱۶} یا توانند یافت او راه به فکرهای خود یا اقامت توانند کرد امامی به اختیار خود. بدرستی^{۱۷} که امامت^{۱۸}

۱- ترجمه‌اش / زیر جیم در M آمده است.

۲- خوشنود / M خوشنود.

۳- گردیدم / M گردانیدم.

۴- تمامی / M امام.

۵- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M ص.

۶- چیزهایی / M چیزهای.

۷- بود و... ایشان / در M نیامده است.

۸- و / M و راه.

۹- حضرت / M ندارد.

۱۰- و پیشوای / M و پیشوای.

۱۱- نگذاشت / M نگذاشت.

۱۲- کامل / M کامل [!].

۱۳- کرده / در M دال زیر دارد.

۱۴- و نسبت او را / M ندارد.

۱۵- قدرش / M قدراش.

۱۶- و / در M زیر دارد.

۱۷- خودشان / M خودشان.

۱۸- بدرستی / M بدرستی.

۱۹- امامت / M اقامت.

مخصوص گردانید خدای^۱ - عَزَّوَجَلَّ - به آن، حضرت ابراهیم خلیل را - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - بعد از مرتبه نبوت و مرتبه محبت و این مرتبه سیم^۲ بود فوق آن دو مرتبه زیرا که امامت ریاست^۳ دین و دنیا است^۴ و فضیلتی بود که آن حضرت را به آن مُشَرَّف گردانید و نام آن حضرت را به این بلند^۵ گردانید و فرمود که: ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾^۶ یعنی بدرستی که من گردانیدم تو را امام مردمان.^۸ پس حضرت خلیل (ع)^۹ از روی خوشحالی به این مرتبه فرمود: ﴿وَمِنْ ذُرِّيَّتِي﴾^{۱۰} یعنی: خداوند! چنانکه مرا به این شَرَف مشرّف گردانیدی بعضی از ذُرِّيَّتِ مرا نیز به این مرتبه^{۱۱} مُشَرَّف گردان. خدای - ثَبَّارَكَ وَتَعَالَى - فرمود^{۱۲} که: دعای تو را مستجاب گردانیدیم^{۱۳} ولیکن^{۱۴} نمی رَسَد^{۱۵} به عهد من که امامت و خلافت است،^{۱۶} متمکاران^{۱۷} از ذُرِّيَّتِ تو. پس باطل گردانید این آیه امامت هر ظالمی^{۱۸} را تا روز قیامت و گردید امامت در معصومان و^{۱۹} صاحب کشف^{۲۰}

۱- خدای / M خدای.

۲- صَلَوَاتُ اللَّهِ / M صَلَوة.

۳- سیم / تشدید باء از M است.

۴- ریاست / M ریاست.

۵- بلند / M مشرف.

۶- ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾ / M ندارد.

۷- قرآن کریم: س ۲، ی ۱۲۴.

۸- مردمان / M ندارد.

۹- قرآن کریم: س ۲، ی ۱۲۴.

۱۰- مرتبه / M گردانیدی بعضی از ذُرِّيَّتِ مرا نیز باین مرتبه.

۱۱- فرمود / M فرمود [!].

۱۲- گردانیدیم / M گردانیدم.

۱۳- ولیکن / R و ولیکن. ضبط نص، موافق M است.

۱۴- نمی رَسَد / زیرهای راء و سین از M است.

۱۵- خلافت است / M خلافت است.

۱۶- متمکاران / M متمکاران [کذا].

۱۷- ظالمی / M ظلمی.

۱۸- و / از «و صاحب کشف...» تا «... تدبیر» در R و M پس از «... به کمالی ایمان مشرف» - که لختی پس از این است - آمده. در R رونویسگر نشانه تقدیم و تأخیر نهاده و محلّ صحیح این بخش را نشان داده است.

۱۹- صاحب / در M مکرر نوشته شده و در یک مورد روی باء زیر نهاده شده است!

و قاضی بیضاوی استدلال کرده‌اند به این آیت بر عصمتِ انبیا و ائمه^۱ و قاضی گفته که: این آیه دلالت می‌کند که می‌باید که پیغمبران معصوم باشند پیش از زمانِ بعثت و بعد از زمانِ بعثت و ائمه^۲ می‌باید که در زمانِ امامت معصوم باشند.^۳ و برو بحث کرده است^۴ مولانا عصام‌الدین^۵ که یک آیه و یک دلالت^۶ چگونه دلالت می‌کند بر عصمتِ انبیا پیش از زمانِ بعثت^۷ و دلالت نمی‌کند بر عصمتِ ائمه پیش از زمانِ امامت؟ و اگر دلالت کند لازم می‌آید که ابابکر و عتر و عثمان^۸ امام نباشند زیرا^۹ که هریک از ایشان سالها کافر بودند و آنکه گفتند که: می‌باید که در زمانِ امامت معصوم باشند آن راهم که^{۱۰} قایلیست^{۱۱} که ائمه^{۱۲} ایشان معصوم بودند با^{۱۳} آن مطاعنی^{۱۴} که خود از برای هریک نقل کرده‌اند و اجماع صحابه بر تکفیر عثمان و^{۱۵} قتل او و دفن نکردن او^{۱۶} تدبیر کرده‌اند پس^{۱۷} خدای - تبارک و تعالی - گرامی ساخت حضرت ابراهیم را به آنکه گردانید در

۱- نگر: تفسیر البیضاوی، ۳۹۸/۱؛ و: الکشاف، ۳۰۹/۱.

۲- ائمه / R ایامه. M ائمه. ۳- نگر: تفسیر البیضاوی، ۳۹۸/۱.

۴- کرده است / R کرد است.

۵- عصام‌الدین / M عصام‌الدین [۱]. گویا مراد از «مولانا عصام‌الدین»، همانا «عصام‌الدین ابراهیم بن محمد بن عربشاه اسفراینی (۸۷۳ - ۹۴۵ ه.ق) است که بر تفسیر بیضاوی حاشیه نوشته است (نگر: کشف الظنون، ۱/ ۱۹۰ و ۱۹۱؛ و روضات الجنات، ط. إسماعیلیان، ۱/ ۱۸۰؛

و: الأعلام زیر کلی، ۱/ ۶۶). ع و / در M زیر دارد.

۷- دلالت / زیر دال در M هست. ۸- بعثت / M بعثت.

۹- عثمان / M عثمانی. ۱۰- زیرا / M زیرا زیرا.

۱۱- هم که / M که هم. ۱۲- قایلیست / M قایلیست.

۱۳- ائمه / R ایامه. ۱۴- با / M یا.

۱۵- مطاعنی / M مطاعنی. ۱۶- و / در M زیر دارد.

۱۷- دفن نکردن او / M دفن او نکردن.

البته در M روی «او» و «نکردن» دو نشان ناخواناست که دور نیست نشان تأخیر و تقدیم باشد. ۱۸- پس / در R بالای این کلمه به خطی.

ذُرِّيَّتِ او اهلِ اِصْطِفَا^۱ و عصمت را. پس فرمود که: بخشیدیم و دادیم به^۲ حَضَرَتِ اِبراهیم^۳ به واسطه این دعا حضرت اِسحاق و یعقوب را که فرزندِ فرزندِ او بود و همه را^۴ گردانیدیم^۵ صالح و شایسته^۶ و گردانیدیم^۷ ایشان را اِمامان که هدایت کنند خَلْق را به اَمْرِ ما و وَحی^۸ کردیم به ایشان^۹ کردنِ اَعْمَالِ خیر را و^{۱۰} به پای داشتن نماز را و دادن زکات را و^{۱۱} بودند ایشان^{۱۲} عبادت کنندگانِ ما. پس همیشه این اِمامت در ذُرِّيَّتِ حَضَرَتِ اِبراهیم بود^{۱۳} و میراث می بردند اِمامت را بعضی از بعضی قَرُونِ قَرُونِ تا خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - به میراث به حَضَرَتِ رسالت پناه^{۱۴} مُحَمَّدی^{۱۵} - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله^{۱۶} -، ارزانی داشت.^{۱۷} پس خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - فرمود که: ^{۱۸} بدرستی که سزاوارترین مردمان^{۱۹} به حَضَرَتِ اِبراهیم هر آینه^{۲۰} آنهايي اند^{۲۱} که متابعتِ آن حضرت کردند و^{۲۲} این پیغمبر - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله^{۲۳} - و آنهايي که به کمالِ اِيمان مُشَرَّف گشتند از خویشانِ آن حَضَرَت و خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - وَلِيّی مؤمنانست.^{۲۴} پس این اِمامت، مخصوصِ رسولِ

-
- ۱- اِصْطِفَا / R اِصْطَفٰی. M اِصْطَفٰی. ۲- به / M ندارد.
 ۳- اِبراهیم / M + را. ۴- را / M ندارد.
 ۵- گردانیدیم / M گردانیدم. ۶- شایسته / M شایسته.
 ۷- گردانیدیم / M گردانیدم [کذا]. ۸- وَحی / M وَحٰی.
 ۹- ایشان / M ایشان. ۱۰- و / در M زیر دارد.
 ۱۱- و / M ندارد. ۱۲- ایشان / M ایشان.
 ۱۳- بود / M بودند. ۱۴- رسالت پناه / M رسالت پناهی.
 ۱۵- مُحَمَّدی / M مُحَمَّد مصْطَفٰی. ۱۶- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله / M ص.
 ۱۷- داشت / M داشت. ۱۸- که / M ندارد.
 ۱۹- مردمان / M مردمان. ۲۰- هر آینه / «ن» در M زیر دارد.
 ۲۱- آنهايي اند / M آنهاي. ۲۲- و / در M زیر دارد.
 ۲۳- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله / R «وَ آله» ندارد. M ص.
 ۲۴- مؤمنانست / M مؤمنانست.

خدا^۱ بود (ص).^۲ پس آن حضرت در گردنِ حضرتِ امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)^۳ انداخت^۴ به امرِ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بر آن نحوی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - مقرر گردانیده بود. پس گردید در ذُرِّیَّتِ آن حضرت برگزیدگانی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - به ایشان داد عِلْم و ایمان را به آنکه فرمود که: گفت خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - آن جماعتی را که به ایشان داده شده بود عِلْم و ایمان که بتحقیق که شما درنگ خواهید کرد به حسب نوشتهٔ اِلَهِی تا روز قیامت^۵ زیرا که بعد از محمد (ص)^۶ دیگر پیغمبری نخواهد بود.^۷ پس از کجا اختیار می‌توانند کرد این جهالِ اِمامت را؟ بدرستی^۸ که اِمامت منزلت و مرتبهٔ پیغمبرانست و میراثِ اَوْصیاء ایشانست. بدرستی که اِمامت،^۹ جانشینیِ خدا و^{۱۰} جانشینیِ رسولِ خداست و مرتبهٔ حضرتِ امیرالمؤمنین (ع) و میراثِ اِمامِ حَسَن و اِمامِ حُسَین است - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمَا. بدرستی که اِمامت، مهارِ دین است و نظامِ مسلمانان است^{۱۱} و^{۱۲} صلاحِ دنیا و سببِ عزّت مؤمنانست.^{۱۳} بدرستی که اِمامت پیِ اسلام است که عالی است^{۱۴} و^{۱۵} شاخِ بلندِ اوست. به سببِ اِمام^{۱۶} تمام است نماز و^{۱۷} زکات و^{۱۸} حج و^{۱۹} روزه و^{۲۰} جهاد و رسانیدنِ غنائیم و تصدقات به مستحقانِ ایشان

- | | |
|-----------------------------------|--------------------------|
| ۱- خدا / M خدای. | ۲- ص / M ندارد. |
| ۳- علی بن ابی طالب (ع) / M ندارد. | ۴- انداخت / M انداخت. |
| ۵- قیامت / M قیامت. | ۶- ص / M ندارد. |
| ۷- بود / M بود. | ۸- بدرستی / M بدرستی. |
| ۹- منزلت... اِمامت / M ندارد. | ۱۰- و / در M زیر دارد. |
| ۱۱- مسلمانان است / M مسلمانانست. | ۱۲- و / در M زیر دارد. |
| ۱۳- مؤمنانست / M مؤمنانست. | ۱۴- عالی است / M عالیست. |
| ۱۵- و / در M زیر دارد. | ۱۶- اِمام / M اِمام. |
| ۱۷- و / در M زیر دارد. | ۱۸- و / در M زیر دارد. |
| ۱۹- و / در M زیر دارد. | ۲۰- و / در M زیر دارد. |

و جاری ساختنِ حدودِ الهی و احکامِ باری و محفوظ گردانیدنِ سرحدّها و اطراف^۱ از اُعادى. اِمام حلال می‌کُند حلالِ خدا را و حرام می‌کُند حرامِ خدا را و اِقامت می‌کُند حدودِ الهی را و دفع می‌کُند از دینِ خدا شُبّه مُلحدان را و می‌خواند مردمان را به راهِ خدا به حکمت و موعظه^۲ نیکو و حُجّتِ کامل. اِمام مِثْلِ آفتابِ طالعت که روشن می‌کُند به نورِ خود تمامِ عالم^۳ را و آن آفتاب در اُفقِ آسمان به مَرْتَبه‌ایست که نمی‌رسد به آن دستها و^۴ دیده‌ها. اِمام ماوِ شَبِ چهارده است که روشن می‌گرداند عالم را و چراغی است روشنائی دهنده^۵ و نورِ یست لامع^۶ و ستاره‌ایست راه‌نماینده در شبهایِ تار و در میان^۷ شهرهایِ خالی و^۸ کناره‌های^۹ دریاها. اِمام آبِ شیرینست بَر تشنگان و راه‌نماینده است به راهِ هدایت و نجات دهنده است از راهِ هلاکت. اِمام به منزله آتشی است که در بلندیا می‌گذارند^{۱۰} در صحراها که کسی که راه را گم کُند بر سرِ راه آید به دیدنِ آن آتش گرم‌کننده است سرماخورده‌ها را که خواهند از آن گرم شوند. راه‌نماست در مه‌لکه‌ها.^{۱۱} هر که از و^{۱۲} مفارقت کُند هالکست. اِمام ابرِ یست باران دهنده. بارانِ یست پی در پی آینده.

۱- اطراف / در M واپسین حرف زیر دارد.

۲- موعظه / در M، ظاء، زیر دارد. ۳- تمام / M تمام.

۴- و / در M زیر دارد.

۵- روشنائی دهنده / R روشنایی دهنده. در M «روشنائی» مکرّر نوشته شده است. و در بارِ دوم حرفِ پیش از آخر نه نقطه دارد و نه «ه».

۶- لامع / M ندارد. ۷- میان / M + ان.

۸- و / در M زیر دارد.

۹- کناره‌های / چُنین است در R و M. زیر کاف از M است.

بر بنیادِ هنجارهایِ رسم الخطّی پیشینیان، «کناره‌های» را، هم می‌توان به صورتِ جمع «کنار» خواند و هم جمع «کناره». ۱۰- می‌گذارند / M + و.

۱۱- مه‌لکه‌ها / R مه‌لکه‌ها. M مه‌لکه‌ها. ۱۲- از و / M ازان.

آفتاب‌یست روشنائی دهنده^۱. آسمانی است سایه اندازنده. زمینی است گسترده^۲ از برای نفع خلاق. چشمه‌ایست بسیار آب محلّ جمع شدن آبهای بارانست^۳. باغستانست^۴. امام اُنیس بیچارگانست. رفیقِ دردمندانست. پدرِ مشفقِ مهربانست. برادرِ با جان برابرست^۵. به منزلهٔ مادرِ مهربانست. نسبت به فرزند خُرد^۶. فریادرسِ بندگانست در مصیبت‌های^۷ سخت. امامِ اُمینِ خداست در میانِ خلقِ او^۸، و حجتِ خداست بر بندگانِ او و خلیفهٔ خداست در^۹ بلادِ او. خواننده^{۱۰} است مردم را به خدا. دفع‌کنندهٔ است دشمنان را از حَرَمِ اَلّهی. امامِ پاکست از گناهان و بَری است از عیبه‌ها. مخصوص است به عِلْم. نشانه است در حِلْم. نظامِ دین است^{۱۱} و سبِّ عزّتِ مسلمانانست و سبِّ خشمِ کافرانست^{۱۲} و سبِّ هلاکِ کافرانست. امامِ یگانهٔ زمانست. نمی‌باید در آن زمانه کسی^{۱۳} بهتر از او^{۱۴} باشد. کسی در مرتبه^{۱۵} نزدیکِ او نیست و در دانائی^{۱۶} عدیلِ او نیست و بدّلِ او یافت نمی‌شود و او را شبیه و^{۱۷} نظیر نیست^{۱۸}. مخصوص است به همهٔ فضیلت‌های آنکه او طلبِ او کرده^{۱۹} باشد یا کسب کرده باشد بلکه^{۲۰} مخصوص گردانیدنی است^{۲۱} از مُنعمِ

۱- روشنائی دهنده / در M چُنین است. R روشنائی دهنده.

۲- گسترده / M گسترده. ۳- آبهای بارانست / M اینها باران.

۴- باغستانست / M + و. ۵- است / M است.

۶- خُرد / M و R خورد. ۷- مصیبت‌های / M مصیبت‌های.

۸- در میانِ خلقِ او / M ندارد. ۹- حجت ... در / M ندارد.

۱۰- خواننده / M خوانده. ۱۱- دین است / M دینست.

۱۲- کافرانست / چُنین است در M و R لیک گویا سهواً قلم مازن است و به قیاسِ نصّی عربی

«منافقانست» باید باشد. ۱۳- کسی / M ندارد.

۱۴- از او / M از او. ۱۵- مرتبه / R مرتبه.

۱۶- دانائی / R دانایی. ضبط نصّ موافق M است.

۱۷- و / در M زیر دارد. ۱۸- نیست / M ندارد.

۱۹- کرده / M + است. ۲۰- بلکه / M + او.

۲۱- مخصوص گردانیدنی است / M مخصوص گردانیدنست.

بخشیده پروردگارِ عالمیان. پس که می‌تواند شناختِ امام را یا که را ممکن است که اختیارِ امام کند؟ دور افتاده‌اند عقلها همه گم‌اند و خرده‌ها همه سرگردانند و عُقول همه حیرانند و چشمها همه کُند و بی‌نورند و^۱ بزرگان همه ذلیل‌اند^۲ و حُکما همه متحیرند و صاحبانِ خرد همه قاصرند^۳ و زبانِ فُصحا همه بازمانده‌است و^۴ صاحبانِ عَقل همه جاهلند^۵ و^۶ شعرا همه لالند و عریبَت‌دانان همه عاجزاند^۷ و صاحبانِ بلاغت بازمانده‌اند از آنکه وصفِ توانند کرد مرتبه‌ای^۸ از مراتبِ امام^۹ را یا فضیلتی از فضایلِ او را و^{۱۰} همه مُؤرّند به عَجَز و تَقصیر. و چگونه وصفِ توان^{۱۱} کرد او را بِنَمایی یا توان رسید به کُنه^{۱۲} و صفِ او یا توان فهمید چیزی از کارهای او را یا یافت شود کسی که جانشین او باشد^{۱۳} و^{۱۴} یا فایدهٔ امام^{۱۵} را رساند؟ حاشا نه و^{۱۶} چگونه و^{۱۷} کجا؟! و حال^{۱۸} آنکه به منزلهٔ ستاره است که دستِ هیچکس به او^{۱۹} نمی‌رسد و^{۲۰} وصفِ هیچکس به او نمی‌رسد. پس کجا اختیارِ توانند کرد اُمّت چنین کس را یا کجا عقلها می‌رسد به این مرتبه و^{۲۱} کجا یافت می‌شود مثل^{۲۲} این مرتبت؟! آیا گمان دارید که این مرتبه یافت

-
- | | |
|-------------------------------|-------------------------------------|
| ۱- و / در M زیر دارد. | ۲- ذلیل‌اند / M ذلیلند. |
| ۳- قاصرند / M قاصراند. | ۴- و / در M زیر دارد. |
| ۵- جاهلند / M جاهلند [کذا]. | ۶- و / در M زیر دارد. |
| ۷- عاجزاند / M عاجزند. | ۸- مرتبه‌ای / M مرتبه. |
| ۹- امام / M امام. | ۱۰- و / در M زیر دارد. |
| ۱۱- توان / M توانند. | ۱۲- کُنه / M کُنه. |
| ۱۳- باشد / در M شین زیر دارد. | ۱۴- و / M ندارد. |
| ۱۵- امام / M او. | ۱۶- و / در M زیر دارد. |
| ۱۷- و / در M زیر دارد. | ۱۸- حال / در M واپسین حرف زیر دارد. |
| ۱۹- او / M ان. | ۲۰- و / M ندارد. |
| ۲۱- و / در M زیر دارد. | ۲۲- مثل / M ندارد. |

می‌شود در غیر آل^۱ رسول - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَام -؟! و الله که خود تکذیب خود می‌کنند و^۲ ایشان را به این دروغ بازداشته‌اند باطل چند پس به پایه چند بالا رفتند مشکل لغزنده^۳ که می‌لغزد از آنجا قَدَمَهای^۴ ایشان و می‌افتند به أَسْفَلِ السَّافِلین. اراده کردند اِقَامَتِ إِمَام را به عقلهای حیران هَالِكِ نَاقص و عَقْلهای گمراه‌کننده.^۵ پس زیاده نشد ایشان را از خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - یا از امام مگر دوری. بُکَشَد خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى^۶ - ایشان را! از کجا این افترا می‌بندند. هرآینه اراده کاری مشکل کردند و دروغی عظیم بستند و^۷ گم شدند گم‌شدنی که از راه دور افتادند و در حیرت افتادند زیرا که با آنکه امام را می‌دانستند ترک او کردند و زینت داد از برای ایشان شیطان کرده‌های^۸ ایشان را و ایشان را از راه خدا بازداشت^۹ و حال آنکه راه را می‌دانستند روگردانیدند از اختیار خدا و اختیار رسول خدا و^{۱۰} أَهْلِ بَيْت^{۱۱} او و خود اختیار کردند و حال آنکه قرآن ایشان را فریاد می‌کند که: ﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ﴾^{۱۲} یعنی: پروردگار تو می‌آفریند آنچه را می‌خواهد و اختیار می‌کند هر که را می‌خواهد و ایشان را اختیاری نیست در اختیار امام.^{۱۳} مَرَّة است خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - و متعالی است از آنچه شَرُّك به او می‌آورند و دیگر خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى -

۱- آل / M آن.

۲- و / M ندارد.

۳- لغزنده / M لغزیده.

۴- قَدَمَهای / M قدمه‌ها.

۵- گمراه‌کننده / M گمراه‌کنند.

۶- یا از... تَعَالَى / M ندارد.

۷- و / در M زیر دارد.

۸- کرده‌های / M کرد‌های. R کرده‌ای.

۹- بازداشت / در M «باز داشتند» بوده و سپس به خطِ رونویسگر من یک «شت» بالای آن

۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- بیت / در M در متن - که آغازِ سَطْرِ اَوَّلِ صفحهٔ چپ باشد - نیامده ولی در رکابۀ صفحه

پیش از آن آمده است (البَتَّة به ضبطِ «بیت»!).

۱۲- قرآن کریم: س ۲۸، ی ۶۸.

۱۳- امام / M امام.

می‌فرماید که: نیست هیچ مرد^۱ مؤمن و زن مؤمنه‌ای^۲ را که چون خدا و رسول امری کنند ایشان را اختیاری باشد و دیگر خدای - تبارک و تعالی - می‌فرماید: چیست شما را و چه شده است؟ چگونه حکم می‌کنید؟ آیا شما را کتابی هست که در آن کتاب می‌خوانید که شما را باشد که آنچه خواهید اختیار کنید یا شما را هست پیمانها و سوگندها بر ما که می‌رسد تا روز قیامت که شما را باشد که آنچه خواهید حکم کنید؟ یا محمد! سؤال کن از ایشان که کدامیک از ایشان^۳ به این معنی کفیل و ضامن می‌شوند یا ایشان را شریکهاست.^۴ پس باید که بیاورند شریکهای خود را اگر راست می‌گویند و دیگر خدای - تبارک و تعالی - می‌فرماید که: آیا تدبّر نمی‌کنند در معانی قرآن یا بر دلهای ایشان زده شده است قفلها یا زنگ گرفته است دلهای ایشان و مهر زده شده است^۵ که ایشان چیزی نمی‌فهمند یا می‌گویند که شنیدیم و حال آنکه نمی‌شنوند. بدرستی که بدترین حیوانات نزد خدای - تبارک و تعالی -^۶ - کران و گنگانی‌اند^۷ که عقل ندارند و عقل خود را به کار نمی‌فرمایند و اگر خدای - تبارک و تعالی - دریشان^۹ خیری^{۱۰} می‌دید هرآینه به ایشان می‌شنواید و اگر به ایشان بشنوند^{۱۱} که هرآینه ایشان پُشت می‌کنند و رو می‌گرداند یا می‌گویند که شنیدیم ولیکن^{۱۲} عصیان می‌کنیم بلکه امر امام از فضل خدای - تبارک و تعالی - است. به هر که می‌خواهد می‌دهد^{۱۳} و خدای - تبارک و تعالی - صاحب^{۱۴} فضل عظیم است.

-
- ۱- مرد / M مردی.
 ۲- مؤمنه‌ای / M مؤمنه [کذا].
 ۳- از ایشان / M از ایشان.
 ۴- شریکهاست / M شریکها است.
 ۵- است / M ندارد.
 ۶- و تعالی / M ندارد.
 ۷- و / در M زیر دارد.
 ۸- گنگانی‌اند / M کنکائند.
 ۹- دریشان / M در ایشان.
 ۱۰- خیری / M چیزی.
 ۱۱- و اگر به ایشان بشنوند / M ندارد.
 ۱۲- ولیکن / در M حرف یکم زیر دارد.
 ۱۳- می‌دهد / در M دال نیز زیر دارد. M + و خدای تبارک و تعالی است پهر که می‌خواهد
 ۱۴- صاحب / در M باء زیر دارد.

پس چگونه ایشان^۱ اختیارِ امام توانند کرد و حال آنکه امام عالمی است که جهل را به او راهی نیست؛ رعایت‌کننده‌ایست که از کارِ خود باز نمی‌ایستد؛ معدن^۲ پاک و پاکیزگی و عصمت و عبادت و^۳ زهدات^۴ و^۵ علم و^۶ بندگی است.^۷ مخصوص است^۸ به خواندنِ رسول - صَلَّی الله عَلَیْهِ وَآلِهِ - و از نسلِ مُطَهَّرَه فاطمه زهراست.^۹ در نسبِ او عیبی نیست و صاحب^{۱۰} حَسَبی نزدیکِ او نمی‌تواند بود. أَصْلِ او از قُرَیْش^{۱۱} است^{۱۲} و از بهترینِ قُرَیْش هاشم و از خویشِ نزدیکِ رسولِ خدا^{۱۳} - صَلَّی الله عَلَیْهِ وَآلِهِ - است^{۱۴} و خواسته‌ی خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - او شرفِ جمیعِ شرفهاست^{۱۵} و از اولادِ عَبْدِ مَنَاف - عِلْمِ او بلندترینِ علمهاست. حلمِ او کامل‌ترینِ حلمهاست.^{۱۶} بارِ سنگینِ اِمَامَتِ را از رویِ قُوَّت و قَدَرَت برداشته است. داناست^{۱۷} به تدبیرِ خَلْق. واجبیستِ اطاعتِ او. ایستاده است به اَمْرِ اِلَهِی. نصیحت‌کننده است بندگانِ خدا را. حفظ‌کننده است دینِ خدا را. بدرستی که پیغمبران و^{۱۸} اِمامان - صَلَوَاتُ الله عَلَیْهِمْ - خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - ایشان را توفیق می‌دهد^{۱۹} و می‌دهد^{۲۰} ایشان را از عِلْم و حکمت‌هایِ مخزونِ پوشیده آنچه به غیرِ ایشان نمی‌دهد تا بوده باشد عِلْمِ ایشان بالاتر از عِلْمِ اَهلِ زمانِ ایشان در آنجا که می‌فرماید خدای - تَبَارَكَ

-
- | | |
|-------------------------------------|--|
| ۱- ایشان / M + را. | ۲- معدن / در M دال زیر دارد. |
| ۳- و / در M زیر دارد. | ۴- زهدات / M زهاده. |
| ۵- و / در M زیر دارد. | ۶- و / در M زیر دارد. |
| ۷- است / M ندارد. | ۸- است / M است. |
| ۹- فاطمه زهراست / M فاطمه زهراء. | ۱۰- صاحب / M صاحب. |
| ۱۱- قُرَیْش / زیر حرف دوم از M است. | ۱۲- است / M است. |
| ۱۳- خدا / M + است. | ۱۴- است / M ندارد. |
| ۱۵- شرفهاست / M شرفها است. | ۱۶- حلم او کامل‌ترینِ حلمهاست / M ندارد. |
| ۱۷- داناست / M دانا است. | ۱۸- و / در M زیر دارد. |
| ۱۹- می‌دهد / در M دال نیز زیر دارد. | ۲۰- می‌دهد / در M دال نیز زیر دارد. |

و تَمَالَى - که: آیا کسی که هدایت می‌کند مردمان را به حَق سزاوارترست^۱ که بی‌روی او کنند یا کسی که راه نیافته است مگر آنکه او را راه نمایند؟ پس چه شده است شما را؟ چگونه حُکَم می‌کنید؟ و^۲ آنجا که خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - می‌فرماید^۳ که: هر که خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - حکمت داد^۴ پس بتحقیق که او را خیری^۵ بسیار داده شده است و آنجا که می‌فرماید در حکایت طالوت که: بدرستی که خدای تعالی^۶ برگزیده او را بر شما و زیاده کرد او را در فراخی عِلْم و بدن و خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - می‌دهد مُلْک و پادشاهی خود^۷ را به هر که می‌خواهد و خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - واسع العطا یا است^۸ و داناست^۹ که به که می‌باید داد و باز خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - گفت به رسول خود - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله - که: فرستاد پروردگار تو بر تو^{۱۰} قرآن و حکمت را^{۱۱} و یاد داد تو را آنچه نمی‌دانستی و هست فَضْلِ خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - بر تو عظیم. و باز خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - در شانِ اِمَامانِ اَهلِ بَيْتِ^{۱۲} رسولِ خودش و خویشان و ذُرِّیَّتِ آن حَضَرَت - صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِمْ - فرمود که: آیا حَسَد می‌برند مردمان را بر آنچه خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - داده است به ایشان از فَضْلِ خود. پس بتحقیق که دادیم ما آلِ اِبراهیم را کتاب و^{۱۳} حکمت و^{۱۴} دادیم ایشان را مُلْکی عظیم. پس بعضی از مردمان^{۱۵} ایمان آوردند و^{۱۶} بعضی ایمان نیاوردند و بس

۱- سزاوارترست / M سزاوارتر است. ۲- و / M در.

۳- می‌فرماید / M می‌فرماید. ۴- داد / M ندارد.

۵- خیری / M و R چیزی (در R حرف دوم بی‌نقطه است). ضبط نص به تصحیح قیاسی است. ۶- تعالی / M تبارک و تعالی.

۷- خود / M او. ۸- واسع العطا یا است / M واسع العطا یا است.

۹- داناست / M دانا است. ۱۰- تو / M ندارد.

۱۱- را / M داد. ۱۲- بَیت / زیر یکم در M آمده است.

۱۳- و / در M زیر دارد. ۱۴- و / در M زیر دارد.

۱۵- مردمان / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۶- و / در M زیر دارد.

است جهنم آتشی^۱ افروخته^۲ ایشان را و بدرستی^۳ که بنده هرگاه خدای - تبارک و تعالی - او را اختیار کند از برای امور بندگان^۴ خود و او را والی ایشان گرداند^۵ سینه او را منبسط و پهن و روشن می گرداند از برای امرِ اِمامت و عجا می دهد در دل او چشمه های^۶ حکمت را و الهام^۸ می کند به او علوم را تا بعد از آن درنماید در جواب کسی و حیران نشود در جواب از آنچه صوابست. پس او مقصوم است و مؤید است از خدای - تبارک و تعالی - و توفیق داده شده است و به راه راست است و ایمن^۹ است از خطا و لغزش و سر در آمدن و خدای - تبارک و تعالی - او را به این مخصوص گردانیده تا بوده باشد حجت بر بندگان او و شاهد و گواه خدا باشد بر خلقِ الهی و این فضل^{۱۲} خدای - تبارک و تعالی - است: به هر که می خواهد می دهد و^{۱۳} خدای - تبارک و تعالی - صاحب^{۱۴} فضلِ عظیم است. پس آیا قادر می توانند بود خلق بر مثل این مرتبه تا او را اختیار کنند^{۱۵} یا بوده باشد اختیار کرده ایشان به این صفات تا او را مُقَدَّم دارند؟! به حقِ خانه خدای - تبارک و تعالی - که از حق بدر^{۱۶} رفتند و کتاب خدای - تبارک و تعالی - در پس پُشت خود انداختند که گویا هیچ نمی دانند و حال آنکه در کتاب خدای - تبارک و تعالی^{۱۷} - است^{۱۸} هدایت و شِفایِ خلق. پس او را بدور انداختند و متابعت کردند خواهشهای خود را.^{۱۹} پس خدای - تبارک و تعالی -

۱- آتشی / M آتش. (بدون نقطه های حرف دوم).

۲- افروخته / در M تاء زیر دارد. ۳- بدرستی / M بدرستی.

۴- بندگان / در M دال زیر دارد. ۵- گرداند / M کز ده اند.

۶- چشمه های / در M و R چشمه های. ۷- و / در M زیر دارد.

۸- الهام / «م» در M زیر دارد. ۹- ایمن / در M «م» زیر دارد.

۱۰- و / در M زیر دارد. ۱۱- و / در M زیر دارد.

۱۲- خدا... فضل / M ندارد. ۱۳- و / در M زیر دارد.

۱۴- صاحب / در M حاء زیر دارد. ۱۵- کند / M + و.

۱۶- بدر / M پدر. ۱۷- و تعالی / M ندارد.

۱۸- است / M ندارد. ۱۹- پس او را... خود را / M ندارد.

و تَعَالَى - ایشان را مذمت کرد^۱ و^۲ از برای ایشان عذاب و^۳ هَلَاکَت مُقَرَّر ساخته چنانکه خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - می فرماید که: کیست گمراه تر از کسی که پیروی کند خواهش خود را بی هدایتِ اَللّٰهِ؟ بدرستی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - هدایت نمی کند و به مطلب نمی رساند قومِ ستمکاران را.^۴ و دیگر فرمود که: هَلَاکَت باد ایشان را و^۵ ضایع باد اَعْمَالِ ایشان. و دیگر فرمود که: دشمنی و گناهِ عظیم است^۶ نزد خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - و نزد مؤمنان همچنین مهر می نهد^۷ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بر دلِ هر متکبری که بزرگی کند و حق را قبول نکند، و درود فرستد خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بر محمد و آلِ او و^{۱۰} سلام فرستد سلام فرستادنی.

و در مناقبِ خطیبِ خوارزم^{۱۱} و وسیلة المتعبدین^{۱۲} منقولست که: در روزِ فتح خیر پیغمبر - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - به حضرتِ امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)^{۱۳} گفت که: يَا عَلِيُّ! لَوْلَا اَنْ يَقُولَ فِيكَ طَوَائِفُ^{۱۵} مِنْ اَمْنِي مَا قَالَتْ النَّصَارَى فِي عِيْسَى لَقُلْتُ فِيكَ قَوْلًا لَا تَمُرُّ بِمَلَا^{۱۶} إِلَّا اَخَذُوا تَرَابَ رِجْلَيْكَ^{۱۷} وَ فَضَلَ طَهْوَرِكَ^{۱۸} يَسْتَشْفُونَ بِهِ لَكِنْ حَسْبُكَ

۱- کرد / M کرده. ۲- و / M ندارد.

۳- و / در M زیر دارد. ۴- ستمکاران را / M ستمکار.

۵- و / در M زیر دارد. ۶- و گناه / M من.

۷- عظیم است / M عظیمست. ۸- مهر می نهد / M ندارد.

۹- تعالی / M + و نزد مؤمنان هم مهر می نهد.

۱۰- و / M ندارد.

۱۱- نگر: مناقب خوارزمی، ص ۱۲۹ و ۱۵۸؛ و سنح: بشارة المصطفى - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -، ص ۲۴۶؛ و: إعلام الوری، ۱/ ۳۶۶.

۱۲- نگر: مناقب خوارزمی، ص ۱۲۹ و ۱۵۸؛ و سنح: بشارة المصطفى - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -، ص ۲۴۶؛ و: إعلام الوری، ۱/ ۳۶۶. ۱۳- خیر / M خبر.

۱۴- ع / M علیه السلام. ۱۵- طَوَائِفُ / M طَوَائِف.

۱۶- بِمَلَا / R بِمَلَا. ۱۷- رِجْلَيْكَ / M بِرِجْلَيْكَ.

۱۸- طَهْوَرِكَ / چنين است در M R طَهْوَرِكَ.

أَنْ تَكُونَ مِنِّي كَهَرُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا إِنَّهُ^۱ لَا نَبِيَّ^۲ بَعْدِي وَإِنَّكَ تُثِرُّ عَنْ ذِمَّتِي وَتُقَاتِلُ عَلَيَّ سُبَّتِي وَإِنَّكَ فِي الْآخِرَةِ مَعِي وَإِنَّكَ عَلَى الْخَوْضِ خَلِيفَتِي وَإِنَّكَ أَوَّلُ مَنْ يَكْسُو مَعِي وَإِنَّكَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ^۳ مَعِي مِنْ أُمَّتِي وَإِنْ شِيعَتَكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مُبِيتَضَّةٍ^۴ وَجُوهُهُمْ أَشْفَعُ لَهُمْ وَيَكُونُونَ حِيزَانِي وَإِنَّ حَزْبَكَ^۵ حَزْبِي وَسِلْمَكَ سِلْمِي وَإِنَّ سِرَّكَ سِرِّي وَعَلَانِيَتَكَ عَلَانِيَتِي وَإِنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَعَلَى لِسَانِكَ وَفِي قَلْبِكَ وَبَيْنَ عَيْنَيْكَ وَإِنَّ الْإِيمَانَ مُخَالِطٌ لِحُكْمِكَ وَدَمَكَ كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَدَمِي لَنْ يَرُدَّ^۶ عَلَى الْخَوْضِ مُبْغِضُ لَكَ وَلَنْ يَغِيبَ عَنْهُ^۷ مُحِبٌّ لَكَ^۸ فَخَرَّ عَلَيَّ^۹ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - سَاجِدًا وَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْعَمَ عَلَيَّ بِالْإِسْلَامِ وَعَلَّمَنِي الْقُرْآنَ^{۱۰} وَحَبَّبَنِي^{۱۱} إِلَى خَيْرِ الْبَرِيَّةِ خَاتَمِ^{۱۲} النَّبِيِّينَ وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ إِحْسَانًا وَتَفْضِيلًا.

آن حضرت - صلوات الله و سلامه علیه - می فرمایند که: یا علی! اگر نه آن بود که طائفه ای^{۱۱} چند از اُمّت من می گفتند در شان تو آنچه گفتند نصاری در شان^{۱۲} عیسی و او را خدا دانستند، هر آینه من در شان تو می گفتم سخنی چند که نمی گذشتی به هیچ قوم مگر آنکه برمی داشتند از خاک^{۱۳} پای تو و بازمانده وضو تو که به آن شفا یابند ولیکن همین بس است تو را که تو از من به منزله هارونی از موسی چنانکه هارون خلیفه موسی

۱- إِلَّا إِنَّهُ / M إِلَّا إِنَّهُ. ۲- نَبِيَّ / M نَبِيَّ.

۳- الْجَنَّةَ / در M واپسین حرف زیر دارد. ۴- مُبِيتَضَّةً / چنین است در M. R. مُبِيتَضَّةً.

۵- حَزْبَكَ / در M باء پیشی دارد (شاید به قلمی إلحاقی).

۶- يَرُدَّ / M يَرُدَّ. ۷- لَكَ / R + قَالَ. این افزونه در M نیست.

۸- الْقُرْآنَ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۹- حَبَّبَنِي / M حَبَّبَنِي.

۱۰- خَاتَمِ / چنین است در R به زیر تاء. M خَاتِم.

۱۱- طَائِفَةُ ای / M طَائِفَةُ. ۱۲- تو... شان / M ندارد.

۱۳- خَاكِ / M خَاكِ.

بود^۱ و^۲ تو نیز خلیفه و^۳ جانشین منی، غیر از آنکه بعد از من پیغمبری نخواهد بود^۴ و^۵ اگر نه تو می‌بودی و^۶ بدرستی که تو بری می‌گردانی ذِئبت مرا از حقوق مردم و قرضهای ایشان را که بر من دارند تو ادا خواهی کرد و وعده‌هایی^۷ که^۸ به ایشان کرده‌ام وفا خواهی کرد و تو بر سنت و^۹ طریق من جهاد خواهی کرد با سه گروه و بدرستی که تو در آخرت با من خواهی بود و بدرستی که تو در حوض^{۱۰} کوثر جانشین من خواهی بود در آب دادنِ اُمّت من و بدرستی که تو اوّل کسی که حله‌های^{۱۱} بهشت بپوشانند تو را با من و بدرستی که تو اوّل کسی که داخل بهشت شود با من از اُمّت من^{۱۲} و بدرستی که فردای قیامت شیعیان تو بر منبرها باشند از نور و^{۱۳} رویهای ایشان سفید و نورانی باشند و من شفاعت کنم ایشان^{۱۴} را و بوده باشند در بهشت همسایگان من و بدرستی که حرب با تو حرب با منست و^{۱۵} صلح با تو صلح با من و بدرستی که پنهان تو پنهان منست و^{۱۶} آشکار تو آشکار من^{۱۷} و بدرستی که حق با تست و بر زبان تست و در دل تست و برابر چشمهای تست یعنی حق می‌گویی^{۱۸} و حق می‌دانی و^{۱۹} حق می‌بینی و بدرستی که

۱- بود / M ندارد.

۲- و / M منی و.

۳- و / M در زیر دارد.

۴- وعده‌هایی / چُنین است در R. M وعده‌ای.

۵- بر بنیاد هنجارهای رسم الخطّی پیشینیان «وعده‌ایی» را می‌توان هم صورت جمع «وعده» گرفت و هم صورت جمع «وعده».

۶- که / M ندارد.

۷- و / در M زیر دارد.

۸- حوض / زیر یکم در M آشکارا آمده است.

۹- حله‌های / M حله‌ها.

۱۰- و / M ندارد.

۱۱- و / در M زیر دارد.

۱۲- و / در M زیر دارد.

۱۳- و / در M زیر دارد.

۱۴- و / در M زیر دارد.

۱۵- و / در M زیر دارد.

۱۶- و / در M زیر دارد.

۱۷- و / در M زیر دارد.

۱۸- و / در M زیر دارد.

۱۹- و / در M زیر دارد.

۲۰- و / در M زیر دارد.

ایمان^۱ مخلوطست به گوشت و خونِ تو چنانکه مخلوطیست به گوشت و خونِ من^۲
و بدرستی که وارد نمی‌گردد بر حَوْضِ^۳ کوثر دشمنِ تو و غایب نخواهد بود از و^۴ دوستِ
تو. پس حضرتِ اَمیرالمؤمنین - صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلَیْهِ^۵ - به سجده افتاد و^۶ گفت: حَمْد
و^۷ سیاس آن پروردگاری را که مَنّت نهاد و^۸ اِنعام^۹ کرد بر مَن به اسلام^{۱۰} و^{۱۱} به یاد
داد^{۱۲} مرا قرآن و دوست گردانید مرا به نزدِ بهترین اَنام و خاتمِ پیغمبران و سَیِّد^{۱۳} و مهتر
و^{۱۴} بهترِ مُرسَلین، و^{۱۵} اینها به مَن کرد از رویِ اِحسان و تفضیل و تفضیل^{۱۶} دادنِ من^{۱۷}
بر دیگران.

ای عزیز! نیکو تَأَمَّل کن در هر یک از اَلْفَاظِ اِین حَدِیث که دلیلیست واضح
و^{۱۸} هویدا بر اَفْضَلِیَّتِ آن حَضْرَت و جَلَالِیَّتِ^{۱۹} قَدَرِ^{۲۰} و رُتَبِ آن بزرگوار. و^{۲۱} علمای

۱- می‌بینی... ایمان / M ندارد.

۲- مخلوطیست... من / M ندارد. + M می‌بینی.

۳- حَوْض / در M زیرِ یکم آشکارا کتابت گردیده است.

۴- از و / M از او. ۵- عَلَیْهِ R ندارد.

۶- و / در M زیر دارد. ۷- و / در M زیر دارد.

۸- و / در M زیر دارد. ۹- اِنعام / در M حرفِ یکم زیر دارد!!

۱۰- اِسْلَام / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۱- و / در M زیر دارد.

۱۲- به یاد داد / M یاد. «به یاد یاد دادن» یعنی؟

۱۳- سَیِّد / زیرِ سین در M آشکارا کتابت گردیده است.

۱۴- و / در M زیر دارد. ۱۵- و / در M زیر دارد.

۱۶- و تفضیل / در R بالای سطر و میانِ کلمات اِقْحام شده است. در M نیست.

۱۷- من / M مرا. ۱۸- و / در M زیر دارد.

۱۹- جَلَالَت / M جَلَالِیَّت. ۲۰- قَدَر / M قَدَر.

۲۱- و / در M زیر دارد.

عامه^۱ در أَكْثَرِ كُتُبِ خود این حدیث را ذکر کرده‌اند و از مُفَادِ آن غافلند: ﴿خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً﴾.^۲

و در کفایت الطالب^۳ و^۴ چهل حدیث که حافظ ابونعیم در شان مهدی جمع کرده^۵ و در وسیلة المتعبدین^۶ هم از دار قطنی که صاحب جَرَح^۷ و تعدیست مروی شده است که: ابوهرون عبّدی گفت: از ابوسعید خدری^۸ طلب کردم حدیثی که از رسول خدا - صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - شنیده باشی در فَضْلِ حَضْرَتِ امیرالمؤمنین - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ -؛ ابوسعید خدری گفت که: رسول خدا (ص) بیمار شد و حضرت فاطمه زهرا به عبادت وی آمد و^۹ مَن از طرفِ دستِ راستِ رسول خدا (ص) نشسته بودم. چون رسول خدا را ضعیف و نحیف دید گریه^{۱۰} بر وی غالب شد تا بر روی آن حضرت روان^{۱۱} شد. حضرت فرمود که: مَا يُبْكِيكَ؟^{۱۲} قَالَتْ: أَخْشَى الضَّيْعَةَ مِنْ بَعْدِكَ - يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ! أَمَا عَلِمْتَ^{۱۳} أَنَّ^{۱۴} اللَّهَ أَطْلَعَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ اطَّلَاعَةً^{۱۵} فَاخْتَارَ مِنْهَا أَبَاكَ^{۱۶} ثُمَّ أَطْلَعَ^{۱۷}

۱- عامه / در M میم زیر دارد.

۲- قرآن کریم: س ۲، ی ۷. استشهاد بدین آیه در این مقام صواب نیست و نمونه‌ای است از کین توزیهای فرقه‌ای، که مَعَ الْأَسَفِ از دیرباز میان عامه و خاصه بوده است.

۳- نگر: کشف الغمّة، ط. دارالأضواء، ۱۵۳/۱.

۴- و / در M زیر دارد.

۵- نگر: کشف الغمّة، ط. دارالأضواء، ۱۵۳/۱، و ۲۶۷/۳.

۶- سنح: کشف الغمّة، ط. دارالأضواء، ۱۵۳/۱.

۷- جَرَح / M خرج.

۸- خَدْرِي / M جدری.

۹- صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ / M ص.

۱۰- گریه / زیر یکم در M آشکارا کتابت شده است.

۱۱- روان / M جاری.

۱۲- يُبْكِيكَ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۳- عَلِمْتَ / M عَلِمْتُ.

۱۴- أَمَا / M إِنَّمَا.

۱۵- اطَّلَاعَةً / R اطَّلَعْتُ.

۱۶- أَبَاكَ / M و R أَبَاكَ. + ثُمَّ أَطْلَعَ ثَانِيَةً فَاخْتَارَ مِنْهَا أَبَاكَ.

ثَانِيَةً فَأَخْتَارَ^۱ مِنْهَا^۲ بَعْلَكَ^۳ فَأَوْحَىٰ إِلَيَّ فَانْكَحْتُهُ^۴ وَأَخَذْتُهُ وَصِيًّا^۵ أَمَا^۵ عَلِمْتَ^۶ أَنَّهُ
 يَكْسِرُ أَمْرَ اللَّهِ إِثَّاكَ^۷ زَوْجَكَ^۸ أَعْظَمْتَهُمْ عِلْمًا وَأَكْثَرَهُمْ جِلْمًا وَأَقْدَمَهُمْ سِلْمًا.
 فَاسْتَبَسَّرْتُ فَقَالَ: يَا قَاطِمَةُ! إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ أُعْطِينَا سَبْعَ^۹ خِصَالٍ لَمْ يُعْطَهَا^{۱۰} أَحَدٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ
 وَلَا يُدْرِكُهَا أَحَدٌ مِنَ الْآخِرِينَ: نَبِيَّتَا خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ وَهُوَ أَبُوكَ وَوَصِيَّتَا خَيْرِ الْأَوْصِيَاءِ وَهُوَ
 بَعْلُكَ^{۱۱} وَشَهِيدَتَا خَيْرِ الشُّهَدَاءِ وَهُوَ عَمُّ أَبِيكَ حَمْرَةُ^{۱۲} وَمِنَّا مَنْ لَهُ جَنَاحَانِ^{۱۳} يَطِيرُ بِهِمَا
 فِي النَّجَّةِ حَيْثُ شَاءَ وَهُوَ جَعْفَرٌ وَمِنَّا سِبْطَا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهُمَا ابْنَاكَ^{۱۴} وَمِنَّا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ
 الَّذِي يُصَلِّي خَلْفَهُ عِيسَى بْنُ^{۱۵} مَرْيَمَ - عَلَى نَبِيِّنَا وَآلِهِ وَعَلَيْهِمَا^{۱۶} السَّلَامُ. ثُمَّ ضَرَبَ
 مَنَكِبَ^{۱۷} الْحُسَيْنِ فَقَالَ: مِنْ^{۱۸} هَذَا مَهْدِيُّ^{۱۹} هَذِهِ الْأُمَّةِ.

حضرت رسالت پناه - صلوات الله و سلامه علیه^{۲۰} - برسیدند که: چه چیز تو را به گریه

۱- فَأَخْتَارَ / R

۲- مِنْهَا / R مِنْهُمْ. در M هم «مِنْهُمْ» بوده ولی خود رونویسگر دستکاری کرده و آن را «مِنْهَا»

۳- بَعْلَكَ / R بَعْلُكَ. گردانیده است.

۴- فَانْكَحْتُهُ / در M به زیر تاء آمده است. هـ أَمَا / M إِنَّمَا.

۵- عَلِمْتَ / R عَلِمْتُ. ۷- إِثَّاكَ / M إِثَّاكَ.

۸- زَوْجَكَ / M زَوْجَكَ. ۹- سَبْعَ / M سَبْعَ.

۱۰- يُعْطَهَا / در M طاء هم زیر دارد و هم زیر.

۱۱- بَعْلُكَ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۲- حَمْرَةُ / M حَمْرَةُ. ۱۳- جَنَاحَانِ / M و R جَنَاحَانِ.

۱۴- ابْنَاكَ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۵- بَنُ / M ابْنُ. ۱۶- عَلَيْهِمَا / R عَلَيْهِمَا.

۱۷- مَنَكِبَ / M مَنَكِبَ. ۱۸- مِنْ / M مِنْ.

۱۹- مَهْدِيُّ / M مَهْدِيُّ.

۲۰- صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ / M صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

درآورده است؟ حضرتِ فاطمه^۱ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا^۲ - فرمود که: چون تو از دنیا می‌روی من بیکس و غریب می‌شوم و از بیکسی و فروماندگی ترسانم. پس حضرت فرمود که: ای فاطمه؟! آیا نمی‌دانی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - نظر کرد به اهلِ زمین نظری و از ایشان اختیار کرد و برگزید پدرِ تو را؛ پس نظری دیگر فرمود و^۴ برگزید از ایشان شوهرِ تو را؛ پس وحی کرد به من تا تو را به فرمانِ او به او دادم و او را وصیِ خود گردانیدم؟ آیا نمی‌دانی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - تو را گرامی داشت که تو را گردانید زینِ عالمترین مردمان^۶ و بُردبارترینِ عالمیان^۷ و پیشتر از همه^۸ به شرفِ اسلام مُشَرَّف شده. پس حضرتِ فاطمه - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا - خوشحال گردید. پس حضرت - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا - فرمود که: ای فاطمه! بدرستی که ما اهلِ بیتیم که داده‌اند ما را هفت خصلت که نداداند هیچ یک از پیشینیان را و^{۱۰} در نمی‌یابد این صفات^{۱۱} را اُخدی از پسینیان.^{۱۲} پیغمبرِ ما بهترین پیغمبرانست و آن پدرِ نُست و^{۱۳} وصیِ ما بهترینِ اوصیاء پیغمبرانست و آن شوهرِ نُست و شهید ما بهترین^{۱۴} شهیدان است^{۱۵} و آن عمِّ پدرِ نُست حمزه و از ماست کسی که او را دو بائست و به آن طَیران می‌کند در بهشت به هرجا که خواهد و^{۱۶} آن جَعْفَر است،

۱- فاطمه / M فاطمة. ۲- صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا / M عَلَيْهَا السَّلَام.

۳- فاطمه / M فاطمة. ۴- و / M ندارد.

۵- از ایشان / M ار ایشان. ۶- مردمان / در M «ن» زیر دارد.

۷- عالمیان / در M «ن» زیر دارد. ۸- همه / در M «م» زیر دارد.

۹- فاطمه / M فاطمة. ۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- صفات / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۲- پسینیان / M پسینیان. ۱۳- و / در M زیر دارد.

۱۴- اوصیاء... بهترین / M ندارد. ۱۵- شهیدان است / M شهیدانست.

۱۶- و / در M زیر دارد.

برادر حضرت امیرالمؤمنین، و از ماست دو سبط و فرزندزاده پیغمبر این اُمّت و آن هر دو فرزندانی تُست^۱ و از ماست مهدی این اُمّت که نماز خواهد گزارد^۲ در عقب او عیسی بن مریم - عَلَیْ نَسِیْنَا وَ آلِهِ وَ عَلَیْهِ السَّلَام^۳. پس پیغمبر - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ - دست بر دوش حضرت امام حسین^۴ زد - صَلَّوْا اللهُ وَ سَلَامُهُ عَلَیْهِ^۵ - و فرمود که: از صلب این^۶ فرزند خواهد بود مهدی این اُمّت.

وَ عَنِ النَّبِیِّ - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ - أَنَّهُ^۸ قَالَ لَمَّا وَ صَلَّتْ^۹ إِلَى الْقَرْشِ رَأَيْتُ قُدَّامِی^{۱۰} تَحْتَ الْقَرْشِ عَلِیًّا یُسَبِّحُ اللَّهَ^{۱۱} وَ یَقْدِسُهُ فَقُلْتُ: يَا جَبْرِئِلُ!^{۱۲} سَبِّحْنِی^{۱۳} عَلِیُّ بْنُ^{۱۴} أَبِي طَالِبٍ^{۱۵} - عَلَیْهِ السَّلَامُ! فَقَالَ جَبْرِئِلُ^{۱۶}: لَا^{۱۷}، لَكِنِّیْ أَخْبِرُكَ - يَا مُحَمَّدُ! - أَنَّ^{۱۸} اللَّهَ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - كَانَ یُكْرِیْ مِنْ^{۱۹} التَّنَائِیْ وَ الصَّلَوةِ عَلَیْ عَلِیِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) فَوْقَ عَرْشِهِ فَاشْتَاقَ الْقَرْشُ^{۲۰} إِلَى^{۲۱} رُؤُوبِهِ فَلِذَلِكَ خَلَقَ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - مَلَكًا بِصُورَتِهِ تَحْتَ الْقَرْشِ لِيَنْظُرَ^{۲۲} الْقَرْشُ إِلَى عَلِیِّ

۱- تُست / M تست. ۲- گزارد / M کذارَد [کذا].

۳- آلِهِ وَ عَلَیْهِ السَّلَام / M عَلَیْهِمُ السَّلَام [کذا].

۴- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ / M ص. ۵- حُسین / M ندارد.

۶- صَلَّوْا اللهُ وَ سَلَامُهُ عَلَیْهِ / M ندارد. ۷- این / M ای.

۸- أَنَّهُ / در M نونِ مُشَدَّد هم زیر دارد و هم زبر!

۹- وَ صَلَّتْ / در M صاد مُشَدَّد است. ۱۰- قُدَّامِی / M قُدَّامِی.

۱۱- اللَّهَ / در M واپسین حرف پیش دارد. ۱۲- جَبْرِئِلُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۳- سَبِّحْنِی / M صَبِّحْنِی. ۱۴- بِنُ / M ابْنِ.

۱۵- أَبِي طَالِبٍ / M طَالِبٍ. ۱۶- جَبْرِئِلُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۷- لَا / در M نیامده است.

۱۸- أَنَّ / M اِنَّ. در R حرفِ یکم حرکت ندارد.

۱۹- مِنْ / R + و. گویا روی آن خط زده شده است. چنین افزونه‌ای در M نیست.

۲۰- الْقَرْشُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۲۱- إِلَى / M عَلِی. ۲۲- لِيَنْظُرَ / در M واپسین حرف پیش دارد.

بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَيَسْكُنُ^۱ شَوْقُهُ^۲ وَ يَكُونُ^۳ تَسْبِيحُ^۴ هَذَا الْمَلَكِ^۵ وَ تَمْجِيدُهُ^۶ ثَوَابًا لِشَيْعَةِ أَهْلِ
بَيْتِكَ يَا مُحَمَّدُ! ثُمَّ قَالَ جَبْرِئِيلُ (ع)^۷: إِنِّي أَحِبُّ عَلَىَّ بَنَ^۸ أَبِي طَالِبٍ وَأُحِبُّ
مَنْ يُحِبُّهُ لِأَنَّهُ لَا يُحِبُّهُ^۹ إِلَّا مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ وَلَا يَتَغَضُّهُ إِلَّا مُنَافِقٌ شَقِيٌّ. أَرَى - يَا مُحَمَّدُ! -
أَنَّ حَمَلَةَ الْعَرْشِ وَالْكَرْسِيِّ وَالصَّافُونَ^{۱۰} حَوْلَ الْعَرْشِ وَالْكَرْسِيِّ وَالرُّوحَانِيِّينَ^{۱۱} أَشَدُّ^{۱۲}
مَعْرِفَةً لِعَلِيِّ بْنِ^{۱۳} أَبِي طَالِبٍ (ع)^{۱۴} مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ لَهُ. يَا مُحَمَّدُ! مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى
يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا^{۱۵} (ع)^{۱۶} فِي زُهْدِهِ وَإِلَى الْمَسِيحِ عِيسَى بْنِ^{۱۷} مَرْيَمَ (ع)^{۱۸} فِي صَفْوَتِهِ
وَإِلَى سُلَيْمَانَ فِي سَخَانِهِ^{۱۹} وَإِلَى مُوسَى الْكَالِمِ فِي عَظَمَتِهِ وَإِلَى دَاوُدَ فِي خَوْفِهِ وَرَجَائِهِ
وَإِلَى أَيُّوبَ فِي صَبْرِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى وَجْهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع)^{۲۰}

۱- فَيَسْكُنُ / واپسین حرف در R و M پیش دارد.

۲- شَوْقُهُ / M شَوْقُهُ.

۳- يَكُونُ / واپسین حرف در R پیش دارد.

۴- تَسْبِيحُ / M يَسْبَحُ.

۵- الْمَلَكِ / در M لام و کاف هم زیر دارند و هم زیر!

۶- تَمْجِيدُهُ / M تَمْجِيدُهُ.

۷- (ع) / R ابن. M بن.

۸- أَبِي طَالِبٍ / R ابْن. M بن.

۹- لَا يُحِبُّهُ / M ندارد.

۱۰- الصَّافُونَ / ضبط نص، موافق M و R است.

۱۱- الرُّوحَانِيِّينَ / R الرُّوحَانِيِّينَ. ضبط نص موافق M است.

۱۲- أَشَدُّ / R أَشَدُّ.

۱۳- مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ لَهُ / E / M / R ابْن.

۱۴- فِي زُهْدِهِ / E / M / R ابْن.

۱۵- فِي صَفْوَتِهِ / E / M / R ابْن.

۱۶- فِي سَخَانِهِ / E / M / R ابْن.

۱۷- فِي عَظَمَتِهِ / E / M / R ابْن.

۱۸- فِي خَوْفِهِ وَرَجَائِهِ / E / M / R ابْن.

۲۰- سَنَج: مناقب آلِ ابی طالب - علیهم السلام -، ابن شهر آشوب، ۲/ ۲۶۶؛ و: نهج الایمان، ۶۳۴ و ۶۳۵

و باز^۱ مَنْقُولَتْ از رسولِ خدا (ص) که فرمود که: چون به^۲ عَرَش رسیدم در شبِ معراج^۳ دیدم در پیشِ خود علی بن ابی طالب را در زیرِ عرش که تسبیح و تقدیس^۴ اِلهی می کرد. پس گفتم: ای جبرئیل! عَلَی بنِ ابی طالب پیشی گرفته است بر من. پس جبرئیل گفت که: او پیشی نگرفته است ولیکن خبر دهم تو را - یا مُحَمَّد! - که خدای - تَبَارَکَ وَ تَعَالٰی - مَدَحِ حَضْرَتِ عَلَی بنِ ابی طالب بسیار می کرد^۵ و صَلَوَاتِ بر آن حَضْرَتِ بسیار می فرستاد. پس عرش مشتاقِ جَمَالِ آن حَضْرَتِ شد. پس ازین جَهَت^۶ خدای - تَبَارَکَ وَ تَعَالٰی - فرشته ای^۷ آفریده است به صورتِ آن حَضْرَتِ در زیرِ عرش تا آنکه عرش به او نظر کند و اشتیاقِ او ساکن شود و تا آنکه بوده باشد ثوابِ تسبیح و تمجیدِ این فرشته از برایِ شیعیانِ اَهلِ بَیتِ^۸ تو یا مُحَمَّد! پس جبرئیل (ع) فرمود که: من دوست می دارم علی بن^۹ ابی طالب را و^{۱۰} دوست می دارم کسی را که او را دوست^{۱۱} دارد زیرا که دوست نمی دارد او را مگر مؤمنِ پرهیزکار و دشمن نمی دارد او را مگر مُنَافِقِ بَاشَقَاوَتِ^{۱۲} می دانم و می بینم - یا مُحَمَّد! - که فرشتگانِ حَامِلانِ عَرَشِ و کُرسی و فرشتگانِ صَفِّ زنده در دورِ عرش و^{۱۳} کُرسی و ملائکه^{۱۴} روحانیانِ علی

۱- و باز / M ندارد. ۲- به / M ندارد.

۳- معراج / در M حرفِ یکم زیر دارد. ۴- تسبیح و تقدیس / M تقدیس و تسبیح.

۵- بن / M این. ۶- بن / M این.

۷- بسیار می کرد / M ندارد.

۸- جَهَت / زیرِ یکم دو دوم در M آشکارا کتابت شده است.

۹- وَ تَعَالٰی / M ندارد. ۱۰- فرشته ای / M فرشته.

۱۱- بَیت / زیرِ یکم در M آشکارا کتابت شده است.

۱۲- بن / M این. ۱۳- و / M ندارد.

۱۴- دوست / M دوست [!].

۱۵- بَاشَقَاوَتِ / زیرِ شین آشکارا در M کتابت گردیده.

۱۶- و / در M زیر دارد. ۱۷- ملائکه / M ملائکه و.

بن^۱ ابی طالب را - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - بیشتر از اهلِ زمین می شناسند.^۲ یا مُحَمَّد! هر که خواهد که ببیند زُهد و تَرکِ دنیا و تَرِسِ حَضَرَتِ یَحیی بنِ زُکَرِیّا را - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا - و صفوت و برگزیدگی حَضَرَتِ عیسی بنِ مَریم را - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا - و سَخَا^۳ و جوانمردی سلیمان بنِ داود را - عَلَيْهِمَا السَّلَام^۴ - و عَظَمَت و بزرگواری^۵ حَضَرَتِ موسی بنِ عمران را - عَلَی نَبِیِّنا وَآلِهِ وَ عَلَيْهِ السَّلَام - و بیم و^۶ اُمید حَضَرَتِ داود نبی را - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - و صبرِ حَضَرَتِ اُیوب پیغمبر را - سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ - پس باید که نظر کنند به سویی عَلَی بنِ ابی طالب - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - که جمیع این خصال^{۱۰} که هر یک از پیغمبران برگزیده به یکی از آنها موصوف بودند بر وجه کمال در آن حضرت مجتمع است.

و^{۱۱} این حَدِیث دَالست بر اَفْضَلِیَّتِ آن حَضَرَت بر پیغمبرانِ اولی العزم چنانکه بر مُتَبَصِّر^{۱۲} پوشیده نیست.

و عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ^{۱۳} قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ^{۱۴} - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ انْتَهَى بِي الْمَسِيرُ^{۱۵} مَعَ جَبْرِئِيلَ^{۱۶} إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ فَرَأَيْتُ بَيْتًا مِنْ يَاقُوتٍ^{۱۷} أَحْمَرَ فَقَالَ

۱- بن / M / ابن. ۲- می شناسند / M می شناسند.

۳- سَخَا / M سخاوت.

۴- عَلَيْهِمَا السَّلَام / در M واپسین حرف زیر دارد.

۵- و / در M زیر دارد. ۶- بزرگواری / در M حرفِ یکم زیر دارد!

۷- و آلِهِ / M ندارد. ۸- و / در M زیر دارد.

۹- اللَّهُ / M + وَ سَلَامه. ۱۰- خصال / M خُصَال.

۱۱- و / در M زیر دارد.

۱۲- مُتَبَصِّر / ضبط نص، موافق R است. M مُتَبَصِّر.

۱۳- عَبَّاسٍ / M عَبَّاسِی. ۱۴- رَسُولُ / در M لَام زیر دارد.

۱۵- بِي الْمَسِيرُ / M إِلَى الْمَسِيرِ. ۱۶- جَبْرِئِيلَ / M جَبْرِئِیل.

۱۷- يَاقُوتٍ / M يَاقُوتِ.

لِي: يَا مُحَمَّدُ! هَذَا هُوَ النَّبِيُّ الْمَعْمُورُ^۲؛ خَلَقَهُ^۳ اللهُ - عَزَّ وَجَلَّ - قَبْلَ خَلْقِ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ بِخَمْسِينَ أَلْفَ^۴ عَامٍ. قُمْ - يَا مُحَمَّدُ! - فَصَلِّ فِيهِ. قَالَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۵
- وَجَمَعَ اللهُ - تَبَارَكَ^۶ وَتَعَالَى - لِي^۷ النَّبِيِّينَ وَصَفَّهُمْ جِبْرِيلُ^۸ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَرَأَيْتُ صَفًّا^۹
فَصَلَّيْتُ^{۱۰} بِهِمْ فَلَمَّا سَلَّمْتُ أَتَانِي آتٍ مِنْ عِنْدِ رَبِّي فَقَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ! رُبُّكَ يُقَرِّنُكَ^{۱۱}
السَّلَامَ^{۱۲} وَ يَقُولُ لَكَ: سَلِّ الرُّسُلَ^{۱۳} عَلَى مَاذَا أُرْسِلْتُمْ^{۱۴} مِنْ قَبْلِكَ؟ فَقُلْتُ: مَعَاشِرَ الرُّسُلِ!
عَلَى مَاذَا بَعَثَكُمْ رَبِّي قَبْلِي. فَقَالَتِ الرُّسُلُ: عَلَى وَلَايَتِكَ وَ وَلَايَةِ^{۱۵} عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
(ع)^{۱۶} وَ هُوَ قَوْلُهُ: وَ اسْتَنْلِ^{۱۷} مَنْ أُرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا^{۱۸، ۱۹}

و باز منقولست از عبدالله^{۲۰} بن عباس^{۲۱} که گفت که: رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -
فرمود که: چون شبِ معراج مرا به آسمان^{۲۲} بردند و با حضرت جبرئیل به آسمانِ چهارم
رسیدیم، پس دیدم خانه‌ای^{۲۳} از یاقوتِ سرخ. پس جبرئیل به من گفت که: یا محمد! این

۱- مُحَمَّدُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۲- النَّبِيُّ الْمَعْمُورُ / واپسین حرف هر دو کلمه در M زیر دارد.

۳- خَلَقَهُ / M خَلَقَهُ.

۴- أَلْفَ / M أَلْفَ.

۵- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۶- تَبَارَكَ / در M راه زیر دارد.

۷- لِي / M ندارد.

۸- جِبْرِيلُ / M جِبْرِيلُ.

۹- فَصَلَّيْتُ / M فَصَلَّيْتُ.

۱۰- مُحَمَّدُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۱- يُقَرِّنُكَ / M يُقَرِّنُكَ.

۱۲- السَّلَامُ / M و R السَّلَامُ.

۱۳- الرُّسُلُ / M الرُّسُلُ.

۱۴- أُرْسِلْتُمْ / چنین است در هر دو دستنوشته.

۱۵- وَلَايَةِ / M و R وَلَايَةِ.

۱۶- ع / M عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۱۷- وَ اسْتَنْلِ / M وَ اسْتَنْلِ.

۱۸- در قرآن کریم (س ۴۳، ی ۴۵) می‌خوانیم: ﴿وَ اسْأَلْ مَنْ أُرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا﴾

۱۹- نگر: مائة منقبة في ابن شاذان قمی، ط. أبطحی، ص ۱۴۹ و ۱۵۰ (منقبة ۸۲).

۲۰- عبدالله / M عبد.

۲۱- بن / M ابن.

۲۲- آسمان / در M «ن» زیر دارد.

۲۳- خانه‌ای / M خانه.

بیت المعمور است که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - پیش از آفریدن آسمانها آفریده است به پنجاه هزار سال. بایست - یا مُحَمَّد! - و^۱ در اینجا نمازگزار^۲. حضرت پیغمبر - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرمود که: خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - جَمْع کرد از برای من جمیع پیغمبران را وَحَضَرَتِ جبرئیل ایشان را در عَقَبِ^۳ من به یک صَفِّ بازداشت.^۴ پس^۵ من پیشنمازی ایشان کردم. پس چون سلام دادم فرشته‌ای^۶ از جانب پروردگارِ عالمیان به سوی من آمد^۷ و مرا گفت^۸ که: یا مُحَمَّد! پروردگارت سلام می‌رساند^۹ و می‌فرماید که: پیرس ازین^{۱۱} پیغمبران که به چه^{۱۲} چیز مبعوث شدند^{۱۳} پیش از تو؟ پس من گفتم که: ای گروه پیغمبران! شما پیش از من به چه چیز مبعوث شدید؟ پس جمیع پیغمبران گفتند: بَرِ ولایتِ^{۱۴} تو و ولایتِ علی بن ابی طالب - صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمَا^{۱۵} وَ عَلَى جَمِیعِ الْأَنْبِیَاءِ وَالْفُرْسَلِینَ. و این است معنی این آیه^{۱۶} که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - می‌فرماید که: ﴿وَاشْتَلْ^{۱۷} مَنْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا﴾^{۱۸} یعنی: یا مُحَمَّد! پیرس آنها بی^{۱۹} را که فرستادیم به

۱- و / M ندارد. ۲- نمازگزار / M نمازگذار [کذا].

۳- عَقَب / M عَقَب. R حرکتگذاری ندارد.

۴- بازداشت / M بازداشت. ۵- پس / M ندارد.

۶- فرشته‌ای / M فرشته. ۷- آمد / M آمد.

۸- و / در M زیر دارد. ۹- گفت / M گفت.

۱۰- می‌رساند / در M راء زیر دارد. ۱۱- ازین / M از این.

۱۲- چه / در M نیامده است.

۱۳- شدند / در R در آغاز «شدید» نوشته شده و سپس دو نقطه زیرین را قلم گرفته «شدند» نوشته‌اند. M موافق ضبط متن است.

۱۴- ولایت / M ولایت.

۱۵- وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِمَا / M علیه (که البته بالای سطر هم افزوده شده است).

۱۶- آیه / M آیه. ۱۷- وَ اشْتَلْ / M وَ اشْتَلْ.

۱۸- چنانکه پیشتر بیامد - در قرآن کریم (س ۴۳، ی ۴۵) می‌خوانیم: ﴿وَ اشْتَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا﴾

رسالت پیش از تو از پیغمبرانِ ما که بر^۱ چه چیز مبعوث شدید^۲ پیش از من و ایشان آن جواب دادند.

ای عزیز! نیکو تأمل^۳ نما در بزرگوارِی این دو بزرگوار که عَرَضِ کُلِّی از بعثتِ جمیع پیغمبران ولایت^۴ ایشان است و^۵ این کم است از رتبه ایشان.

وَعَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ^۶ - أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۷ - جَاءَنِي^۸ جَبْرِئِيلُ^۹ مِنْ عِنْدِ^{۱۰} اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - بِوَرَقَةٍ^{۱۱} أَسِ خَضْرَاءَ^{۱۲} مَكْتُوبٍ^{۱۳} يَتَّضِإُ إِلَيَّ^{۱۴} أَفْتَرَضْتُ^{۱۵} مَحَبَّةَ عَلِيِّ بْنِ^{۱۶} أَبِي طَالِبٍ عَلَيَّ خَلْقِي فَيَلْفَهُمْ^{۱۷} ذَلِكَ^{۱۸}.

و باز منقولست از جابر بن عبدالله أنصاری که گفت که: رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

→ ۱۹- آنهایی / M آنهائی. ضبط نص بنابر R است.

۱- که بر / M بر که.

۲- شدید / M شدند. سنج بانصی عَرَبِی روایت.

۳- تأمل / M تاویل. ۴- ولایت / M ولایت.

۵- و / در M زیر دارد.

۶- عَنْهُ / R عَنْهُمْ. در M «عَنْهُ» نوشته شده و بالای آن «هنا».

۷- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ۸- جَاءَنِي / M جَانِي.

۹- جَبْرِئِيلُ / در M نیامده است.

۱۰- عِنْدُ / در M واپسین حرف هم زیر دارد و هم زیر.

۱۱- وَرَقَةٍ / M مِنْ وَرَقَةٍ. ۱۲- خَضْرَاءَ / M خَضْرَاءِ.

۱۳- مَكْتُوبٍ / M مَكْتُوبًا. ۱۴- إِلَيَّ / R إِلَيَّ. M إِلَيَّ.

۱۵- أَفْتَرَضْتُ / R أَفْتَرَضْتُ. M أَفْرَضْتُ. ۱۶- بَنِي / M ابْنِ.

۱۷- فَيَلْفَهُمْ / M فَيَلْفَهُمْ.

۱۸- نگر: الأملی طوسی، ط. البعنة، ص ۱۹۶.

وآله^۱ - فرمود که: حضرت جبرئیل^۲ از جانب ملک^۳ جلیل به نزد من آمد^۴ و برگه سبز از مورد آورد^۵ که برو به سفیدی نوشته بود که: من واجب گردانیدم محبت علی بن ابی طالب را بر جمیع آفریدگان خودم. پس به ایشان^۶ برسان این^۸ را - یا محمد!

و عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّهُ^۹ قَالَ: قَالَ^{۱۰} رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لَمَّا خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ^{۱۱} دَعَاهُنَّ فَأَجَبَتْهُ فَقَرَضَ^{۱۲} عَلَيْهِنَّ بُكُورِي وَوَلَايَةَ^{۱۳} عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَبِلَتْهُمَا^{۱۴} ثُمَّ خَلَقَ الْخَلْقَ وَفَوَّضَ^{۱۵} إِلَيْنَا أَمْرَ الدِّينِ، فَالْسَّعِيدُ^{۱۶} مَنْ سَعِدَ بِنَا وَالشَّقِيئُ مَنْ شَقِيَ^{۱۷} بِنَا. نَحْنُ الْمُحَلِّلُونَ^{۱۸} لِحَلَالِهِ وَالْمُحَرِّمُونَ^{۱۹} لِحَرَامِهِ. ۲۰

و باز از جابر بن عبد الله أنصاری^{۲۱} روایتست که او گفت که: رسول خدا - صلی الله علیه وآله^{۲۲} - فرمود که: چون خدای - تبارک و تعالی - آسمانها و زمینها را آفرید ایشان را

۱- صلی الله علیه وآله / M ص.

۲- جبرئیل / زیر جیم آشکارا در M کتابت گردیده است.

۳- ملک / M ملک.

۴- آمد / M آمد.

۵- از مورد آورد / M بنزد من آورد [کذا].

۶- به ایشان / M بایشان (بدون نقطه حرف یکم).

۸- این / M ندارد.

۹- أَنَّهُ / در M نون مُشَدَّد هم زیر دارد و هم زیر.

۱۰- قَالَ / R ندارد.

۱۱- الْأَرْضَ / M الْأَرْضِ.

۱۲- فَقَرَضَ / M فَقَرَضَ [کذا].

۱۳- وَلَايَةَ / R وَلَايَةِ.

۱۴- فَقَبِلَتْهُمَا / M فَقَبِلَتْهُمَا.

۱۵- فَوَّضَ / M فَوَّضَ [کذا].

۱۶- فَالْسَّعِيدُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۷- شَقِيَ / M شَقَا.

۱۸- الْمُحَلِّلُونَ / M الْمُحَرِّمُونَ [کذا].

۱۹- الْمُحَرِّمُونَ / M الْمُحَرِّمُونَ [کذا].

۲۰- نگر: مائة منقبة ابن شاذان، ط. أبطحی، ص ۲۵ و ۲۶ (منقبة ۷).

۲۱- أنصاری / M الأنصاری.

۲۲- صلی الله علیه وآله / M ص.

خوانند، إجابَت کردند، پس واجب گردانید بریشان^۱ نُبُوتِ مَنْ و ولایتِ عَلَیْ بِنِ^۲ اُبی طالب را. پس آسمان و زمین نُبُوت و ولایت را قبول کردند. پس خَلَقَ را آفرید و اُمِرِ دین را به ما باز گذاشت و ما را اِمَام^۳ و حافظِ دین گردانید. پس سعادتمند کسی است که به متابعتِ ما سعادت یابد و شقی کسی است^۴ که به مخالفتِ ما شقاوت یابد. مائِم^۵ حَلالِ کُنندگانِ حلالِ خدا و حرامِ کُنندگانِ حرامِ خدا.

وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - أَنَّهُ^۸ قَالَ: حُبُّ عَلِيٍّ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ^۹.

و باز از عُمَرُ بْنُ خَطَّابِ منقولست که او از رسولِ خدا (ص) نقل کرده است که آن حضرت فرمود که^{۱۰}: دوستیِ عَلَیِّ بِنِ اُبی طالب سببِ بیزاریست از آتشِ دوزخ^{۱۱}. به واسطه همین این مقدار دوستی کرد!

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ^{۱۲} أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ^{۱۳} - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: حُبُّ عَلِيٍّ بِنِ اُبِي طَالِبٍ يَأْكُلُ الدُّنُوبَ^{۱۴} كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ^{۱۵} الْخَطْبَ^{۱۶}.

۱- بریشان / M برایشان. ۲- بِنِ / R ابن. M موافق ضبط متن است.

۳- اِمَام / در M واپسین حرف زیر دارد. ۴- کسی است / M کسیست.

۵- مائِم / M مائِم.

۶- عُمَرُ / M عُمَرُ. ۷- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۸- أَنَّهُ / M أَنَّهُ.

۹- نگر: مناقب آل اُبی طالب، ابن شهر آشوب، ط. دارالأضواء، ۳/ ۲۳۲ (به نقل از فضائلِ اُحمد و فردوسِ دیلمی)؛ و: الصُّرَّاطُ الْمُسْتَقِيمُ بیاضی، ۲/ ۵۰ (به نقل از فردوسِ دیلمی)؛ و: کتاب الأَرَبِینِ مُحَمَّد طاهرِ قمی شیرازی، ط. رجائی ص ۴۶۳ به نقل از فردوسِ دیلمی و با نقلِ توضیحاتی از نجفِ ابن جبر).

۱۰- که / M ندارد.

۱۱- دوزخ / M ندارد. ۱۲- عَبَّاسٍ / M عَبَّاسٍ.

۱۳- اللَّهُ / در M واپسین حرف پیش دارد.

۱۴- الدُّنُوبُ / در M واپسین حرف هم زیر دارد هم زبر.

۱۵- النَّارُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۶- نگر: مناقب آل اُبی طالب، ابن شهر آشوب، ط. دارالأضواء، ۳/ ۲۳۰؛ و: ...

و باز از عبدالله بن عباس منقولست که او گفت که: رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۱ - فرمود که: دوستی علی بن ابی طالب می خورد گناهان را و محو می گرداند چنانکه می خورد^۲ آتش هیمه را.

وَعَنْ أُمِّ سَلَمَةَ أَنَّهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۲ -: عَلِيٌّ وَشِيعَتُهُ هُمُ الْقَائِمُونَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ.^۳

باز از ام سلمه روایتست^۴ که او گفت که: رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۵ - فرمود که: حضرت علی بن ابی طالب و^۶ شیعه آن حضرت ایشان اند^۷ رستگاران در روز قیامت، نه غیر ایشان.

وَعَنِ الْحَسَنِ^۸ الْبَصْرِيِّ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۹ -: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَمَةِ يُعَدُّ عَلِيٌّ^{۱۰} بِنِ^{۱۱} أَبِي طَالِبٍ عَلَى الْفِرْدَوْسِ وَهُوَ جَبَلٌ^{۱۲} قَدْ عَلَا^{۱۳} عَلَى الْجَنَّةِ وَفَوْقَهُ^{۱۴} عَرْشُ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ مِنْ صَفْحَتَيْهِ يَنْفَجِرُ أَنْهَارُ الْجَنَّةِ وَ يَنْفَرُقُ فِي الْجَنَّةِ وَ هُوَ جَالِسٌ عَلَى كُرْسِيِّ مِنْ نُورٍ يَجْرِي بَيْنَ يَدَيْهِ التَّنْزِيمُ لَا يَجُوزُ أَحَدُ الصِّرَاطِ إِلَّا وَمَعَهُ بَرَاءَةٌ

۱- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ۲- می خورد / M می خورد.

۳- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۴- نکر: الصراط المستقیم بیاضی، ۲۰۹/۱؛ و: شرح الأخبار قاضی نعمان، ۴۵۴/۲.

۵- روایتست / در M به زیر راء کتابت گردیده است.

۶- عَلِيٌّ / M ص. ۷- و / در M زیر دارد.

۸- ایشان اند / M ایشانند.

۹- الْحَسَنِ / M + ابن. البته این افزونه نایجا بالای سطر إقحام گردیده است.

۱۰- رَسُولُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۱- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ۱۲- يَوْمٌ / M يَوْمٌ.

۱۳- عَلِيٌّ / M عَلِيٌّ. ۱۴- بِنِ / M بِنِ.

۱۵- جَبَلٌ / R جَبَلٌ. ۱۶- عَلَا / M عَلَى.

۱۷- فَوْقَهُ / M فَوْقَهُ.

يُولَايَتِهِ^۱ وَلَايَةِ أَهْلِ بَيْتِهِ يُشْرِفُ عَلَى الْجَنَّةِ فَيَدْخُلُ^۲ مُحِبِّهِ^۳ الْجَنَّةَ^۴ وَ يَدْخُلُ مُبْغِضِيهِ^۵ النَّارَ^۶.

و باز از حَسَنِ بَصْرِي منقولست که او گفت که: رسولِ خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرمود که: چون روزِ قیامت شود خواهد نشست حضرت عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ بر فردوس و آن کوهی است که مُشْرِفست^{۱۰} بر بهشت و^{۱۱} بالای او عَرَشِ حضرتِ رَبِّ الْعَالَمِينَ است و از دامانِ آن^{۱۲} کوه روان می‌گردد نهرهایِ بهشت و آن حضرت - صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - خواهد نشست بر کرسی ای از نور و روان خواهد بود^{۱۳} در برابرِ آن حضرت چشمه تسنیم که مخصوصِ أَهْلِ بَيْتِ^{۱۴} است و نمی‌گذرد بر صراطِ مَکَرِ کسی^{۱۵} که با او بوده باشد بَرَاءَتِ^{۱۶} و لایَتِ آن حضرت و لایَتِ أَهْلِ بَيْتِ آن حضرت، و^{۱۷} مشرف می‌گردد بر بهشت، پس داخل می‌گرداند دوستانِ خود را به بهشت و^{۱۸} دشمنانِ خود را به دوزخ.

۱- يُولَايَتِهِ / M يُولَايَتِهِ. ۲- فَيَدْخُلُ / M فَيَدْخُلُ.

۳- مُحِبِّهِ / M مُحِبِّهِ. ۴- الْجَنَّةَ / M الْجَنَّةَ.

۵- مُبْغِضِيهِ / M مُبْغِضِيهِ.

۶- النَّارَ / در M واپسین حرف هم زیر دارد و هم زیر و هم جزم!!!

۷- نگر: مائة متعبیه ابن شاذان، ط. أبطحی، ص ۸۵ و ۸۶ (منقبت ۵۲)؛ و: العقد النضید و الدرّ الفرید قمی، ص ۷۸؛ و: مناقب خوارزمی، ط. محمودی، ص ۷۱.

۸- بن / M ابن.

۹- و / در M زیر دارد.

۱۰- مُشْرِفست / M مشرف است.

۱۱- و / در M زیر دارد.

۱۲- آن / M ندارد.

۱۳- بود / M بود.

۱۴- بَیت / زیرِ باء در M آشکارا کتابت گردیده است (البَّئِثَ با قدری تسامح در محل).

۱۵- کسی / در M «جسمی» و بالایش «کسی» نوشته شده است.

۱۶- بَرَاءَتِ / چُنِّین است در R. M. برات. ۱۷- و / در M زیر دارد.

۱۸- و / در M زیر دارد.

وَعَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ! لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدًا اللَّهُ مِثْلَ مَا قَامَ^۱ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ وَكَانَ لَهُ مِثْلُ أَحَدٍ ذَهَبًا فَأَنْفَقَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمدَّة^۲ فِي عُمُرِهِ حَتَّى حَسَّ^۳ أَلْفَ حِجَّةٍ^۴ عَلَى قَدَمَيْهِ^۵ ثُمَّ قُتِلَ^۶ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ مَظْلُومًا ثُمَّ لَمْ يُؤَالِكَ - يَا عَلِيُّ! - لَمْ يَشْمَ^۷ رَاحَةَ^۸ الْجَنَّةِ^۹ وَلَمْ يَدْخُلْهَا^{۱۰}

و^{۱۰} باز منقولست از رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -، فرمود که: یا علی! اگر آنکه بنده (ای) عبادت کند خدای - تبارک و تعالی - را^{۱۱} آن مقدار که حضرت نوح (ع) در میان قوم بود که نهصد و پنجاه سالست و بوده باشد او را به مقدار^{۱۲} که او^{۱۳} اُحد طلا و او را صرف کند در راه خدای - تبارک و تعالی - و خدای - تبارک و تعالی^{۱۴} - آن مقدار عمرش بدهد که هزار حج پیاده بکند پس گشته^{۱۵} شود مظلوم در میان صفا و مروه و تو را امام نداند بوی بهشت نشود^{۱۶} و داخلی بهشت نشود - زیرا که امامت از اصول دین است.

۲- مدَّة / M مدَّة.

۱- مَا قَامَ / R مَا قَامَ.

۴- قَدَمَيْهِ / M قَدَمَيْهِ.

۳- حِجَّةٍ / M حِجَّةٍ.

ع لَمْ يَشْمَ / R لَمْ يَشْمَ. M لَمْ يَشْمَ.

۵- قُتِلَ / M قُتِلَ.

۸- الْجَنَّةِ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۷- رَاحَةَ / M و R رَاحَةَ.

۹- نگر: الصراط المستقیم بیاضی، ۴۹/۲؛ و: کتاب الأربعین محمد طاهر فمی، ط. رجانی، ص ۴۶۲؛ و: ریاض السالکین سید علیخان، ۲۷/۷؛ و: بشارة المصطفی - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -، ط. قیومی، ص ۱۵۳؛ نیز سنج: الزّوهی شاذان بن جبرئیل، ص ۹۶ و ۹۷. و: المناقب خوارزمی، ط. محمودی، ص ۶۷ و ۶۸؛ و: کشف الغمّة، ط. دارالاضواء، ۱/۱۰۰؛ و: ینایع المودّی قندوزی، ۲/۲۹۳؛ و: منهاج الکرامه ی علامه حلی، ط. مبارک، ص ۸۸ و ۸۹.

۱۱- را / M ندارد.

۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۲- به مقدار / ضبط نص، موافق R است، هرچند «به» - که موافق هنجارهای رسم الخطی پیشینیان متصل به لفظ پسین کتابت گردیده -، چندان خردست که آدمی از دُرُستی خوانش خویش به گمان می افتد. M مقدار.

۱۳- و خدای تبارک و تعالی / M ندارد.

۱۵- نشنود / M نشود.

۱۴- کُشته / M کشته.

وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ^۲ الْغِفَارِيِّ^۳ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ^۴ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: - يَا أَبَاذَرٍّ^۵ عَلَيَّ أُخِي وَصَهْرِي وَعَضُدِي وَإِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ^۶ فَرِيضَةً إِلَّا بِحُبِّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. يَا أَبَاذَرٍّ^۷ لَمَّا أُشْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ مَرَرْتُ بِمَلَكٍ جَالِسٍ عَلَى سَرِيرٍ مِنْ نُورٍ وَعَلَى رَأْسِهِ تَاجٌ مِنْ نُورٍ إِحْدَى رِجْلَيْهِ فِي الْمَشْرِقِ وَالْأُخْرَى فِي الْمَغْرِبِ وَبَيْنَ يَدَيْهِ لَوْحٌ يَنْظُرُ فِيهِ وَالدُّنْيَا كُلُّهَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَالْخَلْقُ بَيْنَ رُكْبَتَيْهِ وَيَدُهُ فِي الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ. فَقُلْتُ^۸: يَا جَبْرَيْلُ! مَنْ هَذَا؟ فَقَالَ: عَزْرَائِيلُ^۹. تَقَدَّمَ وَسَلِّمَ عَلَيْهِ. فَقَالَ: تَقَدَّمْتُ وَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَقُلْتُ^{۱۰}: السَّلَامُ عَلَيْكَ حَبِيبِي مَلَكُ الْمَوْتِ! فَقَالَ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَحْمَدُ! مَا فَعَلَ^{۱۱} ابْنُ عَمِكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ^{۱۲}؟ فَقُلْتُ^{۱۳}: وَهَلْ تَعْرِفُ ابْنَ عَمِي عَلِيًّا؟ قَالَ: وَكَيْفَ لَا أَعْرِفُهُ فَإِنَّ اللَّهَ وَكُلَّنِي يَقْبِضُ أَرْوَاحَ^{۱۴} الْخَلَائِقِ^{۱۵} مَا خَلَا رُوحَكَ^{۱۶} وَرُوحَ^{۱۷} عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَتَوَفَّاكُمَا بِمَشِيَّتِهِ^{۱۸}.

۱- أَبِي ذَرٍّ / M ابْنُ ذَرٍّ. ۲- الْغِفَارِيُّ / M الْغِفَارِيُّ.

۳- اللَّهُ / M اللَّهُ. ۴- يَا أَبَاذَرٍّ / R يَا أَبَاذَرٍّ.

۵- يَقْبَلُ / M يَقْبَلُ. ۶- عَنِ / M ابْنِ.

۷- يَا أَبَاذَرٍّ / R يَا أَبَاذَرٍّ. ۸- قُلْتُ / M قُلْتُ.

۹- عَزْرَائِيلُ / چنين است در M و R به زير يكم. اگرچه لفظ «عزرائيل» در تداول بيشتر به زير يكم شنیده می شود، به زير يكم نیز درست است.

زيبی در تاج القروس (تحقيق على شيرى، ۷ / ۲۱۵؛ ذيل «عز») گوید:

«... عزرائيل - ضبطه بالكسر والفتح -: ملك مشهور! عليه السلام».

۱۰- قُلْتُ / M لَكَ. ۱۱- فَعَلَ / M فَعِلَ.

۱۲- أَبِي طَالِبٍ / M أَبِيطَالِبٍ. ۱۳- قُلْتُ / M قُلْتُ.

۱۴- أَرْوَاحَ / M الْأَرْوَاحَ. ۱۵- الْخَلَائِقِ / M الْخَلَائِقِ.

۱۶- رُوحَكَ / در M راء هم زير دارد و هم پيش.

۱۷- رُوحَ / در M راء زير دارد.

۱۸- نگر: مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب، ط. دارالاضواء، ۲ / ۲۶۸.

و^۱ از ابوذَرِ غِفاری - رَضِیَ اللهُ عَنْهُ - منقولست که: او گفت که: رسولِ خدا - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ - فرمود که: ای ابوذَر! علی برادرِ منست و^۲ دامادِ منست و باهو^۳ و مددکارِ منست^۴ و بدرستی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قبول نمی‌کند عَمَلِ واجبی را مگر با دوستی علی بن ابی طالب. ای ابوذَر! چون مرا به آسمان بُردند گذشتم به^۵ فرشته [ای] که نشسته بود بر تختی از نور و بر سرِ او تاجی بود از نور. یکی از پایهای آن فرشته در مشرق^۶ بود و دیگری در مغرب^۷ و در برابرِ او لوحی بود که نظر می‌کرد درو^۸ و^۹ همه دنیا در برابرِ چشمهای او بود و جمیعِ خلائق در میانِ زانوهای او و دستِ او در مشرق بود و در مغرب. پس گفتم: یا جَبْرِئِل! این کیست؟! پس حضرت فرمود که: این عزرائیل است.^{۱۱} پیش^{۱۲} رو و بر او سلام کن. پس حضرت فرمود که پیش رفتن و سلام^{۱۳} کردم و گفتم: السَّلَامُ عَلَیْكَ حَبِیبِ من و دوستِ مَن مَلِكِ المَوْت! او^{۱۴} گفت که: وَ عَلَیْكَ السَّلَامُ یا اَحْمَد! چه حال دارد پسرِ عَمَّتِ علی بن ابی طالب؟ پس من گفتم: آیا تو می‌شناسی پسر^{۱۵} عَمِّ من علی را؟ او گفت که: چگونه نشناسم او را؟ پس بدرستی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - مُوَكَّل ساخته است مرا به قبضِ روحِ جمیعِ خلائق به غیر از روحِ تو و روحِ علی بن ابی طالب که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قبضِ روحِ شما می‌کند به إرادة خود.

۱- و / در M زبر دارد.

۲- و / در M زبر دارد.

۳- باهو / چنین است در R و M.

۴- منست / M من است.

۵- به / M بر. ضبط نص موافق R است.

۶- مشرق / M مغرب.

۷- مغرب / M مشرق.

۸- درو / M در او.

۹- و / M ندارد.

۱۰- جَبْرِئِل / در M زبر حرفِ یکم آشکارا نوشته شده است.

۱۱- است / M است.

۱۲- پیش / M پیش.

۱۳- کن... سلام / M ندارد.

۱۴- او / M باو.

۱۵- پسر / M پس.

۱۶- بن / M ابن.

وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: خَلَقَ اللَّهُ مِنْ نُورٍ وَجْهَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَلِمُحَبِّبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ.^۲
و از انس بن مالک^۳ مرویست که او گفت که: رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرمود که: خدای - تبارک و تعالی - آفریده است از نورِ روی^۴ علی بن ابی طالب هفتاد هزار^۵ فرشته را که استغفار می کنند از برای آن حضرت و^۶ دوستان آن حضرت تا روز قیامت.
وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ^۷ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: مَرَرْتُ لَيْلَةً أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ فَإِذَا أَنَا بِمَلَكٍ جَالِسٍ عَلَى مِثْبَرٍ مِنْ نُورٍ وَ الْمَلَائِكَةُ مُخَدِّقُونَ^۸ بِهِ. فَقُلْتُ: يَا جَبْرِئِيلُ!^۹ مَنْ هَذَا الْمَلَكُ؟ فَقَالَ: أَذُنُ مِنْهُ وَ سِلْمٌ عَلَيْهِ. قَدْ نَوْتُ مِنْهُ وَ سَلَعْتُ عَلَيْهِ فَإِذَا أَنَا بِأَخِي وَ ابْنِ عَمِّي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.^{۱۰} فَقُلْتُ: يَا جَبْرِئِيلُ!^{۱۱} سَبَقَنِي عَلِيٌّ إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ. فَقَالَ: لَا يَا مُحَمَّدُ! وَلَكِنَّ الْمَلَائِكَةَ^{۱۲} شَكَّتْ حُبَّهَا^{۱۳} لِعَلِيِّ فَخَلَقَ اللَّهُ هَذَا

۱- صَلَّى الله عليه و آله / M ص.

۲- نگر: مائة متبغی ابن شاذان، ط. أبطحی، ص ۴۳ (متبغی ۱۹): و: مناقب خوارزمی، ص ۷۱.

۳- و / در M زیر دارد. ۴- مالک / M مالک.

۵- روی / M نور.

۶- هزار / زیر هاء در M آشکارا نوشته شده است.

۷- و / در M زیر دارد. ۸- أَنَسِ / M أَنَسِ.

۹- مَائِلٍ / M مَائِلٍ [کذا]. ۱۰- الله / در M واپسین حرف پیش دارد.

۱۱- مُخَدِّقُونَ / چنین است در M. R مُخَدِّقِينَ.

در R بالای سطر به خطی ریزتر آمده: «قُونَ ط».

حرف «ط» (قاعدتاً: ط) نمودارِ استظهار است و این استظهاری نحوی است.

۱۲- قُلْتُ / M قُلْتُ. ۱۳- جَبْرِئِيلُ / در M راه زیر دارد.

۱۴- عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ / M + ع. این افزونه در R نیست.

۱۵- جَبْرِئِيلُ / در M راه زیر دارد.

۱۶- الْمَلَائِكَةُ / در M حرف واپسین نقطه ندارد و زیر دارد.

۱۷- حُبَّهَا / M حُبَّهَا.

الْمَلَكُ مِنْ نُورٍ عَلَيَّ يَزُورُونَهُ^۱ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ^۲ وَ يَوْمِ جُمُعَةٍ^۳ سَبْعِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ^۴ وَيَسْتَحُونَ اللَّهَ وَيُقَدِّسُونَهُ وَيُهْدُونَ^۵ ثَوَابَهُ لِمُحِبِّ عَلِيٍّ - عَلَيْهِ سَلَامُ اللَّهِ^۶.

و^۸ باز از آنس بن مالک مرویست که: رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۱۰} - فرمود که: شبی که مرا به معراج بُردند دیدم فرشته [ای] را که نشسته بود بر منبری از نور و فرشتگان دَوَرِ^{۱۱} او درآمده بودند. پس گفتم: یا جبرئیل! کیست این فرشته؟ جبرئیل گفت که: پیش رو و^{۱۲} سَلَامُ کُنْ بر او. پس^{۱۳} پیش رفتم و سَلَامِ کردم بر او. پس ناگاه دیدم برادرَم و پسر عَمِّم، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، را. پس گفتم: یا جبرئیل! حضرت عَلی پیش از مَنْ به آسمانِ چهارم آمده است. پس گفت: نه یا مُحَمَّد! وَلَیْکِنْ^{۱۴} فرشتگان^{۱۵} به خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - شکایت کردند دوستی خود را به^{۱۶} عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ که ما او را نمی بینیم^{۱۷}. پس خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - این فرشته را از نورِ رُویِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ آفرید که زیارت

۱- يَزُورُونَهُ / M يَزُورُونَهُ. ۲- لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ / M لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ.

۳- يَوْمِ جُمُعَةٍ / M يَوْمِ جُمُعَةٍ. ۴- وَ / M وَ يَسْتَحِبُّ.

۵- يَهْدُونَ / M يَهْدُونَهُ [کذا].

۶- عَلَيْهِ سَلَامُ اللَّهِ / چنین است در R. در R، پیشتر، لفظ «سَلَام» «ال» داشته که پَسَانِ تَرِ مَحْوُش ساخته اند. M عَلَيْهِ السَّلَام.

۷- نگر: کشف الغمّة، ط. دارالآضواء، ۱/ ۱۳۷ و ۱۳۸؛ و: کشف اليقین علامه حلی، ط. درگاهی، ص ۲۳۳. ۸- و / در M زیر دارد.

۹- بن / M ابن. ۱۰- وَ آلِهِ / در R نیامده است.

۱۱- دَوَر / زیر یکم در M آشکارا کتابت گردیده است.

۱۲- و / در M زیر دارد. ۱۳- پس / در M نیامده است.

۱۴- وَلَیْکِنْ / زیر یکم در M آشکارا کتابت گردیده است.

۱۵- فرشتگان / زیر تاء آشکارا در M آمده است.

۱۶- به / باء در M زیر دارد.

۱۷- که ما او را نمی بینیم / R دارند و او را نمی بینند. در R بالای «واو» به خطی ریزتر «انکه» اضافه شده است. M نه می بینم.

می‌کنند او را در هر شبِ جمعه و^۱ روزِ جمعه هفتاد هزار بار و^۲ تسبیحِ الهی و تقدیسِ او می‌کنند و^۳ هدیه می‌فرستند نوابِ آن را از برایِ دوستانِ علی بنِ ابی طالب - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ^۵.

وَمِنْ مُسْنِدِ أَحْمَدَ^۶ بْنِ حَنْبَلٍ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ (ص)^{۱۰} قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَوَاتِ بِأَلْفِي^{۱۱} عَامٍ^{۱۲}.

و از مُسْنَدِ أحمد بن^{۱۳} حنبل مرویست که او گفت که: رسولِ خدای^{۱۴} - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرمود که: نوشته بود بر درِ بهشت که: محمد رسولِ خداست و^{۱۵} علی برادرِ رسولِ خدای^{۱۶} است^{۱۷} - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۱۸} - پیش از آنکه خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بیافریند آسمانها را به دو هزار سال.

وَعَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مَكْتُوبٌ

۱- و / در M زیر دارد.

۲- و / در M زیر دارد.

۳- و / در M زیر دارد.

۴- بن / M ابني.

۵- وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ / R عليه و آله. ضبطِ نصِ موافقِ M است.

۶- مُسْنَدُ / M مُسْنَدُ.

۷- أَحْمَدُ / M أَحْمَدُ.

۸- صَلَّى اللَّهُ / M ص.

۹- رَسُولُ / M رَسُولُ.

۱۰- ص / M ندارد.

۱۱- بِأَلْفِي / M بِأَلْفٍ [كذا].

۱۲- نگر: فضائل أهل البيت - عليهم السلام - من كتاب فضائل الصحابة، ط. محمودی، ص. ۱۷۸.

و سنح: مناقب أهل البيت - عليهم السلام - ابن المغازلی، ط. محمودی، ص. ۱۶۲.

۱۳- بن / M ابني.

۱۴- خدای / M خدا.

۱۵- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۱۶- و / در M زیر دارد.

۱۷- خدا / M خدای.

۱۸- است / M ست.

۱۹- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ندارد.

۲۰- بن / M ابني.

۲۱- اللَّهُ صَلَّى / در M نیامده است.

عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،^۱ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيَّ أَخُوهُ وَلِيُّ اللَّهِ أَوْجَبَ اللَّهُ^۲ وَلَا يَسْتَهُ وَحُبُّهُ عَلَى الذَّرِّ قَبْلَ خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِأَلْفِي^۳ عَامٍ فَمَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى^۴ اللَّهَ وَهُوَ عَنْهُ رَاضٍ فَلْيُؤَالِ عَلِيًّا وَعِزَّتُهُ فَإِنَّهُمْ أَوْلِيَانِي وَنُجَبَائِي وَأَحِبَّائِي وَخُلَفَائِي.^۵

و^۶ باز از جابر بن عبدالله أنصاری^۷ روایتست که او گفت که: رَسُولِ خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرمود که: نوشته^۸ است بر دَرِ بهشت که لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ،^۹ عَلَيَّ أَخُوهُ وَلِيُّ اللَّهِ،^{۱۰} یعنی: علی برادرِ رسول و^{۱۱} وَلِيِّ خُداست و خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - واجب گردانید ولایت^{۱۲} آن حضرت و دوستی آن حضرت را بر ارواح پیش از خلقِ آسمانها و زمینها به دوهزار سال. هر که خواهد که چون^{۱۳} روزِ قیامت شود^{۱۴} خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - از او^{۱۵} راضی باشد، پس باید که مرتضی علی و فرزندان او را امام داند. پس بدرستی که ایشان دوستان و برگزیدگان^{۱۶} مَنْ و محبوبانِ مَنْ و^{۱۷} خلیفه‌های مَنَد.

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ^{۱۸} - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -^{۱۹} قَالَ: شِيعَةُ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ

۱- اللَّهُ / در M واپسین حرف هم پیش دارد و هم زیر.

۲- اللَّهُ / در M نیامده است.

۳- بِأَلْفِي / M بِأَلْفِي.

۴- يَلْقَى / M يَلْقَى.

۵- شیخ خَرَّ عاملی در الجواهر السنیة (ص ۳۰۴) این حدیث را - با مختصر تفاوتی - به نقل از بُرسی آورده و او از فردوسی دیلمی نقل کرده است.

۶- و / در M زیر دارد.

۷- أنصاری / M أنصاری.

۸- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۹- نوشته / M نوشته [!].

۱۰- اللَّهُ / در M نیامده است.

۱۱- اللَّهُ / M اللَّهُ.

۱۲- و / در M زیر دارد.

۱۳- ولایت / M ولایت.

۱۴- چون / M ندارد.

۱۵- شود / M + و.

۱۶- از او / M از او (به نظر می‌رسد ألف را پس از کتابت میان زای و واو إقحام کرده‌اند).

۱۷- برگزیدگان / M برگزیده کان.

۱۸- و / در M زیر دارد.

۱۹- رَسُولَ / M رَسُولَ.

۲۰- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ندارد.

الْقِيَمَةِ يَا عَلِيُّ! أَنَا مِنْكَ وَأَنْتَ مِنِّي. شِيعَتُكَ شِيعَتِي وَرُوحُكَ رُوحِي وَأَوَّلِيَاؤُكَ أَوَّلِيَايَ.
 مَنْ أَحَبَّهُمْ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَانِي. يَا عَلِيُّ! شِيعَتُكَ
 مَغْفُورٌ لَهُمْ عَلَى مَا كَانَ مِنْهُمْ مِنْ عُيُوبٍ وَذُنُوبٍ وَأَنَا السَّامِعُ لَهُمْ إِذَا قُضِيَ الْقَمَامُ الْمَحْمُودُ^۱
 فَبَشِّرْهُمْ بِذَلِكَ. يَا عَلِيُّ! شِيعَتُكَ شِيعَةُ اللَّهِ وَأَنْصَارُكَ أَنْصَارُ اللَّهِ وَأَوَّلِيَاؤُكَ أَوَّلِيَاءُ اللَّهِ^۲
 وَجِزْبُكَ جِزْبُ اللَّهِ وَجِزْبُ اللَّهِ^۳ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. يَا عَلِيُّ! سَعِدَ مَنْ وَالَاكَ وَشَقِيَ مَنْ عَادَاكَ.^۴
 و^۵ از عبدالله عباس^۶ منقولست که رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرمود که: شیعیان
 علی بن^۷ ابی طالب، ایشانند رستگاران در روز قیامت، نه غیر ایشان.^۸ یا علی! من از
 توأم و تو از منی. شیعه تو شیعه و پیرو^۹ من است^{۱۰} و روح تو روح من است و دوستان
 تو دوستان منند^{۱۱}. هرکه ایشان را دوست دارد مرا دوست داشته است و هرکه ایشان را
 دشمن دارد مرا دشمن داشته است^{۱۲} و هرکه اظهار دشمنی با او کند با من اظهار دشمنی
 کرده است. یا علی! شیعه تو را عاقبت خواهند آمرزد با همه عیبها و^{۱۳} گناهان و^{۱۴} من
 شفیع ایتانم چون در مقام شفاعت بایستم. پس ایشان را بشارت ده به این. یا علی!
 شیعه و پیرو تو^{۱۵} شیعه خداست و یاوران تو یاوران خداوند و دوستان تو دوستان

۱- الْقَمَامُ الْمَحْمُودُ / در هر دو کلمه در M حرف واپسین پیش دارد.

۲- اللَّهُ / در M واپسین حرف پیش دارد. ۳- وَ جِزْبُ اللَّهِ / M ندارد.

۴- مقایسه کنید با: أَمَالِي صَدُوق، ط. البعثة، ص ۴۱۱.

۵- و / در M زیر دارد. ع عباس / در M واپسین حرف زیر دارد.

۷- بن / M ابن. ۸- ایشان / در M واپسین حرف زیر دارد.

۹- پیرو / در M راه زیر دارد. ۱۰- من است / M منست.

۱۱- منند / در R گویا نخست «منست» بوده و آنگاه با دستکاری به «منند» تبدیل شده و احتمالاً برای آنکه ناخوانا نباشد - زیرش نوشته شده: «من اند». M من است.

۱۲- داشته است / زیر تاء در M اظهار گردیده.

۱۳- و / در M زیر دارد. ۱۴- و / در M زیر دارد.

۱۵- تو / در M تاء زیر دارد - که احتمالاً بایستی ناشی از مسامحه کاری رونویسگر در بابِ

خداوند و^۱ لشکر تو لشکر خداست. و^۲ لشکر خدا، ایشانند رستگاران. یا علی! سعادتمند کسی که دوست تو باشد و شقی کسی که دشمن تو باشد.

وَعَنْ حَدِيثِ^۳ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: عَلِيٌّ خَيْرُ الْبَشَرِ، مَنْ أَبَى فَقَدْ كَفَرَ.^۵

یعنی: علی بهترین خلایق است. هر که ایا کند کافر است.

و حافظ ابن^۷ مردویه^۸ دوازده حدیث نقل کرده است به این مضمون و^۹ غیر^{۱۰} او نیز از علمای عامه^{۱۱} به طرقی متکثره نقل کرده‌اند.^{۱۲}

وَعَنْ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ! أَنْتَ أَحَبُّي وَوَارِثِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِي أَهْلِي وَأُمِّي فِي حَيَوَاتِي^{۱۳} وَبَعْدَ مَمَاتِي. مُحِبُّكَ مُحِبِّي وَمُبْغِضُكَ مُبْغِضِي. يَا عَلِيُّ! أَنَا وَأَنْتَ وَالْأَيُّمَةُ مِنْ وَلَدِكَ سَادَةُ فِي الدُّنْيَا وَمُلُوكُ فِي الْآخِرَةِ. مَنْ عَرَفَنَا فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَمَنْ أَنْكَرَنَا فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهَ.^{۱۴}

و^{۱۵} از رسول خدا^{۱۶} - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - منقولست که فرمود: یا علی! تو برادر منی و وصی منی و^{۱۷} خلیفه منی در اهل من و امین منی در زندگانی من و بعد از مرگ من

→ موضع حرکت باشد. ۱- و / در M زیر دارد.

۲- و / در M زیر دارد. ۳- حَدِيثُهُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۴- عَلِيٌّ / M ندارد. ۵- نگر: كشف النعمة، ط. دارالأضواء، ۱/ ۱۵۵.

۶- است / M است [کذا]. ۷- ابن / M بن.

۸- مردویه / M مردویه. در R هیچ حرکتگذاری ندارد.

۹- و / در M زیر دارد.

۱۰- غیر / در M زیر یکم اظهار گردیده است.

۱۱- عامه / در M «م» زیر دارد. ۱۲- کرده‌اند / M کرده‌اند.

۱۳- حیویتی / M حیواتی [کذا].

۱۴- نگر: أمالی ی صدوق، ط. مؤسسه البعثة، ص ۷۵۴ و ۷۵۵.

۱۵- و / در M زیر دارد. ۱۶- خدا / M + ص.

۱۷- و / در M زیر دارد.

دوستِ تو دوستِ من است و^۱ دشمنِ تو دشمنِ من است. یا علی! من و^۲ تو به منزله^۳ پدر و مادر^۴ این اُمّتیم^۵. یا علی! تو و اِمّامان از فرزندانِ تو^۶ سیدان^۷ و مهترانند^۸ در دنیا و پادشاهانند در آخرت. هر که ما را شناخت^۹ به وسیله ما خدا را شناخت و هر که ما را نشناخت خدا را نشناخت.

وَعَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ^{۱۰} عُمَيْسٍ قَالَ: ^{۱۱} سَمِعْتُ سَيِّدَتِي فَاطِمَةَ - عَلَيْهَا السَّلَامُ - تَقُولُ: لَيْلَةٌ^{۱۲} دَخَلَ بِي عَلَيْي بَنُ^{۱۳} أَبِي طَالِبٍ أَفْرَعَنِي فِي فِرَاشِي فَقُلْتُ: ^{۱۴} أَفْرَعَتْ^{۱۵} - يَا سَيِّدَةَ النِّسَاءِ! -؟ قَالَتْ: بَلَى^{۱۶}. سَمِعْتُ الْأَرْضَ يُحَدِّثُهُ وَيُحَدِّثُهَا فَاصْبَحْتُ وَأَنَا فَرَعَةٌ^{۱۷} فَأَخْبَرْتُ وَالِدِي - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فَسَجَدَ سَجْدَةً طَوِيلَةً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ! ابْشِرِي بِطَيْبِ النَّسْلِ فَإِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ بَعْلَكَ عَلَى سَائِرِ^{۱۸} خَلْقِهِ وَأَمَرَ الْأَرْضَ أَنْ يُحَدِّثَهُ^{۱۹} بِأَخْبَارِهَا وَ مَا يَجْرِي

۱- و / در M زیر دارد.

۲- و / در M زیر دارد.

۳- منزله / در M لام زیر دارد.

۴- مادر / M + من است.

۵- اینجا، ترجمه با نصّ عربی ناهماهنگ است. دقت شود.

۶- تو / M + و.

۷- سیدان / زیر سین در M اظهار گردیده است.

۸- مهترانند / در R چُنین است. M مهترند.

۹- شناخت / در M دستکاری شده و یک «ن» به اوّل آن اضافه گردیده است.

۱۰- بِنْتِ / در M واپسین حرف هم زیر دارد و هم زیر.

۱۱- قَالَ / چُنین است در R و M! ۱۲- لَيْلَةٌ / M و R لَيْلَةٌ.

۱۳- بَنُ / M ابْنُ. ۱۴- فَقُلْتُ / M فَقُلْتُ.

۱۵- فَرَعَتْ / در M واپسین حرف پیش دارد.

۱۶- بَلَى / R ندارد. ولی در M آمده است.

۱۷- فَرَعَةٌ / در M عین هم زیر دارد و هم زیر!

۱۸- سَائِرِ / M سَائِرِ. ۱۹- يُحَدِّثُهُ / M يُحَدِّثُ.

عَلَى وَجْهِهَا مِنْ شَرْقِ الْأَرْضِ إِلَى غَرْبِهَا.^۱

روایتست از أسماء دخترِ عَمِیس که او گفت: شنیدم از سَیِّدَة^۲ خودم، فَاطِمَة^۳ زهرا^۴ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا - که می فرمود^۵ که: آن شبی که حَضَرَتِ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - بر من داخل شد، مرا در خوابگاه ترسانید! من گفتم: ای سَیِّدَة^۶ زن! آیا ترسیدی؟! گفت: بلی؛ شنیدم زمین را که با او سخن می گفت و آن حضرت با زمین سخن می گفت: پس چون صبح شد من همان ترسناک^۷ بودم. پس خبر^۸ دادم پدرم را - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ -؛ پس آن حَضَرَتِ سَجْدَة درازی کرد؛ پس سر برداشت^۹ و گفت: ای^{۱۰} فَاطِمَة^{۱۱}! خوشحال باش که نَسَلِ تو نیکو و^{۱۲} پاکیزه و معصوم خواهند بود. پس بدرستی^{۱۳} که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - تفضیل داد شوهر تو را بر جمیع خلایق و آفریده های خود و امر کرد زمین را که خبرهای خود را به آن حَضَرَتِ حکایت کند و آنچه بر وی

۱- نگر الإقبال ابن طائوس، ط. قیومی، ۳/ ۹۴؛ و: الطوائف ابن طائوس، ط. رجائی، ص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ و: المحضر حلّی، ص ۱۷۲؛ و: كشف الغمّة، ط. دارالأضواء، ۱/ ۲۸۹.

۲- سَیِّدَة / زیر حرف یکم در M اظهار گردیده است.

۳- فَاطِمَة / M فاطمه.

۴- زهرا / M زهراء.

۵- می فرمود / M می فرمودند.

۶- بن / M ابن.

۷- ترسیدی / M ترسیدی.

۸- ترسناک / در M واپسین حرف زیر دارد. «ترسناک» به معنای خائف و بیمناک از دیر باز در پارسی به کار می رفته است؛ چنان که نظامی گفته: توانگر که باشد زرش زیر خاک / ز دزدان بود روز و شب ترسناک. سنج: فرهنگ بزرگ سخن، ص ۱۶۹۷.

۹- خبر / در M به زیر باء کتابت شده و این خوانش موافق تلفّظ عوام اصفهان امروز است.

۱۰- برداشت / در M واپسین حرف زیر دارد!

۱۱- ای / در M زیر حرف یکم اظهار گردیده.

۱۲- فَاطِمَة / در M زیر طاء اظهار گردیده است.

۱۳- و / در M زیر دارد.

۱۴- بدرستی / M بدرستی.

واقع خواهد شد^۱ از آفتاب برآمدن تا آفتاب فرورفتن.

و این حدیث نیز دلالت می‌کند بر افضلیت آن حضرت بر جمیع پیغمبران.

وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ^۲ وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا^۳ أَفْضَلَ مِنِّي وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي. قَالَ عَلِيُّ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَائِلُ^۴ أَفْضَلُ أَمْ جَبْرِئِيلُ؟ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ! إِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ^۵ الْمُقَرَّبِينَ وَفَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْفَضْلُ بَعْدِي لَكَ وَالْإِنَّمَةُ^۶ مِنْ بَعْدِكَ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ^۷ لَخُدَّامُنَا^۸ وَخُدَّامُ مُجِبِّينَا^۹ - يَا عَلِيُّ! - الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِوَلَّيْنَا. يَا عَلِيُّ! لَوْلَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَلَا حَوًّا وَلَا الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ وَلَا السَّمَاءَ وَلَا الْأَرْضَ. فَكَيْفَ لَا نَكُونُ^{۱۰} أَفْضَلَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَقَدْ سَبَقْنَاهُمْ إِلَى مَعْرِفَةِ رَبِّنَا وَتَسْبِيحِهِ وَتَهْلِيلِهِ وَتَقْدِيسِهِ لِأَنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - أَرْوَاحَنَا فَأَنْطَقَهَا بِتَوْحِيدِهِ وَتَمَجِّيدِهِ ثُمَّ خَلَقَ الْمَلَائِكَةَ فَلَمَّا شَاهَدُوا أَرْوَاحَنَا نُورًا وَاحِدًا اسْتَعْظَمَتْ أَمْرُنَا فَسَبَّحْنَا لِنَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّا خَلَقُ^{۱۱} مَخْلُوقُونَ وَأَنَّهُ مُنْزَعٌ^{۱۲} عَنْ صِفَاتِنَا فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ لِتَسْبِيحِنَا

۱- شد / در M شین زیر دارد.

۲- امیرالمؤمنین / در M و R بر روی راء زیر نهاده شده است!

۳- خلقًا / در R روی خاء دو زیر نهاده شده و روی لام - كما فی المتن - سکون: ضبط نص موافق M است.

۴- رسول الله / R + ص. در M روی حرف پایانی رسول پیش نهاده شده!

۵- قَائِلُ / فائِئْتُ. ع- مَلَائِكَتِهِ / M الْمَلَائِكَةِ.

۶- الْإِنَّمَةُ / M الْإِنَّمَةُ.

۷- الْمَلَائِكَةُ / در M واپسین حرف هم زیر دارد و هم زیر!

۸- لَخُدَّامُنَا / M لَخُدَّامُنَا. ۹- مُجِبِّينَا / M مُجِبِّينَا.

۱۰- نَكُونُ / M نَكُونُ [كذا]. ۱۱- بَوْلَايِنَا / M بَوْلَايِنَا.

۱۲- مُنْزَعٌ / M مُنْزَعٌ. ۱۳- خَلَقُ / M خَلَقُ.

وَنَزَّهَتْهُ عَنْ^۱ صِفَاتِنَا^۲ فَلَمَّا شَاهَدُوا عِظَمَ^۳ شَأْنِنَا هَلَّلْنَا لِتَعْلَمَ^۴ الْمَلَائِكَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَا عَبِيدُ وَلَسْنَا بِالْإِلَهِ يَجِبُ^۵ أَنْ لَا تُعْبَدَ مَعَهُ أَوْ دُونَهُ. فَقَالُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. فَلَمَّا شَاهَدُوا كِبَرَ مَحَلَّتِنَا كَبَّرْنَا لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ اللَّهَ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُنَالَ^۶ عِظَمَ^۷ الْمَحَلِّ إِلَّا بِهِ. فَلَمَّا شَاهَدُوا مَا جَعَلَهُ لَنَا مِنَ الْعِزِّ وَالْقُوَّةِ قُلْنَا: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. فَلَمَّا شَاهَدُوا مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا^۸ وَأَوْجَبَهُ^۹ عَلَيْنَا^{۱۰} مِنْ فَضْلِ الطَّاعَةِ قُلْنَا: الْحَمْدُ لِلَّهِ لَتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ مَا يَحِقُّ لِلَّهِ - تَعَالَى ذِكْرُهُ - عَلَيْنَا مِنَ الْحَمْدِ عَلَى نِعْمِهِ. فَقَالَتْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ فِينَا^{۱۱} اهْتَدَوْا^{۱۲} إِلَى مَعْرِفَةِ تَوْحِيدِ^{۱۳} اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - وَتَسْبِيحِهِ^{۱۴} وَتَهْلِيلِهِ وَتَحْمِيدِهِ وَتَمْجِيدِهِ. ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ^{۱۵} وَتَعَالَى - خَلَقَ آدَمَ فَأَوْدَعَنَا صُلْبَهُ وَأَمَرَ الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ لَهُ تَعْظِيمًا لَنَا وَإِكْرَامًا وَكَانَ سَجُودُهُمْ لِلَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - عِبُودِيَّةً وَلِآدَمَ إِكْرَامًا وَطَاعَةً لِكُونِنَا فِي صُلْبِهِ. فَكَيْفَ لَا نَكُونُ^{۱۶} أَفْضَلَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَقَدْ سَجَدُوا^{۱۷} لِآدَمَ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ وَإِنَّهُ

۱- عَنْ / M مِنْ. ۲- صِفَاتِنَا / در M صاد زیر دارد!

۳- عِظَمَ / M عِظَمٍ. ۴- لِتَعْلَمَ / M لِتَعْلَمَ [كذا].

۵- يَجِبُ / M يَحِبُّ [كذا]. ۶- يُنَالَ / R يُنَالُ. M يُنَالُ.

۷- عِظَمَ / R عَظِيمٍ. M عِظَمٍ. ۸- عَلَيْنَا / M نَدَارِدُ.

۹- أَوْجَبَهُ / M أَوْحَنَهُ [كذا].

۱۰- عَلَيْنَا / در R در ادامه «لنا ظ» نوشته شده بوده است که خط زده‌اند و با خطی ریزتر بالای سطر «لنا ظ» نوشته شده. ضبط M موافق متن است.

۱۱- فِينَا / M فِينَا. ۱۲- اهْتَدَوْا / M اهْتَدُوا.

۱۳- مَعْرِفَةِ تَوْحِيدِ / M و R تَوْحِيدِ مَعْرِفَةِ. در R روی لفظِ نخست «خ» و روی لفظِ دوم «م» نهاده شده است، به نشانه مؤخر و مُقَدِّم. ۱۴- تَسْبِيحِهِ / R تَسْبِيحِهِ. M تَسْبِيحُهُ.

۱۵- تهلیل و تحمید و تمجید / در M در هر سه کلمه معطوف حرفی پیش از آخر زیر دارد.

۱۶- تَبَارَكَ / در M راه زیر دارد. ۱۷- نَكُونُ / M تَكُونُ.

۱۸- سَجَدُوا / M سَجَدَ.

لَمَّا عَرَجَ^۱ يَبِي إِلَى السَّمَاءِ أَذَّنَ جَبْرِئِيلُ مَتْنِي مَتْنِي وَأَقَامَ مَتْنِي مَتْنِي ثُمَّ قَالَ لِي: تَقْدَمُ^۲ يَا مُحَمَّدُ! فَقُلْتُ^۳ لَهُ: يَا جَبْرِئِيلُ!^۴ أَتَقْدَمُ عَلَيَّ؟ قَالَ: نَعَمْ،^۵ لِأَنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى^۶ - فَضَّلَ أَنْبِيَاءَهُ عَلَى مَلَائِكَتِهِ أَجْمَعِينَ وَفَضَّلَكَ خَاصَّةً. قَالَ: فَتَقْدَمْتُ وَصَلَّيْتُ بِهِمْ وَلَا فُخْرَ. فَلَمَّا انْتَهَيْتُ بِهِ إِلَى حُجُبِ^۷ الثَّوْرِ قَالَ لِي جَبْرِئِيلُ: تَقْدَمُ - يَا مُحَمَّدُ! وَتَخَلَّفَ عَنِّي. فَقُلْتُ^۸: يَا جَبْرِئِيلُ^۹ فِي مِثْلِ هَذَا الْمَوْضِعِ^{۱۱} تَفَارِقُنِي؟ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ انْتِهَاءَ حَدِّي الَّذِي وَضَعَنِي اللَّهُ فِيهِ إِلَى هَذَا الْمَكَانِ فَإِنْ جَاوَزْتَهُ احْتَرَقَتْ أَجْنِحَتِي بِتَعْدِي^{۱۲} حُدُودَ رَبِّي - جَلَّ جَلَالُهُ^{۱۳} -؛ فَرَخَّ بِي رَخَةً فِي الثَّوْرِ حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى مَا شَاءَ اللَّهُ مِنْ عُلُوِّ مَكَانِي فَتَوَدَّيْتُ: يَا مُحَمَّدُ! قُلْتُ^{۱۴}: بَيْتُكَ - رَبِّ! - وَسَعْدُكَ! تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتُ! فَتَوَدَّيْتُ: يَا مُحَمَّدُ! أَنْتَ عَبْدِي وَأَنَا رَبُّكَ فَإِنِّي فَاعْبُدْ وَعَلَيَّ فَتَوَكَّلْ فَإِنَّكَ نُورِي^{۱۵} فِي عِبَادِي وَرَسُولِي إِلَى خَلْقِي وَحُجَّتِي عَلَى بَرِّيي^{۱۶}. لَكَ وَلِمَنْ تَبِعَكَ خَلَقْتُ جَنَّتِي، وَلِمَنْ خَالَفَكَ خَلَقْتُ نَارِي^{۱۷} وَلِأَوْصِيَائِكَ^{۱۸} أَوْجَبْتُ كَرَامَتِي وَلِشَيْعَتِهِمْ أَوْجَبْتُ ثَوَابِي. فَقُلْتُ: يَا رَبِّ! وَمَنْ أَوْصِيَائِي^{۱۹}? فَتَوَدَّيْتُ: يَا

۱- عَرَجَ / چُنین است در M و R. ۲- تَقْدَمُ / M تَقْدَمُ.

۳- فَقُلْتُ / M و R فَقُلْتُ. ۴- جَبْرِئِيلُ / در M راه زیر دارد.

۵- نَعَمْ / M نَعَمْ [كذا]. قابل توجه است که «نَعَمْ» نیز ریختی است از «نَعَم». نگر: مختار الصحاح. ۶- وَتَعَالَى / M ندارد.

۷- حُجُبِ / در M حرف واپسین هم زیر دارد و هم پیش. پس از کتابت یک «ال» هم بر سرِ حاء افزوده اند.

۸- لِي / M و R + یَا. ولی در R روی آن خط زده شده است.

۹- فَقُلْتُ / در M واپسین حرف زیر دارد. ۱۰- جَبْرِئِيلُ / در M راه زیر دارد.

۱۱- الْمَوْضِعِ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۲- بِتَعْدِي / M بِتَعْدِي. ۱۳- جَلَّ جَلَالُهُ / M جَلَّ جَلَالُهُ.

۱۴- قُلْتُ / M قُلْتُ. ۱۵- نُورِي / M نُودِي.

۱۶- بَرِّيَّتِي / در M پس از راه یک دندانۀ اضافه کتابت گردیده است.

۱۷- نَارِي / M نادِي. ۱۸- لِأَوْصِيَائِكَ / M لِأَوْصِيَائِكَ.

۱۹- أَوْصِيَائِي / M أَوْصَانِي.

مُحَمَّدًا أَوْصِيَاؤُكَ^۱ الْمَكْتُوبُونَ عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ فَظَرُوتُ وَ أَنَا بَيْنَ يَدَيْ رَبِّي - جَلَّ جَلَالُهُ^۲ - إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ فَرَأَيْتُ اثْنَيْ عَشَرَ^۳ نُورًا سَطَرًا أَخْضَرَ عَلَيْهِ اسْمُ أَوْصِيَانِي^۴ أَوْ لَهُمْ عَلَيَّ بْنُ^۵ أَبِي طَالِبٍ^۶ وَ أَخْبَرَهُمْ مَهْدِي^۷ مُسَيِّ. فَقُلْتُ: يَا رَبِّ! أَهَؤُلَاءِ أَوْصِيَانِي بَعْدِي؟ فَتَوَدَّيْتُ: يَا مُحَمَّدًا! هَؤُلَاءِ^۸ أَوْلِيَانِي^۹ وَ أَجْبَانِي^{۱۰} وَ أَوْصِيَانِي وَ حُجَجِي بَعْدَكَ عَلَى بَرِيَّتِي^{۱۱} وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لِأُظْهِرَنَّ بِهِمْ دِينِي وَ لَأُغْلِبَنَّ^{۱۲} بِهِمْ كَلِمَتِي وَ لَأُظْهِرَنَّ الْأَرْضَ بِأَخْبَرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي وَ لَأُمْلِكَنَّهُ^{۱۳} مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ لَأَسْجِرَنَّ لَهُ الرِّيحَ وَ لَأَذِلَّنَّ^{۱۴} لَهُ السَّحَابَ الصَّعَابَ وَ لَأَرْقِئَنَّهُ^{۱۵} فِي الْأَشْجَابِ وَ لَأَنْصُرَنَّهُ بِجُنْدِي وَ لَأُمِدَّنَّهُ^{۱۶} بِمَلَائِكَتِي حَتَّى يُغْلِبَنَّ^{۱۷} دَعْوَتِي وَ يَجْمَعَ^{۱۸} الْخَلْقَ^{۱۹} عَلَى تَوْحِيدِي ثُمَّ لَأُدِيسَنَّ مُلْكَهُ وَ لَأُدَاوِلَنَّ^{۲۰} الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَانِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ^{۲۱}.

دیگر روایتست از حضرت امیرالمؤمنین و^{۲۰} امام^{۲۱} المتقین علی بن ابی طالب -

۱- أَوْصِيَاؤُكَ / أَوْصَانِكَ. ۲- جَلَّ جَلَالُهُ / مَجَلَّ جَلَالُهُ.

۳- اثْنَيْ عَشَرَ / اثْنَا عَشَرَ. ضبط نص موافق M است.

۴- أَوْصِيَانِي / أَوْصَانِي. ۵- بَيْنَ / مِ بَيْنَ.

۶- طَالِبٍ / طَالِبٍ. ۷- هَؤُلَاءِ / در M حرف واپسین پیش دارد.

۸- أَوْلِيَانِي / مِ أَوْصِيَانِي. (البته بدون دندانه یاء! در حالی که نقطه های یاء را دارد!!!).

۹- بَرِيَّتِي / در M پس از راء یک دندانه اضافه کتابت گردیده است.

۱۰- لَأُغْلِبَنَّ / R لَأُغْلِبَنَّ. ۱۱- لَأُمْلِكَنَّهُ / M لَأُمْلِكَنَّهُ.

۱۲- لَأَذِلَّنَّ / در M بجای «ذ» «ز» نوشته شده است.

۱۳- لَأَرْقِئَنَّهُ / M لَأَرْقِئَنَّهُ. ۱۴- لَأُمِدَّنَّهُ / M لَأُمِدَّنَّهُ.

۱۵- يُغْلِبَنَّ / M يُغْلِبَنَّ. ۱۶- يَجْمَعُ / در M واپسین حرف پیش دارد.

۱۷- الْخَلْقَ / M الْخَلْقَ.

۱۸- لَأُدَاوِلَنَّ / در M تشدید روی وارهاده شده است!

۱۹- نَكَر: علل الشرائع، ط. حیدریه، ۵/۱-۷؛ و: کمال الدین صدوق، ط. غفاری، صص ۲۵۲ -

۲۵۶؛ و: عیون أخبار الرضا - علیه السلام - ط. أعلمی، ۱/۲۳۷.

۲۰- و / در M زیر دارد. ۲۱- امام / در M واپسین حرف زیر دارد.

صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - که آن حضرت فرمود که: رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرمود که: نیافریده است خدای ^۱ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - خَلَقَ أَفْضَلَ از مَنْ و نه خَلَقَ گرامی تر بر خدای تعالی ^۲ از مَنْ. حضرت امیرالمؤمنین - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ ^۳ - فرمود که: مَنْ گفتیم: یا رسول الله! تو فاضل تری یا جبرئیل؟ پس حضرت فرمود که: یا علی! بدرستی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - تَفْضِيل داده است پیغمبران مُرْسَلِ خود را بر فرشتگانِ مُقَرَّبِ خود و مرا تَفْضِيل داده است بر همه پیغمبران و مُرْسَلان ^۴ و بعد از مرتبه مَنْ فَضْل و زیادتى بر پیغمبران تو راست و ایمانی بعد از تو و بدرستی که فرشتگان خدمتکارانِ ما آند و خدمتکارانِ دوستانِ ما آند. یا علی! آن فرشتگان که حاملانِ عَرَشِ اند و ^۵ آنهایی که در ^۶ دورِ عرشند ^۷ تنزیه می کنند خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - را ^۸ و مشغولند به حَمْدِ پروردگارِ خود و استغفار می کنند و طَلَبِ اُمُورِش می کنند از برای آن کسانی که ایمان آورده اند به ولایتِ ما. یا علی! ^۹ اگر ما نمی بودیم خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - نمی آفرید نه آدم را و ^{۱۰} نه حوّا را و نه بهشت را و نه دوزخ را و نه آسمان را و ^{۱۱} نه ^{۱۲} زمین را. پس

۱- خدای / در M واپسین حرف زیر دارد.

۲- تعالی / تَبَارَكَ وَتَعَالَى. ۳- الله / ندارد.

۴- علیه / ندارد.

۵- تَبَارَكَ وَ / در متن R نیامده ولی به خطی ریزتر لفظ «تَبَارَكَ» بالای سطر افزوده شده است. ۶- و / در M زیر دارد.

۷- و / در M زیر دارد. ۸- آنهایی / چنین است در R. M. انهایی.

۹- در / M ندارد. ۱۰- عرشند / M عرش آند.

۱۱- را / M ندارد. ۱۲- علی / M عَلًی.

۱۳- و / در M زیر دارد. ۱۴- و / در M زیر دارد.

۱۵- نه / زیر نون در M اظهار گردیده است.

چگونه ما بهتر از فرشتگان نباشیم^۱ حال آنکه ما پیشی گرفته‌ایم^۲ ایشان را به معرفت پروردگار^۳ خود و تسبیح او و تهلیل او و تقدیس او زیرا که اَوَّل چیزی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - آفرید ارواح ما را آفرید؛ پس^۴ ایشان را گویا ساخت به توحید خود و^۵ تعظیم خود. پس آفرید فرشتگان را. پس چون فرشتگان دیدند ارواح ما را از یک^۶ نور بزرگ^۷ دانستند شای ما را. پس ما پروردگار خود را به تنزیه یاد کردیم تا بدانند فرشتگان که ما خَلَقیم آفریده شده و خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - مُنَزَّه است از صفات ما. پس تسبیح گفتند فرشتگان از جهت تسبیح ما و مُنَزَّه دانستند خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - را از صفات ما. پس دیگر چون فرشتگان بزرگواری شای ما را مشاهده کردند، ما تهلیل کردیم و خداوند خود را به یگانگی یاد کردیم تا بدانند فرشتگان که بجز او خداوندی نیست و^۸ ما بندگان اوئیم و^۹ ما را نمی‌سزد خدایی^{۱۰} پس نباید که ما را بندگی^{۱۱} کنند، نه با او و نه بی او. پس^{۱۲} ایشان نیز گفتند: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - را به یگانگی یاد کردند. پس دیگر فرشتگان چون مشاهده^{۱۳} نمودند بزرگواری مرتبه ما را ما خداوند خود را - عَزَّ شَانَهُ - به بزرگواری یاد کردیم به گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» تا بدانند فرشتگان که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - از آن بزرگواری است که به مرتبه [ای] عظیم توان رسید بدونِ فَضْلِ او. پس دیگر چون فرشتگان مشاهده کردند آنچه را که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - مَقَرَّر ساخته بود از برای ما از

۱- و / در M زیر دارد.

۲- گرفته‌ایم / زیر تاء، در M اظهار گردیده است.

۳- پروردگار / M خدای.

۴- و / در M زیر دارد.

۵- پس / M ندارد.

۶- و / در M زیر دارد.

۷- یک / در M واپسین حرف زیر دارد.

۸- بزرگ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۹- و / در M زیر دارد.

۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- خدایی / ضبط نص موافق R است. M خدائی.

۱۲- بندگی / M بزرگ.

۱۳- پس / در M مکرر نوشته شده است.

۱۴- مشاهده / M ندارد.

۱۵- تَبَارَكَ وَ / M ندارد.

عَزَّتْ وَ قُوَّتْ گفتیم^۲ که: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ - یعنی: نیست حولی^۳ و قوَّتی مگر به سببِ خداوندِ بزرگوارِ عَظِيمِ تا بدانند فرشتگان که نیست ما را حولی^۴ و قوَّتی مگر به خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى. پس دیگر چون مشاهده نمودند نعمتهایی^۵ را که خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - به ما انعام کرده بود و واجب گردانیده بود بر ما از فضیلتِ طاعتِ^۶ ما او را، و یا واجب گردانیده^۷ بود از برای ما^۸ از فضیلتِ اطاعتِ خلاقِ ما را، گفتیم ما^۹: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ وَ شُكْرُ او به جای آوردیم تا بدانند فرشتگان حقّی را که واجبست از خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - بر ما از شکرِ نعمتهایی او. پس ملائکه^{۱۰} گفتند: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ. پس به سببِ ما راه یافتند فرشتگان به شناختنِ توحیدِ خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - و^{۱۱} تسبیحِ او و تهلیلِ او و تحمیدِ او و تمجیدِ او. پس بدرستی که خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - آدم را آفرید و انواعِ ما را در پُشتِ او جای داد^{۱۲} و امر کرد فرشتگان را که سَجْدَه او کنند از جهتِ^{۱۳} تعظیم و اِکرامِ ما و سَجْدَه ایشان خدای را بود از رویِ بندگی و^{۱۴} آدم را بود^{۱۵} از رویِ اِکرام و^{۱۶} اطاعت: چون ما در صُلبِ او بودیم. پس چگونه ما أَفْضَل از ملائکه نباشیم

۱- و / در M زیر دارد. ۲- گفتیم / M گفتَم.

۳- حولی / در M بر حرفِ یکم آشکارا زیر کتابت گردیده است.

۴- بزرگوار / در M راء زیر دارد.

۵- حولی / در M بر حرفِ یکم آشکارا زیر کتابت گردیده است.

۶- نعمتهایی / چنین است در R. M نعمتهائی.

۷- طاعت / M اطاعت. ۸- گردانیده / M کَرَد و بنده.

۹- ما / M ندارد. ۱۰- گفتیم ما / M گفتَم.

۱۱- ملائکه / M ملائک (البته بدون نقطه های یاء).

۱۲- و / در M نیامده است. ۱۳- داد / M داده.

۱۴- جهت / M ندارد. ۱۵- و / در M زیر دارد.

۱۶- بود / در M واو زیر دارد. ۱۷- و / در M زیر دارد.

و حال^۱ آنکه ایشان همه سجده آدم کردند و بدرستی که چون مرا به آسمان بردند جبرئیل اذان گفت دو دو و اقامت گفت^۲ دو دو. پس مرا گفت^۳ که: پیش رو یا مُحَمَّد! پس گفتم: یا جبرئیل! پیشی گیرم بر تو؟ گفت: بلی، زیرا که خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - تفضیل داده است پیغمبران خود را بر فرشتگانش تمام و بتخصیص تو را بر همه تفضیل^۴ داده است.^۵ حضرت فرمود که: من پیش رفتم و با ایشان نماز کردم و به این فخر نمی کنم. پس چون با جبرئیل^۶ به حجابهای نور رسیدم جبرئیل مرا گفت^۷ که: یا مُحَمَّد! پیش رو و مرا بگذار.^۸ پس گفتم: یا جبرئیل^۹! در چنین جایی^{۱۰} تواز من جدایی^{۱۱} می کنی؟ پس گفت: یا مُحَمَّد! بدرستی که نهایت حد من که خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - مقرر ساخته است^{۱۲} تا این موضع است. پس اگر بالاتر روم^{۱۳} خواهد سوخت پرهایی من که از حدود پروردگار خود تجاوز کرده ام. پس به یک مرتبه^{۱۴} در افتادم در عالم نور تا رسیدم^{۱۵} به جایی^{۱۶} که خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - می خواست. پس ندا کردند مرا که: یا مُحَمَّد! پس گفتم که: نَبِيِّكَ وَ سَعْدِيكَ! ای پروردگار من! بزرگواری و بلندی قدر^{۱۷} و مرتبه تو راست. پس ندا آمد^{۱۸}

۲- گفت / M گفت.

۱- و حال / M وَ حَال.

۴- تفضیل / R تفضیل. M ندارد.

۳- گفت / M كُت.

۶- جبرئیل / در M با، زیر دارد.

۵- پیغمبران... است / M ندارد.

۷- مرا گفت / M كُت مرا.

۸- بگذار / در M یک واو کوچک یا یک پیش اندکی پس از راه و انبته بالاتر از سطر کتابت شده است.

۹- جبرئیل / در M با، زیر دارد.

۱۱- جدایی / در M حرف چهارم نقطه ندارد.

۱۰- جایی / M جانی.

۱۳- روم / M ندارد.

۱۲- است / M ندارد.

۱۵- رسیدم / M رسیدم [كذا].

۱۴- به یک مرتبه / در M یاء زیر دارد.

۱۷- بلندی قدر / M بلند قدری.

۱۶- جایی / M جانی.

۱۸- آمد / M آمد.

که: یا مُحَمَّد! تو بنده منی و من پروردگارِ توام. پس مرا عبادت کن و بس^۱، و^۲ بر من توکل کن و بس^۳. پس^۴ بدرستی که تو^۵ نور منی و هدایت کننده^۶ بندگان منی و رسول منی به سوی خلق من و حجت منی بر آفریدگان من. از برای تو و از برای پیروان تو آفریده ام^۷ بهشت خود را و از برای مخالفان تو آفریده ام^۸ دوزخ را و از برای اوصیای تو واجب گردانیدم کرامت خود را و از برای شیعیان ایشان واجب گردانیده ام ثواب خود را. پس گفتم: پروردگار! کیستند^۹ اوصیای من؟ پس ندا آمد که: یا مُحَمَّد! اوصیاء تو آنها اند که آسمانی ایشان بر ساقی عرش نوشته است. پس نظر کردم و حال آنکه بودم به نزد خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى -، به ساقی عرش دیدم دوازده نور به سطری^{۱۰} سبز بر او نوشته شده بود اسم اوصیای من. اوّل ایشان علی بن ابی طالب بود و آخر ایشان مهدی اُمّت^{۱۱} من. پس گفتم: یا رب! آیا این جماعت اوصیای منند بعد از من؟ ندا آمد که: یا مُحَمَّد! اینها اولیاء^{۱۲} منند و دوستان منند و اوصیای منند و حجت های منند بعد از تو بر خلق من. به عزّت من^{۱۳} و^{۱۴} جلال من که هر آینه^{۱۵} دینم را به ایشان ظاهر گردانم و به

۱- بس / M پس. ۲- و / M ندارد.

۳- بس / M پس. ۴- پس / M و.

۵- تو / در M ثناء زیر دارد! ۶- هدایت کننده / در M حرف یکم زیر دارد.

۷- آفریده ام / M افریدم. ۸- آفریده ام / M افریدم.

۹- کیستند / در R نخست «کیست» نوشته شده بوده و سپس دستکاری شده و به «کیستند»

بَدَل گردیده است. M کیست. ۱۰- سطری / M سطر.

۱۱- بن / M ابن. ۱۲- اُمّت / M غائب.

۱۳- اولیاء / چنین است در M و R. در M روی کلمه سپسین یک «ی» کتابت گردیده است،

احتمالاً بدین معنا که «اولیای» نیز توان خواند؛ فلاحظ.

۱۴- من / M ندارد. ۱۵- و / در M زیر دارد.

۱۶- هر آینه / در M نون زیر دارد.

ایشان آشکارا کُنم کلمه توحید را و پاک گردانم به آخر^۱ ایشان زمین را از دشمنانم و هرآینه مالک^۲ گردانم او را بلادِ مشرق و مغرب و همه را در تحتِ تصرفِ او درآورَم^۳ و هرآینه بادها^۴ را مُسَخَّرِ او^۵ گردانم و ابرهای^۶ دشوار را ذلیلِ او گردانم و هرآینه او را بلند گردانم در جمیعِ سببهایِ بلندی و هرآینه او را یاری کُنم به^۷ لشکرِ خود^۸ و^۹ هرآینه^{۱۰} مدد کُنم او را به فرشتگانِ خود تا ظاهر گردد دعوتِ من و جمع گردد^{۱۱} خلقِ بر توحیدِ من. پس دایم گردانم مُلکِ^{۱۲} او را و هرآینه اَیّامِ دَوْلَتِ^{۱۳} دوستانِ خود را بکُشَم تا روزِ قیامت.

ای عزیز! اگر به غیر ازین حدیث نباشد در فضلِ ایشان، همین کافی است تو را. پس نیکو تدبّر کن!

وَرُويِ أَنَّهُ سَئِلَ^{۱۴} أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ^{۱۵} - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - عَنْ مَعْنَى

۱- آخر / در M خاء زیر دارد. ۲- مالک / M مَالِك.

۳- درآورَم / زیرهای واو و راء در M اظهار گردیده است.

۴- بادها / M بَادَهَا. ۵- او / M ندارد.

۶- ابرهای / R ابرها. ضبط نص موافقِ M است لیک روی یاء را در M قدری مخدوش کرده و شاید خط زده باشند. ۷- به / M أَز.

۸- خود / در M واو زیر دارد. ۹- و / در M زیر دارد.

۱۰- هرآینه / در M نون زیر دارد.

۱۱- گردد / چنین است در M و R لیک در R یک نقطه هم روی دال هست موهم این که کاتب «گردند» نوشته ولی در مَدِّ دندانه نون تقصیر کرده باشد؛ و الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ. در M روی دال زیر اظهار گردیده است. ۱۲- مُلک / M مُلْك.

۱۳- دَوْلَت / زیر دال در M اظهار گردیده است.

۱۴- سَئِلَ / M + عَنْ. در R، در زیر سطر، پس از «سَئِلَ» اضافه شده: «عَنْ».

۱۵- أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ / R أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. M أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: «إِنِّي مُخَلِّفٌ^۲ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابُ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي»،
 مِنَ الْبَيْتَةِ؟ فَقَالَ: أَنَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَنْبِيَّةُ^۳ الْمُعْصُومِينَ^۴ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِيَهُمْ
 مَهْدِيَهُمْ وَ قَائِمُهُمْ لَا يَفَارِقُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ لَا يَفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرُدُّوْا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ - حَوْضَهُ^۵.

روایتست^۹ از طُرُقِ اهلِ بیت^{۱۰} که پرسیدند از حضرتِ امیرالمؤمنین - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ -
 از معنی قولِ رسولِ خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - که آن حضرت فرمود که: «مَنْ از دنیا می‌روم
 و بعد از خود می‌گذارم در میانِ شما دو چیزِ عظیم: یکی کتابِ خدا و دیگر عترتِ من»؛
 پرسیدند که: این عترت کیست؟ حضرت فرمود که: منم و حَسَن و حُسَین^{۱۱} و نُه امام از
 فرزندانِ حُسَین که نُهَم ایشان مَهْدِی ایشانش^{۱۲} و می‌ایستد به اَمَرِ اَلْهِی در اِعْلَای^{۱۳} کَلِمَةِ^{۱۴}
 الله^{۱۵} بِالسَّیْفِ^{۱۶} و ایشان مفارقت نمی‌کنند کتابِ اَلْهِی را و کتابِ خدا نیز از ایشان جدا
 نمی‌گردد تا وارد شوند در حوضِ کوثر بر رسولِ خدا (ص).

۱- رَسُولٍ / در M لام پیش دارد. ۲- مُخَلِّفٌ / M مُخَلِّفٌ.

۳- كِتَابٌ / در M باء پیش دارد.

۴- الْأَنْبِيَّةُ / چنین است در M. در R واپسین حرف زیر دارد.

۵- الْمُعْصُومِينَ / کذا فی R و M در R ضَبَطَ «التَّسْمِیَةَ» به خَطِّ رونویسگرِ متن، بالای سطر
 افزوده شده است، با نشانِ «ل». عَمَّ يَرُدُّوْا / در M از قلم افتاده است.

۷- رَسُولٍ / در M لام پیش دارد.

۸- منج: عیون أخبار الرضا - علیه السلام -، ط. أعلمی، ۱/ ۶۰؛ و: کمال الدین صدوق، ط. غفاری،
 ص ۲۴۰. ۹- روایتست / در M حرفِ یکم زیر دارد.

۱۰- بیت / در M زیرِ یکم اِظْهَار گردیده است (ولی با تسامح در محلِ گذاشتنِ آن).

۱۱- حُسَین / زیرِ سین در M اِظْهَار گردیده است.

۱۲- ایشانش / M ایشان است. ۱۳- اِعْلَای / M اِعْلَای.

۱۴- کَلِمَةِ / چنین است در M. R کلمه. ۱۵- الله / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۶- بِالسَّیْفِ / R بِالسَّیْفِ. M بِالسَّیْفِ.

و این حدیث ثقلین از طرقِ اهلِ سنت قریب به دویست طریق منقول شده که نقلِ آنها سببِ ملال می‌شود^۱ و در جمیع کتبِ ایشان مسطور است و انکارِ این نمی‌تواند کرد زیرا که از حدِّ تواتر گذشته است، بلکه از ضروریاتِ دین شده است.

وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: يَا عَلِيُّ! طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّكَ وَصَدَّقَ بِكَ وَوَلَّى لِمَنْ أَبْغَضَكَ وَكَذَّبَ بِكَ. مُجِبُّكَ مَعْرُوفُونَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ السُّفْلَى وَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ. هُمْ أَهْلُ الدِّينِ وَ الْوَرَعِ وَ السَّمْعِ الْحَسَنِ وَ التَّوَاضُّعِ لِلَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ -؛ خَاشِعَةٌ^۲ أَبْصَارُهُمْ وَجِلَّةٌ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - وَ قَدْ عَرَفُوا^۳ حَقَّ وَ لَا يَتِيكَ^۴ وَ أَلَسِنَتُهُمْ نَاطِقَةٌ بِفَضْلِكَ وَ أَعْيُنُهُمْ سَاكِتَةٌ تَحْتُنَا عَلَيْكَ وَ عَلَى الْآيَةِ^۵ مِنْ وَلَدِكَ يَدِينُونَ لِلَّهِ بِمَا أَمَرَهُمْ فِي كِتَابِهِ وَ جَاءَهُمْ بِهِ الْبُرْهَانُ مِنْ سُنَّةِ نَبِيِّهِ؛ عَامِلُونَ بِمَا يَأْمُرُهُمْ بِهِ وَ أُولُوا^۶ الْأَمْرِ مِنْهُمْ؛ مُتَوَاصِلُونَ غَيْرُهُمْ^۷ مُتَقَاطِعِينَ؛ مُتَحَابُّونَ غَيْرُهُمْ^۸ مُتَبَاغِضِينَ؛ وَ إِنِ الْتَلَايَكَةَ^۹ لَتُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ وَ تَوَمَّنُ^{۱۰} عَلَى دُعَائِهِمْ وَ تَسْتَغْفِرُ^{۱۱} لِلْمُذْنِبِ مِنْهُمْ وَ تَشْهَدُ لِحَضَرَتِهِمْ^{۱۲} وَ تَسْتَوْجِشُ^{۱۳} لِقَدْرِهِمْ^{۱۴} إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^{۱۵} وَ^{۱۶} دیگر روایتست از پادشاهِ مؤمنان و^{۱۷} پیشوایِ متقیان، حَضَرَتِ عَلِيِّ بْنِ^{۱۸}

- ۱- و / در M نیامده است. ۲- بنی / M ابني.
- ۳- خَاشِعَةٌ / M خَاشِعَةٌ. ۴- عَرَفُوا / M عَرَفُوا.
- ۵- وَلَا يَتِيكَ / در M حرفِ یکم زیر دارد. ۶- الْأَيَّةُ / در M واپسین حرف زیر دارد.
- ۷- أُولُوا / در R اَلِف پایانی در آغاز نبوده و بعداً اضافه شده است.
- ۸- غَيْرُ / M غَيْرُ. ۹- غَيْرُ / M غَيْرُ.
- ۱۰- تَوَمَّنُ / M تَوَمَّنُ [کذا]. ۱۱- تَسْتَغْفِرُ / M يَسْتَغْفِرُ.
- ۱۲- لِحَضَرَتِهِمْ / R لِحَضَرَتِهِ. M كَحَضَرَتِهِمْ.
- ۱۳- تَسْتَوْجِشُ / M تَسْتَوْجِشُ. ۱۴- لِقَدْرِهِمْ / R لِقَدْرِهِمْ. M لِقَدْرِهِمْ.
- ۱۵- سنج: عیون أخبار الرضا - علیه السلام -، ط. أعلمی، ۱/ ۲۳۶؛ و: بحار الأنوار، ۶۵/ ۱۵۰.
- ۱۶- و / در M زیر دارد. ۱۷- و / در M زیر دارد.
- ۱۸- بن / M و R ابني.

أبي طالب - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - که آن حضرت فرمود که: رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۱ - فرمود که: یا علی! خوشا حال کسی^۲ که تو را دوست دارد و تو را تصدیق کند به امامت^۳ و وای بر کسی که تو را دشمن دارد و تو را باور ندارد به امامت. یا علی! دوستان تو معروفند در آسمان هفتم و زمین هفتم و هرچه میان این هر دو است و^۴ آفریدگان تمام ایشان را می‌شناسند. ایشانند اهل دین و وَرَع و^۵ سیرت نیکو و تواضع از برای خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى -؛ چشمهای ایشان باخشوع است؛ دلهای ایشان باخوف است از جهت ذکر خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى -؛ و ایشان می‌دانند حق ولایت و امامت و دوستی تو را و زبانی ایشان گویاست^۶ به فضل تو و آب چشمهای ایشان روانست^۷ از روی شفقت بر تو و بر امامان از فرزندان تو. اطاعت می‌کنند خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - را به آنچه امر کرده است ایشان را در کتاب خود و به آنچه آمده است به ایشان ذلیل او از سنت رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - عمل کنندگانند به آنچه امر می‌کنند ایشان را به آن حضرات^۸ ائمه معصومین - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. با یکدیگر مُشْفِق و مهربان و نیکوکارند. از یکدیگر جدایی^۹ نمی‌کنند. با یکدیگر دوستی کنندگانند^{۱۰}، نه دشمنی کنندگان؛ و بدرستی که فرشتگان صَلَوَات می‌فرستند بر ایشان^{۱۱} و بر دعای ایشان آمین می‌گویند و از برای^{۱۲}

۱- و آله / R ندارد. ولی در M هست.

۲- خوشا حال کسی / M خوشحال کسی [کذا].

۳- به امامت / M با امامت [کذا].

۴- و / در M زیر دارد.

۵- و / در M زیر دارد.

۶- و / در M زیر دارد.

۷- گویاست / M گویا است.

۸- روانست / M روانست.

۹- حضرات / M حضرت.

۱۰- جدایی / M جدائی. ضبط نص موافق R است.

۱۱- دوستی کنندگانند / M دوستی کنند. ۱۲- بریشان / M بر ایشان.

۱۳- برای / M ندارد.

گناهکارانِ ایشان استغفار می‌کنند و^۱ جایی^۲ که ایشان حاضرند فرشتگان حاضر می‌شوند و چون می‌روند فرشتگان وحشت می‌گیرند تا روز قیامت.

وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ -^۳ قَالَ: قَالَ^۴ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: يَا عَلِيُّ! إِنِّي سَأَلْتُ رَبِّي - عَزَّ وَجَلَّ - فِيكَ خَمْسَ خِصَالٍ فَأَعْطَانِي: قَانًا^۵ أَوْلَاهَا فَإِنِّي سَأَلْتُهُ أَنْ تَنْشَقَّ الْأَرْضُ عَنِّي وَأَنْفَضَ^۶ الشَّرَابَ عَنِّي وَأَسِيَّ وَأَنْتَ مَعِيَ^۷ فَأَعْطَانِي.

وَأَمَّا الثَّانِيَةُ فَإِنِّي سَأَلْتُهُ^۸ أَنْ أَقْضِيَ عِنْدَ كَفَّةِ^۹ الْمِيزَانِ وَأَنْتَ مَعِيَ فَأَعْطَانِي. وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ فَإِنِّي سَأَلْتُهُ^{۱۰} - عَزَّ وَجَلَّ - أَنْ يَجْعَلَكَ حَامِلَ لَوَائِي وَهُوَ لَوَاءُ^{۱۱} اللَّهِ الْأَكْبَرُ عَلَيْهِ مَكْتُوبٌ: الْمُفْلِحُونَ الْفَائِزُونَ^{۱۲} بِالْجَنَّةِ فَأَعْطَانِي^{۱۳}. وَأَمَّا الْخَامِسَةُ^{۱۴} فَإِنِّي سَأَلْتُهُ^{۱۵} أَنْ يَجْعَلَكَ قَائِدَ^{۱۶} أُمَّتِي فَأَعْطَانِي. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيَّ بِهِ.^{۱۷}

- ۱- و / در M زیر دارد. ۲- جایی / چنین است در M R جانی.
- ۳- الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ / در M در هر دو کلمه معطوف واپسین حرف زیر دارد.
- ۴- قَالَ / M ندارد. ۵- أَنْفَضَ / M أَنْفَضَ.
- ۶- مَعِيَ / M مَعِيَ. ۷- سَأَلْتُهُ / در M تاء زیر دارد.
- ۸- كَفَّةٍ / M كَفَّةٍ. ۹- سَأَلْتُهُ / در M تاء زیر دارد.
- ۱۰- لَوَاءُ / M لَوَاءُ.
- ۱۱- الْفَائِزُونَ / R الْفَائِزُونَ. ضبط نص موافق M است.
- ۱۲- هم در نصّ عربی روایت - چنان که دیده می‌شود - و هم در ترجمه آن - چنان که خواهید دید -، خبری از فقره چهارم نیست و از «سوم» به «پنجم» رفته‌اند.
- ۱۳- الْخَامِسَةُ / در M واپسین حرف زیر دارد.
- ۱۴- سَأَلْتُهُ / در M تاء زیر دارد. ۱۵- قَائِدَ / M قَائِدَ.
- ۱۶- نگر: خصال صدوق، ط. غفاری، ص ۳۱۴ و ۳۱۵؛ و: عیون أخبار الرضا - علیه السلام -، ط. أعلمی، ۲۵۱/۱.

و دیگر^۱ روایتست از حضرت امیرالمؤمنین و امام المتقین، علی بن ابی طالب - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ^۲ - که: او فرمود که رسول خدا - صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرمود که: یا علی! بدرستی که مَنْ سؤال کردم از خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - در شان تو پنج خصلت و^۳ خدای تعالی به مَنْ آرزانی داشت:

أَمَّا أَوَّلُ آن: پس^۴ بدرستی که مَنْ سؤال کردم از خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - که چون زمین شکافته شود و مَنْ از زمین بیرون آیم و خاک از سرِ خود پاک کنیم تو با من باشی. خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - به مَنْ عطا کرد.

دویم: از خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - طلب کردم که در وقتی که ترازوی اعمالِ خَلَایق کشند و^۵ مَنْ حکم کنیم تو با من باشی. پس قبول کرد^۶ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى.

سیم: سؤال کردم از خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - که بگرداند تو را بر دارنده عِلْمِ مَنْ و آن عِلْمِ اکْبَرِ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - است و بر او نوشته است که: رستگاران کسانی اند که به نعیمِ بهشت فایز گردند. پس خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - به مَنْ عطا کرد.

و أَمَّا سَوَالُ پنجم: پس بدرستی که از پروردگارِ عالَمیان طَلَب کردم که بگرداند تو را پیشرو و کشاننده اُمّتِ مَنْ در دنیا و^۷ آخرت، در دنیا به اِمَامَتِ و در آخرت به رسانیدن به مراتبِ عالی بهشت. پس خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - به مَنْ عطا کرد.

و شکر و^۸ سپاس خداوندگاری را که مَنّت نهاد^۹ بر مَنْ به آنکه حاجاتِ مرا بر آورد.^{۱۰}

۱- و دیگر / در M و او دال هر دو زیر دارند.

۲- صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ / M عَلَيْهِ السَّلَام.

۳- و / در M زیر دارد. ۴- پس / M ندارد.

۵- و / در M زیر دارد.

۶- قبول کرد / در R نخست «قبول کردم» نوشته شده و سپس سعی گردیده است که «م» اِمحاء گردد. ضبطِ نصِ موافقِ M است. ۷- و / در M زیر دارد.

۸- و / در M زیر دارد. ۹- نهاد / M نهاد.

۱۰- آورد / M آورد [کذا].

رُوي أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ: أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ -: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ مَا تَفْسِيرُهُ؟ فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ هُوَ أَنْ عَرَفَ عِبَادَهُ بَعْضَ نِعَمِهِ عَلَيْهِمْ جُمْلًا إِذْ لَا يَقْدِرُونَ عَلَى نِعَمِهِ^۱ مَعْرِفَةً جَمِيعًا بِالتَّفْصِيلِ لِأَنَّهَا أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى أَوْ تُعْرَفَ.^۲ فَقَالَ: قُولُوا: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْعِمَ بِهِ عَلَيْنَا رَبِّ الْعَالَمِينَ وَهُمْ الْجَمَاعَاتُ مِنْ كُلِّ مَخْلُوقٍ مِنَ الْجَمَادَاتِ وَالْحَيَوَانَاتِ^۳ فَأَمَّا الْحَيَوَانَاتُ^۴ فَهُوَ يُقَلِّبُهَا فِي قُدْرَتِهِ وَ يُغْذِّيهَا مِنْ رِزْقِهِ^۵ وَ يَحُولُهَا بِكَيْفِهِ وَ يَدَبِّرُ كَلَّامَتَهَا بِمُصْلَحَتِهِ. وَأَمَّا الْجَمَادَاتُ فَهُوَ يُعْصِيهَا بِقُدْرَتِهِ وَ يُعْصِيكَ الْمُتَّصِلَ^۶ مِنْهَا أَنْ تَنْتَهَاقَتْ وَ يُعْصِيكَ الْمُتَنَاهَاتِ^۷ مِنْهَا أَنْ يَتَلَاصَقَ^۸ وَ يُعْصِيكَ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ يُعْصِيكَ الْأَرْضَ أَنْ تَنْخَسِفَ إِلَّا بِأَمْرِهِ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ رَحِيمٌ. قَالَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: وَ رَبِّ الْعَالَمِينَ مَا لِكُفُّهُمْ وَ خَالِفُهُمْ وَ سَائِقُ أَرْزَاقِهِمْ إِلَيْهِمْ مِنْ حَيْثُ يَعْلَمُونَ وَ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ فَالْإِرْزَاقُ مَقْسُومٌ وَ هُوَ يَأْتِي ابْنَ آدَمَ عَلَى أَيْ سِيرَةٍ سَارَهَا مِنَ الدُّنْيَا لَيْسَ يَنْقُوزُ^۹ مُتَمَيِّزٌ بِزِيَادَةٍ وَ لَا بِفُجُورٍ^{۱۰} فَاجِرٌ بِتَقْصِصَةِ بَيْتِهِ وَ بَيْتِهِ سِرٌّ وَ هُوَ طَالِبُهُ وَ لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ يَغُرُّ مِنْ رِزْقِهِ لَطَلَبَهُ^{۱۱} رِزْقُهُ كَمَا يَطْلُبُهُ الْمَوْتُ. فَقَالَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ -: قُولُوا: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْعِمَ عَلَيْنَا وَ ذَكَّرْنَا^{۱۲} بِهِ مِنْ خَيْرٍ فِي كُتُبِ الْأَوَّلِينَ قَبْلَ أَنْ نَكُونَ فَنَبِي هَذَا إِجَابَ عَلَى

۱- نِعَمِهِ / M ندارد.

۲- تُعْرَفَ / R تُعْرَفُ. ضبط نص موافق IM است.

۳- رَبِّ / R رَبُّ.

۲ و ۳- الْحَيَوَانَاتُ / در هر دو مورد در R، حرف یاء به سکون کتابت گردیده است. در M در مورد نخست سکون دارد ولی مورد دوم حرکتگذاری نشده است لیک در M در مورد دوم

وایسین حرف هم زیر دارد و هم پیش. ع-رِزْقِهِ / M رِزْقِهَا.

۷- الْمُتَّصِلُ / در R صاد زیر دارد. ۸- الْمُتَنَاهَاتُ / در M فاء زیر دارد.

۹- يَتَلَاصَقُ / M و R يَتَلَاصِقُ. ۱۰- يَنْقُوزُ / R يَنْقُوزُ.

۱۱- يَطْلُبُهُ / در M چنین است. R فُجُورٍ. ۱۲- لَطَلَبَهُ / M لَطَلَبِهِ.

۱۳- ذَكَّرْنَا / M ذَكَّرْنَا.

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - وَ عَلَى شِيَعَتِهِمْ أَنْ يَشْكُرُوهُ لِمَا فَضَّلَهُمْ وَ ذَلِكَ أَنْ أَرْسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - قَالَ: لَمَّا بَعَثَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - مُوسَى بْنَ عِزْرَانَ (ع) وَاصْطَفَاهُ نَجِيًّا وَفَلَّقَ لَهُ الْبَحْرَ وَنَجَّاهُ بِنَبِيِّ إِسْرَائِيلَ وَ أَعْطَاهُ التَّوْرَةَ^۵ وَ الْأَنْوَاحَ وَ مَكَانَةَ مِنْ رَبِّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - فَقَالَ: يَا رَبِّ! لَقَدْ أَكْرَمْتَنِي بِكَرَامَةٍ لَمْ تُكْرِمْ بِهَا أَحَدًا قَبْلِي. فَقَالَ اللَّهُ - جَلَّ جَلَالُهُ -: يَا مُوسَى! أَمَّا عَلِمْتَ أَنَّ مُحَمَّدًا عِنْدِي أَفْضَلُ مِنْ جَمِيعِ مَلَائِكَتِي وَ جَمِيعِ خَلْقِي. قَالَ مُوسَى: يَا رَبِّ! فَإِنْ كَانَ مُحَمَّدٌ أَكْرَمَ عِنْدَكَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ فَهَلْ فِي آلِ الْأَنْبِيَاءِ أَكْرَمُ مِنْ آلِي^۸? قَالَ اللَّهُ - جَلَّ جَلَالُهُ -: يَا مُوسَى! أَمَّا عَلِمْتَ أَنَّ فَضْلَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَى جَمِيعِ آلِ النَّبِيِّينَ كَفَضْلِ مُحَمَّدٍ كَذَلِكَ؟ قَالَ: فَهَلْ فِي أُمَمِ الْأَنْبِيَاءِ أَفْضَلُ عِنْدَكَ مِنْ أُمَّتِي؟ ظَلَلْتُ عَلَيْهِمُ الْقَنَامَ وَ أَنْزَلْتُ عَلَيْهِمُ النَّعْنَ وَ السَّلَوى وَ فَلَقْتُ لَهُمُ الْبَحْرَ.^{۱۰} فَقَالَ اللَّهُ - جَلَّ جَلَالُهُ^{۱۱} -: يَا مُوسَى! أَمَّا عَلِمْتَ أَنَّ فَضْلَ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ عَلَى جَمِيعِ أُمَمِ الْأَنْبِيَاءِ كَفَضْلِهِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِي. فَقَالَ مُوسَى: يَا رَبِّ! نَبِيِّي كُنْتُ أَرَاهُمْ فَأَوْحَى اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - إِلَيْهِ: يَا مُوسَى! إِنَّكَ تَرَاهُمْ فِي الْجَنَانِ جَنَاتٍ عَذْنٍ وَ الْفِرْدَوْسِ^{۱۳} بِحَضْرَةِ مُحَمَّدٍ فِي نَعِيمِهَا يَتَقَلَّبُونَ^{۱۲} وَ فِي خَيْرَاتِهَا

۱- أَنْ / چُنین است در M, R. إِنَّ.

۲- رُسُولَ / در M لام زیر دارد.

۳- بِنَ / M ابن.

۴- بِه / در M بالای سطر - گویا خطِ کاتب متن - افزوده شده ولی در R از بِن نیامده است.

۵- التَّوْرَةُ / در R, راء و حرف پسمین خالی از هرگونه إِعْجام در حرکت و نقطه است. زین رو, هم آنسان که ما آورديم, «التَّوْرَةُ» / (التَّوْرَةُ) می توان خواند و هم «التَّوْرِيَّةُ». در M نیز چُنَان است لیک روی راء یک ألف کوچک هست.

۶- جَلَالُهُ / M جَلَالُهُ.

۷- مُحَمَّدٌ / M مُحَمَّدًا.

۸- آلِي / M الِی [کذا].

۹- جَلَالُهُ / M جَلَالُهُ.

۱۰- الْبَحْرَ / M الْبَحْرُ.

۱۱- جَلَالُهُ / M جَلَالُهُ.

۱۲- يَتَقَلَّبُونَ / M يَتَقَلَّبُونَ [کذا].

۱۳- الْفِرْدَوْسِ / در M واپسین حرف هم زیر دارد و هم زیر.

يَتَّبِعُونَ. أَفَتُحِبُّ أَنْ أُسْمِعَكَ^۱ كَلَامَهُمْ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، إِلَهِي! قَالَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ -: قُمْ بَيْنَ يَدَيَّ وَاشْدُدْ مِيزْرَكَ^۲ قِيَامَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ بَيْنَ يَدَيِ الْمَلِكِ^۳ الْجَلِيلِ. فَقَعَلَ مُوسَى (ع)^۴ فَسَادَى رَبَّنَا - عَزَّ وَجَلَّ -: يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ! فَأَجَابُوهُ كُلُّهُمْ وَهُمْ فِي أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَأَوْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ! لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ! إِنَّ الْحَمْدَ وَالتَّعَمُّدَ وَالْمُلْكَ لَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ. فَقَالَ: فَجَعَلَ اللَّهُ تِلْكَ الْإِجَابَةَ شِعَارَ الْحَاجِّ. ثُمَّ نَادَى رَبَّنَا - عَزَّ وَجَلَّ -: يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ! إِنَّ قَضَائِي عَلَيْكُمْ أَنْ^۵ رَحِمْتِي سَبَقَتْ غَضَبِي وَعَفْوِي قَبْلَ عِقَابِي^۶. فَقَدِ اسْتَجَبْتَ لَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَدْعُونِي وَأَعْطَيْتُكُمْ^۷ قَبْلَ أَنْ تَسْأَلُونِي. مَنْ لَقَيْتِي^۸ مِنْكُمْ بِشَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَادِقٌ فِي أَقْوَالِهِ مُحَقِّقٌ فِي أَعْمَالِهِ وَأَنْ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَخَاهُ^۹ وَصِيُّهُ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلِيُّهُ وَتَلْتَزِمُ طَاعَتَهُ^{۱۰} كَمَا تَلْتَزِمُ طَاعَةَ^{۱۱} مُحَمَّدٍ وَأَنْ أَوْلِيَاءَهُ الْمُصْطَفَيْنِ الطَّاهِرِينَ الْمُطَهَّرِينَ الثَّمَانِينَ بِعَجَائِبِ^{۱۲} آيَاتِ اللَّهِ وَدَلَائِلِ^{۱۳} حُجَجِ اللَّهِ مِنْ بَعْدِهِمَا أَوْلِيَاؤُهُ أَذْخَلْتُهُ جَنَّتِي وَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ. قَالَ: فَلَمَّا بَعَثَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - نَبِيَّنَا^{۱۴} مُحَمَّدًا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - قَالَ: يَا مُحَمَّدُ! وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْتُنَا أَمَّا تَكْ يَهْدِيهِ الْكَرَامَةُ. ثُمَّ قَالَ - عَزَّ وَجَلَّ - لِمُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَلَى مَا اخْتَصَّنِي بِهِ

۱- أُسْمِعَكَ / در M عین زیر دارد.

۲- مِيزْرَكَ / چُنین است در R. M مِنْيَزْرَكَ [كذا].

۳- الْمَلِكِ / R الْمَلِكِ. ضبط نص موافق M است.

۴- ع / M عَلَيْهِ السَّلَام. ه-أَنْ / M إِنَّ.

۵- أَعْطَيْتُكُمْ / در M تاء زیر دارد. ع-عِقَابِي / M عِقَابِي.

۶- لَقَيْتِي / M لَقَيْتِي. ۷- بَيْنَ / M بَيْنَ.

۸- أَخَاهُ / M و R. و. در R روی «و» را خط زده‌اند.

۹- طَاعَتَهُ / چُنین است در R. M طَاعَتُهُ.

۱۰- طَاعَةَ / چُنین است در R. M طَاعَةَ. ۱۱- بِعَجَائِبِ / M و R بِعَجَائِبِ.

۱۲- دَلَائِلِ / M و R دَلَائِلِ. ۱۳- نَبِيَّنَا / M نَبِيَّنَا [كذا].

مِنْ هَذِهِ الْفَضِيلَةِ^۱ وَقَالَ لِأَمَّتِي: قُولُوا: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَلَى مَا اخْتَصَّنَا بِهِ مِنْ هَذِهِ الْفَضَائِلِ^۲.

و دیگر منقولست از طُرُقِ اهلِ بیّت^۳ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - که مردی آمد به نزد حضرتِ امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و^۴ گفت: خبر ده مرا از تفسیرِ قولِ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى^۵ - : ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾، که^۶ چه معنی دارد؟ پس حضرت فرمود که: خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - تعلیم می دهد بندگانِ خود را که ستایش و حمد او به جای آورند به آنکه به ایشان شناسانید بعضی از نعمتهایِ خود را بریشان^۸ از رویِ اجمال زیرا که بندگان قادر نیستند بر شناختنِ نعمتهایِ او بتمامی بتفصیل زیرا که نعمتهایِ الهی زیاده از آنست که توان شمرد^۹ یا توان دانست. پس فرمود که: بگوئید: ^{۱۰}الْحَمْدُ لِلَّهِ بِرِهر نعمتی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - به ما انعام کرده است؛ آن خداوندی که رَبِّ الْعَالَمِينَ است یعنی آفریننده و روزی دهنده است و تَرِیثِ کنند^{۱۱} هر مخلوقی^{۱۲} از جمادات و حیوانات^{۱۳}.

۱- الْفَضِيلَةُ / M ندارد.

۲- نگر: علل الشرائع، ۲/ ۴۱۶ - ۴۱۸؛ و: عیون أخبار الرضا - علیه السلام -، ط. أعلمی، ۱/ ۲۵۴ -

۲۵۶؛ و: بشارة المصطفی - صلی الله علیه و آله -، صص ۳۲۹ - ۳۳۱.

۳- بیّت / در M زیر یکم اظهار گردیده است.

۴- بن / M بن.

۵- تَعَالَى / M و R + که. در R روی «که» خط زده شده است.

۶- که / M ندارد. در R بالای سطر افزوده شده است.

۸- بریشان / M. بر ایشان.

۹- شمرد / در M دال زیر دارد.

۱۰- بگوئید / چنین است در R. M بگوئید.

۱۱- تَرِیثِ کنند / ضبط نص موافق M است. R ترتیب کنند.

۱۲- مخلوقی / M مخلوق.

۱۳- حیوانات / در M واپسین حرف زیر دارد.

حیوانات^۱ را پس او در قَبْضَه^۲ قُدْرَت دارد،^۳ از روزی خود ایشان را عَطَا می‌دهد^۴ و تربیت ایشان می‌کند^۵ به حفظِ خود و^۶ هر یک را آنچه مصلحت می‌داند عَطَا می‌کند و جزا می‌دهد. و اَمَّا جمادات را به قُدْرَتِ خود نگاه می‌دارد و آنچه مَتَّصِلست از او^۷ نگاه می‌دارد که از هم نباشد و آنچه از یکدیگر جدا اند نگاه می‌دارد^۸ به حِکْمَتِ خود که به یکدیگر مَتَّصِل نگردند و آسمان را نگاهبانی می‌کند که بر زمین نیفتند مگر به اِذْنِ او^۹ و فرمانِ او^{۱۰} و زمین را نگاهداری می‌کند که فرو نرود و معدوم نگردد مگر به اِذْنِ او. بدرستی که او به بندگانِ خود رحیم است و مهربان. پس حضرت فرمود که: رَبِّ الْعَالَمِينَ یعنی مالِکِ عالمیان و آفریدگارِ ایشان و روزی دهندهٔ ایشان از جایی^{۱۱} که داند و^{۱۲} از جایی^{۱۳} که نداند. پس روزی از برای ایشان قسمت کرده^{۱۴} است^{۱۵} و روزی به فرزندِ آدم می‌رسد در دنیا به هر نوعی که سر کند،^{۱۶} نه به تقوی و پرهیزکاری زیاده می‌گردد و نه به فسق و فجور^{۱۷} کم می‌گردد.^{۱۸} میانه او و روزی پرده است و روزی طَلَبِ کُننده

۱- حیوانات / در M واپسین حرف زیر دارد.

۲- قبضه / در M زیر ضاد اظهار گردیده است.

۳- دارد / M داد.

۴- می‌دهد / در M دالِ نخست و هاء زیر دارد.

۵- می‌کند / چنین است در M. R می‌کنند.

۶- و / در M زیر دارد. ۷- از او / از او.

۸- که از هم ... نگاه می‌دارد / در M نیامده است.

۹- و / در M زیر دارد. ۱۰- او / M ندارد.

۱۱- جایی / چنین است در M. R جایی. ۱۲- و / در M زیر دارد.

۱۳- جایی / M جایی. ۱۴- کرده / در M دال زیر دارد.

۱۵- و / در M زیر دارد. ۱۶- کند / M کنند.

۱۷- فجور / در M راء زیر دارد. ۱۸- می‌گردد / M می‌شود و.

آدمی است، و اگر آنکه شخصی از روزی خود^۱ بگریزد چنان که از مرگ می‌گریزد،^۲ هرآینه^۳ روزی او را طلب کند چنان که مرگ او را طلب می‌کند،^۴ و^۵ دیگر آنکه خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - می‌فرماید که: بگویند: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بر آنچه خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - اِنعام کرده^۶ است بر ما و ما را به خوبی یاد کرده است در کتابهای پیشینیان پیش از آنکه ما موجود گردیم. پس واجب گردانید خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بر مُحَمَّد و آلِ مُحَمَّد (ص) و شیعیان ایشان که شکر او به جای آورند چون خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - ایشان را تفضیل داد و آن چنان بود که رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرمود که: چون خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - حَضَرَتِ موسی بن^۷ عمران را مبعوث گردانید و او را برگزید و صاحبِ مناجاتِ خود گردانید و دریا از برای او شکافت و^۸ بنی‌اسرائیل را نجات داد و^۹ او را عطا کرد تورات^{۱۰} و اَلْوَح و آن مرتبه به نزد خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - به هم رسانید پس گفت: پروردگارا! مرا گرامی داشتی به کرامتی که کسی را پیش از من به این کرامت مُکَرَّم نگردانیدی. پس خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فرمود که: یا موسی! آیا نمی‌دانی که مُحَمَّد نَزِد من أَفْضَل است از جمیع فرشتگانِ من و جمیع خَلْقِ من؟ موسی گفت: یا رَبِّ! پس^{۱۱} اگر مُحَمَّد نَزِد تو بزرگوارتر است از جمیع خَلْقِ تو، پس آیا در آلِ انبیا کسی گرامی‌تر از آلِ من هست؟^{۱۲} خدای - عَزَّ وَجَلَّ - فرمود که: یا موسی! آیا ندانستی که فضیلتِ آلِ مُحَمَّد بر

۱- خود / در M روی «و» زیر هست.

۲- می‌گریزد / چُنین است در M. R. می‌گریزند.

۳- هرآینه / در M نون زیر دارد.

۴- چنان که مرگ او را طلب می‌کند / M ندارد.

۵- و / در M زیر دارد. ۶- کرده / در M دال زیر دارد.

۷- بن / M این. ۸- و / در M زیر دارد.

۹- و / در M زیر دارد. ۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- تورات / R تورایه [کذا]. M تَوْرِیت [کذا].

۱۲- پس / M ندارد. ۱۳- هست / M است.

جميع آل پیغمبران مثل فضیلتِ محمد است بر پیغمبران؟! پس موسی گفت: اَللّٰهُمَّ! آیا در اُمّتْهای پیغمبران کسی گرمایِ تر از اُمّتِ من هست نزد تو؟ ابر را سایه بان^۲ ایشان گردانیدی؛ ترنجبین و مُرغ^۳ بریان از برای ایشان فرستادی و^۴ دَریا از برای ایشان شکافتی. پس خدای - جَلَّ جَلَالُهُ^۵ - فرمود که: یا موسی! آیا ندانستی که فضیلتِ اُمّتِ محمد بر جميع اُمّتْهای پیغمبران مثلِ فضیلتِ محمد است بر جميع خَلایقِ مَنْ؟ پس موسی گفت: یا رَب! کاش من ایشان را می دیدم. پس خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - وحی کرد به او که: یا موسی! بدرستی که تو خواهی دید ایشان را در بهشتها، در باغستانهای بهشتِ عَدْن و فردوس در حضورِ حضرتِ مُحَمَّد - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ -، در حالتی که در نعمتْهای بهشت گردان باشند و حوریان با کمالِ حُسن و جَمال را در منازلِ خود درآورده باشند. یا موسی! آیا دوست می داری که بشنوانم به تو سخنی ایشان را؟ موسی گفت: بلی، یا اَللّٰهُمَّ! خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - فرمود که: برخیز^۶ نَزِدْ مَنْ و^۷ میانِ خود در بند و بایست به نحوی که بنده ذلیل در برابر^۸ پادشاهِ عظیم الشان می ایستد. پس موسی چنان کرد. پس خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - ندا کرد که: ای اُمّتِ مُحَمَّد! پس همه^۹ جواب دادند و حال آنکه ایشان همه^{۱۰} در پُشتِ پدران و رَحیمْهایِ مادران بودند. ^{۱۱}گفتند: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ! لَبَّيْكَ! بدرستی^{۱۲} که حَمْد و سپاس و^{۱۳} نعمت و پادشاهی تو راست و تو را شریک نیست؛ لَبَّيْكَ. پس حضرت فرمود که: خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - این لَبَّيْكَ و اینِ اِجَابَت را شعارِ

۱- پیغمبران / R پیغمبران.

۲- سایه بان / M سایبان.

۳- مُرغ / M مُرغ [!].

۴- و / در M زیر دارد.

۵- جَلَّ جَلَالُهُ / M تعالی جَلَّ وَجَلَالُهُ.

۶- برخیز / در M باء زیر دارد.

۷- و / در M زیر دارد.

۸- در برابر / M بنزد.

۹- همه / در M «م» زیر دارد.

۱۰- همه / در M «م» زیر دارد.

۱۱- بودند / M ندارد.

۱۲- بدرستی / در M به جای آن بیاض است.

۱۳- و / در M زیر دارد.

حاجیان گردانید. پس خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - ندا کرد که: یا اُمَّةُ^۱ مُحَمَّد! بدرستی^۲ که حُکْمِ مَنْ بر شما چنین رفته است که رَحْمَتِ مَنْ پیشی گیرد بر غَضَبِ مَنْ و عَفْوِ مَنْ بوده باشد پیش از عِقَابِ مَنْ. پس بتحقیق که پیش از آنکه شما مرا بخوانید دعاها را و مستجاب گردانیدم و پیش از آنکه از مَنْ سؤال کنید شما را عطاها کردم. هر که^۳ از شما فردای روز قیامت در صحرائِ مَحْشَر حاضر گردد و معتقد باشد به وحدانیتِ مَنْ که مرا شریک نیست و آنکه مُحَمَّد^۴ بنده منست و رسولِ منست^۵ و صادق بود در اقوالِ خود و درست کردار بود و^۶ آنکه عَلِی بن^۷ ابی طالب برادرِ اوست و وصیِ اوست بعد از او و ولیِ خداست و بر خود واجب دانسته باشد اطاعتِ آن حَضَرَت را چنانکه واجب دانسته باشد اطاعتِ مُحَمَّد را - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - و بداند که امامانی^۸ که والیّانند از جانبِ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - و برگزیدگانِ اویند و پاکان و پاکیزگانشان از گناهانِ صغیره و^۹ کبیره و سهو و^{۱۰} نسیان و قایم مقامِ رسولِ خداوند و هریک را داده اند عجایبِ آیاتِ اِلَهِی^{۱۱} و مُعْجَزَاتِ^{۱۲} و دلایلِ حجتِهایِ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بعد از مُحَمَّد و^{۱۳} عَلِی ایشان را امام^{۱۴} خود داند و اطاعتِ ایشان کند، داخل گردانم او را در بهشتِ خود و اگر چه گناهانِ او مثلِ کَفِّ دریا باشد.

پس حَضَرَتِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ^{۱۵} عَلَيْهِ - فرمود که: چون خدای - عَزَّ

۱- اُمَّة / در M بالایی سطر افزوده شده است. به اِملائی «است».

۲- بدرستی / در M راء زیر دارد. ۳- هر که / M و هر کس [کذا].

۴- مُحَمَّد / M + ص. ۵- منست / M مَنْ است.

۶- و / در M زیر دارد. ۷- بن / M ابن.

۸- امامانی / M + و. ۹- و / در M زیر دارد.

۱۰- و / در M زیر دارد. ۱۱- اِلَهِی / R اِلَهِی.

۱۲- مُعْجَزَات / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۳- و / در M زیر دارد. ۱۴- امام / M امام.

۱۵- وَسَلَامُهُ / M ندارد.

وَجُلٌّ - پیغمبر ما را محمد (ص)^۱ مبعوث گردانید فرمود که: یا مُحَمَّد! نبودی تو در جانبِ طور آن وقتی که ما ندا کردیم و^۲ خواندیم اُمّت تو را و^۳ گرامی داشتیم ایشان را^۴ به این کرامت. پس خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - به^۵ رسولِ خود می فرماید که: بگو: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بر^۶ آنچه مرا مخصوص گردانید به این^۷ فضیلت و آنگاه به^۸ اُمّتِ خود فرمود که: بگوئید: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - ما را مخصوص گردانید به این فضیلتها. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَعَنِ ابْنِ الْمُعْتَمِرِ^{۱۱} قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا ذَرٍّ الْغَفَارِيَّ^{۱۲} - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - أَخْذًا بِتَابِ الْكُفْبَةِ وَهُوَ يَقُولُ: أَلَا! مَنْ عَرَفَنِي^{۱۳} فَقَدْ عَرَفَنِي^{۱۴} وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْنِي فَأَنَا أَبُو ذَرٍّ جُنْدَبُ^{۱۵} بْنُ^{۱۶} السَّكَنِ. سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - يَقُولُ: إِنِّي خَلَقْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ^{۱۷} اللَّهِ وَعِزَّتِي^{۱۸} أَهْلَ^{۱۹} بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا^{۲۰} حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. أَلَا! وَإِنْ^{۲۱}

۱- ص / در M نیامده است. ۲- و / در M زیر دارد.

۳- و / در M زیر دارد. ۴- ایشان را / M ندارد.

۵- به / M بر. ۶- بر / M به.

۷- این / M این. ۸- به / در M به از زیر دارد.

۹- که / M ندارد.

۱۰- بگوئید / M بگوئید. ضبط نص موافق R است.

۱۱- الْمُعْتَمِر / چنین است در R البته بدون زیرِ میم و زیرِ راء که در آنجا از بُن این دو حرف واپسین حرکتگذاری نشده اند. M الْمُعْتَمِر. لزوماً نگر: کمال الدین صدوق، ط. غفاری.

۱۲- الْغَفَارِيَّ / M الْغَفَارِيَّ. ص ۲۳۹، هامش.

۱۳- عَرَفَنِي / در M راء زیر دارد. ۱۴- عَرَفَنِي / در M راء زیر دارد.

۱۵- جُنْدَبُ / R جُنْدَبُ. M موافق متن ماست.

۱۶- بَنُ / R بَنُ. M ابْنُ. ۱۷- كِتَابَ / M كِتَابُ.

۱۸- عِزَّتِي / M + وَ. ۱۹- أَهْلَ / M أَهْلِي.

۲۰- يَفْتَرِقَا / M يَفْتَرِقَا. ۲۱- إِنْ / M أَنْ.

مَثَلَهُمَا^۱ كَسْفِينَةٍ نُوحٍ مِّنْ رَّكِبٍ فِيهَا نَجَى^۲ وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ^۳.

روایتست^۵ از ابنِ معتمر^۶ که گفت: ^۷دیدم اَبودَرِّ غفاری را که در کعبه^۸ را گرفته بود و می گفت: بدرستی که هر که مرا شناسد^۹ و هر که مرا نشناسد بداند که ^{۱۰}مَن اَبودَرِّ غفاریم صحابه رسول خدا - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ - بدرستی که شنیدم از رسول خدا - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ - که می فرمود که: مَن می روم و ^{۱۲}در میان شما می گذارم دو چیز عظیم: یکی کتابِ خدای - تَبَارَكَ و تَعَالٰی - ^{۱۴}و دیگر عترتِ من، اَهلِ بَیتِ ^{۱۵}من، و این هر دو از یکدیگر جدا نخواهند شد تا در حوضِ کوثر به مَن ^{۱۶}رَسَدند ^{۱۷}یعنی هرگز اَهلِ بَیتِ من مخالفتِ قرآن نخواهند کرد چرا که معصوم اند ^{۱۸}یا آنکه عِلْمِ قرآن به نزد ایشانست زیرا که در قرآنست عِلْمِ گذشته و ^{۱۹}آینده تا روزِ قِیامت و کسی این عِلْم را نمی داند به غیر از راسخان در علم که اَهلِ بَیتِ نبی اند، ^{۲۰}اِنَّهُمْ مَعْصُومِینَ - صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِینَ. بدرستی که

۱- مَثَلَهُمَا / M مثلهما. ۲- نَجَى / M + يَرِدُ عَلَى الْحَوِ [کذا].

۳- غَرِقَ / M و R غرق. .

۴- سنج: کمال الدین صدوق، ط. غفاری، ص ۲۳۹.

۵- روایتست / در M حرفِ یکم زیر دارد. ۶- ابنِ معتمر / R ابنِ معتمر. M ابنِ معتمر.

۷- گفت / M گفت. ۸- کعبه / زیرِ بابه در M اِظهار گردیده است.

۹- مرا شناسد / M شناسد مرا. ۱۰- بداند که / M بداند که.

۱۱- صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ / عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ را ندارد. M ص.

۱۲- صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ / M ص. ۱۳- و / در M نیامده است.

۱۴- و تَعَالٰی / M ندارد.

۱۵- بَیت / زیرِ حرفِ یکم در M اِظهار گردیده است (با مسامحه در محلّ کتابت).

۱۶- مَن / M + خواهند.

۱۷- رَسَدند / زیرِ یکم و دوم در M اِظهار گردیده است.

۱۸- معصوم اند / M معصومند. ۱۹- و / در M زیر دارد.

۲۰- اند / M الله.

داستانِ کتاب و ^۱أَهْلِ بَيْتٍ^۲ من به منزله کشتیِ نوح است که هرکه در او نشست نجات یافت و ^۳هرکه ازو^۴ تخلف کرد غرق شد. همچنین هرکه دست در دامانِ متابعتِ قرآن و ^۵أَهْلِ بَيْتٍ من زد که مفسرِ قرآنند و بیان کننده شریعتِ من نجات یابد ^۶از غرقابِ ^۷ضَلَّاتٍ و هرکه ازیشان ^۸تخلف کند و متابعتِ ایشان ^۹نکند هلاک شود در دریایِ موجِ غوايت.

و حدیثِ ثقلین و سفینه از طُرُقِ عامه ^{۱۰}متواتر است و اگر نه خوفِ تطویل بود، می آوردم ^{۱۱}به طُرُقِ ^{۱۲}مختلفه ^{۱۳}که ایشان در کتبِ خود نقل کرده اند. ^{۱۴}

وَعَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾ يَا عَلِيُّ! إِذَا جَمَعَ اللَّهُ النَّاسَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ كُنْتُ أَنَا وَأَنْتَ يَوْمَئِذٍ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ فَيَقُولُ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - يَا مُحَمَّدُ وَ ^{۱۵}يَا عَلِيُّ! قَوْمًا وَالْقِيَا مَنْ أَبْغَضَكُمَا وَخَالَفَكُمَا وَكَذَّبَكُمَا فِي النَّارِ. ^{۱۶}

۱- و / در M زیر دارد.

۲- بَیت / زیر یکم در M اظهار گردیده است (با مسامحه در محل کتابت).

۳- و / در M زیر دارد.

۴- ازو / M از او.

۵- و / در M زیر دارد.

۶- یابد / M یابند.

۷- غرقاب / M غرقات.

۸- ازیشان / M از ایشان.

۹- ایشان / M ندارد.

۱۰- عامه / در M «م» زیر دارد.

۱۱- می آوردم / در R «آ» یا در جدول کنار صفحه واقع شده، با از قلم کاتب افتاده است. M آوردم.

۱۲- به طرق / M و R بطریق.

۱۳- مختلفه / در M فاء زیر دارد.

۱۴- کرده اند / در M دال زیر دارد.

۱۵- تَبَارَكَ / در M راء زیر دارد.

۱۶- و / M ندارد.

۱۷- نگر: مائة منقیه ابن شاذان، ط. أبطحي، ص ۴۸؛ و: مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب،

۱۸۰/۲؛ و: تفسیر فرائد الکوفی، ط. محمد کاظم، ص ۲۳۷.

و^۱ دیگر منقولست از رسول خدا - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ - که از آن حضرت پرسیدند از تفسیر قولِ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - که می فرماید که: بیندازید در جهنّم هر کافر^۲ مُعَانِد را حضرت رسول (ص) فرمود که: یا علی! چون خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - جمع کند مردمان را در روز قیامت در یک تِل^۳ خاک بوده باشم^۴ من و^۵ تو در آن روز از دستِ راستِ عرش. پس خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - فرماید که: یا مُحَمَّدَ وَ یا عَلِی! برخیزید و بیندازید هر کس را که دشمنی با شما کرده است و^۶ مخالفت کرده است شما را و^۷ تکذیب کرده است شما را در جهنّم.

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ -: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا مَا اسْتَقَرَّ الْكَرْسِيُّ وَلَا الْعَرْشُ^۸ وَلَا دَارُ الْفَلَكَ وَلَا قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا بِأَن كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ^۹ - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ -، عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا عَرَجَ^{۱۰} بِي إِلَى السَّمَاءِ وَ اخْتَصَّنِي بِلطيفِ نِدَائِهِ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ! قُلْتُ^{۱۱} لَكَ وَ سَعْدَيْكَ! فَقَالَ: أَنَا الْمُحَمَّدُ وَأَنْتَ مُحَمَّدٌ. شَقَقْتُ اسْمَكَ مِنِّي اسْمِي وَفَضَّلْتُكَ عَلَيَّ جَمِيعَ بَرِيَّتِي فَأَنْصَبُ أَحَاكَ عَلَيَّ عِلْمًا لِيُنَادِي يَهْدِيهِمْ إِلَى دِينِي. يَا مُحَمَّدُ! إِنِّي قَدْ جَعَلْتُ^{۱۲} عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ^{۱۳} فَمَنْ تَأَمَّرَ عَلَيْهِ لَعَنَهُ وَمَنْ خَالَفَهُ عَذَّبْتُهُ وَمَنْ أَطَاعَهُ

۱- و / در M زبر دارد. ۲- آن / ندارد.

۳- و تعالی / M ندارد. ۴- کافر / در M فاء زبر دارد.

۵- تل / M طل.

۶- باشم / چنین است در R. M باشم. ظنیر ضبط R بیشتر در همین متن در شبیه این سیاق آمده بود. ۷- و / در M زبر دارد.

۸- و / در M زبر دارد. ۹- و / در M زبر دارد.

۱۰- العرش / در M شین زبر دارد. ۱۱- الله / در M واپسین حرف بیش دارد.

۱۲- عَرَجَ / R عَرَجَ. M عَرَجَ. ۱۳- قُلْتُ / M قُلْتُ.

۱۴- جَعَلْتُ / R جَعَلْتُ. ضبط نص موافق M است.

۱۵- أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ / در M راء پیش دارد.

قَرَّبْتُهُ. يَا مُحَمَّدُ! إِنِّي قَدْ جَعَلْتُ عَلَيْكَ إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ فَمَنْ تَقَدَّمَ عَلَيْهِ أَخَّرْتُهُ وَمَنْ عَصَاهُ أَسَخَفْتُهُ^۱. إِنَّ عَلِيًّا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَقَائِدُ الْفَرِّ الْمُحْجَلِينَ وَحُجَّتِي عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ^۲.

منقولست از ابن عباس که او گفت^۳ که: رسول خدا (ص) فرمود که: به حقیق آن خدایی^۴ که مرا براستی به خلق^۵ فرستاد که بشارت دهندۀ مؤمنان و بیم کنندۀ کافران باشم که قرار نگرفت کُرسی و نه عرش و گردان نشُد افلاک و به پای نایستاد^۶ آسمانها و زمینها مگر^۸ به سبب آنکه نوشت خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بر او که: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ^۹، عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ. و^{۱۰} بدرستی که چون خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - مرا به آسمان بُرد و به ندای لطیف خود مخصوص گردانید فرمود که: يَا مُحَمَّدُ! كُنْتَ لِقَائِكَ وَ سَعْدَ لِقَاكَ! پس فرمود که: مَتَمَّ محمود و تویی^{۱۱} مُحَمَّد. بیرون آوردَم نامِ تو را از نامِ خود و تو را تفضیل دادم بر همهٔ خَلْقِ خودم. پس نصب کُن و بگردان برادرت علی را إمام

۱- اُسَخَفْتُهُ / چُنین است در M. R. اِسْتَخَفَّتُهُ.

۲- این روایت آمده است در: مائة منقبة از محمد بن أحمد قمی، تحقیق مدرسة الإمام المهدی - علیه السلام -، ص ۴۹ و ۵۰ (المنقبة الرابعة والعشرون)؛ و: الیقین ابن طاوس، تحقیق أنصاری، ص ۲۳۹؛ و: الجواهر الشَّیْخِ شیخ حُرِّ عاملی - به نقل مائة منقبة قمی به واسطه کتزالنوائید کراجکی -، ط. مکتبة المفید (قم)، ص ۳۰۰؛ و: مدینة المعاجز بحرانی - به نقل از مائة منقبة -، ط. مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۲ / ۴۰۱ و ۴۰۲؛ و: بحارالأنوار - به نقل از کشف الیقین - ۲۷ / ۸ ش ۱۶، و ۳۸ / ۱۲ ش ۶۹؛ و: غایة المرام بحرانی به نقل از مائة منقبة -، ط. سیّد علی عاشور، ۱ / ۶۸، و ۱ / ۱۵۸، و ۲ / ۱۷۹، و ۶ / ۱۷۴. ۳- گفت / M ندارد.

۴- خدایی / چُنین است در M. R. خدائی.

۵- خلق / در M واپسین حرف زیر دارد. ۶- و / در M زیر دارد.

۷- نایستاد / M نشد افلاک و به پای نه ایستاد.

۸- مگر / M ندارد. ۹- الله / M ندارد.

۱۰- و / در M زیر دارد. ۱۱- تویی / چُنین است در M. R. تویی.

و^۱ اِجَانَشِينِ خود از جهتِ بندگانِ مَنْ که هدایتِ کُند ایشان را به دینِ مَنْ. یا مُحَمَّد! بدرستی^۲ که گردانیدم علی را پادشاهِ مؤمنان؛ پس کسی که بر او^۳ اِمارت و پادشاهی کُند ملعون می گردانم او را و هر که مخالفتِ او کُند مُعَذَّب می گردانم او را و هر که اِطاعتِ او کُند مُقَرَّب می گردانم او را.^۴ یا مُحَمَّد! بدرستی که مَنْ گردانیدم علی را اِمام و^۵ پیشوای^۶ مسلمانان. پس کسی که پیشی^۷ گیرد بر او خوار می گردانم او را و هر که عصیانِ او کُند و مخالفتِ او ورزد^۸ مَنْ او را هَالِك^۹ و مُعَذَّب و ضایع می گردانم. بدرستی که علی سَیِّد^{۱۰} و سَرَوَرِ اَوْصِیاء^{۱۱} پیغمبرانست و پیشوای شیعیان و روی و دست و پاسفیدانست و حِجَّتِ مَنْست^{۱۲} بر همه خلائق.

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا مَعَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - إِذْ دَخَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. فَقَالَ عَلِيُّ: وَأَنْتَ حَيٌّ؟ يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَقَالَ: نَعَمْ وَ أَنَا حَيٌّ وَ إِنَّكَ - يَا عَلِيُّ! - مَرُوتٌ بِنَا أَمْسَ يَوْمِنَا وَ أَنَا وَ جَبْرِئِلُ فِي حَدِيثٍ وَ لَمْ تُسَلِّمَهُ^{۱۳} فَقَالَ جَبْرِئِلُ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: مَا بَالُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَرُّنَا وَ لَمْ يُسَلِّمْ؟ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ سَلَّمَ لَسَرُّنَا^{۱۴} وَ رَدَدْنَا عَلَيْهِ فَقَالَ

۱- و / در M زبر دارد. ۲- بدرستی / در M سین زبر دارد.

۳- بر او / M برو.

۴- او را / M + و هر که عصیان (لیک گویا این افزونه را با نشانه هانی خواسته اند اِطال کنند).

۵- و / در M زبر دارد. ۶- پیشوای / M پیشوایان.

۷- پیشی / M پیش. ۸- ورزد / M وُرَدَ.

۹- هَالِك / M هَالِك. ۱۰- سَیِّد / M سَیِّد.

۱۱- اَوْصِیاء / در M صاد زبر دارد. ۱۲- مَنْست / M مَنْ است.

۱۳- تُسَلِّمَهُ / M تُسَلِّمَهُ. ۱۴- لَسَرُّنَا / چُنین است در M. R. لَسَرُّنَا.

عَلَيْ (ع) ۱: يَا رَسُولَ اللَّهِ! رَأَيْتُكَ وَدَحِيَّةٌ ۲ اسْتَخْلَيْتُمَا ۳ فِي حَدِيثٍ فَكَّرِهْتُ أَنْ أَقْطَعَهُ عَلَيْكُمَا. فَقَالَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ دَحِيَّةً ۵ وَإِنَّمَا كَانَ جَبْرِئِيلُ. فَقُلْتُ ۶: يَا جَبْرِئِيلُ! كَيْفَ سَمَّيْتَهُ ۷ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ: كَانَ اللَّهُ أَوْحَى إِلَيَّ فِي غُرُوفَةٍ بَدْرُ أَنْ أَهْطَ عَلَى مُحَقِّدٍ فَمَرَهُ أَنْ يَأْمُرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَنْ يَجُولَ بَيْنَ الصَّفَيْنِ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ ۸ يَجِبُونَ أَنْ يَنْظُرُوا وَهُوَ يَجُولُ بَيْنَ الصَّفَيْنِ؛ فَسَمَّاهُ اللَّهُ وَمَنْ فِي السَّمَاءِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. فَأَنْتَ - يَا عَلِيُّ! - أَمِيرٌ مِنْ فِي السَّمَاءِ وَأَمِيرٌ ۹ مِنْ فِي الْأَرْضِ وَأَمِيرٌ ۱۰ مِنْ بَيْنِي؛ فَلَا أَمِيرَ قَبْلَكَ وَلَا أَمِيرَ بَعْدَكَ، لِأَنَّهُ لَا يَجُوزُ أَنْ يُسَمَّى بِهَذَا الْإِسْمِ مَنْ لَمْ يُسَمِّهِ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ. ۱۱

و ۱۲ دیگر منقولست از ابن عباس ۱۳ که گفت نشسته بودیم به نزد رسول خدا ۱۴ (ص) که ناگاه داخل شد علی بن ۱۵ ابی طالب - صلوات الله و سلامه علیه -؛ پس گفت: السَّلامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! ۱۶ حضرت فرمود که ۱۷: عَلَيْكَ السَّلامُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ! پس

۱- ع / عَلَيْهِ السَّلَامُ متن مطابق R است. ۲- رَسُولُ / در M لام پیش دارد.

۳- دَحِيَّةٌ / R دَحِيَّةٌ. M دَحِيَّةٌ. ۴- اسْتَخْلَيْتُمَا / M اسْتَخْلَيْتُمَا.

۵- دَحِيَّةٌ / R دَحِيَّةٌ. M دَحِيَّةٌ. ۶- قُلْتُ / M قُلْتُ.

۷- سَمَّيْتَهُ / در M تاء پیش دارد. ۸- الْمَلَائِكَةُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۹- أَمِيرٌ / در M در هر دو مورد راء تنوین رفع دارد.

۱۰- أَمِيرٌ / در M در هر دو مورد راء تنوین رفع دارد.

۱۱- نگر: مائة منقبه ي ابن شاذان، ط. أبطحي، ص ۵۱ و ۵۲.

۱۲- و / در M زیر دارد.

۱۳- ابن عباس / در M سین زیر دارد M و R + از رسول خدا صلی الله علیه و آله. در R روی

۱۴- خدا / M ندارد.

۱۵- بن / M ابن. ۱۶- رسول الله / M و R + ص.

۱۷- که / M و R +. در R روی ابن حرف قلم زده شده است.

حَضَرَتِ عَلٰی بن ۱ ابی طالب - صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ ۲ - فرمود که: مَنْ اَمِيرِ مُؤْمِنَانِ در حالتی که تو زنده‌ای؟! ۳ یا رسول‌الله! ۴ حضرت فرمود که: بَلٰی ۵ در حالتی که مَنْ زنده‌ام تو اَمیرِ مؤمنانی و بدرستی که تو - یا عَلٰی! - دیروز بر ما گذشتی و مَنْ و جبرئیل در حکایتی ۶ بودیم و ۷ تو سلام نکردی جبرئیل را! ۸ جبرئیل فرمود که: چرا حَضَرَتِ اَمیرِ المؤمنین بر ما گذشت ۹ و سلام ۱۰ به ما ۱۱ نکرد؟! بدرستی که وَاللّٰهِ اگر سلام می‌کرد هر آینه خوشحال می‌شدیم و ۱۲ جوابِ سلامِ او می‌دادیم. پس حَضَرَتِ فرمود که: یا رسول‌الله! دیدم که شما با دَحِیّه ۱۳ کَلْبی خلوت کرده بودید و ۱۴ حکایتی ۱۵ می‌کردید: نخواستیم که سَخَنِ شما را بَرَهَمِ زنم. پس پیغمبر - صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ۱۶ - فرمود که: دَحِیّه کَلْبی نبود. بدرستی که جبرئیل بود. پس مَنْ گفتم: یا جبرئیل! چگونه او را اَمیرِ المؤمنین نامیدی؟ پس جبرئیل گفت که: خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - وحی کرد به من در جنگِ بدر که برو به نزدِ مُحَمَّد و ۱۷ بگو آن حضرت را که اَمْرُکُنْدِ اَمیرِ المؤمنین را که جولانِ کُنْدِ میانِ دو صَف. پس خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - و فرشتگانِ آسمان ۱۸ او را اَمیرِ المؤمنین می‌خوانند.

۱- بن / M و R این.

۲- صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ / «علیه» در R نیامده است. «اللّٰهُ ... عَلَيْهِ» در M نیامده است.

۳- زنده‌ای / M زنده.

۴- رسول‌الله! / R + صلی الله [کذا].

۵- بَلٰی / M بلی.

۶- حکایتی / M حالتی.

۷- و / در M زیر دارد.

۸- جبرئیل را / M ندارد.

۹- گذشت / M گذشته.

۱۰- سلام / M سلیم.

۱۱- به ما / M ندارد.

۱۲- و / در M زیر دارد.

۱۳- دَحِیّه / M دحیه.

۱۴- و / در M زیر دارد.

۱۵- حکایتی / M حکایتی.

۱۶- صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۱۷- و / در M زیر دارد.

۱۸- آسمان / زیر سین در M اظهار گردیده است.

پس^۱ - یا علی! - تو امیر و پادشاهِ اهلِ آسمانی و امیر و پادشاهِ^۲ اهلِ زمین و امیرِ کسانی که مانده‌اند. پس امیری پیش از تو نیست و امیری بعد از تو نیست زیرا که روا نیست^۳ که امیرالمؤمنین بخوانند کسی را که خدای^۴ - تبارک و تعالی - او را به این نام نخوانده باشد. ازین^۵ حیثیت^۶ است که شیعه^۷، حَضَرَاتِ اُئِمَّةُ مَعْصُومِین را - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمُ أَجْمَعِین - با آنکه خلیفه خدا و رسول خدا می‌دانند ایشان را به «امیرالمؤمنین» نمی‌خوانند و این اسم را مخصوصِ عَلِیِّ بْنِ اَبِی طَالِب می‌دانند زیرا که خدای - تبارک و تعالی - آن حضرت را مخصوص به این اسم گردانیده است.

وَعَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا - قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - جَالِسًا إِذْ أَقْبَلَ^{۱۰} عَلَيَّ (ع) فَأَدْنَاهُ وَ مَسَحَ وَجْهَهُ^{۱۱} بِرُؤُوسِهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ! أَلَا أُبَشِّرُكَ بِمَا بَشَّرَنِي بِهِ جَبْرَائِيلُ؟ قَالَ: بَلَى، قَالَ^{۱۲}: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ عَيْنًا مِنْ تَسْنِيمٍ يَخْرُجُ مِنْهُ نَهْرَانِ^{۱۳} لَوْ أَنَّ سُرُنَ الدُّنْيَا^{۱۴} فِيهَا لَجَرَّتْ، فَضَبَّأَتْهَا^{۱۵} مِنَ اللُّؤْلُؤِ وَالْمَرْجَانِ الرَّطْبِ

۱- پس / M ندارد. ۲- اهلِ آسمانی... پادشاه / M ندارد.

۳- روانیست / M روایت است.

۴- خدای / M + که. (لیک گویا این افزونه را در M قلم زده‌اند).

۵- ازین / M از این. ۶- حیثیت / R حثیت. M حیث [ا].

۷- شیعه / M شیعه. ۸- بن / M ابن.

۹- صَلَّی اللَّهُ / چنین است در R. M صَلَوَاتُ [کذا].

۱۰- إِذَا أَقْبَلَ / M إِذَا قَبَلَ. ۱۱- وَجْهَهُ / M وَجْهَهُ.

۱۲- یَا... قَالَ / M ندارد.

۱۳- نَهْرَانِ / R نَهْرَوَانِ. در R روی «و» خط زده شده است.

۱۴- الدُّنْيَا / R الدُّنْيَا.

۱۵- فَضَبَّأَتْهَا / R فَضَبَّأَتْهَا. متن موافق M است.

وَحَشِيشُهَا^۱ مِنَ الزَّعْفَرَانِ عَلَى حَافِيَتَيْهَا^۲ كَرَّاسِي^۳ مِنْ نُورٍ عَلَيْهَا أَنْاسٌ جُلُوسٌ مَكْتُوبٌ عَلَى جَنَابِهِمْ بِالنُّورِ هُؤُلَاءِ الْمُؤْمِنُونَ. هُؤُلَاءِ مِنْ مُجِيبِي عَلَيَّ^۴ بِنِ^۵ أَبِي طَالِبٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ.^۵

و^۶ دیگر از جابر بن^۷ عبدالله انصاری^۸ روایتست که او گفت که: مَنْ به نزد رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - نشسته بودم که ناگاه حَضَرَتِ عَلِيّ بنِ ابی طالب درآمد. پس آن حَضَرَتِ او را به نزد خود^۹ خواند و ردای بُرْدِ یمانی خود را بر روی آن حضرت می مالید. پس فرمود که: یا أَبَا الْحَسَنِ! می خواهی که^{۱۰} بشارت دهم تو را^{۱۱} به چیزی که بشارت داد مرا به آن جبرئیل؟ حضرت فرمود که: بلی. پیغمبر - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرمود که: بدرستی که در بهشت چشمه ایست که آن را تسنیم می گویند؛ بیرون می آید از آن چشمه دو نهر که اگر کشتیهای دنیا را در آن اندازند هر آینه روان شود از بزرگی آن، و درختان کنارِ او از مروارید و مرجان تراست^{۱۲} و^{۱۳} گیاهِ او از زعفران و برکنارهای^{۱۴} این نهرها کُرسیها گذاشته است از نور و بر آن کرسیها نشسته اند^{۱۵} جماعتی که نوشته

۱- حَشِيشُهَا / M حَشِيشُهَا. ۲- حَافِيَتَيْهَا / R حَافِيَتَيْهَا. M حَافِيَتَيْهَا.

۳- كَرَّاسِي / M كَرَّاسِي. R كَرَّاسِي. ۴- بِنِ / M ابْنِ.

۵- سنج: گفتاوردِ شجرة طوبیّ حائری (۹/۱) از سرور الشیعة.

۶- و / در M زیر دارد. ۷- بِنِ / M ابْنِ.

۸- انصاری / M الانصاری. ۹- نزد خود / M نزدیک.

۱۰- که / M + ترا. ۱۱- تو را / M ندارد.

۱۲- مرجان تراست / M مرجانست. ۱۳- و / در M زیر دارد.

۱۴- کنارهای / چُنین است در M و R.

به اقتضای هنجارهای رسم الخطّی پیشینیان، «کنارها» را هم «کنارها» (جمع «کنار») می توان خواند و هم «کنارها» (جمع «کنارده»). ۱۵- نشسته اند / در M الف زیر دارد!

است بر بیشانیهای ایشان به نور که: ایشانند مؤمنان. ایشانند از دوستارانِ علی بن^۱ ابی طالب - صَلَوَاتُ اللَّهِ^۲ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ.

وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۳ - لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ^۴ -: يَا عَلِيُّ! إِنَّ جَبْرِئِيلَ^۵ أَخْبَرَنِي^۶ فِيكَ بِأَمْرِ قَرَرْتُ بِهِ عَيْنِي وَفَرَحَ بِهِ قَلْبِي. قَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قَالَ لِي: إِفْرَأْ مُحَمَّدًا مِنِّي السَّلَامَ^۷ وَاعْلِمْنِي^۸ أَنَّ^۹ عَلِيًّا إِمَامُ الْهُدَى وَ مِصْبَاحُ الدُّجَى وَ الْعَجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، فَإِنَّهُ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ^{۱۰} وَ الْقَارِوِيُّ الْأَعْظَمُ^{۱۱} وَ إِنِّي الْيَتِ^{۱۲} بِعِزَّتِي أَنْ^{۱۳} لَا أُدْخِلَ^{۱۴} النَّارَ أَحَدًا تَوَلَّاهُ وَ سَلَّمَ لَهُ وَ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِي وَ لَا أُدْخِلَ^{۱۵} الْجَنَّةَ مَنْ تَرَكَ وَ لَا يَتَهُ وَ التَّسْلِيمَ لَهُ^{۱۶} وَ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِي^{۱۷} وَ حَقَّ^{۱۸} الْقَوْلُ^{۱۹} مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ وَ أَطْبَأَهَا^{۲۰} مِنْ أَعْدَائِهِ وَ لَأَمْلَأَنَّ^{۲۱} الْجَنَّةَ^{۲۲} مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ^{۲۳}.

۱- بن / ابن M.

۲- الله / M ندارد.

۳- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۴- وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ / M ندارد.

۵- أَخْبَرَنِي / M ندارد.

۶- أَخْبَرَنِي / در M باء زیر دارد.

۷- فَرَحَ / چُنین است در M. R. فَرَحَ. ضبط نص را سنج با ترجمه ماتن از این فعل. قَتَّأَمَل!

۸- السَّلَامَ / در M «م» پیش دارد.

۹- اَعْلَمْنِي / M اَعْلَمْنِي [كذا].

۱۰- أَنَّنْ / M إِنَّ.

۱۱- الْأَكْبَرُ / M ندارد.

۱۲- الْأَعْظَمُ / M ندارد.

۱۳- الْيَتِ / M الْيَتِ.

۱۴- أَنَّنْ / M ندارد.

۱۵- أُدْخِلَ / M و R أُدْخِلَ.

۱۶- الْجَنَّةَ... مِنْ بَعْدِي / M ندارد.

۱۷- حَقَّ / M حَقَّ الْأَرْضِ (گویا خواسته‌اند با نشانه‌هایی زائد بودن واژه «الأرض» را

فرانمایند).

۱۸- الْقَوْلُ / در M لام پایانی زیر دارد.

۱۹- أَلْطَبَأَهَا / در M قاف پیش دارد.

۲۰- الْجَنَّةَ / در M حرف پایانی زیر دارد.

۲۱- نَگَر: مائة منقبه این شاذان، ط. أبطحي، ص ۵۶ و ۵۷ (منقب ۳۰).

و^۱ دیگر منقولست از عبدالله بن عباس از رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - که آن حضرت به علی بن ابی طالب - صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - فرمود که: یا علی! بدرستی که جبرئیل خبر داد مرا در شأن تو^۲ به خیری^۳ که چشم مرا به آن روشن^۴ گردانید و دل مرا به آن خوشحال گردانید. مرا گفت که: یا محمد! بدرستی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - مرا گفت که: سلام من به مُحَمَّد بَرَسَان^۵ و خبر کن او را که علی پیشوای راه هدایت است و چراغ تاریکی شب ضلالت^۶ و حجت است بر اهل دنیا. پس بدرستی که اوست صَدِیقِ اکْبَر و عظیم ترین راستگوها و اوست فاروقِ اعْظَم و بزرگترین جداکننده ها میانِ حق^۸ و باطل^۷ و من سوگند^{۱۰} یاد کرده ام به عزت خود که داخل جهنم نکتم کسی را^{۱۱} که تو لا کند به او و او را امام داند و فرمان او بَرَد و فرمان بَرَد اوصیاء بعد از او^{۱۲} را و داخل نمی کنم به بهشت کسی را که ترک کند ولایت او را و فرمانبرداری او را و امام^{۱۳} نداند او را و یا اوصیاء بعد از او را امام نداند و حق و^{۱۴} راستست سخن من که هر آینه پُر خواهم کرد جهنم را و طبقه های^{۱۵} جهنم را از دشمنان آن حضرت و^{۱۶} پُر خواهم کرد بهشت را از دوستان و پیروان آن حضرت.

وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ^{۱۷} الْخُدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: مَا مَرَزْتُ فِي

۱- و / در M زیر دارد. ۲- تو / در M تاء زیر دارد.

۳- چیزی / چنین است در M. R خیری. ۴- روشن / در M «و» زیر دارد!

۵- بَرَسَان / زیر راء در M اظهار گردیده است.

۶- ضلالت / M و R ظلالت. البته در R کشیدگی دندانه «ظ» قدری إمحا شده است.

۷- و / R ندارد. M و. ۸- و / در M زیر دارد.

۹- و / در M زیر دارد. ۱۰- سوگند / M سَوَكُنْد.

۱۱- را / چنین است در M. R ندارد. ۱۲- او / M آن.

۱۳- امام / M اِمَام. ۱۴- و / در M زیر دارد.

۱۵- طبقه های / M و R طَبَقَهای. ۱۶- و / در M زیر دارد.

۱۷- سَعِيد / M سَعِيد.

لَيْلَةً أُسْرِيَ بِي بِشَيْءٍ مِنْ مَلَكَوَاتِ السَّمَاءِ وَلَا عَلَى شَيْءٍ مِنْ حُبٍّ فَوْقَهَا إِلَّا وَجَدْتُهَا كُلَّهَا^۱ مَسْخُوتَةً بِكَرَامٍ^۲ مَلَائِكَةُ اللَّهِ يَنَادُونَنِي: هَبِيْنَا^۳ لَكَ يَا مُحَمَّدُ! فَقَدْ أُعْطِيَ مَا لَمْ يُعْطَ أَحَدٌ قَبْلَكَ وَلَا يُعْطَى أَحَدٌ بَعْدَكَ. أُعْطِيتَ عَلَيَّ بِنَ^۴ أَبِي طَالِبٍ أَخَا وَفَاطِمَةَ^۵ زَوْجَتَهُ بِنْتًا^۶ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ^۷ أَوْلَادًا^۸ وَمُحِبِّيهِمْ شَيْعَةً. يَا مُحَمَّدُ! إِنَّكَ أَفْضَلُ النَّبِيِّينَ وَ عَلَيَّ أَفْضَلُ الْوَصِيِّينَ وَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ أَكْرَمُ مَنْ دَخَلَ الْجَنَّةَ مِنْ أَوْلَادِ الْمُرْسَلِينَ وَ شَيْعَتُهُمْ أَفْضَلُ مَنْ تَضَعَنَتْهُ^۹ عَرَصَاتُ الْقِيَامَةِ وَ تَسْتَمِلُ عَلَيْهِ عُرْفُ الْجَنَانِ وَ قُصُورُهَا وَ مُنْتَزَعُهَا^{۱۰}. فَلَمْ يَزَالُوا يَقُولُونَ ذَلِكَ فِي مَضَعَدِي وَ مَرْجِعِي^{۱۱} فَلَوْلَا أَنَّ اللَّهَ حَجَبَ عَنْهَا أَذَانَ الثَّقَلَيْنِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا سَمِعَهَا^{۱۲}.

و^{۱۳} دیگر منقولست از ابوسعید خدری که او گفت که: رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود که: آن شبی که مرا به آسمان بردند نگذشتم به ملکوت آسمانها و بالاتر از آسمانها که آن حجابهاست^{۱۴} مگر آنکه یافتیم همه را که بر بودند از فرشتگان عظیم الشان و فریاد می کردند و می گفتند: مبارک باد و گوارنده باد تو را - یا مُحَمَّد! - که داده اند به تو آنچه نداده اند به کسی پیش از تو و نمی دهند به کسی بعد از تو: عَلَیَّ بِنَ^{۱۵} أَبِي طَالِبٍ را به تو دادند^{۱۶} و برادر تو گردانیدند و فاطمه که زن اوست دختر تو گردانیدند و^{۱۷} امام حسن

۱- كُلَّهَا / M کُلَّهَا. ۲- بِكَرَامٍ / M بِكَرَامٍ [کذا].

۳- هَبِيْنَا / M ندارد. ۴- عَلَيَّ بِنَ / M عَلَیَّ بِنَ.

۵- فَاطِمَةَ وَ أَخَا / M ندارد. ۶- بِنْتًا / M بِنْتًا.

۷- الْحُسَيْنَ / در M نون زیر دارد. ۸- أَوْلَادًا / M.

۹- تَضَعَنَتْهُ / M تَضَعَنَتْهُ. ۱۰- مُنْتَزَعُهَا / در M هاء زیر دارد.

۱۱- مَرْجِعِي / چنین است در M. R مَرْجِعِي.

۱۲- سنج: مقتل الحسين - علیه السلام -، خوارزمی، ط. نجف، ص ۹۶ (به نقل از احقاق الحق، ۱۱۹/۴). ۱۳- و / در M زیر دارد. R از بِنَ ندارد.

۱۴- ست / M است. ۱۵- بِنَ / M ابن.

۱۶- دادند / M داده اند [کذا]. ۱۷- و / در M زیر دارد.

و امام حُسَین^۱ را فرزندان^۲ تو^۳ گردانیدند و دوستانِ ایشان را شیعه^۴ تو گردانیدند. یا مُحَمَّد! بدرستی که تو بهترین پیغمبرانی و^۵ اُصیای^۶ بهترین اُوصیای^۷ پیغمبرانست و فاطمه^۸ بهترین زنانِ عالمیاست و حَسَن و حُسَین^۹ بهترین آن کسانیست که داخلِ بهشت می‌شوند از فرزندانِ پیغمبرانِ مُرسل^{۱۰} و شیعیانِ ایشان بهترین^{۱۱} اهلِ عَرَصه^{۱۲} قیامتند و بهترین کسانی‌اند که در غرفه‌های بهشت و قصرهای بهشت^{۱۳} و سیرگاههای^{۱۴} بهشت در می‌آیند. پس همیشه این سخن می‌گفتند در بالا رفتن و برگشتن من. پس اگر نه آن بود که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - گوشهای جن و^{۱۵} انس را از آن^{۱۶} محبوب گردانیده بود هر آینه کسی نمی‌ماند^{۱۷} که نشنود^{۱۸} این سخنان را.

وَعَنْ قُتَيْبَةَ مَوْلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - أَنَّهُ قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ^{۱۹} عَلِيٌّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالصَّلَاةُ^{۲۰} - عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ فَتَزَعُ قَمِيصُهُ وَدَخَلَ الْمَاءَ فَجَاءَتْ مَوْجَةً فَأَخَذَ الْقَمِيصَ فَخَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ^{۲۱} (ع) فَلَمْ يَجِدِ الْقَمِيصَ فَأَعْتَمَ بِذَلِكَ عَمَّا شَدِيدًا فَإِذَا يَهَاتِفُ يَهْتَفُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ! أَنْظِرْ عَنِ يَمِينِكَ وَخُذْ مَا تَرَى فَإِذَا يَمْتَدِيلُ عَنْ

۱- حُسَین / در M زبر سین اظهار گردیده است.

۲- تو / در M تاء زبر دارد.

۳- و / در M زبر دارد.

۴- اُوصیای / M اُوصیاء.

۵- فاطمه / M فاطمة.

۶- حُسَین / زبر سین در M اظهار گردیده است.

۷- کسانیست / R کسانیست.

۸- اُوصیای / M اُوصیاء.

۹- بهترین / M بهتر از.

۱۰- و قصرهای بهشت / M ندارد.

۱۱- سیرگاههای / M سیرگاههای.

۱۲- و / در M زبر دارد.

۱۳- از آن / M ندارد.

۱۴- نمی‌ماند / M نمی‌ماند.

۱۵- نشنود / M نشنوند (الثبته بدون نقطه حرف سوم).

۱۶- اُوصیای / M اُوصیاء.

۱۷- اُوصیای / M اُوصیاء.

۱۸- اُوصیای / M اُوصیاء.

۱۹- اُوصیای / M اُوصیاء.

۲۰- اُوصیای / M اُوصیاء.

۲۱- اُوصیای / M اُوصیاء.

يَمِينِهِ وَ فِيهِ قَمِيصٌ مَطْوِيٌّ فَإِذَا أَخَذَهُ لِئَلَيْسَهُ^۱ فَسَقَطَتْ مِنْ جَنِبِهِ رُقْعَةٌ فِيهَا مَكْتُوبٌ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

هَدِيَّةٌ مِنْ اللَّهِ الْغَزِيرِ الْحَكِيمِ^۲ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ.

هَذَا قَمِيصُ^۵ هَارُونَ بْنِ عِمْرَانَ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ.^۷

و^۸ دیگر منقولست از قنبر آزاد کرده حضرت^۹ أميرالمؤمنین - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ -

که او گفت که: حضرت^۹ أميرالمؤمنین - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - در کنار آب فرات بود

و پیراهن خود را کُند و داخل آب شد. پس موجه [ای]^{۱۱} آمد و^{۱۲} جامه را برداشت و^{۱۳}

بُرد. پس چون حضرت^۹ أميرالمؤمنین - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - بیرون آمد پیراهن را

ندید. بسیار غمناک شد. پس ناگاه شنیدیم^{۱۵} که هاتفی آواز داد که: يَا أَبَا الْحَسَنِ! به دست

راست خود نظر کن و هرچه می‌بینی بَر دار. پس چون نظر کرد دید دستاری از دست

راست و در او پیراهنی پیچیده است. پس چون پیراهن را برداشت که ببوشد از گریبان

او^{۱۶} رقعهای^{۱۷} افتاد و در او^{۱۸} نوشته بود که:

۱- لَيْسَهُ / M لَيْسَهُ. ۲- الْحَكِيم / در M واپسین حرف پیش دارد.

۳- بَنِي / M ابني. ۴- صَلَوَاتُ / M صَلَوَاتٍ [کذا].

۵- قَمِيصُ / M قَمِيصُ. ۶- بَنِي / M ابني.

۷- نگر: مائة منقبه ي ابن شاذان، ط. أبطحي، ص ۷۰ (منقبته ۴۰).

۸- و / در M زیر دارد.

۹- حضرت / در M مکرر نوشته شده است. M + کرده.

۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- «موجه» (به معنای «موج» و «يك موج») در أدب پارسی نیز راه یافته است. صائب گوید:

چون موجه سَرایم در شوره زارِ عالم کز بود بهره‌ای نیست غیر از نمود ما را

۱۲- و / در M زیر دارد. ۱۳- و / در M زیر دارد.

۱۴- صَلَوَاتُ / در M تاء زیر دارد. ۱۵- شنیدیم / M شنیدم.

۱۶- او / M ان. ۱۷- رقعهای / M رقعہ.

۱۸- در او / M درو.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

این هدیه ایست از خداوندگاری که او راست قهر و غلبه^۱ و بزرگواری و هرچه می کند از روی حکمت و^۲ مصلحت می کند به سوی علی بن^۳ ابی طالب - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ.

این پیراهن هارون بن عمران چنانچه به او کرامت کرده بودیم همچنان میراث دادیم به قومی دیگر.

و چون هارون. وصی حضرت موسی بود، و آن حضرت، وصی حضرت^۴ خاتم النبیین پیراهن او را از برای آن حضرت آوردند.

وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - يَقُولُ: إِنَّ^۵ لِلشَّمْسِ وَجْهَيْنِ: فَوَجْهُ يُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَوَجْهُ يُضِيءُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَ عَلَى الْوَجْهَيْنِ مِثْقَا كِتَابَةٍ^۶ ثُمَّ قَالَ: أَتَدْرُونَ مَا تِلْكَ الْكِتَابَةُ؟ قُلْتُ: اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: الْكِتَابَةُ الَّتِي تَلِي^۷ أَهْلَ السَّمَاءِ: «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»، وَأَمَّا الْكِتَابَةُ الَّتِي تَلِي^۸ أَهْلَ^۹ الْأَرْضِ: «عَلِيٌّ نُورُ الْأَرْضِينَ»^{۱۰}.

و دیگر از عبدالله بن مسعود منقولست که او گفت که: شنیدم از رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۱۱} - که آن حضرت فرمود که: بدرستی که آفتاب را دو رویت^{۱۲}: به یک روی

۱- غلبه / در M بقاء زیر دارد. ۲- و / در M زیر دارد.

۳- بن / M و R ابن. ۴- حضرت / M ندارد.

۵- خاتم / در M تاء زیر دارد. ۶- إِنَّ / M بِأَنَّ.

۷- كِتَابَةٌ / M كِتَابُهُ. ۸- تَلِي / M تَلَى.

۹- أَهْلٌ ... / M ندارد. ۱۰- أَهْلٌ / M أَهْلٍ.

۱۱- نگر: مائة منقبه ي ابن شاذان، ط. أبطحي، ص ۷۷ و ۷۸ (منقبه ۲۵).

۱۲- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ۱۳- رویت / M روی است.

روشنایی^۱ می دهد اهل آسمان را و به یک^۲ روی^۳ روشنایی^۴ می دهد اهل زمین را و بر هر دو روی آفتاب نوشته ایست. پس فرمود که: آیا می دانید که آن نوشته چه چیز است؟
گفتم: خدا^۵ و رسول او دانتر اند! حضرت فرمود که: آن نوشته که به جانب آسمانست^۶ اینست^۷ که: اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، یعنی: ^۸خدای - تبارک و تعالی - هدایت کننده^۹ اهل آسمان^{۱۰} و ^{۱۱}زمین است و آن نوشته که به جانب زمین است اینست که: عَلِيُّ نُورُ الْأَرْضِينَ، ^{۱۲}یعنی علی هدایت کننده اهل زمین^{۱۳} است.
وَعَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - أَنَّهُ قَالَ: سَمِعْتُ اللَّهَ - جَلَّ جَلَالُهُ^{۱۴} - يَقُولُ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ حُجَّتِي عَلَى خَلْقِي وَنُورِي فِي بِلَادِي^{۱۵} وَأَمِينِي عَلَى عِلْمِي، لَا أُدْخِلُ^{۱۶} النَّارَ مَنْ عَرَفَهُ^{۱۷} وَإِنْ عَصَانِي^{۱۸} وَلَا أُدْخِلُ الْجَنَّةَ مَنْ أَنْكَرَهُ وَإِنْ أَطَاعَنِي^{۱۹}.
و^{۲۰} دیگر منقولست از رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - که فرمود که: شنیدم از خدای -

۱- روشنایی / M روشنایی. ۲- به یک / M بیک.

۳- روی / M ندارد.

۴- روشنایی / در M حرف ماقبل آخر هیچ نقطه یا نشانه‌ای ندارد.

۵- خدا / در M مکرر نوشته شده است. ۶- که به جانب آسمانست / M ندارد.

۷- اینست / M این است. ۸- یعنی / M + که (ولی آن را خط زده اند).

۹- هدایت کننده / در M حرف یکم زیر دارد.

۱۰- آسمان / M ایسمان. ۱۱- و / در M زیر دارد.

۱۲- الْأَرْضِينَ / M الْأَرْضِينَ.

۱۳- ترجمه «الْأَرْضِينَ» به «اهل زمین»، علی الظاهر، خالی از «تَجَوُّز» با «مسامحه» نیست.

۱۴- جَلَّ جَلَالُهُ / M جَلَّ جَلَالُهُ. ۱۵- بِنُ / M ابن.

۱۶- بِلَادِي / M الْبِلَادِي. ۱۷- أُدْخِلُ / M أُدْخِلُ.

۱۸- عَرَفَهُ / M عَرَفَهُ. ۱۹- وَإِنْ عَصَانِي / M ندارد.

۲۰- نگر: مائة منقبه ابن شاذان قمی، ط. أبطحی، ص ۷۸ و ۷۹ (منقبه ۴۶).

۲۱- و / در M زیر دارد.

تَبَارَكَ وَتَعَالَى - که می فرمود که: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ حُجَّتٌ مَنَسَتْ بِرِخْلَتِي مَنْ وَنُورٍ مَنَ است در شهرهای مَن و اَمین مَن است بر عِلْمِ مَن. داخل نمی گردانم به دوزخ کسی را که او را شناسد به امامت و اگرچه عِصیان^۲ مَن کرده باشد و داخل بهشت نمی کنم کسی را که او را امام نداند و اگرچه اطاعت مَن کرده باشد.

وَعَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - أَنَّهُ قَالَ: لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ^۳ - يَا أَبَا الْحَسَنِ! لَوْ وَضِعَ إِيْمَانُ الْخَلَائِقِ^۴ وَ أَعْمَالُهُمْ فِي كَفَّةٍ مِيزَانٍ وَ وَضِعَ عَمَلُكَ يَوْمَ أُحُدٍ عَلَى كَفَّةٍ أُخْرَى لَرَجَحَ^۵ عَمَلُكَ عَلَى جَمِيعِ مَا عَمِلَ الْخَلَائِقُ^۶ وَإِنَّ^۷ اللَّهَ بَاهِي بِكَ يَوْمَ أُحُدٍ مَلَائِكَتَهُ^۸ أَنْتُمْغَرِبِينَ وَ رَفَعَ الْحُجُبَ مِنَ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ^۹ وَ أَشْرَفَتْ إِيَّاكَ الْجَنَّةُ وَ مَا فِيهَا وَ ابْتَهَجَ بِفِعْلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ - تَعَالَى شَأْنُهُ^{۱۰} - وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعَوِّضُكَ بِذَلِكَ الْيَوْمَ مَا يَغِيظُ بِهِ كُلُّ نَبِيٍّ وَ رَسُولٍ وَ صِدِّيقٍ وَ شَهِيدٍ^{۱۱}.

و^{۱۲} دیگر منقولست از رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۱۳} - که آن حضرت فرمود^{۱۴} به علی بن^{۱۵} ابی طالب - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - که: يَا أَبَا الْحَسَنِ! اگر بگذارند ایمان خلائق

۱- بن / M ابن.

۲- و / در M زبر دارد.

۳- عِصْيَان / در M عین زبر دارد!

۴- و / در M زبر دارد.

۵- کرده / در M دال زبر دارد.

۶- بن / M ابن.

۷- صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ / M ع.

۸- الْخَلَائِقِ / M الْخَلَائِقِ.

۹- لَرَجَحَ / R لَرَجَحَ. M لَرَجَحَ.

۱۰- الْخَلَائِقُ / M الْخَلَائِقِ.

۱۱- إِنْ / M إِنْ.

۱۲- مَلَائِكَتَهُ / M مَلَائِكَتَهُ.

۱۳- السَّبْعِ / در M واپسین حرف زبر دارد.

۱۴- شَأْنُهُ / M شَأْنُهُ.

۱۵- نگر: مائة منقبه ي ابن شاذان، ط. أبطحي، ص ۷۹ و ۸۰ (منقبه ۴۷).

۱۶- و / در M زبر دارد. R از بن ندارد.

۱۷- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۱۸- فرمود / M + که آن حضرت فرمود که.

۱۹- بن / M ابن.

وَأَعْمَالِ إِيْشَانِ رَا دَر كَفَّة^۱ ترازویی^۲ و^۳ بگذارند جهادی را که تو در روزِ اُحُد کردی
 دَر دیگر كَفَّة^۴ ترازوی، هرآینه^۵ زیادتی كند عَمَلِ تو^۶ بر عملِ هَمِهٖ خَلایق و بدرستی
 که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - مُبَاهَاتِ كَرْد به تو روزِ اُحُد با مَلَائِكَةُ مُقَرَّبِينَ و برداشت حجابها
 از هفت آسمان و بهشت و هرکه در بهشت بود هَمِه به سَوِي تو^۷ نظر می کردند و خُشْنود^۸
 بود^۹ از كَرْدَارِ تو^{۱۰} پروردگارِ عَالَمِیَان^{۱۱} و بدرستی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - عَوَض می دهد
 تو را از جَهَّتِ عَمَلِ آن روز عَوَضِی که آرزویِ آن کُنتند هر پیغمبری و رسولی
 و صِدِّیقی^{۱۲} و شهیدی چرا که هَمِهٖ أَصْحَابِ دَرِ آن روزِ آن حَضَرَتِ را گذاشته^{۱۳} فرار
 نمودند با آنکه^{۱۴} مَأْمُور بودند از جانبِ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - به ثبات و حَضَرَتِ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - در آن روز جانبازیها کرد که در کُتَبِ سَیَرِ
 و^{۱۵} تواریخ مَسْطُور است که زیاده از هفتاد رَخم بر بَدَنِ مُبَارَكِ آن حَضَرَتِ رسیده بود
 و آن حَضَرَتِ دمار از روزگارِ ایشان برآورد^{۱۶} تا عاقبت، لَشْكَرِ^{۱۷} کُفَّار به شمشیرِ
 آن حَضَرَتِ منهزم گشتند؛ و این مقام جایی تفصیل آنها نیست.

وَعَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ! مَنَّاكَ فِي أُمْنِي مَثَلُ الْمَسِيحِ عِيسَى

۱- كَفَّة / M کَف [كذا]. ۲- ترازویی / چُنین است در M. R. ترازوی.

۳- و / در M زبر دارد. ۴- كَفَّة / M کَف.

۵- هرآینه / در M نون زبر دارد. ۶- تو / در M تاء زبر دارد.

۷- تو / در M تاء زبر دارد.

۸- خُشْنود / R خوشنود. ضبط نص موافق M است.

۹- بود / M بو. ۱۰- تو / در M تاء زبر دارد.

۱۱- عَالَمِیَان / در M نون زیر دارد. ۱۲- صِدِّیقی / M صِدِّیقی.

۱۳- گذاشته / R گذشته. ضبط نص موافق M است.

۱۴- با آنکه / M بَانِکِه. ۱۵- و / در M زبر دارد.

۱۶- برآورد / M برآورد. ۱۷- لَشْكَر / M ندارد.

بَنِي مَرْيَمَ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - افْتَرَقَ قَوْمُهُ ثَلَاثَ فِرَقٍ: فِرْقَةُ مُؤْمِنُونَ وَهُمْ الْحَوَارِيُّونَ، وَفِرْقَةُ عَادُوهُ^۲ وَهُمْ الْيَهُودُ، وَفِرْقَةُ غَلَوُا^۳ فِيهِ فَخَرَجُوا مِنَ الْإِيمَانِ؛ فَإِنَّ أُمَّتِي سَتَفْتَرِقُ فِيكَ ثَلَاثَ فِرَقٍ: فِرْقَةُ شِيعَتِكَ وَهُمْ الْمُؤْمِنُونَ، وَفِرْقَةُ عَدُوِّكَ وَهُمْ الشَّاكُّونَ، وَفِرْقَةُ يَغْلُو^۴ فِيكَ وَهُمْ الْجَا حِدُونَ؛ وَأَنْتَ فِي الْجَنَّةِ - يَا عَلِيُّ! - وَشِيعَتُكَ، وَعَدُوُّكَ وَالْغَالِي فِي النَّارِ.^۵

دیگر منقولست از رسول خدا - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ - که آن حضرت فرمود که: یا علی! مَثَل و داستان تو همچو داستان عیسی بن مریم است - عَلَيْهِمَا السَّلَام - که قوم او سه گروه شدند: گروهی با ایمان بودند و آنها حواریان بودند، و گروهی با او دشمنی کردند و ایشان یهودان بودند، و گروهی^{۱۱} در شان او از حد و اندازه بیرون رفتند و^{۱۲} او را به خدایی^{۱۳} پرستیدند، پس از ایمان بیرون رفتند. پس بتحقیق که اُمّت من نیز زود^{۱۴} باشد که سه گروه شوند: گروهی^{۱۵} شیعه و پیرو تو باشند و ایشان مؤمنانند،^{۱۶} و گروهی دشمن^{۱۷} تو باشند و ایشان کسانی اند که در امامت تو شک دارند، و^{۱۸} گروهی در تو غُلُو خواهند^{۱۹} کرد و ایشان مُنکِر اند؛ و^{۲۰} تو در بهشتی - یا علی! - با شیعیان خود و دوستان

۱- بَنِي / م ابني. ۲- عَادُوهُ / چُنین است در M. R. عَادُوهُ.

۳- غَلَوُا / چُنین است در M. R. غَلَوُا. ۴- وَهُمْ الشَّاكُّونَ وَفِرْقَةُ / ندارد.

۵- يَغْلُو / M يَغْلُو.

۶- نگر: مائة منقبه ابن ساذان، ط. أبطحي، ص ۸۰ و ۸۱ (منقبته ۸۰ و ۸۱).

۷- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / ص. ۸- بَنِي / م ابني.

۹- و / در M زیر دارد. ۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- و گروهی / M ندارد. ۱۲- و / در M زیر دارد.

۱۳- خدایی / چُنین است در M. R. خدائی.

۱۴- زود / M زود. ۱۵- گروهی / M گروه.

۱۶- مؤمنانند / M ایشان مؤمنانند. ۱۷- دشمن / در M دال زیر دارد.

۱۸- و / در M زیر دارد. ۱۹- خواهند / M خواهند.

۲۰- و / در M زیر دارد.

شیعیان خود، و دشمن تو و کسی که در محبت تو^۱ غلو کرده باشد و تو را خدا داند^۲ ایشان هر دو در جهنم خواهند بود.

و عَنْ أَبِي ذَرٍّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - أَنَّهُ قَالَ: نَظَرَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - إِلَيَّ عَلَى بَنِي^۳ أَبِي طَالِبٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ^۴ - فَقَالَ: هَذَا خَيْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ^۵ مِنْ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ. هَذَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمَحْجَلِينَ إِذَا كَانَ يَوْمُ^۶ الْقِيَامَةِ جَاءَ عَلَيَّ عَلَى نَاقَةٍ^۷ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ قَدْ أَضَاءَتْ الْقِيَامَةُ^۸ مِنْ ضَوْئِهَا وَ عَلَيَّ رَأْسُهُ^۹ تَاجٌ مُرَصَّعٌ بِالزُّبُرِ جَدِّ وَ الْيَاقُوتِ فَتَقُولُ^{۱۰} ائِمْلَانِيكَ: هَذَا مَلِكٌ مُقَرَّبٌ، وَ يَقُولُ النَّبِيُّونَ: هَذَا أَبِي مُرْسَلٌ. فَيَتَادِي مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ^{۱۱} الْعَرْشِ: هَذَا الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ^{۱۲}، هَذَا وَصِيُّ^{۱۳} حَبِيبِ اللَّهِ. هَذَا عَلَيُّ بْنُ^{۱۴} أَبِي طَالِبٍ، فَيَقِفُ عَلَيَّ مِنْ جَهَنَّمَ، فَيُخْرِجُ مِنْهَا مَنْ يُحِبُّ، وَ^{۱۵} يُدْخِلُ فِيهَا^{۱۶} مَنْ يُبْغِضُ^{۱۷} وَ يَأْتِي أَبْوَابَ الْجَنَّةِ فَيَدْخُلُ^{۱۸} أَوْلِيَاءَهُ الْجَنَّةِ^{۱۹} يَغْيِرُ حِسَابَ^{۲۰}.

۱- تو / در M تاء زبر دارد.

۲- و تو را خدا داند / این عبارت افزوده ترجمان است در تفسیر «غالی» و معنای «غلو».

۳- بن / M ابن.

۴- صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ / M ع.

۵- الْآخِرِينَ / در M خاء زبر دارد. ع- يَوْمُ / R يَوْمُ. M يَوْمُ.

۷- نَاقَةٍ / M زاقَة.

۸- الْقِيَامَةُ / جُنُبِین است در R به پیش واپسین حرف. در M واپسین حرف زیر دارد.

۹- رَأْسُهُ / M رَأْسِهَا. ۱۰- فَتَقُولُ / M فَتَقُولُ.

۱۱- بَطْنَانِ / M وَ R بَطْنَانِ. ۱۲- الْأَكْبَرُ / M الْأَكْبَرِ.

۱۳- وَصِيُّ / M وَصِي. ۱۴- بَنُ / M ابْنِ.

۱۵- وَ / M ندارد. ۱۶- فِيهَا / M مِنْهَا.

۱۷- يُبْغِضُ / M يَبْغِضُ. ۱۸- فَيَدْخُلُ / M فَيَدْخُلُ.

۱۹- الْجَنَّةِ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۲۰- نَگَر: مائة منقبه ي ابن شاذان، ط. أبطحي، ص ۸۸ و ۸۹ (منقبه ۵۵).

و دیگر روایتست از ابودرّ غفاری که روزی^۱ رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - نظر کرد به علی بن ابی طالب - صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ^۲ - پس فرمود که: علی بهترین پیشینیان و^۳ پیشینان است از اهل آسمانها و زمینها و او بهتر و^۴ مهتر اوصیاء پیغمبرانست^۵ و امام و پیشوای متقیانست^۶ و^۷ کشاننده شیعیان سفیدرویان^۸ دست و پاسفیدان است^۹ به بهشت. چون روز قیامت شود بیاید حضرت علی بن ابی طالب و سوار باشد بر ناقه ای^{۱۰} از ناقه های^{۱۱} بهشت که^{۱۲} روشن شود صحرائ قیامت از روشنی ناقه آن حضرت و بر سر آن حضرت تاجی باشد مُرَصَّع به زبرجد و یاقوت. پس فرشتگان گویند: آیا این فرشته مقرب است؟^{۱۳} و پیغمبران گویند: آیا این پیغمبر مُرسلست؟ پس مُنادی از جانب عرش ندا دهد که: این صدیق اکبرست^{۱۴}، این وصی حبیب خداست، این علی بن ابی طالب است.^{۱۵} پس آن حضرت بر سر بل صراط بایستد و بیرون آرد از دوزخ هر که را که دوستدار او باشد و^{۱۶} داخل کند در جَهَنَّم هر که را که دشمن او باشد و بیاید به درهای بهشت و^{۱۷} داخل گرداند دوستان خود را به بهشت بی حساب.

۱- روزی / M + که. ۲- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۳- عَلَيْهِ / R + و آله. این افزونه در M نیست.

۴- و / در M زیر دارد. ۵- و / در M زیر دارد.

۶- پیغمبرانست / M پیغمبران است. ۷- متقیانست / M متقیان است.

۸- و / در M زیر دارد. ۹- سفیدرویان / در M سین زیر دارد.

۱۰- است / M است. ۱۱- ناقه ای / M ناقه.

۱۲- ناقه های / R ناقه. M ناقه ای. ۱۳- که / در M مکرر نوشته شده است. M کذ.

۱۴- است / M است. ۱۵- صدیق اکبرست / M صدیق اکبر است.

۱۶- است / M است. ۱۷- و / در M زیر دارد.

۱۸- و / در M زیر دارد.

و عَنْ أَنَسٍ^۱ بْنِ مَالِكٍ عَنْ عَائِشَةَ^۲ قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ^۳ (ص) يَقُولُ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ خَيْرُ الْبَشَرِ مَنْ أَتَى فَقَدْ كَفَّرَ. فَقِيلَ: فَلِمَ حَارَبْتَهُ^۴ فَقَالَتْ: وَاللَّهِ مَا حَارَبْتُهُ^۵ مِنْ ذَاتِ نَفْسِي وَمَا حَمَلَنِي عَلَيْهِ إِلَّا طَلْحَةُ^۶ وَزُبَيْرٌ^۷.

و^۱ دیگر روایتست از آنس بن مالک و^{۱۰} او از عایشه که او گفت: شنیدم از رسول خدا - صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -^{۱۱} که می فرمود که: علی بن^{۱۲} ابی طالب بهترین خَلْقِ خداست. هر که اِپا کند کافر^{۱۳} است. پس به عایشه گفتند که: ^{۱۴} پس تو چرا^{۱۵} با او محاربه نمودی؟ گفت: والله که من به خودی خود^{۱۶} این کار نکردم و مرا بر حرب او نداشتند مگر طلحه و زبیر.

و این خبر نیز در کتب علمای اهل سنت از حدیث تواتر گذشته است که «عَلِيَّ خَيْرُ الْبَشَرِ مَنْ أَتَى فَقَدْ كَفَّرَ» از عایشه و غیر آن.

و^{۱۷} عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ^{۱۸} أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -^{۱۹}: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنِي فِي

۱- أَنَسٍ / M أَنَسٍ. ۲- عَائِشَةُ / R عَائِشَةُ. M عَائِشَةُ.

۳- رَسُولُ اللَّهِ / در M واپسین حرف در هر دو واژه بیش دارد!

۴- بَنُ / M ابْنِ. ۵- حَارَبْتَهُ / M و R حَارَبْتُهُ.

۶- فَقَالَتْ... حَارَبْتُهُ / M ندارد.

۷- طَلْحَةُ / در M واپسین حرف تنوین رفع دارد.

۸- نگر: مائة مقه‌ی ابن شاذان، ط. أبطحی، ص ۱۳۸ (مقنب ۷۰).

۹- و / در M زیر دارد. ۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M. ص. ۱۲- بَنُ / M و R ابْنِ.

۱۳- کافر / زیر فاء در M اظهار گردیده است.

۱۴- که / M ندارد. ۱۵- چرا / M چرا!

۱۶- خود / M خود. ۱۷- و / M ندارد.

۱۸- هُرَيْرَةَ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۹- صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M. ص.

السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ مِائَةَ أَلْفٍ^۱ مَلَكٍ وَفِي السَّمَاءِ الْخَامِسَةِ ثَلَاثُمِائَةَ أَلْفٍ مَلَكٍ^۲ وَفِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ^۳ مَلَكًا رَأْسُهُ^۴ تَحْتَ الْعَرْشِ وَرِجْلَاهُ تَحْتَ الثَّرَى وَمَلَائِكَتُهُ^۵ أَكْثَرُ^۶ مِنْ رِبْعَةِ^۷ وَمُضَرَّ أَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ وَلَا شَرَابٌ إِلَّا الصَّلَاةُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَمُجِيبِهِ^۸ وَالْإِسْتِغْفَارُ^۹ لِشَيْعَتِهِ^{۱۰} الْمَذْنُونِ وَمَوَالِيهِ^{۱۱}.

دیگر روایتست از ابوهزیره که او گفت که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود که: خدای - تبارک و تعالی - در آسمان چهارم^{۱۲} صد هزار فرشته آفریده است و در آسمان پنجم سیصد هزار فرشته و در آسمان هفتم فرشته [ای] آفریده است که سر او در زیر عرش است و بایهای او در زیر زمین و آفریده است فرشتگان زیاده از عدد رُبْعِه^{۱۳} و مُضَرَّ - که دو طایفه اند عظیم و عدد ایشان را خدای تبارک و تعالی می داند - و ایشان را طعام و شرابی نیست به غیر از صَلَوَاتِ بَرِ حضرت^{۱۴} اَمیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و دوستان آن حضرت و^{۱۵} استغفار و طَلَبِ آمرزش می کنند^{۱۶} از جهت شیعیان گناهکار آن حضرت و^{۱۷} موالیان آن حضرت.

۱- أَلْفٍ / M اَلْفٍ. ۲- ثَلَاثُمِائَةَ أَلْفٍ مَلَكٍ / M ثَلَاثَ مِائَةِ أَلْفٍ.

۳- السَّابِعَةِ / M السَّابِعَةُ [كذا]. ۴- رَأْسُهُ / M رَأْسُهُ.

۵- مَلَائِكَتُهُ / در M واپسین حرف زیر دارد و در R تنوین رفع.

۶- أَكْثَرُ / در R واپسین حرف پیش دارد. متن موافق M است.

۷- بَنِي / M ابْنِ. ۸- الْإِسْتِغْفَارُ / M و R الْإِسْتِغْفَارِ.

۹- لِشَيْعَتِهِ / M لِشَيْعَةِ.

۱۰- نَگَر: مائة منقبیه ابن شاذان، ط. أبطحی، ص ۱۶۴ (منقبیه ۸۸).

۱۱- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ۱۲- چهارم / M چهارم.

۱۳- رُبْعِه / M رُبْعِه. ۱۴- حضرت / M ندارد.

۱۵- و / M ندارد. ۱۶- می کنند / M می کند.

۱۷- و / در M زیر دارد.

وَعَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ قَالَ^۱ حَدَّثَنِي جَبْرِئِيلُ عَنْ رَبِّ الْمَوْتِ - جَلَّ جَلَالُهُ^۲ - أَنَّهُ قَالَ: مَنْ عَلِمَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَخَدِي وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدِي وَرَسُولِي وَأَنَّ عَلِيًّا بْنُ أَبِي طَالِبٍ خَلِيفَتِي وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِهِ حُجَّجِي، أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ^۳ بِرَحْمَتِي وَتَجَبَّيْتُ^۴ مِنَ النَّارِ بِعُقُوبِي وَأَبْحَثْتُ لَهُ جَوَارِي وَأَوْجَبْتُ لَهُ كَرَامَتِي وَأَثَمْتُ عَلَيْهِ نِعْمَتِي وَجَعَلْتُهُ^۵ مِنْ خَاصَّتِي^۶ وَخَالِصَتِي^۷ فَإِنْ نَادَانِي لَبَيْتُهُ^۸ وَإِنْ دَعَانِي أَجَبْتُهُ^۹ وَإِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ^{۱۰} وَإِنْ سَكَتَ ابْتَدَأْتُهُ^{۱۱} وَإِنْ أَسَاءَ رَجَعْتُهُ^{۱۲} وَإِنْ قَرَأَ دَعَوْتُهُ^{۱۳} وَإِنْ رَجَعَ إِلَيَّ^{۱۴} قَبِلْتُهُ وَإِنْ قَرَعَ بَابِي فَتَحْتُهُ^{۱۵} وَمَنْ لَمْ يَشْهَدْ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَخَدِي أَوْ شَهِدَ بِذَلِكَ وَلَمْ يَشْهَدْ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولِي أَوْ شَهِدَ بِذَلِكَ وَلَمْ يَشْهَدْ أَنْ عَلِيًّا بْنُ أَبِي طَالِبٍ^{۱۶} - سَلَوَاتُ اللَّهِ^{۱۷} عَلَيْهِ - خَلِيفَتِي أَوْ شَهِدَ بِذَلِكَ وَلَمْ يَشْهَدْ أَنْ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِهِ حُجَّجِي فَقَدْ جَحَدَ نِعْمَتِي وَصَغُرَ

۱- قَالَ / M ندارد.

۲- جَلَّ جَلَالُهُ / M جَلَّالَهُ.

۳- أَنَّهُ / M ندارد.

۴- تَجَبَّيْتُ / M بِنِ | كَذَا.

۵- أَدْخَلْتُهُ / در M تاء زیر دارد.

۶- تَجَبَّيْتُ / در M تاء زیر دارد.

۷- جَعَلْتُهُ / در M تاء زیر دارد.

۸- خَالِصَتِي / M خَالِصِي.

۹- لَبَيْتُهُ / در M تاء زیر دارد.

۱۰- أَجَبْتُهُ / در M تاء زیر دارد.

۱۱- أَعْطَيْتُهُ / در M تاء زیر دارد.

۱۲- رَجَعْتُهُ / در M تاء زیر دارد.

۱۳- دَعَوْتُهُ / در M تاء زیر دارد.

۱۴- فَتَحْتُهُ / در M حرف ماقبلِ آخر زیر دارد.

۱۵- قَبِلْتُهُ / در M تاء زیر دارد.

۱۶- عَلِيًّا بْنُ أَبِي طَالِبٍ / M ندارد.

۱۷- سَلَوَاتُ اللَّهِ / M + وَسَلَامُهُ.

عَظَمَتِي وَكَفَرُ بِأَيَاتِي وَكُتِبِي وَرُسُلِي إِنْ قَصَدَنِي حَبِيبُهُ وَإِنْ سَأَلَنِي حَرَمَتُهُ^۱ وَإِنْ نَادَانِي
لَمْ أَسْمَعْ نِدَاءَهُ وَإِنْ دَعَانِي لَمْ أَسْتَجِبْ دُعَاءَهُ وَإِنْ رَجَانِي خَبِيئَتُهُ^۲ ذَلِكَ جَزَاؤُهُ^۳ مِنِّي
وَمَا أَنَا بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ فَقَامَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ^۴ الْأَنْصَارِيُّ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَنْ
الْأَنْبِيَاءُ^۵ مِنْ وَلَدِ^۶ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؟ قَالَ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ^۷ سَيِّدَا شَبَابِ^۸ أَهْلِ
الْبَيْتِ، ثُمَّ زَيْنُ الْعَابِدِينَ فِي زَمَانِهِ عَلِيٌّ بْنُ^۹ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ الْبَاقِرُ مُحَمَّدُ بْنُ^{۱۰} عَلِيٍّ
وَسُنْدَرِكُهُ^{۱۱} فَإِذَا أَذْرَكَتُهُ فَأَقْرَأْهُ مِنِّي السَّلَامَ^{۱۲} ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ^{۱۳} مُحَمَّدٍ، ثُمَّ الْكَاطِمُ
مُوسَى بْنُ^{۱۴} جَعْفَرٍ، ثُمَّ الرِّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، ثُمَّ التَّيْمِيُّ مُحَمَّدُ بْنُ^{۱۵} عَلِيٍّ، ثُمَّ النَّيُّ عَلِيُّ
بْنُ^{۱۶} مُحَمَّدٍ، ثُمَّ الرَّكِيُّ الْحَسَنُ بْنُ^{۱۷} عَلِيٍّ، ثُمَّ ابْنُهُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ مَهْدِيٌّ^{۱۸} أُمِّيُّ^{۱۹} الَّذِي يَمْلَأُ
الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا هَؤُلَاءِ - يَا جَابِرُ! - خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي
وَأَوْلَادِي وَعِشْرَتِي. مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَانِي وَمَنْ أَنْكَرَهُمْ أَوْ

- ۱- حَرَمَتُهُ / در M تاء زیر دارد.
- ۲- خَبِيئَتُهُ / در M تاء زیر دارد.
- ۳- جَزَاؤُهُ / R جَزَاؤُهُ.
- ۴- جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ / در M دال پیش دارد.
- ۵- رَسُولُ اللَّهِ / M و R + ص. در M واپسین حرف کلمه نخست پیش دارد.
- ۶- وَلَدِ / M وَلَدِ.
- ۷- الْأَنْبِيَاءُ / در M واپسین حرف زیر دارد.
- ۸- سَيِّدَا شَبَابِ / M سَيِّدَا.
- ۹- ابْنِ / M ابْنِ.
- ۱۰- الْحُسَيْنِ / در M واپسین حرف زیر دارد.
- ۱۱- سُنْدَرِكُهُ / در M کاف زیر دارد.
- ۱۲- فَإِذَا أَذْرَكَتُهُ / در M کاف زیر دارد.
- ۱۳- السَّلَامَ / در M واپسین حرف پیش دارد.
- ۱۴- ابْنِ / M ابْنِ.
- ۱۵- مُحَمَّدُ / M مُحَمَّدُ.
- ۱۶- ابْنِ / M ابْنِ.
- ۱۷- ابْنِ / M ابْنِ.
- ۱۸- مَهْدِيٌّ / M مَهْدِيٌّ.
- ۱۹- أُمِّيُّ / در M اظهار گردیده است.

أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي. بِهِمْ يُعْسِكُ اللَّهُ السَّمَاءَ^۱ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا.^۲

دیگر روایتست از رسول خدا (ص) که آن حضرت فرمود که: خبر داد مرا^۳ جبرئیل از خداوند عالمیان^۴ که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فرمود که: هر که بداند و اعتقاد کند که بجز من خداوندی نیست و^۵ من در ذات و صفات یگانه‌ام و^۶ بداند که مُحَمَّد بنده من و رسول منست و بداند که عَلِی بن^۷ اَبی طالب خلیفه و^۸ گماشته منست بر خلق من و^۹ بداند که امامان فرزندان او حجت‌های منند بر خلق، داخل کنم او را به بهشت به رحمت خودم و نجات دهم^{۱۰} او را از آتش جهنم به عفو خودم و او را در آویم در جوار دوستان خودم و واجب گردانم از جهت او کرامت خودم را و^{۱۱} تمام گردانم بر او نعمتم را و بگردانم او را از جمله خاصان^{۱۲} و^{۱۳} برگزیدگان خود. پس اگر مرا ندا کند^{۱۴} لَبِیک گویم او را و اگر مرا بخواند^{۱۵} اجابت کنم او را و اگر مرا سؤال کند عطا کنم او را و اگر او^{۱۶} نطلبند من نطلبیده او را بدهم^{۱۷} و اگر بد کند او را ببخشم و اگر از من بگریزد او را بخوانم^{۱۸} و اگر رجوع کند به سوی من قبول کنم توبه^{۱۹} او را و اگر در^{۲۰} بگوید در او

۱- السَّمَاءَ / در M وایسین حرف پیش دارد.

۲- سنح: کمال‌الذین صدوق، ط. غفاری، ص ۲۵۸. ۲۵۹.

۳- مرا / مرا M مرارا.

۴- عالمیان / در M زیر دارد.

۵- و / در M زیر دارد.

۶- و / در M زیر دارد.

۷- بن / ابن M.

۸- و / در M زیر دارد.

۹- و / در M زیر دارد.

۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- و / در M زیر دارد.

۱۲- و / در M زیر دارد.

۱۳- و / در M زیر دارد.

۱۴- و / در M زیر دارد.

۱۵- و / در M زیر دارد.

۱۶- و / در M زیر دارد.

۱۷- و / در M زیر دارد.

۱۸- و / در M زیر دارد.

۱۹- و / در M زیر دارد.

۲۰- و / در M زیر دارد.

بگشایم و^۱ کسی که گواهی^۲ ندهد به وحدانیّت من یا گواهی دهد به وحدانیّت من
 ولیکن گواهی ندهد به^۳ رسالتِ محمد - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - یا به این هر دو گواهی
 دهد و گواهی ندهد به امامتِ^۵ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ که خَلِيفَةُ مَنَسْتَ یا به اینها همه گواهی
 دهد و گواهی ندهد که امامانِ فرزندانِ او حجتّهایِ مُتَنَدِّ بر خَلْق، پس بدرستی^۷ که انکار
 کرده است نعمتِ مرا و^۸ کوچک دانسته است عظمتِ مرا و^۹ کافر شده است به آیاتِ من
 و کتابهایِ من و رسولانِ من. اگر قَصِدِ من کند او را محبوب^{۱۰} گردانم و^{۱۱} اگر از من سؤال
 کند او را محروم گردانم و^{۱۲} اگر او مرا بخواند اجابت نکنم دعای او را و^{۱۳} اگر از من
 امیدوار باشد ناامیدش گردانم و^{۱۴} این جزایِ اوست از من و من^{۱۵} ستمکار^{۱۶} نیستم
 بندگان را. پس جابر بن عبد الله الْأَنْصَارِي برخاست و^{۱۷} گفت: یا رسول الله!^{۱۸} کیست^{۲۰}
 امامانِ فرزندانِ^{۲۱} عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؟ حضرت فرمود که: حَسَنٌ وَحُسَيْنٌ سَيِّدَانِ^{۲۲} جَوَانِ
 أَهْلِ بَهشت، پس، زینتِ عبادتِ کنندگانِ در زمانِ خود، عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ،^{۲۳} پس،

۱- و / در M زیر دارد. ۲- گواهی / در M حرفِ یکم زیر دارد.

۳- به وحدانیّت... گواهی ندهد / M ندارد.

۴- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / م. ص. ۵- به امامت / M با امامت.

۶- بن / M ابن. ۷- بدرستی / در M سین زیر دارد.

۸- و / در M زیر دارد. ۹- و / در M زیر دارد.

۱۰- محبوب / M محبوب. ۱۱- و / در M زیر دارد.

۱۲- و / در M زیر دارد. ۱۳- و / در M زیر دارد.

۱۴- و / در M زیر دارد. ۱۵- من / M منم.

۱۶- ستمکار / M ستم کار. ۱۷- برخاست / M و R برخاست.

۱۸- و / در M زیر دارد. ۱۹- رسول الله / M + ص.

۲۰- کیست / چنین است در M و R. ۲۱- فرزندان / M + عَلِيّ ابْنِ.

۲۲- سَيِّدَانِ / M + و. ۲۳- ابْنِ الْحُسَيْنِ / M ابْنِ الْحُسَيْنِ.

بِهَنْ كُنْتَهُ عُلُوم،^۱ مُحَمَّد بِنِ عَلِي،^۲ و زود باشد که او را^۳ دریایی، پس چون او را^۴ دریایی^۵ سَلَامٍ مِنْ به او برسان. پس بعد از آن، صادق جعفر بن^۶ مُحَمَّد، پس بعد از آن، کاظم موسی بن جَعْفَر، پس بعد از آن رِضَا^۷ عَلِي بِنِ موسی، پس بعد از آن، تقی عَلِي بِنِ مُحَمَّد، پس بعد از آن زَکِي حَسَن بِنِ عَلِي، پس بعد از آن فرزندی او قائم^۸ به حق، مَهْدِي اُمَّتٍ مِنْ، که خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - به سَبَبِ او زمین را پر از عدل و داد^۹ کند بعد از آنکه پُر از ظلم و^{۱۰} جور شده باشد. پس حضرت فرمود که: یا جابر! این جماعت خلیفه های مَنتَد و اَوْصِيَاءِ مَنتَد^{۱۱} و اَوْلَادِ مَنتَد و عَتَرَتِ مَنتَد. هَرَكِه اِطَاعَتِ اِيشَان كُنْد اِطَاعَتِ مِنْ كرده است و هَرَكِه عِصْيَانِ اِيشَان^{۱۲} كُنْد عِصْيَانِ^{۱۳} مِنْ كرده است و هَرَكِه اِنْكَار كُنْد اِيشَان را یا اِنْكَار كُنْد يَكْسِي از اِيشَان^{۱۴} را چنانست که اِنْكَار كرده است مرا و^{۱۵} به^{۱۶} بَرَكَتِ اِيشَان خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - نگاه می دارد آسمان را که بر زمین نیفتد مگر به اِذْنِ او و به^{۱۷} وجودِ اِيشَان خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - حفظ می كُنْد زمین را از آنکه مبادا بگردد و اَهْلِ خود^{۱۸} را سرنگون كُنْد. وَ عَنِ الْاِمَامِ جَعْفَرِ بْنِ^{۱۹} مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَنْ اَبَائِهِ - صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ - عَنْ

۱- علوم / در M «م» زیر دارد. ۲- بن علی / M ابن علی ع.

۳- که او را / M ندارد. ۴- او را / M ندارد.

۵- دریایی / M + او را. ۶- بن / M ابن.

۷- رضا / M رِضَا.

۸- قائم / R قائم. در M حرفِ سوم نه نقطه دارد و نه همزه.

۹- و داد / M و دَاد. ۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- اَوْصِيَاءِ مَنتَد / M اَوْصِيَاء. ۱۲- اِيشَان / در M «ن» زیر دارد.

۱۳- عِصْيَانِ / در M حرفِ یکم زیر دارد! ۱۴- از اِيشَان / M از اِيشَان.

۱۵- و / در M زیر دارد. ۱۶- به / در M بَاء زیر دارد.

۱۷- و به / M ندارد. ۱۸- خود / M او.

۱۹- بِنِ / M ابْنِ.

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - أَنَّهُ كَانَ جَالِسًا فِي الرَّحْبَةِ^۱ وَالنَّاسُ حَوْلَهُ قَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ^۲ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنَّكَ بِالْمَكَانِ الَّذِي أَنْزَلَكَ اللَّهُ تَعَالَى وَابُوكَ مُعَذَّبٌ فِي النَّارِ! فَقَالَ لَهُ: مَهْ! فَضَّ اللَّهُ^۳ فَالَكَ^۴ وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ شَفَعَ أَبِي^۵ فِي كُلِّ مُذْنِبٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَشَفَعَهُ اللَّهُ! فَتَقُولُ أَبِي^۶ مُعَذَّبٌ^۷ فِي النَّارِ وَابْنُهُ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ! وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ نُورَ أَبِي طَالِبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَيُطْفِئُ نُورَ الْخَلَائِقِ^۸ إِلَّا خَمْسَةً أَنْوَارٍ: نُورَ^۹ مُحَمَّدٍ وَنُورَ فَاطِمَةَ^{۱۰} وَنُورَ^{۱۱} الْحَسَنِ وَنُورَ^{۱۲} الْحُسَيْنِ وَنُورَ^{۱۳} وَلَدِهِ مِنْ الْأَيْمَةِ. أَلَا إِنَّ^{۱۴} نُورَهُ مِنْ نُورِنَا خَلَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ قَبْلِ خَلْقِ آدَمَ بِالْفَنِيِّ^{۱۵} عَامٍ^{۱۶} دِيْغَرِ رَوَايَتِست از حضرتِ إمام جعفر بن^{۱۷} مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ از آباي او از حضرتِ أمير المؤمنين^{۱۸} (ع) که آن حضرت در رجب^{۱۹} - که محلّه ایست از کوفه یا در^{۲۰} فضای مسجد کوفه - نشسته^{۲۱} بود و مردمان به گِردِ آن حضرت درآمده^{۲۲} بودند. پس مردی به سوی او

۱- الرَّحْبَةُ / M الرَّحْبَةُ. ۲- رَجُلٌ / M رَجُلٌ.

۳- أمير المؤمنين / M + صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ [كذا].

۴- اللَّهُ / در M واپسین حرف زیر دارد. ۵- فَالَكَ / M قَالَ.

۶- أَبِي / M ابْنِي. ۷- أَبِي / M ابْنِي.

۸- مُعَذَّبٌ / M مُعَذَّبٌ. ۹- الْخَلَائِقِ / M الْخَلَائِقِ.

۱۰- نُورٌ / M نُورٌ. ۱۱- فَاطِمَةَ / M فَاطِمَةَ.

۱۲- نُورٌ / M نُورٌ. ۱۳- نُورٌ / M ندارد.

۱۴- إِنَّ / M أَنَّ. ۱۵- إِنَّ / M أَنَّ.

۱۶- بِالْفَنِيِّ / M بِالْفَنِيِّ.

۱۷- نگر: مائة مقبیه ابن شاذان، ط. أبطحي، ص ۱۷۴ و ۱۷۵ (منتخب ۹۸).

۱۸- أمير المؤمنين / در M راء زیر دارد. ۱۹- بن / M ابن.

۲۰- در / در R نیامده. از M نقل شد. ۲۱- رجب / M رجب.

۲۲- در / در R «از» بوده و گویا دستکاری شده و شبیه به «در» گردیده است.

۲۳- نشسته / در M تاء زیر دارد. ۲۴- درآمده / در M دال زیر دارد.

برخاست^۱ و^۲ گفت: یا اَمیرالمؤمنین! بدرستی که تو با این^۳ مرتبه که نَزِدِ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - داری، روا باشد که پدرت در آتشی جَهَنَّم مُعَذَّب باشد؟! پس حضرت فرمود که: پس کُن! خدای تعالی دهان تو را بشکند!^۴ به حَقِّ آن خداوندی که مُحَمَّد را برآستی به خلق فرستاد^۵ و پیغمبر گردانید که اگر پدرم شَفَاعَت کند هر گناهکاری را که بر روی زمین است هر آینه^۶ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - شَفَاعَتِ او را قَبول کند. پس تو می گویی^۷ که پدر من مُعَذَّب است در آتش - و^۸ حال آنکه فرزندی او قَسَمَت کنندۀ بهشت و^۹ دوزخ است -؟! به حَقِّ آن خدایی^{۱۰} که مُحَمَّد را بحق مبعوث گردانید^{۱۱} و رسول خود ساخت که نور^{۱۲} أَبوطالب در روز قیامت فرونشاند نورِ جمیع خَلایق را مگر پنج نور: نورِ مُحَمَّد و نورِ فاطمه^{۱۳} و نورِ حَسَن و نورِ^{۱۴} حُسَین و نورِ فرزندانِ حُسَین^{۱۵} که اِمامانند. بدرستی که نور او از نور ماست که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - آفرید نور او را پیش از خَلْقِ آدم به دوهزار سال.

ای عزیز! احادیث در اِیمانِ أَبوطالب، بلکه در عصمت او بسیارست و اَکْثَرِ شیعه برآنند که آن حضرت از اَوْصیای^{۱۶} حضرت عیسی است و^{۱۷} برین^{۱۸} مضمون کتبِ

۱- برخاست / M و R برخاست. ۲- و / در M زیر دارد.

۳- با این / M باین.

۴- تو را بشکند! / M بر بشکند (بدون نقطه حرف سوم).

۵- فرستاد / M فرستاد. ۶- هر آینه / در M نون زیر دارد.

۷- می گویی / M می گوئی. ۸- و / در M زیر دارد.

۹- و / در M زیر دارد. ۱۰- خدایی / M خدائی.

۱۱- گردانید / M گردانیده. ۱۲- نور / + عَلٰی.

۱۳- فاطمه / M فاطمه. ۱۴- و نور / M و نور.

۱۵- حُسَین / M + و نور فرزندان. ۱۶- عصمت... اَوْصیای / M ندارد.

۱۷- و / M ندارد. ۱۸- برین / M براین.

بسیار نوشته‌اند^۱ علی رِغَمِ سَنِيَان^۲ و ایشان نیز احادیث بسیار نقل کرده‌اند که دالست بر ایمان او،^۳ و لکن^۴ ﴿خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ^۵ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً^۶﴾^۷ و عَنْ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۸ - أَنَّهُ قَالَ: لِكُلِّ أُمَّةٍ صِدِّيقٌ^۹ وَ قَارُوقٌ^{۱۰} وَ صِدِّيقٌ^{۱۱} هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ قَارُوقُهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ^{۱۲} (ع). إِنَّ عَلِيًّا سَفِينَةُ نَجَاتِهَا^{۱۳} وَ بَابُ^{۱۴} حِطَّتِهَا وَ إِنَّهُ^{۱۵} يُوسَعُهَا^{۱۶} وَ سَمِعُونَهَا وَ دُوقَرْنِهَا^{۱۷}. مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ عَلِيًّا خَلِيفَةُ اللَّهِ^{۱۸} وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ بَعْدِي وَ إِنَّهُ^{۱۹} لَا مِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ خَيْرَ الْوَصِيِّينَ. مَنْ نَارَعَهُ فَقَدْ نَارَعَ عَنِي وَ مَنْ ظَلَمَهُ^{۲۰} فَقَدْ ظَلَمَنِي وَ مَنْ عَالَبَهُ فَقَدْ غَالَبَنِي وَ مَنْ بَرَّهُ فَقَدْ بَرَّنِي وَ مَنْ جَفَّاهُ فَقَدْ جَفَّانِي وَ مَنْ عَادَاهُ فَقَدْ عَادَانِي وَ مَنْ وَالَّاهُ فَقَدْ وَالَّانِي وَ ذَلِكَ أَنَّهُ أَخِي وَ وَزِيرِي وَ مَخْلُوقٌ^{۲۱} مِنْ طِينَتِي وَ كُنْتُ أَنَا وَ هُوَ مِنْ نُورٍ^{۲۲} وَاحِدٍ^{۲۳}.

۱- نوشته‌اند / در M تاء زیر و دال زیر دارد.

۲- سَنِيَان / در M حرف واپسین زیر دارد.

۳- او / در M «و» زیر دارد. ۴- لکن / M لیکن.

۵- عَلَى سَمْعِهِمْ / M ندارد. ۶- أَبْصَارِهِمْ / در M راء زیر و هاء پیش دارد.

۷- قرآن کریم: س ۲، ی ۷. ۸- و / M ندارد.

۹- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۱۰- صِدِّيقُ / در M واپسین حرف تنوین جر دارد.

۱۱- قَارُوقُ / در M واپسین حرف تنوین جر دارد.

۱۲- صِدِّيقُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۳- بِنُ / M ابْنُ. ۱۴- أَبِي طَالِبٍ / M أَبِيطَالِبٍ.

۱۵- نَجَاتِهَا / M نَجَاتِهَا. ۱۶- بَابُ / M و R بَاب.

۱۷- يُوسَعُهَا / M يُوسِعُهَا. ۱۸- اللَّهُ / M ندارد.

۱۹- دُرُ قَرْنِهَا / M دُوقَرْنِهَا. ۲۰- ظَلَمَهُ / M ظَلَمَهُ.

۲۱- مَخْلُوقُ / در M قاف پیش دارد. ۲۲- نُورُ / در M نیامده است.

۲۳- نگر: عیون أخبار الرضا - علیه السلام -، ط. أعلمی، ۱۶/۲.

دیگر منقولست از رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۱ - که آن حضرت فرمود که: هَر اُمَّتِي را صِدِّيقِي است یعنی تصدیق کننده نبی در^۲ جَمِيع اقْوَال^۳ و اَفْعَال^۴ یا راستگویی^۵ که هرگز^۵ به زبانی او دروغ جاری نشده است و فاروقی است یعنی جداکننده میانِ حَقِّ و باطل؛ و صَدِّیقِ این اُمّت و فاروقی^۶ این اُمّت، عَلِيّ بن اَبی طالب است.^۷ بدرستی که عَلی کشتی نجاتِ این اُمّت است^۸ و بَابِ حَطَّةِ این اُمّت است^۹ چنانکه در بنی اسرائیل دری بود و مأمور شدند قوم موسی که در آنجا داخل شوند و^{۱۰} بگویند: حَطَّة^{۱۱} تا از تیه نجات یابند، همچنین هر که بر در آن حَضَرَت در آمد و روی از غیر او گردانید، از بیابان ضلالت نجات یافت و^{۱۲} سَيِّئَاتِش^{۱۳} مَبْدَلٌ به حَسَنَات گشت و بدرستی که عَلی یوشع این اُمّت است چنانکه یوشع وصی حضرت موسی بود، عَلی وصی منست؛ و شمعون این اُمّت است چنانکه شمعون وصی حضرت عیسی بود، عَلی وصی^{۱۴} منست و عَلی ذوالقرنین این اُمّتست.^{۱۵}

و تفسیر این کلام^{۱۶} بِر وَجْهِ^{۱۷} کمال در شرح خطبه خواهد آمد.^{۱۸}

۱- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ۲- در / در M مکرر نوشته شده است.

۳- اقوال / در M لام زیر دارد.

۴- راستگویی / M راست کوئی. ضبط نص موافق R است.

۵- هرگز / M هرگز. ۶- میانِ حق... فاروق / M ندارد.

۷- اَبی طالب است / M ابیطالبست. ۸- اُمّت است / M امتست.

۹- اُمّت است / M امتست. ۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- حَطَّة / M حَطَّة. ۱۲- و / در M زیر دارد.

۱۳- سَيِّئَاتِش / M سیئاتش. ۱۴- وصی حضرت... وصی / M ندارد.

۱۵- اُمّتست / M امت است. ۱۶- کلام / واپسین حرف در M زیر دارد.

۱۷- وَجْهِ / M وَجَه.

۱۸- خواهد آمد / در M در هر دو واژه حرف پیش از دال زیر دارد.

ای گروه مردمان! بدرستی که علی خلیفه خداست و^۱ خلیفه منست بر شما بعد از من. و^۲ بدرستی که علی امیر مؤمنانست و بهترین اوصیاء پیغمبرانست. هر که با او منازعه^۳ کند با من منازعه^۴ کرده است و هر که او را ستم کند مرا ستم کرده است^۵ و هر که بر او غلبه کند چنانست که خواهد که^۶ بر من غلبه^۷ کند و هر که با او^۸ دشمنی کند با من دشمنی کرده است و هر که با او دوستی کند با من دوستی کرده است^۹ زیرا که او برادر منست و وزیر منست و مخلوقست^{۱۱} از طینت من و من و علی از یک نوریم.

و عن ابی^{۱۲} عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ لَمَّا رَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -^{۱۳} عَلِيًّا (ع)^{۱۴} فَاطِمَةَ - عَلَيْهَا السَّلَامُ - تَحَدَّثْنَ^{۱۵} نِسَاءً^{۱۶} قَرِيبَ وَغَيْرُهُنَّ^{۱۷} وَغَيْرُنَهَا^{۱۸} وَقُلْنَ: رَوَّجَكَ^{۱۹} رَسُولُ اللَّهِ (ص) مِنْ عَائِلِي لَا مَالَ لَهُ. فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -^{۲۱}: يَا فَاطِمَةُ! أَمَا تَرْضَيْنَ^{۲۲} أَنْ^{۲۳} اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - اطَّلَعَ اِطْلَاعَةً إِلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَ مِنْهَا رَجُلَيْنِ

۱- و / در M زیر دارد.

۲- منازعه / در M عین زیر دارد.

۳- ستم کرده است / M ستم کرد است.

۴- و / در M زیر دارد.

۵- غلبه / در M باء زیر دارد.

۶- که / در M نیامده است.

۷- او / M او.

۸- و هر که با او دوستی... است / M ندارد.

۹- برادر / M ابی.

۱۰- منازعه / در M عین زیر دارد.

۱۱- ستم کرده است / M ستم کرد است.

۱۲- و / در M زیر دارد.

۱۳- غلبه / در M باء زیر دارد.

۱۴- که / در M نیامده است.

۱۵- او / M او.

۱۶- و هر که با او دوستی... است / M ندارد.

۱۷- برادر / M ابی.

۱۸- منازعه / در M عین زیر دارد.

۱۹- ستم کرده است / M ستم کرد است.

۲۰- و / در M زیر دارد.

۲۱- غلبه / در M باء زیر دارد.

۲۲- که / در M نیامده است.

۲۳- او / M او.

۲۴- و هر که با او دوستی... است / M ندارد.

۲۵- برادر / M ابی.

۲۶- منازعه / در M عین زیر دارد.

۲۷- ستم کرده است / M ستم کرد است.

۲۸- و / در M زیر دارد.

۲۹- غلبه / در M باء زیر دارد.

۳۰- که / در M نیامده است.

۳۱- او / M او.

۳۲- و هر که با او دوستی... است / M ندارد.

۳۳- برادر / M ابی.

۳۴- منازعه / در M عین زیر دارد.

۳۵- ستم کرده است / M ستم کرد است.

۳۶- و / در M زیر دارد.

۳۷- غلبه / در M باء زیر دارد.

۳۸- که / در M نیامده است.

۳۹- او / M او.

۴۰- و هر که با او دوستی... است / M ندارد.

۴۱- برادر / M ابی.

۴۲- منازعه / در M عین زیر دارد.

۴۳- ستم کرده است / M ستم کرد است.

۴۴- و / در M زیر دارد.

۴۵- غلبه / در M باء زیر دارد.

۴۶- که / در M نیامده است.

۴۷- او / M او.

۴۸- و هر که با او دوستی... است / M ندارد.

۴۹- برادر / M ابی.

۵۰- منازعه / در M عین زیر دارد.

۵۱- ستم کرده است / M ستم کرد است.

۵۲- و / در M زیر دارد.

۵۳- غلبه / در M باء زیر دارد.

۵۴- که / در M نیامده است.

۵۵- او / M او.

۵۶- و هر که با او دوستی... است / M ندارد.

۵۷- برادر / M ابی.

۵۸- منازعه / در M عین زیر دارد.

۵۹- ستم کرده است / M ستم کرد است.

۶۰- و / در M زیر دارد.

۶۱- غلبه / در M باء زیر دارد.

۶۲- که / در M نیامده است.

۶۳- او / M او.

۶۴- و هر که با او دوستی... است / M ندارد.

۶۵- برادر / M ابی.

۶۶- منازعه / در M عین زیر دارد.

۶۷- ستم کرده است / M ستم کرد است.

۶۸- و / در M زیر دارد.

۶۹- غلبه / در M باء زیر دارد.

۷۰- که / در M نیامده است.

۷۱- او / M او.

۷۲- و هر که با او دوستی... است / M ندارد.

۷۳- برادر / M ابی.

۷۴- منازعه / در M عین زیر دارد.

۷۵- ستم کرده است / M ستم کرد است.

۷۶- و / در M زیر دارد.

۷۷- غلبه / در M باء زیر دارد.

۷۸- که / در M نیامده است.

۷۹- او / M او.

۸۰- و هر که با او دوستی... است / M ندارد.

۸۱- برادر / M ابی.

۸۲- منازعه / در M عین زیر دارد.

۸۳- ستم کرده است / M ستم کرد است.

۸۴- و / در M زیر دارد.

۸۵- غلبه / در M باء زیر دارد.

۸۶- که / در M نیامده است.

۸۷- او / M او.

۸۸- و هر که با او دوستی... است / M ندارد.

۸۹- برادر / M ابی.

۹۰- منازعه / در M عین زیر دارد.

۹۱- ستم کرده است / M ستم کرد است.

۹۲- و / در M زیر دارد.

۹۳- غلبه / در M باء زیر دارد.

۹۴- که / در M نیامده است.

۹۵- او / M او.

۹۶- و هر که با او دوستی... است / M ندارد.

۹۷- برادر / M ابی.

أَحَدَهُمَا^۱ أَبُوكَ وَالْآخَرُ بَعْلُكَ. يَا فَاطِمَةُ^۲! كُنْتُ^۳ أَنَا وَ عَلِيٌّ نُورٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيِ اللَّهِ^۴ مُطِيقِينَ^۵ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ آدَمَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - بِأَرْبَعَةِ عَشَرَ أَلْفَ عَامٍ، فَلَمَّا خَلَقَ آدَمَ قَسَمَ ذَلِكَ الثَّوَرِ جُزْئَيْنِ: جُزْءٌ^۶ أَنَا وَ جُزْءٌ عَلِيٌّ. ثُمَّ إِنَّ قُرَيْشًا تَكَلَّمَتْ فِي ذَلِكَ وَ قَسَا الْخَبِيرُ. فَبَلَغَ النَّبِيُّ (ص) فَأَمَرَ^۷ بِلَا لَا فَجَمَعَ النَّاسُ^۸ وَ خَرَجَ إِلَى مَسْجِدِهِ وَ رَقَا مِنْبَرَهُ^۹ يُحَدِّثُ^{۱۰} النَّاسَ بِمَا خَصَّهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الْكِرَامَةِ^{۱۱} وَ بِمَا خَصَّ بِهِ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ - عَلَيْهِمَا^{۱۲} السَّلَامُ -؛ فَقَالَ: يَا مَعْشَرَ النَّاسِ!^{۱۳} إِنَّهُ^{۱۴} بَلَّغَنِي مَقَالَتُكُمْ وَ إِنِّي مُحَدِّثُكُمْ حَدِيثًا قَعُوهُ وَ احْفَظُوهُ مِنِّي وَ اسْمَعُوهُ؛ فَإِنِّي مُخْبِرُكُمْ بِمَا خَصَّ اللَّهُ بِهِ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ بِمَا خَصَّ بِهِ عَلِيًّا مِنَ الْفَضْلِ وَ الْكِرَامَةِ وَ فَضْلِهِ عَلَيْكُمْ؛ فَلَا تَخَالِفُوهُ فَتَنْقَلِبُوا عَلَى أَعْقَابِكُمْ، وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ^{۱۵} اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ قَدْ اخْتَارَنِي مِنْ خَلْقِهِ فَبَعَثَنِي إِلَيْكُمْ رَسُولًا وَ اخْتَارَ لِي عَلِيًّا خَلِيفَةً وَ وَصِيًّا. مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ وَ تَخَلَّفَ عَنِّي جَمِيعٌ مِمَّنْ كَانَ مَعِيَ مِنْ مَلَائِكَةِ السَّمَوَاتِ وَ جَبْرَائِيلُ (ع) وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبِينَ^{۱۶} وَ وَصَلْتُ إِلَى حُجُبِ رَبِّي دَخَلْتُ سَبْعِينَ أَلْفَ حِجَابٍ مِنْ كُلِّ حِجَابٍ إِلَى حِجَابٍ مِنْ حُجُبِ الْعِزَّةِ وَ الْقُدْرَةِ وَ الْبَهَاءِ وَ الْكِبَرِيَاءِ وَ الْعِظَمَةِ^{۱۷} وَ النُّورِ وَ الظُّلْمَةِ

۱- أَحَدَهُمَا / در M دال زیر دارد. ۲- فَاطِمَةُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۳- كُنْتُ / M ندارد. ۴- اللَّهُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۵- مُطِيقِينَ / M مُطِيقِينَ. ۶- جُزْءٌ / M جُزْءٌ.

۷- فَأَمَرَ / M فَأَمَرَ. ۸- فَجَمَعَ النَّاسُ / M فَجَمَعَ النَّاسِ.

۹- رَقَا مِنْبَرَهُ / M قَرَا مِنْبَرَهُ | کذا|. ۱۰- يُحَدِّثُ / M كَحَدَّثَ.

۱۱- الْكِرَامَةِ / در M کاف زیر دارد. ۱۲- عَلَيْهِمَا / M عَلَيَّهَا.

۱۳- النَّاسِ / M النَّاسِ. ۱۴- إِنَّهُ / M أَنَّهُ.

۱۵- يَضُرُّ / M يَضُرُّ. ۱۶- مَعَاشِرَ... الْمُقَرَّبِينَ / M ندارد.

۱۷- الْعِظَمَةِ / M الْعِظَمَةِ.

وَالْوَقَارِ^١ حَتَّى وَصَلْتُ إِلَى حِجَابِ الْجَلَالِ فَنَاجَيْتُ رَبِّي - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَقَدَّمَ
إِلَيَّ - عَزَّ وَكَبَّرُ - بِمَا أَحَبَّهُ وَآمَرَنِي بِمَا أَرَادَ لَمْ أَشْغَلْهُ لِنَفْسِي شَيْئًا فِي عِلِّيَّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ^٢ - إِلَّا
أَعْطَانِي وَوَعَدَنِي الشَّفَاعَةَ^٣ فِي شَيْعَتِهِ وَأَوْلِيَانِهِ. ثُمَّ قَالَ لِي^٤ الْجَلِيلُ - جَلَّ جَلَالُهُ^٥ - :
فَأَجِبْ^٦ عَلَيَّ فَإِنِّي أُجِيبُ^٧ وَأُجِبُ^٨ مَنْ يُجِيبُهُ^٩ وَأُجِبُ^{١٠} مَنْ أَحَبَّ مَنْ يُحِبُّهُ. فَخَرَزْتُ^{١١} لِلَّهِ
سَاجِدًا مُسَبِّحًا كَرِ الرَّبِّي - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فَقَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ^{١٢} اْعَلِيَّ وَلِيِّي^{١٣} وَخَيْرِي بَعْدَكَ
مِنْ خَلْقِي اخْتَرْتُهُ لَكَ أَخًا وَوَصِيًّا وَزَرِيرًا^{١٤} وَصَفِيًّا وَخَلِيفَةً وَنَاصِرًا لَكَ عَلَى أَعْدَائِي. يَا
مُحَمَّدُ! وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا يَمْلِكُنِي عَلَيَّا جَبَّارٌ إِلَّا قَصَمْتُهُ^{١٥} وَلَا يَقَاتِلُنِي عَلَيَّا عَدُوٌّ مِنْ أَعْدَائِي
إِلَّا هَرَمْتُهُ وَأَبْدَيْتُهُ. يَا مُحَمَّدُ! إِنِّي أَطْلَعْتُ^{١٦} عَلَى قُلُوبِ عِبَادِي فَوَجَدْتُ عَلَيًّا أَنْصَحَ خَلْقِي
لَكَ وَأَطْوَعَهُمْ لَكَ فَاتَّخِذْهُ أَخًا وَخَلِيفَةً وَوَصِيًّا وَرَوْجَهُ ابْنَتَكَ فَإِنِّي سَاهِبٌ^{١٧} لَهُمَا غَلَامَيْنِ
طَيِّبَيْنِ^{١٨} طَاهِرَيْنِ تَقِيَّيْنِ تَقِيَّيْنِ. فَبِي^{١٩} حَلَفْتُ^{٢٠} وَ عَلَى نَفْسِي حَتَمْتُ أَنَّهُ لَا يَتَوَلَّيَنَّ عَلَيًّا
وَرَوْجَتَهُ وَذُرِّيَّتَهُمَا أَحَدٌ مِنْ خَلْقِي إِلَّا رَفَعْتُ لِرِوَاةِ إِلَى قَائِمَةِ عَرْشِي وَجَسَّتِي وَبُحْبُوحَةٍ^{٢١}

١- الْوَقَارِ / M و R الْوَقَارِ. ٢- عَلَيْهِ السَّلَامُ / M ع.

٣- الشَّفَاعَةُ / در M واپسین حرف هم زبر دارد و هم زیر.

٤- لِي / زیر یاء در M اظهار گردیده است. ٥- جَلَّ جَلَالُهُ / در M حرف ماقبل آخر زیر دارد.

٦- فَأَجِبْ / در M حاء زبر دارد.

٧- أُجِيبُهُ / در M حاء پیش دارد و باء مُشَدَّد زبر.

٨- أُجِبُ / M أُجِبْ. ٩- يُجِيبُهُ / M يُجِيبْ.

١٠- أُجِبُ / M أُجِبْ. ١١- فَخَرَزْتُ / M فَخَرَزْتُ.

١٢- مُحَمَّدُ / در M دال تنوین رفع دارد. ١٣- وَلِيِّي / M وَلِيَّي.

١٤- زَرِيرًا / M وَزِيرًا. ١٥- قَصَمْتُهُ / M قَسَمْتُهُ.

١٦- أَطْلَعْتُ / در M واپسین حرف زبر دارد.

١٧- سَاهِبٌ / M سَاهِبٌ. ١٨- طَيِّبَيْنِ / M طَيِّبَيْنِ.

١٩- فَبِي / M مَنِي. ٢٠- حَلَفْتُ / M خَلَفْتُ.

٢١- بُحْبُوحَةٍ / R بُحْبُوحَةٍ. M بُحْبُوحَةٍ.

كَرَّامَتِي وَسَقِيَّتُهُ^۱ مِنْ حَظِيرَةٍ قُدْسِي وَلَا يُعَادِيهِمْ أَحَدٌ وَيَتَدَلُّ عَنْ وَلَا يَنْتَهُمُ^۲ - يَا مُحَمَّدُ! -
 إِلَّا سَلْبَتُهُ^۳ وَدِي وَبَاعَدَتْهُ^۴ مِنْ قُرْبِي وَضَاعَفْتُ^۵ عَلَيْهِمْ عَذَابِي وَلَعَنَتِي. يَا مُحَمَّدُ!
 إِنَّكَ رَسُولِي^۶ إِلَى جَمِيعِ خَلْقِي وَإِنِّي عَلَيْكَ وَلِيٌّ^۷ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ^۸ وَ عَلَى ذَلِكَ أَخَذْتُ
 مِيثَاقَ مَلَائِكَتِي وَأَنْبِيَائِي وَ جَمِيعِ^۹ خَلْقِي مِنْ قَبْلِ أَنْ أُخْلُقَ خَلْقًا^{۱۰} فِي سَمَائِي وَأَرْضِي
 مُحَبَّةً بَيْنِي لَكَ - يَا مُحَمَّدُ! - وَلِعَلِّي وَلِدُوكُمَا وَلِمَنْ أَحْبَبَكُمَا وَكَانَ مِنْ شِيعَتِكُمَا وَلِذَلِكَ
 خَلَقْتُهُ مِنْ خَلِيفَتِكُمَا. فَقُلْتُ: ^{۱۱}إِلَهِي وَسَيِّدِي! فَاجْمَعْ^{۱۲} الْأُمَّةَ^{۱۳} عَلَيْهِ. فَأَبَى عَلَيَّ وَقَالَ: يَا
 مُحَمَّدُ! إِنَّهُ^{۱۴} الْمُبْتَلَى وَالْمُبْتَلَى بِهِ وَإِنِّي جَعَلْتُكُمْ مِثْنَةً لِيَخْلُقِي أُمَّتَيْنِ^{۱۵} بِكُمْ جَمِيعَ عِبَادِي
 وَخَلْقِي فِي سَمَائِي وَأَرْضِي وَمَا فِيهِنَّ لِأَكْمِلَ^{۱۶} الثَّوَابَ^{۱۷} لِمَنْ أَطَاعَنِي فِيكُمْ وَأُجِلَّ^{۱۸}
 عَذَابِي وَلَعَنَتِي عَلَى مَنْ خَالَفَنِي فِيكُمْ وَعَصَانِي؛ وَبِكُمْ أُمِيرُ الْخَيْبَةِ مِنَ الطُّوبَى. يَا مُحَمَّدُ!
 وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَوْلَاكَ مَا خَلَقْتُ أَدَمَ وَلَوْلَا عَلِيٌّ مَا خَلَقْتُ^{۱۹} الْجَنَّةَ^{۲۰} لِأَتِي بِكُمْ أَجْزِي^{۲۱}
 الْإِبَادَ يَوْمَ الْمَعَادِ بِالثَّوَابِ وَالْعِقَابِ وَبِعَلِّي وَبِالْأَمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ أَنْتَقِمَ^{۲۲} مِنْ أَعْدَائِي فِي الدُّنْيَا

۱- سَقِيَّتُهُ / در M تاء زیر دارد. ۲- وَلَا يَنْتَهُمُ / M وَلَا يَنْتَهُمُ [كذا].

۳- سَلْبَتُهُ / در M تاء زیر دارد. ۴- بَاعَدَتْهُ / در M تاء زیر دارد.

۵- ضَاعَفْتُ / در M تاء زیر دارد. ۶- إِنَّكَ / M إِنَّكَ.

۷- رَسُولِي / M رَسُولٌ. ۸- وَلِيٌّ / M وَلِيٌّ.

۹- جَمِيعِ / در M عین زیر دارد. ۱۰- جَمِيعِ / در M عین زیر دارد.

۱۱- خَلَقْتُ / M ندارد. ۱۲- فَقُلْتُ / در M تاء زیر دارد.

۱۳- فَاجْمَعْ / M فَاجْمَعْ. ۱۴- الْأُمَّةَ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۵- إِنَّهُ / M إِنَّهُ [كذا]. ۱۶- أُمَّتَيْنِ / M أُمَّتَيْنِ.

۱۷- لِأَكْمِلَ / M لِأَكْمِلَ. ۱۸- الثَّوَابَ / M الثَّوَابَ.

۱۹- أُجِلَّ / M و R أُجِلَّ. ۲۰- خَلَقْتُ / در M تاء زیر دارد.

۲۱- الْجَنَّةَ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۲۲- أَجْزِي / در M حرف یکم پیش دارد. ۲۳- أَنْتَقِمَ / M أَنْتَقِمَ [كذا].

ثُمَّ إِلَيَّ^۱ مُصِيرُ الْبِنَادِ فِي الْمَعَادِ وَأَحْكَمُكُمَا فِي جَنَّتِي وَنَارِي فَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ^۲ لَكُمَا عَدُوٌّ
وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ لَكُمَا وَلِيٌّ وَبِذَلِكَ أَقْسَمْتُ عَلَى نَفْسِي. ثُمَّ انْصَرَفْتُ فَجَعَلْتُ لَا أَخْرُجُ مِنْ
حِجَابٍ إِلَى حِجَابٍ مِنْ حُجُبٍ^۳ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ إِلَّا سَمِعْتُ^۴ مِنَ الدِّدَاءِ وَرَأَيْتُ^۵ يَا
مُحَمَّدًا قَدِيمَ عَلِيًّا يَا مُحَمَّدًا اسْتَخْلِفَ عَلِيًّا يَا مُحَمَّدًا أَوْصِيَ إِلَى عَلِيٍّ يَا مُحَمَّدًا وَآخِ^۶
عَلِيًّا يَا مُحَمَّدًا أَحَبَّ مَنْ يُحِبُّ عَلِيًّا يَا مُحَمَّدًا اسْتَوْصِ بِعَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ خَيْرًا فَلَمَّا وَصَلْتُ
إِلَى الْمَلَائِكَةِ جَعَلُوا يُهْتَوِي فِي السَّمَوَاتِ وَيَقُولُونَ: هَيْتَا لَكَ - يَا رَسُولَ اللَّهِ! - بِكَرَامَةِ اللَّهِ
لَكَ وَلِعَلِّي مَعَاشِرَ النَّاسِ! عَلِيٌّ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَوَصِيِّي وَأَمِينِي عَلَى سِرِّي وَسِرِّ
رَبِّ الْعَالَمِينَ وَوَزِيرِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ وَفَاتِي لَا يَتَقَدَّمُ^۷ أَحَدٌ وَخَيْرُ
مَنْ أَخْلَفَ بَعْدِي وَلَقَدْ أَعْلَمْتَنِي رَبِّي - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - أَنَّهُ سَيَدُ الْمُسْلِمِينَ وَإِمَامُ^۸ الْمُتَّقِينَ
وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثُ النَّبِيِّينَ وَوَصِيُّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّجِينَ
مِنْ شِيعَتِهِ وَأَهْلٍ وَلَا يَتْبَعُهُ^۹ وَإِلَى جَنَاتِ النَّعِيمِ بِأَمْرِ رَبِّ الْعَالَمِينَ يَتَّبَعُهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَقَامًا
مَحْمُودًا يَقُطُّهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ^{۱۰} يَبْدُوهُ لَوَائِي^{۱۱} الْحَمْدُ^{۱۲} يَسِيرُ بِهِ أَمَامِي^{۱۳}
وَتَحْتَهُ^{۱۴} آدَمُ^{۱۵} وَجَمِيعُ^{۱۶} مَنْ^{۱۷} وَلَدَهُ^{۱۸} مِنَ النَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ^{۱۹} وَالصَّالِحِينَ إِلَى جَنَاتِ

۱- إِلَيَّ / M إلى. ۲- الْجَنَّةُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۳- مِنْ حُجُبٍ / M و مِنْ حُجُبٍ (گویا بر «و» رقم ایتال زده‌اند).

۴- سَمِعْتُ / در M تاء زیر دارد. ۵- رَأَيْتُ / M و آخ.

۶- يَتَقَدَّمُ / M يَتَقَدَّمُ. ۷- إِمَامُ / M إِمَام.

۸- وَلَا يَتْبَعُهُ / M وَلَا يَتْبَعُهُ. ۹- الْآخِرُونَ / M و الْآخِرُونَ.

۱۰- لَوَائِي / M ندارد. ۱۱- الْحَمْدُ / M الْحَمْدُ.

۱۲- تَحْتَهُ / M و R تَحْتَهُ. ۱۳- جَمِيعُ / در M عین زیر دارد.

۱۴- آدَمُ / M آدَم. ۱۵- مَنْ / M مِنْ.

۱۶- وَلَدَهُ / M وَلَدِهِ. ۱۷- الشُّهَدَاءُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

التَّيَمِّمِ حَتَّمَا مِنَ اللَّهِ مَخْتُومًا مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ^۱ وَعَدُّ وَعَدِّيهِ^۲ رَبِّي فِيهِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَأَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ^۳.

و^۴ دیگر منقولست از عبدالله بن عباس^۵ که گفت که: چون حضرت رسول خدا - صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ - حضرت فاطمه^۶ زهرا^۷ را به عَلَیِّ مُرْتَضی داد، زنان قُرَیش و غیر ایشان به سُخْنهای ناشایسته^۸ درآمدند و^۹ حضرت فاطمه^{۱۰} را سرزنش کردند و^{۱۱} گفتند که: رسول خدا - صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ - تو را به زنی به^{۱۲} فقیری بی مال داد. پس رسول خدا (ص) به حضرت فاطمه^{۱۳} گفت^{۱۴} که: ^{۱۵}یا فاطمه^{۱۶}! آیا خشنود^{۱۷} نیستی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - نظری به سویی اهل زمین کرد و از ایشان دو کس را برگزید: یکی^{۱۸} پدر، و دیگری شوهر تو. ای فاطمه^{۱۹}! بودم^{۲۰} من و^{۲۱} عَلَی دو^{۲۲} نور نزد خدای

۱- رَبِّ الْعَالَمِينَ / M و R + وَ. البته در R روی «و» خط زده شده است.

۲- وَعَدِّيهِ / M وَعَدِّيَّتُهُ.

۳- نگر: الیقین ابن طاووس، تحقیق أنصاری، صص ۴۲۴-۴۲۷.

۴- و / در M زیر دارد.

۵- عباس / در M سین زیر دارد.

۶- صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M ص.

۷- زهرا / M زهراء.

۸- ناشایسته / M شایسته.

۹- و / در M زیر دارد.

۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- فاطمه / M فاطمة.

۱۲- گفت / M كَفَّت.

۱۳- فاطمه / M فاطمة.

۱۴- خشنود / M خوشنود. ضبط نص موافق R است.

۱۵- یکی / M ندارد.

۱۶- بودم / چُنِّین است در R و M.

۱۷- و / در M زیر دارد.

۱۸- دو / M در.

- تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قرین یکدیگر و با هم مزوج پیش از آنکه خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - آدم را بیافریند^۱ به چهارده هزار سال. پس چون خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - آدم را بیافرید^۲ و در صُلْبِ او جای داد و از پشت به پشت می آمد تا آنکه آن نور را دو^۳ حصّه کرد: یک حصّه^۴ من شدم و^۵ یکی علی. پس دیگر قریش سخنان گفتند درین^۶ باب و این خبر فاش شد و خبر به رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۸ - رسید. حضرت امر کرد بلال را تا مردمان را در مسجد حاضر کرد. پس حضرت به مسجد تشریف آوردند^۹ و^{۱۰} منبر را مشرف گردانیدند^{۱۱} که خبر دهند مردمان را به آنچه خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - او را مخصوص گردانیده است از کرامت و به^{۱۲} کرامتهایی که خدای - عَزَّ وَجَلَّ - حضرت امیرالمؤمنین عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ را و حَضَرَتِ فاطِمَةُ زهرا را کرامت کرده است. پس فرمود که: ای گروه مردمان!^{۱۳} به من رسیده است گفته های شما و بدرستی که شما را حدیث می گویم به حدیثی. پس او را نگاه دارید و حفظ کنید از من. پس بدرستی که من خبر می دهم شما را به آنچه مخصوص گردانیده است خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - به آن أَهْلِ بَيْتِ^{۱۵} ما و به آنچه مخصوص گردانیده است^{۱۶} به آن عَلِی را از فضل و کرامت و^{۱۷}

۱- بیافریند / M بیافرید [کذا] ۲- به چهارده هزار... بیافرید / M ندارد.

۳- دو / M دو. ۴- حصّه / M حصّه.

۵- حصّه / چنین است در R به تاء واپسین. M حصّه.

۶- در / در M زیر دارد. ۷- درین / M در این.

۸- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M صی.

۹- آوردند / در M زیر «و» اظهار گردیده است.

۱۰- و / در M زیر دارد. ۱۱- گردانیدند / M گردانید.

۱۲- به / باء در M زیر دارد. ۱۳- مردمان / در M نون زیر دارد.

۱۴- تَبَارَكَ / M ندارد. ۱۵- بَیت / در M زیر باء اظهار شده است.

۱۶- است / M + خدای تبارک وَتَعَالَى. ۱۷- و / در M زیر دارد.

او را تفضیل داده است بر شما. پس مخالفتِ او مکنید^۱ که برخواهید گشت بر عقبِ خود و به سببِ مخالفتِ او کافر خواهید شد و هر که^۲ برگردد و کافر گردد پس هیچ ضرر به خدا نرسانیده است و زود باشد که خدای - تبارک و تعالی - جزا دهد شکرکنندگان را. ای گروهِ مردمان! بدرستی که خدای - تبارک و تعالی - مرا از میانِ خلق برگزید و مرا به سوی شما فرستاد که رسولِ شما باشم و علی را از برای من برگزید^۳ که خلیفه و وصی من باشد. ای جمعِ مردمان! بدرستی که چون مرا به آسمان بردند و از من باز ماندند هر که با^۴ من بود از فرشتگانِ آسمانها و جبرئیل (ع)^۵ و^۶ ملائکه مُقرّبین و رسیدم^۷ به حجابهایی^۸ که خدای - تبارک و تعالی - آفریده است، داخلِ شدم در هفتاد هزار حجاب از حجاب به حجاب از حجابهای عزّت و قدرّت و^۹ بها و کرامت و کبریا و عظمت و نور و ظلمت و وقار، تا رسیدم به حجابِ جلال پس مناجات کردم با پروردگارِ خود - تبارک و تعالی - و در مقامِ بندگی ایستادم و خدای - تبارک و تعالی - به^{۱۰} من گفت آنچه خواست و^{۱۱} امر کرد مرا به آنچه خواست و من سؤال نکردم از برایِ خود^{۱۲} چیزی در شانِ علی مگر آن که او را به من عطا کرد و وعده کرد مرا شفاعت در شیعیانِ علی^{۱۳} و دوستانِ او.

۱- مکنید / M می‌کنند (بدون نقطه حرف دوم).

۲- هر که / M هر که. ۳- مرا به سوی شما... برگزید / M ندارد.

۴- باشد / M + و مرا بسوی شما فرستاد که رسول شما باشم و علی را از برای من برگزید که خلیفه و وصی من باشد [کذا]. ۵- مردمان / در M نون زیر دارد.

۶- یا / M یا. ۷- در M زیر دارد.

۸- ع / M ندارد. ۹- و / در M زیر دارد.

۱۰- رسیدم / زیر راء در M اظهار گردیده است.

۱۱- حجابهایی / M حجابها. ۱۲- و / در M زیر دارد.

۱۳- به / زیر باء در M اظهار گردیده است.

۱۴- و / در M زیر دارد. ۱۵- خود / M خودم.

۱۶- مگر آن که... شیعیانِ علی / M ندارد.

پس خدای تعالیٰ^۱ فرمود به من که: که را دوست می‌داری از خَلْقِ من؟ گفتم: خداوند! دوست می‌دارم^۲ آن کسی را که تو دوست می‌داری. پس خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - فرمود که: یا مُحَمَّد! تو علی را دوست دار که من دوست می‌دارم او را و دوست می‌دارم کسی را که^۳ علی را دوست دارد^۴ و دوست می‌دارم کسی را که دوست دارد کسی را که علی را دوست دارد. پس من به سجده افتادم و^۵ تسبیحِ الهی و تنزیه او کردم به شکرانه^۶ پروردگارِ عالمیان^۷ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى. پس مرا گفت^۸ که: یا مُحَمَّد! علی وَلِیِّ منست و برگزیده منست^۹ از خَلْقِ من بعد از تو. من او را اختیار کردم از برای تو^{۱۰} که برادرِ تو و^{۱۱} وصیِ تو^{۱۲} باشد و وزیر و برگزیده و خلیفه تو باشد و یاورِ تو باشد بر دشمنانِ من. یا مُحَمَّد! به عزتِ من^{۱۳} و جلالِ من که دشمنی نخواهد کرد با علی جبّاری^{۱۴} مگر آنکه او را خوار و^{۱۵} زار خواهم کرد و پشت او را خواهم شکست و جنگ نخواهد کرد با^{۱۶} علی دشمنی از دشمنانِ من مگر آنکه او را شکست خواهم داد و هلاک خواهم^{۱۷} کرد. یا مُحَمَّد! بدرستی^{۱۸} که من مطلع شدم بر دلهایِ بسندگانِ خودم. پس یافتم علی را ناصح^{۱۹} ترین و بهترین خَلْقِ من از برای تو و مطیع ترین خَلْقِ من مر تو را. پس او را برادرِ

۱- تعالیٰ / M تبارک و تعالیٰ. ۲- خداوند! دوست می‌دارم / M ندارد.

۳- که / M + دوست می‌دارد. ۴- دوست دارد / M ندارد.

۵- و / در M دوبار نوشته شده و یکی از آن دو مورد زیر دارد.

۶- شکرانه / در M زیر نون اظهار شده است.

۷- عالمیان / در M نون زیر دارد. ۸- گفت / M گفت.

۹- منست / M من است. ۱۰- تو / در M تاء زیر دارد.

۱۱- و / در M زیر دارد. ۱۲- تو / در M تاء زیر دارد.

۱۳- من / M ندارد. ۱۴- جبّاری / M حیاری.

۱۵- و / در M زیر دارد. ۱۶- یا. / M یا.

۱۷- داد و هلاک خواهم / M ندارد. ۱۸- بدرستی / در M سین زیر دارد.

خود و خَلِيفَةُ خود و وَصِيّ خود گردان و دخترت را به او تزویج نمای. پس بدرستی که
 من^۱ عنقریب به ایشان عطیّه خواهم کرد دو پسر پاک^۲ پاکیزه^۳ پرهیزکار^۴ پاکیزه نهاد.
 پس من به ذاتِ خود قَسَم یاد کرده‌ام^۵ و بر^۶ خود^۷ واجب گردانیده‌ام^۸ که دوست نخواهد
 داشت علی را و زوجه او را و ذریّت ایشان را اُحَدی از خَلْقِ من مگر آنکه بَلَد خواهم
 گردانید علم^۹ او را و مرتبه او را تا به قائمه^{۱۰} عرشِ خودم^{۱۱} درخواهم آورد^{۱۲} او را به
 بهشتِ خودم و خانه کرامتم و^{۱۳} او را آب خواهم داد از حظیره قُدسم و هر که^{۱۴} دشمنی
 کند با ایشان^{۱۵} و ایشان را اِمَامِ خود نداند البتّه دوستی خود را از او بردارم و او را از قُرْبِ
 خود دور گردانم و مُضَاعَف گردانم بر او عذابِ خود را و لعنتِ خود را.^{۱۶} یا مُحَمَّدُ!
 بدرستی که تو رسول منی به همه خَلْقِ من و بدرستی^{۱۷} که علی ولی منست
 و اَمیرِ مؤمنانست و برین عهد و پیمان گرفته‌ام^{۱۸} از جمیع فرشتگان و جمیع پیغمبران
 و جمیع خَلْقِ خودم پیش از^{۱۹} آنکه بیا قَرینم آفریده‌ای^{۲۰} در آسمان^{۲۱} و زمین از جهتِ

- ۱- که من مَطْلَع... که من / M ندارد. ۲- پاک / M + و.
- ۳- پاکیزه / M + و. ۴- پرهیزکار / M + و.
- ۵- کرده‌ام / در M الف زیر دارد! ۶- بر / در M باء زیر دارد.
- ۷- خود / M خودم. ۸- گردانیده‌ام / M گردانیدم [کذا].
- ۹- علم / در M عین هم زیر دارد و هم سُکون!
- ۱۰- قائمه / M قائم (حرفِ سوم نه همزه دارد و نه نقطه).
- ۱۱- و / در M زیر دارد. ۱۲- آورد / راء در M زیر دارد.
- ۱۳- و / در M زیر دارد. ۱۴- هر که / M هر.
- ۱۵- با ایشان / M بایشان. ۱۶- و لعنتِ خود را / M ندارد.
- ۱۷- بدرستی / در M سین زیر دارد. ۱۸- گرفته‌ام / M گرفته‌اند.
- ۱۹- از / M ندارد. ۲۰- آفریده‌ای / M آفریده.
- ۲۱- آسمان / M آسمان.

دوستی تو - یا مُحَمَّد! - و دوستی اَعْلٰی و فرزندانِ شما^۲ و دوستانِ شما و شیعیانِ شما^۳ و به واسطه شما آفریدم هر که^۴ را آفریدم یا از فَضْلِ طِبَّتِ شما آفریدم شیعیانِ شما را. پس من گفتم: اِلٰهٰی و سَیِّدِی!^۵ پس جَمْع گردان اُمّتِ مرا همه برین^۶ مَلّت که مخالفتِ اَعْلٰی نکنند. پس خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - فرمود که: اینچنین^۷ نخواهد شد^۸ و فرمود که: یا مُحَمَّد! بدرستی که اَعْلٰی محلّ آزمایشِ ماست و^۹ اَخْلَق را به او می آزمایم^{۱۰} و بدرستی که گردانیدم شما را آزمایشی از برای خَلْقِ خودم. به شما می آزمایم^{۱۱} جمیعِ بندگانِ خود را و آنهایی^{۱۲} را^{۱۳} که آفریده ام در آسمان و زمین^{۱۴} و آنچه میانِ آسمان و زمین است و هر آینه کامل می گردانم ثوابِ کسی را که اِطَاعَتِ مَنْ کُنْد در محَبّتِ^{۱۵} شما و متابعتِ شما و در می آورم^{۱۶} عذابم را و^{۱۷} لَعْنَتَم را بر کسی که مخالفتِ مَنْ کُنْد در^{۱۸} مخالفتِ شما و عصیانِ مَنْ کُنْد به سَبِّ عَصِیَانِ شما و به سَبِّ شما جدا می گردانم بَدکار را از نیکوکار. یا مُحَمَّد! به حَقِّ عَزّتِ مَنْ و جلالِ مَنْ که اگر تو نمی بودی آدم را نمی آفریدم و اگر اَعْلٰی نمی بود بهشت را نمی آفریدم زیرا که به سَبِّ شما جزا می دهم بندگانم را در روزِ قیامت به^{۱۹} ثواب و عقاب و به اَعْلٰی و اِمَامانِ فرزندانِ او^{۲۰} انتقام می کشم^{۲۱} از دشمنانم در دارِ

- ۱- دوستی / M: دوست. ۲- و فرزندانِ شما / M: ندارد.
 ۳- و / در M: زیر دارد. ۴- هر که / M: هرگاه.
 ۵- و سَیِّدِی / M: و سَیِّدِی. ۶- برین / M: بر این.
 ۷- اینچنین / M: ان چنین. ۸- شد / M: ندارد.
 ۹- که: یا مُحَمَّد / M: ندارد. ۱۰- و / در M: زیر دارد.
 ۱۱- می آزمایم / M: می آزمایم. ۱۲- می آزمایم / M: از مایم.
 ۱۳- آنهایی / M: انتهای. ۱۴- را / در M: اَلْف از قلم افتاده است.
 ۱۵- زمین / در M: نون زیر دارد. ۱۶- محَبّت / M: بحث.
 ۱۷- در می آورم / M: دَر حَی آوردم. ۱۸- و / در M: زیر دارد.
 ۱۹- در / M: و. ۲۰- به / M: ندارد.
 ۲۱- او / در M: «و» زیر دارد. ۲۲- می کشم / در M: شین زیر دارد.

دنیا. پس بازگشتِ بندگان^۱ به سویِ مَنست در روزِ قیامت و شما را حاکم خواهم گردانید در بهشت و دوزخم. پس داخلِ بهشت نمی‌شود^۲ دشمنِ شما و^۳ داخلِ دوزخ نمی‌شود دوستِ شما، و به این قَسَم خورده‌ام و بر خود واجب گردانیده‌ام. پس چون برگشتم از هر حجابی که بیرون می‌آمدم از آن حجابهای^۴ پروردگارِ ذی الجلال و الاکرام ندا می‌شنیدم از عقبِ خود: یا محمد! علی را مُقَدَّم گردان!^۵ یا محمد! علی را خلیفه گردان! یا محمد! علی را وصی گردان! یا محمد! علی را برادرِ خود گردان! یا محمد! دوستانِ علی را دوست دار! یا محمد! به علی^۶ و شیعیانِ او نیکی کن! پس چون ازین^۷ حجابها گذشتم و به فرشتگان رسیدم، ایشان «مبارک‌باد» می‌گفتند مرا در آسمانها و^۸ می‌گفتند: گوارا باد تو را - یا رسول‌الله! - آن کرامتی که خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - تو را کرد و علی را گرد. ای گروه^۹ مردمان! علی برادرِ مَنست^{۱۰} در دنیا و آخرت و^{۱۱} وصیِ مَنست و^{۱۲} اَمینِ مَنست بر سِرِّ من و سِرِّ پروردگارِ عالمیان و وزیرِ مَنست و خلیفهٔ مَنست بر شما در حیاتِ من و بعد از وفاتِ من. کسی را نمی‌رسد که بر او پیشی گیرد و بهترینِ کسانیست^{۱۳} که بعد از خود می‌گذارم و^{۱۴} بدرستی^{۱۵} که خبر داد مرا پروردگارم

۱- بندگان / در M نون زبر دارد. ۲- نمی‌شود / در M «و» زیر دارد.

۳- و / در M زیر دارد.

۴- حجابهای / R حجابها. ضبط متن موافق M است.

۵- یا محمد! علی را مُقَدَّم گردان / M ندارد.

۶- یا محمد! علی را وصی... گردان / M ندارد.

۷- علی / M علی.

۸- ازین / M از این.

۹- و / در M زیر دارد. ۱۰- گروه / در M واپسین حرف زبر دارد.

۱۱- مَنست / M من است.

۱۲- و / در M زیر دارد. ۱۳- کسانیست / M کسانی است.

۱۴- و / در M زیر دارد. ۱۵- بدرستی / در M سین زیر دارد.

- تَبَارَكَ وَتَعَالَى - که عَلِی سَیِّد^۱ و سِرورِ مسلمانانست و اِمَامِ مَتَقِیَّانَسْت^۲ و^۳ اَمِیرِ مُمَنانَسْت و وارثِ من و وارثِ پیغمبرانست و وَصِیِ رَسولِ رَبِّ الْعَالَمِین است و برنده^۴ شِیعِیَانِ رُوسفید^۵ و دست و پائِها سَفید^۶ خود است و^۷ اَهْلِ وِلایتِ خود است^۸ به جَناتِ نَعیمِ به اَمْرِ رَبِّ الْعَالَمِین. مبعوث گرداند^۹ او را خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فردایِ رُوزِ قِیامت در مقامی که آرزویِ مقام و مرتبه او کُنند پیشینیان و پسینیان و به دستِ او باشد عِلْمِ^{۱۰} مَنْ که موسومست به لُواءِ حَمْد و پیشِ پیشِ من بَرَد او را و در زیرِ آن عِلْمِ^{۱۱} باشند^{۱۲} حَضَرَتِ آدَم و جَمیعِ قُرنِندانِ او از پیغمبران و شهیدان^{۱۳} و صالحان^{۱۴} تا در آورَد ایشان را به باغها^{۱۵} و بوستانهای^{۱۶} نَعْمَتِ اِلهی و این واجبِ است از خدای^{۱۷} - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - و مُقَدَّر شده است از پروردگارِ عَالَمِیان و^{۱۸} وعده ایست که وَعْدَه كَرده است مرا پروردگارِ مَنْ و خدای - عَزَّ وَجَلَّ - خِلافِ نَمی کُند وَعْدَه خود را و^{۱۹} مَنْ بَرین سخن از جُمْلَه^{۲۰} گواهانم.

۱- سَیِّد / در M زیر سین اظهار گردیده است.

۲- مَتَقِیَّانَسْت / در M نون و تاي پایانی زیر دارد.

۳- و / در M زیر دارد. ۴- برنده / در M دال زیر دارد.

۵- رُوسفید / در M سین زیر دارد.

۶- دِست و پائِها سَفید / در M «و» و «س» زیر دارند.

۷- و / در M زیر دارد.

۸- است / M + و اَهْلِ وِلایتِ خود است [کذا].

۹- گرداند / M کرده اند. ۱۰- عِلْمِ / M عِلْمِ.

۱۱- عِلْمِ / M عِلْمِ. ۱۲- باشند / M باشد.

۱۳- شهیدان / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۴- صالحان / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۵- باغها / M باغهای. ۱۶- بوستانهای / M بوستانهای.

۱۷- خدای / M خدای [کذا]. ۱۸- و / در M زیر دارد.

۱۹- و / در M زیر دارد. ۲۰- جُمْلَه / در M جیم زیر دارد!

ای عزیز! احادیثی که در مضمون قریب به این است به اندک زیاده و^۱ نقصانی از طُرُقِ سُنیان که ایشان در کتابهای خود نقل کرده‌اند بسیار است و اگر نه^۲ خوفِ درازی کلام بود بعضی از آنها را نیز نقل می‌کردیم. از آن جمله حضرت سیدالعلماء و الفضلاء، ابنِ طاووس^۳، کِتَابِی تصنیف کرده است در احادیثی که سُنیان نقل کرده‌اند در شانِ عَلِیِّ بنِ اَبی طالب - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَآلِهِ^۴ - که آن حضرت از جانبِ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - موسوم شد به اَمیرالمؤمنین و در آنجا زیاده از دویست^۵ حدیث نقل کرده^۶ است از کتابهای ایشان که در شانِ عَلِیِّ بنِ اَبی طالب^۷ نقل کرده‌اند و هریک از این^۸ کتابها مشتمل بوده است بر فضایل^۹ بسیار ولیکن ابنِ طاووس^{۱۰} - رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَیْهِ - همین احادیثی را نقل کرده است^{۱۱} که مشتمل است بر تسمیه آن حضرت به اَمیرالمؤمنین^{۱۲} و غیر او^{۱۳} نیز از علمای ما احادیث بسیار نقل کرده‌اند در کتَبِ خود و این بَنده نیز بر بسیاری از کتَبِ احادیث ایشان مَطَّلَع شدم و بعضی از آنها نقل کردم در کتَبِ خود^{۱۴} تا سبب^{۱۵} زیادتی اعتقادِ شیعیان گردد.

-
- ۱- و / در M زبر دارد. ۲- نه / زبر نون در M اظهار شده است.
 ۳- طاووس / M طاووس. ۴- و آله / در R آمده ولی در M نیست.
 ۵- دویست / M دویست. ۶- کرده / در M دال زبر دارد.
 ۷- اَبی طالب / M + است. ۸- ازین / M از این.
 ۹- فضایل / در M حرفِ ماقبلِ آخر هیچ نقطه و نشانه‌ای جُز دندانداش ندارد.
 ۱۰- طاووس / M طاووس. ۱۱- کرده است / M گرداشت.
 ۱۲- کتابِ موردِ نظرِ مجلسِ اَوَّل از آثارِ ابنِ طاووس، گویا همان کتابِ یَقِینِ اوست که ذیلی موسوم به التَّحْمِین دارد. ۱۳- او / M او.
 ۱۴- در کتَبِ خود / R ندارد. از M ضبط شد.
 ۱۵- سبب / M ندارد.

وَعَنِ الْإِمَامِ الْعَالِمِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - خَلَقَ نُورَ^۱ مُحَمَّدٍ مِنْ نُورِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - مِنْ نُورِ عَظَمَتِهِ وَجَلَالَتِهِ وَهُوَ نُورُ لَاهُوتِيَّتِهِ^۲ الَّذِي بَدَأَ مِنْهُ وَتَجَلَّى بِهِ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فِي طُورِ سَيْنَاءَ فَمَا اسْتَقَرَّ وَلَا أَطَاقَ^۳ رُؤْيَاهُ^۴ وَكَانَ ذَلِكَ النُّورُ^۵ مُحَمَّدًا^۶ وَعَلِيًّا^۷ وَلَمْ يَخْلُقْ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ غَيْرَهُمَا^۸ كَمَا قَالَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: خَلَقْتُ^۹ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ النَّاسُ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى خَلَقَهُمَا بِيَدِهِ وَخَلَقَ فِيهِمَا نَفْسَهُ لِنَفْسِهِ وَصَوَّرَهُمَا عَلَى صُورَتِهِ وَجَعَلَهُمَا أَمَنَاءَهُ وَشَهِدَاءَهُ عَلَى خَلْقِهِ وَعَيْنًا لَهُ فِي عِبَادِهِ وَلِسَانًا فِي بَرِيَّتِهِ^{۱۰} وَاسْتَوْدَعَهُمَا عِلْمَهُ وَاسْتَرْعَاهُمَا خَلْقَهُ وَعَلَّمَهُمَا الْبَيَانَ: أَطْلَعَهُمَا^{۱۱} عَلَى الْغَيْبِ وَجَعَلَ أَحَدَهُمَا نَفْسَهُ وَالْآخَرَ رُوحَهُ لِأَنَّ نَفْسَهُ وَرُوحَهُ لَا يَقُومُ^{۱۲} أَحَدُهُمَا^{۱۳} بِدُونِ صَاحِبِهِ ظَاهِرُهُمَا^{۱۴} بِشَرِيَّةٍ وَبَاطِنُهُمَا^{۱۵} لَاهُوتِيَّةٍ حَتَّى ظَهَرَ لِلْخَلَائِقِ^{۱۶} عَلَى هَيْئَاتِهِمَا^{۱۷} تَأْسُوتِيَّةٍ بِحَيْثُ يُطِيقُونَ رُؤْيَاهُمَا فَهُمَا مَقَامِي^{۱۸} رَبِّ الْعَالَمِينَ وَحِجَابِي خَالِقِ الْخَلَائِقِ^{۱۹} أَجْمَعِينَ. فَهَذَا

۱- بنی / در R مکرر نوشته شده است. M ابن.

۲- اِنْ / M اَنْ.

۳- نُورَ / M نُورُ.

۴- لَاهُوتِيَّتِهِ / چنین است در R؛ البته پس از دستکاری که در عبارت کرده‌اند. M لَاهُوتِيَّةٍ

[كذا].

۵- اَطَاقَ / M طَاقَ.

۶- النُّورَ / M نُورُ.

۷- عَلِيًّا / M عَلِيٌّ ع.

۸- غَيْرَهُمَا / در M راء زیر دارد.

۹- مُحَمَّدًا / M مُحَمَّدٍ ص.

۱۰- عَلِيًّا / M عَلِيٌّ ع.

۱۱- خَلَقْتُ / M خَلِفْتُ.

۱۲- أَطْلَعَهُمَا / R اَطْلَعَهُمَا. در M نیز چنین است و حرف یکم نیز زیر دارد.

۱۳- يَقُومُ / M يَقُومُ.

۱۴- ظَاهِرُهُمَا / در M راء زیر دارد.

۱۵- بَاطِنُهُمَا / در M نون زیر دارد.

۱۶- هَيْئَاتِهِمَا / در M لام زیر دارد.

۱۷- لِلْخَلَائِقِ / M و R لِلْخَلَائِقِ.

۱۸- مَقَامِي / M مَقَامِي.

۱۹- خَالِقِ الْخَلَائِقِ / M و R الْخَلَائِقِ.

بَدَأَ الْخَلَائِقَ^۲ وَبِهَذَا يَخْتُمُ^۳ مَقَادِيرَ الْخَلَائِقِ^۴. ثُمَّ اقْتَبَسَ مِنْ نُورِ مُحَمَّدٍ نُورَ فَاطِمَةَ^۵ كَمَا اقْتَبَسَ^۶ نُورَ مُحَمَّدٍ مِنْ نُورِ جَلَالِهِ وَاقْتَبَسَ^۷ مِنْ نُورِ عَلِيِّ وَفَاطِمَةَ^۸ نُورَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ^۹ كَأَقْبَسِ الْمَصَابِيحِ خُلُوفًا مِنَ الْأَنْوَارِ وَانْتَقَلُوا^{۱۰} فِي أَصْلَابِ الْأَنْبَارِ وَأَرْحَامِ الْأَطْهَارِ فِي الطَّبَقَةِ الْعُلْيَا تَقَالًا^{۱۱} بَعْدَ تَقَلٍّ لَا مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ وَلَا مِنْ نُطْقَةٍ حَيَرَةٍ^{۱۲} بَلْ أَنْوَارٌ يَسْتَقِيلُ فِي الطَّاهِرِينَ وَأَسْرَارٌ يَظْهَرُ فِي صِفَاتِ النَّبِيِّينَ أَقَامَهُمُ الرَّبُّ مَقَامَهُ فِي عِبَادِهِ لِأَنَّهُ سُبْحَانَهُ لَا يُرَى وَلَا يُعْرَفُ^{۱۳} كَيْفِيَّتُهُ وَلَا أَيْبِيَّتُهُ^{۱۴} جَعَلَهُمْ تَرَاجِمَةً^{۱۵} وَحِيدٍ وَالتَّاطِقُونَ عَنْهُ الْمُبْلِقُونَ إِلَى عِبَادِهِ فَفِيهِمْ يَظْهَرُ قُدْرَتُهُ^{۱۶} وَعَنْهُمْ يُرَى آيَاتُهُ^{۱۷} وَبِهِمْ عَرَفَ عِبَادَهُ نَفْسُهُ وَبِهِمْ يُطَاعُ أَمْرُهُ^{۱۸} وَلَوْلَاهُمْ مَا عُرِفَ لِأَنَّهُ يُجْرِي أَمْرَهُ^{۱۹} كَيْفَ شَاءَ^{۲۰}

و^{۲۱} دیگر منقولست از امام عالمِ اهل بیت، حضرت موسی بن جعفر - صلوات الله وسلامه علیه - که آن حضرت فرمود که: خدای^{۲۲} - تبارک و تعالی - آفرید نورِ مُحَمَّد را از نورِ عظمت و جلالتِ خودش و آن نورِ لاهوتیتِ الهی است^{۲۳} و خداوندی او که از آن

- ۱- بَدَأَ / M اَبْدَأَ.
 ۲- الْخَلَائِقَ / R الْخَلَائِقِ. M الْخَلَائِقِ.
 ۳- يَخْتُمُ / M اَخْتَمَ.
 ۴- الْخَلَائِقِ / M و R الْخَلَائِقِ.
 ۵- فَاطِمَةَ / M فَاطِمَةٍ.
 ۶- اقْتَبَسَ / M اَقْبَسَ.
 ۷- اقْتَبَسَ / M اَقْبَسَ.
 ۸- فَاطِمَةَ / M فَاطِمَةٍ.
 ۹- نُورَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ / R وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ. ضبط نص موافق M است.
 ۱۰- انتقلوا / M انتقلوا.
 ۱۱- تَقَالًا / M تَقَالًا.
 ۱۲- حَيْرَةٍ / M حَيْرَةٍ.
 ۱۳- يُعْرَفُ / M يُعْرَفُ.
 ۱۴- أَيْبِيَّتُهُ / M وَهُمْ تَرَاجِمَةً.
 ۱۵- تَرَاجِمَةً / R تَرَاجِمَةً. M تَرَاجِمَةً.
 ۱۶- يَظْهَرُ قُدْرَتُهُ / M ندارد.
 ۱۷- يُرَى آيَاتُهُ / M يُرَى آيَاتُهُ.
 ۱۸- أَمْرُهُ / M أَمْرُهُ.
 ۱۹- أَمْرُهُ / M أَمْرُهُ.
 ۲۰- مَا خَذَ مِنْ حَدِيثٍ يَأْتِ نَشْدُ.
 ۲۱- و / M ندارد.
 ۲۲- بَنِي / M ابْنِ.
 ۲۳- خدای / M خدای [کذا].
 ۲۴- إِلَهِي است / M إِلَهِيست.

نور بر خلق ظاهر شد به آیات و بیّنات^۱ و^۲ تجلّی کرد به آن نور بر موسی بن عمران در
 طور سینا. پس موسی قرار نگرفت و طاقت دیدن آن نور نداشت و^۳ آن نور مُحَمَّد
 و علی بود و از آن نور غیر ایشان را بیافرید^۴ چنانکه پیغمبر - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ -
 می‌فرماید که: من و^۵ علی از یک درختیم و مردمان مخلوق شدند از درختهای مختلف^۶
 و خدائی - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - طینتِ هر دو را به یدِ قدرتِ خود ساخت و جای داد دریشان^۷
 روح القدس را و ایشان را از برای محبّتِ خود آفرید و ایشان را موصوف به صفات^۸
 خود گردانید و ایشان^۹ را امینانِ خود و^{۱۰} گواهانِ خود گردانید بر خَلْقش و به منزله
 چشم خود گردانید^{۱۱} در میانِ بندگان و ایشان را زبانِ خود گردانید^{۱۲} در میانِ خَلقِ
 خود - چنانکه در تفسیرِ حدیثِ قدسی «فَبِیْ^{۱۳} یَسْمَعُ^{۱۴} وَبِیْ بَصَرٍ^{۱۵} وَبِیْ یَنْطِقُ^{۱۶}»^{۱۷}،
 معنی این سخن ظاهر خواهد شد^{۱۸}؛ «إِنْ شَاءَ اللهُ - و ایشان را محلِّ علومِ خود گردانید
 و سردارِ خلقِ خود گردانید و به ایشان یاد داد بیانِ علوم را که هرکسی را درخورِ فهمِ او

۱- بیّنات / M بیّنات. ۲- و / در M زیر دارد.

۳- و / در M زیر دارد. ۴- را بیافرید / M نیافریند.

۵- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M ص. ۶- و / در M زیر دارد.

۷- درختهای مختلف / M درختها مختلف.

۸- دریشان / M درایشان. ۹- صفات / M صفات.

۱۰- ایشان / در M نون زیر دارد. ۱۱- و / در M زیر دارد.

۱۲- بر خَلْقش... گردانید / M ندارد.

۱۳- گردانید / M + بر خَلْقش و بمنزلهٔ چشم خود گردانید.

۱۴- فَبِیْ / چنین است در R هرچند بروشنی خوانده نمی‌شود. M بی.

۱۵- یَسْمَعُ / M سمیع. ۱۶- بیصر / M بصیر.

۱۷- یَنْطِقُ / M یَنْطِقُ [کذا].

۱۸- نگر: بحارالأنوار، ۲۰۷/۵. سنح: الفتوحات المکیّة، ۶۹۷/۱.

۱۹- خواهد / در M هاء زیر دارد. ۲۰- شد / M ندارد.

و قابِلِیتِ او با او سخن گویند و هریک از^۱ ایشان را به منزلهٔ جان و روح یکدیگر گردانیدند چنانکه جان و روح بی یکدیگر نمی‌توانند بود ایشان نیز بی یکدیگر نمی‌توانستند زیست. بظاهر ایشان به صورتِ آدمیان بودند ولیکن باطنِ ایشان مُتَوَر بود به اَنوَارِ اِلَهِی تا آنکه بر خَلایق^۲ ظاهر شدند بدین هیکلِ ناسوتی تا آنکه خَلق را طاقَت دیدنِ ایشان باشد. پس این هَر دو^۳ جانشین پروردگارِ عالَمیان اند^۴ و پردهٔ خَالِقِ^۵ جمیعِ خَلایق اند^۶ که از ایشان خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - را می‌توان شناخت.^۷ پس به واسطهٔ ایشان^۸ آفرید خَلایق را و به واسطهٔ ایشان^۹ ختم کرد تقدیرهایِ خَلایق را. پس خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی - گرفت^{۱۰} از نورِ مُحَمَّد - صَلَوَاتُ اللهِ وَ سَلَامُهُ عَلَیْهِ - نورِ^{۱۱} حَضَرَتِ فَاطِمَةُ زهرا^{۱۲} را چنانکه نور^{۱۳} مُحَمَّد را^{۱۴} از نورِ جلالِ خود آفرید و پدید آورد^{۱۵} از نورِ فاطمه^{۱۶} و^{۱۷} علی، نورِ حَسَن و حُسَین^{۱۸} را چنانکه چراغها را از یکدیگر روشن می‌کنند^{۱۹} و ایشان آفریده شده‌اند از اَنوَار و منتقل شده‌اند^{۲۰} در صُلْبهایِ اَبَرار و رَحْمهایِ اَطهار از اَدَم تا به خاتم و^{۲۱} ایشان مخلوق نگشته‌اند از آبِ گندیدهٔ بی‌مقدار و نه از مِی بی‌اعتبار^{۲۲}، بلکه اَنوَار

-
- ۱- از / M ندارد.
 ۲- خَلایق / M خَلایق.
 ۳- هَر دو / M هَر دو.
 ۴- عالَمیان اند / M عالَمیانند.
 ۵- خَالِق / M خَالِق [!].
 ۶- خَلایق اند / M خَلایقند.
 ۷- شناخت / M شناخت [!].
 ۸- ایشان / در M نون زیر دارد.
 ۹- آفرید خَلایق را و به واسطهٔ ایشان / M ندارد.
 ۱۰- گرفت / در M تاء زیر دارد.
 ۱۱- نور / در M راء زیر دارد.
 ۱۲- فَاطِمَةُ زهرا / M فَاطِمَةُ زهراء.
 ۱۳- نور / در M راء زیر دارد.
 ۱۴- را / M ندارد.
 ۱۵- آورد / M آورد.
 ۱۶- فاطمه / M فَاطِمَةُ.
 ۱۷- و / در M زیر دارد.
 ۱۸- حُسَین / زیر سین در M اَطهار گردیده است.
 ۱۹- می‌کنند / M می‌کند.
 ۲۰- شده‌اند / M شده‌اند.
 ۲۱- و / M و از.
 ۲۲- بی‌اعتبار / در M راء زیر دارد.

بودند که منتقل می‌شدند در باکان و آساری^۱ بودند که ظاهر می‌گشتند در صفاتِ بیغمبران. باز داشته بود ایشان را خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - به جای خود در میانِ بندگان زیرا که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - رانمی‌توان دید و چگونگی را او آفریده است و مکان نیست او را زیرا که مکانها را او آفریده است.^۲ پس ایشانند ترجمان و بیان‌کننده و حسیِ اِلَهِی. ایشانند گویندگان از خدا. ایشانند رسانندگان و حسیِ اِلَهِی به بندگان^۳ خدا. پس دریشان^۴ ظاهر می‌گردد قدرتِ اِلَهِی و^۵ ازیشان^۶ دیده می‌گردد آیات و بیّناتِ خداوندی او و به ایشان^۷ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - خود را به خلق شناسانید^۸ و به متابعتِ ایشان اطاعت^۹ کرده می‌شود امرِ اِلَهِی را^{۱۰} و اگر ایشان نمی‌بودند خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - را کسی نمی‌شناخت^{۱۱} زیرا که جاری می‌گرداند امرِ خود را به هر نحو که می‌خواهد و چنین جاری گردانیده است که ایشان محلّ معرفتِ او باشند.

و فِي عَيُونِ أَخْبَارِ الرِّصَالِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ! أَنْتَ الظُّلُومُ بَعْدِي قَوْلُ لِمَنْ ظَلَمَكَ وَاعْتَدَى عَلَيْكَ وَطُوبَى لِمَنْ يَبْعَكَ وَتَمَّ يَنْخَبِرُ^{۱۲} عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ! أَنْتَ الْمُقَاتِلُ بَعْدِي قَوْلُ لِمَنْ خَالَفَكَ وَطُوبَى لِمَنْ قَاتَلَ مَعَكَ. يَا عَلِيُّ! أَنْتَ الَّذِي تَنْطِقُ^{۱۴} بِكَلَامِي وَتَتَكَلَّمُ بِلِسَانِي. قَوْلُ لِمَنْ رَدَّ عَلَيْكَ طُوبَى لِمَنْ قَبِلَ كَلَامَكَ.^{۱۵} يَا عَلِيُّ! أَنْتَ سَيِّدُ هَذِهِ الْأُمَّةِ^{۱۶} بَعْدِي وَأَنْتَ خَلِيفَتِي عَلَيْهَا وَمَنْ قَارَقَكَ فَقَدْ قَارَقَنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ كَانَ

۱- آساری / M ایراری.

۲- و مکان نیست... آفریده است / M ندارد.

۳- بندگان / در M دال زبر دارد.

۴- در M زبر دارد.

۵- ازیشان / M از ایشان.

۶- ازیشان / در M نون زیر دارد.

۷- شناسانید / در M «سا» از قلم افتاده است.

۸- را / چنین است در M و R.

۹- اطاعت / M اطاعت [!].

۱۰- امرِ اِلَهِی را / در M خاء زبر دارد!

۱۱- نمی‌شناخت / در M خاء زبر دارد!

۱۲- يَنْخَبِرُ / R يَنْخَبِرُ. M يَنْخَبِرُ.

۱۳- قَوْلُ / M قَوْلُ.

۱۴- تَنْطِقُ / چنین است در M. R تَنْطِقُ.

۱۵- قَبِلَ كَلَامَكَ / M كَلَامِكَ.

۱۶- الْأُمَّةِ / در M واپسین حرف پیش دارد.

مَعَكَ كَانَ مَعِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. يَا عَلِيُّ! أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ أَعَانَنِي عَلَى أَمْرِي وَجَاهَدَ مَعِيَ عَدُوِّي وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ صَلَّى مَعِيَ وَالنَّاسُ يَوْمَئِذٍ فِي غَفْلَةٍ الْجَهَالَةِ^۲ وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ تَشَقَّقَ عَنْهُ الْأَرْضُ^۳ مَعِيَ وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يُبْعَثُ مَعِيَ^۴ وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَجُوزُ الصِّرَاطَ وَإِنَّ رَبِّي - عَزَّ وَجَلَّ - أَقْسَمَ بِعِزَّتِهِ أَنْ لَا يَجُوزَ عَقَبَةُ الصِّرَاطِ^۵ إِلَّا مَنْ مَعَهُ بَرَاءَةٌ بِوَلَايَتِكَ^۶ وَوَلَايَةِ^۸ الْأَيْمَةِ مِنْ وَلَدِكَ وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَرُدُّ حَوْضِي تَسْقِي^۹ مِنْهُ أَوْلِيَاءَكَ وَتَرُدُّ عَنْهُ أَعْدَانَكَ وَأَنْتَ صَاحِبِي إِذَا قُمْتُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ تَشْفَعُ لِمُحِبِّينَا^{۱۰} فَتَشْفَعُ^{۱۱} وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ^{۱۲} وَبِيَدِكَ لَوَائِي لَوَاءُ^{۱۳} الْحَمْدِ وَهُوَ سَبْعُونَ شُقَّةً الشُّقَّةُ مِنْهُ أَوْسَعُ مِنَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَأَنْتَ صَاحِبُ شَجَرَةِ طُوبَى فِي الْجَنَّةِ أَصْلُهَا فِي دَارِكَ وَأَغْصَانُهَا فِي دُورِ شِيعَتِكَ وَ مُحِبِّكَ.^{۱۴}

و دیگر منقولست در کتاب عیون أخبار الرضا به إسناد آن حضرت از رسول خدا - صَلَّی الله عَلَیْهِ وَآلِهِ^{۱۵} - که آن حضرت فرمود که: یا علی! بر تو ظلم خواهند کرد بعد از من. پس

۱- اَمَّن... مَنْ / M ندارد.

۲- الْجَهَالَةُ / R الْجَهَالَةُ. ضبط نص موافق M است.

۳- الْأَرْضُ / در M ضاد زیر دارد. ۴- وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يُبْعَثُ مَعِيَ / M ندارد.

۵- عَقَبَةُ / در M واپسین حرف پیش دارد.

۶- الصِّرَاطُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۷- بِوَلَايَتِكَ / در M واو زیر دارد. ۸- وَلَايَةِ / M وَلَايَتِ.

۹- تَسْقِي / M تُسْقِي.

۱۰- لِمُحِبِّينَا / چنین است در R و M، ولی در R روی نقطه های یاء خط زده شده است.

۱۱- فَتَشْفَعُ / R فَتَشْفَعُ. M فَتَشْفَعُ [کذا]. ۱۲- الْجَنَّةُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۳- لَوَاءُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۴- نگر: عیون أخبار الرضا - علیه السلام -، ط. اعلی، ۱/ ۲۷۱ و ۲۷۲.

۱۵- صَلَّی الله علیه و آلِهِ / M. ص.

وای بر کسی که بر تو ستم کند و ظلم کند و^۱ از حد خود تجاوز کند در پیروی تو^۲ و خوشا حال کسی که پیروی تو کند و بر تو گردنکشی نکند. یا علی! تو بعد از من قتال خواهی کرد. وای بر کسی که برخلاف تو باشد و خوشا حال کسی که در خدمت تو باشد. یا علی! تو سخن خواهی گفت به سخنان من و^۳ متکلم خواهی شد به زبان من. پس وای بر کسی که بر تو رد کند و خوشا حال کسی که سخن تو را قبول کند. یا علی! تو سید و مهتر این امتی بعد از من و^۴ تو^۵ خلیفه منی برین امت و هر که از تو جدایی کند از من جدا خواهد بود در روز قیامت^۶ و هر که با تو باشد با من خواهد بود در روز قیامت. یا علی! تو اوّل کسی که ایمان به من آوردی^۸ و تصدیق من کردی و تو اوّل کسی که یاری کردی مرا بر امر تبلیغ رسالت و نبوت و با^۹ من با دشمنان من جهاد^{۱۰} کردی و^{۱۱} تو^{۱۲} اوّل کسی که نماز گزاردی^{۱۴} با من و^{۱۵} حال آنکه مردمان همه در آن وقت در غفلت جهالت و نادانی بودند و تو اوّل^{۱۶} کسی که زمین شکافته خواهد شد از او با من و تو اوّل^{۱۷} کسی که مبعوث خواهی شد^{۱۸} با من و تو اوّل کسی که بگذری از صراط و بدرستی که خدای - تبارک و تعالی - قسم یاد کرده است به عزّت خود که نگذرد بر عقربه

۱- و / در M زیر دارد. ۲- تو / در M نیامده است.

۳- و / در M زیر دارد. ۴- و / در M زیر دارد.

۵- تو / در M تاء زیر دارد. ۶- برین / M بر این.

۷- و هر که از تو جدایی ... قیامت / M ندارد.

۸- آوردی / M آوردی. ۹- و با / M و یا.

۱۰- جهاد / M جهاد. ۱۱- و / در M زیر دارد.

۱۲- تو / در M تاء زیر دارد. ۱۳- اوّل / M اوّل اوّل.

۱۴- نماز گزاردی / M و R نماز گزاردی. ۱۵- و / در M زیر دارد.

۱۶- اوّل / M + که. ۱۷- و تو اوّل / M ندارد.

۱۸- شد / در M شین زیر دارد.

صراط مگر کسی که با او باشد براتی^۱ از ولایتِ نو^۲ و ولایتِ^۳ امامان از فرزندانِ تو و تو
 اَوَّل کسی که وارد شوی در حوضِ من، حوضِ کوثر، و آبِ دهی^۴ از آن حوضِ
 دوستانِ خود را و دور کنی از آن دشمنانِ خود را و تو^۵ بامن خواهی بود چون بایستم در
 جایگاهِ محمودِ شفاعت و^۶ تو شفاعت خواهی کرد دوستانِ ما را و شفاعتِ تو را قبول
 خواهند^۷ کرد و^۸ تو اَوَّل کسی که داخلِ بهشت^۹ خواهی شد و^{۱۰} به دست تو خواهد بود
 عِلْم^{۱۱} من که آن لواءِ حمد است و آن هفتاد شقه است هر برخی از آن فراخ تر از آفتاب
 و^{۱۲} ماه و^{۱۳} تو صاحبِ درختِ طوبایی^{۱۴} در بهشت. بیخ او در خانه تو خواهد بود
 و شاخه های^{۱۵} او در خانه های^{۱۶} شیعیانِ تو و دوستانِ تو.

و اگرچه بعضی از کلماتِ بعضی احادیث در حدیثِ دیگر هست و^{۱۷} مناسب آنست
 که مذکور نگردد ولیکن^{۱۸} چون هر حدیثی مشتملست بر چیزهایی^{۱۹} که در حدیثِ دیگر

۱- براتی / چُنین است در M و R. ۲- تو / در M تاء زیر دارد.

۳- ولایت / در M حرفِ یکم زیر دارد. ۴- دهی / M دهی.

۵- تو / در M تاء زیر دارد. ۶- و / در M زیر دارد.

۷- خواهند / M خواهد. ۸- و / در M نیست.

۹- بهشت / در M شین زیر دارد. ۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- عِلْم / M عِلْم [!]. ۱۲- و / در M زیر دارد.

۱۳- و / در M زیر دارد. ۱۴- طوبایی / چُنین است در R. M طوبائی.

۱۵- شاخه های / M و R شاخهای.

آشنایان به هنجارهای رسم الخطی پیشینیان می‌دانند که «شاخها» را هم می‌توان «شاخ‌ها» خواند و هم «شاخه‌ها».

۱۶- خانه های / M و R خانهای.

«خانها» را بر بنیادِ هنجارهای رسم الخطی پیشینیان هم می‌توان «خان‌ها» خواند و هم «خانه‌ها».

۱۷- و / در M زیر دارد.

۱۸- ولیکن / در M حرفِ یکم زیر دارد. ۱۹- چیزهایی / M چیزهائی.

نیت، ازین^۱ جهت^۲ مذکور می‌گردد و تکریر نیز از جهت تأکید نیکوست و^۳ مقوی اعتقادست^۴ و^۵ سبب متواتر شدن آن مضمون است.

وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ^۶ أَنَّهُ قَالَ^۷ سَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - أَنَّهُ لَيْلَةٌ^۸ أُسْرِيَ بِكَ بِأَيِّ لُغَةٍ خَاطَبَكَ رَبُّكَ؟ فَقَالَ: خَاطَبْتَنِي بِلُغَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَالْهَمَنِي^۹ أَنْ قُلْتُ: يَا رَبِّ! خَاطَبْتَنِي أَمْ عَلِيٌّ؟ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! أَنَا شَيْءٌ لَيْسَ كَالْأَشْيَاءِ وَلَا أَقْسُ وَلَا أَوْصَفُ بِالْأَشْيَاءِ وَخَلَقْتُكَ مِنْ نُورِي وَخَلَقْتُ عَلِيًّا مِنْ نُورِكَ فَاطْلَعْتُ^{۱۰} عَلَى سَرَآئِرِ قَلْبِكَ فَلَمْ أَجِدْ إِلَى قَلْبِكَ أَحَبَّ مِنْ عَلِيٍّ^{۱۱} بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَخَاطَبْتُكَ بِلسَانِهِ لِيُطْمَئِنَّ قَلْبُكَ^{۱۲}.

و دیگر روایتست از عبدالله بن عمر بن خطاب که او گفت که: پرسیدند از رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - که آن شبی که تو را به آسمان بردند خدای - تبارک و تعالی - به چه زبان با تو خطاب کرد؟ پس حضرت فرمود که: خطاب کرد با من به زبان علی بن ابی طالب. پس الهام کرد مرا که پرسیدم که: خداوند! تو مرا خطاب کردی یا علی؟! پس خطاب رسید که: یا مُحَمَّد! من چیزی ام نه^{۱۵} مانند چیزها و مراقیاس^{۱۶} نمی‌توان کرد به خلاق و وصف نمی‌توان کرد به ماندها. آفریدم تو را از نور خود و آفریدم علی را از

۱- ازین / M از این.

۲- جهت / M ندارد.

۳- و / در M زیر دارد.

۴- ست / M است.

۵- و / در M زیر دارد.

۶- بن الخطاب / R ندارد. از M ضبط شد.

۷- قال / R ندارد. از M ضبط شد.

۸- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۹- لَيْلَةٌ / M لَيْلَةٌ.

۱۰- أَنْ / M أَنْ.

۱۱- فَاظْلَعْتُ / M وَاظْلَعْتُ.

۱۲- بِنِ / M ابْنِ.

۱۳- نگر: الطراهب ابن طاووس، ط. رجائی، ص ۱۵۵؛ و: المحتضر حلی، ص ۱۷۱ و ۱۷۲؛

و: الصراط المستقیم بیاضی، ۱/ ۲۰۷؛ و: الجواهر الشَّیْخِی شیخ حر، ص ۲۹۵؛ و....

۱۴- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۱۵- نه / M + مَنْ [!].

۱۶- قیاس / در M سین زیر دارد.

نور تو. پس مطلع شدَم بر پنهانِ دلِ تو؛ پس نیافتم به نزدِ دلِ^۱ تو کسی را دوستر از علی بن ابی طالب. پس با تو خطاب کردم به زبانِ علی بن ابی طالب تا دلِ تو قرار گیرد.

وَعَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۲ - أَنَّهُ قَالَ: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنتَهَى وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَي رَبِّي - عَزَّ وَجَلَّ^۳ - قُلْتُ: كُنْتُكَ وَسَعْدُكَ! قَالَ: بَلَوْتُ - يَا مُحَمَّدًا! - خَلْقِي فَأَيُّهُمْ^۴ رَأَيْتُ^۵ أَطُوعَ لَكَ؟ قَالَ: قُلْتُ: رَبِّي أَعْلِيًّا! قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدًا! فَهَلِ اتَّخَذْتَ لِنَفْسِكَ خَلِيفَةً يُؤَدِّي عَنْكَ وَيُعَلِّمُ عِبَادِي مِنْ كِتَابِي مَا لَا يَعْلَمُونَ. قَالَ: قُلْتُ: اخْتَرْتُ لِي فَإِنْ خَيْرَ تِلْكَ خَيْرَتِي^۶. قَالَ: قَدْ اخْتَرْتُ لَكَ عَلِيًّا، فَأَتَّخِذْهُ^۷ لِنَفْسِكَ خَلِيفَةً وَوَصِيًّا، وَنَحْلُتُهُ عَلَيَّ وَجِلْمِي وَهُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا، لَمْ يَنْلَهَا أَحَدٌ قَبْلَهُ وَلَيْسَتْ لِأَحَدٍ بَعْدَهُ. يَا مُحَمَّدًا! عَلِيٌّ رَأْيَةُ الْهُدَى وَإِمَامٌ مَنْ أَطَاعَنِي وَهِيَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَلَزَمْتُهَا الْمُتَّقِينَ. مَنْ أَحَبَّهُ^۸ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَبْغَضَهُ فَقَدْ أَبْغَضَنِي: فَبَشِّرْهُ بِذَلِكَ يَا مُحَمَّدًا! فَقَالَ النَّبِيُّ (ص)^۹: قُلْتُ: قَدْ بَشَّرْتُهُ^{۱۰}. فَقَالَ: أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَفِي قَبْضَتِهِ إِنْ يَعَاقِبَنِي فَيَذْبُونِي لَمْ يَطْلُبْنِي شَيْئًا وَإِنْ يُتِمِّمَ لِي وَعْدَهُ^{۱۱} فَإِنَّهُ مَوْلَايَ. قَالَ: قُلْتُ: اللَّهُمَّ! اجْعَلْ^{۱۲} قَلْبَهُ وَاجْعَلْ رِبْعَةَ الْإِيمَانِ

۱- دل / در M دال زیر دارد! ۲- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۳- عَزَّ / M عَزَّ عَزَّ. ۴- قُلْتُ / M قُلْتُ.

۵- فَأَيُّهُمْ / در M یاء مُشَدَّد پیش دارد. ۶- رَأَيْتُ / M أَرَأَيْتُ.

۷- قُلْتُ / M قُلْتُ. ۸- خَيْرَتِي / M خَيْرَتِي.

۹- فَأَتَّخِذْهُ / در M ذال زیر دارد. ۱۰- أَحَبَّهُ / M أَحَبَّهَا.

۱۱- ص / M ندارد.

۱۲- قُلْتُ / در M تاء زیر دارد. M + رَبِّي (لیک این افزونه - شاید: بَعْدُ - قَدَری مخدوش

گردیده است). ۱۳- بَشَّرْتُهُ / در M تاء زیر دارد.

۱۴- وَعْدَهُ / R وَعْدِي. ضبط نص موافق M است.

۱۵- اجْعَلْ / M تَوَزَّ.

بِهِ. قَالَ: قَدْ فَعَلْتُ^۱ ذَلِكَ يَا مُحَمَّدُ! غَيْرَ أَنِّي^۲ مُخَصَّصُهُ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَلَاءِ لَمْ أَخْصْ^۳ بِهِ أَحَدًا مِنْ أَوْلِيَائِي. قَالَ: قُلْتُ: رَبِّي! أَخِي وَصَاحِبِي! قَالَ: قَدْ سَبَقَ فِي عِلْمِي أَنَّهُ مُبْتَلَى بِهِ. وَنَوْلَا عَلَيَّ لَمْ يُعْرِفْ حِزْبِي وَلَا أَوْلِيَائِي^۴ وَلَا أَوْلِيَائَهُ رُسُلِي^۵.

و دیگر روایتست از رسول خدا - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ^۶ - که آن حضرت فرمود که: چون شبِ معراج مرا به آسمان بُردند، پس از آسمان^۸ به سِدْرَةُ الْمُتَهِّی^۹، ایستادم به جایی^{۱۰} که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - با من خطاب کرد، پس فرمود که: یا مُحَمَّدُ! گفتیم: لَبَّيْكَ وَسَعَدَ لَكَ! فرمود که: آزمودی خلقِ مرا کدام یک از ایشان را یافتی که اطاعتِ تو بیشتر کردند؟ حضرت فرمود که: من گفتم که: خداوندا! من علی را مطیع تر یافتم از دیگران. خطاب رسید که: راست گفתי، یا مُحَمَّدُ! آیا از برایِ خود خلیفه و جانشینی قرار دادی که آدایِ رسالتِ کُند به نیابتِ تو و تعلیمِ کُند بندگانِ مرا از کتابِ من آنچه ندانند؟ حضرت فرمود که: گفتیم: خداوندا! تو اختیارِ کُن^{۱۱} از برایِ من که اختیارِ تو اختیارِ منست. خطاب رسید که: من اختیارِ کردم از برایِ تو علی را. پس تو^{۱۲} او را جانشینِ خود و وصیِ خود گردان و من عطا کردم او را عِلْمِ خودم و حِلْمِ خودم و او امیر و^{۱۳} پادشاه

۱- فَعَلْتُ / در M تاء زیر دارد. ۲- أَنِّي / M ای.

۳- أَخْصْ / M و R اخَصَّ. ۴- قَالَ: قُلْتُ... أَوْلِيَائِي / M ندارد.

۵- نگر: اُمالی ی طوسی، ط. البعثة، ص ۳۵۴.

۶- و / در M نیامده است. ۷- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M ص.

۸- آسمان / M آسمانی.

۹- سِدْرَةُ الْمُتَهِّی / R + و. این افزونه در M نیست.

۱۰- جایی / چنین است در R. M جانی. ۱۱- کُن / M کن.

۱۲- تو / در M تاء زیر دارد. ۱۳- و / در M زیر دارد.

مؤمنانست حَقًّا و نرسیده است^۱ به این مقامات و حالات - یا: به این نام - کسی پیش از او و نیست کسی را بعد از او. یا مُحَمَّد! عَلٰی عِلْمٍ^۲ هدایت و پیشوای مطیعانِ مَنَسْت^۳ و این کلمه کلمه‌ایست که واجب گردانیده‌ام بر متقیان که هر که او را دوست دارد، مرا دوست داشته است، و هر که او را دشمن دارد، مرا دشمن داشته است؛ پس بشازتِ ده او را به این سخن: یا مُحَمَّد! پس رسولِ خدا - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ^۴ - فرمود که: مَن گفتم که: پروردگارا! من بشازتِ دادم او را؛ پس او گفت که: مَن بندهٔ خدایم و در قبضهٔ قدرتِ اویم^۵، اگر عِقَابِ کُند مرا پس به واسطهٔ گناهانِ مَنَسْت و^۶ بَر مَن هیچ ستم^۷ نکرده است و اگر تمام^۸ کُند از برای من آنچه وعده^۹ داده است پس او خداوندِ منست و او این اِحسانها بسیار کرده^{۱۰} است و می‌کُند. حضرت^{۱۱} پیغمبر - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ^{۱۲} - فرمود که: بعد از آن مَن گفتم: خداوند! روشن گردانِ دلِ او را و بهارِ ایمان را در دلِ او دَرآور^{۱۳}. خطاب رسید^{۱۴} که: گردم به او آنچه طلبیدی ولیکن او را مخصوصِ خواهم گرد به بِلانی که هیچ یک^{۱۵} از دوستانِ خود را به آن^{۱۶} مخصوص^{۱۷} نگردانیدم. حضرت فرمود که: گفتم: خداوند! برادرِ من و^{۱۸} صاحبِ منست؛ اگر تو مصلحت دانی این بِلَا را ازو^{۱۹}

- ۱- نرسیده است / M نرسیده است.
 ۲- عَلِمَ / M علم.
 ۳- مَنَسْت / M من است.
 ۴- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M ص.
 ۵- اویم / M + و.
 ۶- و / در M زیر دارد.
 ۷- ستم / M ستم.
 ۸- تمام / M تمام.
 ۹- وَعَدَهُ / M وعده.
 ۱۰- کرده / در M دال زیر دارد.
 ۱۱- حضرت / M ندارد.
 ۱۲- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M ص.
 ۱۳- دَرآور / زیر دال و واو در M اظهار گردیده است.
 ۱۴- خطاب رسید / M خطاب رسید [کذا].
 ۱۵- هیچ یک / زیر یاء در M اظهار گردیده است.
 ۱۶- به آن / M باو.
 ۱۷- مخصوص / M ندارد.
 ۱۸- و / در M زیر دارد.
 ۱۹- ازو / M ازان.

بگردان! خطاب^۱ رسید که: دَرِ عِلْمِ^۲ من گذشته است و^۳ مَن چنین مصلحت می‌دانم که او را مبتلا گردانم تا بد و نیک از یکدیگر جدا شوند، مؤمن^۴ مُخْلِص از منافقِ شَقِی ممتاز گردد و^۵ اگر علی نمی‌بود دانسته نمی‌شد لَشْکَرِ مَن و نه دوستانِ مَن و نه دوستانِ پیغمبرانِ مَن - زیرا که مؤمنان و منافقان با هم ممزوج بودند در زمانِ رسولِ خدا - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ^۶؛ و آن حَضَرَتِ این مبالغات و تأکیدات نمود در وجوبِ متابعتِ حَضَرَتِ اَمیرِالمؤمنین (ع)^۷، بلکه می‌توان گفت که اَکْثَرِ اوقاتِ رسولِ خدا (ص) صفاتِ کمالِ آن حَضَرَتِ را به خلق می‌رسانید از جانبِ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - و^۸ منافقانی که بظاهر مسلمان شده بودند تا خونِ ایشان محفوظ ماند در ظاهر قبول می‌کردند تا زمانی که آن حَضَرَتِ به مرضِ موت^۹ رسید شروع کردند در اِظْهَارِ کُفْرِ^{۱۰} و نفاقِ خود و حَقًّا^{۱۱} ثُمَّ حَقًّا که غیر از آن حَضَرَتِ به این بلا مبتلا^{۱۲} نشد زیرا که در هیچ زمانی چنین نشد که چنین ذاتِ مقدّسی که موصوف به جمیع صفاتِ کمالِ اِلهی باشد^{۱۳}، غصب کنند مرتبه او را جمعی که مدّتِ عمر^{۱۴} خود را به بُت‌پرستی سرآورده^{۱۵} باشند و مردمان^{۱۶} پیروی

۱- خطاب / در M خاء زیر دارد.

۲- عِلْم / در M حرفِ یکم هم زیر دارد و هم زیر.

۳- و / در M زیر دارد. ۴- مؤمن / M مومن.

۵- و / در M زیر دارد. ۶- و نه دوستان / M ندارد.

۷- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَص. ۸- (ع) / R ندارد ولی در M آمده است.

۹- و / در M زیر دارد. ۱۰- موت / در M واو زیر دارد.

۱۱- حَقًّا / M و. ۱۲- حَقًّا / M و.

۱۳- مبتلا / M مبتلاً.

۱۴- باشد / M و R + و. البته در R ظاهرًا «و» را سیاه کرده‌اند.

۱۵- عمر / در M راء زیر دارد. ۱۶- سرآورده / M سرازورده.

۱۷- مردمان / در M نون زیر دارد.

ایشان کنند و آن حضرت اینها را بیند و^۱ صبر کند: ﴿وَسَيَعْلَمُ^۲ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾^۳

و^۴ دیگر اخطب^۵ خطبای خوارزم در منافع خود و أحمد بن حنبل در مسند خود از حضرت امیرالمؤمنین روایت^۶ کرده اند که: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۸ - أَخَى بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ! أَنْتَ أَخِي وَأَنْتَ مِثِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى غَيْرَ أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي. أَمَّا^{۱۰} عَلِمْتُ - يَا عَلِيُّ! - أَنَا^{۱۱} أَوَّلُ^{۱۲} مَنْ يُدْعَى^{۱۳} يَبِي. قَالَ: فَأَقُومُ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ فِي ظِلِّهِ فَأَكْسِي^{۱۴} حُلَّةَ خَضْرَاءَ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ ثُمَّ يُدْعَى^{۱۵} بِالنَّبِيِّينَ بَعْضُهُمْ^{۱۵} عَلَى أَثَرِ بَعْضٍ فَيَقُومُونَ سِمَاطِينَ^{۱۶} عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ وَ يُكْسُونَ^{۱۷} حُلَلًا خَضْرَاءَ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ. أَلَا! وَإِنِّي أَخْبَرُكَ - يَا عَلِيُّ! - أَنَّ أُمِّي أَوَّلُ الْأُمَمِ يُحَاسَبُونَ بِهَا^{۱۹} يَوْمَ الْقِيَامَةِ. ثُمَّ أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يُدْعَى بِكَ لِقَرَابَتِكَ مِنِّي وَ مَنْزِلَتِكَ عِنْدِي وَ يُدْفَعُ إِلَيْكَ لِقَائِي وَ هُوَ لِقَاءُ الْحَمْدِ فَتَسِيرُ بَيْنَ

۱- و / در M زیر دارد. ۲- سَيَعْلَمُ / در M «م» زیر دارد.

۳- قرآن کریم: س ۲۶، ی ۲۲۷. ۴- و / در M زیر دارد.

۵- اخطب / M خطبه [كذا]. ۶- بن / M ابن.

۷- روایت / در M راه زیر دارد. ۸- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۹- غَيْرَ أَنَّهُ / در M مکرر نوشته شده است.

۱۰- أَمَّا / M أمّا. ۱۱- أَنَا / R أَنّ. ضبط نص بنابر M است.

۱۲- أَوَّلُ / R أَوَّل. ضبط نص موافق M است.

۱۳- يُدْعَى / R يُدْعَى. ضبط نص موافق M است.

۱۴- فَأَكْسِي / M فَأَكْسِي. ۱۵- بَعْضُهُمْ / M بَعْضُهُمْ.

۱۶- سِمَاطِينَ / R سِمَاطِينَ. M سِمَاطِينَ.

۱۷- يُكْسُونَ / در R گویا نخست «یکسون» نوشته شده و سپس اصلاح کرده اند. M يَلْبَسُونَ.

۱۸- حُلَلِ / M حُلَلِ. ۱۹- بِهَا / M بِهَا.

السَّاطِطِينَ^۱ أَدَمَ وَ جَمِيعُ الْخَلْقِ يَسْتَظِلُّونَ^۲ بِظِلِّ لَوَانِي يَوْمَ^۳ الْقِيَامَةِ وَ طُولُهُ مَسِيرَةُ^۴ أَلْفِ سَنَةٍ سَنَامُهُ يَأْفُوهُ حَمْرَاءُ^۵ وَ قَضِيْبُهُ^۶ فِضَّةٌ بَيْضَاءُ^۷ وَ جَسَدُهُ دُرَّةٌ خَضْرَاءُ^۸ وَ لَهُ ثَلَاثُ^۹ ذَوَائِبَ^{۱۰} مِنْ نُورٍ^{۱۱} ذَوَابَةُ^{۱۲} فِي الْمَشْرِقِ وَ ذَوَابَةُ^{۱۳} فِي الْمَغْرِبِ وَ الثَّالِثَةُ^{۱۴} وَ سَطُ^{۱۵} الدُّنْيَا مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ ثَلَاثَةُ أَسْطُرٍ: الْأَوَّلُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ وَ الثَّانِي: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ وَ الثَّالِثُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ؛ طُولُ كُلِّ سَطْرِ مَسِيرَةُ^{۱۵} أَلْفِ سَنَةٍ قَالَ: نَسِيرُ بِلَوَانِي وَ الْحَسَنُ عَنْ يَمِينِكَ وَ الْحُسَيْنُ عَنْ يَسَارِكَ حَتَّى تَقِفَ بَيْنِي وَ بَيْنَ إِبْرَاهِيمَ ثُمَّ تُكْسَى^{۱۶} حُلَّةً خَضْرَاءَ مِنَ الْجَنَّةِ. ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ: نِعْمَ الْأَبُ^{۱۷} أَبُوكَ إِبْرَاهِيمَ وَ نِعْمَ الْأَخُ أَخُوكَ عَلِيُّ^{۱۸}. أَتُبَشِّرُ يَا عَلِيُّ! إِنَّكَ تُكْسَى إِذَا كُسِيتُ وَ تُدْعَى إِذَا دُعِيتُ وَ تُحْيَى إِذَا حَيِّتُ.^{۱۹}

۱- السَّاطِطِينَ / R السَّاطِطِينَ. M السَّاطِطِينَ.

۲- يَسْتَظِلُّونَ / M تَظِلُّونَ. ۳- يَوْمَ / M فِي يَوْمٍ.

۴- مَسِيرَةُ / M مَسِيرَةٌ.

۵- حَمْرَاءُ / در M همزه پایانی تنوین رفع دارد.

۶- قَضِيْبُهُ / M قَضِيْبَتُهُ.

۷- بَيْضَاءُ / در M همزه پایانی تنوین رفع دارد.

۸- خَضْرَاءُ / در M همزه پایانی تنوین رفع دارد.

۹- ثَلَاثُ / M ثَلَاثُ. ۱۰- ذَوَائِبَ / R ذَوَائِبِ. ذَوَائِبُ.

۱۱- نُورٍ / در M راء زیر دارد. ۱۲- ذَوَابَةُ / M و R ذَوَابَةُ.

۱۳- ذَوَابَةُ / M و R ذَوَابَةُ.

۱۴- وَ سَطُ / R وَ سَطُ. ضَبْطُ نَصِّ مُوَافِقٍ M است.

۱۵- مَسِيرَةُ / M مَسِيرَةٌ. ۱۶- تُكْسَى / M تُكْسَى.

۱۷- الْأَبُ / در M وایسن حرف هم زیر دارد و هم پیش.

۱۸- عَلِيُّ / M و R عَلِيُّ.

۱۹- نگر: مناقب خوارزمی، ط. محمودی، ص ۱۴۰؛ و: أمالی ی صدوق، ط. البعثة، س ۴۰۳؛

آن حضرت فرمود که: بدرستی که رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۱ - برادری انداخت^۲ میان مسلمانان؛ پس فرمود که: یا علی! تو برادر منی و تو از من به منزله هارونی از موسی غیر از آنکه بعد از من پیغمبری نیست. آیا نمی دانی - یا علی! - که^۳ اَوَّلُ کسی را که روز قیامت می خوانند من خواهم بود؛ پس می ایستم از دست راست عرش در سایه عرش؛ پس می پوشانند مرا حله^۴ سبزی از حله های بهشت؛ پس بعد^۵ از آن خواهند خواند پیغمبران را بعضی از عَقَب^۶ بعضی؛ پس می ایستند^۷ ایشان دو^۸ صَف از دست راست عرش و می پوشانند ایشان را حله های سبز از حله های بهشت. بدرستی که تو را خبر دهم - یا علی! - که فردای روز قیامت از میان اُمّتِ اَوَّل اُمّت مرا حساب خواهند کرد.^۹ پس بدان که تو اَوَّل کسی خواهی بود که خواهند او را بعد از من از جهت خویشی تو به من و بزرگی قدر تو نزد من و به دست تو خواهند داد لواء مرا^{۱۰} و آن لواء^{۱۱} حمد است و^{۱۲} میانه صفهای پیغمبران در خواهی آمد و^{۱۳} آدم و جمیع خلایق در سایه لواء من باشند در روز قیامت. و درازی آن عِلْم^{۱۴} هزار ساله^{۱۵} راه باشد میان او از یاقوتِ سُرخ و سِر او از نقره سفید و زیر او از مروارید سبز و او را سه شاخه باشد از نور: یکی از آنها

→ وَالدَّرَ النَّظِيم، ص ۳۰۶؛ وَ: كُشِفَ الْغَمَّة، ط. دارالاضواء، ۱/ ۳۴۶.

۱- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ۲- انداخت / در M تاء ربر دارد.

۳- که / M + تو. ۴- حَلَّة / M حِلّه.

۵- بعد / در M دال زیر دارد. ۶- عَقَب / M عَقَب. R هیچ حَرَکتی ندارد.

۷- می ایستند / M میایستند. ۸- دو / M در.

۹- کرد / M کردند. ۱۰- لواء مرا / M لوائی مردان.

۱۱- لواء / M لوائی. ۱۲- و / در M زیر دارد.

۱۳- و / در M زیر دارد. ۱۴- عِلْم / M عِلْم.

۱۵- هزار ساله / R هزار سال. البته در R در «ل» قدری خدشه هست؛ شاید خواسته باشند «سال» را به «ساله» بَدَل کنند. در M موافق ضبط متن است با اظهار زیر لام.

در^۱ مشرق باشد و^۲ یکی از آنها در مغرب و^۳ یکی از آنها در میان دنیا. نوشته باشد بر او
 بِسْمِ سَطَرٍ: سَطَرٍ أَوَّلٍ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ و سَطَرٍ دَوِیمِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛
 و^۴ سَطَرٍ سِیمِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ. درازی هر سَطَری هزارساله^۷ راه باشد.
 حضرت فرمود که: تو^۸ خواهی داشت عِلْمِ مرا و می‌روی و امام حَسَن از دَسْتِ راست
 تو^۹ خواهد بود^{۱۰} و^{۱۱} امام حُسَین^{۱۲} از دَسْتِ چپ تو تا آنکه بیایی و میان من و حضرت
 اِبراهیم^{۱۳} خلیل بایستی. پس دیگر حَلَه^{۱۴} سبزی از حله‌های بهشت در تو پوشانند. پس
 مُنادی از زیرِ عرش ندا کند که: نیکو پدریست اِبراهیم خلیل تو را و نیکو برادر یست
 علی تو را! بشارت باد تو را - یا علی! - که چون مرا حله خواهند پوشانید^{۱۵} تو را
 خواهند پوشانید و چون مرا خواهند خواند^{۱۶} به صحرائِ مَحْشَر تو را با من خواهند
 خواند^{۱۷} و چون مرا زنده خواهند کرد تو را نیز با من زنده خواهند کرد.

وَفِي مَنَاقِبِ الْخَطِيبِ عَنْ بِلَالٍ^{۱۸} بْنِ حَمَّامَةَ^{۱۹} أَنَّهُ قَالَ: طَلَعَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) ذَاتَ

۱- در / M درها. ۲- و / در M زیر دارد.

۳- و / در M زیر دارد. ۴- و / در M زیر دارد.

۵- سِیم / تشدید یاء در M اظهار گردیده است.

۶- رَسُولُ / در M لام زیر دارد. ۷- هزارساله / در M لام زیر دارد.

۸- تو / در M تاء زیر دارد. ۹- تو / در M تاء زیر دارد.

۱۰- بود / M ندارد. ۱۱- و / در M زیر دارد.

۱۲- حُسَین / در M زیر سین اظهار گردیده است.

۱۳- اِبراهیم / M ندارد. ۱۴- حَلَه / M حله.

۱۵- پوشانید / در M دو حرف ماقبل آخر هم دو نقطه منفصل بر فراز دارند - با یک زیر - و هم دو نقطه متصل بر فُرود. پس هم «پوشانند» می‌توان خواند و هم «پوشانید».

۱۶- خواند / در M دال زیر دارد. ۱۷- خواند / در M دال زیر دارد.

۱۸- بِلَالٍ / M و R بِلَالٍ.

۱۹- حَمَّامَةَ / چُنین است در M. R حَمَّاقَةَ [کذا].

يَوْمٍ وَوَجْهُهُ^۱ مُشْرِقٌ كَذَائِرَةٌ^۲ الْقَمَرِ، فَقَامَ إِلَيْهِ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ^۳، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ^۴ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ^۵! مَا هَذَا النُّورُ؟! قَالَ: بَشَارَةٌ^۶ أَنْتَنِي^۷ مِنْ رَبِّي فِي ابْنِ عَمِّي وَابْنَتِي وَإِنَّ^۸ اللَّهَ زَوْجٌ عَلَيَّ مِنْ فَاطِمَةَ وَأَمْرٌ رِضْوَانِ خَارِجِ الْجَنَانِ^۹ فَهَرَّ^{۱۰} شَجَرَةَ^{۱۱} طُوبَى فَحَمَلْتُ رِقَابًا يُعْنِي^{۱۲} صِكَكَ^{۱۳} بِعَدَدِ مُحِبِّي^{۱۴} أَهْلِ بَيْتِي وَأَنْشَأُ مِنْ تَحْتِهَا مَلَائِكَةً وَدَفَعْتُ^{۱۵} إِلَى كُلِّ مَلَكٍ صَكًّا فَإِذَا اسْتَوَتْ الْقِيَامَةُ^{۱۶} بِأَهْلِهَا نَادَتْ الْمَلَائِكَةُ^{۱۷} فِي الْخَلَائِقِ^{۱۸} فَلَا يَتَقَى مُحِبٌّ لِأَهْلِ الْبَيْتِ إِلَّا دَفَعْتُ^{۱۹} إِلَيْهِ صَكًّا فِيهِ فَكَأُكُ مِنْ النَّارِ. فَأَخِي وَابْنُ عَمِّي وَابْنَتِي^{۲۰} فَكَأُكُ رِقَابِ رِجَالٍ وَنِسَاءٍ^{۲۱} مِنْ أُمَّتِي مِنَ النَّارِ.^{۲۲}

و دیگر^{۲۳} أَخْطَبَ خُطْبَايَ^{۲۴} خوارزم روایت کرده است^{۲۵} از بلال^{۲۶} بن حمامه^{۲۷} که

- ۱- وَجْهُهُ / M وجهه.
 ۲- كَذَائِرَةٌ / R كَذَائِرَةٌ. M كَذَائِرَةٌ.
 ۳- عَوْفٍ / M بن.
 ۴- عَوْفٍ / M عوف.
 ۵- يَا / M ندارد.
 ۶- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ / M واپسین حرف پیش دارد.
 ۷- بَشَارَةٌ / R بَشَارَةٌ. M بَشَارَةٌ.
 ۸- أَنْتَنِي / M ابنتی.
 ۹- الْجَنَانِ / M جیم زیر دارد.
 ۱۰- فَهَرَّ / M فَهَرَّ.
 ۱۱- شَجَرَةَ / M شَجَرَةٌ.
 ۱۲- يُعْنِي / R یعنی. M یعنی.
 ۱۳- صِكَكَ / R صاد زیر دارد. متن ما موافق M است.
 ۱۴- مُحِبِّي / M محبتی.
 ۱۵- الْقِيَامَةُ / M واپسین حرف زیر دارد.
 ۱۶- الْمَلَائِكَةُ / M واپسین حرف زیر دارد.
 ۱۷- الْخَلَائِقِ / M الخلائق.
 ۱۸- دَفَعْتُ / M دَفَعْتُ.
 ۱۹- فَكَأُكُ... ابنتی / M ندارد.
 ۲۰- نِسَاءٍ / M نساء.
 ۲۱- نِسَاءٍ / M نساء.
 ۲۲- نِسَاءٍ / M نساء.
 ۲۳- نگر: مناقب خوارزمی، ط. محمودی، ص ۳۴۱.
 ۲۴- و دیگر / در M بیاض است.
 ۲۵- أَخْطَبَ خُطْبَايَ / M خطبه خطباء.
 ۲۶- بلال / در M باء زیر دارد.
 ۲۷- حمامه / M حمام.

روزی رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۱ - از درِ ما دَرآمد و رویِ او^۲ تابان بود مثلِ ماهِ شبِ چهارده. پس عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ برخاست^۳ و گفت: یا رسول‌الله! این چه نور است

که ما مشاهده می‌نمائیم؟ حَضَرَت فرمود: بشارتی به من آمد از جانبِ پروردگارِ عالمیان در شانِ پسرِ عَمِّ عَلِی و دخترِ فاطمه^۴ و بدرستی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - تزویج کرد فاطمه را به عَلِی و امر کرد خدای - عَزَّ وَجَلَّ - رضوان را که خازنِ بهشت^۵ است و حرکت داد^۶ درختِ طوبی را. پس او باربر داشت کاغذها به عَدَدِ دوستانِ اَهْلِ بَيْتِ^۸ من و آفرید در زیرِ او^۹ فرشتگان^{۱۰} و به هر فرشته کاغذی دادند. پس چون روزِ قیامت شود و^{۱۱} اَهْلِ مَحْشَر همه حاضر گردند، ندا کنند این فرشتگان در میانِ خلایق. پس نمایند دوستارِ اَهْلِ بَيْتِ^{۱۲} مگر آنکه به او دهند کاغذِ آزادی^{۱۳} از آتشِ جَهَنَّم. پس برادر و پسرِ عَمِّ من و دخترِ من سببِ آزادیِ مردان و زنانِ اُمَمِ من شوند از آتشِ جَهَنَّم^{۱۴}، آنهایی^{۱۵} را که^{۱۶} دوستارِ^{۱۷} ایشان باشند.

۱- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / ص.

۲- او / M ان.

۳- برخاست / M و R برخاست.

۴- رسول‌الله / M + ص.

۵- فاطمه / M فاطمة.

۶- است / M است.

۷- و حرکت داد / M که حرکت دهد.

۸- بیت / در M زیرِ باءِ اظهار گردیده است. (الْبَيْتُ بِالْخُتْمِ مَسَامُحَةٌ فِي وَضْعِ أَنْ فِي مَحَلِّ).

۹- او / M ان.

۱۰- فرشتگان / در M نون زیر دارد.

۱۱- و / در M زیر دارد.

۱۲- بیتی / در M زیرِ باءِ اظهار گردیده است (الْبَيْتَةُ بِمَسَامُحَةٍ فِي وَضْعِ أَنْ فِي مَحَلِّ).

۱۳- آزادی / M ازاری.

۱۴- پس برادر... جَهَنَّم / M ندارد.

۱۵- آنهایی / چنین است در M. R. انهایی.

۱۶- که / M + دوستانِ اَهْلِ بَيْتِ مگر آنکه باو دهند کاغذِ آزادی از آتشِ جَهَنَّم انهایی را که.

۱۷- دوستار / M دوستان.

وَعَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ١-: أَيُّهَا النَّاسُ ٢! هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ٣ وَأَنْتُمْ تَزْعُمُونَ ٤ أَنِّي ٥ رَزَجْتُ ٧ ابْنَتِي فَاطِمَةَ ٨ وَلَقَدْ خَطَبَهَا ٩ إِلَيَّ ١٠ أَشْرَافُ ١١ قُرَيْشٍ فَلَمْ أُحِبَّ كُلَّ ١٢ ذَلِكَ أَتَوَقَّعُ الْخَبَرَ ١٣ مِنَ السَّمَاءِ حَتَّى جَاءَنِي جَبْرِئِيلُ - عَلَيْهِ السَّلَامُ ١٤ - لَيْلَةَ رَابِعٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ١٥، قَالَ: الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ ١٦ وَكَدَّ جَمَعَ الرُّوحَانِيِّينَ ١٧ فِي وَادٍ يُقَالُ لَهُ: الْأَقْسَحُ تَحْتَ شَجَرَةٍ طُوبَى وَرَوْجٍ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا وَأَمَرَنِي فَكُنْتُ الْخَاطِبَ وَاللَّهُ تَعَالَى الْوَلِيُّ وَأَمَرَ شَجَرَةَ ١٨ طُوبَى فَحَمَلَتِ الْحُلِيَّ ١٩ وَالْحُلَلَ وَالْدُرَّ وَالْيَاقُوتَ ثُمَّ تَنَزَّهَتْ وَأَمَرَ الْحُورَ ٢٠ الْعَيْنِ ٢١ فَاجْتَمَعْنَ فَلَقَطْنَ فَهْنٌ ٢٢ بَتَّهَا دَبْنُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَيَقُلْنَ: هَذَا نِسَارُ ٢٣ فَاطِمَةَ ٢٤. ٢٥

و ٢٦ دیگر منقولست از جابر بن سمرة ٢٧ که او گفت که رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

١- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ٢- النَّاسُ / در M سین زیر دارد.

٣- بَنٍ / M ابن. ٤- أَبِي طَالِبٍ / M أَبِيطَالِبٍ.

٥- تَزْعُمُونَ / در M عین زیر دارد. ٦- أَنِّي / M أَنِّي.

٧- رَزَجْتُ / M رَزَجْتُ. ٨- فَاطِمَةَ / M فَاطِمَةَ.

٩- خَطَبَهَا / در R طاء زیر دارد. ١٠- إِلَيَّ / M إِلَيَّ [كذا].

١١- أَشْرَافُ / در M فاء هم زیر دارد و هم زیر.

١٢- كُلُّ / در M لام مُشَدَّد پیش دارد. ١٣- الْخَبَرَ / M الْخَبَرِ [كذا].

١٤- عَلَيْهِ السَّلَامُ / M ع. ١٥- رَمَضَانَ / M رَمَضَانَ [كذا].

١٦- السَّلَامُ / M السَّلَامُ لَيْلَةَ.

١٧- الرُّوحَانِيِّينَ / R الرُّوحَانِيِّينَ. M الرُّوحَانِيِّينَ.

١٨- شَجَرَةَ / M شَجَرَةٍ. ١٩- الْحُلِيَّ / M الْحُلِيِّ.

٢٠- الْحُورَ / در M نیامده است. ٢١- الْعَيْنِ / M الْعَيْنِ.

٢٢- فَهْنٌ / M فَهْنٌ. ٢٣- نِسَارُ / M نِسَارُ.

٢٤- فَاطِمَةَ / در M نیامده است. ٢٥- نگر: كشف الغمّه ي اربلى، ١/ ٣٧٧.

٢٦- و / در M زیر دارد. ٢٧- سَمُرَةَ / M سَمُرَةَ.

وَأَلِه^۱ - فرمود که: ای مردمان^۲! این عَلَیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ را شما چنان گمان می‌برید که مَن فاطمه را به خودی خود به او^۳ دادَم، بلکه نه چنین است^۴ زیرا که أَشْرَافِ^۵ فریش همه از من^۶ طلبِ خواستگاری او^۷ کردند و من انتظارِ خبرِ آسمانی می‌بردم^۸ تا آنکه جَبْرِئِلُ^۹ در شبِ بیست و^{۱۰} چهارمِ ماورِ مَضان^{۱۱} بر من نازل شد و^{۱۲} گفت که: عَلَیُّ اَعْلَى و پروردگارِ عالَمیان سلامت می‌رساند^{۱۳} و جمیعِ ملائکهٔ روحانیان^{۱۴} را^{۱۵} جمع کرده^{۱۶} است در بهشت و در وادی [ای]^{۱۷} که او را «أَفْسَح»^{۱۸} می‌گویند دَرِ زَبِرِ درختِ طوبی و تزویج کرد فاطمه^{۱۹} را به عَلَی و^{۲۰} اَمَر کرد مرا که من از جانبِ عَلَی خواستگاری کردم و صیغه گفتم و خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - به ولایتِ حَضْرَتِ فاطمه^{۲۱} تزویج فرمود و اَمَر کرد^{۲۲} درختِ^{۲۳} طوبی را تا آنکه باربر داشت^{۲۴} از زیورها و زینتها و مروارید و یاقوت^{۲۵}؛ پس او نثار کرد و اَمَر کرد حوریانِ بهشتی را تا برجینند. پس ایشان^{۲۶} برجیدند آنها را و به هدیه^{۲۷} به

-
- ۱- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ / M ص.
 ۲- مردمان / در M نون زیر دارد.
 ۳- او / در M حرفِ دوم زیر دارد.
 ۴- است / M است.
 ۵- أَشْرَاف / در M شین زیر دارد.
 ۶- از من / M ندارد.
 ۷- او / در M «و» زیر دارد.
 ۸- می‌بردم / M می‌بودَم.
 ۹- جَبْرِئِل / زَبِرِ جیم در M اظهار گردیده است.
 ۱۰- و / در M نیامده است.
 ۱۱- رمضان / در M نون زیر دارد.
 ۱۲- و / در M زیر دارد.
 ۱۳- می‌رساند / M ندارد.
 ۱۴- روحانیان / در M واپسین حرف زیر دارد.
 ۱۵- را / M ندارد.
 ۱۶- کرده / در M دال زیر دارد.
 ۱۷- و در وادی [ای] / M ندارد.
 ۱۸- أَفْسَح / M وادی اِفْتَح.
 ۱۹- فاطمه / M فاطِمَة.
 ۲۰- و / در M زیر دارد.
 ۲۱- فاطمه / M فاطمة.
 ۲۲- اَمَر کرد / M بولایت که.
 ۲۳- درخت / در M تاء زیر دارد.
 ۲۴- باربر داشت / در M شین زیر دارد.
 ۲۵- یاقوت / در M تاء زیر دارد.
 ۲۶- ایشان / در M نون زیر دارد.
 ۲۷- هدیه / زَبِرِ هاء در M اظهار گردیده است.

یکدیگر^۱ می‌فرستند^۲ تا روز قیامت و می‌گویند: این نثارِ حَضَرَتِ فاطمه است. و دیگر منقولست به طرقِ متواتره^۳ از رسولِ خدا - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ -^۴ که آن حَضَرَتِ فرمود: لَمُبَارَزَةٌ عَلَیَّ لِعَمْرٍو^۵ بِنِیَّ عَبْدِوَدٍ^۶ یَوْمَ الْخُنْدَقِ أَفْضَلُ^۷ مِنْ عَمَلِ أُمِّیَّی إِلَى یَوْمِ الْقِیَامَةِ^۸

یعنی: جنگی که عَلَیُّ بِنِیَّ^۹ ابی طالب با عَمْرٍو بِنِیَّ عَبْدِوَدٍ^{۱۰} در روزِ خندق کرد بهتر از عَمَلِ اُمِّتِ منست تا روزِ قیامت.

و^{۱۱} آن چنان بود که کَفَّارِ قریش با^{۱۲} طَوَایِفِ یهود از اطراف و^{۱۳} جوانب جمع شدند و^{۱۴} بر سرِ رسولِ خدا - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ -^{۱۵} آمدند و آن حَضَرَتِ پیش از آمدنِ ایشان به مشورتِ حَضَرَتِ سلمان^{۱۶} شروع کردند^{۱۷} در کَنَدَنِ خندق در دورِ مدینه و تا ایشان می‌آمدند آن خندق به اِتمام رسید. و در کَنَدَنِ آن خندق^{۱۸} معجزاتِ^{۱۹} بسیار از

۱- یکدیگر / در M حرفِ یکم زیر دارد. ۲- می‌فرستند / M می‌ایستد فرستند.

۳- متواتره / M متواتره. ۴- صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M ص وَآلِهِ.

۵- لِعَمْرٍو / M لِعَمْرٍو. ۶- بِنِیَّ / M ابْنِی.

۷- عَفْوَدٍ / M و R عَفْوَدٍ. ۸- أَفْضَلُ / M أَفْضَلُ.

۹- یَوْمِ / M یَوْمِ.

۱۰- نگر: مناقب آلِ ابی طالب ابن شهر آشوب، ط. دارالأضواء، ۱۶۳/۳؛ و: الطَّائِفِ ابْنِ طَاوُس،

ط. رجائی، ص ۶۰؛ و: الصَّراطِ الْمُسْتَقِیْمِ بیاضی، ۷۲/۲؛ و: مناقِبِ خوارزمی، ط. محمودی،

ص ۱۰۷؛ و: کشف الغمّه، ط. دارالأضواء، ۱۴۸/۱؛ و....

۱۱- بِنِیَّ / M ابْنِی.

۱۲- عَفْوَدٍ / R عَفْوَدٍ. در M تنها عین زیر دارد.

۱۳- و / در M زیر دارد. ۱۴- با / R یا. ضبطِ نصِّ موافقِ M است.

۱۵- و / در M زیر دارد. ۱۶- و / در M زیر دارد.

۱۷- عَلَیْهِ وَآلِهِ / R ندارد. ۱۸- سلمان / M سَلِمَان.

۱۹- کردند / M ندارد. ۲۰- در دور... آن خندق / M ندارد.

۲۱- معجزات / در M تاء زیر دارد.

آن حضرت ظاهر شد که اینجا محل ذکر آنها نیست. و ایشان زیاده از ده هزار کس بودند و مسلمانان سه هزار کس^۱ بیش نبودند و خوفی عظیم در دل^۲ ایشان پیدا شد.^۳ و چون عَرَب خندق را دیدند متعجب شدند و آن طرف خندق فرود آمدند و^۴ میانه^۵ ایشان و^۶ مسلمانان زیاده از بیست شبانه روز^۷ جنگ بود و بر^۸ یکدیگر تیر می انداختند تا به آخر^۹ چون به تنگ^{۱۰} آمدند سواران قریش مثل عَمْرُو بن عَبْدِود و عکرمه^{۱۱} بن اَبی جَهْل و هبیره^{۱۲} و^{۱۳} ضرار و مرداس و غیر ایشان^{۱۴} متفق شدند که به این طرف خندق آیند^{۱۵} و با مسلمانان مرد آزمایی^{۱۶} کنند و تفحص^{۱۷} کردند جانی^{۱۸} که تنگ تر بود اسبهای خود را از آنجا جهانیدند. و به این طرف آمدند و عمرو را با هزار سوار برابر می دانستند در عرب و آنها نیز در^{۱۹} شجاعت نزدیک به عمرو بودند. عاقبت چون مسلمانان دیدند که ایشان از خندق گذشتند خوفی عظیم در دل^{۲۰} ایشان پیدا شد؛ و عمرو از مسلمانان مبارز طلبید و پیغمبر - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - ایشان را بر حَرَب

-
- ۱- کس / M ندارد. ۲- دل / M دَلْ.
- ۳- شد / در M شین زیر دارد. ۴- و / در M زیر دارد.
- ۵- میانه / M میان. ۶- و / در M زیر دارد.
- ۷- شبانه روز / M شبان رُوْز. ۸- و بر / در R مکرر نوشته شده است.
- ۹- آخر / در M خاء زیر دارد. ۱۰- تنگ / در M واپسین حرف زیر دارد.
- ۱۱- عکرمه / چُنین است در M. R عکرمه.
- ۱۲- هبیره / M سیره. ۱۳- و / در M زیر دارد.
- ۱۴- ایشان / در M نون زیر دارد. ۱۵- آیند / M بیایند.
- ۱۶- مرد آزمایی / M مرد آزمائی. ۱۷- تفحص / در M صاد زیر دارد.
- ۱۸- جانی / M ندارد. ۱۹- در / M از.
- ۲۰- دل / در M دال زیر دارد.
- ۲۱- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / R «عَلَيْهِ وَآلِهِ» را ندارد. M از بُن عبارت درود را ندارد.

دلیر^۱ می‌گردد و وعده فتح و ظفر می‌داد و^۲ ثواب عقیق را در نظر ایشان درمی‌آورد^۳ و لیکن از ایشان کسی جرأت^۴ مبارزت^۵ او نمی‌گردد به غیر^۷ از حضرت علی بن ابی طالب که در هر مرتبه^۸ آن حضرت برمی‌خاست^۹ و حضرت رسول خدا (ص)^{۱۰} می‌خواست که دیگری برود. عاقبت به امر الهی پیغمبر (ص)^{۱۱} پیراهن خود را به آن حضرت پوشانید و عمامه^{۱۲} مبارکی خود را بر سر آن حضرت گذاشت و شمشیر خود را به آن حضرت داد و آن حضرت با أصحاب شروع به دعا کردند تا چون حضرت به او^{۱۳} رسید فرمود که: یا عمرو^{۱۴}! تو در جاهلیت می‌گفتی که: هر که سه چیز از من طلب کند، من یکی از آن سه حاجت او را برآورم. الحال من یکی از سه^{۱۵} چیز از تو طلب می‌کنم: اولاً می‌خوانم تو را به وحدانیت الهی و به شهادت به رسالت محمد مصطفی - صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ^{۱۶}. گفت^{۱۷}: ای پسر عم! این حاجت را بگذار که این برآورده^{۱۸} نخواهد شد. حضرت فرمود^{۱۹} که: اگر این حاجت را برمی‌آوردی^{۲۰} از برای تو بهتر بود. عمرو گفت: دیگری را بگوی. حضرت فرمود که: دویم آن که چنانکه آمده‌اید برگردید. گفت^{۲۱}:

۱- دلیر / در M حرف یکم دال زیر دارد. ۲- و / در M زیر دارد.

۳- درمی‌آورد / در M حرف ماقبل آخر زیر دارد.

۴- از ایشان / M از ایشان. ۵- جرأت / M جرأت.

۶- مبارزت / در M تاء زیر دارد. ۷- غیر / در M زیر غین اظهار گردیده است.

۸- مرتبه / M + که. ۹- برمی‌خاست / M و R برمی‌خواست.

۱۰- ص / M ندارد. ۱۱- ص / M ندارد.

۱۲- عمامه / R عمامه. M عمامه. ۱۳- به او / M بدو.

۱۴- عمرو / R عمر. M عمرو. ۱۵- حاجت او... سه / M ندارد.

۱۶- صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M ص. ۱۷- گفت / M گفت.

۱۸- برآورده / در M راه زیر دارد! ۱۹- فرمود / در M نیامده است.

۲۰- برمی‌آوردی / در M راه (یا: دال) زیر دارد.

۲۱- گفت / M گفت.

هرگز این نخواهد شد. این سخن را به زنان قریش نمی توان گفت! سیم را بگو. حضرت فرمود که: از اسب به زیر آی تا با تو دستبندی نمایم.^۱ عمرو به خنده درآمد^۲ که این صفتی است که هرگز گمان نمی بردم که کسی از عرب این آرزو کند از من. برو- ای^۳ پسر عم!- که نمی خواهم مثل^۴ تو گریمی بر دست من کشته شود. حضرت فرمود که: أمّا^۵ من می خواهم که^۶ تو را بکشم! اگر می خواهی به زیر آی. عمرو در غضب شد^۷ و فی الحال^۸ به زیر آمد و اسب خود را نهیب داد و تا رسید شمشیری حواله آن حضرت کرد که گوشه خود آن حضرت را زبود و اندکی سر مبارک آن حضرت مجروح شد و میانه^۹ ایشان مکرر رد و بدل شد^{۱۰} تا عاقبت آن حضرت ضربتی بر سر او فرود آورد و او را به دو نیم کرد. غریو از هر دو لشکر برآمد. پس آنها که با عمرو^{۱۱} بودند شروع به گریز کردند و آن حضرت ایشان را تعاقب نمود و بعضی از ایشان^{۱۲} نیز بر دست آن حضرت کشته شدند و به سبب کشته شدن عمرو هیبتی عظیم از آن حضرت در دل کفار^{۱۳} افتاد و دل^{۱۴} بر^{۱۵} فرار نهادند و خدای - تبارک و تعالی - بادی فرستاد^{۱۶} و ایشان را^{۱۷} عاجز کرد.

۱- دستبرد نمودن: حمله کردن، ضرب شست نشان دادن (نگر: فرهنگ بزرگی سخن).

۲- درآمد / در M میم زیر دارد. ۳- ای / M ابن.

۴- مثل / در M لام زیر دارد. ۵- أمّا / در M نیست.

۶- که / M ندارد. ۷- شد / در M دال زیر دارد.

۸- الحال / در M واپسین حرف زیر دارد. ۹- میانه / در M نون زیر دارد.

۱۰- شد / در M شین زیر دارد. ۱۱- عمرو / M عمرو.

۱۲- از ایشان / در M از ایشان. ۱۳- کفار / در M راه زیر دارد.

۱۴- دل / در M دل. ۱۵- بر / در M بر.

۱۶- و / در R از قلم افتاده است. ۱۷- فرستاد / در M دال زیر دارد.

۱۸- را / M ندارد.

عاقبت خایب و خایر برگشتند. پس پیغمبر - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ - این سخن را فرمود. و این حدیث در أَكثَرِ کتَبِ ایشان مَسْطُور است.^۲

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ^۳ قَالَ: سَأَلْتُ^۴ رَسُولَ^۵ اللهِ - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ^۶ - عَنِ الْكَلِمَاتِ^۷ الَّتِي تَلَقَّاها آدَمُ مِنْ رَبِّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - فَتَابَ عَلَيْهِ: قَالَ: سَأَلَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ^۸ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ إِلَّا ثَبَّتَ عَلَيَّ، فَتَابَ عَلَيْهِ^۹.

و^{۱۰} دیگر منقولست از عبدالله بن عباس^{۱۱} که گفت: پُرسیدم از رسول خدا - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ^{۱۲} - از آن کلماتی که آدم او را گفت و خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - توبه او را قبول کرد، کدام بود؟ حضرت فرمود که: آدم سؤال کرد که: اِلَهِی! بِه حَقِّ مُحَمَّدٍ وَ^{۱۳} عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ^{۱۴} وَ حَسَنِ وَ حُسَيْنِ^{۱۵} که توبه مرا قبول کن. خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - توبه او را قبول کرد.

و این حدیث در أَكثَرِ کتَبِ ایشان مَسْطُور است. وَعَنِ النَّبِيِّ - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ^{۱۶} - أَنَّهُ قَالَ: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ وَ انْتَهَى بِي إِلَيَّ

۱- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M ص.

۲- است / M است.

۳- عَبَّاسٍ / در M سین زیر دارد.

۴- سَأَلْتُ / در M تاء زیر دارد.

۵- رَسُولٍ / در M لام پیش دارد.

۶- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M ص.

۷- الْكَلِمَاتِ / در M کاف زیر دارد!

۸- فَاطِمَةَ / M فَاطِمَةَ.

۹- نگر: الخصال صدوق، ط. غفاری، ص ۲۷۰؛ و: معانی الأخبار صدوق، ط. غفاری، ص ۱۲۵؛

و: الإيضاحی شاذان بن جبرئیل، ص ۸۱.

۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- بنی / R ابن.

۱۲- عَبَّاسٍ / در M سین زیر دارد.

۱۳- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M ص.

۱۴- و / در M زیر دارد.

۱۵- فَاطِمَةَ / M فَاطِمَةَ.

۱۶- حُسَيْنٍ / در M زیر سین اظهار گردیده است.

۱۷- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M ص.

حُجِبَ النُّورُ كُلَّمَنِي رَبِّي - جَلَّ جَلَالُهُ^۱ - وَقَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ! بَلِّغْ عَلَيَّ بْنِ^۲ أَبِي طَالِبٍ مِنِّي السَّلَامَ^۳ وَأَعْلِمُهُ^۴ أَنَّهُ حُجِّبِي عَلَى عِبَادِي بِعَدْلِكَ، يَهْ أَشَقِيي الْعِبَادَ الْفَئِيتَ وَيَهْ أَذْفَعُ عَنْهُمْ السُّوءَ^۵ وَيَهْ أَحْتَجُّ^۶ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَلْقَوْنِي فَأَيَّاهُ^۷ فَلْيُطِيعُوا^۸ وَلَا تَمُرُوا فَلْيَأْتِمِرُوا وَعَنْ نَهْيِهِ فَلْيَسْتَهُوا أَجْعَلُهُمْ^۹ عِنْدِي فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ وَأُبَيِّحْ لَهُمْ جَنَّتَايَ وَإِنْ لَا يَفْعَلُوا أَشْكُهُمْ^{۱۰} نَارِي مَعَ الْأَشْقِيَاءِ مِنْ أَعْدَائِي ثُمَّ^{۱۱} لَا أَبَالِي^{۱۲}.

دیگر منقولست از رسول خدا - صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ^{۱۳} - که آن حضرت فرمود که: چون مرا به آسمان بُردند و مرا به حجابهای نور رسانیدند، خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - با من سخن گفت و فرمود مرا^{۱۴} که: یا مُحَمَّدُ! سلام مرا به علی برسان^{۱۵} و خبر ده او را که او حَجِّبِ مَنَسْت بر بندگانِ مَن بعد از تو؛ به بَرکَتِ او بندگان را آب از آسمان می‌دهم و به یَمَنِ او دفع می‌کنم از ایشان^{۱۶} بدیها را و به او حَجَّت می‌گیرم بر ایشان در روزِ قیامت. پس باید که او را اطاعت کنند و هرچه او^{۱۷} امر کند اطاعت کنند^{۱۸} و هرچه را او نهی کند از آن بازایستند تا آنکه ایشان را درآورم^{۱۹} نزد خودم در جایگاه نیکو و حلال^{۲۰} کنم از برای

- ۱- جَلَّالَهُ / M جَلَّالَهُ.
- ۲- بِن / M ابْن.
- ۳- السَّلَامَ / M وَالسَّلَامَ.
- ۴- أَعْلِمُهُ / M أَعْلِمُهُ.
- ۵- السُّوءَ / M السُّوءَ.
- ۶- أَحْتَجُّ / M أَحْتَجُّ.
- ۷- فَأَيَّاهُ / M فَأَيَّاهُ.
- ۸- فَلْيُطِيعُوا / M فَلْيُطِيعُوا.
- ۹- أَجْعَلُهُمْ / M أَجْعَلُهُمْ.
- ۱۰- أَشْكُهُمْ / M أَشْكُهُمْ.
- ۱۱- ثُمَّ / M ندارد.
- ۱۲- نگر: مائة منغية ابن شاذان، ط. أبطحي، ص ۵۵.
- ۱۳- صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M ص.
- ۱۴- مرا / M ندارد.
- ۱۵- برسان / در M واپسین حرف زیر دارد.
- ۱۶- ایشان / در M واپسین حرف زیر دارد.
- ۱۷- او / M او.
- ۱۸- اطاعت کنند / M ندارد.
- ۱۹- درآورم / M درآوردم.
- ۲۰- حلال / M حلالی [!].

ایشان^۱ بهشتهای خود را و اگر چنین نکنند ایشان را ساکن گردانم در آتشی جهنم با اَشْقِیای دشمنانم.

وَعَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۲ - أَنَّهُ قَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا وَجَّهْتُ^۳ عَلِيًّا قَطُّ^۴ فِي سَرِيَّةٍ إِلَّا^۵ وَه نظرتُ إِلَى جِبْرِيلَ^۶ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا مِنْ الْمَلَائِكَةِ عَنْ يَمِينِهِ، وَإِلَى مُيْكَائِيلَ^۷ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا عَنْ^۸ يَسَارِهِ، وَإِلَى مَلَكِ الْمَوْتِ أَمَامَهُ، وَإِلَى سَحَابَةٍ^۹ تُظِلُّهُ حَتَّى يَرْزُقَهُ^{۱۰} حُسْنُ^{۱۱} الظَّفَرِ^{۱۲}.

دیگر منقولست از رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۱۳} - که آن حضرت فرمود که: به حقی آن خداوندی که جانی من در قبضه قدرت اوست که من هرگز^{۱۴} علی را نفرستادم به سوی لشکری مگر آنکه دیدم که جبرئیل با هفتاد هزار فرشته^{۱۵} از دست راست او بودند و میکائیل با هفتاد هزار فرشته از دست چپ او بودند و مَلَكِ الْمَوْتِ^{۱۶} پیش پیش آن حضرت می رفت و ابری سایه بان^{۱۷} آن حضرت بود تا آنکه خدای - تبارک و تعالی - روزی می کرد او را ظفری نیکو^{۱۸} بر آعادی.

۱- ایشان / در M نون زیر دارد. ۲- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۳- وَجَّهْتُ / در M تاء زیر دارد. ۴- قَطُّ / M قَطُّ.

۵-و / در M مکرر نوشته شده است. ۶- جِبْرِيلَ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۷- عَنْ يَمِينِهِ وَإِلَى مُيْكَائِيلَ / M ندارد. ۸- عن / در R مکرر نوشته شده است.

۹- و / M ندارد. ۱۰- سَحَابَةٍ / M سَحَابَةٍ.

۱۱- يَرْزُقَهُ / M و R يَرْزُقُ؛ ولی در R «ق» را به «قه» اصلاح کرده اند.

۱۲- حُسْنُ / M حُسْنُ.

۱۳- نگر: الخصال صدوق، ط. غفاری، ص ۲۱۸.

۱۴- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.

۱۵- که من هرگز / در M مکرر نوشته شده است.

۱۶- فرشته / در M راء زیر دارد.

۱۷- الموت / زیر «م» در M اظهار گردیده است.

۱۸- سایه بان / M سایبان. ۱۹- ظفری نیکو بر / M و ظفر نیکو می داد.

وَعَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ^۱ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۲ - وَهُوَ جَالِسٌ إِلَى الْكَعْبَةِ فَأَقْبَلَ عَلَيَّ بْنُ^۳ أَبِي طَالِبٍ^۴ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ^۵ - فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): قَدْ أَتَاكُمْ أَخِي ثُمَّ أَتَيْتُ إِلَى الْكَعْبَةِ فَضَرَبَهَا بِيَدِي وَقَالَ: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ هَذَا وَشِيعَتَهُ هُمُ الْفَاقِظُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ قَالَ: إِنَّهُ أَوْلَكُمْ إِيمَانًا مِنِّي وَأَوْلَاكُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَقْوَاكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - وَأَعْدَلَكُمْ^۶ فِي الرَّعِيَّةِ وَأَقْسَمُكُمْ^۷ بِالسُّوْيَةِ^۸ وَأَعْظَمَكُمْ^۹ عِنْدَ اللَّهِ مَرْيَّةً^{۱۰} وَقَالَ: وَنَزَلَتْ: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ^{۱۱} الْبَرِيَّةِ)^{۱۲} ۱۵-۱۶

دیگر منقولست از جابر^{۱۷} بن^{۱۸} عبدالله انصاری^{۱۹} که گفت: بودیم ما به نزد رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۲۰} - و آن حضرت نزد کعبه^{۲۱} نشسته^{۲۲} بود: پس پیدا^{۲۳} شد حضرت علی بن ابی طالب - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ -؛ پس حضرت^{۲۴} فرمود که: آمد شمارا برادر من. پس رو به سوی کعبه^{۲۵} کرد و دست خود به کعبه^{۲۶} زد و^{۲۷} فرمود که: به حقی آن

۱- عبدالله / در M دال پیش دارد. ۲- رسول / در M لام پیش دارد.

۳- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / در M ص. ۴- بن / در M ابن.

۵- ابی طالب / در M حرف وایسین زیر دارد.

۶- صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ / R + وَآلِهِ. ۷- ص / در M ندارد.

۸- أَتَيْتُ / در M وایسین حرف زیر دارد. ۹- أَعْدَلَكُمْ / در M لام زیر دارد.

۱۰- أَقْسَمُكُمْ / در M میم زیر دارد. ۱۱- بِالسُّوْيَةِ / در M وایسین حرف زیر دارد.

۱۲- أَعْظَمَكُمْ / در M میم زیر دارد. ۱۳- مَرْيَّةً / در M مَرْيَتُ.

۱۴- خَيْرٌ / در M خَيْرٌ. ۱۵- قرآن کریم: س ۹۸، ی ۷.

۱۶- نگر: امالی طوسی، ط، البعثة، ص ۲۵۱ و ۲۵۲.

۱۷- جابر / در M جابر. ۱۸- بن / در M ابن.

۱۹- انصاری / در M الانصاری. ۲۰- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / در M ص.

۲۱- کعبه / در M باء زیر دارد. ۲۲- نشسته / در M تاء زیر دارد.

۲۳- پیدا / در M و R بیدار. ۲۴- حضرت / در M + علی بن ابیطالب.

۲۵- کعبه / در M باء زیر دارد. ۲۶- کعبه / در M کَعْبَةٍ.

۲۷- و / در M نیامده است.

خدایی^۱ که مرا براستی^۲ به خَلْقِ فرستاد^۳ که بدرستی^۴ که این مَرَد و شیعیانِ او رستگارانند در روزِ قیامت. پس فرمود که: عَلِی پِیش از شما همه، ایمان آورد^۵ به من، و وفاکننده ترین شماست به عهد^۶ آلِهی و^۷ قوی ترین شما است به اَمْرِ خدای - عَزَّ وَجَلَّ - و^۸ عادل ترین^۹ شماست در میانِ رعیت و بهتر از شماست^{۱۰} نزدِ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - در مرتبت؛ و فرمود که: این^{۱۱} آیت نازل شد که ترجمه‌اش اینست که: بدرستی^{۱۲} و^{۱۳} راستی^{۱۴} که^{۱۵} آن جماعتی که ایمان آوردند و عَمَلِ شایسته دَرگاہِ او^{۱۶} کردند آن جماعتِ بهترینِ خَلْقِ خداوند. و^{۱۷} این آیت در شانِ آن حضرت نازل شد.

وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -^{۱۸} - لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ -: إِذَا كَانَ يَوْمُ^{۲۰} الْقِيَامَةِ يُؤْتَى بِكَ - يَا عَلِيُّ! - عَلَى نَجِيبٍ مِنْ نُورٍ عَلَى رَأْسِكَ تَاجٌ يَضِيءُ نِكَادَ نُورِهِ^{۲۱} يَخْطَفُ أَبْصَارَ أَهْلِ الْمَوْقِفِ، فَيَأْتِي^{۲۲} الْبَدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ - جَلَّ جَلَالُهُ^{۲۳} -: أَيْسَنَ خَلِيفَةً مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ^{۲۴} (ص)^{۲۵}؟ فَتَقُولُ - يَا عَلِيُّ! -: هَا أَنَا

-
- ۱- خدایی / چنین است در R.
 ۲- براستی / در M باء زیر دارد.
 ۳- فرستاد / در M دال زیر دارد.
 ۴- بدرستی / در M سین زیر دارد.
 ۵- آورد / در M آورد.
 ۶- عهد / در M امر.
 ۷- و / در M زیر دارد.
 ۸- و / در M زیر دارد.
 ۹- عادل ترین / در M «عاجل ترین» بوده و سپس بالایی «جل»، «دل» نوشته است.
 ۱۰- شماست / در M شما است.
 ۱۱- انبیا / در M این.
 ۱۲- بدرستی / در M راء زیر دارد.
 ۱۳- و / در M زیر دارد.
 ۱۴- راستی / در M سین زیر دارد.
 ۱۵- که / در M ندارد.
 ۱۶- او / در M او.
 ۱۷- اند و / در M ندارد.
 ۱۸- عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ / در M عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرُ.
 ۱۹- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / در M ص.
 ۲۰- يَوْمُ / در M يَوْمُ.
 ۲۱- نُورُهُ / در M نُورُهُ.
 ۲۲- فَيَأْتِي / در M ياء پایانی زیر دارد.
 ۲۳- جَلَالُهُ / در M جَلَالُهُ.
 ۲۴- رَسُولِ / در M لام پیش دارد.
 ۲۵- ص / در M ندارد.

ذَا^۱ فَيَأْتِي النَّدَاءُ^۲ يَا عَلِيُّ! مَنْ أَحَبَّكَ أَذْخِلَهُ الْجَنَّةَ^۳ وَمَنْ عَادَاكَ أَذْخِلَهُ النَّارَ^۴؛ فَأَنْتَ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَأَنْتَ قَسِيمُ النَّارِ^۵.

و^۶ دیگر منقولست از عبدالله بن عمر که او گفت^۸ که: رسول خدا - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ - فرمود به عَلَیِّ بْنِ^{۱۰} اَبی طالب - صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلَیْهِ - که چون^{۱۱} روز قیامت شود بیاورند تو را - یا عَلِی! - بر شتری از نور بر سرِ تو^{۱۲} تاجی باشد که روشنی دهد اهلِ محشر را که نزدیک باشد که چشمهای اهلِ موقف را خیره گرداند. پس ندا از جانبِ حضرت^{۱۳} رَبِّ الْعِزَّةِ آید که: کجاست خلیفهٔ مُحَمَّد رسول الله - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ^{۱۴}؟! - یا عَلِی! - تو گویی^{۱۵} که اینک من! پس ندا آید که: یا عَلِی! هر که تو را دوست دارد او را داخلِ بهشت^{۱۶} گردان و^{۱۷} هر که دشمن تو باشد او را داخلِ^{۱۸} جَهَنَّم گردان. پس تویی^{۱۹} قَسَمْتُ کُنْدَهُ بهشت و تویی^{۲۰} قَسَمْتُ کُنْدَهُ^{۲۱} دوزخ.

وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ^{۲۲} قَالَ: سَمِعْتُ^{۲۳} رَسُولَ^{۲۴} اللّٰهِ - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ^{۲۵} - یَقُولُ: لَنَا أُشْرِي

- ۱- هَا أَنَا ذَا / هَا أَنَذَا. M «ذَا» را ندارد.
 ۲- النَّدَاءُ / M النَّدَاءُ.
 ۳- الْجَنَّةُ / در M واپسین حرف زیر دارد.
 ۴- أَذْخِلَهُ / M أَذْخِلَهُ.
 ۵- النَّارَ / M النَّارِ.
 ۶- و / در M زیر دارد.
 ۷- و / در M زیر دارد.
 ۸- گفت / M كَفْتُ.
 ۹- صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M ص.
 ۱۰- بن / M ابن.
 ۱۱- چون / M چُونْ.
 ۱۲- سرِ تو / M سرْ.
 ۱۳- حضرت / M ندارد.
 ۱۴- صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M ص.
 ۱۵- گویی / M كُونِيْ.
 ۱۶- بهشت / M بَهْشَتْ.
 ۱۷- و / در M زیر دارد.
 ۱۸- داخل / در M خاء زیر دارد.
 ۱۹- تویی / M تُونِيْ.
 ۲۰- تویی / M تُونِيْ.
 ۲۱- قَسَمْتُ کُنْدَهُ / M قَسَمْتُ کُنْدَهُ.
 ۲۲- عَبَّاسٍ / M عَبَّاسِ.
 ۲۳- سَمِعْتُ / M سَمِعْتُ.
 ۲۴- رَسُولَ / در M لام پیش دارد.
 ۲۵- صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M ص.

بِإِلَى السَّمَاءِ مَا مَرَرْتُ بَمَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَّا سَأَلُونِي عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّ اسْمَ عَلِيٍّ أَشْهَرُ فِي السَّمَاءِ مِنْ اسْمِي فِي الْأَرْضِ. فَلَمَّا بَلَغْتُ السَّمَاءَ الرَّابِعَةَ فَتَطَوَّرْتُ إِلَى مَلِكِ الْمَوْتِ قَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ! مَا فَعَلَ عَلِيٌّ؟ قُلْتُ: يَا حَبِيبِي! مِنْ أَيْنَ تَعْرِفُ عَلِيًّا؟ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ! مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا إِلَّا وَأَنَا أَقْبَضُ رُوحَهُ^۲ بِيَدِي مَا خَلَاكَ وَ عَلِيٍّ بْنِ^۳ أَبِي طَالِبٍ، فَإِنَّ اللَّهَ - جَلَّ جَلَالُهُ^۴ - يَقْبِضُ رُوحَكُمْ بِقُدْرَتِهِ. فَلَمَّا صِرْتُ تَحْتَ الْعَرْشِ إِذَا بِعَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَقَفَ تَحْتَ عَرْشِ رَبِّي، فَقُلْتُ: يَا عَلِيُّ! سَبِّحْتَنِي؟! فَقَالَ لِي عُجْبَرِيْلُ (ع): مَنْ^۵ هَذَا الَّذِي يُكَلِّمُكَ؟ قُلْتُ: هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! لَيْسَ هَذَا عَلِيًّا وَلَكِنَّهُ مَلِكٌ^۶ مِنْ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَنِ خَلَقَهُ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - عَلَى صُورَةِ^۷ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ^۸ -، فَتَنَحَّنُ الْمَلَائِكَةُ الْمُتَقَرَّبُونَ كُلَّمَا اشْتَقْنَا^۹ إِلَى وَجْهِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ زُرْنَا هَذَا الْمَلِكَ لِكِرَامَةِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ^{۱۰} وَ سَبَّحْنَا لَهُ^{۱۱}.

و^{۱۲} دیگر منقولست از عبدالله بن عباس^{۱۳} که گفت: شنیدم از رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ

۱- مَا فَعَلَ... يَا مُحَمَّدُ / M ندارد.

۲- رُوحَهُ / M رُوحَهُ.

۳- عَلِيٍّ بْنِ / M عَلَى ابْنِ.

۴- جَلَّ جَلَالُهُ / M جَلَّالُهُ.

۵- مَنْ / M مَن.

۶- مَلِكٌ / M مَلِكٌ.

۷- صُورَةِ / M صُورَتِ.

۸- عَلَيْهِ السَّلَامُ / M ع.

۹- اشْتَقْنَا / M اشْتَقْنَا.

۱۰- عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ / M ندارد.

۱۱- مَلَأَتْهُ مِنْهُ ابْنُ شاذان، ط. أبطحي، ص ۳۳ (منقبت ۱۳).

۱۲- و / در M زبیر دارد.

۱۳- عَبَّاس / در M سین زبیر دارد.

عَلَيْهِ وَآلِهِ^۱ - که می فرمود که: چون مرا به آسمان^۲ بردند نگذشتم^۳ به گروهی از فرشتگان مگر آنکه سؤال کردند مرا از علی بن^۴ ابی طالب - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - تا آنکه دانستم که^۵ اسم علی^۶ در آسمان مشهورتر است از نام من در زمین. پس چون رسیدم به آسمان چهارم نظر کردم به مَلَكِ الْمَوْتِ مرا گفت: یا مُحَمَّد! چو نیست علی؟ گفتم: ای دوست من! چه می شناسی تو علی را! گفت: یا مُحَمَّد! نیافریده است خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - خَلْقِی را مگر آنکه من قبضِ روح او خواهم کرد به غیر از تو و علی بن^۷ ابی طالب که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قبضِ روح شما می کند به قدرتِ خود. پس چون رسیدم به زیرِ عرش دیدم علی بن^۸ ابی طالب^۹ را که در زیرِ عرش ایستاده^{۱۰} است. گفتم: یا علی! تو پیش از من آمدی؟! پس جبرئیل (ع)^{۱۱} گفت که: یا مُحَمَّد! کیست این که با تو سخن می گوید؟ من گفتم^{۱۲}: این علی بن^{۱۳} ابی طالب است^{۱۴}. پس جبرئیل^{۱۵} گفت که: یا مُحَمَّد! این علی نیست ولیکن^{۱۶} فرشته ایست از فرشتگانِ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - او را به صورتِ علی بن^{۱۷} ابی طالب^{۱۸} آفریده است.

۱- صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / R «علیه و آله» را ندارد. M ص.

۲- آسمان / M اسما. ۳- نگذشتم / M بگذشتم.

۴- بن / M ابن. ۵- که / M ندارد.

۶- علی / M + ع. ۷- بن / M ابن.

۸- تَبَارَكَ وَ / M ندارد. ۹- بن / M ابن.

۱۰- ابی طالب / M + ع. ۱۱- ایستاده / M است ایستاد.

۱۲- ع / در M هست ولی در R نیست. ۱۳- گفتم / M + که.

۱۴- بن / M ابن. ۱۵- است / M است.

۱۶- جبرئیل / در M زیر جیم اظهار گردیده است.

۱۷- یا مُحَمَّد / M ندارد. ۱۸- ولیکن / M ندارد.

۱۹- تَبَارَكَ وَ / M ندارد. ۲۰- بن / M ابن.

۲۱- ابی طالب / در M لام زیر دارد.

پس ما گروه ملائکه مُقَرَّبَان^۱ هر چند مشتاقِ روی^۲ علی بن ابی طالب می شویم زیارت می کنیم این فرشته را از جهت کرامتِ علی بن ابی طالب و^۳ تسبیح می گوئیم از جهت آن حضرت.

و عَنْ أَبِي سَعِيدٍ^۴ الْخُدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۵ - قَالَ: سَمِعْتُهُ^۶ يَقُولُ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَمَرَ اللَّهُ مَلَائِكَتَيْنِ وَبَقَعَدَانِ^۷ عَلَى الصِّرَاطِ فَلَا يَجُوزُ أَحَدٌ إِلَّا بِبِرَاءَةِ^۸ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ^۹ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ^{۱۰} - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - وَمَنْ نَسِيَ يَكُنْ لَهُ بَرَاءَةٌ^{۱۱} أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ^{۱۲} أَكْبَهُ^{۱۳} اللَّهُ عَلَى مِنْخَرِهِ^{۱۴} فِي النَّارِ وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿وَقَفَّوهُمْ فِيهِمْ مَسْوُولُونَ﴾^{۱۵} قُلْتُ: فِذَاكَ أَبِي وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ! - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۱۶} - مَا مَعْنَى «بَرَاءَةُ^{۱۷} أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ»^{۱۸} قَالَ: مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَصِيٌّ رَسُولِ اللَّهِ^{۱۹} - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ^{۲۰}.

- ۱- مُقَرَّبَان / M مقربون.
- ۲- روی / M روی.
- ۳- بن / M ابن.
- ۴- بن / M ابني.
- ۵- و / در M زیر دارد.
- ۶- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص.
- ۷- سَمِعْتُهُ / M سَمِعْتُهُ.
- ۸- بَرَاءَةُ / M بَرَاءَةُ.
- ۹- بَرَاءَةُ / M و R یوم.
- ۱۰- أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ / در M راه زیر دارد.
- ۱۱- عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ / M + ع.
- ۱۲- أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ / در M راه هم زیر دارد و هم زیر.
- ۱۳- مِنْخَرِهِ / M مِنْخَرِهِ.
- ۱۴- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / چنين است در M. R. ص.
- ۱۵- بَرَاءَةُ / M بَرَاءَةُ. R بَرَاءَةُ.
- ۱۶- عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ / M ابني.
- ۱۷- نگر: مائة منقبه ابن شاذان، ط. أبطحي، ص ۳۶ و ۳۷ (منقبته ۱۶).

و دیگر منقولست از اَبُو سَعِيدِ خُدْرِي كه گفت: شنيدم از رسول خدا (ص) كه آن حضرت فرمود كه: چون روز قيامت شود امر مى كند خداى - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - دو فرشته را كه بر صراط بنشينند^۱ و نگذرد كسى از صراط مگر آنكه با او باشد برائت^۲ حضرت اميرالمؤمنين - صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ -، و هر كه با او برائت^۳ حضرت اميرالمؤمنين^۴ نباشد، سرنگون او را در آتشي جَهَنَّم مى اندازند و اينست^۵ معني قول^۶ خداى - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - كه: بداريد^۷ ايشان را كه از ايشان^۸ سؤال خواهيم^۹ كرد. گفتم: فدائي تو باد پدر و مادر من! يا رسول الله!^{۱۰} چيست معني برائت^{۱۱} حضرت اميرالمؤمنين و^{۱۲} چه^{۱۳} نوشته است در او؟^{۱۴} حضرت فرمود كه: درو نوشته است^{۱۵} كه: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ -، عَلَيْهِ بَيْنٌ^{۱۶} أَبِي طَالِبٍ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ^{۱۷}.

و عَنْ أَبِي سُلَيْمَانَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص)^{۱۸} أَنَّهُ قَالَ: لَيْلَةُ أُشْرِي بِي^{۱۹} إِلَى السَّمَاءِ قَالَ لِي الْجَلِيلُ - جَلَّ جَلَالُهُ^{۲۰} - أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ. قُلْتُ: وَ الْمُؤْمِنُونَ. قَالَ: صَدَقْتَ يَا

۱- بنشینند / M بنشیند.

۲- برائت / R برات. ضبط نص، موافق است با M.

۳- برائت / R برات.

۴- صَلَوَاتُ اللّٰهِ ... اميرالمؤمنين / M ندارد.

۵- اينست / M ايست.

۶- قول / Zير فاف در M اظهار گرديده است.

۷- بداريد / در M باء زير دارد.

۸- از ايشان / M از ايشان.

۹- خواهيم / M خواهيم.

۱۰- رسول الله / M + ص.

۱۱- برائت / M و R برات.

۱۲- و / در M زير دارد.

۱۳- چه / M + برو.

۱۴- در او / چنين است در R. M ندارد.

۱۵- حضرت فرمود كه: درو نوشته است / M ندارد.

۱۶- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ندارد.

۱۷- عَلَيْهِ بَيْنٌ / M ابني.

۱۸- رَسُولِ اللَّهِ / M رسول.

۱۹- لَيْلَةُ أُشْرِي بِي / M ليلي.

۲۰- جَلَّ جَلَالُهُ / M جلالة.

مُحَمَّدًا مَن خَلَفْتَ فِي أَمْرِكَ؟ قُلْتُ: خَيْرُهَا. قَالَ: عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؟ قُلْتُ: نَعَمْ يَا رَبِّ! قَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنِّي أَطْلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ اطِّلَاعَةً^۳ فَاخْتَرْتُكَ مِنْهَا. فَشَقَقْتُ^۴ لَكَ اسْمًا مِنْ اسْمِي. فَلَا أَذْكَرُ فِي مَوْضِعٍ إِلَّا ذُكِرْتُ^۵ مَعِي. فَأَنَا الْمُحَمَّدُ وَأَنْتَ الْمُحَمَّدُ. ثُمَّ أَطْلَعْتُ^۶ الثَّانِيَةَ فِيهَا. فَاخْتَرْتُ^۷ مِنْهَا عَلِيًّا^۸ وَشَقَقْتُ^۹ لَهُ^{۱۰} اسْمًا مِنْ أَسْمَائِي فَأَنَا^{۱۱} الْعَلِيُّ الْأَعْلَى وَهُوَ عَلِيٌّ. يَا مُحَمَّدُ! إِنِّي خَلَقْتُكَ وَخَلَقْتُ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ^{۱۲} وَالْحُسَيْنَ^{۱۳} وَالْأَنْثَمَةَ^{۱۴} مِنْ وَلَدِهِ مِنْ شَبَحٍ^{۱۵} نُورٍ مِنْ نُورِي وَعَرَضْتُ^{۱۶} وَلَا يَتَنَكَّمُ^{۱۷} عَلَى أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِ. فَمَنْ قَبْلَهَا^{۱۸} كَانَ عِنْدِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ جَعَلَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْكَافِرِينَ. يَا مُحَمَّدُ! نَوَّأْتُ عَبْدًا مِنْ عِبْدِي^{۱۹} عَبْدَنِي^{۲۰} حَتَّى يَنْقُطَعَ وَيَصِيرَ كَالْبَيْتِ الْبَالِي^{۲۱} ثُمَّ أَنَا نِي جَاحِدًا لَوْ لَا يَتَنَكَّمُ^{۲۲} مَا غَفَرْتُ لَهُ حَتَّى يَمُوتَ بِوَلَايَتِكُمْ^{۲۳}. يَا مُحَمَّدُ! تُحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ؟ قُلْتُ:

۱- قُلْتُ / R قُلْتُ. ۲- مَن خَلَفْتُ ... يَا مُحَمَّدُ / M ندارد.

۳- اطِّلَاعَةً / M اطِّلَاعَةً. ۴- فَشَقَقْتُ / M فَشَقَقْتُ.

۵- ذُكِرْتُ / در M تا هم زیر دارد و هم پیش.

۶- الثَّانِيَةَ / در M «الثَّانِيَةَ» بوده: سپس دندانۀ لام را کوتاه کرده و یک نقطه بر سر آن نهاده‌اند.

۷- فَاخْتَرْتُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۸- عَلِيًّا / M ندارد. ۹- شَقَقْتُ / M فَشَقَقْتُ.

۱۰- لَهُ / M لَكَ. ۱۱- فَأَنَا / M وَأَنَا.

۱۲- الْحَسَنَ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۳- الْحُسَيْنَ / M الْحُسَيْنَ. ۱۴- الْأَنْثَمَةَ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۵- شَبَحٍ / M سَبَحٍ. ۱۶- عَرَضْتُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۷- وَلَا يَتَنَكَّمُ / M وَلَا يَتَنَكَّمُ. ۱۸- قَبْلَهَا / M قَبْلَهَا.

۱۹- عِبْدِي / M عَبْدِي. ۲۰- عَبْدَنِي / M عَبْدَنِي.

۲۱- الْبَالِي / M ندارد. ۲۲- لَوْ لَا يَتَنَكَّمُ / در M «و» زیر دارد.

۲۳- بِوَلَايَتِكُمْ / در M «و» زیر دارد.

نَعَمْ^۱ فَقَالَ لِي: التَّيْتُ^۲ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ. قَالَتْ فَقَدْ إِذَا أَنَا بِعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ^۳ وَ الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْمُهَدِيَّ فِي
ضَخْضَاخٍ مِنْ نُورٍ قِيَامٍ^۴ يُصَلُّونَ وَ فِي وَسْطِهِمُ الْمُهَدِيُّ يُضِيءُ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ. فَقَالَ: يَا
مُحَمَّدُ! هَؤُلَاءِ الْحُجَجُ^۵ وَ النَّائِبُ^۶ مِنْ عِزَّتِكَ - وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي - لَهُ الْحُجَّةُ الْوَاجِبَةُ^۷
لِأَوْلِيَائِي وَ الْمُتَنَتِّمِ^۸ مِنْ أَعْدَائِي. بِهِمْ يُعْمَلُ اللَّهُ السَّمَوَاتِ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ.^۹
و^{۱۰} دیگر منقولست از ابوسلیمان^{۱۱} از رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ^{۱۲} - که
آن حضرت فرمود که: آن شبی که مرا به آسمان بُردند پروردگار عالمیان به من فرمود که:
اُمُّ الرُّسُولِ یعنی ایمان آورد فرستاده ما محمد - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ^{۱۳} - به آنچه نازل شد به
سوی او از جانب پروردگار^{۱۴} او. من گفتم که: مؤمنان نیز^{۱۵} همه ایمان آوردند به خدا
و فرشتگان و^{۱۶} به کتابهای خدا و رسولان او. خطاب رسید^{۱۷} که: راست گفتم، یا مُحَمَّدُ!
که را خلیفه خود گردانیدی در میان اُمّت^{۱۸} خود؟ گفتم: خداوند! بهترین اُمّت را. خدای -

۱- نَعَمْ / M نَعَمْ. ۲- التَّيْتُ / در M ألف زیر دارد.

۳- فَاطِمَةَ / M فَاطِمَةَ. ۴- قِيَامٍ / M ندارد.

۵- الْحُجَجُ / M ندارد. ۶- النَّائِبُ / R النَّائِبُ.

۷- الْوَاجِبَةُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۸- الْمُتَنَتِّمِ / در M قاف زیر دارد.

۹- نگر: النبیہ طوسی، تحقیق، ۱۲۷ و ۱۴۸؛ و: الطَّرَائِفُ ابن طائوس، ط. رجانی، ص ۱۷۳.

۱۰- و / در M زیر دارد. ۱۱- از ابوسلیمان / M ندارد.

۱۲- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ / M ص. ۱۳- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ / M ص.

۱۴- پروردگار / M پروردگار.

۱۵- نیز / در M به خطی ریزتر به قلم خود کاتب میان «همه» و «ایمان» افزوده شده است.

۱۶- و / در M نیامده است.

۱۷- رسید / در M زیرِ راء اظهار گردیده است.

۱۸- اُمّت / چنین است در M R اُمّتان.

ثَبَّاهُ وَتَالِي - فرمود^۱ که: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ را خَلِيفَهُ گردانیدی؟ گفتیم: بلی، ای پروردگارِ
عَالَمِیان! خطاب رسید^۲ که: یا مُحَمَّدُ! مَنْ نَظَرَ كَرْدَمَ يَكْ نَظَرَ بِهِ سَوِيْ اَهْلِ زَمِيْنِ پَس تُو را
از يَشان^۳ اختيار كَرْدَم. پَس از بَرایِ تُو بیرون آوردَم اَسْمی از اَسْمهای^۴ خودَم. پَس مَنْ
مَذْکُور نَمی كَرْدَم در جایی^۵ مَگر آنکه تُو^۶ با مَنْ مَذْکُور می كَرْدی. پَس مَنْ مَحْمُود
و تویی^۷ مُحَمَّد. پَس دیگر باره^۸ نَظَر كَرْدَم و^۹ از اَهْلِ زَمِيْنِ عَلی را اختيار كَرْدَم
و بیرون^{۱۰} آوردَم از بَرایِ او اَسْمی^{۱۱} از اَسْمهایِ خودَم. پَس مَنْ اَعْلَى^{۱۲} و اَوَسْتَ عَلی. یا
مُحَمَّدُ! بِدَرستی^{۱۳} که مِنْ^{۱۴} آفَرِیدَم^{۱۵} تُو را و آفَرِیدَم عَلی را و فَاطِمَه را و حَسَن
و^{۱۶} حُسَین را و اِمَامان^{۱۷} فَرزندانِ حُسَین^{۱۸} را از باره ای^{۱۹} نور از نُوْر خودَم، و عَرَض
كَرْدَم و لایَتِ^{۲۰} شَما را بِر اَهْلِ اَسْمانها و اَهْلِ^{۲۱} زَمِيْن، پَس هَر كِه قَبول كَرْد و لایَتِ شَما را
او نَزِدِ^{۲۲} مَنْ از جَمْلَه مؤمِنانست و هَر كِه اِنْكار كَرْد او نَزِدِ مَنْ از جَمْلَه کافِرانست. یا
مُحَمَّدُ! اِگر آنکه^{۲۳} بِنْدَه ای^{۲۴} از بندگانِ مَنْ آنقدر بَندگی كُنَد تا آنکه گُسَستَه شَوَد

- ۱- فرمود / M ندارد.
- ۲- رسید / در M راه زبر دارد.
- ۳- از یشان / M از ایشان.
- ۴- اسمهای / M اسمهای.
- ۵- جایی / M جائی.
- ۶- تو / در M تاء زبر دارد.
- ۷- و تویی / M توئی.
- ۸- دیگر باره / M دیگر بازَم بان.
- ۹- و / در M زبر دارد.
- ۱۰- بیرون / در M «و» یا: «ن» زبر دارد.
- ۱۱- اسمی / M اسمی.
- ۱۲- اَعْلَى / M عَلی.
- ۱۳- بدرستی / در M سین زبر دارد.
- ۱۴- مِنْ / M ندارد.
- ۱۵- آفریدم / M مِنْ.
- ۱۶- و / در M زبر دارد.
- ۱۷- حُسَین / در M زبر سین اظهار گردیده است.
- ۱۸- اِمَامان / M + و.
- ۱۹- حُسَین / در M زبر سین اظهار گردیده است.
- ۲۰- و لایَت / در M «و» زبر دارد.
- ۲۱- و اَهْل / M و.
- ۲۲- و اَهْل / M و.
- ۲۳- او نزد / در M مکرر نوشته شده است.
- ۲۴- آنکه / M اینکه.
- ۲۵- بنده ای / M بنده.

و برگردد^۱ مثل انبان کهنه پس به نزد من آید و مُکِر باشد ولایت شما را، نیاُمِرمز او را تا آنکه اقرار کند به ولایت شما. یا مُحَمَّد! می خواهی که ایشان را ببینی؟ گفتم: بلی. پس به من گفت که: نَظَر کن از دست^۲ راست عرش. پس نظر کردم؛ دیدم علی و فاطمه و حَسَن و حُسَین و^۳ عَلی بن الحُسَین و محمد بن^۴ علی و جعفر بن^۵ مُحَمَّد و موسی بن^۶ جعفر و عَلی بن^۷ موسی و محمد بن^۸ عَلی و عَلی بن^۹ مُحَمَّد و الحَسَن بن عَلی و^{۱۰} مَهْدی هادی رادر قُضایی^{۱۱} از نور که ایستاده بودند و نماز می گزاردند^{۱۲} و در میان ایشان مَهْدی هادی روشنی می داد که گویا ستاره ایست درخشنده. پس خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - فرمود که^{۱۳}: یا مُحَمَّد! این جماعت حُجَّتْهای مَنَد بر خلق و جانشین تو اند از عترت تو. به عزت من و جلال من که مَهْدی راست حُجَّت واجب از برای دوستان من و انتقام خواهد کشید از دشمنان من و به برکت^{۱۴} ایشان خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - نگاه می دارد آسمانها را که بر زمین نیفتد مگر به اذن او.

رُوی آنکه دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۱۵} - عَلَی مَسْرُورًا مُسْتَبْشِرًا وَ سَلَّمَ عَلَيْهِ فَرَدَّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ^{۱۶} - وَ قَالَ: مَا رَأَيْتُكَ أَقْبَلْتَ عَلَيَّ مِثْلَ هَذَا الْيَوْمِ. فَقَالَ: جِئْتُكَ أَبَشِّرُكَ بِإِعْلَامِ

۱- و برگردد / M ندارد. ۲- دست / M دست.

۳- و / در M زیر دارد. ۴- بن / M ابن.

۵- بن / M ابني. ۶- بن / M ابن.

۷- بن / M ابني. ۸- بن / M ابن.

۹- بن / M ابني. ۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- قُضایی / M قُضای.

۱۲- نماز می گزاردند / M و R نماز می گذارند.

۱۳- که / M ندارد. ۱۴- برکت / در M بآه زیر دارد.

۱۵- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ۱۶- عَلَيْهِ السَّلَامُ / M ع.

أَنَّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ نَزَلَ جَبْرَائِيلُ (ع) وَقَالَ: الْحَقُّ يُفْرُكُ^۱ السَّلَامُ^۲ وَيَقُولُ: بِشْرُ عَلِيٍّ -
عَلَيْهِ السَّلَامُ^۳ - أَنْ شِيعَتَهُ الطَّائِعُ^۴ وَالْعَاصِي مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ. فَلَمَّا سَمِعَ عَلِيٌّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ^۵ -
مَقَالَتَهُ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۶ - خَرَّ لَهُ^۷ سَاجِدًا وَرَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ^۸ اللَّهَ
عَلَيَّ^۹ أَيُّي^{۱۰} وَهَبْتُ لِشِيعَتِي نِصْفَ حَسَنَاتِي فَقَالَ الْحَسَنُ - عَلَيْهِ السَّلَامُ^{۱۱} - بِمِثْلِهَا وَقَالَ
الْحُسَيْنُ - عَلَيْهِ السَّلَامُ^{۱۲} - بِمِثْلِ ذَلِكَ. فَقَالَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۱۳} - مَا أَنْتُمْ بِأَكْرَمَ^{۱۴} مِنِّي.
أَشْهَدُ اللَّهَ عَلَيَّ أَيُّي قَدْ وَهَبْتُ^{۱۵} لِشِيعَتِي^{۱۶} عَلِيٍّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - نِصْفَ حَسَنَاتِي. فَقَالَ اللَّهُ - عَزَّ
وَجَلَّ - مَا أَنْتُمْ بِأَكْرَمَ مِنِّي. قَدْ غَفَرْتُ لِشِيعَةِ عَلِيٍّ (ع)^{۱۷} وَمُحِبِّيهِ^{۱۸} ذُنُوبَهُمْ جَمِيعًا. وَالدَّلِيلُ
عَلَى ذَلِكَ قَوْلُهُ^{۱۹} تَعَالَى: (إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا)^{۲۰} ۲۱. ۲۲.

دیگر^{۲۳} روایتست که روزی رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۲۴} - داخل شد بر حضرت

۱- يُفْرُكُ / در M حرف ماقبل آخر نه نقطه دارد و نه همزه ولی زیر دارد.

۲- السَّلَامُ / در M «م» پیش دارد. ۳- عَلَيْهِ السَّلَامُ / M ع.

۴- الطَّائِعُ / در M عین پیش دارد. ۵- فَلَمَّا / M فَا مَ.

۶- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ۷- عَلِيٍّ / M ع.

۸- أَشْهَدُ / R ننه [كذا] که البته روی آن در R خطی هم زده شده.

۹- أَشْهَدُ / R أَشْهَدُ. ۱۰- عَلِيٍّ / M عَلِيٍّ.

۱۱- أَيُّي / M أَيُّي. ۱۲- عَلَيْهِ السَّلَامُ / M ع.

۱۳- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ۱۴- مَا أَنْتُمْ بِأَكْرَمَ / M ع.

۱۵- بِمِثْلِهَا / در M «م» زیر دارد. ۱۶- وَهَبْتُ / در M تاء زیر دارد.

۱۷- لِشِيعَتِي / M لِشِيعَتِي. ۱۸- مُحِبِّيهِ / M مُحِبِّيهِ. ۱۹- كَذَا / M كَذَا.

۲۰- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۲۱- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ.

۲۲- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۲۳- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ.

۲۴- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۲۵- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۲۶- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ.

۲۷- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۲۸- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۲۹- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۳۰- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۳۱- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۳۲- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۳۳- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۳۴- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۳۵- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۳۶- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۳۷- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۳۸- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۳۹- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۴۰- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۴۱- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۴۲- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۴۳- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۴۴- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۴۵- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۴۶- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۴۷- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۴۸- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۴۹- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۵۰- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۵۱- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۵۲- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۵۳- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۵۴- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۵۵- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۵۶- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۵۷- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۵۸- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۵۹- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۶۰- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۶۱- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۶۲- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۶۳- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۶۴- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۶۵- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۶۶- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۶۷- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۶۸- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۶۹- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۷۰- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۷۱- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۷۲- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۷۳- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۷۴- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۷۵- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۷۶- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۷۷- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۷۸- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۷۹- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۸۰- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۸۱- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۸۲- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۸۳- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۸۴- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۸۵- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۸۶- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۸۷- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۸۸- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۸۹- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۹۰- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۹۱- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۹۲- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۹۳- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۹۴- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۹۵- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۹۶- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۹۷- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۹۸- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۹۹- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ. ۱۰۰- قَوْلُهُ / M قَوْلُهُ.

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ^۱ - خوشحال و خندان و^۲ بر آن حَضَرَتِ سَلام کرد.
 پس حضرتِ اَمیرِ جواب داد و فرمود که: یا رسول الله!^۳ هرگز^۴ خوشحال بر مَن داخل
 نشدی مثلِ امروز. پس پیغمبر (ص) فرمود که: یا عَلی! آمده‌ام^۵ که بشارتِ دهم تو را
 بدان که درین ساعت جبرئیل بر مَن نازل شد^۶ و گفت: خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - سَلامت
 می‌رساند و می‌فرماید^۷ که: بشارت ده عَلِی بنِ اَبی طالب را که شیعیانِ مطیع و^۸ گناهکارِ
 او از^۹ أَهْلِ بَهشتند. پس چون حَضَرَتِ اَمیرِ الْمُؤْمِنین این سخن بشنید به سَجْدَةُ اِلَهِی
 رفت^{۱۰} از رُوی شُکر. پس سر برداشت^{۱۱} به جانبِ آسمان و^{۱۲} گفت: خدای - تَبَارَكَ
 وَتَعَالَى - را بَرِ خود گواه گرفتم که بخشیدم به شیعیانِ خودم نصفِ حَسَناتِ خود را. پس
 حضرتِ اِمَامِ حَسَن (ع) نیز دست برداشت و گفت: خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - را بر خود گواه
 گرفتم که بخشیدم به^{۱۳} شیعَةُ^{۱۴} بِدَرَمِ نَصَفِ حَسَناتِ خود را. پس حضرتِ اِمَامِ حُسَین^{۱۵}
 - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ^{۱۶} - نیز چنین فرمود. پس رسولِ خدا (ص) فرمود که: کَرَمِ شما^{۱۷} بیش^{۱۸}
 از من نیست. من نیز خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - را بر خود گواه گرفتم که بخشیدم به شیعَةُ^{۱۹}

۱- عَلَیْهِ / ندارد. ۲- و / در M زیر دارد.

۳- رسول الله / M + ص. ۴- هرگز / در هاء زیر دارد!

۵- آمده‌ام / M ادمم. ۶- شد / در M شین زیر دارد.

۷- می‌فرماید / M می‌فرمایند. ۸- و / در M زیر دارد.

۹- از / M ندارد. ۱۰- رفت / M افتاد.

۱۱- برداشت / R بر برداشت. ۱۲- و / در M زیر دارد.

۱۳- گفت / M کفَت. ۱۴- شیعیان خودم... بخشیدم به / M ندارد.

۱۵- شیعَةُ / زیر عین در M اِظهار گردیده است.

۱۶- حُسَین / در M زیر سین اِظهار گردیده است.

۱۷- عَلَیْهِ / M ندارد. ۱۸- شما / M ندارد.

۱۹- بیش / M پیش.

۲۰- شیعَةُ / زیر عین در M اِظهار گردیده است.

عَلَىٰ بْنِ^۱ أَبِي طَالِبٍ نَصَفَ حَسَنَاتِ خُودِ رَا. پس جبرئیل آمد^۲ که خدائی - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - می‌فرماید که: شما کریم تر از مَنْ نیستید. بدرستی که آمرزیدم شیعیانِ عَلَیِّ بْنِ^۳ أَبِي طَالِبٍ و دوستانِ آن حضرت را گناهانِ ایشان را تمام. و دلیل برینست قولِ خدائی - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - که ترجمه‌اش اینست که: بدرستی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - می‌آمرزد گناهان را تمام.^۴

وَعَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ^۵ الْأَنْصَارِيِّ عَنِ النَّبِيِّ (ص) فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ يَصِفُ فِيهِ وَفُوعَ النَّطْقَةِ فِي الرَّحِمِ^۶ وَانْتِقَالَ^۷ الْإِنْسَانِ فِي بَدْوِ خَلْقِهِ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ:
فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۸ - فَكَيْفَ حَالُكَ وَحَالُ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَكَ فِي الْوِلَادَةِ^۹? فَسَكَتَ رَسُولُ اللَّهِ^{۱۰} (ص) مَلِيًّا^{۱۱} ثُمَّ قَالَ: يَا جَابِرُ! لَقَدْ سَأَلْتَ عَنْ أَمْرِ جَسِيمٍ لَا يَحْتَمِلُهُ^{۱۲} إِلَّا دُوحٌ عَظِيمٌ. إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَالْأَوْصِيَاءَ مَخْلُوقُونَ مِنْ نُورٍ عَظِيمٍ اللَّهُ - جَلَّ جَلَّالُهُ^{۱۳} - فَودَّعَ^{۱۴} اللَّهُ^{۱۵} أَنْوَارَهُمْ أَصْلَابًا طَيِّبَةً وَأَرْحَامًا طَاهِرَةً يَحْفَظُهَا بِمَلَائِكَتِهِ وَيُرَبِّيهَا بِحِكْمَتِهِ وَيَغْذُوهَا بِعِلْمِهِ فَأَمَرَهُمْ^{۱۶} يَجِلُّ^{۱۷} أَنْ يُوصَفَ وَأَحْوَالُهُمْ يَدْرُقُ أَنْ يُعْلَمَ لِأَنَّهُمْ نُجُومٌ

۱- بن / M ابن. ۲- آمد / در M «م» زیر دارد.

۳- بن / M ابن. ۴- تمام / M ندارد.

۵- عَن جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ / در M دال پیش دارد. ۶- ص / M ندارد.

۷- الرَّحِمِ / در M حاء مجزوم است.

۸- انْتِقَالَ / R انْتِقَالَ. در M حرف یکم زیر دارد.

۹- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / چنین است در M. R. ص.

۱۰- الْوِلَادَةِ / در M «و» زیر دارد. ۱۱- رَسُولُ / در M لام زیر دارد.

۱۲- مَلِيًّا / M مَلِيًّا. ۱۳- يَحْتَمِلُهُ / در M لام زیر دارد.

۱۴- جَلَّالُهُ / M جَلَّالُهُ. ۱۵- اللَّهُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۶- فَأَمَرَهُمْ / M فَأَمَرَهُمْ. ۱۷- يَجِلُّ / M يَجِلُّ.

الله فِي أَرْضِهِ وَأَعْلَامُهُ^۱ فِي بَرِّيَّتِهِ^۲ وَخُلُقَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَأَنْوَارُهُ فِي بِلَادِهِ وَحُجُبُهُ عَلَى خَلْقِهِ يَا جَابِرُ! هَذَا مِنْ مَكْنُونِ الْعِلْمِ وَمَخْزُونِهِ فَاتَّكُمُهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ^۳.

دیگر متفوقست از جابر بن عبدالله الأنصاری از رسول خدا - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ^۴ - در حدیثی طویل که وصف می‌کند در او کیفیت واقع شدن نطفه را در رَجَم و منتقل شدن آدمی در ابتدای حال از حالی به حالی:

پس گفتم: یا رسول الله!^۵ پس چگونه است حالِ تو و حالِ اوصیای^۶ بعد از تو^۷ در ولادت؟ پس رسول خدا - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ^۸ - ساعتی دراز خاموش شد. پس فرمود که: یا جابر! بتحقیق که پُرسیدی از امری عظیم که تابِ آن ندارد و نمی‌تواند یافت مگر کسی که صاحب^۹ بهره عظیم باشد از ایمان. بدرستی^{۱۰} که پیغمبران و اوصیای^{۱۱} ایشان مخلوقند از نورِ عَظَمَتِ خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى. پس خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - نورهای ایشان را جای داد در پشتهای طیب و رَجْمهای طاهر و حفظ می‌کند خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - آن أنوار را به فرشتگانی خود و ایشان را^{۱۲} نشو و نما می‌دهد به حکمت خود و^{۱۳} غذا می‌دهد ایشان را به عِلْمِ خود.^{۱۴} پس کارِ ایشان از آن بالاتر است که وصف توان کرد و^{۱۵} حالاتِ ایشان از آن باریک‌تر است که توان دانست زیرا که ایشان ستارگانِ خداوند

۱- أَعْلَامُهُ / M. أَغْلَامِهِ. ۲- بَرِّيَّتِهِ / M. بَرِّيَّتُهُ.

۳- نگر: کتاب من لایحضره الفقیه، ط. غفاری، ۴/ ۴۱۴ و ۴۱۵.

۴- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M. ص. ۵- رسول الله / M. + ص.

۶- اوصیای / M. اوصیاء. ۷- تو / در M تاء زبر دارد.

۸- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M. ص. ۹- صاحب / M. صاحب.

۱۰- بدرستی / در M دال زبر دارد. ۱۱- اوصیای / M. اوصای.

۱۲- جای داد در... ایشان را / M ندارد. ۱۳- و / در M زبر دارد.

۱۴- خود / M. خَوْد. ۱۵- و / در M زبر دارد.

در زمین و^۱ اِمامانِ خداوند در میانِ خلقِ خدا و جانشینانِ پروردگارند بر بندگانِ او و^۲ اَنوارِ اِلهی‌آند در شهرهایِ او و حُجَّت‌هایِ خداوند بر خلقِ او. یا جابر! این از علومِ پوشیده است و مخزون است نزدِ اهلش. تو نیز بیوشان^۳ این را مگر از کسی که اهلِ این علم باشد.

وَعَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^۴ - أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - جَعَلَ لِأَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَضَائِلَ لَا تُحْصَى كَثْرَةً، فَمَنْ قَرَأَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ مُعْرِضًا بِهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَمَنْ كَتَبَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ^۵ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ مَا بَيْنَ يَدَيْكَ الْكِتَابَةِ رَسْمٌ^۶ وَمَنْ اسْتَمَعَ إِلَى فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالْإِسْتِمَاعِ وَمَنْ نَظَرَ إِلَى كِتَابٍ مِنْ فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اكْتَسَبَهَا^۷ بِالنَّظَرِ. ثُمَّ قَالَ: النَّظَرُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ^۸ عِبَادَةٌ وَ ذِكْرُهُ عِبَادَةٌ وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِسْتِمَاعَ عَبْدٍ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ^۹ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِ^{۱۰}

دیگر^{۱۱} منقولست از رسولِ خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ^{۱۲} - که آن حضرت فرمود که: بدرستی که خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - مُقَرَّر گردانیده است از برای برادرِ مِ عَلِيِّ بْنِ^{۱۳} أَبِي طَالِبٍ فَضَائِلِ^{۱۴}

۱- و / در M زیر دارد.

۲- و / در M زیر دارد.

۳- بیوشان / در M «ن» زیر دارد.

۴- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / ص.

۵- الْمَلَائِكَةُ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۶- رَسْمٌ / در M رَسْمٌ.

۷- بِالْإِسْتِمَاعِ... اِكْتَسَبَهَا / در M ندارد.

۸- أَبِي طَالِبٍ / در M واپسین حرف زیر دارد.

۹- بِوَلَايَتِهِ / در M «و» زیر دارد.

۱۰- نَظَرَ: اُمّالی ی صدوق، ط. مؤسسه النبعة، ص ۲۰۱؛ و: روضة الواعظین، ص ۱۱۴.

۱۱- دیگر / در M بیاض است.

۱۲- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / ص.

۱۳- بن / در M ابن.

۱۴- فَضَائِلِ / در M حرف ماقبل آخر نه نقطه دارد و نه همزه ولی زیر دارد.

بسیار که نمی‌توان شمرد از بسیاری. پس کسی که بخواند فضیلتی از فضایل^۱ علی بن ابی طالب را^۲ و به آن^۳ اقرار داشته^۴ باشد بیمارزد خدای - تبارک و تعالی - گناهانی گذشته و آینده او را و هرکه بنویسد^۵ فضیلتی از فضایل^۶ علی بن ابی طالب را، همیشه فرشتگان از برای او استغفار^۸ کنند تا از آن نوشته اُتری بماند، و هرکه گوش دهد به فضیلتی از فضایل^۹ علی بن ابی طالب، خدای - تبارک و تعالی - بیمارزد از او گناهانی^{۱۱} را که به گوش دادن هم رسانیده باشد^{۱۲}، و هرکه نظر کند به^{۱۳} کتابی از فضایل^{۱۴} علی بن ابی طالب، خدای - تبارک و تعالی - بیمارزد از او^{۱۵} گناهانی را که به دیدن حاصل کرده باشد. پس آن حضرت فرمود که: نظر به روی علی بن ابی طالب کردن، عبادتست^{۱۸}، و یاد او کردن، عبادتست^{۱۹}، و خدای - تبارک و تعالی - قبول نمی‌کند ایمانی بنده را مگر به دوستی آن حضرت و دشمنی دشمنان آن حضرت.

۱- فضایل / در M حرف ماقبل آخر نه نقطه دارد و نه همزه ولی زیر دارد.

۲- را / M ندارد. ۳- به آن / M باو.

۴- داشته / در M زیر تاء اظهار گردیده است.

۵- بنویسد / در M نون زیر دارد.

۶- فضایل / در M حرف ماقبل آخر نه نقطه دارد و نه همزه ولی زیر دارد.

۷- بن / M این. ۸- استغفار / در M راء زیر دارد.

۹- فضایل / M فضایل. ۱۰- بن / M این.

۱۱- گناهانی / در R نخست «گناهان» بوده و سپس با دستکاری به «گناهانی» بدل گردیده است. M گناهان.

۱۲- هم رسانیده باشد / چنین است در M و R.

۱۳- به / زیر باء در M اظهار شده است. ۱۴- فضایل / فضائل.

۱۵- بن / M این. ۱۶- او / M او.

۱۷- بن / M این. ۱۸- عبادتست / M عبادت است.

۱۹- و یاد او کردن عبادتست / M ندارد.

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -^۱: لَوْ أَنَّ الْغِيَاضَ أَقْلَامٌ وَالتَّحَرَ^۲ مِدَادٌ وَالْجَنَّ^۳ حُسَابٌ وَالْإِنْسَ^۴ كُتَّابٌ لَمَا أَحْصَوْا فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ^۵.

و^۶ دیگر منقولست از عبدالله بن عباس^۷ که گفت که: رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -^۸ فرمود که: اگر آنکه نیستانها همه قلم گردند^۹ و^{۱۰} دریاها مرکب گردند و جنیان حساب کنند^{۱۱} گردند و آدمیان نویسند^{۱۲} گردند،^{۱۳} نمی توانند شمرد فضایل^{۱۴} علی بن^{۱۵} ابی طالب را.

ای عزیز! - أَيْدِكَ اللَّهُ تَعَالَى لِمَعْرِفَةِ صِرَاطِهِ الْمُسْتَقِيمِ^{۱۶} - چون شمه ای^{۱۷} از فضایل^{۱۸} آن حضرت استماع نمودی^{۱۹} و اگر چه آنچه مذکور شد^{۲۰} از آنچه^{۲۱} این کثیر التَّقْصِير دیده است قطره ایست از بحرِ عثمان^{۲۲} و آنچه این بنده دیده است نظر به آنچه ندیده است نسبت

۱- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ۲- التَّحَرَ / در M واپسین حرف پیش دارد.

۳- الْجَنَّ / در M نونِ مُشَدَّد پیش دارد. ۴- الْإِنْسَ / در M سین پیش دارد.

۵- ابْنِ / M ابن.

۶- أَبِي طَالِبٍ / در M واپسین حرف تنوین رفع دارد.

۷- نگر: مائة منقبه ي ابن شاذان، ط. أبطحي، ص ۱۷۵ و ۱۷۶ (منقبه ۹۹).

۸- و / در M هست ولی در R نیامده. ۹- بن / R ابن. ضبط متن موافق M است.

۱۰- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ / M ص. ۱۱- گردند / M کردد.

۱۲- و / در M زیر دارد. ۱۳- و آدمیان نویسند گردند / M ندارد.

۱۴- فَضَائِلَ / M فضائل. ۱۵- بن / M ابن.

۱۶- صِرَاطِهِ الْمُسْتَقِيمِ / M صِرَاطِ مُسْتَقِيمِ.

۱۷- شمه ای / M شمه.

۱۸- فَضَائِلَ / در M حرفِ ماقبلِ آخر نه نقطه دارد و نه همزه ولی زیر دارد.

۱۹- نمودی / در M دال زیر دارد. ۲۰- شد / M شد.

۲۱- آنچه / در M «ج» زیر دارد. ۲۲- بحرِ عثمان / M عثمان.

مُتَنَاهِی است^۱ به غیر مُتَنَاهِی، چون چنین است و اِحْصَاءِ فُضَائِلِ^۲ آن حضرت مستنیع است، شروع کرد به مقدمه دیگر در مراتب کمالاتی که انسان کامل را می باشد از آنچه در آیات و احادیث و کلام محققین وارد شده است. و^۳ اگرچه این نیز^۴ به مرتبه ایست که اِحْصَانِی توان کردن ولیکن^۵ به حکم «مَا لَا يُدْرِكُ كُلَّهُ لَا يُتْرَكُ كُلُّهُ»^۶ پاره ای از آن در حَیْرِ تحریر درآورد^۷ که مؤیدِ حَلِّ اِشْكَالَاتِ خطبه شود.

مخفی نماند که به حکم حدیث قدسی سابق مُحرَّر شد^۸ که خدای - نَبَازُكَ وَ تَعَالَى - می فرماید که: مَنْ گنجی بودم مخفی، خواستم که شناخته^۹ شوم، آفریدم خلق را تا شناخته شوم^{۱۰}؛ چنانکه حضرت شیخ^{۱۱} مغربی می فرماید:

عشق پیش از جهان گُن فَبَیْکُون	در سرای مُنَزَّه از چه و چون
بود آزاد از حُدُوث و قِدَم	بود مُسْتَفْنی از ظُهور و بُطُون
با نهاد از حَریم خلوتِ خود	بهر اِظْهَارِ حُسنِ خود بیرون
ساخت معجونی از وجود و عَدَم	دو جهان مُتَنَزَّج از آن معجون

۱- است / M ندارد.

۲- فُضَائِل / در M حرف ماقبلِ آخر نه نقطه دارد و نه همزه ولی زیر دارد.

۳- و / در M زیر دارد. ۴- و / M و نیز این.

۵- این نیز / M ندارد. ۶- ولیکن / در M زیر «و» اِظْهَار شده است.

۷- یُتْرَكُ / در M یاء زیر دارد.

۸- مَثَل و قاعده مشهوری است (نمونه را، نگر: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ط. محمد ابوالفضل ابراهیم، ۷۵/۱۹- که از آن تعبیر به «مَثَل» شده است)؛ به قولی هم حدیث شمرده شده است (نگر: عوالی اللآلی، ۵۸/۴؛ و: کشف الخفاء عجلونی، ط. خالدی، ۱۷۶/۲).

۹- درآورد / در M زیر راه اِظْهَار گردیده است.

۱۰- شد / M شد. ۱۱- شناخته / زیر تاء در M اِظْهَار شده است.

۱۲- آفریدم... شوم / M ندارد. ۱۳- شیخ / M ندارد.

۱۴- و / در R نیامده است.

جامع ذلّ و عِزّ و فقر و غنا
 بر جهان و جهانیان پاشید
 و دیگر می‌فرماید:^۳

پیشتر از ظهورِ پرده کَوْن
 داشت اندر فضایِ خود طَیْران
 کُلّ صَدَبَرگِ حُسنِ دوست نداشت
 بود سلطانِ عشقِ او دایم^۴
 نیازِ او را نیاز می‌بایست
 طاقِ ابروش سجده می‌طلبید^۵
 حُسنِ معشوق عاشقی می‌جست^۶
 زانکه در ذلِّ اوست این را عِزّ
 به گدایست^۷ پادشه پیدا
 و از خَلایق غیرِ انسان^۸ را قابِلِیّتِ معرفّت نبود - چنانکه در مَقْطَعِ خود مُبَرّهَن شده

شاملِ عِلْم و جَهْل و عَقْل و جُنُون^۱
 در خزاینِ هَر آنچه بُد مَخْزُون^۲

عشق در پرده بود پرده‌نواز
 بودش اندر هوایِ خود پرواز
 عندلیبی که تا نوازَد ساز
 مُتَنَکّی^۵ بر چهاربالش ناز
 ناگزیرست ناز را ز نیاز
 قَامَش بود مَسْحَقِ نماز^۷
 بیدلی خواست دَلِیْر^۹ طَنَاز
 زآنکه در سوزِ اوست وی را ساز
 به نشیست سَر بُلند قَرار^{۱۱}

۱- جُنُون / M چنان.

۲- با قدری تفاوت آمده است در: دیوانِ شمسِ مغربی، ط: اسلامیّه، ص ۱۲۸، ۱۲۹.

۳- می‌فرماید / M + نظم.

۴- دایم / در M حرفِ ماقبلِ آخر نه نقطه دارد و نه همزه.

۵- مُتَنَکّی / M ملمکنی. ۶- می‌طلبید / M طلبید.

۷- نماز / در M زای زیر دارد. ۸- می‌جست / در M سین زیر دارد.

۹- دَلِیْر / M دَلِیْر.

۱۰- به گدایست / R بکدائِست (البته حرفِ بعد از اَلِف هیچ نقطه یا نشانی ندارد). M بکدائِست.

۱۱- با تفاوت در ضبط آمده است در: دیوانِ شمسِ مغربی، ط: اسلامیّه، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.

۱۲- انسان / حرفِ پایانی در M زیر دارد.

است^۱، لهذا پیش از آنکه او را ایجاد کنند^۲ چون ملایک^۳ از سَبَبِ آفریدنِ انسان و استخلافِ او در زمین از ایزد مُتعال^۴ - تَقَدَّسَتْ أَشْأَاؤُهُ وَ تَظَاهَرَتْ أَلَاؤُهُ - استفسار نمودند حضرتِ عزّت - ثَمَّالِ شَأْنُهُ^۵ - اَوَّلًا ایشان را تعلیم فرمود که بندگان را لایق آنست که آنچه حکیمِ علیم کند بدانند که در آن حکمتی^۶ عظیم هست اگرچه افهامِ ایشان از إدراکِ آن قاصر باشد، و ثانیاً به ایشان فهمانید که سَبَبِ اختیارِ انسان و فضیلتِ او برِ ایشان^۷ آنست که انسان را قابِلِیَّتِ^۸ عِلْم و مَعْرِفَت بر وَجِه کمال هست و ایشان را نیست و شک نیست که هریک از افرادِ انسان را قابِلِیَّتِ مرتبه‌ای از مراتبِ کمال هست^۹ و^{۱۰} آن بعد از ریاضاتِ بسیار و مجاهداتِ^{۱۱} بیشمار حاصل می‌گردد^{۱۲} و اگرچه به حَسَبِ^{۱۳} استعداداتِ ذاتی هریک به مرتبه [ای] می‌رسند^{۱۴} فَوَقِ^{۱۵} دیگری^{۱۶} به تَفْضُلِ^{۱۷} حضرتِ باری تعالی چنانکه منقولست که: كُلُّ^{۱۸} مُيَسَّرٌ لِّمَا خُلِقَ لَهُ،^{۱۹} یعنی: هر کس^{۲۰} را آسانست رسیدن به مرتبه [ای] که از برایِ آن مرتبه مَخْلُوق

۱- است / M ندارد.

۲- کنند / در R «کند» بوده و با دستکاری به «کنند» بدّل گردیده است.

۳- چون ملایک / M ملایق.

۴- مُتعال / در M لام زیر دارد.

۵- شَأْنُهُ / M شَأْنُهُ.

۶- حکمتی / در M حاء زیر دارد!

۷- برِ ایشان / M بر ایشان.

۸- قابِلِیَّتِ / در M باء نیز زیر دارد!

۹- و ایشان را نیست... هست / M ندارد.

۱۰- و / در M زیر دارد.

۱۱- مجاهدات / M مجامدها.

۱۲- می‌گردد / M می‌کرد.

۱۳- حَسَبِ / زیر سین در M اظهار شده است.

۱۴- می‌رسند / زیر راء و سین در M اظهار گردیده است.

۱۵- فَوَقِ / زیر فاء در M اظهار گردیده است.

۱۶- دیگری / M ندارد.

۱۷- تَفْضُلِ / M تفضیل.

۱۸- كُلُّ / در M لام مُشَدَّد پیش دارد.

۱۹- لَهُ / در M نیامده است.

۲۰- هر کس / در R «هر کسی» بوده و با دستکاری به «هر کس» بدّل ساخته شده یا

شده‌اند، و «فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ»^۲ و «مَا مِثْلًا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ»^۳ و^۵ از مضامینِ احادیثِ سابقِ مُستفاد گشت^۶ و^۷ احادیثِ مُتواتر^۸ برین معنی شاهد^۹ است که خدای - تبارک و تعالی - دمیان را و استعداداتِ ایشان را مختلف^{۱۰} آفریده‌ست ولیکن^{۱۱} همه را قابلیت^{۱۲} داده است که درخورِ آن قابلیتِ تحصیلِ کمالی بکشند و^{۱۳} بیش از آن مرتبه از او^{۱۴} نطلبیده است، و این ظلم نیست، بلکه عینِ عدالت و^{۱۵} حکمتست و^{۱۶} حصولِ این کمالات^{۱۷} به عبادات و^{۱۸} مجاهدات می‌شود چنانکه در کلامِ مجیدِ ربّانی واقع است^{۱۹} که: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^{۲۰} و^{۲۱} یعنی: نیافریدم جنیان و آدمیان را مگر از برای آنکه عبادت کنند مرا. و در حدیثِ قدسی از طُرُق^{۲۲} عامّه و خاصّه^{۲۳} وارد شده است که رسول^{۲۴} خدا - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ - فرمود

-
- بِالْعَكْسِ. ضبطِ متن موافق M است. ۱- کُلِّ / M کُلِّ.
- ۲- قرآنِ کریم: س ۱۲، ی ۷۶. ۳- مَعْلُومٌ / M ندارد.
- ۴- قرآنِ کریم: س ۳۷، ی ۱۶۴. ۵- و / در M زیر دارد.
- ۶- گشت / در M شین زیر دارد. ۷- و / در M زیر دارد.
- ۸- متواتر / M تره [!]. ۹- شاهد / M شاهد.
- ۱۰- مختلف / در M فاء زیر دارد. ۱۱- ولیکن / حرفِ یکم در M زیر دارد.
- ۱۲- قابلیت / در M باء زیر دارد. ۱۳- و / در M زیر دارد.
- ۱۴- از او / M ازو. ۱۵- و / در M زیر دارد.
- ۱۶- و / در M زیر دارد. ۱۷- کمالات / M کلمات.
- ۱۸- و / در M زیر دارد. ۱۹- واقع است / M واقعست.
- ۲۰- الْإِنْسَ / در M سین زیر دارد. ۲۱- لِيَعْبُدُونِ / R لِيَعْبُدُونِ. M لِيَعْبُدُونِ.
- ۲۲- قرآنِ کریم: س ۵۱، ی ۵۶. ۲۳- طُرُق / M طرقة.
- ۲۴- عامّه و خاصّه / در M میم و صاد زیر دارد. ۲۵- رسول / M + که رسول.
- ۲۶- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ / M ص.

که: لَمَّا أُسْرِیَ بِي قُلْتُ: يَا رَبِّ! مَا حَالُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَكَ؟ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ! مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمَحَارَبَةِ وَأَنَا أُسْرَعُ شَيْءٍ إِلَى نُصْرَةِ أَوْلِيَائِي وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي عَنْ وَقَاتِ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ^۲ وَأَكْرَهُ مَسَائِلَهُ وَإِنْ مِنْ عِبَادِي^۳ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُضْلِحُهُ^۴ إِلَّا الْفَقْرُ وَلَوْ صَرَفْتُهُ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ لَهْلَكَ وَمَا يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ^۷ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ^۸ إِلَيَّ بِأَنْثَا فِلَةٍ حَتَّى أُجِيبَهُ^۹ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ^{۱۰} كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا. إِنْ^{۱۱} دَعَانِي أَجِبْتُهُ^{۱۲} وَإِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ^{۱۳}.

آن حضرت می فرمایند: شیئی که مرا به عالم بالا بُردند گفتیم: پروردگارا! حالِ مؤمن نزد تو چوَنست؟ خطاب از حضرتِ رَبِّ الْعَزَّة رسید^{۱۵} که: یا محمد! حالِ مؤمن نزد من آنست^{۱۶} که هر که خوار گرداند دوستِ مرا چنانست که با من جنگ کرده است^{۱۷} و من زودتر از همه کس^{۱۸} یاری می دهم^{۱۹} دوستانِ خود را و دیگر حالِ مؤمن آنست که من

۱- رَبِّ / M رَبِّ. ۲- الْمَوْتُ / در M تاء زیر دارد.

۳- عِبَادِي / زیر یاء در M اظهار شده است.

۴- يُضْلِحُهُ / M يُضْلِحُهُ. ۵- الْفَقْرُ / M الْفَقْرُ.

۶- أَحَبَّ / R أَحَبُّ. ضبط نص، موافق M است.

۷- افْتَرَضْتُ / در M تاء زیر دارد. ۸- لَيَتَقَرَّبُ / در M لام زیر دارد.

۹- أُجِيبُهُ / R أُجِيبُهُ. در M، باء، تشدید دارد و بس.

۱۰- أَحْبَبْتُهُ / در M تاء زیر دارد. ۱۱- إِنْ / M إِنْ.

۱۲- أَجِبْتُهُ / M أَجِبْتُهُ. ۱۳- أَعْطَيْتُهُ / در M تاء زیر دارد.

۱۴- نگر: الکافی، ط. غفاری، ۲/ ۳۵۲ و ۳۵۳.

۱۵- رسید / در M سین زیر دارد. ۱۶- آنست / M اینست.

۱۷- جنگ کرده است / M کرده است. ۱۸- کس / M کِس.

۱۹- می دهم / زیر دال در M اظهار گردیده است.

تَرَدُّد ندارم در هر چیز که می‌کنم مِثْلِ تَرَدُّدِی که دارم در میرانیدنِ بَسَندهٔ مؤمن که او نمی‌خواهد مرگ را و من نمی‌خواهم که او آزرده شود؛ و دیگر^۱ آنکه بعضی از بندگان مؤمن هستند که صلاحِ حالِ ایشان نیست مگر در توانگری و اگر او را از آن حال به حالی دیگر گردانم هر آینه هلاک شود، و بعضی از بندگان مؤمن من^۲ هست^۳ که صلاحِ حالِ او نیست مگر در فقر و اگر بگردانم او را به غیر آن هر آینه هلاک شود؛ و دیگر آنکه نزدیک نمی‌گردد به من بنده [ای]^۴ از بندگان^۵ من به چیزی که دوست تر باشد به نزد من از آنچه بر وی واجب گردانیده‌ام و بعد از قُرب به فرایض^۶ بدرستی که نزدیک می‌گردد به سویی من به سببِ کردنِ سَنَیها تا به مرتبه‌ای که من دوست دارم^۷ او را. پس چون من دوست او شدم خواهم بود به منزله^۸ گوشِ او که به من شنوا باشد و به منزله^۹ دیدهٔ او که به من بینا باشد و به منزلهٔ زبانی او که به من گویا باشد و به منزلهٔ دستِ او که به^{۱۰} من روان باشد و اگر بخواند مرا^{۱۱} اجابت^{۱۲} می‌کنم او را و اگر سؤال کند مرا عطا می‌کنم او را.

و برین مضمون احادیث از طُرُق^{۱۳} شیعه و^{۱۴} سنی بسیار وارد شده است. به همین اکتفا کردیم.

- | | |
|--------------------------------|--|
| ۱- و دیگر / M و ذِیکر. | ۲- و / در M زیر دارد. |
| ۳- من / M ندارد. | ۴- هست / M هستند. |
| ۵- و / در M زیر دارد. | ۶- هر آینه / M ندارد. |
| ۷- و / در M زیر دارد. | ۸- بنده‌ای / M ندارد. |
| ۹- بندگان / در M دال زیر دارد. | ۱۰- فرایض / M فرایض. |
| ۱۱- دوست دارم / R دوستدارم. | ۱۲- منزله / در M زای زیر دارد. |
| ۱۳- منزله / در M زای زیر دارد. | ۱۴- به / در M زیر باءِ اظهار گردیده است. |
| ۱۵- و / در M زیر دارد. | ۱۶- اجابت / M اجابتِ اجابت. |
| ۱۷- طُرُق / M طرفه. | ۱۸- و / در M زیر دارد. |

ای عزیز! نیکو تأمل^۱ کن در معنی این حدیث و ملاحظه^۲ نما که یک مرتبه خدای
 -تَبَارَكَ وَتَعَالَى- او را به منزله^۳ خود گردانید و خواری مؤمن را به منزله^۴ حَرْبِ^۵ خود
 گردانید چنانکه اگر کسی محبوب کسی را اندک آزار دهد مُحِبِّ او را صد هزار آزار^۶
 داده است و^۷ اگر چه ذاتِ مقدسِ مُتَعَالِ^۸ -عَزَّ شَانَهُ- از آن برتر است که او را
 خُشْنودی^۹ یا آزاری که از صفاتِ مخلوقست عارض گردد و دیگر آنکه خود را به
 منزله^{۱۰} متردّد^{۱۱} گردانید^{۱۲} هر چند آن حضرت -تَبَارَكَ وَتَعَالَى- از آن^{۱۳} منزّه است که او را
 تَرَدُّد باشد، بلکه بر مقتضایِ مَصْلَحَتِ^{۱۴} حُکْمِ او جاریست -تَعَالَى شَانَهُ- و^{۱۵} گویا معنیش
 آنست که: اگر مَنْ تَرَدُّد می‌کردم در چیزی هر آینه تَرَدُّد می‌کردم در میرانیدنِ بنده مؤمن،
 و^{۱۶} یا آنکه خود را به منزله متردّد گردانید در آزار رسانیدن به مؤمن چنانکه پدرِ مُشْفِق
 و مادرِ مهربان هرگاه خواهند به فرزندِ خود نشتی^{۱۷} زنند^{۱۸} که سببِ حیاتِ او باشد از
 جهتِ غلبه^{۱۹} خون، مُتَرَدِّدند؛ گاهی ملاحظه^{۲۰} نفعِ دایمی می‌کنند و اِرادَةُ قَصْد می‌نمایند

۱- تأمل / تأمل. ۲- ملاحظه / در M حرفِ یکم زیر دارد.

۳- منزله / منزله. ۴- منزله / در M زای زیر دارد.

۵- حَرْب / حَرْب. ۶- آزار / در M راء زیر دارد.

۷- و / در M زیر دارد. ۸- مُتَعَالِ / M متعالی.

۹- خُشْنودی / M خوشنودی. ۱۰- منزله / در M زای پیش دارد.

۱۱- متردّد / R متردّد. ۱۲- گردانید / M گردانیده.

۱۳- آن / در M «ن» زیر دارد. ۱۴- مَصْلَحَت / در M صاد و حاء زیر دارد.

۱۵- و / در M زیر دارد. ۱۶- و / در M زیر دارد.

۱۷- نشتی / در R دو نقطه نیز زیر شین به نظر می‌رسد ولی ای بسا لگّه باشد و بس چرا که

جُز دندانه «ن» هیچ دندانه دیگری ندارد. ۱۸- زنند / در M دال زیر دارد.

۱۹- غلبه / در M باء هم زیر دارد و هم زیر.

۲۰- ملاحظه / حاء در M زیر دارد.

و گاهی ملاحظه^۱ آزار فرزند می نمایند و از آن معنی بازمی ایستند^۲ از جهت محبت؛ بخلاف فساد^۳ که او را این تردّد^۴ نیست از جهت عدم محبت؛ و این معنی مؤید^۵ معنی محبوبیت است. و^۶ آنکه درین^۷ حدیث وارد شده است که مؤمن نمی خواهد^۸ مرگ را با آنکه^۹ در قرآن مجید و احادیث بسیار وارد شده است که دوستان او خواهان مرگند و اگر نه اجل مقرر باشد، یک چشم زدن قرار نمی گیرد و روحهای ایشان در بدنهای ایشان^{۱۰}، محمول بر آنست که نخواستن ایشان مرگ را از جهت تحصیل سعادات^{۱۱} و زیادتِ طاعات و عباداتست که سبب علو درجات ایشان شود و به نهایت مرتبه خود برسند، و چون نمی دانند که دیگر بودن ایشان از برای ایشان^{۱۲} نفع ندارد و رفتن از برای ایشان^{۱۳} بهتر است ازین جهت نمی خواهند مرگ را، و اگر نه از جهت رسیدن به مطلوب، مُردن^{۱۴} عین مطلوب ایشانست^{۱۵}. و دیگر آنکه حضرت عزّت - ثانی شانه - با ایشان لطف می کند به آنچه صلاح حال ایشان در آنست؛ بعضی را به فقر سرافراز می گرداند و ایشان به آن افتخار می کنند^{۱۶} بر عالمیان، و بعضی را به توانگری غنی می گرداند و ایشان اموال خود را در راه آن حضرت اینار می کنند. و^{۱۷} دیگر شانی و مرتبتی^{۱۸} که از

۱- ملاحظه / جاء در M زیر دارد. ۲- بازمی ایستند / M باز ایستند.

۳- فساد / M فساد. ۴- تردّد / M تردّد.

۵- مؤید / M مؤید. ۶- در / در M زیر دارد.

۷- درین / M در این. ۸- نمی خواهد / در M دال زیر دارد.

۹- با آنکه / M با آنکه.

۱۰- سنج: شرح خطبة متقین مجلسی اول، ص ۷۴.

۱۱- سعادات / M سعادات. ۱۲- ایشان / در M «ن» زیر دارد.

۱۳- نفع ندارد و رفتن از برای ایشان / M ندارد.

۱۴- مُردن / M مُردی. ۱۵- ایشانست / M ایشان است.

۱۶- می کنند / M می کند. ۱۷- و / در M زیر دارد.

۱۸- مرتبتی / R مرتبه. ضبط نص موافق M است.

برایِ مؤمن مُقَرَّر ساخت، مرتبهٔ قُرب آن حَضَرَت به فَرایض^۱ و نوافل است^۲ که در قُربِ فَرایض^۳ مرتبهٔ مُجَبِّت^۴ حاصل می‌گردد و در قُربِ نوافل مرتبهٔ محبوبیت^۵ و چون معنی قُرب، غُوضی دارد، ناچار است از آنکه آن^۶ را توضیحی داده شود:

بدان که ذاتِ مقدّسِ متعال - غُزَّائِه - از شایبهٔ قُربِ مکانی مُنَزَّه و^۷ مُبَرَّاست، چرا که قُربِ مکانی متضمّن کون در مکان است و آن مُسْتَلَزِمِ احتیاج است و احتیاج مُسْتَلَزِمِ امکان است^۸ و امکان^۹ مُنافیِ وُجوبِ وجود؛ چنانکه عارفِ ربّانی، حکیم سنایی^{۱۰} - قُدّس سرّه^{۱۱} - می‌فرماید:

با مکان آفرین مکان چه کند؟ آسمانگر خود آسمان چه کند؟
کی مکان باشدش زبیش و^{۱۲} ز کم که مکان خود مکان ندارد هم
آسمان دی نبود امسروزست باز قَردا نباشد او نوزست^{۱۳}

پس بدان که معنی قُرب به لسانِ اُرباب^{۱۴} التَّحْقِيقِ و العرفان^{۱۵} آنست که چون مُبَيَّن شد که: غَرَض از خَلْقِ عَالَمِ علوی و سفلی^{۱۶}، اِیْجَادِ اِنْسَانِ کامل است^{۱۷} چرا که او^{۱۸} مظهرِ جمیعِ صفات^{۱۹} جَمال و جَلال^{۲۰} دارد بخلافِ باقیِ مظاهر که هریک^{۲۱} مظهر

- ۱- فَرایض / M فَرایض.
۲- نوافل است / M نوافلست.
۳- فَرایض / M فَرایض.
۴- مُجَبِّت / M محبت.
۵- و / در M زیر دارد.
۶- آن / M او.
۷- و / در M زیر دارد.
۸- امکان است / M امکانست.
۹- امکان / در M میم زیر دارد.
۱۰- سنایی / M سنایی.
۱۱- قُدّس سرّه / M قدس سرّه.
۱۲- و / در M زیر دارد.
۱۳- نوز / M و R نور.
۱۴- اُرباب / بای پایانی در M زیر دارد.
۱۵- العرفان / در M «ن» زیر دارد.
۱۶- سفلی / در M سین زیر دارد.
۱۷- کامل است / M کاملست [کذا].
۱۸- او / M ندارد.
۱۹- صفات / در M تاء زیر دارد.
۲۰- جَلال / در M حرفِ پایانی زیر دارد.
۲۱- هریک / زیرِ باء در M اِظهارِ گردیده است.

بعضی از اُسما و صفاتند چنانکه در کلام مجید ربّانی واقعست: ﴿سُرِّبَهُمْ آيَاتِنَا ۚ فِى الْاَفَاقِ وَ فِى اَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَبَيِّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ ۚ اَوْ لَمْ يَكُنْ بِرَبِّكَ اَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۚ اَلَا اِنَّهُمْ فِى مِرْيَةٍ مِّنْ لِّقَاءِ رَبِّهِمْ اَلَا اِنَّهُمْ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ ۚ﴾^۲

تفسیر این آیت^۲ چنانکه محققان ذکر کرده‌اند - وَ لََّهٗ اُنْزِلَ - آنست که زود باشد که^۳ بنمائیم ایشان را آیات و علاماتِ خداوندی خود را در آفاق که عالمِ کبیر است و دَر اَنْفُسِ ایشان که عالمِ صَغیر است تا^۴ ظاهر گردد ایشان را که اوست واجب‌الوجود^۵. آیا کافی نیست پروردگارِ تو آنکه او بِر همه چیز گوا هست و حاضر؟ یعنی ذاتِ او در ظهور به مرتبه‌ایست که اَشیا به آن ظهور دارند؛ چه احتیاج دارد به دلیل تا آنکه اَشیا دلیل ظهور او باشند؟ بدرستی که ایشان در شک اند از لقای پروردگارِ خود. بدرستی که او به همه چیزها إحاطه کرده است به إحاطه‌ای که عَقْل به آن راه ندارد - چنانکه شیخ محمود^۶ - قُدِّسَ بِرُّه - می‌فرماید:

ظهورِ جمله اَشیا به ضِدست	ولی حق را نه مانند و نه نِدست
جو ^۹ نبود ذات حق را شبه و ^{۱۰} همتا	ندانم تا چگونه داند او را
جو ^{۱۱} آیاتست روشن‌گشته از ذات	نگردد ذات او روشن ز آیات
همه عالم به ^{۱۲} نورِ اوست پیدا	کجا او گردد از عالم هویدا؟
جهان جمله فروغِ نورِ حق دان	حق اندر وی ز پیدائست پنهان ^{۱۳}

۱- اِنَابَاتِنَا / M آیَاتِنَا. ۲- مُحِيطٌ / M مُحِيطٌ.

۳- قرآن کریم: س ۴۱، ی ۵۳ و ۵۴. ۴- آیت / R آیه. M آیه.

۵- زود باشد که / در M مکرّر نوشته شده است.

۶- تا / M یا. ۷- واجب‌الوجود / در M باء زیر دارد.

۸- مُراد شیخ محمود شبستری (ف: ۷۴۰ ه. ق.) است.

۹- جو / M چه. ۱۰- و / در M نیامده است.

۱۱- جو / M چه. ۱۲- به / M ز.

۱۳- نگر: مجموعه آثار شیخ محمود شبستری، ص ۷۰ و ۷۱. (بخشی گلشن راز)

و^۱ دیگر ایزد متعال - جَلَّ جَلَّاهُ^۲ - می فرماید که: ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾^۳ یعنی: بدرستی^۴ که ما عرض کردیم بارِ امانت را بر آسمانها^۵ و زمینها^۶ و کوهها^۷ یا بر ساکنانِ اینها؛ پس ایشان اِیا کردند که این بار را بردارند و ترسیدند و برداشت او را آدمی. بدرستی^۸ که او بسیار ستمکارست^۹ و بسیار نادان.

و در تفسیر «امانت» اختلاف بسیار واقع^{۱۰} شده است ولیکن آنچه^{۱۱} أَكْثَرُ أَهْلِ عِرْفَانِ بر آنند آنست که مراد ازین^{۱۲} «بارِ امانت» مَرْتَبَةُ جَامِعِيَّتِ است که عالمِ علوی و سفلی^{۱۳} را قابِلِيَّتِ این مرتبه نبود^{۱۴} چنانکه بعضی از مُحَقِّقَانِ^{۱۵} فرموده اند که: حَقٌّ - شُبْحَانَهُ وَتَعَالَى - بر أَهْلِ آسْمَانِ^{۱۶} و زمین و جبال^{۱۷} عَرْضِ فرمود و^{۱۸} اِیا کردند از حَمَلِ آن به جَهْتِ عَدَمِ استعداد و چون انسان را استعدادِ حَمَلِ آن بود بی مضایقه و مبالغه قبول نمود و او ظَلُومِست بر نفسِ خود که اِفتِنایِ ذاتِ خود می کند در هوِیَّتِ مطلقه و جَهْلِست^{۱۹} که غیرِ حَقِّ را نمی شناسد یا ظَلُومِست به واسطه^{۲۰} استیلایِ قُوَّتِ غضبی و جهولت به حسبِ غلبه^{۲۱} قُوَّتِ شهوانی و آدمی به قُوَّتِ عقلی این دو قُوَّتِ را از تعدی نگاه می دارد و بر

۲- جَلَّاهُ / M و جَلَّاه.

۱- و / در M زیر دارد.

۴- قرآنِ کریم: س ۳۳، ی ۷۲.

۳- إِنَّهُ / M إِنَّهُ.

۶- آسمانها / M اِسمَانَهَا.

۵- بدرستی / در M دال زیر دارد.

۸- بدرستی / M بِدُرُستِی.

۷- و / در M زیر دارد.

۱۰- واقع / M ندارد.

۹- ست / M است.

۱۲- ازین / M از اِیْنِ.

۱۱- آنچه / M آنکه.

۱۴- نبود / در M «و» زیر دارد.

۱۳- سفلی / M سَفَلِی.

۱۶- آسمان / M اِسمَانِ.

۱۵- مُحَقِّقَانِ / M مُحَقِّقِینِ.

۱۸- و / در M زیر دارد.

۱۷- و جبال / M وَ خِیَالِ.

۲۰- به واسطه / M بِوَاسِطِهِ.

۱۹- جَهْلِست / M جَهْلِست.

۲۱- غلبه / در M بَاءِ زیر دارد.

طریقه اعتدال^۱ می‌آورد و مستجمع جمیع صفات کمال می‌گردد. و ارباب عرفان را در تفسیر این آیت^۲ تحقیقات لطیف هست که اینجا مقام آن نیست؛ و الله اعلم بحقایق^۳ الأمور.

دیگر در حدیث قدسی واردست^۴ که خدای - تبارک و تعالی - می‌فرماید که: لَا يَسْعُنِي^۵ أَرْضِي وَلَا سَمَائِي وَلَكِنْ يَسْعُنِي قَلْبُ عَبْدِي^۶ الْمُؤْمِنِ^۷؛ یعنی: وسعت و گنجایش من ندارد عالم سفلی^۸ و نه عالم علوی، و لکن وسعت و گنجایش دارد مرا دل بنده مؤمن^۹. و چنانکه حضرت امیرالمؤمنین و امام المتقین و لسان رب العالمین^{۱۰} می‌فرماید که:

و تَحْسَبُ أَنَّكَ^{۱۱} جِزْمٌ صَغِيرٌ وَ فِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ
وَ أَنْتَ الْكِتَابُ الْمُيِّنُ الَّذِي بِأَحْرُفِهِ يَظْهَرُ الْمُضْمَرُ^{۱۲}

یعنی: تو می‌پنداری^{۱۳} که کوچکی چون جزم^{۱۴} تو^{۱۵} حال آنکه در تو پنهان است عالم اکبر^{۱۶} یعنی هرچه در آفاقست در نفس تو از آن نمونه‌ای^{۱۷} هست - و تحقیق این

۱- اعتدال / در M لام زیر دارد. ۲- آیت / M ایه.

۳- بِحَقَائِقِ / R بحقایق. ۴- واردست / M وارد است.

۵- يَسْعُنِي / M يَسْعُنِي. ۶- عَبْدِي / M عَبْدِي.

۷- به عنوان حدیث قدسی آمده است در M.

۸- عالم سفلی / M ندارد.

۹- بنده مؤمن / چنین است در R و M؛ و البته درست و دقیق آن بود که «عبدی المؤمن» به «بنده مؤمن من» ترجمه شود. ۱۰- رَبِّ الْعَالَمِينَ / در M «ن» زیر دارد.

۱۱- أَنَّكَ / در M حرف یکم هم زیر دارد و هم زیر.

۱۲- با تفاوت ضبط آمده است در: شرح فصوص الحکم قیصری، ص ۹۱.

۱۳- می‌پنداری / M پنداری. ۱۴- تو / M تُو.

۱۵- و / در M زیر دارد.

۱۶- نمونه‌ای / R نمونه. M موافق ضبط متن ماست.

معنی در کُتِبَ اَهلِ عرفان مُبِین است - و تویی^۱ کتابِ مُبِینی که به حَرَفهایِ خود ظاهر می‌گرداند پنهان را یعنی آنچه خدای - تبارک و تعالی - می‌فرماید که: ﴿وَلَا رُطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾^۲ یعنی: نیست تر و خشکی مگر آنکه در کتابِ مُبِین هست. و در جایی^۳ دیگر می‌فرماید که: وَمَا يَغْرُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ^۴، یعنی: پنهان نیست از او هم‌سنگینی ذره‌ای^۵، نه در زمین^۶ و نه در آسمان^۷ و نه کوچک‌تر و^۸ نه بزرگ‌تر مگر آنکه در کتابِ مُبِین مسطور^۹ است. و مفسران را در تفسیرِ «کتابِ مُبِین» خلافت. بعضی گفته‌اند: مراد از آن نوح محفوظ است،^{۱۰} و بعضی گفته‌اند که: قرآن مجید است چنانکه در احادیثِ اَهلِ بیت واقع است^{۱۱} که عِلْمِ ما کان و ما^{۱۲} یكون تا روزِ قیامت همه در قرآن هست ولیکن عَقُولِ مردمان از رسیدن به کُنهِ آن عاجز است و^{۱۳} اَهلِ بیت - صَلَوَاتُ الله عَلَیْهِمُ أَجْمَعِينَ - به آن عالمند چنانکه - إِنْ شَاءَ الله - در مبحثِ عِلْمِ ایشان خواهد آمد مبسوط، و بعضی گفته‌اند که: مراد از آن حقیقتِ جامعۀ محمدیۀ^{۱۴} است - صَلَوَاتُ الله وَسَلَامُهُ عَلَیْهِ - که مستجمعِ جَمِیعِ صفاتِ جَمال و^{۱۵} جَلال بود که با او خطاب کردند که^{۱۶}: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ

۱- تویی / M تویی. ۲- قرآنِ کریم: س ۶، ی ۵۹.

۳- جایی / چُنْین است در M. R. جای.

۴- ظاهراً در اینجا دو آیه از قرآنِ کریم (س ۱۰، ی ۶۱؛ س ۳۴، ی ۳) در حافظۀ مانتِ خَلَط شده است. ۵- ذره‌ای / M ذره.

۶- زمین / M آسمان. ۷- آسمان / M زمین.

۸- و / در M زیر دارد. ۹- مسطور / در M راء زیر دارد.

۱۰- است / M ست. ۱۱- واقع است / M واقعست.

۱۲- ما / M ندارد. ۱۳- و / در M زیر دارد.

۱۴- محمدیۀ / R محمدیۀ. ضبطِ نص، موافقِ M است.

۱۵- و / در M زیر دارد. ۱۶- که / M ندارد.

عَظِيمِ)؛^۱ و حضرت می‌فرماید که: مراد از کتابِ مبین حقیقهٔ جامعۀ انسانیست که بدنِ او را نسخهٔ مجموعهٔ موجوداتِ عالمِ سفلی^۲ کرده‌اند و او من حیث البدن مایلیست به عالمِ سفلی^۳ و صفاتِ ذمیعه که سیاح^۴ و بهایم و غیر^۵ ایشان را می‌باشد و من حیث الرّوح مایلیست^۶ به عالمِ علوی^۷ و اتّصاف به صفاتِ^۸ الهی و او را مرتبۀ^۹ جامعیت حاصلست چنانکه منقولست از حضرتِ امام به حق ناطق، جعفر بن^{۱۰} محمد الصادق - صَلَوَاتُ اَللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلَیْهِمَا - در حدیثی طویل که مُجْمَلی^{۱۱} از مضمونِ آن اینست که: خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالٰی - عقل را آفرید از نورِ خود و آن خلقِ اوّل بود از روحانیان^{۱۲} و او را فرمود که: برو، رفت. و فرمود که: بیا، آمد^{۱۳}. پس حق - سُبْحَانَهُ وَتَعَالٰی - فرمود که: من آفریدم تو را خَلَقْتُ عَظِيمِ^{۱۴} و تفضیلِ دادم تو را بر جمیعِ خَلْقِ خودم. پس جهل را آفرید. فرمود که: برو، رفت. و فرمود که: بیا، نیامد^{۱۵}. خطابِ آن حضرت رسید که: تکبّر کردی، لعنت بر تو باد! پس از برای عقلِ هفتاد و پنج لشکر مُقَرَّر فرمود. پس چون جهل^{۱۶} دید عَطَايِ الهی را

۱- قرآن کریم: س ۶۸ ی ۴. ۲- سفلی / در M سین پیش دارد.

۳- کرده‌اند... سفلی / M ندارد. ۴- و صفات / M و صفات.

۵- سیاح / در M عین زیر دارد. ۶- و / در M زیر دارد.

۷- غیر / در M زیر غین اظهار شده است.

۸- مایلیست / R مانلیست. در M مانند متن است.

۹- علوی / در M عین زیر دارد. ۱۰- صفات / در M صاد زیر دارد.

۱۱- مرتبۀ / M برتبۀ. ۱۲- بن / M ابن.

۱۳- مُجْمَلی / M مجمل.

۱۴- روحانیان / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۵- آمد / M امیذ. ۱۶- و تعالی / M ندارد.

۱۷- عظیم / M ندارد. ۱۸- نیامد / M نیامیذ.

۱۹- جهل / M جهل.

نسبت به عقل با او دشمن شد و^۱ گفت: یا رَبِّ! او^۲ خَلَقی است^۳ مثل من، او را آفریدی و اِکرام کردی و قوَّت دادی، مرا نیز آنقدر لشکر بده که او را دادی. خطاب رسید که: تو را نیز دادم. پس حَضَرَت - صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلَیْهِ - صِفَاتِ کمال را با اَضْدَادِ آن بیان می فرمایند که هر صِفَتِ کمال که بود^۴ به عقل دادند و اَضْدَادِ آن را به جَهِل دادند؛^۵ و اللّٰهُ اَعْلَمُ بِحَقَائِقِ^۶ الْأُمُور. آنچه به خاطر می رسد آنست که مراد از عقل، روحِ اِنسان است^۷ که او را قَابِلِیَّتِ اِتِّصاف به صِفَاتِ کمال کرامت کرده اند، و^۸ مراد از جَهِل، طَبِیْعَتِ عَنصری و روح حیوانی^۹ است که او را نفسِ اماره می خوانند و او مایلست به جَمِیعِ اَوْصافِ دَمِیمه و اِنسانِ کَامِل کسی است که این صِفَاتِ رذیله را از خود زایل گرداند به ریاضات و مجاهدات و موصوف گردد به اَخْلَاقِ اِلَهِی که صِفَاتِ کَمَالست. و شرح این سخن را نهایت نیست خصوصاً^{۱۰} از اَحَادِیثِ اَنْعَمَ مَعْصُومِین - صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِین - ولیکن^{۱۱} ناچار است که به شَمّه ای^{۱۲} از آن اشاره شود.

بدان - وَوَقَّفَكَ اللّٰهُ لِسَعَادَةِ الدَّارِیْنِ! - که قُرْبِ فَرایض^{۱۳} و^{۱۴} نوافلی که در حدیثِ مذکور

۱- و / در M زیر دارد.

۲- رَبِّ / M رب.

۳- او / M آن.

۴- خَلَقی است / M خلقیست.

۵- بود / M بود.

۶- دادند / در M حرف وایسین زیر دارد. از برای ملاحظه این حدیث بتفصیل آن نگر:

الکافی، تحقیق غفّاری، ۱/ ۲۱ - ۲۳.

۷- بحقائق / R بحقایق. M بحقایق.

۸- اِنسان / M انسانست.

۹- و / در M زیر دارد.

۱۰- حیوانی / M انسانی.

۱۱- خصوصاً / M خصوصاً.

۱۲- ولیکن / در M زیر یکم اظهار گردیده است.

۱۳- شَمّه ای / M شمه.

۱۴- فَرایض / در M حرفِ ماقبلی آخر نه نقطه دارد، نه همزه، و نه حرکت؛ تنها دندان دارد.

۱۵- و / در M زیر دارد.

وارد شده است، تحقیق او کماینفی مُتَعَبِّر است، بلکه مُتَعَذِّر، ولیکن^۱ هرچه را همه در توان یافتن^۲ همه را تَرک نباید کرد؛ اگر به آن اشاره شود مُهَيِّج^۳ شوق سالکانِ اِلَى الله خواهد بود و مُبَيِّنِ مَرَاتِب و حالاتِ امیرمؤمنان و^۴ مولای^۵ متقیان که این سلسله به آن حضرت منتهی می‌شود، و سالک^۶ عارف چون نَظَر کند، خواهد^۷ دید که در هر مرتبه^۸ از این^۹ مراتب ذاتِ مَقَدَّسِ مَرْتَبَوی در اوج کمالست؛ چرا که اَصْلِ خَلْقِ آن حضرت از نور است چنانکه در احادیث متواتره مُبَيِّن شد، و^{۱۰} اَنوَارِ اَوْصافِ اِلَهِی که به آن نور مُضَم گردد، نور علی نور^{۱۱} می‌شود؛ ﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ^{۱۲} وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ^{۱۳}﴾ و^{۱۴} اگر آنکه این بنده در هر مقامی اِنْبَات كنم از احادیثِ سُنیان^{۱۵} که آن حضرت به اعتقادِ ایشان سُلْطَانِ آن مقام است این کتاب^{۱۶} گنجایشی آن ندارد. اِنْ شاءَ الله بعد از این^{۱۷} کتابی بنویسم و در آنجا بیانِ مقامات کنم و^{۱۸} بیان کنم که این علوم مُسْتَفَاض^{۱۹} است از اَنوَارِ آن حَضَرَت - صَلَوَاتُ الله وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - بِعَوْنِ اللهِ الْمَلِكِ الْوَهَّابِ.

۱- ولیکن / در M حرفِ یکم زیر دارد. ۲- یافتن / M یافت.

۳- مُهَيِّج / M هیچ. ۴- و / در M زیر دارد.

۵- مولای / در M زیر یکم اظهار گردیده است.

۶- سالک / در M واپسین حرف زیر دارد. ۷- خواهد / M خواهد.

۸- هر مرتبه / M هر تبه. ۹- ازین / M از این.

۱۰- و / در M زیر دارد. ۱۱- به آن / M بآن.

۱۲- نور / در M راء تنوین جر دارد. ۱۳- یُضِيءُ / M یُضِيءُ.

۱۴- قرآن کریم: س ۲۴، ی ۳۵. ۱۵- و / در M زیر دارد.

۱۶- سُنیان / در M سین زیر دارد. ۱۷- کتاب / در M واپسین حرف زیر دارد.

۱۸- ازین / M از این. ۱۹- و / در M زیر دارد.

۲۰- مُسْتَفَاض / M مُسْتَفَاض.

پس بر سبیلِ اجمال بدان که در قرآن مجید آیاتی که دلالت می‌کند بر بلندی مراتبِ مؤمنان و اوصافِ کمالِ ایشان بسیار است^۱ و در حدیثِ همام^۲ که از مولای مؤمنان و کلامِ الله الناطق^۳ سؤال می‌کند از صفاتِ متقیان^۴ و مؤمنان^۵ و آن حضرت قریب به دویست و^۶ بیست و پنج صفت^۸ از برای او بیان کرد و^۹ او را تابِ شنیدنِ نمائند^{۱۰} و^{۱۱} در اثنای بیان^{۱۲} آن حضرت نعره‌ای^{۱۳} زد و جان به حق تسلیم کرد^{۱۴}؛ و در حدیثی دیگر که از حضرت جعفر بن^{۱۵} محمد الصادق - سَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ - منقولست که در کافی^{۱۷} مسطور است صد و پنجاه صفت است؛ و زیاده ازین^{۱۸} و^{۱۹} کمتر ازین^{۲۰} نیز احادیث بسیار است؛ و^{۲۱} از شیخ المشایخ ابوبکر کتانی^{۲۲} منقولست که: میانِ بنده^{۲۳} و خدای - تَبَارَكَ وَتَعَالَى

۱- بسیار است / در M راء زیر دارد. ۲- هَمَام / M همام.

۳- و / در M زیر دارد. ۴- الناطق / M ناطق.

۵- متقیان / در M واپسین حرف زیر دارد.

۶- و / در M زیر دارد. ۷- و / در M زیر دارد.

۸- صفت / در M صاد زیر دارد. ۹- و / در M زیر دارد.

۱۰- نمائند / M نمائند. ۱۱- و / در M زیر دارد.

۱۲- بیان / M بیان. ۱۳- نعره‌ای / M نعره.

۱۴- از برای ملاحظه این حدیث، نگر: شرح خطبة متقین مجلسی اول، حصص ۴۰-۴۶.

۱۵- بن / M این. ۱۶- الله / M ندارد.

۱۷- نگر: اصول کافی، با ترجمه و شرح آیه‌الله کمره‌ای، ط. أسوه، ۱۴/۵ - ۲۲، «باب المؤمن وعلاماته و صفاته»، ح ۱.

۱۸- ازین / M از این.

۱۹- و / در M زیر دارد. ۲۰- ازین / M از این.

۲۱- و / در M زیر دارد.

۲۲- کتانی / M کتانی. مراد ابوبکر محمد بن علی کتانی است (در گذشته به ۳۲۲ ه. ق.). درباره وی نگر: نفحات الأنس، ط. عابدی، ص ۱۸۱.

۲۳- بنده / M ندارد.

- هزار مقام است از نور و ظلمت^۱؛ و در احادیث نبوی - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - وارد است^۲ که میان بنده و^۳ حق - سُخْنَانَهُ وَ تَمَانِي - هفتاد هزار حجاب است^۴ از نور و ظلمت.^۵ و مشایخ صوفیه - رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - هریک^۶ به نحوی بیان کرده اند^۷ اَمَّا حَضْرَتِ خواجه عبدالله اَنصاری اُصُولِ اینها را در صد مقام^۸ آورده اند^۹ و در هر مقامی سه درجه ذکر کرده اند^{۱۰} و^{۱۱} اگرچه اَوَّل و آخر^{۱۲} مقام معلومست ولیکن^{۱۳} و سَط را مراتب غَیْرِ^{۱۴} متناهی است^{۱۵} و بدین سَبَب مقامات غیر متناهی می شود. لاجَرَم شروع شد در ذکر^{۱۶} اُصُولِ مقامات^{۱۷}:

بدان که آن ده^{۱۸} قسم است: بدایات^{۱۹} و^{۲۰} ابواب^{۲۱} و معاملات^{۲۲} و اخلاق^{۲۳} و

-
- ۱- «إِنَّ بَيْنَ الْعَبْدِ وَالْحَقِّ أَلْفَ مَقَامٍ مِنْ نُورٍ وَ ظِلْمَةٍ» (منازل السائرین، إعداده علی الشیرازنی، ص ۲۶؛ و: شرح منازل السائرین، القاسانی، تحقیق محسن بیدارفر، ص ۱۳ و ۱۴).
 - ۲- وارد است / M وارد است.
 - ۳- و / در M زیر دارد.
 - ۴- حجاب است / در M بایه زیر و سین زیر دارد.
 - ۵- نگر: شرح منازل السائرین، القاسانی، ص ۲۹۰.
 - ۶- هریک / در M یاء و کاف زیر دارند.
 - ۷- کرده اند / در M دال زیر دارد.
 - ۸- مقام / در M واپسین حرف زیر دارد.
 - ۹- آورده اند / در M واپسین حرف زیر دارد.
 - ۱۰- از برای مقامات صدگانه و درجات هر مقام نزد خواجه عبدالله اَنصاری، نگر: منازل السائرین، و: صد میدان.
 - ۱۱- و / در M زیر دارد.
 - ۱۲- و آخر / M و آخر.
 - ۱۳- ولیکن / زیر یکم در M اظهار شده است.
 - ۱۴- غَیْرِ / در M زیر یکم اظهار گردیده است.
 - ۱۵- متناهی است / M متناهیست.
 - ۱۶- ذکر / در M راء زیر دارد.
 - ۱۷- مقامات / در M قاف زیر دارد!
 - ۱۸- ده / M دو.
 - ۱۹- بدایات / در M تاء زیر دارد.
 - ۲۰- و / در M زیر دارد.
 - ۲۱- معاملات / در M تاء زیر دارد.
 - ۲۲- و / M ندارد.

أُصول^۱ و أودیه^۲ و أحوال و ولایات^۳ و حقایق و نهایات^۴.

أما بدایات^۵ دوازده بابست:

بابِ أَوَّلُ^۶ مقامِ یقظه است - یعنی: بیداری - و آن چنانست که آدمی که صاحب^۷ نفسِ اماره است^۸ از جهت^۹ تعلقاتِ جسمانیِ بدنِ از حق - سُبحانَه وَ تَعَالَى - دور افتاده است^{۱۰} و^{۱۱} به مشتهیات^{۱۲} نفسانی گرفتار شده است. چون توفیقِ اِلَهِی رَفِیقِ او می شود از خوابِ غفلت بیدار می شود چنانکه حق - سُبحانَه وَ تَعَالَى - می فرماید که: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْطِيكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ﴾^{۱۳} یعنی: بگو - یا مُحَمَّد! - که: من شمارا پند می دهم به یک کلمه^{۱۴} که بر خیزید ازین خوابِ غفلت از برای^{۱۵} خدای^{۱۶} تَعَالَى. و حضرت کلام الله اَللَّاهُ اَلنَّاطِقُ نیز بسیار می فرمایند در مواعظ^{۱۷} و نصایح^{۱۸} خود که: ای عباد الله! از خوابِ غفلت بیدار شوید و این بیداری به آن حاصل می گردد که بنده ملاحظه نماید نعمتهای اِلَهِی را و^{۱۹} ببیند که نعمتهای او غیرِ متناهیست و^{۲۰} بداند که در شکرِ آنها تقصیر کرده است و دیگر ملاحظه^{۲۱} نماید که با خود چه کرده است و خود را مُسْتَحِقِّ^{۲۲} عذابِ اِلَهِی

۱- و / در M زیر دارد.

۲- و / در M زیر دارد.

۳- ولایات / در M حرفِ یکم زیر دارد.

۴- و / در M زیر دارد.

۵- نهایات / در M تاء زیر دارد.

۶- بدایات / در M تاء زیر دارد.

۷- أَوَّلُ / در M بیاض است. و در هامش کاغذ یک «اول» کوچک نوشته شده.

۸- صاحب / M صاحب.

۹- اماره است / M اماره.

۱۰- اماره است / M افتاد است.

۱۱- جهت / در M جیم زیر دارد.

۱۲- مشتهیات / M مشیتات.

۱۳- و / در M زیر دارد.

۱۴- کلمه / در M «م» زیر دارد.

۱۵- برای / در M یاء زیر دارد.

۱۶- خدای / در M یاء زیر دارد.

۱۷- مواعظ / M مواعظ.

۱۸- نصایح / M نصیحت.

۱۹- و / در M نیامده است.

۲۰- و / در M زیر دارد.

۲۱- ملاحظه / در M حاء زیر دارد.

۲۲- مُسْتَحِقِّ / M مُسْتَحَقِّ.

گردانیده است؛ پس مهیّا گردد که در مقامِ تلافی و تدارك درآید. و^۱ دیگر بدانند که: اوقات^۲ عزیز - که سرمایه عمر اوست^۳ همه را بر باد فنا داده است و^۴ روز به روز در نقصان بوده است؛ انحال مهیّا شود که تحصیل کمالات کند و^۵ کاری کند که هر روز در زیادتى باشد چنانکه کلام الله الناطق می فرماید که: مَنِ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ^۶؛ یعنی: هر که دو روز او مساوی باشد او مغبون است.^۷ پس بعد از ملاحظه اینها و امثال اینها در مقام توبه درمی آید.

باب دوم^۸ توبه است چنانکه خدای - تبارک و تعالی - می فرماید که: ﴿ثَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا﴾^۹؛ یعنی: بازگشت کنید به پروردگار خود توبه [ای که نصیحت کننده خلق باشد. یعنی: هر که اثر توبه را از شما ببیند متنبه شود و او نیز از معاصی بازآید، یا آنکه توبه کنید که هر چه از عمر ضایع کرده اید به سبب این توبه به اصلاح آورید. و احادیث در ترغیب توبه بسیار است، بلکه وجوب توبه از ضروریات دین است.^{۱۱}

و توبه صحیح وقتی حاصل می شود^{۱۲} که بدانی گناهان را و^{۱۳} آنکه در وقت معصیت^{۱۴} حق - سبحانه و تعالی - در^{۱۵} حال تو مطلع بود^{۱۶} و تو مصیر بودی بر گناهان. به سبب این^{۱۷}

۱- و / در M زیر دارد.

۲- اوقات / در M تاء زیر دارد.

۳- اوست / M است.

۴- و / در M زیر دارد.

۵- مغبون / در M «ن» تنوین جر دارد. از برای این روایت نگر: اسمالی ی صدوق، تحقیق مؤسسه البعثه، ص ۷۶۶؛ و: معانی الأخبار صدوق، ط. غفاری، ص ۳۴۲.

۶- مغبون است / M مغبونست.

۷- دوم / M اول.

۸- نَصُوحًا / M نَصُوحًا R نَصُوحًا.

۹- قرآن کریم: س ۶۶، ی ۸.

۱۰- دین است / M دینست.

۱۱- می شود / M می آید.

۱۲- و / در M زیر دارد.

۱۳- معصیت / M معصیت.

۱۴- در / چنین است در R و M.

۱۵- بود / M بود.

۱۶- این / در M نیامده است.

معنی، تو را^۱ بشیمانی حاصل شود و به زبان در مقام عُدْر دَر آیی^۲ و اعضا^۳ و جوارح^۴ خود را باز داری از معاصی. و هر کس را توبه از چیز است: عَوَام از معاصی و خواص از ترک مندوبات و ارتکاب مکروهات^۵ و خاصّ الخاص^۶ از تَوَجُّه^۷ به غیر حق - سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى^۸ - و اگر چه آن نزد ابرار از حَسَنَاتِ ایشان است^۹ ولیکن^{۱۰} سَيِّئَاتِ^{۱۱} مُقَرَّبَانست و ازین^{۱۲} جِهَت [است] که پیغمبر - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ^{۱۳} - می فرماید که: من هر روز هفتاد^{۱۴} نوبت استغفار می کنم^{۱۵}، و اَئِمَّةُ معصومین - صَلَوَاتُ^{۱۶} اللهُ عَلَيْهِمُ أَجْمَعِينَ - همیشه در مقام اعتذار بودند؛ چرا که ایشان را مقام «لَبِیْ مَعَ اللهِ وَ قَدْ لَا یَسْتَعْنِیْ [فِیْهِ] مَلَكٌ مُّقَرَّبٌ وَ لَا نَبِیٌّ^{۱۷} مُّرْسَلٌ»^{۱۸} بود، یعنی: مرا با خدا و قتیست که در آن وقت راه ندارد و گنجایش ندارد نه فرشته مقرب و نه نبی مرسل، و چون به امرِ الهی از جهتِ إصلاحِ عَوَام مأمور بودند به تبلیغ احکام و توجّه به غیرِ الهی و^{۱۹} جهاد کافران هر چند از یاد او غافل نبودند و^{۲۰} در سیرِ الله بودند ولیکن نزد سیرِ مَعَ اللهِ و فی اللهِ در معصیت بودند. ازین جهت

-
- ۱- را / M ندارد. ۲- در آیی / M در آئی.
- ۳- اعضا / M اعضاء. ۴- جوارح / M جوارح.
- ۵- مکروهات / در M تاء زیر دارد.
- ۶- خاصّ الخاص / در M واپسین حرف زیر دارد.
- ۷- تَوَجُّه / M توجه. ۸- وَ تَعَالَى / M ندارد.
- ۹- ایشان است / M ایشانست. ۱۰- ولیکن / در M زیر یکم اظهار شده است.
- ۱۱- سَيِّئَات / M سیئات. ۱۲- ازین / M از این.
- ۱۳- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ / M ص. ۱۴- هفتاد / در M تاء زیر دارد.
- ۱۵- می کنم / M می کنم. نصّ حدیث مورد نظرِ ملجسی اوّل احتمالاً این است: «إِنِّی لَأَسْتَغْفِرُ اللهُ فِی الْیَوْمِ سَبْعِینَ مَرَّةً» (نگر: شرح منازل السائرین، القاسانی، ص ۱۰۵، هامش).
- ۱۶- صَلَوَاتُ / در M تاء زیر دارد. ۱۷- وَ لَا نَبِیَّ / در M مکرر نوشته شده است.
- ۱۸- این عبارت به عنوان حدیث در متون صوفیانه بس متداول است. درباره آن، نگر: شرح خطبة متقین مجلسی اوّل، ص ۷۵، هامش. ۱۹- و / در M زیر دارد.
- ۲۰- و / در M زیر دارد.

ازینها^۱ استغفار می‌کردند. پس بعد ازینها^۲ در مقام محاسبه در می‌آید.

باب سیم، محاسبه است: چنانکه خدای - تبارک و تعالی - می‌فرماید که: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَنْظُرْ^۳ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ^۴﴾ یعنی: ای مؤمنان! از خداوند خود بترسید و^۵ باید که هر نفسی نظر کند و فکر کند که چه پیش فرستاده است از جهت فردای خود. و از خاتم النبیین^۶ و اشراف المرسلین^۷ (ص) منقولست که فرمودند که: حَاسِبُوا^۸ أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا^۹؛ یعنی: محاسبه کنید نفوس خود را پیش از آنکه شما را محاسبه کنند.

۲- ازینها / M از اینها.

۱- ازینها / M از اینها.

۴- قرآن کریم: س ۵۹، ی ۱۸.

۳- وَلْيَنْظُرْ / در M لام زیر دارد.

۶- خاتم النبیین / در M تاء و میم زیر دارد.

۵- و / در M زیر دارد.

۸- حَاسِبُوا / در M سین زیر دارد.

۷- المرسلین / M المسلمین.

۹- حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا / به عنوان حدیث نبوی آمده است در:

محاسبه النفس ابن طائوس (چاپ شده در: ثرائد ج ۴۶)، ص ۳۵۰ و ۳۶۸؛ و: وسائل الشیعة (ط). مؤسسه آل البيت - عليهم السلام، ۱۶ / ۹۹ (به نقل از محاسبه النفس ابن طائوس)؛ و: بحار الأنوار، ۶۷ / ۷۳ ش ۲۶ (به نقل از محاسبه النفس)؛ و: وصیة نافعه ی شهید ثانی (چاپ شده در: ثرائد ج ۱۴)، ص ۲۱۳؛ و: شرح المقاصد تفتازانی، ۲ / ۲۲۲؛ و: الفتوحات المکیة ابن عربی، ۱ / ۲۱۱ و ۴ / ۴۷۶.

همچنین به عنوان حدیث علوی آمده است در:

عُرْوَةُ الْحِکْمِ آمدی؛ و: عِیُونَ الْحِکْمِ وَالْمَوَاعِظِ واسطی، ط. دارالحدیث، ص ۲۳۱؛ و: أعلام الدین دلمی، ط. مؤسسه آل البيت - عليهم السلام - ص ۲۵۱؛ و: مستدرک الوسائل، ط. مؤسسه آل البيت - عليهم السلام -، ۱۲ / ۱۵۴ (به نقل از عُرْوَةُ آمدی).

همچنین در بعضی منابع روایی به جمله «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا» در زمره سخنانی بازمی‌خوریم که نقل شده است که بر درهای بهشت یا دوزخ نوشته شده‌اند. (نگر: مستدرک الوسائل، ط. مؤسسه آل البيت - عليهم السلام -، ۱۲ / ۱۵۳ (به نقل از روضه و فضائل شاذان بن جبرئیل)؛ و: الروضة شاذان بن جبرئیل، تحقیق شکرچی، ص ۱۷۷؛ و: الفضائل شاذان بن جبرئیل، ط. نجف اشرف، ص ۱۵۴؛ و: العقد النضید قمی، ص ۲۴؛ و: مدینه المعالج بحرانی، ص ۷۷).

و درین باب کَفَعُمی^۱ کتابی نوشته است موسوم به مُحاسبة النَّفْسِ التَّوَّامَةِ^۲. باید که بدان رجوع کنی. و^۳ مُجْمَلَش آنست که باید که بنده بداند که بر هر نَفْسِ از أَنْفاس^۴ او را حساب خواهند کرد که او را از برای حق - سُبحانَهُ وَ تَعَالَى - برآورده است یا از برای شیطان و^۵ هوا و^۶ هر نعمتی که به آدمی داده اند^۷ از اعضاء و جوارح و^۸ قوای ظاهر

→ ط. مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۲ / ۳۶۱؛ و: نظم دُرِّ الیَمِّطَینِ زَرَنْدِ حَنَفِی، ص ۱۲۴؛ و: معارج الوصولِ زَرَنْدِ شافعی، ص ۵۰.

در پاره‌ای از منابع اهلِ تسنن این سخن از عمر بن خطاب نقل گردیده است (نگر: سنن الترمذی، ط. دارالفکر، ۴ / ۵۴؛ و: المصنّف ابن‌ابی شیبۀ کوفی، ۸ / ۱۴۹؛ و: تاریخ مدینة دمشق ابن عساکر، ۴۴ / ۳۱۴ و ۳۵۷) و احتمالاً از همینجا به عنوانِ «حدیثِ مرفوع» در پاره‌ای از منابع اهلِ تسنن مجالِ طرح یافته (نگر: شرح نهج البلاغه‌ی ابن‌ابی‌الحدید، تحقیق محمد أبوالفضل یراهیم، ۱۹ / ۲۸؛ و: سنج: کز العمال، ۱۶ / ۱۵۹).

۱- شیخ کَفَعُمی (تقی الدّین یراهیم بن علی بن حسن بن محمد بن صالح بن اسماعیل حارثی ۸۲۰-۹۰۵ ه.ق.)، از مشاهیر فضلاء و محدثانِ اِمامیه و مردی ادیب و شاعر و عابد بوده است. لفظِ کَفَعُمی، نسبت است به کَفَعُم (بر وزنِ زَمَزَم) که دیهی است از دیه‌های جَبَلِ عامِل. دو کتابِ جَنَّةُ الْأَمَانِ الواقِیة و جَنَّةُ الْإِیمانِ الباقِیة (معروف به المصباح) و هم‌چنین الْبَدَأُ الْمِینِ او که هر دو در زمره کتابهای نیایش و زیارت و آدابِ عبادی اند آوازه‌ای بلند یافته‌اند. از دیگر آثارِ اوست: المقامُ الْأَسْنِی فی تفسیر الْأَسْماءِ الْحُسْنِی. درگذشتِ کَفَعُمی در کربلا رُخ داده است.

درباره وی، نگر: فهرس التراث، ۱ / ۷۸۳ و ۷۸۴.

۲- R اللّوامة. این کتاب - که نامِ کاملِ آن را «محاسبة النفس اللّوامة و تنبيه الروح اللّوامة» گفته‌اند - تحتِ عنوانِ محاسبة النفس به تحقیقِ فارس الحسّون در قم از سوی مؤسسه قائم آل محمد - عج - (ط: ۱، ۱۴۱۳ ه.ق.) انتشار یافته است.

۳- و / در M زیر دارد. ۴- أَنْفاس / در M سین زیر دارد.

۵- و / در M زیر دارد. ۶- و / در M زیر دارد.

۷- داده‌اند / در M واپسین حرف زیر دارد.

۸- و / در M زیر دارد.

و باطن و غیر آن از نعمتها از آن^۱ حساب خواهند خواست و هر چیزی را از برای کاری داده‌اند و فردا بر آن حساب خواهند کرد. پس باید که سَالِک^۲ امروز وقت و فرصت را غنیمت شمارَد و آنچه او را باید کرد بکند^۳ و هر عضوی را به کاری که طلبیده‌اند^۴ بدارد^۵ و اموال خود را در راه معبود خود اینثار کند و آنفاس خود را بی یاد حق - سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى - برنیاورد. ^۶ پس بعد ازین^۷ در مقامِ اِنَابَت درمی‌آید.

باب چهارم اِنَابَت است؛ چنانکه حق - سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى - می‌فرماید که: ﴿وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ﴾^۸ یعنی: رجوع کنید^۹ به پروردگار خود و اِنَابَت بازگشتن است به حق - سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى - به اصلاح اعمال چنانکه توبه، بازگشتن است به اعتذار^{۱۰} به مقال و اِنَابَت مُصْیَح توبه است؛ چنانکه خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى -^{۱۱} می‌فرماید که: ﴿الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ يَتَّبِعُوا فَآوْا إِلَيْكَ آتُوبٌ عَلَيْهِمْ﴾^{۱۲} یعنی: آن جماعتی که توبه کنند و به اصلاح آورند کارهای خود را و^{۱۳} ظاهر گردانند بر خود آثارِ توبه را، پس ازین^{۱۴} جماعت قبول می‌کنم توبه ایشان را. و^{۱۵} آیات برین مضمون بسیارست.^{۱۶} و منقول است^{۱۷} از رسول خدا - صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آله^{۱۸}

۱- آن / در M «ن» زیر دارد.

۲- سَالِک / M سَالِک.

۳- بکند / در M باء زیر دارد.

۴- بدارد / M بدارند.

۵- برنیاورد / M برنیاورد.

۶- پس ازین / M از این.

۷- بکند / M کند.

۸- خدای - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - / M حق سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى.

۹- قرآن کریم: س ۲، ی ۱۶۰.

۱۰- قرآن کریم: س ۳۹، ی ۵۴.

۱۱- اعتذار / در M راء زیر دارد.

۱۲- و / در M زیر دارد.

۱۳- و / در M زیر دارد.

۱۴- بسیارست / M بسیار است.

۱۵- و منقول است / M و منقولست.

۱۶- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آله / M ص.

۱۷- و منقول است / M و منقولست.

۱۸- صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آله / M ص.

- که: هرگاه تائب اثر توبه بر او^۱ ظاهر نشود او تائب نیست و اثر توبه آنست که خصمان^۲ خود را راضی کند خواه مال از ایشان^۳ بُرده باشد یا هتکِ عِرْضِ^۴ ایشان کرده باشد یا غیبتِ ایشان کرده باشد یا بریشان^۵ ستمی کرده باشد و نمازهایی^۶ که نکرده است به جای آورد و^۷ با خَلایق در مقامِ تواضع^۸ و فروتنی درآید و نفسِ خود را از خواهشهای نفسانی و مُستلذاتِ جسمانی بازدارد و^۹ گردنِ خود را ضعیف و نحیف کند به روزه^{۱۰} و روز و رنگ^{۱۱} خود را زرد کند به عبادتِ شب و بیداری و شکمِ خود را لاغر^{۱۲} کند به گرسنگی و پُشتِ خود را به منزلهٔ کمان کند از ترسِ آتشِ جَهَنّم و استخوانهای خود را بگدازد^{۱۳} از شوقِ^{۱۴} بهشت و دلِ^{۱۵} خود را بارقت کند و^{۱۶} با گریه و زاری باشد از ترسِ مَلِکِ الموت و پوستِ بدنِ خود را تنک کند به تفکر در اُمورِ آخرت. پس اینها اُتْرِ توبه است و هرگاه بندهٔ تائب را برین صفات^{۱۷} ببینید،^{۱۸} بدانید^{۱۹} که او توبهٔ نَصوح کرده^{۲۰} است. و باز منقولست از حضرتِ کلامِ الله التَّائِبُ و بابِ الله الصَّافِقُ^{۲۱} که شخصی

۱- بر او / M برو. ۲- خصمان / M خصیمان.

۳- از ایشان / M از ایشان. ۴- هتکِ عِرْضِ / در M کاف و راه زیر دارند.

۵- بریشان / M بر ایشان. ۶- نمازهایی / M نمازهایی.

۷- و / M ندارد. ۸- تواضع / در M ضاد زیر دارد.

۹- و / در M زیر دارد. ۱۰- روزه / M روزو.

۱۱- رنگ / در M کافِ پارسی زیر دارد. ۱۲- لاغر / در M غین زیر دارد.

۱۳- بگدازد / M بگدازد. ۱۴- شوق / زیر شین در M اظهار شده است.

۱۵- و دل / M و دل. ۱۶- و / در M زیر دارد.

۱۷- صفات / M صفات. ۱۸- ببینید / M به بیند.

۱۹- بدانید / M بدانند. ۲۰- کرده / M کرده.

۲۱- الصَّافِقُ / M الصَّافِقُونَ. این تعبیر را در الزَّواشِحِ السَّمَاوِیَّهِ میرداماد (ط) دارالحدیث، ۷۰

در حضور آن حضرت گفت: اَسْتَغْفِرُ الله! حضرت فرمود که: مادرت به مصیبت بنشیند!^۱ می‌دانی که استغفار^۳ چیست؟ بدرستی که استغفار^۲ درجه بلند مرتبگانست؛ و این اسمی است^۵ که لازم دارد شش چیز را^۶؛ اول، پشیمانی بر گذشته‌ها؛ دوم، عزم بر آنکه دیگر به^۸ آن مصیبت^۹ بازگشت نکنی هرگز؛ سیم، آنکه حقوق خلق خدا را به^{۱۰} ایشان ادا کنی تا در صحرای محشر کسی را بر تو حَقّ نباشد؛ چهارم، هر فریضه که ترک کرده‌ای همه را به جای آوری؛ پنجم، این گوشتی که در بدن تو به مصیبت روییده^{۱۱} است، به غَم و^{۱۲} اَلَم و گریه و زاری و ریاضت^{۱۳} بگذازی^{۱۴} تا آنکه پوست به^{۱۵} استخوان چسبد^{۱۶} پس گوشتی تازه به عبادت^{۱۷} و^{۱۸} طاعت به هم رسد؛ ششم، آنکه بدن را^{۱۹} اَلَم طاعات بجشانی چنانکه خلاوت مصیبت چشاییده‌ای^{۲۰}.

→ (ص ۲۳) نیز می‌بینیم. ۱- بنشیند / M نشیند.

۲- تعبیر «ثُكِّلَتْكَ اَمْك» که مرحوم مجلسی اَوَّل بدین ریخت ترجمه کرده تعبیری است که عَرَب در مقام اِنکار فراوان به کار می‌برده و حقیقت لفظ آن را اِرادۀ نموده است (نگر: فتح الباری ی ابن حجر، ۷/ ۳۴۴، و ۱۳/ ۴۰، و: عمدة القاری ی عینی، ۱۷/ ۲۱۸).

۳- استغفار / در M راه زیر دارد. ۴- بدرستی که استغفار / M ندارد.

۵- است / M است. ۶- را / M ندارد.

۷- بر / M از. ۸- به / M بر.

۹- مصیبت / M مصیبت. ۱۰- به / M با.

۱۱- روییده / M روئیده. ۱۲- و / در M زیر دارد.

۱۳- ریاضت / M ریاضات. ۱۴- بگذازی / M بگذاری.

۱۵- به / M بر.

۱۶- چسبد / چُنین است در R به بایِ پارسی. M چسبد.

۱۷- عبادت / در M تاء زیر دارد. ۱۸- و / در M زیر دارد.

۱۹- را / M و.

۲۰- چشاییده‌ای / M چشاییده. از برای نصّ روایت، نگر: نهج البلاغه، با ترجمه دکتر ع

و أخبار برین مضمون بسیارست^۱ و این مقام گنجایش آنها ندارد.^۲ پس بعد ازین در مقام^۳



→ شهیدی، ص ۴۲۶، ش ۴۱۷. ۱- بسیارست / M بسیار است

۲- ندارد / M + تمام شد بتوفیق الله تعالی. الباقی را M ندارد.

۳- در مقام / مطلب در دستنویست R همینجا تمام گردیده و باقی سپید گذاشته شده است.

- مؤسسه امام صادق؛ ۳۴۶، ۵۵۳، ۵۵۴. نشر حرمین؛ ۵۶۳
- ۵۶۰، ۵۶۵. نشر دلیل ما؛ ۵۵۵
- مؤسسه دارالکتاب؛ ۵۵۵. نشر ذوی القربی؛ ۵۵۸، ۵۶۷
- مؤسسه سیدالشهداء؛ ۵۵۶، ۵۶۰. نشر رابین؛ ۵۹۲
- مؤسسه شمس الضحی؛ ۵۸۸، ۵۹۳، ۵۹۵. نشر صدرا؛ ۵۶۷
- مؤسسه صاحب الامر؛ ۵۶۲. نشر عسکریه؛ ۵۶۷
- مؤسسه فقه الثقلین؛ ۵۶۴. نشر عطر عترت؛ ۵۵۹
- مؤسسه فقه الشیعه؛ ۳۴۶. نشر قدس محمدی؛ ۵۶۶
- مؤسسه قائم آل محمد؛ ۳۲۵. نشر گلدسته اصفهان؛ ۳۲
- مؤسسه مطالعات اسلامی؛ ۵۷۳. نشر مدین؛ ۵۹۳
- مؤسسه نشر اسلامی؛ ۵۵۳، ۵۵۴. نشر مرسل؛ ۵۹۰، ۵۹۳
- ۵۵۷-۵۶۶. نشر مرصاد؛ ۵۶۲
- مؤسسه ولی عصر؛ ۵۵۹. نشر مهر؛ ۵۶۷
- نجف اشرف؛ ۲۲۲، ۳۲۴، ۵۵۷، ۵۵۹. نشر مهر قائم اصفهان؛ ۳۱
- ۵۶۰، ۵۹۵، ۶۰۵، ۶۰۷. نشر میراث مکتوب؛ ۳۱
- نشر اسلامی؛ ۵۵۳-۵۵۵، ۵۶۱، ۵۶۳. نشر مؤمنین؛ ۵۵۹
- نشر اسماعیلیان؛ ۱۴۷، ۵۵۴، ۵۵۸، ۵۵۹. نشر ناصر خسرو؛ ۴۶
- ۵۶۳، ۵۶۶. نشر نوید اسلام؛ ۳۱
- نشر اسوه؛ ۱۴۳، ۵۵۵. نشر یاس بهشت؛ ۵۹۵
- نشر الفقاهه؛ ۵۵۷. ورامین؛ ۳۶۳
- نشر بوستان کتاب؛ ۵۸۸. یمن؛ ۳۷، ۳۲

فرق، مذاهب، طوائف

غالیان: ۴۹، ۵۲	۵۴۵، ۵۴۸، ۵۵۱، ۵۵۲
قدریہ: ۱۰۵، ۱۱۹	اخباری: ۳۶۵
قمریش: ۱۴۱، ۱۵۵، ۲۴۳، ۲۴۸، ۲۷۶	امامیہ: ۳۳۹، ۴۲۶
۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۱	اہل اللغة ← لغویون
لغویون: ۳۸۳، ۴۲۶، ۵۰۸، ۵۳۴، ۵۴۳	بابیت: ۵۸۶
۵۴۵، ۵۴۸، ۵۵۱، ۵۵۲	بنی اسرائیل: ۲۰۷، ۲۴۲
مرجئہ: ۱۰۵، ۱۱۹	بنی مخزوم: ۳۹، ۴۲
مُضَر (طایفہ): ۲۳۳	خوارج: ۱۰۵، ۱۱۹
مفسرون: ۴۲۶، ۴۲۸	ربیعہ (طایفہ): ۲۳۳
ناصری: ۱۰۵	شہدائ: ۷۴، ۷۷
نصاری: ۳۳۵	شیخیہ: ۳۶۵
نصرانی: ۳۳۵	صالحین: ۷۴، ۷۷
وہابیت: ۵۷۵	صدیقین: ۷۴، ۷۷
یہود: ۲۷۸، ۳۳۴	صوفیہ: ۳۲۰
	طبیعیون: ۳۸۰